

رضا شاہ کیم

یا

ایران تو

بقلم۔ اے۔ پی۔ اول ساتن

مترجمہ۔ عبدالعزیم صبُوری

رضا شاه کیمیر

یا

ایران نو

بقلم . ایل . پی . ایول ساتن مشرق معروف گلخانی

ترجمہ . عبدالعزیزم صبوری

چاپ دوم

حق چاپ محفوظ و مخصوص مترجم است

قیمت : دویست ریال



چاپ «تابش» تهران

سعیا مرد نکونام منی سر و گردن
مرد و آنست که ماش بکنوئی نبرد

منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالک پسر و تاسیب نوہ ارشام بخشش
ا ہور مرد شاهی را مبن اعطای کرد ، ا ہور مرد صراحتی کرد
تا این ملک را بدست آورم بفضل ا ہور مرد من سلطنت را
دارا گشتم .

ای آنکه پس از این شاه خواهی بود مردمی را که در علو باشد و آنرا که سید
کند دوست بباش ازا و باشمیش را پیش کن .

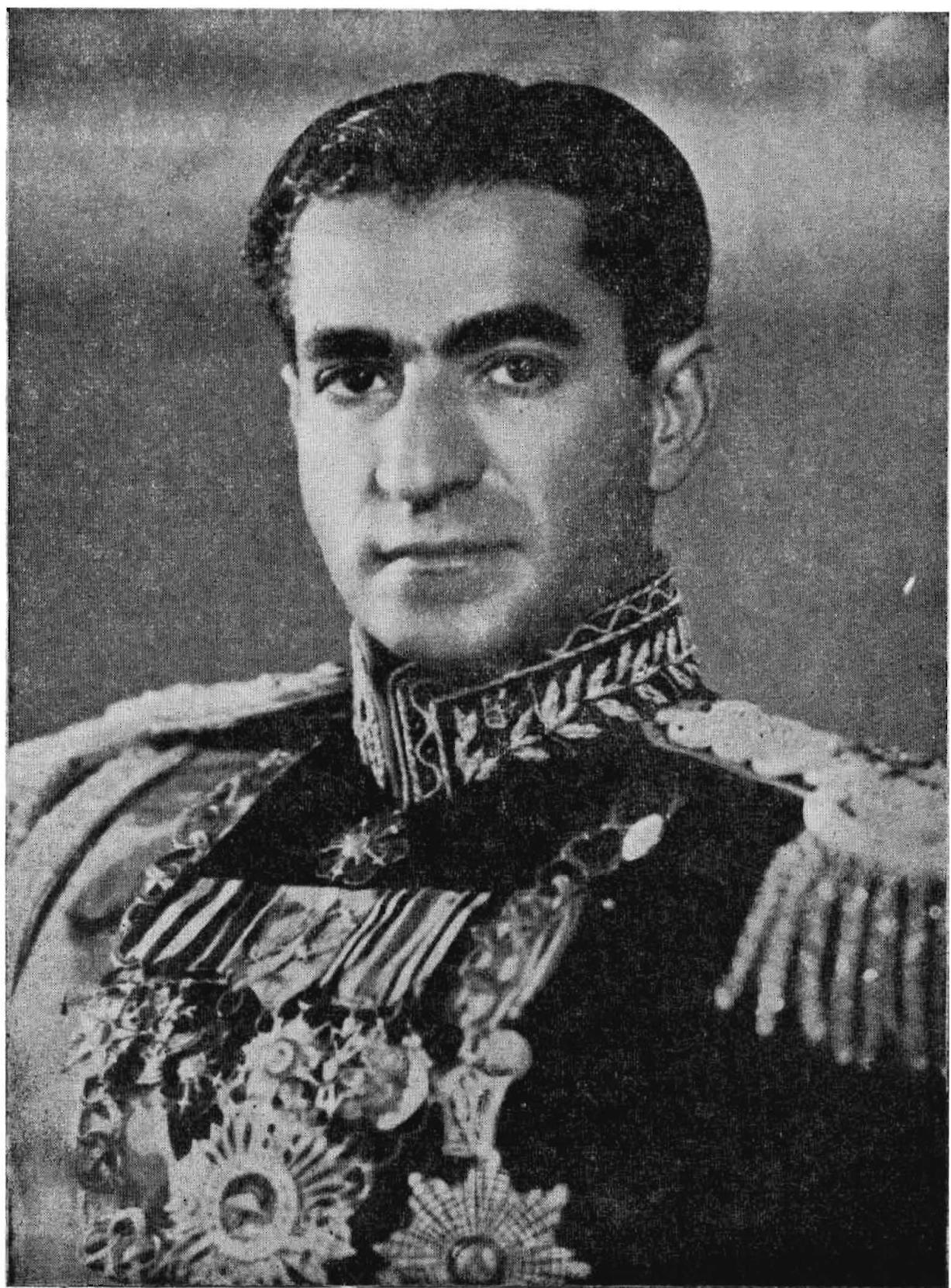
« ذکر تیسمه داریوش که بسیر درستون ۷۰
در همادایرانی قوه ای وجود دارد که هستی فاتحین را میبلعد و هر خیر را
همضم میکند ولی خودش همیشه زنده و پایید است .

ال . پ . الول ساتن

४



اعلیحضرت رضا شاه کبیر



اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران



فهرست کتاب رضا شاه گپیر یا ایران فو

صفحه	موضوع
۱۵	۱ - مقدمه مترجم
۲۵	۲ - مقدمه چاپ دوم
۲۹	۳ - مقدمه نویسنده کتاب
۳۳	۴ - یادداشت چاپ دوم
۳۶	۵ - فصل اول - کشور ایران
۴۴	۶ - « دوم - دشت خوزستان و بلوچستان
۴۸	۷ - « سوم - سلسله جبال البرز و دریای خزر
۵۳	۸ - « چهارم - وضعیت جغرافیائی ایران
۶۱	۹ - « پنجم - دوره باستانی ایران
۶۸	۱۰ - « ششم - سلاطین سلسله هخامنشی
۸۵	۱۱ - « هفتم - پارت‌ها یا اشکانیان
۹۸	۱۲ - « هشتم - سلسله ساسانیان
۱۰۸	۱۳ - « نهم - ظهور پیامبر بزرگ اسلام

موضوع

صفحه

۱۱۵	۱۴ - فصل دهم - حمله اعراب به ایران
۱۲۱	۱۵ - « یازدهم - خلافت عباسیان
۱۲۸	۱۶ - « دوازدهم - رواج مذهب حقه جعفری در ایران
۱۳۹	۱۷ - « سیزدهم - حمله ترکها و مغولان به کشور ایران
۱۵۰	۱۸ - « چهاردهم - پادشاهان سلسله صفوی و نادر شاه
۱۵۷	۱۹ - « پانزدهم - توسعه و پیشرفت نفوذ غرب در ایران
۱۶۴	۲۰ - « شانزدهم - احداث خطوط تلگراف و راه آهن در ایران
۱۶۹	۲۱ - « هفدهم - تأسیس مدارس خارجی در ایران
۱۷۲	۲۲ - « هیجدهم - نهضت مشروطه خواهان و پیدایش نفت ایران
۱۷۹	۲۳ - « نوزدهم - توسعه و پیشرفت نفوذ آلمان در ایران
۱۸۳	۲۴ - « بیستم - رژیم رضا شاه پهلوی
۱۹۵	۲۵ - « بیست و یکم - ولیعهد و خاندان رضا شاه
۲۲۸	۲۶ - « بیست و دوم - تشکیل ارتش نوین ایران
۲۳۳	۲۷ - « بیست و سوم - مجلس شورای اسلامی و سازمانهای اداری
۲۳۹	۲۸ - « بیست و چهارم - سازمانهای کشوری و قضائی
۲۴۵	۲۹ - « بیست و پنجم - پایه واساس اقتصادی ایران
۲۵۶	۳۰ - « بیست و ششم - کشاورزی و راهسازی
۲۶۳	۳۱ - « بیست و هفتم - راه آهن ایران
	۳۲ - « بیست و هشتم - بنادر، کشتیرانی، هوا پیمایی، تلگراف و رادیو، کارخانجات
۲۷۶	

موضوع

صفحه

۲۸۹	۳۳ - فصل بیست و نهم - نفت ایران
۳۴	۳۴ - «سی ام - شهرسازی، بازارگانی داخلی و خارجی ،
۲۹۵	۳۵ - احصارهای امور ارزی
۳۰۳	۳۶ - «سی و یکم - کمرکمالیات‌ها، بانک‌ها، بودجه
۳۱۴	۳۷ - «سی و دوم - ترقیات اجتماعی
۳۲۹	۳۸ - «سی و سوم - بهداشت و فرهنگ
۳۴۹	۳۹ - «سی و چهارم - دبیرستانها، دانشگاه
۳۶۴	۴۰ - «سی و پنجم - آموزشگاه‌های سالمندان، تغییر لباس، اقلیت‌ها، مطبوعات
۳۷۶	۴۱ - «سی و ششم - رادیو، سینما، آثار باستانی
۳۸۶	۴۲ - «سی و هفتم - روابط خارجی
۳۹۱	۴۳ - «سی و هشتم - امتیاز نفت و اختلاف دولت ایران باشرکت نفت
۳۹۹	۴۴ - «سی و نهم - روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیه شوروی
۴۰۵	۴۵ - «چهل - روابط سیاسی و بازارگانی ایران با آلمان
۴۱۳	۴۶ - «چهل و یکم - روابط ایران با همسایگان خود
۴۲۷	۴۷ - «چهل و دوم - موقعیت ایران در جهان کنونی
۴۳۳	۴۸ - «چهل و سوم - نفت خاورمیانه و خطوط ارتباطی
۴۳۷	۴۹ - «چهل و چهارم - بیطرفی ایران در جنگ دوم جهانی
۴۴۲	۴۹ - «چهل و پنجم - اهمیت ایران در پیروزی متفقین

موضوع

صفحه

- | | |
|-----|---|
| ٤٤٧ | ٥٠ - فصل چهل و ششم - بریتانیا و ایران |
| ٤٥٥ | ٥١ - « چهل و هفتم - مقدمات جنگ دوم جهانی |
| ٤٧٩ | ٥٢ - « چهل و هشتم - آغاز جنگ دوم جهانی |
| ٤٨٧ | ٥٣ - « چهل و نهم - حمله آلمان به روسیه شوروی |
| ٤٩٩ | ٥٤ - « پنجاه و یکم - منشور اتالانتیک |
| ٥٠٢ | ٥٥ - « پنجاه و یکم - اثرات جنگ روسیه و آلمان واستعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر |
| ٥١٨ | ٥٦ - « پنجاه و دوم - پیمان اتحاد سه گانه |
| ٥٧ | ٥٧ - « پنجاه و سوم - اعلامیه ملل متحد، اعلان جنگ ایران به آلمان، اعلامیه سران سه دولت |
| ٥٣٤ | ٥٨ - « پنجاه و چهارم - حمله ژاپون به ایالات متحده امریکا |
| ٥٥٠ | ٥٩ - « پنجاه و پنجم - تسلیم آلمان و ژاپون و پایان جنگ دوم جهانی |

فهرست عکس‌های کتاب رضاشاه کبیر یا ایران نو

صفحه	موضوع
۵	۱ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر
۷	۲ - اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران
	۳ - نقوش بر جسته نقش هامورابی و قسمتی از کتبه زرتشت
۵۹	که در شوش بدست آمده و اکنون در موزه ایران باستان است
۶۵	۴ - کعبه زرتشت در (نقش رستم) نزدیک تخت جمشید
۶۹	۵ - تخت جمشید قصر داریوش کبیر بنام تالار آینه (تچر)
۷۵	۶ - فارس پازار گادآرامگاه کورش کبیر
۸۱	۷ - کتبه معروف و مشهور بیستون
	۸ - تخت جمشید نقوش بر جسته شیروگاو که مکر ردر پله کانها حجاری شده است
۸۹	
۹۵	۹ - تخت جمشید، نقوش بر جسته داریوش و خشایارشا از کاخ سه دروازه کرمانشاه، طاق بستان، نقش بر جسته خسرو پرویز در حال
۱۰۱	۱۰ - شکار از آثار ساسانی
	۱۱ - اصفهان، معراج کاشی کاری نفیس و منبر سنگی مدرسه
۱۱۱	چهار باغ از آثار صفویه
۱۲۹	۱۲ - تخت جمشید، نقش بر جسته داریوش کبیر و خشایارشا
	۱۳ - سرستون عقاب که اخیراً در تخت جمشید کشف شده است
۱۴۷	مربوط بکاخ آپادانا
۱۵۳	۱۴ - ایوان و گنبد مسجد شاه اصفهان از آثار صفویه
۱۶۱	۱۵ - نقش بر جسته شاپور در باریان در نقش رجب نزدیک تخت جمشید
۱۷۵	۱۶ - نقش بر جسته شاپور و الین در (نقش رستم) نزدیک تخت جمشید
۱۸۵	۱۷ - رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نودرا اوایل سلطنت
۱۹۷	۱۸ - شاهنشاه فرهنگ دوست و دانش پروردایران
۲۰۵	۱۹ - علیحضرت ملکه پهلوی
۲۰۹	۲۰ - والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

صفحه	موضوع
۲۱۳	۲۱ - والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی
۲۱۷	۲۲ - والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی
۲۲۱	۲۳ - والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی در سال ۱۳۳۰ پس از اتمام دوره خدمت افسری
۲۲۵	۲۴ - والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی
۲۳۷	۲۵ - اصفهان : میدان شاه یامیدان نقش جهان، عالی قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله
۲۵۳	۲۶ - اصفهان : قصر چهل ستون از آثار صفویه
۲۶۵	۲۷ - اهواز : پل کارون
۲۸۰	۲۸ - اصفهان : مسجد شاه و قسمتی از میدان شاه از آثار صفویه
۲۹۹	۲۹ - دیبرستان رضا شاه کبیر که بنام پادشاه بزرگ ایران بنا شده است
۳۳۷	۳۰ - والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در لباس مخصوص جمعیت بامداد و بازو بند
۳۵۵	۳۱ - یکی از بناهای دانشگاه تهران
۳۷۹	۳۲ - رضا شاه کبیر با والاحضرت شاهپور محمد رضا پهلوی و لیعهد ایران هنگام بازدید از تخت جمشید
۴۲۳	۳۳ - نمای جنوبي کاخ وزارت امور خارجه
۴۶۷	۳۴ - شهردی: آرامگاه رضا شاه کبیر
۴۹۳	۳۵ - بانک سپه که از ساختمانهای دوره سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی است
۵۱۰	۳۶ - موذة ایران باستان از آثار دوره سلطنت رضا شاه کبیر
۵۲۹	۳۷ - تصفیه خانه آب تهران که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بنا گردیده است
۵۴۵	۳۸ - فرودگاه عظیم و مجهز مهرآباد که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بنا گردیده است
۵۵۹	۳۹ - مترجم کتاب رضا شاه کبیر یا ایران نو

هشتمین جلسه همایش

بنام خداوند بخشندۀ مهر با

برای افراد هرملتی اطلاع کامل از تاریخ کشورش لازم و واجب است زیرا هر انسانی طبعاً می‌خواهد از آنچه در ادوار گذشته رخداده مطلع گردد و از رفتار و کردار پیشینیان پند گیرد و آنرا در کارهای خود و اموری که در پیش دارد بکار بندد و به مین جهت است که میتوان گفت در بین رشته‌های مختلف دانش و فرهنگ که دانستن آن برای آدمیزادگان لازم و حتمی است تاریخ اهمیت خاصی را دارد.

تاریخ کشور عزیز ما ایران در بین تاریخ ملل جهان درخشندۀ و تابناک است زیرا این کشور کهنسال از قرنها پیش مرکز تمدن جهانی و علم و هنر عالم بوده و نیاگان پرافتخار ما از نظر عدالت و نوع پیروزی در بین کلیه کشورهای دنیا معروفیت داشته‌اند میهن پرستی و ایران دوستی آنان زبانزد خاص و عام است.

وقتی که انسان موقع مطالعه تاریخ ایران باستان از طرز حکومت و فرمانروائی کورش کبیر و داریوش کبیر و انوشیروان داد گر آگاه می‌گردد و عدالت و نوع پیروزی و بشردوستی را در خلال تاریخ سلطنت

پرافتخار آنان می بیند از هر قوم و ملتی که باشد بر روان این سلاطین داد گستران درود می فرستد و بر ملتی که این پادشاهان عادل و دانا از بین آن ملت بر خاسته اند آفرین می گوید.

بطوری که تاریخ کشور کهنسال ایران حاکی است این سرزمین فرزندان لایق و فداکار زیادی داشته است و هر یک از این فرزندان از خود گذشته اوراقی زرین که حاکی از جانبازی و فداکاری آنها در راه ملک و ملت است در تاریخ کشور ما از خود به یادگار گذارده اند.

دانشمندان و علمای اجتماع عقیده دارند که هر وقت ملتی به منتهی درجه انجحاط میرسد فرد نابغه ای از میان آن ملت بر می خیزد رستاخیزی پیا می سازد روح تازه ای در کلب عملت خود میدهد استقلال و حاکمیت از دست رفته را باز می باید اوضاع هرج و مرچ و درهم و برهم کشورش را با فداکاری و از جان گذشتگی وصف ناپذیری سرو صورت میدهد و اصلاحات عمیقی در تمام شئون اداری و اجتماعی سرزمین خود بعمل می آورد که معاصرین خودش و یا مطالعه کنند گان تاریخ زمامداری او از این عمل دچار حیرت و تعجب می گردند.

آنچه در سطور بالا بنظر خوانند گان گرامی میرسد در باره رضا شاه کبیر سر سلسله خاندان پهلوی صدق می کند زیرا موقعی این پادشاه لایق و توانا از بین مردم ایران بر خاست و زمام امور کشور را بدست گرفت که ملت ایران به منتهی درجه انجحاط رسیده بود و از استقلال و حاکمیت کشور ماهم جز اسمی بی مسمی چیز دیگری باقی نمانده بود.

برای اینکه از علت قیام اعلیحضرت رضا شاه کبیر بخوبی آگاه گردیم و از اوضاع آن روز کشورمان هم اطلاع حاصل کنیم بالاجازه خوانند گان

ارجمند به روز سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ که آنرا باید روز سعادت و سیاست ملت ایران دانست بر میگردیم وضعیت و موقعیت آن تاریخ را مورد بحث و مطالعه قرار میدهیم.

قبل از سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ اوضاع کشورما در هم و بر هم و پر هرج و مر ج بود. در گیلان و مازندران طغیان و یاغی گردید بحد اکمل ادامه داشت عده ای بنام انقلاب با پشتیبانی بیگانگان سرنوشت مردم را بدست گرفته و بر جان و مال آنان حکومت میگردند و عده ای هم در شهر رشت حکومت کمونیستی تشکیل داده بودند.

سر بازان و کشتیهای یک دولت خارجی بهاراضی و آبهای ایران وارد شده و علنًا در امور داخلی ما دخالت میگردند و دستور میدادند. دامنه تحریکات خارجیان به ایالات دیگر نیز کشیده شد و چیزی نمانده بود که نظیر همین جریان در آذربایجان و حتی خراسان رخ دهد. قشون انگلیس که در زمان جنگ بین المللی اول در ایران باقیمانده بود آزادانه و بدون اعتنا بحق حاکمیت ما از جنوب تا شمال را میدان عملیات خود ساخته بود. یک قسمت از قوای سابق روسیه تزاری تحت فرماندهی بیچرا خف در اثر سازش با انگلیسیها در حوالی قزوین موضع گرفته و مستقر گردیده بودند. در جنوب ایران یک نیروی انگلیسی بنام تفنگداران پلیس جنوب تشکیل شده بود که در تمام امور آن نواحی دخالت میگرد. ایالات وعشایر محلی با این نیرو در حال جنگ بودند و در نواحی دیگر هم هر جا که ایل و عشیرهای بود بر اوضاع تسلط داشت. بعلت آشتفتگی اوضاع و پیچیدگی امور شیرازه حکومت مرکزی بکلی از هم گسیخته واژ دولت ایران جز اسمی باقی نمانده بود. از تعطیل مجلس شورای ملی سالها

میکندشت و با اینکه انتخابات دوڑه چهارم تحت شرایط خاصی انجام گرفته بود معهذا افتتاح مجلس صورت نمیگرفت.

دولت وقت فرارداد سال ۱۹۱۹ را با دولت انگلستان منعقد ساخته و اجازه داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی را تحت نظر بگیرند. مردم بشدت با این فرارداد مخالفت میکردند بازار بهای و دانشجویان دست به تظاهرات دامنه‌داری زدند.

دولتها می‌آمدند و میرفتند و کاری از دستشان ساخته نبود هیچ مشکلی حل نمیشد و بر آشفتگی اوضاع روز بروز افزوده میگشت. بکار کنن دولت بجای حقوق ماهیانه حواله آجر و کج میدادند که آن را در بازار بفروشند و پولش را بمصرف اعاشه خودشان برسانند.

دولت اصولاً بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمیشد و خزانه بکلی تهی بود امور تجارت و صنعت بسرعت بطرف احتطاط میرفت یأس و نامیدی همه را فرا گرفته بود.

در چنین شرایطی تحول تاریخی سوم اسفند ماه انجام گرفت. رضا خان میرپنج با سه هزار نفر قزاق تحت فرماندهی خود که در قزوین مستقر شده بودند تصمیم گرفت بسوی تهران حرکت کند ابتدا تکلیف حکومت هر کزی را روشن سازد و پس از آن با اعتماد و اطمینانی که بخود داشت یاغیان و خارجیان را بر سر جای خود بنشاند.

سر بازان تحت فرماندهی رضاخان میرپنج آنها بودند که بدون دردست داشتن وسایل و تجهیزات لازم با دست خالی در مقابل دشمنان ایستاد گی کرده و چند ماه بود که حتی حقوق خود را نمیگرفته بودند و عائله آنها در تهران و سایر شهرها باعسرت زندگی میکردند.

عصر روز دوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ این عده از کرج عبور کرده و به طرف تهران پیش آمدند. رئیس وزرای وقت آنچنان در خواب غفلت بود که باین نیرو توجهی نکرد و فقط عده‌ای ژاندارم برای جلوگیری از ورود آنان اعزام داشت که این عده هم چون ناراضی بودند در چند کیلومتری خارج شهر توقف کردند و منتظر شدند تا به بینند اوضاع چه خواهد شد. ساعت سه بعد از نصف شب بود که نیروی فراز از میدان جلالیه عبور کرده وارد تهران شد رحیم ورود فرازها نه تنها هیچ‌گونه مقاومتی در مقابل آنان انجام نگرفت بلکه نیروی انتظامی دولت وقت مقدم آنها را گرامی داشت و پیروزی آنرا آرزو می‌کرد.

وقتی که رضاخان میرپنج بانیروی تحت فرماندهی خود وارد پایتخت شد مردم تهران در خواب خوشی فرو رفته بودند. تمام خیابانها به سهولت بتصرف فرازها درآمد و فقط شهربانی که تحت نظر افسران سوئی اداره می‌شد مقاومت مختصری از خود نشان داد که آن راهم با چند گلوله توب بمباران کردند و آخرین مرکز مقاومت شهر را هم تصرف نمودند.

قبل از اینکه آفتاب روز سوم اسفند طلوع کند پیروزی قطعی نصیب فرمانده شجاع ولایق نیروی فراز شده بود و اهالی تهران موقعی که از خواب برخاستند دریافتند که آن هرج و مرج و ناامنی برای ابد از شهر و مملکت آنان رخت بر بسته است و از آن پس میتوانند با آسودگی خیال بکار روزانه خودشان مشغول گردند.

رضاخان میرپنج با این ترتیب آتش طفیان و ناامنی زا خاتمه داد ابتدا وزیر جنگ و بعد از آن رئیس وزراء شد و اندکی بعد از آن تاریخ موقعی که احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجار برای خوشگذرانی به از پیار فته

بود و در آنجا اقامت داشت از سلطنت خلع شد و رضا خان میر پنج به سلطنت رسید و اولین پادشاه سلسله پهلوی در ایران گردید.

این بود اوضاع و احوال کشور عزیز ما ایران قبل از اسفند ماه سال ۱۲۹۹ و جریان قیام اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نو. اعلیحضرت رضا شاه کبیر برای حفظ استقلال ایران و برآنداختن اساس ملوك الطوایفی ابتدا ارتقی قوی و نیرومند بوجود آورد زیرا بدون داشتن قوای تأمینیه محیط ایران به چوجه برای انجام اصلاحات آماده نبود و فرو نشاندن آتش طغیان در اطراف واکناف مملکت میسر نمیگردید و پس از آن طبق برنامه دقیق و متین اصلاحات امور کشوری و اجتماعی را شروع کرد. این مرد بزرگ کلیه شئون اجتماعی و نظامی و فرهنگی ایران را با فکر توانای خویش اصلاح کردو به نیروی ایمان و اعتماد به نفس بتمام مشکلات فائق آمد.

بر اهل نظر پوشیده نیست که اغلب از مردان بزرگ دنیا در یک یا دومورد بخصوص استعداد فطری دارند و فردی که بتواند کلیه شئون ملتی را تحت نظر بگیرد و از اوضاع و اقسام دردهای بی درمان و متعدد آنرا بررسی و چاره جوئی کند و در کلیه امور اصلاحات دامنه داری را شروع و عملی سازد البته نادر است و اکثریت ندارد.

این قبیل افراد کم نظر بندرت یافت میشوند والحق والانصاف یکی از آنان اعلیحضرت رضا شاه کبیر بوده است.

بگواهی دوست و دشمن رضا شاه کبیر دارای نوع خارق العاده ای بود زیرا تمام آرزوهای ملی ما را با سرعتی عجیب اجرا و عملی نمود و ایرانی مترقبی و سر بلند بوجود آورد.

آری وقتی که مشیت الهی بر بقای ملت و مملکتی تعلق میگیرد
چنین مردان فداکار و لایقی را با قوای خارق العاده ای بر میانگیزد که آن ملت
و مملکت را زیر تگاه سقوط و نابودی نجات دهدند و از هیچ چیز بسازند.
رضاشاه کبیر بدون اینکه از دول قوی و منابع مالی بین المللی کمکی
میگیرد جاده های شوشه و راه آهن سرتاسری ایران را بوجود آورد و با وارد
کردن کارخانجات صنایع کشور را بنیان گذاری کرد.

بهداشت و فرهنگ و کشاورزی را بحدا کمل ترقی خود رسانید و این
مردبزر که بالاراده آهnen خود و بادست ایرانی و هوش ایرانی و سرمایه ایرانی
در مدت کوتاهی باندازه چند قرن ایران را ترقی داد پیش آورد و ما را در
میان ملت های دنیا سربلند ساخت.

مطلعین در امور بین المللی و مورخین خارجی که اوضاع و احوال کشور
ایران را در سال ۱۲۹۹ دیده بودند و یا بوسیله مطبوعات و خبر گزاری ها
از آن وضع رقت بار و منحط مطلع شده بودند یقین داشتند که دیگر این
کشور کمر راست نخواهد کرد و برای ابد نام کشور کهنسال ایران
از صفحه تاریخ محظوظ شد و حقاً هم انصاف باید داد که تاحدی هم نظر
آن بجا و بمورد بود زیرا هر کسی که ایران آن روز را میدید نظرش درباره
کشور عزیز ما جز این نمیتوانست باشد و بهمین جهت است عده ای از مورخین
خارجی که مطالعاتی درباره اوضاع ایران دارند عقیده مندند بهمان اندازه
که فرن بیستم بر سایر فرنها از نظر ترقیات مادی و معنوی برتری دارد بهمان
اندازه هم مقام اجتماعی رضاشاه کبیر نسبت به اسلام خودش که خدماتی در
این کشور انجام داده اند مشخص تراست. این نظر بسیار منطقی و برای تمام
مطلعین در امور قابل قبول است برای آنکه کشیدن راه آهن سرتاسری

ایران‌الگای امتیازات و حقوق ویژه‌ی کصد و پنجاه ساله بیکانگان سر کوب
ومطیع ساختن یاغیان و برهم زدن اساس نافرمانی ایلات و عشاير و برانداختن
بنیان یاغی و یا شیگری توسعه و تعمیم فرهنگ تأسیس دانشگاه تهران
و نظایر آن از اقداماتی بوده که با اوضاع واحوال قرن بیستم مربوط است و
انجام واجرای آن با مشکلات طاقت فرسای این قرن ارتباط دارد.

اما نباید از نظر دور داشت که رضاشاه کبیر بالاراده‌ای آهنین و عزمی
راسخ و با نیروی خارق العاده‌ای که تماماً از حس وطن دوستی و میهن پرستی
شدید وی سرچشم میگرفت بر تمام این مشکلات فائق آمد چون خدای
بزرگ ایران این را مردم مشکل کشا را برای سروسامان دادن با این مرزو
بوم و حل مشکلات بوجود آورده بود.

تا کنون کتاب جامع و کاملی که حاکی از خدمات رضاشاه کبیر باشد
و افراد کشور را از اقدامات اساسی فرزند لایق ایران آگاه سازد وجود
نداشت و اگر هم در بعضی از موارد بخصوص اطلاعاتی در دسترس همگان قرار
میگرفت خالی از حب و بغض نبود و در نتیجه منظور نهائی و غایی که همان
درک حقیقت تاریخ است میسر نمیگردید.

اینچنان از دیرزمانی مترصد بودم که با جمع آوری مدارک و دلائل
کافی کتابی درباره‌زندگی اعلیحضرت رضاشاه کبیر بر شته تحریر در آورم
ولی از نظر اینکه مردم از آنچه این را مردم بزرگ کرده است بخوبی
مستحضر گردند و خود کتاب هم خالی از هر گونه حب و بغضی باشد تصمیم
گرفتم از نظر نویسنده کان خارجی که قطعاً مردمانی بی طرف و بی نظرند
استفاده کنم و کتابی را که آنان در باره ایران و پادشاه قید مانوشه‌اند
ترجمه کرده و در دسترس عامه قراردهم زیرا ملت ایران برای ابراز حق

شناسی و قدردانی از خدمتگزاران که یکی از اوصاف و خصائص باستانی اوست لازم است از تفصیل و جزئیات مجهادات و تلاش رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نو بوسیله کتب و نشریات مختلفی که در آن باره انتشار یافته آگاه گردد مخصوصاً تأثیفات خارجیها در مورد پیشوای فقید ما باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

کتابی را که اکنون خوانندگان گرامی مطالعه خواهند کرد ترجمه کتابی است بنام ایران نو (Modern Iran) که بقلم آقای ال.پی.الول ساتن (L.P. Elwell-Sutton) نویسنده دانشمند و مستشرق معروف انگلیسی نگارش یافته و شامل خلاصهایست از تاریخ صحیح و کامل کشور عزیز ما ایران از ابتدای وجود ایلامی‌ها اولین واردین بین سرزمین و از سومین هزاره قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۹۴۱ میلادی یعنی سال ۱۳۲۰ شمسی و همچنین جزئیات و تفصیل خدمات گرانبهای اعلیحضرت رضا شاه کبیر به کشور و ملت ایران.

نویسنده دموکرات انگلیسی همانطوری که یک نویسنده آزاد و روشنفکر دور از نظرهای سیاسی و خصوصی مطلبی را عنوان کرده و حقایق را باطلاع مردم میرساند بدون اینکه نکته‌ای را ناگفته بگذارد تاریخ کشور عزیز ما ایران و همچنین خدمات بی‌ریا و صادقانه اعلیحضرت رضا شاه کبیر را جزء به جزء تشریح کرده و در کمال انصاف و روشن‌بینی آنطوری که شایسته یک نفر مورخ بی‌طرف خارجی است حق مطلب را ادا نموده است.

آقای الول ساتن در مواردی که اشتباهی از طرف سیاستمداران و زمامداران وقت انگلستان درباره ایران و یادرفتار و کردار انگلیسی‌های

مقیم کشور ما شده است بدون هیچگونه طرفداری در کمال آزادی آن اشتباه و موارد دور از حزم و احتیاط رامند کر شده است که خوانندگان کرامی ضمن مطالعه این کتاب بمواردی که گفته شد برخورد کرده و بروح بزرگ این نویسنده دموکرات و آزادیخواه بی خواهند برد.

چون مصیبت جنگ دوم جهانی که دامنگیر عالمیان گردید باعث وسیب شد که اعلیحضرت رضاشاه کبیر از کار کناره گیری کرده و بخارج از کشور برده شوند برای تکمیل کتاب هفت فصل که عبارتست از: مقدمات جنگ دوم جهانی - آغاز جنگ دوم جهانی - حمله آلمان به روسیه شوروی - منشور اطلانتیک - اثرات جنگ روسیه و آلمان واستعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر - حمله ژاپن به ایالات متحده امریکا - تسليم آلمان و ژاپن از کتاب تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا ترجمه و تألیف اینجانب که چند سال قبل منتشر گردیده است باین کتاب اضافه شود واقع کتابی را که مستشرق شهری انگلیسی نوشته است در فصل چهل و ششم پایان می باید و از فصل چهل و هفتم تا فصل پنجم و پنجم مطالبی است که قبلا از منابع موثق و بیطرف جمع آوری و هفت فصل آن از انگلیسی به فارسی ترجمه شده و در کتاب تاریخ طبیعی و سیاسی بریتانیا درج گردیده است که با اضافه کردن دو فصل در چاپ دوم و توضیحات لازم در پاورقی فصول فوق الذکر برای تکمیل کتاب رضا شاه کبیر یا ایران نو باین کتاب اضافه می گردد.

تهران: هفتم خردادماه ۱۳۳۵

عبدالعظیم صبوری

مقدّمهٔ چاپ دوم

بنام خداوند متعال

نظر باینکه همهٔ قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه و بنیه جوانتری بکار کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد بنابراین امور سلطنت را بولیعهد و جانشین خود تفویض؛ از کاز کناره نمودم از امر وز که روز بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشگری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن می‌کردد نسبت بایشان منظور دارند.

کاخ مرمر . تهران . بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰

رضا شاه

در موقعیتی بسیار حساس یعنی وقتی که کشور عزیزم ایران از شمال و جنوب بوسیلهٔ قوای متفقین اشغال شده بود و حتی بعضی از شهرستانها را هواپیماهای همسایه شمالی مابمباران کرده و یکباره شیرازه کشوری که بیست سال تمام در نهایت امنیت و آسایش بسر برده و اهالی آن در این مدت حتی برای یکبار هم دچار ناامنی و آشفته‌گی نشده بودند رضا شاه کبیر پادشاه مقتدر و فداکار ایران برای حفظ مصالح عالیه کشور بشرح مذکور از

سلطنت استعفا دادند و پادشاهی کشوری را که در مدت بیست سال سلطنت خود باز حمایت شبانه روزی آباد و معمور ساخته و در همین مدت بگواهی دوست و دشمن صد سال بجلو برده بودند بموجب قانون اساسی بولیعهد و جانشین خود اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تفویض کردند.

پادشاه جوان ایران موقعی زمام امور کشور را بدست گرفتند که بواسطه اشغال مملکت از طرف نیروهای خارجی اوضاع بکلی دگرگون شده و درهم و برهم بود و همسایگان شمالی و جنوبی بواسطه وضع خاص و موقعیت جغرافیائی ایران کشور مارا اشغال کرده و سر بازان آنها در نقاط سوق الجیشی مملکت مراکز و موضع دفاعی خود را مستحکم میکردند و از کشور ایران که اهالی آن در مدت سلطنت رضا شاه کبیر در امنیت و آرامش کاملی بسر برده و با سر بلندی میزیستند جز تهران و هیئت دولت باقی نمانده بود.

پادشاه دموکرات ایران که در اولین روز سلطنت خود با این همه درهم ریختگی واژهم کسیختگی هامواجه بودند برای نجات کشور قیام کردند و در همان روز اول که برای ادای سوکند به مجلس شورای ملی رفتند اهالی وطن پرست و شاهد وست تهران در مسیر شاهنشاه اجتماع کرده و فقط چشم امیدشان بشاه جوان که مظہر استقلال و حاکمیت کشور ند دوخته شده و بقدرتی ابراز احساسات کردند که وصف ناکردنی است و حتی با اتوموبیل پادشاه در خیابانها برآمد افتاده و عده‌ای از جوانان اطراف اتوموبیل را احاطه کرده بودند و با این اسکورت که از ملت تشکیل شده بود شاهنشاه به مجلس شورای ملی تشریف فرماده و پس از ادای سوکند به همان ترتیب بکاخ اختصاصی مراجعت کردند.

آشقته‌گی و در هم ریختگی اوضاع آن روز و مصائب و مشکلاتی که جنگ دوم جهانی برای ملت نجیب ایران بوجود آورده بود مسئولیت اداره

امور کشور را بسیار مشکل و گران ساخته و پادشاه جوان با فعالیت خستگی ناپذیری با نجام و ظایف دشوار و طاقت فرسای خود مشغول گشتند و در وهله اول بادولتهای قوی وزورمند که کشور مارا اشغال کرده بودند پیمان اتحاد منعقد و پس از چندی کشور ایران که بگواهی جهانیان پل پیروزی متفقین بود تحت راهنمائی پیشوای خود بدول محور اعلان جنگ داد و رسماً جزو کشورهای متفق در آمد و چند سال بعد آلمان نازی و دولی که با آن کشور همکاری داشتند و بنام دوله محور خوانده میشدند از پایی در آمدند و متفقین که خوشبختانه کشور ایران هم جزو آنهاست در جنگ دوم جهانی پیروز گشتند.

چون پیمان اتحاد سه کانه و اعلامیه سران سه دولت معظم در تاریخ ایران اثری بسیار عمیق داشته است برای آنکه خوانندگان ارجمند از چگونگی انعقاد پیمان و صدور اعلامیه سران دول بزرگ و همچنین اعلان جنگ دولت ایران به دول محور آگاه گردند و به ارزش این خدمت بزرگ که مسیر تاریخ کشور ما را تغییر داد بخوبی پی ببرند در فصول پنجماه و دوم و پنجماه و سوم این کتاب توضیحات کافی داده شده و این دو فصل در چهارم دوم به کتاب رضا شاه کبیر یا ایران نواضافه گردیده است.

مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای حفظ تمامیت ارضی واستقلال و حاکمیت ایران بر همه روشن است و صفحات درخشانی از سلطنت معظم له را تشکیل میدهد و بدون تردید هنوز مردم ایران و جهان و قایع دلخراش و خونین آذربایجان که استقلال و تمامیت این کشور کهنسال را در مخاطره انداخته بود فراموش نکرده اند و بخوبی میدانند که روشن- بینی و حسن تدبیر و راقبتهای دائمی شاهنشاه که تماماً از حس وطن دوستی و میهن پرستی شدیداً ایشان سرچشم میگیرد باعث نجات آذربایجان گردید. کشاورزی مجلس سنا، ایجاد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و

بنگاههای خیریه بنیاد پهلوی، تقویت و تجهیز ارتش و نیروهای انتظامی کشور، تقسیم املاک پهلوی بین زارعین و کشاورزان، ایجاد فرودگاهها در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً فرودگاه عظیم مجهرز تهران، لوله کشی آب تهران، اتصال راه آهن سرتاسری ایران به مشهد مقدس، تبریز، کاشان، احداث راههای شوسه، ملی شدن صنعت نفت، ساختن سدهای متعددی در نقاط مختلف و مرکز حاصلخیز کشور، بسط و تعمیم فرهنگ، مبارزه با بیسوادی، مبارزه با کشت و استعمال تریاک، ایجاد دبستان و دبیرستانهای دولتی، تصویب و اجرای قانون تعییمات اجباری و همچنین انعقاد قرارداد هائی برای استخراج نفت با شرکتهای بزرگ خارجی که در بعضی از این قراردادها سهم ایران به هفتاد و پنج درصد میرسد، تحکیم و تثیت سیاست داخلی و خارجی کشور از جمله اقداماتی است که در زمان سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی در کشور عزیزم ایران صورت گرفته است که جزئیات آنرا در خلال فصول پنجاه و پنجگانه این کتاب مطالعه خواهند کرد.

روابط دولت اعلیحضرت پادشاه ایران با کشورهای خارجی همواره بر پایه دوستی و احترام متقابل استوار است و کشور ایران با استناد منشور ملل متحد به پیمان بغداد ملحق شده و پیمان تدافعی دیگری هم با ایالات متحده امریکا منعقد نموده است.

پادشاه دموکرات ایران که به پشتیبانی ملت بیدار و شاهدوسن خود متکی هستند خواسته های ملت را برآورده میسازند و در طول مدت سلطنت خود بارها به ثبوت رسانده اند که در راه رسبلندی و عظمت ایران از هیچگونه سعی و کوششی دریغ ندارند.

تهران . پانزدهم اسفند ماه ۱۳۳۷ شمسی
عبدالعظیم صبوری

مقدمة نویسنده کتاب

وقایعی که در عرض چند ماه گذشته در کشور ایران روی داد باعث و سبب شد که کشور مذکور بیش از پیش در جهان مشهور و معروف شود و نظر جهانیان را یکباره بسوی خود جلب نماید.

در حال حاضر حوادث و قایع سیاسی کشورها بقدرتی زود تغییر میابد که مجال چاپ و انتشار آن دست نمیدهد و اغلب دیده شده است از وقتی که تاریخ کشوری را برای چاپ آماده میسازند تا موقعیکه بصورت کتاب در آید تغییرات زیادی پیدا میکند و باین جهت است که مورخین نامی و مشهور جهان هم درباره اوضاع سیاسی کشورها نمیتوانند نظر قطعی خود را ابراز دارند و بطور قطع و یقین میتوان گفت تاریخ نویسان معاصرهم از اظهار نظر قطعی و صریح درباره وضعیت کنونی ممالک عالم عاجز و ناتوانند.

در فصل آخر این کتاب اوضاع سیاسی و سوق الجیشی کشور کهنسال ایران بطوریکه باید و شاید بیان شده و مراحلی را که این کشور باید برای نیل بمقاصد خود در راه پیشرفت اوضاع داخلی و اصلاحات ضروری بپیماید جزء به جزء تعیین و تصریح کردیده است و در عین حال دو عامل بسیار مؤثر و شایان توجه در مطالعه دقیق تاریخ مفصل ایران جلب نظر میکند که مطلعین در امور از آن دو عامل بخوبی اطلاع دارند و در اینجا برای استحضار

خوانند کان گرامی توضیح میدهیم که اسام و بنیان کشور ایران همواره بردو اصل مسلم استوار بوده است.

در وهله اول قدرت استقامت شگفت انگیز این ملت جاویدان در مقابل تهاجم و حملات پی در پی ایست که از ناحیه بسیاری از مملکت‌تجاسر بعمل آمده ولی ملت مذکور تمام این ناملایمات و حملات ناجوانمردانه را با نهایت شهامت و برداشتن تحمیل کرده و با وجود تمام این مصائب و مشکلات هنوز هم در شمار ملل زنده دنیا محسوب میگردد.

دوم آنکه کشور و ملت ایران از ابتدای تاریخ چند هزار ساله خود تا کنون از تمامی خصومت‌ها و دشمنی‌هایی که از طرف دول مهاجم و اشغال گشته نسبت باو شده است منتهای استفاده را نموده بدین معنی که عقاید و افکار پسندیده مهاجمین و اشغال گشته ای این را پذیرفته و پس از مدتی آنرا بصورت بهتری درآورده است بدون آنکه در ارگان و اساس ملیت و تمدن باستانی آن کوچکترین خللی راه یابد.

موضوع قابل توجه دیگری که باید در نظر گرفته شود علاوه بردو عامل بسیار مؤثر اشاره شده در فوق موقعیت مهم جغرافیائی کشور ایران است زیرا این مملکت در بین شرق و غرب واقع شده و برای دول اروپا اهمیت حیاتی دارد بدین معنی که از یک طرف با کشور هندوستان و خاور دور مربوط است و از طرف دیگر بمالک اروپائی میپیوندد و از این راه با اروپائیان و نسل سام بن نوح مانند اعراب و یهود مربوط میگردد که مملکت اخیر الذکر بنابر خصایص ذاتی خود مردمانی نازاحت و تجاوز کارند و همیشه سعی دارند که کشورهای همسایه را تحت تسلط خود درآورند و آنان را مطیع خویش سازند و با اینکه خواهی کشور ایران از نظر

موقعیت جغرافیائی با این ملل متجاوز نزدیک است و با تمام آنها روابط نزدیک دارد معهداً با تمام کوشش‌هایی که بکار رفته است خلیلی در استقلال و حاکمیت این کشور کهنسال راه نیافته است.

بدون شک فرنگ و تربیت ملی ایرانیان بمراتب قوی‌تر از سیاستی آنان بوده و همین حس غرور ملی است که ایران را برای ابد پایدار و مستقل نگاهداشته است.

از سال ۱۹۳۵ نام ایران در کشورهای زنده دنیا ورد زبانها شده و نظر جهانیان را بسوی خود جلب کرده است زیرا در اثر اقدامات اساسی در داخلهٔ مملکت و در کشورهای خارجی ملل جهان فهمیدند کشوری را که قبل از بغلط پارس می‌گفتند ایران نام دارد و کشور کهنسالی است که با تمام مصائب و مشکلاتی که اوضاع طبیعی و جغرافیائی باعث شده‌دول مهاجم برایش فراهم آورند استقلال و حاکمیت خود را محفوظ داشته و در شمار ملل زنده دنیاست.

در این کتاب سعی شده است موقعیت هائی که نصیب کشور ایران شده و اقدامات اساسی که برای بهبود وضع سیاسی و اجتماعی آن بعمل آمده باطلانع علاقمندان بر سد و نیز خوانندگان گرامی مقامی را که این کشور از نظر اوضاع سوق‌الجیشی در دنیادارد دریابند و ایران و ایرانی را بهتر بشناسند. دربارهٔ ایران قبل از کتابهای نوشته شده است اما این کتاب با آنچه دیگران نوشته‌اند فرق بسیاری دارد زیرا اوضاع عمومی و سیاسی ایران مانند سایر ممالک جهان بکلی عوض شده و موقعیت هائی نصیب ایرانیان گردیده است که باید به اطلاع علاقمندان بر سد.

خوانندگان گرامی باید آگاه باشند که مراحل تکامل زندگی

اجتماعی و بسط فرهنگ و عمران و آبادانی کشور ایران از مان سلطنت رضا شاه شروع شد و تمام موقیت‌هایی که نصیب ملت ایران شده است نتیجه زحمات و تداپیر عاقلانه است.

در این کتاب سعی شده است تصورات باطل بعضی از ملل جهان که هنوز کشور کهنه‌سال ایران را پارس سابق می‌شناسند بر طرف شود و نیز باید این موضوع برای جهانیان روشن شود و ملت‌های عالم بدانند که ایران نوین مقام بسیار مهمی را در بین ملل آزاد جهان دارد است که چه در زمان جنگ و چه بعد از شکست و متلاشی شدن نازیسم همواره این مقام مهم را دارا خواهد بود. من این موضوع را برای افراد تحصیل کرده که تا کنون ایران را بخوبی نمی‌شناختند ذکر کرده‌ام والا یقین دارم که متخصصین امور خاور نزدیک خود باین امر واقف وواردند.

اطلاعات من در بازه ایران و حقایقی را که در این کتاب مطالعه خواهند کرد از منابع موثقی جمع آوری شده و البته این اطلاعات از منابع انگلیسی نیست بلکه سه سال تمام من در کشور ایران و در بین مردم این سرزمین زندگی کرده‌ام تا تو انسنهام چنین اطلاعات پرازیشی را بدست آورم و در واقع کتابی را که در دسترس علاقمندان قرار داده‌ام نتیجه اقامت سه ساله من در کشور ایران است.

در پایان متذکرمیشوم که این کتاب با تشریک مساعی خانم من نوشته و چاپ شده است و مشارکیها با وجود گرفتاریهای زیاد در حاضر کردن نسخه‌های خطی برای چاپخانه کوشش زیادی کرده است و من وظیفه خود میدانم که بمناسبت همکاری صمیمانه‌اش تشکر کنم.

کینگهام - سپتامبر ۱۹۴۱

پادداشت چاپ دوم

موقعی که من این سطور را برای چاپ دوم کتاب مینویسم و قایع
قابل توجه و تغییرات مهمی در کشور ایران روی داده است .
فرمانروای مقندر ایران از کار کناره گیری کرده و ایرانیان از این پس
باید با رژیم دموکراتیک و قدرت قوانین موجوده در آن کشور اداره
شوند . ولی آنهایی که تصور میکنند تغییرات کنونی اثر عمیقی در اوضاع
عمومی کشور مذکور باقی خواهد گذارد باید باین نکته توجه داشته باشند
که مراقبت های دائمی و بیداری ملت ایران همواره تمدن خودرا از گزند
حوادث گوناگون که بکرات در این سرزمین بوقوع پیوسته مصون داشته
است و هر گونه تهاجمی که از طرف دول خارجی و اشغالگر به ایران شده
با استقامت ملت ایران و تقویت آن در مقابل حملات بیگانگان کمک کرده
است .

بطوریکه از روحیه ملت ایران بخوبی استنباط میشود رژیم سلطنت
رضا شاه برای آن ملت بسیار خوب و سودمند بوده است و این گونه حکومت
موافق میل و کمال مطلوب ایرانیان میباشد .

هر چند بعضی از سیاستمداران مرتبع از کناره گیری پادشاه ایران

خوشحال گشتند اما این موضوع را نباید بحساب ملت آن کشور گذارد زیرا اکثریت مردم از رفتن چنین پادشاهی متأسف شدند و بطور قطع خدمات رضا شاه مورد تحسین و تقدير مردم بوده و در واقع باید گفت ممکن نیست ملت ایران اقدامات اساسی پادشاه خود را نادیده‌انگارد. خطر بسیار مهمی که خیلی سریع و فوری در ایران پیش آمد این بود که دولت مقندر من کزی یکباره از کار افتاد و در نتیجه امور داخلی وار گان اساسی مملکت درهم ریخته شده و متلاشی گردید و نباید فراموش کرد که این آشفتگی قابل ملاحظه در امور داخلی ایران از آن جهت است که دولتین انگلستان وروسیه دفعتاً کشور ایران را اشغال کردند و همین اشغال فوری باعث شد که دولت مقندر قبلی ازین برود و امور داخلی و خارجی این کشور مختل گردد.

پس از آنکه قشون دو کشور مزبور به ایران وارد شدند چیزی نگذشت که دولت ایران اصلاحات لازمه را برای ترمیم اوضاع عمومی بعمل آورد و پس از مدت بسیار قلیلی این سرزمین وضع قبلی خود را بازیافت و حکومت من کزی بر اوضاع تسلط یافت و آنهمه از هم گسیختگی ها از بین رفت. اما باید دانست که کشور های بریتانیا وروسیه شوروی در قبال اشغال ایران مسئولیت سنگینی بر عهده دارند و اگر خدای ناکرده این دو دولت هم شکست بخورند نتیجه بس ناگواز وغیرقابل جبران خواهد بود. همانطوری که در فصل آخر این کتاب پیشنهاد شده است ما میتوانیم ایران را بهترین وجهی کمک کنیم تا آنکه قادر باشد اصلاحات اساسی را در امور داخلی خود بعمل آورد و خرابی های حاصله از اشغال کشور را مرمت نموده و اوضاع عمومی ملت را بهبودی بخشد.

ما در اولین فرصت در قبال خساراتی که باشغال ایران به آن کشور وارد ساخته‌ایم غرامت عادلانه‌ای پرداخت خواهیم کرد و از طرف دیگر هم باین کشور کمک‌های مالی خواهیم نمود.

حوالدثی که از ماه اوت گذشته تا کنون در ایران روی داده است قابل توجه بوده و با این‌که موافع و مشکلات فراوانی در کار بود معهدها تاجائی که امکان داشت وقایع سیاسی و قابل ملاحظه‌را ذکر کرده‌ام ولی به صورت این کتاب حاکی از خدمات مردمی است که با وجود اشتباهاتی چند اثری فنا ناپذیر در تاریخ کشور خود باقی گذارد و باید نام رضا شاه در شمار فرمانروایان بزرگ تاریخ جاویدان ثبت گردد.

ال. پی. الول ساقن



فصل اول

کشور ایران

آنها که از اروپا بقصد ایران مسافرت می‌کنند از چند سومیتوانند
بکشور مذکور بیایند.

هر کاه مسافری با ترن مسافرت کند باید در موصل پیاده شود واز
راه معروف گردنه رواندوز (Rowanduz Gorge) شهر تبریز وارد گردد و
یا ممکن است از همان موصل به بغداد پایتخت کشور عراق برود واز
آنجا با اتوموبیل به کرمانشاه که یکی از استانهای ایران است وارد شود.
دوراه دیگر هم برای ورود به ایران موجود است که اولی از راه
کشور ترکیه یعنی از طرابوزان به تبریز و دیگری از کشور عراق
مستقیماً با ترن به بصره می‌روند از شط العرب عبور می‌کنند و به بندر خرمشهر
وارد می‌گردند.

هر یک از این راههارا برای مسافرت بکشور ایران انتخاب کنند باید
از کوههای عظیم که مانند فردهای آهنین این کشور را حاطه کرده‌اند عبور
کرده و بداخل مملکت بروند.

مهمترین کوههای مرزی ایران سلسله جبال زاگرس (Zagros) است که از قفقاز شروع شده و از مرز ترکیه می‌گذرد و پس از عبور از کنار خلیج فارس بسرحد و صحاری لمیزرع بلوجستان متمیز است.

در انتهای شمال‌غربی ایران هم کوههای وجود دارد که طول قله آنها به ۱۲۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ پامیر سد و این کوههای مرتفع هم دریاچه معروف رضائیه را که مساحت آن به ۱۷۰۰ تا ۲۳۰۰ میل مربع در فصول مختلف سال بالغ می‌گردد و بزرگترین دریاچه نمک محسوب می‌شود احاطه کرده‌اند.

این دریاچه از هر حیث قابل توجه است و در موافقیکه باران می‌بارد آب باران در دریاچه جمع می‌شود و بطور محسوسی افزایش می‌ابد بطوریکه می‌توان گفت هر ساله ۲۰ اینچ آب دریاچه رضائیه بالا می‌آید از سال پیش زیادتر می‌شود.

باید دانست که رضائیه یکی از نقاط معمور و حاصلخیز ایران است محصول آن عبارتست از: ابریشم، پنبه، توتون، برنج، غله و نیز انواع میوه‌ها از قبیل: خربوزه، هندوانه، انگور و سایر میوه‌های فصلی در رضائیه بعد وفور وجود دارد و از همه بالاتر ثروت زیرزمینی آن را باید ذکر کرد که عبارت است از معدن: طلا، سرب، مس، آهن و نفت.

ناگفته نماند که نفت رضائیه تا کنون استخراج نشده و از آن بهرم برداری نمی‌کنند.

تبیریز یکی از شهرهای بزرگ و آباد ایران است که در حدود ۲۵۰۰۰ نفر سکنه دارد و دومین شهر معمور این حدود همان شهر رضائیه است که ساکنین آن ۵۰۰۰۰ نفرند. این دو شهر در حدود پنج هزار با

از سطح دریا ارتفاع دارند و در نتیجه آب و هوای نواحی مزبور ملائم و معتدل است. در فصل تابستان هوای آن حدود بسیار خوب و نشاط آور است و در فصل زمستان هم هوای از سایر نواحی ایران سردتر می‌شود. و بهمین جهت ساکنین کوهپایه‌های این مناطق حاصل‌خیز باشد لباس‌های ضخیم پوشند و خودشان را از سرما حفظ کنند که پوشیدن این‌گونه لباس‌ها برای ساکنین سایر نقاط کشور ایران لازم نبوده و در بین آنان معمول نیست و فقط آن‌هایی که در سواحل بحر خزر سکونت دارند باید در فصول معین لباس‌های کلفتی پوشند.

کردستان که در زمان قدیم کردستان جنوبی ایران و قسمتی از آذربایجان محسوب می‌شد محل سکونت قبایل سرکش و متمرد کرد است که ساکنین آن قبل از اجرای اوامر حکومت مرکزی سر بازمیزدند و اکرادی که در کشورهای عراق و ترکیه زندگی می‌کنند از اقوام و منسوبین کردهای ایران هستند که در ایام قدیم از ایران مهاجرت کرده و برای ادامه حیات به کشورهای مذکور رفته‌اند.

کردهای ساکنین نواحی نامبرده با اعمال و کردار خود اضطرابی دائمی برای دولت ایران بوجود آورده‌اند زیرا آنها هم مانند اکراد و کوهنشینهای سایر کشورهای جهان خود را آزاد میدانند و در این راه هم خیلی متعصب هستند اما به صورت دولت اقدامات اساسی در این باب بعمل آورده و میتوان گفت که اکنون در نقاط کردنشین ایران امنیت کاملی برقرار است و اکراد هم در نظر دولت مانند سایر هموطنان خود هستند.

کردهای ایران زبان مخصوصی دارند و همگی به آن زبان تکلم می‌کنند و دقت در صحبت‌های آنان ثابت می‌کند که این لهجه از زبان فارسی

گرفته شده و در اثر طول زمان باین صورت درآمده است.

در جنوب کشور ایران بجای نشیب و فرازهای سبز و خرمی که در آذربایجان و کردستان وجود دارد کوههای خشک‌بی آب و علف و ناهمواری می‌بینیم که در عین حال مناظری بس زیبا و تماشائی دارند.

معمولاً رنگ، کوههای این نواحی خاکستری است. در همان نگاه اول کوههای عظیم خاکستری رنگ که بیننده تصور می‌کند از یک پارچه سنگ هستند جلب نظر می‌کند که بفواصل مختلف از یکدیگر قرار دارند و چون تعداد این کوههای زیاد است تقریباً توده سنگ‌های بسیار عظیمی را تشکیل داده‌اند که در اثر مرور زمان طبیعت فوacialی در بین آنها ایجاد کرده باشد، این کوهها زیاد هم بلند نیستند و تقریباً بلند ترین کوه این نواحی بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد.

در همین فلات پهناور شهرهای مهم و آبادی وجود دارند که یکی از آنها همدان است که شهری لاقی محسوب می‌شود و در فصل تابستان هوای بسیار مطبوع و نشاط‌آوری دارد و اهالی شهرهای مجاور برای گذراندن ایام تابستان به همدان می‌روند.

کرمانشاه هم شهر بزرگ و معموری است که بواسطه نفت زیادی که دارد در آنجا مرکز تصفیه و پخش نفت احداث کرده‌اند. شهر دیگری هم در نقاط کوهستانی مورد بحث ما وجود دارد که آنرا بروجرد می‌گویند. در فواصل بین شهر همدان - کرمانشاه و بروجرد بنا باقتضای آب و هوای آن مناطق در زمستان در اثر برف و باران وسیل هائی که اغلب جاری می‌شود راههای شوسه خراب شده و برای صاحبان وسایل نقلیه تولید زحمت می‌کند.

از طرف غرب مناطق کوهستانی با نشیب و فراز زیادی به صحاری مسطح کشور عراق منتهی میشود و یکی از مرزهای مشترک کشورهای ایران و عراق همین منطقه است.

این سرحد از هر دو طرف خیلی مهم و قابل توجه است زیرا از یک طرف در خاک کشور ایران نفت باندازه کافی وجود دارد و از تصفیه خانه کرمانشاه بتمام نقاط شمالی کشور حمل میگردد و از طرف دیگر همین راه از کشور عراق هم که دارای معادن نفت است میگذرد و به بندر حیفا که در فلسطین قرار دارد و به بندر نفت معروف است منتهی میگردد.

پس از آنکه از دره رودخانه آب دیز گذشتیم (این رودخانه به کارون میریزد و پس از آن بادجله و فرات یکی شده به خلیج فارس میرود) رود فرات و چند رودخانه دیگر که از کشور عراق سرچشمه میگیرند به خلیج فارس میریزند. این خلیج معروفیت جهانی دارد و اغلب از جهانیان آنجا رابخوبی میشناسند.

کوه زرد لرستان که غالباً از یخ پوشیده است از کوههای عظیم ایران محسوب میشود و در بعضی از نقاط ارتفاع قلل آن به چهارده هزار پا میرسد و در سرتاسر لرستان قبایل و طوابیف مختلف لرزندگی میگذند که سعی دارند زندگی آزاد و مستقل خود را محفوظ بدارند.

سعی و کوشش فراوانی بکاررفت تا در سرتاسر خطوط مرزی کشور ایران جاده شوسهای جاده گردد و مرز نشینان باهم مربوط شوند اما از این اقدام نتیجه‌ای حاصل نشد.

دورنمای قلل کوه‌زد لرستان و کوههای متصل‌بآن مخصوصاً بریدگی‌های آن درجائي که مضرس است بقدري زيباست که بیننده را مجدوب و

متغير ميسازد زيرا هر گونه منظره اي که در طبیعت وجود دارد بحدا کمل در اين مناطق کوهستانی دیده ميشود و بقدرتی اين مناظر بانظم و ترتیب كامل در جلوی چشم بیننده خود نمائی میکند که اثری جاویدان در مغز و فکر او باقی میکند و تعجب در اینجاست که برف و باران و مایر عوامل طبیعی هم توانسته است کوچکترین اثری در اين مناظر زيبا و فراموش نشدنی باقی گذارد.

اين کوهها که از صخره هاي عظيم تشکيل يافته اند از طرف شمال با رنگهاي سفيد و خاکستری شروع ميشوند و در قسمت جنوبی که بکوههاي کج و سنگ خارا ميرسد به رنگهاي قرمز و زرد مبدل ميگردد.

آنچه در اين کوهستان جلب نظر میکند و بهيچوجه تغيير نمی يابد و تاکنون هم سياحان بدان توجه نکرده اند اين است که کوههاي لرستان در فصل تابستان که باران نمييارد رنگ دائمي خودرا از دست ميدهند زيرا در اثر تابش آفتاب صخره هاي رنگكار رنگ داغ ميشوند رنگ آنها هم وقتاً از بين ميرود اما اولين باراني که در ماه نومبر (آبان و آذر) مييارد روپوش نازك و سبز رنگي ازانواع گياهها و علفهاي نورس روی آنها كشide ميشود و در فصل بهار نيز به علفهاي بلند و انواع گلها مبدل ميگردد.

در ماه آوريل (اردیبهشت) علفها و گلهاي اين مناطق رو به خشکي ميگذارند و در پيان ماه مه (خرداد) صخره ها رنگهاي اصلی خودرا بازمي يابند. در ماه زوئن (تير) تابش خورشيد و نبودن باران باعث ميشود که حرارت اين کوهستان بحدا كثر برسد و برای عابرين از آنحدود توليذ حمت ميکند و با وجود تمام اينها زندگي در اين سامان در تمام فصول سال باسانی ميسر است. در اين مناطق حيواناتی مانند گوزن، گرگ، شغال، گفتار و به ندرت

خرس و پلنگ یافت میشود اما وجود این حیوانات باعث زحمت گلهداران آنحدود نیست.

در میان ایلات و عشایر ایران دو تیره بزرگ لر و بختیاری از نظر زیبائی طبیعی جالب توجه هستند. زندگی آزاد و استقلال طلبی آنان که توأم با زحمات و مشقات زیادی است باعث شده است که به زندگانی تجملی شهر-نشین‌ها بادیده حقارت بنگرند و برای معاش و امور عادی خود اهمیتی قائل نباشند اما روی هم رفته مردمان و افراد این دو تیره دارای احساسات و اخلاق پسندیده‌ای هستند که بمحض برخورد با آنان بینندۀ با این موضوع بی‌میرد و از روحیه مستحسن‌لرها و بختیاری‌ها بخوبی آگاه می‌گردد.

در سال‌های این دو تیره بزرگ بناباقتضای فصل بنقطه مختلف نواحی لرستان کوچ می‌کرند و برای مسافرین و رهگذران آنحدود مخاطره بزرگی بشمار می‌آمدند ولی پس از استقرار رژیم کنونی و اقدامات حکومت مقتصد فعلی آن ناامنی‌ها و تجاوزات از سرتاسر خاک کشور ایران رخت بر-بست و تمام ایلات و عشایر را در نقاط معینی جای دادند و به آنان فهماندند که باید با کشت و زرع زمین‌های حاصلخیز کشور خود زندگی آرام و سعادتمندانه‌ای داشته باشند و از غارت و چپاول اموال هموطنان خودشان برای ابد چشم بپوشند^(۱).

۱ - برای استقرار امنیت و بر طرف ساختن خطراتی که ایلات و عشایر ایران ایجاد کرده بودند بر حسب امر اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر قانون اسکان عشایر تصویب رسید و پس از آن قوانینی بشرح ذیل برای تکمیل قانون اسکان تصویب شد که عیناً درج می‌گردد: ماده‌واحده بوذارت مالیه اجازه داده می‌شود قلاع وابنیه و ساختمان‌هایی که دولت برای تخت قاپونمودن الوارد لرستان ساخته و تهیه نموده هر طور مقتضی بداند →

لرها و بختیاری‌ها بالهجه مخصوصی صحبت میکنند که خالی از لطف و ملاحت نبوده و برای زبان شناسان بسیار جالب توجه است ولی تاکنون در این باره مطالعات لازمه بعمل نیامده و طرز سخن گفتن دو طایفه مذکور آنطوری که باید و شاید مورد بررسی واقع نشده است.

در جنوب ایران چند طایفه کوه نشین اقامت دارند که در فصل تابستان و زمستان بنقاط ییلاقی و قشلاقی کوچ میکنند. چنانکه میدانیم ترک‌ها در قرون وسطی به آسیای صغیر حمله کردند و این کوه نشینان ترک از همان تاریخ در ایران باقی ماندند.

بقیه از صفحه ۴۳

اعم از فروش یا غیر آن به خود آنها بطور ملکیت واگذار نماید. (تصوب سی ام خرداد ۱۳۱۰).

مادة واحده - وزارت مالیه مجاز است به رفرم از طوایف الوار که چادر نشینی را ترک کند و ده نشین گردد از خالص بجات واقعه در لرستان حصه ای که بقدر کفاف معاش او و خانواده اش باشد مجاناً واگذار نماید. (تصوب ۲۸ مهر ماه ۱۳۱۱) ماده ۱۳ متم قانون بودجه سال ۱۳۱۱ - وزارت مالیه مجاز است مازاد اعتبارات - ۱۳۱۰ عمران، لرستان، کردستان، خوزستان، و بلوچستان و کوچانیدن و تخت قاپو کردن طوایف را بر اعتبار عمران تصوب سال ۱۳۱۱ علاوه نماید. بودجه جزء اعتبار ۱۳۱۱ عمران و اصلاح بودجه که در ضرف سال ممکن است لازم شود به تصویب هیئت وزراء برسد. (ترجم)

فصل دوم

دشت خوزستان و بلوچستان

قبل از آنکه بطرف خاور برویم باید بیک تکه زمین مثلث شکل نظری بیاندازیم . این زمین سه کوش را فل کوههای مرز عراق و خلیج فارس قطع کرده است . این دشت مسطح که در نزدیکی خلیج فارس ارتفاع آن از بیک پا هم کمتر میباشد از نظر زمین شناسی تقریباً متعلق بدورة تازه است و به حکایت تاریخ کرانههای دریا از ۱۰۰ تا ۱۵۰ میل دورتر بطرف شمال میرفته است و با این ترتیب وضع امروز در نتیجه تشکیل سطح زمین پیدا شده است . در هر صورت پس از پیمودن یک رشته کوههای متوازی که تدریجاً ارتفاع آنها کمتر میشود به دشت های مسطحی میرسیم که پس از پیمودن مسافتی چند میلی ارتفاع دو هزار پایک مرتبه به ۱۵۰۰ پا میرسد و از این نقطه بعد افق باز در پیش چشم بیننده بخوبی هویداست .

این زمین هموار و مسطح همان دشتی است که از رود بزرگ کارون یگانه رود قابل کشتیرانی ایران مشروب میگردد . آهو و پرندگانی که صیادان آنها را شکار میکنند در این دشت زیادند . اینجا که کوههای بختیاری هم جزء آن بود زمانی مرکز امپراطوری ایران بشمار میرفت . خرابهای

کاخ‌ها و آثار سدهای شکسته بخوبی میرساند که این ناحیه روزی بسیار آباد و معمور بوده است ولی افسوس غفلت و اهمال در نگاهداری آن، این آثارمهم را بسرعت عجیبی بکلی ازین برد و آنجا را به صحرای خراب و بی فایده‌ای مبدل ساخت.

ساکنین خوزستان بیشتر هر ب هستند و از نظر جغرافیائی اراضی این ناحیه بمعراق عرب و سوریه وصل می‌گردد. تمام اهالی آن نقاط دچار فقر و فاقه هستند و خانه‌های محل سکونت آنان از کلبه‌های گلی تاریک تشکیل یافته است وزندگی پرمشققی را می‌گذرانند. این مردمان تنگ‌گست زمین‌های اطراف کلبه‌های خود را کشت و زرع می‌کنند و از این راه محصولی که شبیه گندم و جو است بست می‌آورند.

در آغاز این قرن پیدایش نفت در کوههای خوزستان و تأسیس پالایشگاه عظیم آبادان در نزدیکی خلیج فارس باعث وسبب شد که تواندازه‌ای خوزستان اهمیت پیشین خود را بازیابد و همچنین رسیدن راه آهن سرتاسری ایران به اهواز آنجا را بیک مرکز مهمن تجارتی مبدل ساخت اما با وجود تمام اینها اراضی حاصلخیز این ناحیه در اثر کم آبی مشروب نمی‌شود و از آنمه دشت‌های وسیع بهره برداری نمی‌کنند. و همینکه باران می‌بارد راههای فعلی که نمی‌توان آنها را جاده شوشه تلقی کرد به باطلاق‌های متعددی مبدل می‌شوند.

قهر طبیعی دیگری که ساکنین خوزستان با آن مواجه هستند این است که در فصل بهار در اثر آب شدن برف کوههای اطراف رود عظیم کارون طغیان می‌کند و خسارات جانی و مالی وارد می‌سازد.

هوای خوزستان بسیار گرم و ناساز گار است بطوریکه در فصل

تابستان گرما درسایه به ۱۶۰ درجه میرسد و همینکه این کرمای طاقت فرسا باوزش بادهای گرم و مرطوب خلیج فارس توأم میشود زندگانی را در آن نواحی حتی برای بومیان عرب که همیشه در همان نقاط اقامت دارند دشوار میسازد.

متأسفانه تاکنون باین قسمت عظیم و مهم کشور ایران کمتر توجه میشود ولی در حال حاضر امید میرود که وجود معادن نفت و احداث بندر شاهپور خوزستان را دوباره موزده توجه خاص دولت ایران قرار دهد.

صحرای وسیع خوزستان هر قدر که بطرف خلیج فارس میرود باریکتر میشود اما از طرف دیگر به کوههای میروند که ارتفاع آنها ۱۲ تا ۱۳ هزار پاست.

آب و هوای کرانه خلیج مرطوب ولزج است و در فصل تابستان که هوای گرم میشود هوای کرانه ناسازگار و مالاریائی میگردد. این نواحی در نزدیکی خط استوار قرادار دوازاینرو محصولات عمده آن خرما، مروارید، نیشکر و شیره تریاک است.

در قسمت جنوبی ایران جمعیت نسبتاً کم است ولی در کنار رودخانه‌ها و دره‌های حاصلخیز همین نواحی جمعیت زیادی سکونت دارند. شهرهای مهم جنوب یکی شیراز و دیگری بندر بوشهر است اما اخیراً دولت ایران باین بندر توجه چندانی ندارد. شیراز و بندر بوشهر با جاده‌شوسه‌ای بداخل ایران وصل میگردند و از طریق دره آب دیزهم راهی بداخله کشور ایران می‌اید.

جنوب شرقی کشور ایران از اراضی بایرومی آب و علف تشکیل یافته و صحراءهای وسیع آن حدود غیرمسکون اقتاده است. تنها سکنه این نواحی

طوابیف نافرمان و سرکش بلوچ میباشند . در این نقاط باران کمتر میباشد و بهمین لحاظ نواحی جنوب شرقی خشک ترین نقاط ایران محسوب میگردد . کوهها و تپه های کم ارتفاعی در بلوچستان و سیستان وجود دارند که مرتفع ترین آنها به پنج هزار پا میرسد . بیشتر زمینهای این حدود شوره زار و باطلاقی هستند .

کشور ایران در جنوب شرقی با کشور افغانستان هم مرز و همسایه است (۱) .

۱ - رود معروف هیرمند اراضی سیستان را مشروب میسازد که از همین رود کشور افغانستان هم اراضی مزروعی خودرا سیراب میکند و بطوریکه خوانندگان گرامی اطلاع دارند پس از استفادی اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر و خروج معظم له از کشور ایران بر سر آب همین رود هر روز کشور هم کیش و همسایه ما افغانستان بهانه جوئی میکند و بعنایین مختلف مانع رسیدن آب به اراضی هموطنان سیستانی ما میشوند که امیدواریم با اتخاذ روش عادلانه و عاقلانه ای که دولتین ایران و افغانستان در پیش گرفته اند این اختلاف خاتمه یابد و برادران سیستانی ما هم مانند ازمنه گذشته از حق مشروع و قانونی خودشان بهره مند گردند .
(مترجم)

فصل سوم

سلسله جبال البرز و دریای خزر

ناحیه‌ای که در شرق سلسله جبال زاکراس واقع است کمتر پست و بلندی دارد و دشت وسیع و مرتفع و مسطحی را تشکیل میدهد که تا مرز افغانستان امتداد میابد.

قسمتی از این دشت وسیع که بدامنه کوه متصل است از حاصلخیز- ترین اراضی کشور ایران بشمار می‌رود و این قطعه زمین که در آن با غهای میوه بحد وفور موجود است به آذربایجان وصل می‌گردد و در «مین نواحی شهرهای احداث شده‌اند که نام آنها را خارجیان بخوبی میدانند و آن شهرهای معروف و مشهور را می‌شناسند.

شهرهای کاشان، اصفهان و کرمان از نظر دوستداران قالی شهرت دارند، قم و یزد شهرهای مقدسی هستند^(۱).

این شهرها درسابق از مراکز مهم تجارتی بوده‌اند و نمونه کاملی از ایران قدیم هستند و در حال حاضر که کارخانه‌های متعددی در آن شهرها

۱- تصویر میرودنویسنده کتاب شهر یزد را از آنجهت شهر مقدس نامیده است که در آنجا آتشکده‌های «زرتشتی» فراوان بوده و مرکز «زرتشتیان» ایران بشمار می‌رود والا از نظر مسلمانان بقاع متبرکه‌ای در آن شهر وجود ندارد که شهر مقدس با آن اطلاق شود. (متترجم)

مشغول کارند نمونه بارز و قابل توجهی از ایران تو بشمار می‌آیند.

جاده‌های شوشه برای حمل کالاهای تجاری و ایاب و دهاب مسافرین به تمام نقاط کشور ایران احداث شده و از آن جمله راهی است که از تهران پایتخت کشور ایران به قم، اصفهان و شیراز می‌رود و راه دیگری هم که از نظر اهمیت نظیر راه اولی است تهران را به شهرهای کاشان، یزد و کرمان متصل می‌سازد و برای عمران و آبادی شهرهای مذکور و متعدد ساختن ساکنین آنها از طرف پادشاه سعی و افری مبذول شده است.

محصولات عمده این نقاط عبارت است از پنبه، تریسک و توتون و نیز معادن مس، سرب و نقره هم در این نواحی یافت می‌شود. شهر بزرگ اصفهان که زمانی پایتخت کشور ایران بوده است در حال حاضر شهری است که ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد^(۱). با غیرای مصافی اصفهان شهرت زیادی دارند و انواع میوه‌های فصل می‌حصو این شهر را برای فروش به بازار تمام شهرهای ایران می‌برند.

شهرهای یزد و کرمان در ناحیه جنوب شرقی ایران واقع شده‌اند و محصول چندانی ندارند زیرا از نظر زمین‌شناسی آب و هوای همچنین اراضی آن حدود مانند اصفهان حاصلخیز نیست.

تهران که از ۱۵۰ سال پیش پایتخت کشور ایران است در این دشت واقع شده و در قریبی این شهر دو رشته مهم جبال زاگرس و البرز بهم می‌پیوندند که در باره سلسله جبال زاگرس در صفحات قبل توضیح کافی داده

۱ - شهر اصفهان از شهرهای بزرگ صنعتی و تجاری ایران است و اینکه نویسنده کتاب جمعیت آنرا ۱۰۰,۰۰۰ نفر ذکر کرده است مربوط بسال ۱۹۴۱ میلادی می‌باشد و اکنون جمعیت این شهر به چند برابر رقم مذبور افزایش یافته است. (متترجم)

شده و برای معرفی سلسه جبال البرز هم همینقدر کافی است که بگوئیم این رشته کوههای عظیم و مرتفع‌مانند دیوار بلندی کرانه‌های مسطح دریای خزر را از دشت وسیع مورد بحث ماجدا میکند و سر اشیبی‌های جنوبی این کوه مانند صفحات مرکزی بی‌آب و با پراست و از صخره‌های بسیار سختی تشکیل می‌باشد اما همینکه از گردنه‌هایی به ارتفاع نه هزار تا ده هزار پا گذشتمی‌خود را در سرزمینی می‌بینیم که با سایر نواحی و اراضی کشور ایران متفاوت است.

در این نقاط باران زیادی می‌بارد (در عرض سال از سی تا پنجاه بینج) محصول و میوه‌هم در این نواحی در فصول معینی از سال بحدود فورموجود است. کسانی که در کرانه دریای خزر مسافت می‌کنند بیاد نواحی انگلستان می‌افتدزیرا مناظر این حدود عیناً شبیه مناظر کوهپایه‌های بریتانیا است. مرز عده‌های سبز - جنگلهای انبوه با انواع گیاهها - جاده‌های باریک گل‌آلود و بوته‌های خاری که بنظر ما انگلیسیها خیلی آشناست از هر سو جلب نظر می‌کند. ناگفته نماند که در حین سیرو سیاحت ناگهان به تپه‌های میرسیم که اراضی مزروعی اهالی را تشکیل میدهد و مزارع برنج آن بیش از حد تصور زیبا و قابل توجه است.

در کرانه دریای خزر دشت مسطحی است که در بعضی جاها حتی از سطح دریاهم پائین‌تر است و چون بسیار خوش آب و هواست اهالی تهران و سایر شهرهای ایران در فصل تابستان برای گردش و تفریح باین حدود و سایر نقاط ساحلی مسافت می‌کنند.

بیشتر الوارها و چوب‌هایی که در ایران برای ساختمان‌بنایها و در و پنجه و مبل و صندلی بکار می‌روند از جنگلهای دامنه شمالی کوه البرز بدست

می‌آید. خرس، گرگ، ببر و گاهی هم پلنگ در این جنگلها یافت می‌شوند. درختهای معروف و مشهور این جنگل‌ها عبارتند از: بلوط، نارون، زبان گنجشک، بید، کبوده، شمشاد، سرو – و در بعضی جاها کوههای سلسه جبال البرز خیلی مرتفع است واز جمله‌فله دماوند را می‌توان نامبرد که ۱۸,۷۰۰ پا ارتفاع دارد و بلندترین قله کوههای ایران محسوب می‌گردد. در این نواحی و قدری دورتر از مشرق ایران به چشم‌های کجع مغولی بر می‌خوریم که شاخهای از ایالات ترکمن آسیای مرکزی هستند.

در این نواحی برخلاف سایر نقاط ایران که کلبه‌هایشان را از گل می‌سازند کلبه‌ها از چوب و سنگ ساخته شده و با م آنها راهم با تخته‌هائی که با بعد مختلف بریده‌اند درست کرده‌اند.

سلسله جبال البرز ازدشت حاصلخیز و آباد خراسان می‌گذرد و دیواری تشکیل میدهد که مشرف بر جلگه سرسبز و خرمی است که ترکمن‌ها در آنجا سکونت دارند و سپس همین رشته جبال به کشور افغانستان و هندوکش وصل می‌گردد.

در داخل ایران و میان این دو رشته جبال طویل داشت وسیع و مسطحی وجود دارد که به صحرای کویر و یا دشت شوره زار ایران معروف است. مساحت این دشت خشک و بی‌آب و علف در حدود یکصد و پنجاه هزار میل مربع و تقریباً باندازه یک چهارم خاک تمام کشور است. ظاهراً این قسمت از ایران در ازمنه قدیم دریائی بوده که بحر خزر و خلیج فارس را بیکدیگر متصل می‌ساخت ولی امروزه صحرای خشک و بی‌آب و علفی است که بلااستفاده افتاده است.

سطح این کویر بطور متوسط دو هزار پا ارتفاع دارد و مستقیماً به مرز

ایران و افغانستان امتداد میابد .

در بعضی از نقاط کویر ایران مختصر نخلستانی یافت میشود ولی بقیه شورهزاربی مصرفی است و اگر هم آب کمی در اثر باریدن باران در این نقاط شوره زار پدید آید در فصل تابستان خشک شده واژین میرود .

در ضلع شمال شرقی صحرای کویر در طول همین نمکزار وسیع قطعه زمین آباد و حاصلخیزی است که شهر مقدس مشهد هم در آنجا واقع است .
کرچه مشهد سومین شهر بزرگ ایران محسوب میگردد ولی چون از مرکز کشور دورافتاده است در قسمت فرهنگ پیشرفت چندانی ندارد .
در سالهای اخیر نسبت با قدامات دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در مشهد تظاهراتی صورت گرفت و مخالفتهای شد ولی این مخالفتها تماماً صحنه سازی بود و از مرحله حرف تعجاو ز نکرد .



فصل چهارم

وضعیت جغرافیائی ایران

در فصول گذشته خوانندگان گرامی را اندازه‌ای بوضع جغرافیائی کشور ایران آشنا نمودیم و اینکه برای تکمیل اطلاعات قبلی اضافه می‌کنیم که مساحت این کشور ششصد و سی هزار میل مربع و قدری هم از پنج برابر مساحت کل جزایر بریتانیا وسیع‌تر است.

در زمان سابق افغانستان، بلوچستان، ترکستان، قفقاز و عراق جزو کشور ایران بودند و سرحدات ایران آنطرف مرز کشورهای مذکور بوده است ولی امروزه کشورهای نامبرده بکلی از ایران جدا شده‌اند و مادر باره آنها بحثی نداریم.

ضمن تشریح وضع جغرافیائی ایران به صحاری کویر و زمینهای بایر زیادی برمی‌خوریم که از آنها استفاده نمی‌شود اما امکان وجود معادن مهمی در زیر زمین همین صحاری بی‌آب و علف می‌رود که تا کنون کشف نکرده‌اند.

باید داشت که کشور ایران اراضی حاصلخیز زیادی دارد و اگر روزی این اراضی زرخیز با اصول صحیح کشت و زرع گردد بطور حتم خواربار مردمی

بیشتر از مردم فعلی ایران تهیه و فراهم خواهد شد.

ثروت مهم دیگری که کشور ایران از آن بحدکافی برخوردار است معادن نفت در نقاط مختلف آن کشور است و از این ماده حیاتی هم که بگذریم سایر مواد معدنی ایران از هر حیث مهم و قابل توجه میباشد و اگر این ثروت های زیرزمینی باصول صحیح و جدیدی استخراج شوند بطور حتم جمعیت ایران خیلی زیادتر از نفوس فعلی و طرز زندگانی آنان هم خیلی بهتر از زندگانی کنونی خواهد بود.

باید دانست که استخراج معادن و اصلاحات داخلی و بهبود اوضاع اجتماعی ایران با این شرط میسر است که این کشور را به حال خودواگذارند تا فارغ البال آسایش خود را فراهم آورد و این آسایش و آسودگی موقعی عملی خواهد بود که ایران مانند کشورهای مترقی کوچک سایر نقاط جهان قربانی حرص و طمع دولتهای بزرگ نگردد.

منظور من همان دولتهای هستند که فلسفه سر اپا کذ آنان چشم-هایشان را ناپینا ساخته با احساسات و احتیاجات واقعی افراد و ملتها در هر جائی که باشند اعتنا و توجهی ندارند.

درباره نتاط و مرکز سوق الجیشی و راجع بوضع نظامی ایران در فصول آینده توضیح بیشتری خواهیم داد.

ایرانیان قرنهاست که در این کشور سکونت دارند و زبان آنان نشان میدهد که از نژاد قومی هستند که بزبان هند و آریان صحبت میکنند و بهمین لحاظ تئوریست‌های نازی کوشش فراوانی کردند آنها را از تیره آلمانی-های شمالی نوردیک (Nordic) بشمار آورند اما صورتهای سیاه رنگ ایرانی‌ها نظر نازی‌ها را متزلزل میکند و با وجود تمام اینها نمیتوان آنها را از نژاد

سیاهان دانست زیرا مردمان شهرنشین ایران از اهالی اروپای جنوبی هم سفیدترند و اینکه رنگ و روی دهائین و دهاتیان ایران قدری تیره بنظر میرسد از آنجهت است که آنان تحت تأثیر آب و هوای دهات محل سکونت خودشان قرار گرفته‌اند و نمیتوان این تیرگی رنگ راعلت اصلی بشمار آورد. عمولاً ایرانیان دارای موی مشکی، سیماهای بازوجذاب، بینی بزرگ و چانه کوچک هستند. ایلات وعشایر ایران که در هوای آزاد زندگی میکنند زیبائی طبیعی خود را که جزء خواص نژادی ایرانی‌ها بوده و میباشد بیشتر از شهری‌ها محفوظ داشته‌اند.

کار معمولی ایرانی‌های این اواخر کشت و زرع بود، بدریا علاقه‌زیبادی ندارند عرب‌ها و ارمنی‌های ساکن ایران بیشتر از خود ایرانی‌ها بادریا مامُنو سند. در طرز رفتار و اخلاق بین ایرانیان و پروسی‌های خود پسند هیچ‌گونه شباهتی نمیتواند وجود داشته باشد.

ایرانی‌ها مردمانی آرام، صلح‌جو، خوشحال و متفکر هستند.

عشق و علاقه زیبادی بشعر و هنرهای زیبا دارند.

هنرهای زیبا مدت خیلی زیادی نیست که در ایران معمول و متداول گردیده است. این صنعت ریشه عمیقی ندارد و در حالیکه خیلی ظریف و خیالی است مواد اصلی آن زیاد نیست.

ایرانیان آن اندازه که بصورت ظاهر توجه دارند بماماهمیت اشیاء و با دوام بودن آن اعتنا نمیکنند.

مردم ایران زیاد حرف میزنند و بیانشان فصیح و روان است.

بهترین تفریح یک فرد ایرانی آنست که در قهوه‌خانه بارفتابی خود بنشینند و از این طرف و آنطرف صحبت بدارد و در آن استکانهای کوچک بلوری پی در

می‌چای شیر بن بنوشد و بهمین جهت است که بعضی‌ها ایرانی‌ها را بیکاره و تنبیل دانسته‌اند و حال آنکه چنین نیست.

ایرانیان در محیط پر مشقتی زندگی می‌کنند و همیشه با ناملايمات و مصائب زندگی دست بگریبان هستند. طبیعت کوچکترین تسهیلاتی برای آنان فراهم نساخته است و البته چنین مردمی طبعاً جنگجو، مبارز، علاقمند بورزش بارمی‌آیند و باید این موضوع مهم را همواره در نظر داشت که طبق آداب و سنت باستانی ایرانیان بفرزندانشان اسب سواری، چوکان بازی، زوبین افکنند، تیراندازی و شنا کردن را می‌آموختند.

چوکان بازی از اختراعات ایرانیان بوده است که سیاحان انگلیسی آنرا از ایران به هندوستان برده‌اند.

جوافان ایرانی امروزهم که همان روح دلیری باستانی خود را دارند بوزشهایی از قبیل فوتبال، والیبال، بیسبال علاقمندند. در قسمت جنگجویی هم ایرانیان دارای همان سیره باستانی می‌باشند.

بارها اتفاق افتاده است که ملت ایران دچار بدبهختی‌های دشواری کشته است و همه قطع داشته‌اند که این کشور بکلی از هم پاشیده شده و نابود خواهد کشت ولی این مردم دلیر و متحد با یک قیام و نهضت خود را از زیر بار زور و انقیاد دیگران آزاد ساخته است.

بارها اتفاق افتاده است که همسایه‌های متعدد و متتجاوز ایران که خیلی حریص و طماع بوده‌اند روی حساب غلط‌بکشور ایران هجوم آورده‌اند اما همان روح باستانی و دلیری این ملت باعث شده است که بدادن تلفات جانی و مالی دست خالی بر گردند.

این روح جنگجویی و دلیری ایرانیان بیشتر از آن جهت است که

دارای پیشوایانی شجاع و فداکار بوده‌اند و همین موضوع بخوبی میرساند که ایرانی‌ها طبعاً دلاوری و شجاعت راستایش می‌کنند.

اعتماد واطمینان، عقیده کامل به پیشاوا، به ملت، بر سوم و عقاید مذهبی در اکثر اوقات فداکاری‌های معجزه‌آسائی در میان ایرانیان بوجود آورده است. ایرانی‌ها مردمانی علم دوست هستند و استعداد مافوق تصوری برای قبول مرام و فکر جدید دارند.

صرف نظر از این‌که تاریخ ایران این موضوع را تأیید می‌کند کسانی هم که معلم یا مربی ایرانیان بوده‌اند همین عقیده را دارند و نکته شایان توجه این است که با وجود این‌که این ملت خیلی هم سهل القبول است تا کنون هیچ فکر و عقیده تازه‌ای نتوانسته است خواص روحی و فکری ایرانی را تغییر دهد.

در نهاد ایرانی قوه‌ای وجود دارد که هستی فاتحین را می‌بلعد و هر فکری راه‌پم می‌کند ولی خودش همیشه زنده و پایدار است.

کنت گوبینو (Count Gobineau) می‌گوید:

ایران مانند صخره بزرگی است که از کوه عظیمی جداسده و بواسطه جریان شدید آب بیفتند. کرچه این قطعه جدا شده از کوه لحظه‌ای چند در آب می‌غله‌تد و اند کی سائیده می‌شود اما بزودی جای اول خود را می‌گیرد. کشور ایران در حدود پانزده میلیون جمعیت دارد که قریب بیک میلیون و نیم آن در شهرهای بزرگ شدید کی می‌کنند^(۱) و دو میلیون ایلات و عشایر کوه نشین هستند که تعداد آن رو بکاهش میرود و بقیه در شهرهای

۱- این رقم آماری است که نویسنده کتاب در سال ۱۹۴۱ نوشته است ولی اکنون جمعیت کشور ایران به بیست میلیون نفر بالغ می‌گردد و همین شهر خودمان تهران متجاوزاً زیک میلیون و نیم جمعیت دارد. (متترجم)

گوچک و دهات بسیار میرند.

کرانه و سواحل دریای خزر پر جمیعت ترین نقاط کشور ایران بشمار میرود. در این نواحی هشتاد تا صد نفر در هر میل مربع و در آذربایجان چهل تا پنجاه نفر در هر میل مربع و در سایر نقاط ایران بیست و پنج نفر در هر میل مربع زندگی می‌کنند.

در بیشتر نقاط ایران نژاد خالص ایرانی سکونت دارند.

در قسمت جنوب غربی ایران عربها و ایرانی‌ها باهم زندگی می‌کنند و مخلوطی از ایرانی و عرب هستند و در قسمت شمال شرقی ترکمن‌ها و در مغرب کردّها و ارمنی‌ها و ترک‌ها سکونت دارند.

جمعیت ارمنی‌ها پنجاه هزار نفر و نفوس کردها قریب به هشتصد هزار نفر میرسد و هر دو دسته عقاید مذهبی و آداب و رسوم خود را حفظ کرده‌اند. در مرزهای غربی ایران در حدود بیست و پنج هزار نفر آسوری زندگی می‌کنند. اعراب هم که جزء سایر اقلیت‌ها هستند در صحراهای جنوب غربی اقامت گزیده‌اند.

گروهی از ارمنی‌ها در آذربایجان و گروهی دیگر در نزدیکی اصفهان^(۱) سکونت کرده‌اند.

ارمنی‌ها اغلب مشغول تجارت و کسب و کارند و در اجتماعات ایرانی همان موقعیتی را دارند که یهودی‌ها در اروپا حائزند. بدینهی است تا حدی هم از همان بدنامی هاشم میرند.

تعداد یهودی‌ها در ایران کم است و میتوان گفت که این اقلیت کلیمی در میان ایرانی‌ها مستهلك گردیده است.

۱- منظور نویسنده کتاب جلفای اصفهان است. (متترجم)

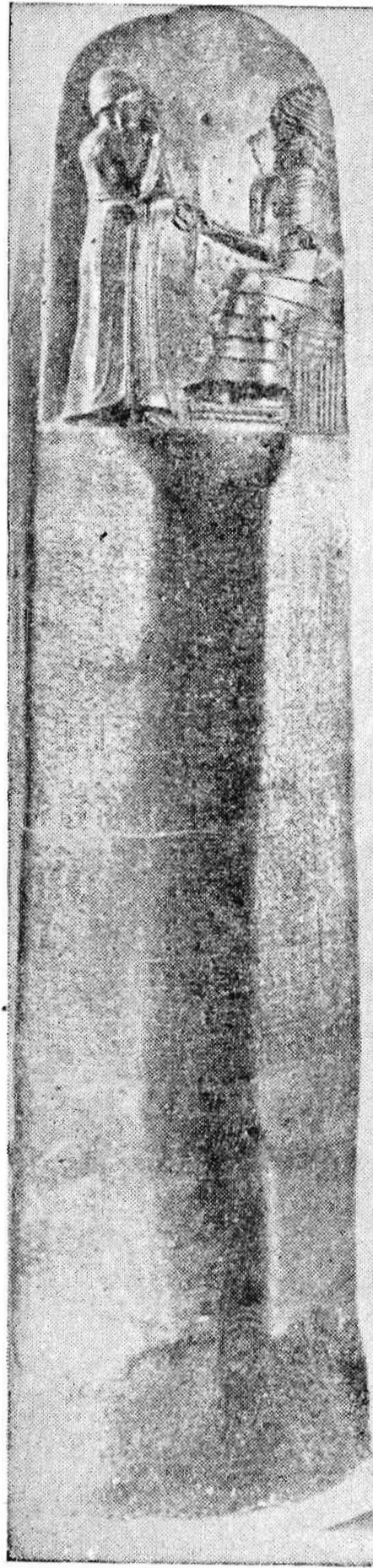


Fig. 6 et 7. Cylindre d'Assurbanipal. Vers 669 av. J.-C. (Musée royal d'Amsterdam, inv. no. 1920.10.1.1.1.1). — Les Babyloniens avaient les idées marquées de toutes sortes comme celles. Sur ce second, Assurbanipal, roi de Babylone, va venir graver les textes qu'il a déposés à son temple. Il s'agit toujours ici d'une réfutation de leurs idées égyptiennes. Ce royaume est dans un état capital pour conquérir et faire la conquête de la Babylone perse sous Assurbanipal. Il est le plus ancien qui nous ait été conservé. Les assyriens célébraient également, vers le XII^e siècle (vers 1000 J.-C.), quelque chose comme celle de la ville de Sappho pour la transmettre à Sardes où l'on enseignait, il fit édifier une partie des archives de lui, sans doute pour inscrire son nom à la place. Peut-être que ce fut une règle.

Fig. 8. Relief de l'inscription gravée sur la stèle.

C'est au sommet du cylindre, le roi, barbu, portant le costume de l'égyptien, robe drapée et cordeau, fait le geste de la prière devant le dieu Nabû. Nabû étant qui est assis sur un trône posant sur des socles entourés des peuplades que sont ces deux, échassiers. L'entrelac du ciel. Le Roi par-dessus ayant un sceptre de bronze, de fer ou de cuivre, et qui entoure, devant les personnes, ces deux échassiers, évidemment.

Fig. 9. dorf C. Hammurabi. Cylindre. C. 2000 B.C. (Musée royal d'Amsterdam, inv. no. 1920.10.1.1.1.2). — A. The Babylonian king Hammurabi, King of Babylon, before his people. Et le roi assis devant eux et leur présentant au dieu Nabû, et lequel a la forme d'un buste de Nabû assis sur un trône posant sur des socles entourés des peuples. Le roi ayant un sceptre de fer ou de cuivre, et qui entoure devant les personnes, ces deux échassiers, évidemment.

نقش بر جسته نقش هامورابی و قسمتی از کتیبه زرتشت که در شوش بدست آمده و اکنون در موزه ایران باستان است

فصل پنجم

دوره باستانی ایران

ریشه اصلی ساکنین قدیم ایران تا کنون بخوبی شناخته نشده و برای علماء و محققین پیچیده و مرモزمانده است.

مردمان باستانی این سرزمین را که در اثر تحقیقات زیاد ما میتوانیم در اینجا نام ببریم ایلامی‌ها هستند که البته از نژاد فعلی نبوده‌اند و با احتمال قوی از نژاد تورانی بوده‌اند که به ترک‌های آسیای مرکزی می‌پیوندند. ایلامی‌ها در دره رودکارون سکونت داشته‌اند و پایتخت آنان شوش بود که با شهر جدید دزفول فاصله چندانی ندارد و از چهار هزار تا هزار سال قبل از میلاد مسیح دائماً با سامی‌های همسایه خود، عقادیها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و همچنین سومری‌ها مؤسس تمدن بزرگ جهان در جنگ بودند و از نظر اینکه ناگزیر بودند همیشه باهم تماس داشته باشند گاهی هم صلح در بین آنان برقرار می‌گردید و بدون شک مسئولیت رواج افکار و عقاید سومری‌ها در ایران بعهده ایلامی‌های ساکنین باستانی آن سرزمین بوده است.

چنین بنظر میرسد که در سومین هزاره پیش از میلاد مسیح برای

اولین بار سر زمین ایران را ایرانیان حقیقی اشغال کردند . آنها قسمتی از یک موج^(۱) هجوم آریائی بودند که در آن ایام از آسیای مرکزی بیرون جست و به سه شاخه تقسیم گردید : شاخه اول در جلگه شمال‌غربی سکونت گزید و در اروپا بنام «مد» شناخته شد .

شاخه دوم فارس‌ها بودند که بطرف مشرق و جنوب، ایران رفتند و شاخه سوم هم هندوها بودند که بطرف دره ایندوں (Indus) شتاافتند و در هندوستان اقامت گزیدند .

این مردم هر جا رفتند فلسفه آریائی را که پایه و اساس آن روی پرستش نیروهای طبیعت و نزاع و کشمکش میان خوبی و بدی استوار بود با خود برداشت و بعد از آن افکار موجب شد که آنرا بصورت مذهب زرتشت درآوردند .

میکنفر انگلیسی که اهل مطالعه باشد از شرح و تفصیلهای مختلف و متضادی که درباره ایران میخواند چار حیرت میگردد زیرا در موقع تحصیلات ابتدائی نام مدها و فارس‌ها را در کتاب مقدس می‌بیند و بعد از آن هر کاه یونانی و لاتین هم بخواند از لشکر کشی‌های فارس‌ها بطرف ممالک یونان مطلع میگردد و از جنگ‌کهای اشکانیان بارومی‌ها آگاه میشود و هر قدر فکر کند نمیتواند آمدن حاجی بابای موزیه را به بیتل‌لحم باقالی‌هالی ایران و عمر خیام و میدانهای نفت مربوط سازد اما در حقیقت بین تمام این وقایع ارتباط کاملی موجود است که این قضایای بنظر ما پیچیده را بهم متصل می‌سازد . ما ابتدا درباره مدها بحث میکنیم زیرا آنها اولین طایفه آریائی

۱- کلمه مناسبتری یافت نشد. (ترجم)

هستند که نامشان بچشم میخورد و با دنیای غرب مربوط کشته‌اند.
پایتخت مدها اکباتان و یا شهر جدید همدان کنونی بوده و گرچه
آثار و مدارک کتبی از زبان آنها در دست نیست ولی احتمال قوی دارد زبان
مدها نخستین شکل زبان فارسی بوده است.

طایفهٔ مدها تقریباً هفت‌صد سال قبل از میلاد مسیح روی کار آمده‌اند و
این سال مقارن با موقعی بود که نبوکادنزار (Nebuchadnezzar) یعنی پخت‌النصر
در بابل حکومت میکرد.

مدها بواسطهٔ جنگ با آشوری‌ها شهرت بسزائی یافتند و آخر الامر
در شش‌صد سال قبل از میلاد مسیح نینوا پایتخت آشوری‌ها را تصرف کردند
و دوران آن جنگ‌ها که سبب شهرت مدها گردید پایان یافت.

برای تکمیل مطالعات مانکنه بسیار مهمی را باید از نظر دور زنداریم
و آن موضوع با اهمیت اینست که زرتشت پیغمبر در زمان فرمانروائی مدها
ظهور کرد.

روايات مذهبی حکایت دارد که مدها زرتشت پیامبر را از قلمرو حکومت
خود راندند. او بطریق مشرق گردید و در خراسان تحت حمایت کشتاسب
پادشاه فارس قرار گرفت.

در هر صورت باید دانست که فلسفهٔ منتبه به زرتشت کاملاً جنبهٔ
آریائی و یا ایرانی دارد.

در ابتدای امر زرتشت مردم را بطرف خدای یگانه‌ای بنام اهورامزدا
دعوت میکرد که او را خداوند روشنائی هم ^(۱) میخوانند ولی متدرج
نفوذ انکار آشوری‌ها و سامی‌ها عقیده و مرآت خدایان متعددی را میان ایرانیان

۱ - منظور نورپاک حضرت احمدی است. (مترجم)

بوجود آورد که در نتیجه بمعرفی اهریون (خدای تاریکی) منتهی گردید.
ایرانیان معتقد شدند که دائماً بین دو اصل نیکی و زشتی جنگ سختی
جربیان دارد و بالاخره اوضاع جهان و جهانیان بسته به پیروزی یا شکست
یکی از این دو دسته میباشد و هر فرد ایرانی مکلف بود که با پاک نگاهداشتن
زمین، تن و جان خود و چهار عنصر؛ آب، آتش، خاک، باد رضایت‌آهور امزا
را جلب کند و در پیروزیش بکوشد.

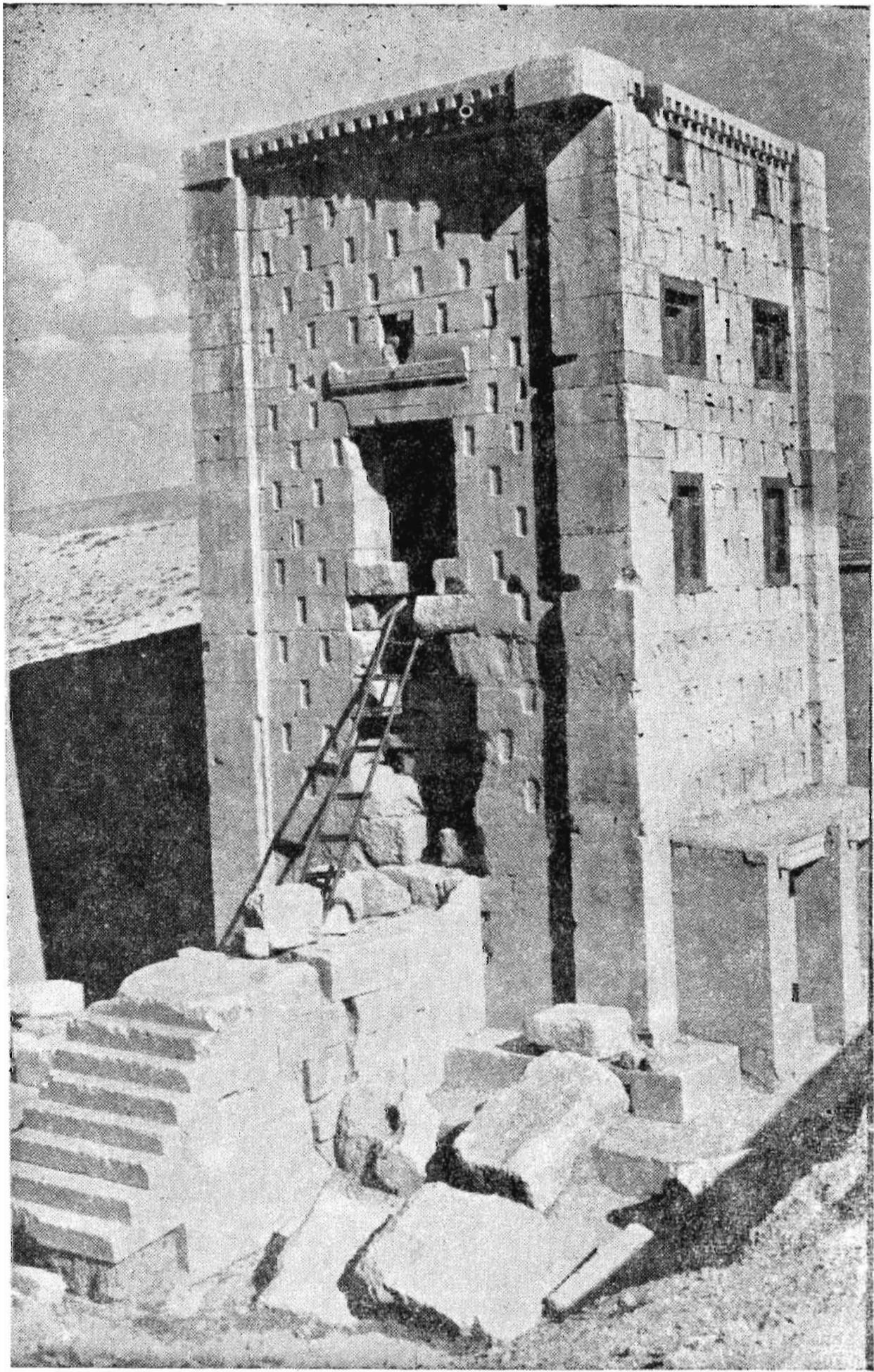
طبق عقاید مذهبی زرتشیان باید اراضی کشور را بهر وسیله‌ای که
ممکن باشد کشت و زرع کردن را فقط کشاورزی است که تندرستی و فراوانی
بار می‌آورد و همچنین لاشه افرادی را که میمیرند باید در زیر خاک مدفون
ساخت بلکه باید در برابر آفتاب و هوا بماند تا در اثر تابش خورشید و هوا
دوباره جذب گردد.

برای زائیدن و بچه آوردن مقررات خاص و حتمی الاجرائی داشتند
که عدول از این مقررات برای افراد زرتشی غیر ممکن بود.

طبق آداب و رسوم دین زرتشت تمام افراد باید ورزش کنند و باین
وسیله تن را نیرومند و توانا سازند و نیز تحصیل علم و دانش جزء فرایض
دینی آنهاست.

تعجب در این است که بعضی ها تصور میکنند آئین آتش پرستی
جزء مقررات دینی زرتشت است و حال آنکه چنین نیست و آتش پرستی
بعد از زرتشت در بین ایرانیان تاحدی معمول و متدال شد و احتمال می‌رود
که از تواریخ ایرانیان به‌ایرانیان رسیده باشد.

واما بینکه چه موضوعی سبب پیدایش آئین آتش پرستی شده احتمال
دارد که رواج دهنده این آئین ابتدا از مشاهده شعله‌های طبیعی کوههای نفت



کعبه زرتشت در نقش «رسنم» نزدیک تخت جمشید

مغرب ایران الهام گرفته و متدرج آین عقیده در بین مردم ایران پدید آمده است.
اعتقاد بمعاد که در مذهب یهود نیز دیده میشود بنیان و اساسن از اقوام
آریائی است.

دستورات و تعلیمات مذهبی زرتشت در کتاب «اوستا» نوشته شده که
این کتاب خود قابل توجه است زیرا همین تعلیمات مذهبی کراراً در تاریخ
ایران مؤثر بوده و چون قسمتی از دستورات آئین مذکور در زمان حیات
خود زرتشت تدوین شده است بنابراین میتوان گفت که اوستا قدیمی -
ترین کتابی است که ایرانیها بر شئ تحیر در آورده اند.

اما «مغ» و یا «مجوس» که ساحری و جادو گری است طایفه‌ای از اصل
تورانی میباشند و این کروه همان موقعیتی را داراست که لاوی‌ها در بین
يهودیان حائز بوده اند.

فصل ششم

سلاطین سلسله هخامنشی

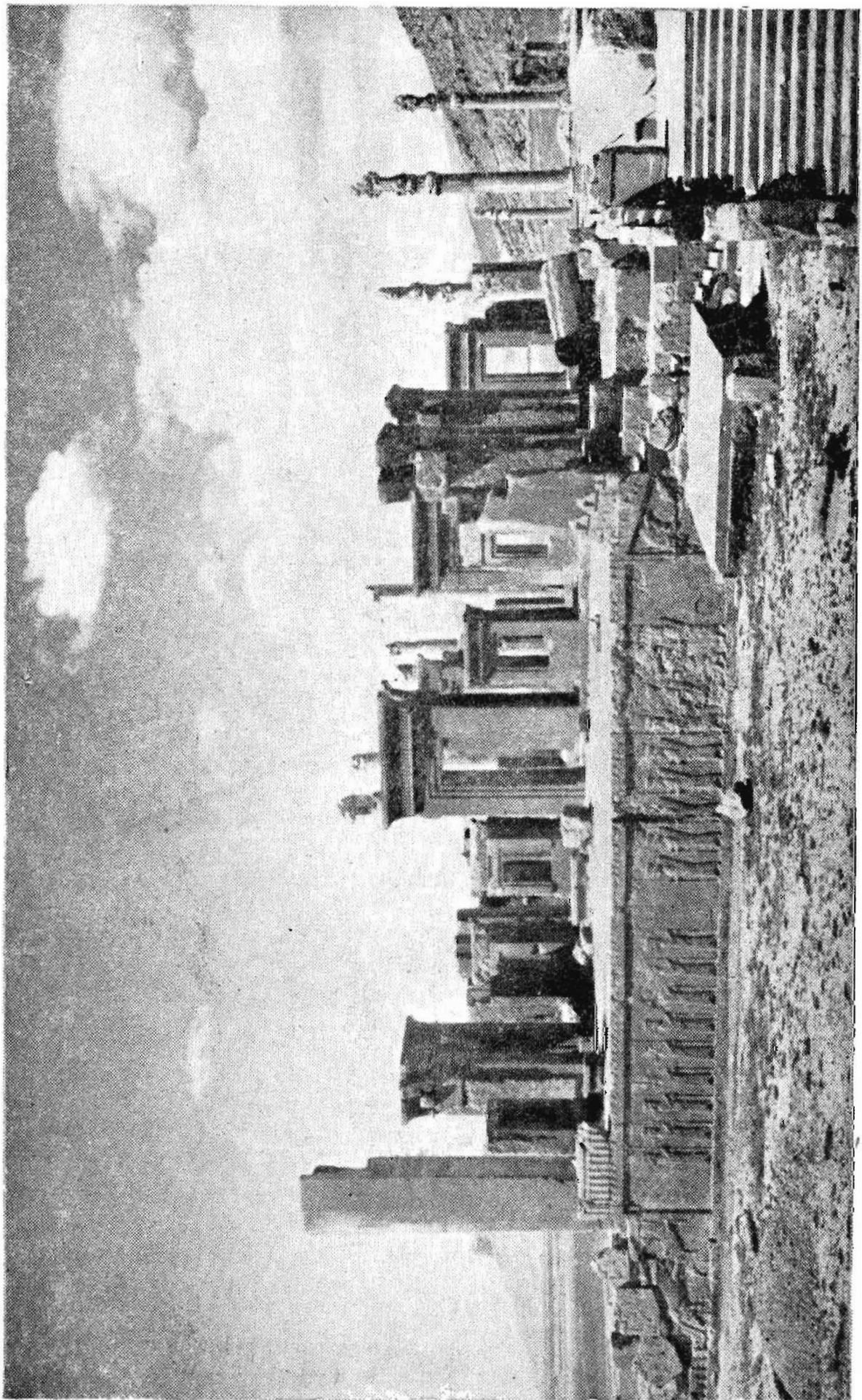
در قرن ششم قبل از میلاد مسیح دوره استیلا و برتری مدها سپری شد و شاخه دیگری از آریائی باطراف و جوانب سرزمین قلمرو حکومت مدها هجوم آورد.

این شاخه اخیر را همسایه های غربی پارس میگویند و اطلاق کلمه پرشیانتر (Persians) و یا پارس ها از آن جهت است که این کروه پایتخت خود را در ایالت پارس و یا پرسیس (Perseis) که امروزه فارس نامیده میشود فرارداده بودند. اجداد و نیاکان ایرانیان امروز هم همان پارس ها هستند. ایالت پارس از آن جهت قابل توجه است که در زمان سلطنت پادشاهان هخامنشی برای اولین بار در این سرزمین ملت بزرگی بوجود آمد که بنام ملت ایران نامیده شد.

هخامنشیان از خاندان سلطنتی بازار کاد بودند که هم اکنون خرابه های آن در شهر میلی شهر شیراز دیده میشود و این سلسله از آنرو هخامنشیان خوانده میشوند که جدا نان هخامنش نام داشت.

برای مالازم نیست که موقیت ها و یام حرومیت های یکایک پادشاهان

نحوه جمیلی فخر دادیوش بیگ بنام نالار آینه (تبر)



40

این سلسله را ذکر کنیم.

نام کورش و کامبیز و داریوش را بطور قطع و یقین همه شنیده‌اند . در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح کورش کبیر کشور مدرا تصرف کرد و پس از آن کشور کشانی و قتوحات خود را از شرق به غرب توسعه داد نتیجه این لشگر کشی‌ها پیروزی‌های مکرر آن بود که ممالک بابل ولیدی و همچنین کشور افسانه‌ای و پرثوت کرسوس (Croesus) را در آسیای صغیر تسخیر کرد .

کامبیز پسر بزرگ و جانشین کورش رویه پدر را پیروی کرد و مصر را ضمیمه امپراتوری خویش ساخت و در اوخر قرن ششم قبل از میلاد مسیح که داریوش به سلطنت رسید خودش را فرمانده و پادشاه امپراتوری عظیمی دید که وسعت خاک آن از پنجاب (Panjab) که در هند شرقی واقع است تا مقدونیه و دانوب امتداد داشت .

داریوش در اداره کردن سرزمین امپراتوری عظیم ایران و تشکیل ادارات و مؤسسات عام المنفعه استعداد فوق العاده‌ای داشت و توانست بطوری سازمان امپراتوری بزرگ خود را بانظم و ترتیب خاصی بر روی پایه و اساس محکم و ثابتی برقرار سازد که بعقیده معاصرین وی آنسازمان برای ابد پایدار و جاویدان می‌ماند .

در زمان سلطنت داریوش کبیر امپراتور بزرگ ایران راههای متعددی در سراسر کشور ایجاد کردید ، کاروانسراها ساخته شد ، علماء و دانشمندان مورد تقدیر و تشویق قرار گرفتند و علم و هنر رونق بسزائی یافت . پول رایج سراسر امپراتوری را بنام نامی امپراتور عظیم الشأن ایران سکه زدند و صنعتگران مورد حمایت و تشویق پادشاه واقع شدند .

متأسفانه وجود همین سازمانهای متعدد و نحوضه کار آنها باعث ضعف قدرت امپراتوری گردید و مانند سایر رژیم های دیکتاتوری واستبدادی هم نوع خود از مجموع آن همه قوانین و مقررات شدیدتاً بسخت تری بدست آمد چنانکه تا امر و زهم شدت قوانین مدعی ها و ایرانی ها در زبان انگلیسی ضربالمثل است.

شاه در امپراتوری خود دارای قدرت بی انتهائی بود و تمام هم خود را برای دفاع از سرزمین های امپراتوری و عظمت و سر بلندی ایران صرف می کرد و از همان تاریخ در کشور ایران زن ها تحت حمایت و مطیع محض مردان بودند.

تعداد زوجات و گوشه نشینی که بعداً بسایر طوایف و نژادها سرایت کرد احتمال دارد از ایران سرچشم کرفته باشد. جای بسی خوشوقتی است که در حال حاضر ایرانیان اولین ملت شرقی هستند که این عادات را ترک می کویند.

بهر صورت باید منکر اقدامات مهم و قابل توجه هخامنشیان شد. خرابه های حیرت آور بیستون^(۱) - بازار گاد - پرسپولیس و شوش عظمت و لیاقت و وسعت فکر و نظر پادشاهان هخامنشی را بخوبی نمایان می سازد.

۱ - برای اطلاع خوانندگان گرامی درباره بیستون و آثار تاریخی آن توضیحاتی داده می شود و همچنین ترجمه کتبی های داریوش کبیر عیناً از کتاب جفرافیای نظامی کرمانشاهان که از طرف وزارت جنگ منتشر شده نقل می کردد.
آثار بیستون

حجاریها - این حجاری های بیستون راجم بواقعه بر دیای دروغی و نه نفری است که در بدوسلطنت داریوش یاغی شده هر یک خود را بادگان مملکتی خواند - حجاری های مذکور چنین است :



نکته مهم و قابل توجهی که در مطالعه این تاریخ باید در نظر گرفته شود اینستکه آثار بعدی وقایع دوره هخامنشیان بمراتب بیشتر از عملیات معاصر آنان در تاریخ و زوچیه و روایات ایران مخصوصاً ایران کنونی تأثیر دارد.

این روایات و داستانها اگرچه فاقد جنبه تاریخی است اما موارد

داریوش ایستاده در بالا «فروهر» پرواز میکند و داریوش به تقدیس اهورمزد دست راست خود را بلند کرده و با چپ خود را بر سینه «گنومات من» که بر پشت خواهد و اسلحه بدست دارد گذاشته پشت سر داریوش دونفر که باید از رجال درجه اول درباری بوده باشند ایستاده اند (حدس میزند که یکی از آنها «گنوپرو» پدرزن داریوش است ولی معلوم نیست این حدس چیست) در مقابل داریوش اشکان نه نفر که باعث شورش‌های ایالات بودند حجاری شده اینها همه دست بسته یکی پس از دیگری واقعند و کتیبه هر یک را معرفی میکند.

داریوش در اینجا دو کتیبه بزبان خط پارسی قدیم و ایلامی با بلی نویسانده یکی بکتیبه بزرگ موسوم است و دیگری بکتیبه کوچک، در کتیبه کوچک قسمت اولی که داریوش را معرفی میکند نسخه با بلی ندارد و قسمت آخری هم ناتمام مانده.

مضامین کتیبه‌ها چنین است:

کتیبه بزرگ - قسمی از ترجمة کتیبه بزرگ یستون بمناسبت وقایع سلطنت داریوش میباشد.

ستون اول

بند ۱ - منم داریوش بزرگ شاه شاهان ممالک پسر و شناس نوہ ارشام هخامنشی.

بند ۲ - داریوش شاه گوید مرا پدروشتاب است ، و شتاب را پدر ارشام ، ارشام را پدر آریامن ، آریامن را پدر چش بش ، چش بش دا پدر هخامنش از قدیم سلطنت در دودمان ما بود .

بند ۳ - در کتاب نوشته نشده .

بند ۴ - هشت نفر از دودمان ما پیش ازمن شاه بودند من نهجین شاهم ←

وسوژه خوبی برای حماسه ملی بوجود آورده است و همان نقشی را که ردایات و داستانهای مریوط به آرthur (آرتور) پادشاه انگلستان و دلاوران دور میز کرد او و همچنین داستانهای مربرط به آلفرد کبیر (King Alfred) و کلبه هیزم شکن پادشاه دیگرانگلستان در افکار یک فرد عادی و معمولی انگلیسی

از دودمان دوگانه ما شاهیم .

بند ۵ - با اراده اهورمزد من شاهم ، اهورمزد شاهی را بنعطا کرده .

بند ۶ - این است ممالکی که تابع منند باراده اهورمزد من شاه آن هایم .

پارس - خوزستان - بابل - آسود - مصر - جزایر و دریا - سپرد - یونیه - ماد - ارمن - کاپادوکیه - پارت (خراسان) - زرنگ (سیستان) - هرات - خوارزم باختر - سعد - گنداز .

سکائیه - ث ت کوش - رخچ مکیا جمعاً ۲۳ مملکت .

بند ۷ - این ممالک که مطیع من اند بفضل اهورمزد تابع من اند بنعجا میدهنند آنچه را که با آنها امر میکنم شب یاروز اجراء میکنند .

بند ۸ - در این ممالک مردی را که دوست بود یا آنکه دشمن بود سخت کیفر دادم بفضل اهورمزد این ممالک قوانین مرامجری داشتند چنانکه امر کردم همچنان رفتار کردن .

بند ۹ - اهورمزد شاهی را بنعطا کرد اهورمزد مرا یاری کرد تا این مملک را بدست آورم بفضل اهورمزد من سلطنت را دارا گشتم .

بند ۱۰ - ۱۵ - این بند هاراجع به بر دیای دروغی است .

بند ۱۶ و ۱۹ - این بند ها ستون اول راجع بشورش بابل است .

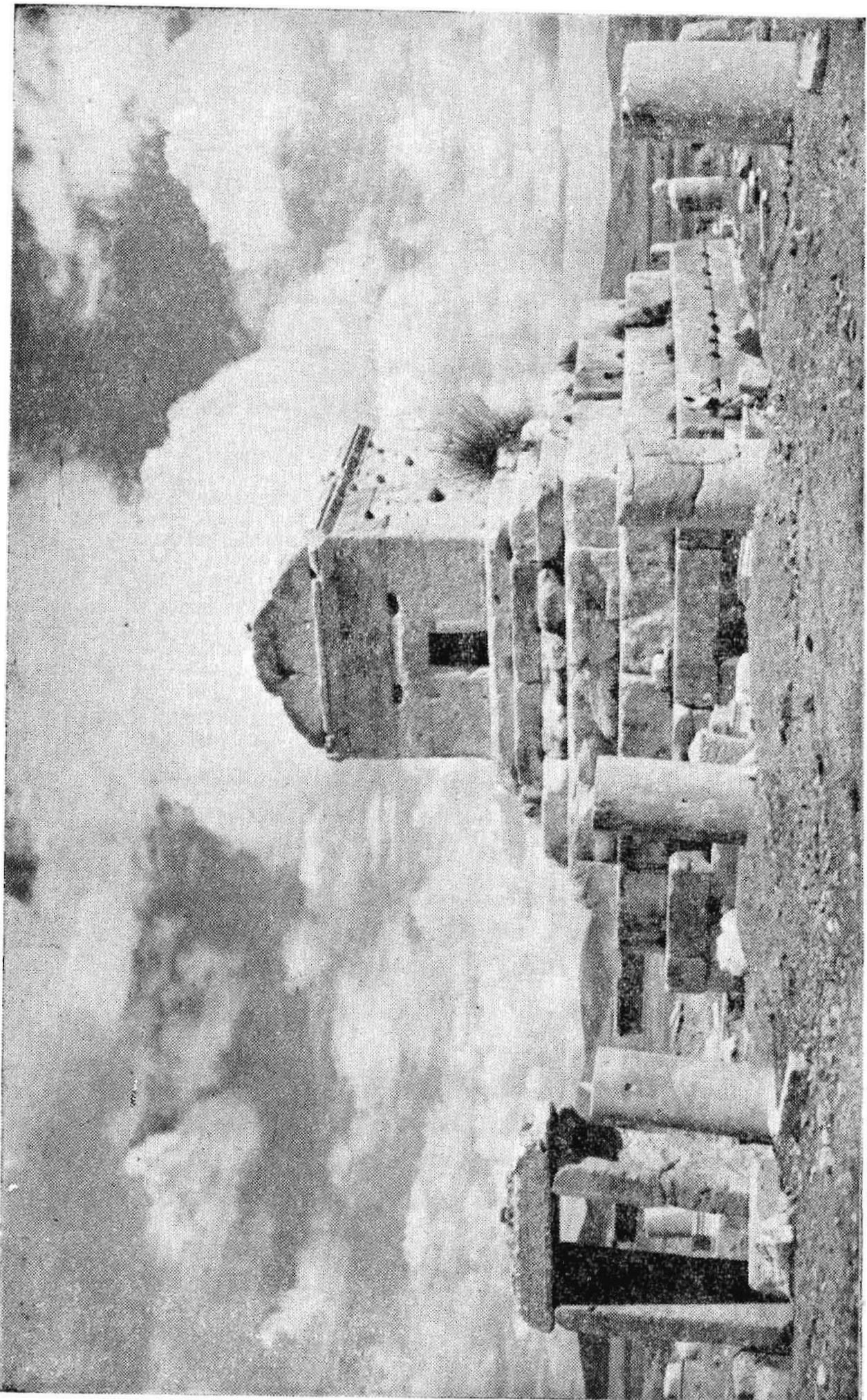
ستون دوم

بند ۱ - ۱۶ - راجع بشورش بابل و مادوساکارتی و پارت و غیره است .

ستون سوم

بند ۱ - ۱۵ - راجع است بشورش پارت مرو - باختر بر دیای دوم ← دروغی - بشورش دوم بابل .

فارس بازدگاد آرامگاه کوشش کیم



بازی میکند همان نقش و بلکه مهمتر از آنرا داستان های هخامنشیان در افکار و روحیه یک ایرانی متوسط بازی کرده است.

اینگونه داستانها بیشتر در کتاب اوستا ذکر گردیده است و بنا آنچه در این کتاب مندرج است اولین مردی که سلسله سلاطین پیشدادی

ستون چهارم

بند ۱ - ۱۵ - داریوش آنچه را که راجع بشورش ایالات گفته خلاصه کرده و اسمی یاغیان را نوشت.

بند ۳ - این ۹ شاهرا در میان گیرودار جنگ گرفتم.

بند ۴ - اینها بودند ایالاتی که شوریدند دروغ آنها را قیام داشت زیرا اینها مردم را فریب دادند بعد اهورمزد آنها را بdest مندادوچنانکه میخواستم با آنها رفتار کردم.

بند ۵ - ایکه پس از این شاه خواهی بود خود را سخت از دروغ نگاهدار. اگر فکر کنی که چکنم تا ملکتم امن باشد فریب دهنده را کیفرده.

بند ۶ - آنچه کردم بفضل اهورمزد از جزئی و کلی کردم ام ای آنکه در آینده این کتبیه را خوانی باور کن که کارهارا کرده ام آن را دروغ مدان.

بند ۷ - اهورمزد مرا گواه است اینکه اینکارها را از جزئی و کلی کرده ام راست است نه دروغ.

بند ۸ - بفضل اهورمزد کارهای بسیار دیگر نیز کردم که در این کتبیه نتوشته ام از آن جهت نتوشته ام تا آنکس که پس از این نوشته را خواند نپندارد که اینکارها بس زیاد است آنرا باور ندارد دروغ بداند.

بند ۹ - شاهان قبل در زمان زندگانیشان چنین کارها نکردند. و من بفضل اهورمزد از جزئی و کلی کردم.

بند ۱۰ - اکنون تو باور داشتی آنچه را که کرده ام پس آنرا پنهان مدار اگر پنهان نداری بمردم بگویی اهورمزد تورا یاری کناد دودمان تو پاینده و عمرت دراز باد.

بند ۱۱ - اگر این گفته ها را پنهان داری بمردم نگویی اهورمزد تورا بزنند و دودمان تو نپاید.

راتشکیل داد کیومرث بود. جمشیدیکی از احفاد کیومرث معمولاً با سلیمان که یکی از قهرمانان اسلامی است تطبیق می‌شود و بسیاری از خصایص و داستانهای افسانه‌آمیزی را که سامی‌های سلیمان خودشان نسبت میدهند ایرانیان درباره جمشید می‌گویند و همین تشابه جمشید و سلیمان باعث و سبب گشته است که اغلب آثار هخامنشیان را با آن دونسبت دهند. مثلاً هم

بند ۱۲ - آنچه من از جزئی و کلی کردم باراده اهورمزد بود، اهورمزد مرا کمک کرد و ایزدان دیگر نیز.

بند ۱۳ - از آن جهت اهورمزد مرا یاری کرد و ایزدان دیگر نیز که چه من و چه دودمانم نه دشمن (یعنی بدقلب) بودیم نه دروغگو و نه بی‌انصاف من موافق حق و عدالت سلطنت کردم نه بندهای را آزردم و نه مردم پست (یعنی ضعیف) را. مردی که دودمان مرا یاری کرد او را نواختم آنکه را که بدی کرد فشدم.

بند ۱۴ - ای آنکه پس از این شاه خواهی بود مردی را که دروغگو باشد و آنرا که بیداد کند دوست مباش ازاو با مشیر پرسش کن.

بند ۱۵ - ایکه این نوشته را که من نوشتم با این پیکرها یعنی آنها را بر می‌فکن تاتوانی نگاهش دار.

بند ۱۶ - اگر این نوشته و این پیکرها یعنی آنها را بر می‌فکنی تا دودمان تو باشد آنها را نگاهداری اهورمزد تورا یار نسلت زیاد و عمرت دراز باد آنچه تو کنی اهورمزد آن کناد (یعنی عوض بدهد).

بند ۱۷ - اگر این نوشته و این پیکرها یعنی آنها را بر افکنی و تا دودمان تو باشد آنها را نگاهداری اهورمزد تورا بزن دودمان تو نپاید و آنچه کنی اهورمزد آن کناد.

بند ۱۸ - این مردانی که با من بودند وقتیکه من گنومات منع را که خود را بر دیا مینامید کشتم اینها مرا یاری کردند.

بند ۱۹ - ای آنکه پس از این شاه خواهی بود این مردان با کفایت را که بادریوش بودند و بکمک آنها من این کارها را کردم نگاهدارچین مردان راهمیشه نگاهدار (این بندها مختلف خوانده و بعضی گذشته‌اند ولی آنها یکه خوانده‌اند تقریباً ترجمه کرده‌اند).

بند ۲۰ - بفضل اهورمزد این کتبه را ... که کردم ... این کتبه را ←

اکنون ایرانیان پرسپولیس را تخت جمشید و بازار گاد را تخت سلیمان میخوانند.

وقتیکه اسلام به ایران آمد زرتشیان این شایعات را تقویت کردند که تا انتشار آن بتوانند خود را در برابر مسلمانان جزء ملت‌های اهل کتاب بشمار آورند و با کلیمیان و مسیحیان که پیغمبران آنها یعنی موسی

نوشتم . . . بمن بعد کتبیه را بتمام . . . بتمام ایالات و مردمان . . . (نسخه پارسی این بند کتبیه خراب است ولی نسخه ایلامی خوب مانده و یسباخ نسخه مزبوره را چنین خوانده) بفضل اهورمزدا من کتبیه‌ها بطور دیگر نوشتیم بازیانی که سابقًا نبود . . . نوشته و برای من خوانده شد . . . من این کتبیه ها را بتمام ممالک فرستادم با مضمای آن آشنا شدند.

(کشفیات نوین این نوشتة داریوش را تأیید کرده زیرا نسخه بالبلی کتبیه را در بابل و نسخه آرامی آنرا در الفان تین مصر یافته‌اند).

(و یسباخ بنابر نسخه ایلامی این بند کتبیه عقیده داشت که خط نسخه پارسی کتبیه را داریوش ترتیب داده بود ولی سایرین که از جمله ادوار می‌براست این عقیده را رد کرده‌اند. آنها می‌گویند که مقصود داریوش از طور دیگر خطی است که برای سالنامه‌ها و تحریرات دفترخانه‌ها و مکاتبات جاریه ترتیب داده بود زیرا استعمال خطوط میخی برای این موارد خیلی مشکل بود. اینها در کلمه «آریانی» هم تردید دارند).

ستون پنجم

داریوش شاه گوید اینست آنچه من کردم (در سومین سال سلطنت) ایالتی هست که خوزستان نام دارد. این ایالت بر من شورید (بعضی ترجمه کرده‌اند در دفعه سوم از من بر گشت) مردیرا «مامائی تا» نام (بعضی خوانده‌اند ای یائیم نام) خوزستانی‌ها سردار کردند.

در سال چهارمین لشگر خود را به خوزستان فرستادم مردی بود گتوبرو و پارسی تابع من او را سردار کردم پس از آن گتوبرو بالشگری بخوزستان رفت با شورشیان جنگید آنها را شکست داد سردار را گرفته نزد من آورد و من او را کشتم پس این ایالت از آن من گردید.

بند ۲ - پس از آنها (یعنی خوزستانیها) ترسیدند و اهورمزد آنها را

کلیم الله و عیسی روح الله را دیانت اسلام بخوبی می‌شناخت و آنان را فرستاده خداوند متعال و پیامبر بحق میدانست برابر باشد وزرتاش را بنام ابراهیم بخواهند .

فریدون یکی دیگر از احفاد کیومرث بود که سه پسر بنام ایرج، سلم و تورداشت که در میان سامی‌ها به سام و حام و یافت اولادهای نوح برابر

بدست من داد . بهاراده اهورمزد با آنها چنان کردم که خواستم .
بند ۳ - هر کس که اهورمزد را پرستش کند تازمانی که خانواده اش باقی است زندگانی ... و

بند ۴ - بالشگری به مملکت سکاها رفتم ... در سکانیه ... در تیکر (دلجه) ... در دریا با کشتی‌ها گذشم جنگ کردم ... قسمتی را گرفته بسته نزد من آوردند ... سکون خا نامی را گرفتم ... دیگری را دئیس کردم چنانکه اراده من بود پس از آن مملکت از آن من شد (از اینکه اسم دجله برده شده و اینکه داریوش از دریا گذشته معلوم است که این بند راجع بشگر- کشی داریوش به سکائیه اروپائی است) .

بند ۵ - ... اهورمزد نه ... من اهورمزد را سپاسگزارم به اراده اهورمزد من چنانکه می‌خواستم با آنها کردم .

بند ۶ - کسی که اهورمزد را پرستش کند تا خانواده او باقی باشد ... کتبیه کوچک ألف - (که فقط پیارسی و ایلامی نوشته شده) .

بند ۱ - منم داریوش شاه بزرگ شاه شاهان شاه ممالک پرسو شتاب نوء ارشام هخامنشی .

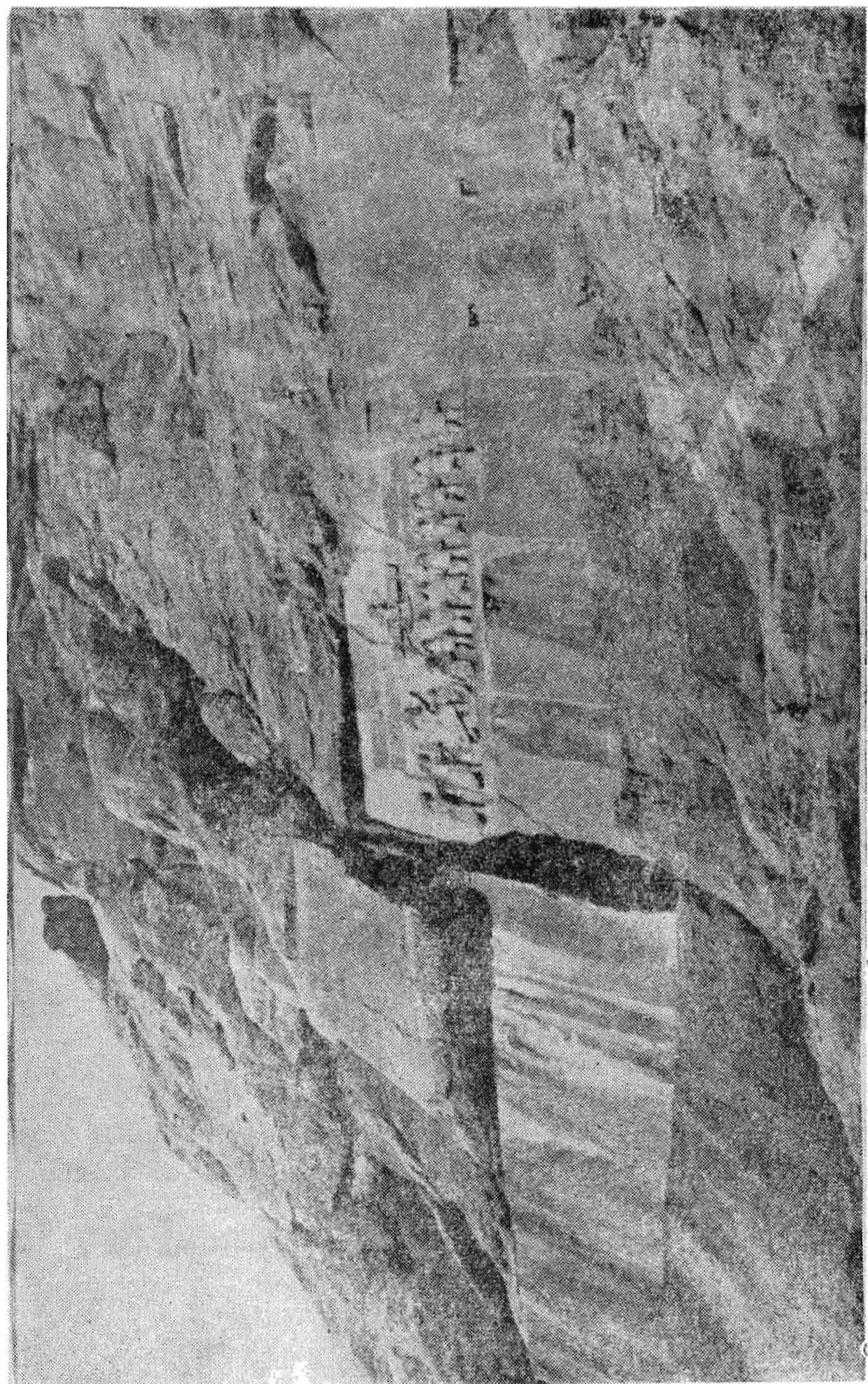
بند ۲ - داریوش شاه گوید پدر من و شتاب ، پدر وی شتاب ارشام بدر ارشام آریامن ، چش بش ، پدر چش بش هخامنش .

بند ۳ - از این جهت ما را هخامنش نامند . دودمان ما از قدیم است از قدیم دودمان ما شاهی داشتند .

بند ۴ - هشت نفر از دودمان من پیش از این شاه بودند . من نهیین شاه از زمانی دور ما شاهیم (بعضی ترجمه کرده‌اند از دودمان دو شاخه ما شاهیم) .

ب - این گنومات من است که دروغ گفت چنین گفت من بردیا پسر کورش هستم من شاهم .
←

كتبه معروف ومشهور ي SSTون



میشوند . ایرانیان از نژاد ایرج و تورانیان از نژاد تور میباشند .

بعد از جنگهای افسانه‌آمیزی که بین ایرانیان و تورانیان اتفاق افتاد سلسله‌کیان می‌آیند که همان هخامنشیان میباشند و تصور می‌رود جنگهای افسانه‌ای بین ایران و توران همان هجومهای حقیقی باشد که در سوی هزاره

ج - این آتشین است که دروغ گفت چنین گفت من شاه خوزستانم .

د - این نی‌دین توبل است که دروغ گفت چنین گفت من بخت النصر پسر نبونیدم من شاه بابلم .

ه - این فرورتیش است که دروغ گفت چنین گفت من خشتیت از دودمان هو و خشتیست من شاه مادم .

و - این مرتبه است که دروغ گفت چنین گفت من او ما نش (ای ما نیس) شاه خوزستانم .

ز - این چیترتخم است که دروغ گفت چنین گفت من شاه ساکارتم از دودمان هو و خشتی .

ح - این وہی یزدات است که دروغ گفت چنین گفت من برده پسر کورش هستم من شاهم .

ط - این ارش است که دروغ گفت چنین گفت من بخت النصر پسر نبونیدم من شاه بابلم .

ی - این فرداست که دروغ گفت چنین گفت من شاه مروم .

ک - این سکون خای سکائی است (فقط پارسی و اسلامی نوشته شده) .

چنین است مضامین کتبه‌های بزرگ و کوچک بیستون چیزی که در بادی امر جلب توجه می‌کند مکر راتی است که در این کتبه‌ها دیده می‌شود و جهت آن باید از اینجا باشد که داریوش امکان خراب یا محوشدن قسمت‌های را از کتبه‌ها پیش بینی می‌کرده و خواسته است که اگر جاهاتی از میان رفت جاهای دیگری باقی مانده مطلب را بر ساند و نیز باید در نظرداشت که اکنون وقتی که می‌خواهیم بطلبی توجه خواننده را مخصوصاً جلب کنیم زیر عبارت را خط می‌کشیم یا آن عبارت را خطی درشت‌تر مینویسیم ولی در آن زمان هیچ‌کدام از این نوع وسائل معمول نبوده و داریوش برای جلب توجه بطلبی آن را تکرار کرده یا بعبارت دیگر همان مطلب را در دفعه دوم نوشته است . (مترجم)

قبل از میلاد مسیح بدست آریانها صورت گرفته است .
کفته میشود که گشتاسب حامی زرتشت از آن سلسله بوده و
داستانهای سهراب و رستم که ماتیو آرنولد (Matthew Arnold) برای
انگلیسی‌ها نقل کرده مربوط بهمان عصر است .

در آخر این داستان بشخصی موسوم به بهمن میرسیم که بدست رستم
گشته شد بهمن را به اردشیر دراز دست تعبیر میکنند که در سال ۴۵۰ قبل
از میلاد مسیح سلطنت میکرد و همین شخص یعنی اردشیر دراز دست اولین
کسی است که بعنوان پادشاه حقیقی تاریخی معرفی میگردد .

داستانهای افسانه مانند تاریخ ایران تاظهور اسلام بهمن نحوالده
می‌یابد و از قرن هفتم بعد از میلاد مسیح از شکل افسانه‌ای خارج شده و صورت
حقیقت بخود میگیرد واز آن تاریخ بعد احساسات ملی ایران بجای
افسانه‌های حمامی تاریخی بصورت مذهبی بازمیگردد .



فصل هفتم

پارت‌ها یا اشکانیان

تسخیر آسیای صغیر برای اولین بار باعث وسیب شد که قدرت و توانائی ایران با تمدن یونان متصل و مرتبط گردد و دنیای قدیم ناظری کی از مهمترین و بزرگترین زد و خورد های شد که گاهگاهی در تاریخ بین‌الملوک مردم از یک طرف دولت و یافرمانروای مقتصدی از طرف دیگر واقع می‌گردد. جدال عظیم و قابل توجه مورد بحث ما عبارت از کشمکش و زدو خوردی بود که یک طرف آنرا جمعیتی تشکیل میداد که روی اطاعت و فرمانبرداری در زاده عظمت پادشاهان خود با نظم و ترتیب خاصی و با فداکاری قابل تحسینی می‌جنگیدند و طرف دیگر آن افراد و جماعاتی بودند که با تشکیل اتحادیه‌های منظمی برای استقلال و خودمختاری مبارزه می‌کردند و گاه‌گاه هم بین خودشان نزاع وزد و خورد وقوع می‌یافت.

در بادی امر چنین بنظر میرسید که سازمان عظیم و نیرومندی که از آن نام بردهم باید پیروز گردد اما تجربه نشان داده است که صمیمت و خلوص نیت و داشتن هدف مشترک و پیروی از اصل اتحاد و اتفاق مخصوصاً در صورتی که با پیشوائی فرماندهان و سرکردگان غیور و شجاع توأم باشد

به حملات شدید ولی بی نقشه و بی هدف توده‌های عظیم فائق می‌گردد.
برای اثبات این امر همینقدر کافی است بگوئیم که در جنگ‌های ایران
با ایالات یونان در مدتی که از ۲۰ سال متوجه‌زاد است پیروزیهای یونان در
ماراثون (Marathon)؛ ترمپولی (Thermopylae) و سالامیس (Salamis) (و
پلاتیا (Plataea) کافی بود که سپاهیان خشایارشاه را از اروپا به آسیای صغیر
براند و همین شکست‌های بظاهر کم ارزش آغاز سقوط امپراتوری ایران
محسوب می‌شود.

حوادث و وقایعی هم در سالهای بعد روی‌داد که مربوط به زدوخوردگان
داخلی است که از آنجمله می‌توان مسافت معروف و مشهور اکسنوفون
(Xenophon) را به آسیای صغیر نام برد.

در همین اوقات ایالات یونان که هریک خود را دولتی خود مختار
میدانستند بواسطه اختلافات و کشمکش‌های داخلی و نداشتن پیشوائی
مقتدر و دلسوز دچار مخاطرات کوناکونی کشتن و از همه بدتر هر آن خطر
هرج و مرج و اغتشاش آنانرا بطرف انحطاط و نابودی سوق میداد ولی در
همین لحظه حساس روح تازه‌ای در میان آنها دمیدن گرفت که نه تنها علوم
و فلسفه یونان را برای سراسر جهان آنروز محفوظ نگاهداشت بلکه ضعف
آنرا به نیروئی شکرف مبدل ساخت که آن نیرو تا حد زیادی موجب
اصلاح خاور نزدیک گردید و حتی اروپا هم از نتایج آن بطور غیرمستقیم
برخوردار شد.

این نیروی تازه عبارت از هلنیزم (Hellenism) بود که از خون تازه
وقوه‌تازه مقدونیه (Macedon) بوجود آمد.

مقدونی‌ها در توسعه و ترقی فرهنگ یونان اقدامی نکردند ولی از آن

نتایج نیکوئی گرفتند.

مقدونی‌ها دارای آنچنان خواص تهاجمی بودند که توانستند فرهنگ یونان را تاحدی پیش براند که اگر آن تهاجم و تحریک لازم مقدونیه ظاهر نمی‌گشت بطور حتم فرهنگ یونان کم کم ضعیف شده و از میان میرفت. بهر حال در اثر این تهاجم افکار و مرام‌های گوناگونی بوجود آمد که از آن زمان تا کنون در تاریخ بشر ساقه نداشته و ندارد.

خاصیت اصلی هلنیزم چنین بود که فرهنگ و عقایدی را که با آن تماس می‌گرفت محو و یا ناقص نمی‌ساخت بلکه از مجموع آنها چیزهای لازم بیرون می‌کشید.

هلنیزم روح اغماض کتنده و دموکراسی داشت و طبعاً از جنبه بازیگانی واستعماری هم سهم وافری می‌برد.

با یک دست فلسفه آریائی ایران و هندوستان و با دست دیگر داستانهای تیوتونیک (Teutonic) جن و پری اروپا را حفظ می‌کرد.

دوران حیات واقعی و عملی این نهضت پیش از چند قرن دوام نیافت ولی تأثیر و نفوذ آن در فلسفه و مذهب و علوم (مخصوصاً در خاور) خیلی هم و قابل توجه بود بهر حال چه در آسیا و چه در اروپا سالهای متمامی اساس موضوعات علمی روی تحقیقات یونان دور می‌زد و موقعی که اروپا خواست مطالعات خود را ادامه دهد بمفسرین و محققین عرب مراجعه شد در صورتی که آنها هم از سرچشمه عملی و فلسفی یونان استفاده می‌کردند.

افسانه‌هایی که راجع به اسکندر کبیر در داستانهای مشرق زمین موجود است بهترین دلیل برای اثبات این مدعای است زیرا طبق داستان‌ها اسکندر از طرفی سرداری بزرگ و فاتحی دلیر جلوه کر شده و از طرف دیگر

اورا عامل ورواج دهنده علم و تمدن هلنیزم ذکر کرده‌اند.

بطورقطع و یقین گذشته از استعداد نظامی و سپاهی گری عوامل دیگری هم برای پی بردن به علل پیشرفت سریع اسکندر وجود داشته‌است که باید مطالعه کنند گان تاریخ آن عوامل مهم و مؤثر را از نظر دورندازند.

البته امپراطوری ایران در آن زمان ضعیف و ناتوان شده و به ایالات متعددی تقسیم گردیده بود و از این گذشته مرام‌ها و عقاید تازه‌ای که دنیا را دچار زحمت و مرارت ساخته بود می‌باشد که دیریا زود آثار متزلزل خود را آشکارسازد.

خلاصه مطلب مدتی که کمتر از ده‌سال بود کافی شد که اسکندر مقاومت امپراطوری ایران را در هم بشکند و سلسله هخامنشی را منقرض سازد آسیای صغیر و سوریه و مصر و بین النهرين و ایران و باکتریا (Bactria) یا ترکستان و هند شمالی را تحت سلطه واستیلای هلنیزم درآورد.

پیروزی‌های شخص اسکندر چندان دوام نیافت زیرا او در سال ۳۲۳ قبل از میلاد مسیح از این جهان رخت بربست ولی شهرت و نفوذ وی مدتها باقی ماند. نام اسکندر در قرآن ذکر شده است^(۱) و در افسانه‌های جنگجویان ملی ایران اورا یکی از افراد خاندان هخامنشی میدانند و همین موضوع بخوبی میرساند که در داستانهای ایرانی جدیت خاصی بکار می‌رود تاهر چه را خوب و مورد پسند باشد به ایران نسبت دهد.

امپراطوری عظیم و وسیع اسکندر را چندی سلوکوس (Seleucus)

۱ - در قرآن مجید اسمی از اسکندر برده نشده و تصور می‌رود که مقصود مؤلف کتاب کلمه ذوالقرنین باشد که در بعضی از سوره‌ها به‌شیوه می‌خورد. (متترجم)

تخت جمشید نقش بر جسته شیروگاو که مکرور در پله کانها حجاری شده است



سردار بزرگش اداره میکرد و همین مدت کوتاه کافی بود که یونانی‌ها و مقدونی‌ها با استعداد مافوق تصویری دراداره امور مستعمرات موقعیت خویش را مستحکم سازند.

در آن هنگام ارتباط کاملی بین اشرافیت مقدونیه و اشرافیت ایران برقرار گردید. مستعمرات یونان در همه‌جا مخصوصاً در باکتریا که امروزه ترکستان نامیده می‌شود مستقر شدند که هم اکنون آثار آن ازموی بورو چهره بازو روشن پازه‌ای مردم ترکستان بخوبی مشهود است.

امپراطوری اسکندر مانند هر امپراطوری وسیع دیگری بزودی به دولت‌های مستقل کوچکی تقسیم گشت. خاندان سلوکوس که آنان را سلوکید (Seleucids) مینامند قریب به یک‌صد سال دیگر در خاور نزدیک سکونت داشتند و در همان موقع سلسله دیگری بنام پطالس (Ptolemies) در مصر تأسیس یافت.

مقدونیه چندی دور از صحنه‌های مبارزه بزنندگی خود ادامه میداد و پس از آن نخستین قربانی دولت مقتدری شد که بنام روم (Rome) از مغرب قیام کرده بود.

در همان ایام سلسله مقتدر تازه‌ای در ایران پدیدار گشت که توانست سلوکیدها یعنی سلسله سلوکوس سردار معروف اسکندر را که در اثر طول زمان ناتوان وضعیف شده بودند منقرض سازد.

پارت‌ها نظر به پاره‌ای ملاحظات در تاریخ رزمی ملی ایران نام و نشانی ندارند و از این گذشته دوره پانصد ساله سلطنت آنان بواسطه ایجاد شکافی عمیق چنان بدست فراموشی سپرده شده است که نشانی هم از آن در دست نیست و چنین بنظر میرسد ساسانیان که در قرن سوم بعد از میلاد مسیح

بروی کار آمدند بلا فاصله بعد از انفراض هخامنشیان در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح به سلطنت رسیده اندود رخالا این چند قرن یعنی بین قرن چهارم قبل از میلاد و قرن سوم بعد از میلاد واژه هخامنشیان تاساس ایان، اشکانیان وجود خارجی نداشته اند و ممکن است این موضوع از آن نظر باشد که اشکانیان اصلاً ایرانی نبوده و تورانی هستند ولی در هر حال با وجودی که نفوذ آنان چندان دوامی نداشت در تاریخ ایران مقام مهمی را حائز میباشند.

در سال دویست و پنجاه قبل از میلاد اشکانیان از امپراتوری سلوکیدها جدا شدند و بزودی بر ضد آنان قیام کردند ولی تامد تی سلوکیدها علاوه بر جلوگیری از پارت‌ها بفتحاتی هم نائل میشدند چنان‌که در سال ۲۰۶ قبل از میلاد مسیح آنتیوچ کبیر (Antioch) تا هندوستان هم پیش رفت ولی با وجود تمام اینها جانشین‌های اسکندر از مدتها قبل رو بسقوط میرفتد و همین‌که مقدونیه در غرب در تحت استیلای جمهوری جدید و حریص روم فرار گرفت بخوبی معلوم و آشکار بود که سلوکیدها هم در شرق بزودی سقوط کرده و منقرض خواهند شد.

سلوکیدها که وظایف خود را در استحکام مقررات و مبانی هلنیزم انجام داده بودند میباشند و دیری باز و جای خود را به نیروی فاتح تازه‌تری بدھند. امپراتوری آنان بین رومی‌ها و پارت‌ها تقسیم شده دو کشور کوچک پادشاهی از میان آن خرابه‌ها باقی ماند که یکی از آنان پادشاهی کوچک پونتوس (Pontus) در آسیای صغیر و دیگری دولت ارمنستان بود.

ارمنی‌ها که از نژاد آریائی بودند از طرف مغرب پیش آمده و در جنوب فقار اسکونت گزیدند و از همان موقع دچار یک سلسله وقایع غم‌انگیز تاریخی کشتنند که هنوز هم پایان نیافته است.

دودولت ضعیف و پوشالی پونتوس و ارمنستان در درجه اول باعث و سبب شدند که رومی‌ها و پارت‌ها را بایکدیگر اصطکاً دهند و تا مدتی هم همین اصطکاً موجب شد که هر دودولت پوشالی مذکور استقلال خود را حفظ کنند و حتی در خلال آن مدت تا حدی هم بر قدرت خود بیفزایند تا آنکه آخر الامر در سال شصت قبل از میلاد مسیح هردو کشور بتصرف پمپی (Pompey) درآمدند.

رومی‌ها و پارت‌ها بایکدیگر هم مرز شدند بطوریکه هر کدام تا هر جامیتوانستند پیش میرفتند.

در سال پنجاه و سه قبل از میلاد مسیح رومی‌ها پس از جنگ سختی در کاراهی (Carthae) که آنون حران (Harran) نام دارد و دریکی از نقاط سرحدی دولتين سوریه و ترکیه واقع است شکست خوردند و از آن تاریخ بعد پیشرفت و موقعیتی در شرق نصیب آنان نگردید.

در حدود دو قرن بعد زد خوردهایی که هدف معین و مشخصی نداشت بین رومی‌ها و پارت‌ها ادامه یافت و کاهی هم موقیت‌هایی نصیب طرفین میشد تا آنکه هردو طرف متخصص دچار ضعف داخلی گشتد.

از دودولت متخصص اواین طرفی که از پایی درآمد پارت‌ها بودند اما به صورت آنان تکالیف و وظایف خود را لازم نظر مسئولیتی که نسبت به حفظ و حراست کشورشان داشتند انجام دادند زیرا در مدتی که متجاوز از سه قرن میشود از تجاوزات یک دولت نیرومندی که میخواست قلمرو فرمانروائی خود را توسعه دهد و تمام دولتهای را که در سر راه خود می‌یافتد بدون اندک ترحمی از پایی در می‌آورد مقاومت کردند و از تجاوزات بی‌حدود رومی‌ها جلوگیری نمودند.

هنگامی که اشکانیان یعنی پارت‌ها از کار میافتادند حریف آنان یعنی رومی‌ها هم ناتوان شده بودند و خدمت بزرگی که پارت‌ها بتاریخ ایران کردند همین قضايا بود.

پارت‌ها در قسمت فرهنگ کارمه‌می انجام نداده‌اند و در این باره آثاری از آنان در دست نیست.

امپراطوری پارت‌ها که از شمال‌شرقی ایران آغاز گردید و در اندک زمانی در سراسر کشور توسعه یافت از حکومت‌های ملوک الطوایفی تشکیل می‌گردید و تحت نظر مستقیم خاندان سلطنتی اشکانیان اداره میشد و حکومت روحانی و مذهبی آن دوره هم با منع‌ها بود.

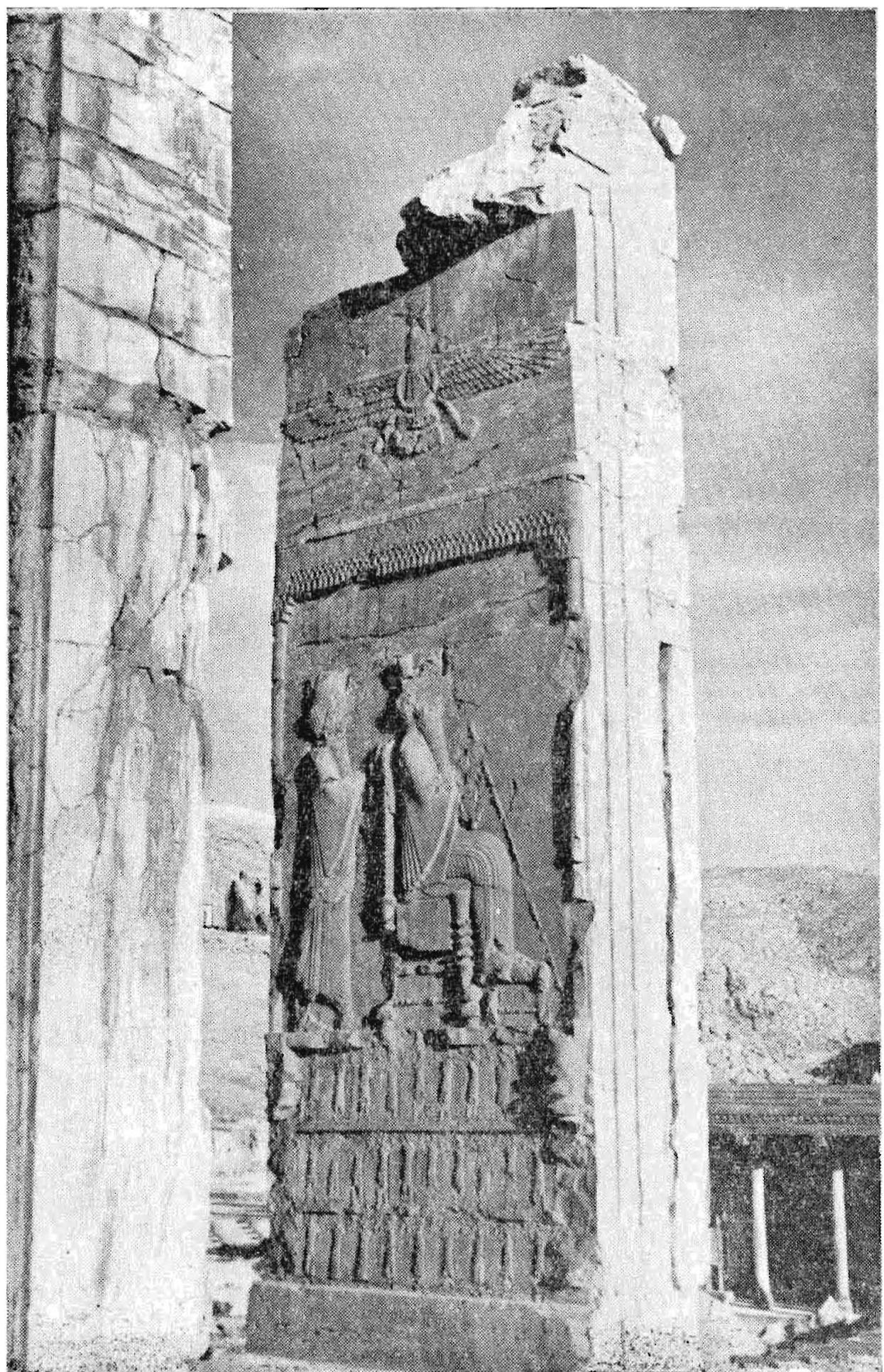
نیروهای اصلی پارت‌ها را سپاهیان چربیک، ملوک الطوایفی تشکیل میدادند. این سپاهیان ظاهراً از اصول فنی و علمی جنگی اطلاعاتی نداشتند و فقط باتاکتیک ساده ایلاتی می‌جنگیدند و یک‌گانه مهارت آنان این بود که بقول امروزی‌ها بخوبی میتوانستند بطور دروغی عقب نشینی کنند. مذهب پارت‌ها نوعی مذهب زرتشتی مانند بود که با پرستش اجداد و خورشید و ماه و ارباب انواع یونان و عقاید خرافاتی سامی‌ها توأم گشته و بقول معروف مذهبی هفت رنگ شده بود.

در زمان سلطنت اشکانیان زنان گوشنه‌نشین بوده و در پرده میزیستند و پرده‌ای از فرهنگ «هلنیک» بر روی همه چیز کشیده شده بود.

مذاهب یونانی برای پیروان آئین یونانی و یهود و مسیحیت احترامی قائل بوده و آزادی آنرا رعایت می‌گردد.

گرچه زبان رسمی آنروز اشکانیان پارتی بود که حالا بنام زبان پهلوی شهرت یافته است ولی ادبیات آنان از منابع ادبی یونان سرچشم می‌گرفت

نخت جمشید ، نقش بر جسته داریوش و خشایارشا از کاخ سه دروازه



و نیز ارتباطی هم با چین داشتند که در آن موقع دولت مهمی شده قدرت و توانائی خود را در باخترا هم جلوه کر ساخته بود.

در سال یکصد و پنجاه قبل از میلاد مسیح حمله قبایل هون (Hun) بر حدات شرقی پارت‌ها ازو قایع مهمن تاریخ است که زیان آن مستقیماً متوجه اشکانیان گردید.

از آثار معماری اشکانیان میتوان معبد و آثار مسجد سليمان را نام برد که در میدانهای نفت خوزستان و در تزدیکی شرکت نفت انگلیس و ایران قرار دارد.

اشکانیان بساختن طالارهای مسقف و طاق ناماها با سقف‌های ضربی و طاق‌نما دار شهرت دارند.



فصل هشتم

سلسله ساسانيان

در سال ۲۲۶ بعداز ميلاد مسيح اردشير پسر سasan آخرين پادشاه سلسله اشکاني را مغلوب ساخت و از طرف مشرق تا هندوستان پيش رفت و پس از آن متوجه مغرب گردید، ارمنستان را از پاي در آورد و امپراطوری روم را که از هر حیث ضعیف شده رو با حطاط و نابودی میرفت بمبارزه طلبید. با این ترتیب سلسله ساسانیان پدیدآمد اوضاع واحوال هم با آنان مساعد گشته و ترتیبی پيش آمد تا تو استند جائی را در تاریخ ایران بگیرند که درجه دوم هخامنشیان باشند و بقدرتی داستان نویسان ایرانی در این مورد تند رفته اند که ساسانیان را بدون واسطه به زیاگان مشهور خودشان هخامنشیان چسبانده اند.

طبق روایات ایرانی اردشیر پسر سasan را از اولاد برادر بهمن دانسته اند و بطوري که اطلاع داريم بهمن نخستین کسی است که تاریخ ایران او را فهرمان ملي ایران ميداند و اين انتساب هم به چوجه درست نیست زیرا اردشیر يکی از امراء دست نشانده پارت ها بوده است ولی روح افسانه سازی ایرانی بقدرتی قوى است که اردشیر مؤسس سلسله ساساني را در شمار

سلطانی قرارداد که دارای مقام روحانیت و ارتباط آسمانی بوده‌اند.

در موقع سلطان اعراب برایران هم بهمین نوع احساسات ملی بر می‌خوریم.

تاریخ سیاسی ساسانیان مشتمل بر یک سلسله جنگهای طولانی است که با رومی‌ها داشته‌اند و از سال ۳۷۰ میلادی بعد هم با امپراطوری بیزانسین (Byzantine) یعنی روم شرقی در جدال بوده‌اند هم در مشرق با هون‌ها^(۱) و ترک‌ها زد و خورد کرده‌اند.

از سلسله ساسانیان پادشاهان بزرگ و سرداران شجاعی برخاسته‌اند. شاهپور اول در سال ۲۶۰ میلادی والرین (Valerian) امپراطور روم را اسیر کرده به ایران آورده و پادشاهان دیگر این سلسله عبارتند از شاهپور کبیر (۳۰۹-۷۹ میلادی) بهرام گور شکارچی معروف (۴۰-۵۳۱ میلادی) انسیروان دادگر (۷۹-۵۳۱ میلادی) که در زمان سلطنت آنان سازمان امپراطوری ایران تجدید شد - قوانین لازم بمنظور رفاه و آسایش مردم تنظیم و تدوین گردید - راه‌ها و پل‌ها ساخته شد - سدها و مجاری آبیاری احداث گردید. باید بین نکته توجه داشت که پادشاهان ساسانی تنها هم خود را مصروف جنگهای تاریخی و توسعه خاک سرزمین قلمرو فرمانروائی خود نمی‌کردند بلکه اصلاحات داخلی و رفاهیت اهالی مملکت هم همواره مورد نظر آنان بود.

راه‌ها، پل‌ها و وسائل آبیاری آنها از بهترین نوع عصر خودشان بشمار می‌آمد و آثار آن هنوز هم در نقاط جنوبی و غربی کشور ایران دیده می‌شود

۱ - هون و یاهان نام نژاد در بدر آسیائی است که در سده‌های چهارم و پنجم میلادی در اروپا تاخت و تاز کرده‌اند و آنرا خراب کنندگان آثار تمدن هم می‌گفتند. (متترجم)

که از آن جمله بند قیصر در شوشتر و سدآب کر گر در صحرای خوزستان رامیتوان نام برد.

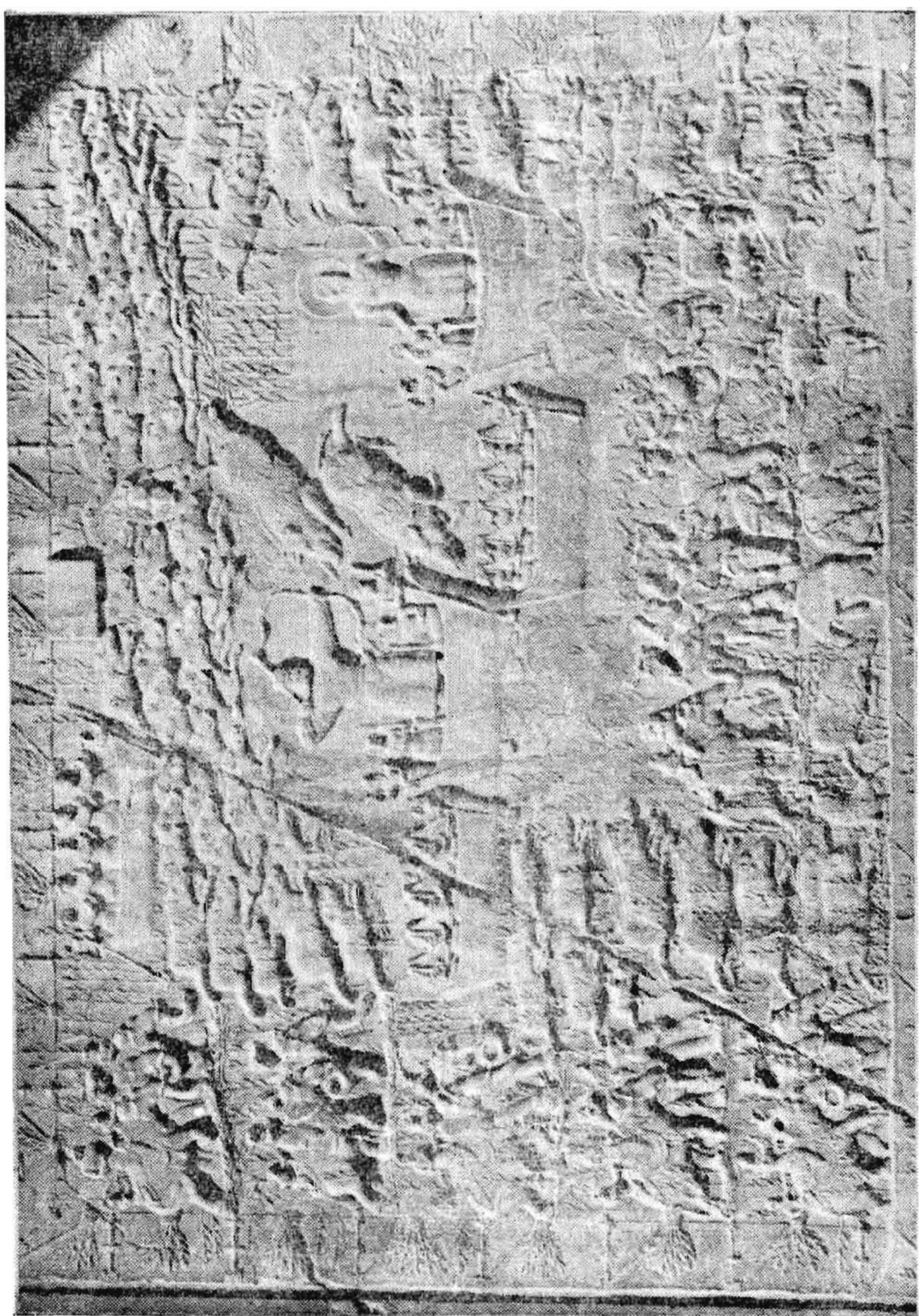
ایوان مشهور و معروف مدائن تیسفون (Ctesiphon)^(۱) که در نزدیکی بغداد پایتخت کشور عراق واقع است و همچنین کاخ‌های قصر شیرین و کازرون و نیشابور و محلی موسوم به نقش رستم که در نزدیکی کرمانشاه واقع شده و در آنجا عکس رستم را حکا کی کرده‌اند نمونه‌ای از کارهای ساسانیان می‌باشد. ساسانیان به وزش و بازی‌هایی که نیروی تن را زیاد می‌کند خیلی اهمیت میدادند. چو کان بازی را خیلی دوست داشتند.

پیدایش بازی شطرنج را در ایران با آنان نسبت میدهند و از همه بالاتر آنها برای ترویج ادبیات اقدامات اساسی بعمل آورده‌اند و صاحبان علم و هنر را گرامی داشتند.

بسیاری از داستانهای حمامی و ملی ایران در زمان آنان جمع آوری

۱- ایوان مدائن یاطاق کسری که در محلی بنام سلمان پاک واقع است یعنده را دچار حیرت می‌سازد و خود اینجانب همین امسال که برای گذراندن ایام تعطیل عید به عتبات عالیات مشرف شده بودم از طاق کسری دیدن کردم و از اینکه نیاگان ما چنین بنامی را از خود بیادگار گذارد همین در خود احساس غرور و سر بلندی کردم . البته خوانندگان گرامی هر وقت سال که بدیدن طاق کسری بروند ایرانیان زیادی را در آنجا خواهند دید . سبک معماری و ساختمان این ایوان یعنده را دچار حیرت می‌سازد و تعجب در این است که در آن موقع بانبودن وسائل لازم چگونه توانسته‌اند ایوانی باین عظمت را بسازند . مقبره حضرت سلمان پارسی که از اصحاب عالیقدر حضرت محمد بن عبدالله (ص) بوده است در ۳۰۰ متری طاق کسری واقع است و بهمین جهت آنجا را سلمان پاک مینامند که شیعیان مولای متقیان علی علیه - السلام همگی برای ذیارت آن حضرت بآن جامیرون و از طاق کسری هم که جزء مفاخر ملی ایرانیان است دیدن می‌کنند . (متترجم)

کرمانشاه، طاق بستان، نقش بر جسته خسرو پرویز در حال شکار از آثار ساسانی



گردید. کتاب مذهبی اوستا که بصورت جزو های کوچکی بود بدستور ساسانیان جمع آوری گردید و با تفسیر دریک جلد بزرگ تدوین شد.

لازم است درباره زبانهای مختلفی که نام آنان در موقع مطالعه ادبیات ایران پیش از میخوردن کته مهم و قابل توجهی را باطلاع خوانند کان گرامی بر سانیم.

مطابق تحقیقاتی که بعمل آمده قدیمی ترین زبانهای ایران زبان اوستائی میباشد و اینطور استنباط میشود که زبان اوستائی همان زبانی باشد که مدها آن سخن میگفتند. پس از آن زبان قدیم هخامنشیان میآید که روی آثار آن سلسله حجاری کرده اند. سپس زبان پارتها یعنی اشکانیان که همان زبان پهلوی باشد رواج پیدا کرد که مورخین آنرا زبان متداول تاریخ ادبیات ایران دانسته اند و مر بوط به اشکانیان و ساسانیان میباشد.

زبان کتوئی ایران زبانی است که پس از استیلای اعراب به ایران تحت تأثیر زبان عربی واقع گردید و با الفبای عربی پدید آمده است.

اوستا در آغاز بالفبای مخصوص بخود نوشته میشد ولی اوستای دوره ساسانیان بالفبای تازه تری نوشته شد که آثار عوامل آسوری و آرامی نیز در آن خط دیده میشود.

کتاب زند یا تفسیر اوستا با خط دوره ساسانیان نوشته شده است و بعداً تفسیرهای دیگری موسوم به پازندرا با خطوط اوستائی و یا عربی (فارسی) نوشته اند.

چون در زمان سلطنت پارتها، مغها ضعیف شده بودند و مذهب زرتشت نیز فاسد گشته بود ساسانیان کوشش زیادی کردند که آئین زرتشت را بپا کی روز نخستین بر گردانند و حقیقت مذهب را همانطوری که قبل از بوده

است مستقر سازند و نفوذ باستانی آریائی را باتشریفات مذهبی که از میان رفته بود بهمان صورتی که روز اول بوده است دوباره تجدید کنند.

یکی از جالب‌ترین آن موضوعات آئین میترائیسم (Mithraism) بود. این آئین زمان پمپی در امپراطوری روم پدیدآمد و چنین بنظر میرسید که این آئین میتواند احتیاجات آن روز مردم را مرتفع سازد زیرا تعلیمات آن عمیق‌تر و بمراتب بهتر و روحانی‌تر از پرستش خدایان نرماده حادثه جو و عشقی یونان و روم بشمار می‌آمد و تا مدتی هم رقیب جدی مسیحیت بودو شاید هم شکست و سقوط آن بیشتر از این جهت بود که به مادیات زیاد تکیه داشت و مبانی اخلاقی را کمتر رعایت می‌کرد.

جانشین میترائیسم رومی در ایران آئین‌مانی بود که اهمیتش از میترائیسم بمراتب بیشتر شد.

آئین‌مانی در قرن سوم میلادی درست در موقعی که ساسانیان مشغول استحکام مبانی دینی خود بودند ظهر کرد.

تعلیمات این مذهب جنبه انتخاب و کلچینی داشت و برای تفاهم بین مذاهب زرتشتی و مسیحیت و بودائی و آسوری کوشش می‌کرد و در عین حال برخلاف تعلیمات زرتشت که از زندگانی مادی و آسوده طرفداری می‌کرد آئین‌مانی زندگانی انزوا و رهبانی را سفارش مینمود و بر عکس مذهب زرتشت که عناصر جسمانی و روحانی را در اصل خوبی مشمول میدانست مانی معتقد بود که جهان مادی نتیجه اختلال نور و ظلم است و بنابراین شرارت کامل می‌باشد و بهمین دلیل بر هم‌زدن جهان مادی مورد پسند واقع می‌گشت و هر عملی که از قبیل ازدواج وغیره موجب ادامه حیات گردد جزء اعمال خبیثه بود.

این موضوع تا حدی شُکفت‌آور است که اگرچه مانی، بودا و مسیح و زرتشت را برسمیت می‌شناخته‌ولی با مطالعه مقررات آئین او بخوبی استنباط می‌شد که تعلیمات مانی مخالف با تمام آن‌مذاهب می‌باشد و بهمان جهت پیروان مانی دائمًا در رنج و عذاب بودند.

با وجود تمام اینها آئین‌مانی توسعه و انتشار یافت و کشور تبت مر کر آن شد و در قرن سیزدهم میلادی اساس بدعت‌های مشهوری بنام آلپی‌جن-سیس (Albigenses) کردید.

افکار و عقاید منفی و خراب‌کننده مانی با طبیعت ایرانیان تناسب داشت زیرا این‌گونه نهضت‌ها در ایران سابقه دارد. در قرن ششم میلادی پیامبر دیگری بنام مزدک از ایران برخاست او نیز مردم را بر هبانیت و انزوا می‌خواند.

مزدک متهم به دارا بودن و نشر افکار کمونیستی بود ولی این فسمت یعنی کمونیستی مزدک‌تھمتی است که کهن‌پرستان بهر فلسفه تازه‌ای وارد می‌آوردند. سیاست ساسانیان نسبت با افکار و عقاید تازه بطور کلی سیاست تسامح و تاحدی هم تشویق آمیز بمنظور میرسید. مثلاً تعلیمات جدید افلاطون که به ایران آمد و مورد مطالعه قرار گرفت جای خود را محکم نگاه داشت و آنقدر دوام آورد که در فلسفه اسلامی نیز نفوذ یافت و بالاخره به نهضت صوفی-گری قرون وسطی منتهی شد و باید با این نکته توجه داشت فقط در موقعی که آئین و بدعت تازه استحکام مبانی دولتی را متزلزل می‌ساخت با کمال شدت و در اسرع وقت از بین میرفت.

آئین مزدک با فساد و بی‌رحمی زایدالوصفی در هم شکست و تاریخ مسیحیت بخوبی نشان میدهد که در دوره ساسانیان سیاست آن سلسله بر روی

ملاحظات عملی استوار بود و همینکه در سال ۳۲۳ میلادی کنستانتین کبیر (Constantine) به آئین مسیح گروید و دین مسیح مذهب رسمی امپراطوری روم شد مسیحیان ایران مانند ستون پنجم در این سرزمین معرفی شدند و تمامی آذار امته کردند که از دشمنان تاریخی ایران یعنی رومی‌های مسیحی طرفداری میکنند و در سال ۴۲۴ میلادی این اختلاف بقدری شد که گرفت و احساسات ملی ایرانیان بطوری برانگیخته شد که مسیحیان شرقی استقلال خود را اعلام کردند و کلیسا‌ای آنان از کلیسا‌ای مسیحیان غربی جدا شد اما ساسانیان نظر بمقتضیات سیاسی طوری عمل کردند که علاوه بر جدائی دسته‌های مختلف مسیحیان و ایجاد نفاق و کدورت بین آنان بجنگک‌های مذهبی با یکدیگر مشغول کشتند و در همان موقع بود که بواسطه بدعت نسطور (Nestorius) اسقف اعظم قسطنطینیه عقاید مسیحیت بشعبات متعددی تقسیم کردید.

چنین بنظر میرسید که ایجاد این اختلاف بواسطه دقت و موشکافی در عقاید مسیحیت پدید آمده است ولی باید خوانند کان کرامی آگاه باشند که این موضوع جنبه سیاسی داشت و مانند سایر موارد آنرا بر نگ دین و عقاید مذهبی جلوه گر ساخته‌اند.

نسطور عقیده داشت که حضرت مسیح دارای دو ذات و دو طبیعت است و کلیسا‌ای مغرب معتقد بود که این پیغمبر مرسل یک ذات و دو طبیعت داشت و بیزانس‌ها به پیروی از فلسفه مونوفیزیت^(۱) (Monophysite) میگفتند که او دارای یک ذات و یک طبیعت بوده است.

۱ - مونوفیزیت کسی که عقیده دارد باینکه مسیح دارای یک ذات است و بس. (متترجم)

پادشاهان ساسانی از این فرصت استفاده کردند و از زرتشتی شدن مسیحیان چشم پوشیدند و در مقابل آسوری‌های بین‌النهرین را تشویق میکردند تا مذهب نسطور را پیذیرند و از کلیساي بیزانتیوم جدا کردند.

ارمنی‌ها به فلسفه مونوفیزیت که مسیح را دارای یک ذات و یک طبیعت معرفی میکرد متمسک گشتند ولی با وجود قبول این فلسفه از عقاید بیزانتیوم اطاعت نکرده و از کلیساي آنان جدا شده کلیساي دیگری برای خودشان تشکیل دادند که کلیساي هر دو دسته تاکنون باقی است.

نسطوری‌ها در واقع عادت و سیرت ایرانی داشتند و مبلغین آنها برای ترویج عقایدشان تا هندوستان و چین و نقاط دیگر عالم رفتند و حتی معتقدند که ایوب مقدس (St Ives) اسقف اعظم ایرانی بوده و در قرن ششم میزیسته است در اوآخر سلطنت سلسله ساسانی نفوذ نسطوری‌ها در ایران بسیار قوی بود بطوریکه همسر خسرو پرویز آخرین پادشاه سلسله ساسانیان مسیحی بوده است.

فصل نهم

ظهور پامبر بزرگ اسلام

ما تا کنون ایرانی را مورد مطالعه قرار داده بودیم که بندرت تحت سلط و حکمرانی بیگانگان بوده است.

مهاجمین بیگانه بارها کشور ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند و فاتحین بزرگ و موفق جهان هم باین کشور روی آوردن و گاهی هم در این سرزمین نفوذ آنان قدرت و قوت بسزائی یافت ولی این تجاوزات و این سلط و فرمانروائی ها نتوانستند تأثیر عمیقی در توده سخت و محکم ایران داشته باشند. چنین بنظر میرسد که فقط یک قدرت جهانگیر دارای این شانش شد که بتواند طوری بر توده ایران تأثیر بخشد که سرش آنرا بکلی عوض کند و ایرانی را باطرز فکر و عقیده جدیدی غیر از آنچه قبلابود درآورد.

موقعی که اعراب هجوم بی سابقه خود را بخارج از عربستان آغاز کردند با دو امپراتوری موافقه کشند که عبارت بودند از امپراتوری روم و امپراتوری ایران و هر دو امپراتوری بواسطه جنگهای خارجی و کشمکش‌های مداوم داخلی ضعیف شده و هر دو بیش از حد معمول یک امپراتوری دوام یافته بودند.

اعراب امپراطوری اول را که همان امپراطوری روم باشد در آسیای صغیر مجبور به عقب نشینی کردند و امپراطوری ایران را هم بکلی از پای در آورده منقرض ساختند.

این اولین باری نبود که ایرانیان با اعراب تماس حاصل کردند زیرا قبل از آنهم کشورهای کوچک سلطنتی عرب در صحراهای سوریه وجود داشتند که با ایرانیان در تماس بودند و از آنجمله میتوان کشور سلطنتی حیره را در عراق و غسان را در سوریه نام برد.

این کشورهای کوچک سلطنتی با درنظر گرفتن مصالح خودشان و مقتضیات روزگاهی تابع امپراطوری ایران بودند و گاه خود را تحت الحمایه بیزانسیوم یارو م شرقی میدانستند.

در جنوب عربستان که حالا بنام یمن معروف است کشور پر نعمت حمیری‌ها حکومت میکرد که در سال ۵۷۶ میلادی ایرانیان این دولت را بکلی منقرض ساختند و در همان موقع بود که ارتش ساسانیان مهاجمین را از جبهه با نظرف ساحل دریایی قرمز راند.

واقعه مهم دیگری که در سال ۶۱۰ میلادی روی داد این بود که اعراب حیره در ذوقار قوای ایران را شکست داد ولی هیچ یک از این وقایع علت سقوط ساسانیان نبوده است.

در تاریخ اولیه خاور نزدیک اعراب گاهگاهی بعنوان اقلیت بی‌اهمیتی خودنمایی میکردند.

سازمانهای بدوى و ساده آنها مانع از آن بود که اهمیتی پیدا کنند و مورد توجه دول آنroz جهان واقع گردند.

تشکیلات آنها عبارت از تشکیلات عشايری غیر مرتبی بود و بیشتر

زندگانی آنان از حمله و غارت یکدیگر می‌گذشت و تاموقعی که یک روحیه غیر عادی در میان این اعراب دیده نشد نتوانستند باهم متحد شوند.

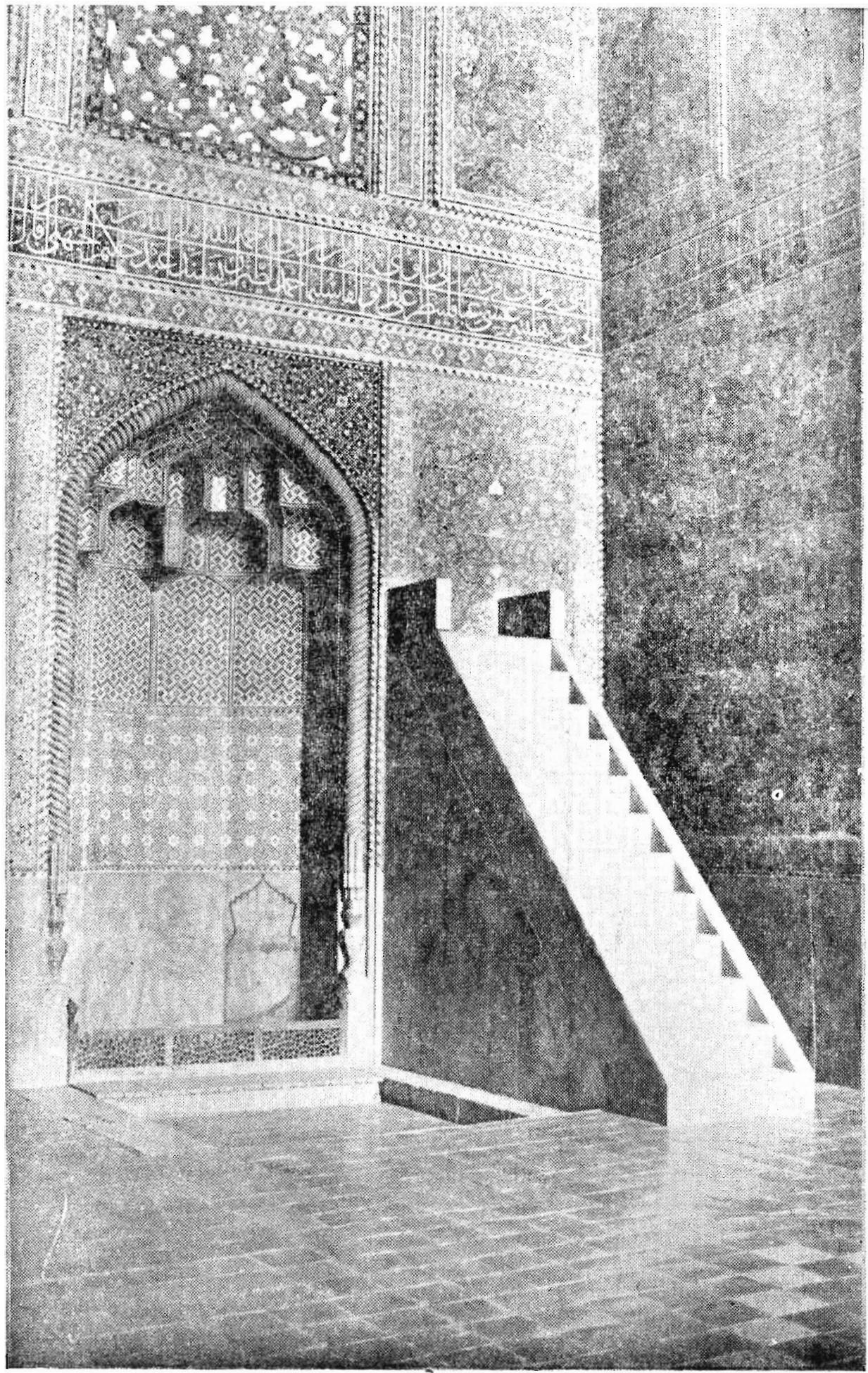
مذهب وزندگانی اجتماعی اعراب خیلی ساده می‌گذشت.

ابتدا مذهب آنان آنی میزم (Animism) خالص بود و معتقد بودند که درخت‌ها و سنگ‌ها و چشمه سارها دارای روح هستند و آنها را همپرستیدند. متدرجاً افکار آنان ترقی کرد و هر طایفه‌ای برای خود خدائی انتخاب کرد و هر شهری بیک آئین و بیک الوهیت خاصی قائل گشت که از اطراف برای زیارت آن خدای انتخابی میرفتند.

این رویه بدون تردید برای پیشرفت امور اقتصادی اتخاذ شد زیرا هر شهری که خدای قبیله و طایفه در آن شهر بود مرکز تجارت و تمدن می‌گردید. مکه و مدینه از شهرهای حجاز که در سر راه کشور حاصلخیز و پر نعمت یمن قرار داشتند از شهرهای عمده عربستان بشمار می‌آمدند و در این دو شهر مذهب اعراب بواسطه نفوذ محیط خارج اصلاح گردید.

قویترین عنصر و عامل این نفوذ خارجی آئین ماندیان (Mandaean) یا صابیان (Sabaeans) که آنرا یعنی هم می‌گویند بود که باحتمال قوى از ریشهٔ بابلی‌ها باشد.

اساس این آئین ایمان بخدای یکانه بود که شاید قبل از توحید یهودیان و مسیحیان در میان اعراب رسوخ داشت اما نباید فراموش کرد که توحید دو آئین موسی و عیسی هم در میان عرب‌ها نفوذ زیادی داشته است. آئین ماندی یا ماندیان تا کنون در میان صابیان کشور عراق باقی است. سیاحان وجهانگردانی که بخاور میانه می‌آینند آثار حکاکی صابئی‌ها را خوب می‌شناسند که بنام کارهای عماره شهرت دارد.



اصفهان، محراب کاشی کاری نفیس و منبر سنگی مدرسه چهارباغ از آثار صفویه

چون صابئی‌ها رسوم تعمید را مجری میدارند بعضی‌ها اشتباه آنان را پیری‌سای تعمید دهنده دانسته‌اند. نفوذ آئین مسیح از طرف دولتهای کوچک غسان و حیره در میان اعراب پدید آمد.

در این دو کشور عناصر آرامی، نفوذ و رسوخ مهمی داشتند.

يهودی‌ها در مکه و مدینه و یمن مسکنی گزیده بودند.

سنگ سیاهی که به حجر الاسود معروف است در خانه کعبه که در شهر مکه واقع است قرار دارد و بهمین جهت این شهر از قدیم الایام زیارتگاه کلیه اهالی عربستان محسوب می‌شدو همین امر سبب گردید که طایفه قریش که جنبه پیشوائی مردم را داشت تو ایست نفوذ و احترام خاصی برای خود پیدا کند. در حدود سال ۵۷۰ میلادی خداوند متعال به عبدالله نواحه هاشم از سران قبیله بزرگ قریش پسری عطا فرمود که او را محمد صلی الله علیه و آله نام نهادند و مقدر چنین بود که همین محمد صلی الله علیه و آله در پایان زندگانی بی حادثه و آرامی قیام کند و طوفان فتوحات و شور عظیم مذهبی را که از عربستان پدید آمد اداره نماید.

چنین بنظر میرسید که محمد ﷺ در آغاز کار نماینده یک عده تجار مکه بود^(۱) محمد ﷺ جوانی جدی، با هوش، با فکر و پرهیز کار بود و بزندگانی تجاري علاقه‌ای نداشت. او با یک بیوه زن ثروتمند مسن‌تر از خودش ازدواج کرد^(۲) وزندگی بی سر و صدائی را آغاز نمود.

مذاکرات محمد ﷺ با یهودیان و مسیحیان باعث شده بود که او

۱- محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پیامبر بزرگ اسلام و خاتم الانبیاء در ابتدا نماینده بازرگانان مکه بود و در اثر درستی و صداقت با آن حضرت لقب امین دادند. (متترجم)

۲- منظور مؤلف حضرت خدیجه‌الکبری سلام الله علیها زوجة پیغمبر اکرم ومادر فاطمة زهراء علیها السلام است. (متترجم)

نسبت به خدایان متعدد نرماده (اله والله) متنفر کردد و از هت پرستی هم میهنان خویش نیز بیز ارشودو بالآخره شوق و شور مذهبی که در نهاد محمد ﷺ نهفته شده بود او را این آن داشت که باین نرماده پرستی‌ها و بت پرستی‌ها خاتمه دهد و آنگاه از طرف حضرت احادیث بر سالت انتخاب شد و بجهانیان اعلام داشت که من فرستاده خداوند متعال هستم و برای رستاخیز نوع بشر آمده‌ام. فعالیت بی نظیر محمد ﷺ در اثر ابلاغ غایب‌ام‌هایی که یکی از هلاکت‌های آسمان بنام جبرئیل امین با او میرساند باعث شد که طایفه بت پرست خودش ازوی دوزی جویند بقسمی که ناچار از مرز و بوم خود مکه به مدینه نقل مکان کرد و این انتقال که در عرف مسلمانان هجرت مشهور است در بیستم ماه سپتامبر سال ۶۲۲ میلادی صورت گرفت و بقدرتی این اقدام پیغمبر اسلام جدی و مهم بود که مبداء تاریخ مسلمانان جهان شد.

محمد ﷺ در مدینه زمینه مناسب‌تری برای انتشار تعلیمات خود یافت و فقط کلنی‌های یهود شهر مدینه با او مخالفت داشتند و همین اختلاف باعث شد که یهود و اسلام از یکدیگر جدا گشتند.

در سال ۶۳۰ میلادی محمد ﷺ با پیروزی به مکه بر گشت و در خلال این چند سال هجرت و باز گشت با حوادثی مواجه بود که گاه بشکست و گاه به پیروزی وی انجام مییافت ولی از همان تاریخ یعنی سال ۶۳۰ میلادی پیشرفت نهضت مقدس این پیامبر بزرگ محقق گردید.

دو سال بعد مرگ محمد ﷺ مانع از آن شد که انتشار دین میان اسلام‌ها در خارج مرزهای عربستان بهیند ولی شکی نیست که پیامبر بزرگ اسلام یقین داشت آئین حقه اوجه‌انگیز میگردد و بهمین جهت در سال ۶۲۸ میلادی رسولانی از طرف خود نزد هر اکلیوس (Heraclius) امپراطور بیزانسیوم یاروم شرقی و خسرو پرویز پادشاه ایران و سلاطین مصر و یمن و حبسه فرستاده بود.

فصل دهم

حلمه اعراب به ایران

خلفای جانشینان محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم}^(۱) (ابو بکر ۶۳۲-۴) و (عمر ۶۳۴-۴۴) فتوحات او را تکمیل کردند.

در زمان خلافت عمر مصرو سوریه مسخر گشت و ارتضی امپراطوری روم شرقی (بیزانسیوم) بکلی مغلوب گردید.

در سال ۶۳۶ میلادی آخرین زد خورد با ارتضی پادشاه ایران صورت گرفت و بنیان سپاهیان ایران برآفکنده شد. کشور ایران بتصرف اعراب درآمد و چند سال بعد یزد گرد سوم آخرین پادشاه سلسله ساسانیان در اسیری جان سپرد.^(۲)

اینک پیش از آنکه راجع بنفوذ اعراب و فتوحات آنان در کشورهای خارج از عربستان بحث بیشتری بکنیم لازم است اندکی بعقب برگردیم و ببنیام اسلام چه جه ارتباطی با موضوع تاریخ مایعنی تاریخ ایران دارد.

۱- جانشین به حق محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام است. (متترجم)

۲- یزد گرد سوم پادشاه ایران در حین اسارت نمرد بلکه هنگام آوارگی در «مرو» بدست آسیابانی بهلاکت رسید. (متترجم)

باید این موضوع مهم را همواره در نظر داشت که اعراب حتی از نظر سیاسی هم نتوانستند کاملاً ایران را در خود مستهلك سازند بلکه بر عکس عربها از همان آغاز کار سازمانهای اداری خود را بادر نظر گرفتن تشکیلات و نحوه کار ایرانیان و بیزانسیوم یعنی روم شرقی بنانهادند و همچنین آثار فرهنگی و مذهبی اسلام را ایران خیلی کمتر از آن است که بعضی ها تصور می‌کنند. بطور حتم مردم ایران مذهب اسلام را پذیرفته‌اند و با آن خو گرفته‌اند وزبان فارسی با افزایش لغات و واژه‌های عربی مستقیم گردید بطوریکه در بعضی موارد کلمات اصلی از میان رفته است اما باید باین نکته توجه داشت که این هر دو موضوع بمروز ایام عملی کشته و مخصوصاً جنبه ایرانیت بخود گرفته است.

کمتر احتمال میرفت که اختلافات اساسی موجوده بین طبع دموکراسی اعراب و طبع اشرافی ایرانیان تحت تأثیر یکدیگر واقع گردد و همچنین انتظار نمیرفت که آئین اسلامی غربی با سرشت آریائی شرقی باسانی مخلوط شوند اما به صورت مبینیم که فرهنگ اساسی ایران تقریباً از این بحران بدون تغییر بیرون آمد.

اصول مذهب اسلام در قرآن مندرج است (معنی لغوی قرآن خواندن است) که از طرف خداوند یکنا بوسیله جبرئیل امین بر حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله عليه وآله وسالم نازل شد.

بادر نظر گرفتن دلائل موجوده بطور قطع متنی که امروز از قرآن مجید در دست می‌باشد عین کلمات حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله عليه وآله وسالم است.

اسلام بدون تردید مطالب بسیاری را زادیان دیگر گرفتادست.

باید در نظر داشت که در مذهب اسلام پیغمبران پیشین یعنی ابراهیم

وموسی و زرتشت و عیسی پذیرفته شده‌اند و مسلمانان آنها را فرستاد کان حضرت احادیث میدانند فقط با این فلسفه که تعلیمات آنان بواسطه پیروان آنها فاسد گشته است.

آنها یکه با این نوع مذهب منتبه هستند (اهل کتاب) خوانده می‌شوند و دارای وضع خاصی می‌باشند.

ما قبل باطلاع خوانند کان گرامی رساندیم که چگونه مخالفت بیهودیان مدینه موجب جدائی یهود و اسلام کردید با وجود این دین یهود مانند دین مسیح وزرتشت مورد تساهل اسلام واقع گشت.

صرف نظر از پارسیانی که در هندوستان سکونت دارند و تشکیل اجتماع بزرگی را داده‌اند واژ پیروان آنین زرتشت هستند در حدود نه هزار نفر زرتشتی در کشور ایران زندگی می‌کنند^(۱).

حضرت محمد بن عبد الله صلوات الله عليه وآله وسليمه با سایر پیغمبران این فرق را دارد که او آخرین پیغمبری است که از طرف حضرت احادیث برای هدایت نوع بشر برآه راست فرستاده شده و پس از او پیغمبری نخواهد آمد.

کلمه اسلام متضمن معانی لغ-وی ادبی است. اسلام یعنی تفویض اختیارات و تسلیم کامل باراده الهی ولی در هر صورت این موضوع موجب نمی‌شود که اسلام فلسنه قضا و قدر را هم شامل باشد.

همین قضیه در فرون وسطای روشن یکی از مسائل مورد اختلاف شدید و مشاجره بود و بالآخره تعلیمات خشن‌تری در بیشتر قلمرو اسلام زواج یافت. کرچه در ایران عقیده آزاد مانند سابق مورد قبول واقع شد و در

۱- هر چند من آمار صحیحی از زرتشتیان ایران در دست ندارم ولی کمان می‌کنم رقی دا که مؤلف محترم ذکر کرده‌اند اشتباه باشد. (متترجم)

حقیقت انتخاب میان آن دو طریقه ربطی باصول عقاید اسلامی نداشت و بیشتر بواسطه تناسب آن با ساختمان دماغی ایرانیان و اعراب و ترکهای بود. اسلام برای توحید خالص اهمیت زیادی قائل است و شارع مقدس اسلام در این مورد به پیروان خود تأکید کرده است.

پیغمبران حتی خود حضرت محمد بن عبد الله صلوات اللہ علیہ وسّلّه وعلیٰ آله وسّلّم بندگان پاک و مقرب الهی هستند و پیام خدا را دریافت میدارند اما هیچگاه دارای مقام الوهیت نیستند و نباید پرستش شوند.

چنین بنظر میآید که پاره‌ای از فرقه‌های اسلام مخصوصاً در ایران پیشوایان خود نسبت الوهیت میدهند ولی اینها مربوط به اسلام نیست و حتی همین فرقه‌ها هم جرأت نکرده‌اند که پیشوایان خودشان را شریک خدابخوانند. این موضوع مهم است که در اسلام کشیشی بمعنی سخت معمولی آن وجود ندارد.

در بین مسلمانان عده‌ای آموزکاران مذهبی هستند که شغلشان توضیح و تفسیر کلمات مقدس است ولی همین اشخاص دارای وضع خاص مذهبی نیستند و فرق فاحشی که آنان با کشیشان مسیحی دارند این است که پیش نماز مسلمانان در مسجد مانند سایرین روبروی قبله هیا یستاده اند که کشیش مسیحی خود را بواسطه بین خدا و خلق میخواند و مسیحیان رو به کشیش می‌ایستند و از او طلب بخشش و آمرزش می‌کنند.

یکی از اصول مهم آئین اسلام اعتقاد بزندگانی بعدی است و شاید این موضوع بیش از هر چیز سبب ارتباط اسلام با مذاهب غربی یعنی یهود و مسیحیت می‌شود و بهمان اندازه مخالف با فلسفه‌های دیگر شرقی مانند هندوئیزم و بودائیزم وغیره می‌باشد.

حضرت محمد بن عبدالله عليه السلام در آغاز کار باعده زیادی مردمان بدوی مواجه بود که همگی زندگانی سخت و طاقت فرسائی داشتند و با بیان فصیحی لذتهاي بهشت و شکنجه هاي دوزخ را شرح ميدهد و گرچه محیط مختلف است اما عقاید و افکار عیناً شبیه احاديث و اخبار چنگها و فرشته هاي مسیحیت میباشد.

فلسفه عقیده به معادیگانه رابط بین زندگانی مذهبی و اجتماعی را در مذهب اسلام ایجاد میکنند و اقعاً اگر زندگانی بعدی در بهشت باشد باید راه بست آوردن آنهم نشان داده شود و اعمالی که برای نیل باین منظور لازم است توصیه گردد.

بهمن مناسبت سازمان وسیعی برای تدوین قوانین و آداب و مقررات مذهبی ایجاد میگردد.

بنج تکلیف مهم و منظم در مذهب اسلام وجود دارد که انجام آن بر همه مسلمانان واجب است و این بنج تکلیف مهم عبارتند از طهارت (غسل، وضو و تیمم)، نماز، روزه، حج^(۱) و زکوة که هریک از فرق اسلامی مطابق مقررات مخصوص بخود مجری میدارد.

حضرت محمد بن عبدالله عليه السلام بخوبی درک کرده بود که اجرای مراسم و تشریفات و مقررات مذهبی عامل مؤثری برای ایجاد اتحاد بین پیروان او خواهد شد و صحت این نظر مکرر در تاریخ اسلام محقق گردیده است.

بزودی در اطراف این مقررات مذهبی نظامات فرعی دیگری وضع شد که در کلیه شئون زندگانی مسلمانان راه یافت و از جمله برای خوردن، آشامیدن، ارث، ازدواج و غیره مقررات منظمی وضع گردید.

۱ - بر هر مسلمانی موقعي حج واجب میگردد که مستطیع باشد. (ترجم)

باید در نظر داشت که حضرت محمد بن عبدالله^{علیه السلام} گذشته از اعلام فلسفه مذهب جدید تشکیلات محیط بدوی خویش را نیز منظم میکرد و از آنروبعنوان احکام منتب به خدای^یگانه تمایل به حفظ قواعد کونا کون زندگی می بینیم که مناسب با جامعه های نیمه بدوی میباشد و با محیط های متmodern عالی امروزی تناسبی ندارد .

مثالاً قوانین ازدواج که بمنظور جلو^{گیری} از عادات خلاف اخلاق^(۱) بدوی های بت پرست وضع شده بود در ایام اخیر بهانه های برای خوش گذرا نیها شده است .

این نکته نیز قابل توجه است که دولتهای متجدد مانند ایران و ترکیه قوانین جدیدی معمول داشتند که بر مبانی قوانین اروپائی استوار گشته و بعجا^ی قوانین مذهبی قدیم بکار می رود .

۱ - طبق روایات متعدد اعراب بدوی در زمان ظهور رسول اکرم محمد بن عبدالله صلی الله عليه وآلہ اکر فرزندانشان انان بودند آنها را زنده بگور میکردند . (متترجم)

فصل یازدهم

خلافت عباسیان

سرعت عجیب پیشرفت اسلام در خاور نزدیک و خاور دور باعث گردید که اعراب قدرت مافوق تصوری بست آورند و نیز اوضاع خراب و دژهم و برهم آنقدر از جهان پس از جنگکهای طولانی ایران سبب شد که تمایلاتی به حفظ و یا تأسیس مرزها و سرحدات ملی اظهار نشود.

ملل مغلوب مخیر بودند که مسلمان شوند و با ملت‌های فاتح مساوی بمانند و یا اینکه آئین قدیم خود را حفظ کنند و تحت الحمایة مسلمانان باشند اما تمام سرزمین هائی را که ارتش اسلام تصرف کرده بود دارالاسلام میخواندند و کشورهای غیر متصرفی را دارالحرب مینامیدند.

در نواحی دارالاسلام فقط مسلمانان و کفاری که اهل کتاب بودند و در پناه اسلام میزیستند اقامت داشتند. کفار دیگر در دارالحرب ساکن بودند.

خلیفه در رأس دارالاسلام قرار داشت و مسئول اداره امور مذهبی و اجتماعی مسلمانان بود.

باید در نظر داشت که مقام خلیفه در اسلام با مقام پاپ در مسیحیت بھیچوجه قابل مقایسه نیست (بعضی اوقات سیاست خارجی انگلستان

دچار این مقایسه غلط شده است) اینکه کفته شد خلیفه اسلام که مسئول امور مذهبی است با پاپ در مذهب مسیح قابل مقایسه نمیباشد از آن جهت است که یکنفر کاتولیک میتواند هم به پاپ که پیشوای دینی است عقیده داشته باشد وهم اینکه از حکومت کشور خودش که مسئول اداره امور مملکتی و اجتماعی است تبعیت کند وحال اینکه در اسلام چنین تقسیم و تفرقه‌ای نیست. همینکه دارالاسلام با تمایلات فرازاز مرکز کشورهای شرقی مواجه گشت هر یک از فرمانروایان مستقل ظاهرآ از خلیفه بغداد اطاعت میکردند و خودشان را خلیفه میخوانند.

حس اتحاد و اتفاق بین مسلمانان که بوسیله زیارت سالیانه^(۱) تقویت و تجدید میگشت تقریباً در مدت هزار سال بطوری نافذ بود که یکنفر مسلمان حتی در موقعی که نواحی مختلف عالم اسلام باهم در جنگ بودند میتوانست بسراسر کشورهای اسلامی مسافرت کند و در همه‌جا مورد خوش آمد واقع گردد و مسلمانان نقاط مختلف نه تنها مانندیک مهمان عزیز از او پذیرائی میکردند بلکه مانند یک همشهری ارجمند مقدم اورا گرامی میداشتند.

در قرن شانزدهم میلادی احساسات ملی که همیشه در ایران ملاحظه میگردید دربرابر آن حس اتحاد مذهبی مقاومت کرد و بعد از آنهم تأسیس ایران مستقل ملی یک سد مؤثر و بسیار مهمی میان دو قطب دارالاسلام قرار گرفت و طبیعاً عمل تجزیه کشورهای اسلامی را تسريع کرد و باید گفت که ایران در این موضوع قبل از سایر کشورهای آن روز جهان اقدام کرده است.

۱- منظور مؤلف زیارت خانه خداست که در عرض سال فقط یک بار حسوت میگیرد. (متترجم)

دو خلیفه اول قرابت نزدیکی با حضرت محمد بن عبدالله رض نداشتند^(۱) و انتخاب آنان روی اصول دموکراسی صورت گرفت ولی در سال ۶۴۴ میلادی موقعی که انتخاب خلبانه سوم (عثمان) آغاز شد نزاع و کشمکش‌های آشتبانی ناپذیر خانوادگی بین مردم رویداد.

این کشمکش‌های خانوادگی ایلاتی گرچه اکنون خیلی دور از موقع بنظر میرسند اما چون همین نزاعها و کشمکش‌های داخلی بین قبایل ریشه تقسیماتی هستند که اسلام را از سر به ته واژگون کرده‌اند جا دارد که آنرا بصورت جدولی بخوانند گان گرامی نشان بدیم.

مطالعه جدول انساب که در صفحه بعد چاپ شده است موضوع را برای خوانندگان ارجمند کاملاً روشن می‌سازد.

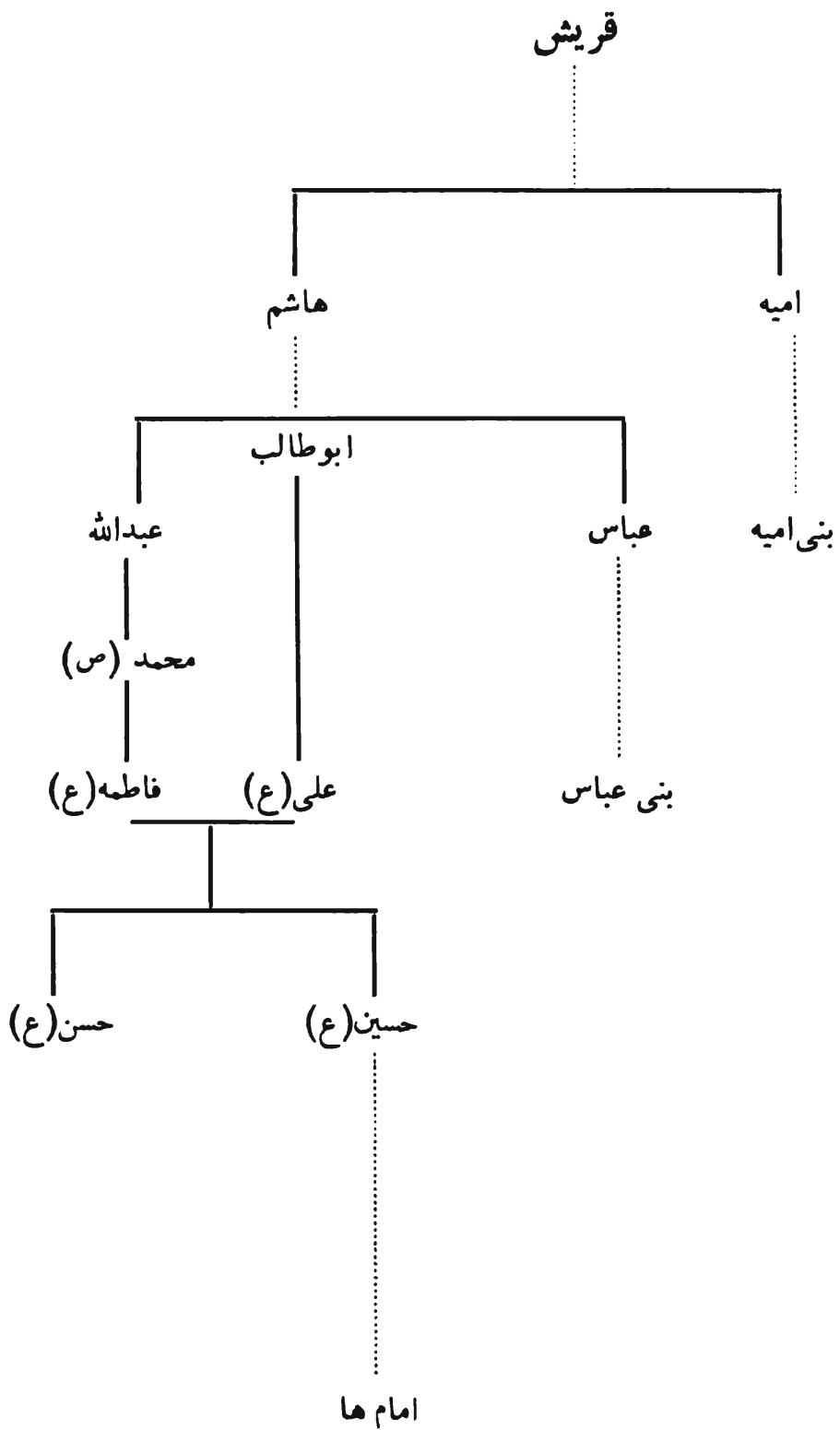
عثمان از خاندان امیه بود که رقیب خونین و دشمن دیرین خاندان بنی هاشم بوده‌اند و چنان‌که میدانیم و در جدول هم نشان داده شده است حضرت محمد بن عبدالله رض از خاندان هاشم بوده‌اند. کینه بنی امیه بخاندان جلیل حضرت محمد بن عبدالله رض حتی بعتاید و افکار مذهبی آن حضرت نیز سرایت کرده بود و در سال ۶۵۶ میلادی موقعی که عثمان بقتل رسید این نزاعهای خصمانه علی گردید.

نماینده هاشمیان حضرت علی علیه السلام پسر عموم و داماد حضرت محمد بن عبدالله رض پیامبر بزرگ اسلام بود و امویان معاویه را برای خلافت کاندید می‌کردند و بالاخره این دشمنی‌ها و کشمکش‌های علی‌نی در سال ۶۶۱ میلادی با شهادت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پایان یافت و معاویه برای تغیر صورت ظاهر پایتخت خود را به دمشق^(۲) انتقال داد.

۱ - همانطوریکه، قبلاً گذشته شد جا: شن بحق رسول اکرم پسر عموم و داماد آنحضرت علی بن ابی طالب عليه السلام است. (متترجم)

۲ - در زمان خلافت غاصبانه معاویه لعنت الله عليه اسم شهر دمشق شام بوده است. (متترجم)

جدول سلسلة انساب قريش



از این تاریخ جدائی و تفرقه بین مسلمانان آغاز میگردد و بنی امیه چنانکه میدانیم بر ضد تعلیمات حضرت محمد بن عبدالله رض و آنچه منتب بایشان بود قیام کردند و نماینده افکار ارتجاعی بتپرستی کشتد. بنی امیه در دمشق پایه یک امیراطوری مجلل جاه طلبی را از روی نمونه‌های امیراطوریهای ایران و روم شرقی بنانهادند و تجهیزات عظیمی دست زدند که در ظرف چند سال از اسپانیا تا هندوستان و مرزهای چین جزو قلمرو اسلام درآمد ولی بزودی بنی امیه شهرت و معروفیت خود را از دست دادند زیرا گذشته از آنکه اعراب بدوى دموکرات از آنان متفرق کشتند هاشمیان و مسلمانان غیرعرب هم تنفر و انججار خود را از بنی امیه علناً ابرازداشتند.

کوشش‌های هاشمیان ابتدا در اطراف حضرت علی بن ابوطالب رض و پسرش حضرت حسین بن علی رض دور میزد شیعیان حضرت علی بن ابوطالب رض در بدوامر ازیک دسته میاسی و نهضت طلبان خالص عرب تشکیل مییافت و هیچگونه اختلافات مذهبی وجود نداشت اما عملیات مرتعجانه بتپرستی بنی امیه و بی احترامی آنان بشهرهای مقدس مکه و مدینه واژمه بالاتر شهادت حضرت حسین بن علی رض در جنگ کربلا که در سال ۶۸۰ میلادی اتفاق افتاد (بیاد این واقعه نکیز هنوز هم در میان شیعیان علی رض مراسمی در ماههای محرم و صفر اجرامیگردد) باعث شد که بر تعداد شیعیان اضافه شود و بسود دسته شیعه عقاید مذهبی محکمی ایجاد گردد. خاندان جلیل هاشمی بعنوان اشراف اسلام معرفی شده‌اند و حتی درباره آنان پاره‌ای حقوق الهی متصور است حضرت علی بن ابوطالب رض که نزدیکترین مرد منتب بحضرت محمد بن عبدالله رض بود (یکانه

پس از خرد سال حضرت رسول اکرم صلوات‌الله وسلامه علیه در زمان کودکی مرد) بنظر هیرسید که حق طبیعی جانشینی او را دارد^(۱) باین ترتیب هاشمیان و شیعیان نه تنها خلفای بنی امیه را قبول نداشتند^(۲) بلکه خلاف ابوبکر و عمر و عثمان را هم غاصبانه میدانستند زیرا آنها برخلاف دستور صریح پیغمبر اسلام عمل کرده بودند.

ایرانیان که سردسته مخالفین مسلمان غیرعرب بودند در این صحنه کمتر خودشان را نشان میدادند و درواقع آنان بدست اعراب مغلوب گشته‌اند. برای اثبات این ادعا گوشزد میکنیم که آثار این مغلوبیت از استیلای زبان عربی بر زبان فارسی کاملاً هویداست خلاصه پس از سلطط کامل اعراب به ایران بیشتر ایرانیان با آئین باستانی خود چسبیدند.^(۳)

کرچه تبدیل مذهب برای پیشرفت کار بیشتر در بین طبقات عالی معمول بود ولی اگر واقعاً آن اصول اصلی اسلامی که حضرت محمد بن عبد الله صلوات‌الله علی‌آل‌هی و‌آله‌ی‌علیه‌ی‌سلام راجع بتساوی حقوق کلیه مسلمانان مقرر فرموده بود رعایت می‌شد بطور حتم اسلام بعنوان حکومت بیگانه کمتر مورد انتقاد ایرانیان وافع می‌گشت.

۱- حضرت محمد بن عبد الله^(ص) در محلی بنام غدیر خم حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام را بجانشینی خود بتمام مسلمانان معرفی فرمود و شیعیان آن حضرت در سراسر عالم این روز فرخنده را جشن می‌گیرند و بشادی می‌پردازند. (متترجم)

۲- حقاًهم باید قبول داشته باشند زیرا جانشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پسرعم و دامادش حضرت علی بن ابوطالب علیه السلام است ابوبکر عمر و عثمان به ناحق خود را خلیفه قلمداد کرده‌اند. (متترجم)

۳- این نظر شخص مؤلف است والابخوبی میدانیم که پس از سلط اعراب بر کشود عزیز ما ایران، ایرانیان موحد و پاکدل از روی عقیده و ایمان دین مبین اسلام را پذیرفتند و اکنون اتفخارداریم که جزو پیروان این دین و شیعه حضرت علی بن ابوطالب (ع) هستیم و پیامبر بزرگی مانند رسول اکرم^(ص) و کتاب آسمانی مانند قرآن مجید داریم. (متترجم)

هر چند ایرانیان بطور طبیعی حاضر به پذیرش این آئین کشتند ولی اعراب کمتر با آن روى خوش نشان دادند و يك حس رنجشی بین ایرانیان راه یافته آتش ملیت پرستی آنها را دامن زد و گذشته از این تمايل روحی ایرانیان که در انتظار موعود میباشند با آن احساسات توأم گردید و چنانکه می‌بینیم در کلیه شورش‌های آن‌زمان که در خاور ایران رویداد تمايل بظهور موعود در آن یافت می‌گردد.

در آغاز قرن هشتم میلادی تبلیغات وسیع و دامنه داری بنفع عباسیان که يك تیره از خاندان هاشمی میباشند در خراسان ایالت خاوری ایران آغاز گردید.

این تبلیغات طوری ماهرانه بود که نه تنها شامل تیره‌های دیگر هاشمی (شیعیان حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام) هم میشد بلکه طوری تنوع داشت که ایرانیان ناراضی را هم جلب میکرد و بقدرتی این عادت به تبلیغ متنوع در نهضت‌های انقلابی ایران سر شته کشته است که ما میتوانیم یقین داشته باشیم در تبلیغات آنروز هم عناصر مهم و قابل توجه ایرانی دست داشته‌اند.

بالاخره عباسیان آنقدر نیرومند شدند که توانستند در سال ۷۵۰ میلادی امویان را درهم بشکنند و پایتخت خود را در عراق مستقر سازند.



فصل دوازدهم

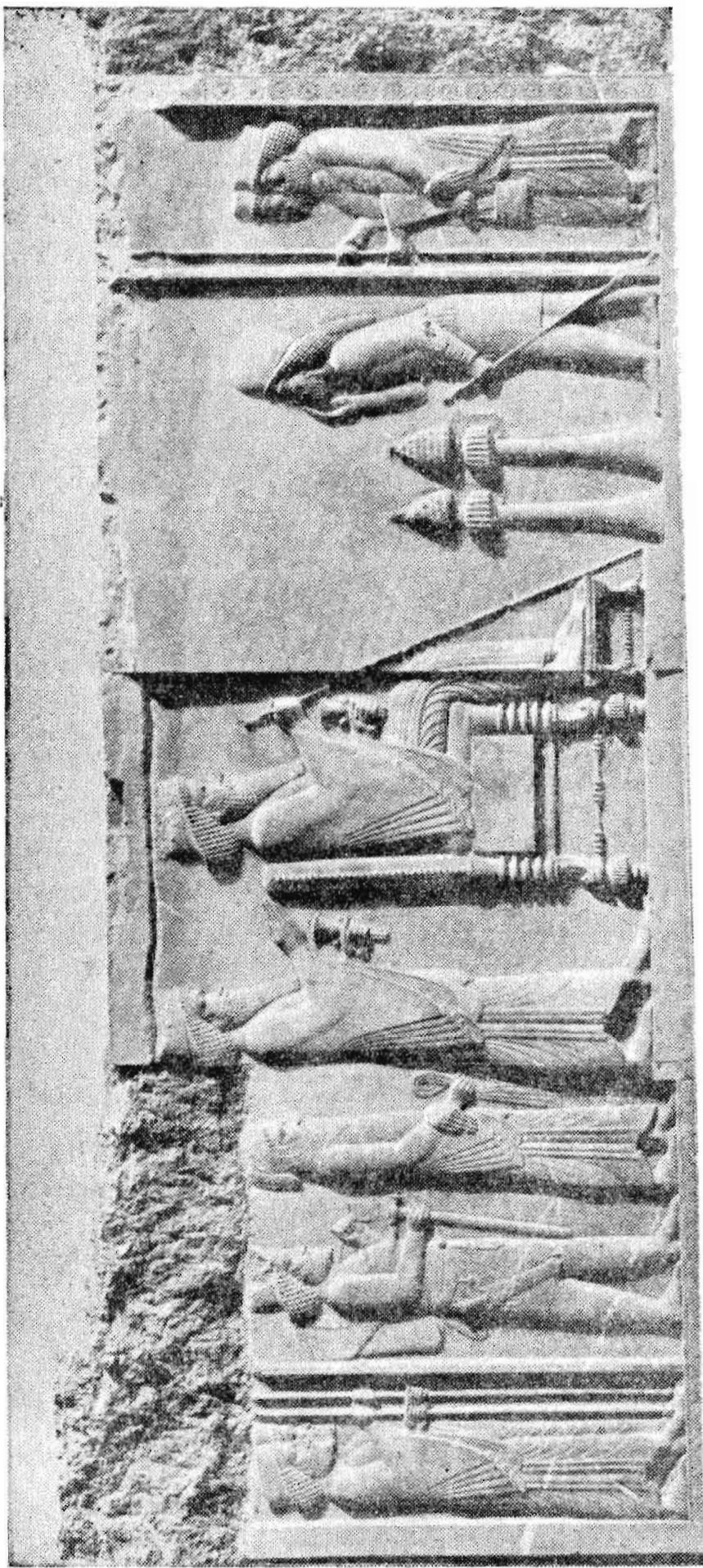
رواج مذهب حنفی در ایران

عباسیان بر تمام قلمرو حکومت امویان جز شمال افریقا و اسپانیا داشت
یافتند و از آن موقع مجرای تاریخ آن نقاط از سایر ممالک اسلامی مجزا کشت.
تأسیس شهر جدید بغداد نشانه بارزی است که سباست ضد عرب
عباسیان را بخوبی نشان میداد.

در این موقع البته با کمک و نفوذ ایرانیان تمایلات سلحشوری و بیسواندی
قبایل بدیع عرب ب تحصیل علوم و ادبیات مبدل میشود.
کتابهایی از یونانی ترجمه میکنند و ارتباط بیشتری با چین و اروپا
پیدا می‌آید.

هنرهای زیبای ایرانی مانند مینیاتور، نقاشی، خط نویسی، قالی-
بافی، ابریشم کاری رواج و رونق تازه‌ای میگیرند و طبقات عالی ایرانیان
که خوب بآداب اسلامی آشنا شده و بآن ایمان دارند در اداره کردن کشور
شرکت میجوینند و روش‌های اداری ساسانیان را به اعراب میآموزنند.
برای مثال تذکر میدهیم که کلمه وزیر از یک کلمه فرون وسطای
فارسی می‌آید.

تحت جمیل ، نقش بر جسته داریوش کبیر و خشاپارها



در زمان هارون الرشید خلیفه مشهور عباسی بغداد مر کز فرهنگی دنیای متمدن شد . سخنوران ، هنرمندان . دانشمندان و فیلسوفان در آن شهر بزرگ کرد آمدند و با یکدیگر رقابت علمی و ادبی داشتند .
ادیان و بدعت‌ها با کمال تسامح آزاد بودند . بسیاری از یهودیان و مسیحیان مناصب مهمی را بهده دارشندند .

این موضوع که آنرا نهضت معترضه مینامند و راجع باراده و آزادی افراد است بیشتر از فلسفه یونان سرچشمه میگیرد و سپس از طریق اسپانیا در میان علمای مسیحی نفوذ یافته است .

در این اثناء اوضاع شیعیان حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام هم تغییر یافت زیرا در بدوامر آنها امیدواری زیادی از عباسیان داشتند اما در آن موقع بکلی نومید شده بودند و همینکه از نظر یک حزب سیاسی شکست خوردند بیشتر با فکار و عقاید مذهبی متوجه گشتند و سر دسته مخالفین فرقه سنی شدند . سنی‌ها چون از سنت یعنی سیره حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و آله و سلم پیروی میکنند لذا با آن اسم معروفند .

با وجود این شیعیان وجهه سیاسی خود را بکلی از دست ندادند زیرا بیشتر از طرف طبقات غیر ممتازه تقویت میشدند .

این موضوع شامل ایرانیان و اعراب هردو میشد زیرا در عین حال که ژروتمندان زرتشتی ایرانی برای تأمین موقعیت خود مذهب اهل تسنن را می‌پذیرفتند بسیاری از ایرانیان طبقه متوسط و طبقات رعایا و دهائین در سلک شیعیان در می‌آمدند و از این‌رو تشیع که تا آن موقع یک نهضت سیاسی و بدون وجهه شخص مذهبی بود کم کم نضجی گرفت و وسیله رسوخ افکار آریائی در اسلام گردید که مهمترین آن موضوع حقوق الهی یاروحانی میباشد .

تشیع فکری بود که کمتر با روحیه واقعی اعراب تناسب داشت بلکه کاملاً با طرز فکر ایرانیان وفق میداد و تحت نفوذ شیعیان کوشش لازم بعمل آمد تا حضرت حسین بن علی علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه را بوسیله ازدواج با شهربانو دختر یزد کرد سوم با پادشاهان ساسانی ربط دهند ولی انتساب مستقیم حضرت حسین بن علی علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه با پیغمبر اسلام کافی بود که حقوق آن حضرت را تأمین کند.

در هر حال حضرت علی بن ابوطالب علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه مهمترین شخصیت عالم تشیع بشمار می‌رود و غالباً شیعیان با آن حضرت بیش از حضرت محمد بن عبدالله علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه اهمیت میدهند و پاره‌ای از فقه‌های افراطی اور اخذ اخوانده‌اند.

احفاد حضرت علی بن ابوطالب علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه از طرف حضرت حسین بن علی علی‌الله‌آللّه‌بَلَّه امام‌های شیعه شدند و برای آنان منزله خلفای سنی بشمار می‌آیند با این تفاوت که شیعیان معتقدند امام‌ها از طرف خداوند متعال تعیین می‌شوند و آخرین دوازده‌مین امام که غایب است بنام مهدی باید ظهر کند.

(اکثریت شیعیان دوازده امامی هستند) و در عین حال فرمانروایان وقت غاصب می‌باشند.^(۱)

فلسفه غیبت مهدی (مسيح موعود) و تجسم و حلول ارواح در میان همه ایرانیان مسلمان و غیر مسلمان یافت می‌شود.

برای مدتی ایرانیان افراطی در این جریانات شرکت نداشتند و در قسمت عمده نهضت‌های انقلابی امثال نهضت مزد کی وارد بودند ولی باید دانست که افکار موجود این انقلابات همیشه مربوط به ایرانیان خالص نبوده

۱- منظور از فرمانروایان غاصب ابو بکر، عمر و عثمان هستند که برخلاف دستور صریح رسول اکرم (ص) حق حضرت علی بن ابو طالب (ع) را غصب کردند و خود را بجای آن حضرت خلیفه مسلمین خواندند. (ترجم)

است. بلکه از عناصر و افکار یهودی گری و مانی گری و مسیحیت وغیره اقتباس میشده است.^(۱)

درقرن نهم میلادی خلفای عباسی عده‌ای غلام ترک استخدام کردند و بعضی از این غلامان دارای موقعیت مهمی کشتند و نفوذ زیادی پیدا کردند. ترک‌ها از قبایل آسیای مرکزی بودند و در این موقع در مغرب پدید آمدند. بیشتر ترک‌ها بطرف آسیای صغیر رفتند و عده‌ای هم در جاهای دیگر اقامت کردند که از آنجمله در جنوب غربی ایران نیز عده‌ای ساکن شدند و تا امروز هم در همانجا اقامت دارند.

ظاهر خشک و هولناک ترک‌ها در بغداد شهرت زیادی پیدا کرد و در سال ۸۵۰ میلادی زمان خلافت متوكل باعث عکس العمل شدیدی در برابر افکار آزاد خلفای پیشین عباسی گردید.

این تغییر وضع و منظره که قسمت عمده انجطاط تمدن اسلامی را نیز موجب شد در سازمان سیاسی اسلام تأثیر مهمی داشت.

فرمانروائی خلفای بغداد فقط تا دروازه‌های شهر محدود ماند و در خارج پایتخت حکومت‌های مستقلی ایجاد گردید که تحت حمایت فرمانروایان آن نواحی کوش شنواری برای استماع افکار شیعه و معتزله بوجود آمد.

در سال ۸۷۱ میلادی اولین سلسله فرمانروایان مستقل ایرانی بعد از اسلام بنام صفاریان در جنوب ایران پدید آمدند^(۲) و در قرن دهم میلادی

۱ - مطالبی را که خوانندگان ارجمند در این سطور راجع به پیدایش افکار و عقاید شیعیان مطالعه میکنند نظر شخصی مؤلف است و بدیهی است که این نظر مورد قبول اینجانب و پیروان منهض حقه جعفری نیست. (ترجم)
۲ - نظر مؤلف محترم کتاب در این مورد اشتباه است زیرا صفاریان از مشرق ایران برخاسته‌اند. (ترجم)

سلسله دیگری بنام آل بویه از مغرب ایران طلوع کرد و آئین شیعه را در قلمرو حکومت خود برسیت شناخت.

تشیع بسیاری از مبادی معتزله را ترویج میکنند و یکی از اختلافات مهم تشیع با ترسن آنست که بجای تمسمک خشک بروایاب و احادیث سنت مذهب تشیع وساطت روحانی افرادی را بنام امام میپذیرد.

تقسیم شیعه و سنی کم کم با تقسیم امور اجتماعی و اقتصادی اصطکاک پیدا کرد.

ایرانیان انقلابی که تا آن موقع از اسلام بر کنار بودند به شیعیان پیوستند و همان افکار و عقاید پیشین خود را نیز حفظ کردند چنانکه بعد از طی عقاید فرقه‌های تازه اسلامی خواهیم دید.

یکی از فرقه‌های تازه اسلامی اسماعیلیه هستند که مطالعه شرح حال آنان تا حدی قابل توجه است زیرا نه تنها ادامه عقاید باستانی مذهبی ایرانی را در ضمن مطالعه عقاید این فرقه می‌بینیم بلکه به استعداد و هوش ایرانی هم پی می‌بریم که چگونه میتواند عقاید خارجی را نیز در خود مستهلک سازد.

ریشه اصلی عقاید فرقه اسماعیلیه از اختلاف میان دو پسران امام ششم سرچشم می‌گیرد بدین معنی که شیعه اثنی عشری بعد از امام ششم به امامت دیگر امامان معتقد است اما عقیده اسماعیلیه آنست که با غیبت پسر امام ششم امامت خاتمه می‌یابد ولی این اختلافات فردی بهانه‌ای بیش نبود و میخواستند با این بهانه یک انجمن سری تشکیل دهند و مسلمانان را برضد اعراب فاتح متحدد سازند و همانطوری که در نهضت‌های پیشین دیدیم در این نهضت هم تبلیغ مردم جدید بدست مبلغین ماهری افتاد که بتناسب حال اقوام مختلف ایرانی و یهود و مسیحی نحوه تبلیغ را تغییر میدادند ولی

منظور و مرام اصلی این مبلغین زیردست آن بود که طبقات رنج کشیده اجتماع را بخود جلب کنند و مخصوصاً بطبقه کارگر و هنرمندان توجه زیادی داشتند و درواقع جنبه اجتماعی نهضت شیعه بمراتب بیشتر از جنبه مذهبی آن بود.

عقاید سابق مذهبی ایران دوباره در تشیع پیدا شد چنانکه در پیدایش بابی‌ها و بهائی‌های نیز همین رویه در قرن نوزدهم میلادی تجدید گردید. تجسم حق غیبت و رجعت مسیح معرفی و ارتقاء تدریجی اتباع و در هر حال مرحله تدریجی معرفی واردین به فرقه نمونه کاملی از خواص ضد مذهبی آن فرقه میباشد.

ماطیعاً از مراحل عالی تازه واردین خبری نداریم ولی همینقدر میدانیم که نه مرحله معرفی و تقرب برای اشخاصی که به فرقه وارد میشدن وجود داشته است که در هر یک از این مراحل نه کانه متدرجاً مطالب ضد اسلامی با آنها تلقین میشود و در آخرین مرحله یعنی مرحله نهم اصول جامد مذهبی بیک سلسله فلسفه روشنی تبدیل مییافتد.

دشمنان اسماعیلیه آن فرقه را به کمونیستی متهم میسازند و اگرچه این تهمت درباره هر یک از فرقه‌های جدید گفته میشود اما نباید این موضوع را از نظر دورداشت که اصول تبلیغات سری وزیر زمینی اسماعیلیه وجه مشترکی با تبلیغات و خدمات‌های زیرزمینی کمونیستی امروز دارد. شعبات این فرقه باشکال مختلف توسعه یافته.

نهضت اصلی متوجه جنوب عربستان و افریقای شمالی کشت و بطور تصادف مؤسس خلفای فاطمی مصر گردید (۱۱۷۱ - ۹۰۹ میلادی) و در تحت حمایت همین خلفای فاطمی انجمن آزاد و روشن فکری دایر شد که

فقط گاهگاهی با وقوع حوادث قتل عام و اعمال زور لکه دار شده است .
فرقه دروز که در حال حاضر در کشور سوریه وجود دارد از بقایای
همانهاست .

در بجزین این فرقه بنام قرامطه پدید آمدندو با منهدم ساختن اماکن
قدس اسلامی عالم اسلام راسخت مضطرب و پریشان کردند و دسته دیگری
از آنها هم در کشورهای عراق و سوریه رخنه کردند و در فرن یا زده میلادی
بنام جمعیت اخوان الصفا ظاهر شدند که میخواستند تعلیمات خود را درین
توده ها رواج دهند .

در اینجا نیز مشاهده میشود که بیشتر بطبقات پست و غیر ممتاز
توجه داشته اند .

عده دیگری از اسمعیلیان بنام حشاشین یعنی کسانی که حشیش
و بنگ میکشند دیده میشوند که در الموت مجاور کوه البرزسکونت داشتند .
حشاشین دسته آدمکشان بودند و درجات و مرافق متعددی داشتند
که پست قرین افراد آن دسته آدمکش ها و یا فدائیان خوانده میشدند
و یک شاخه از همین دسته بودند که در سوریه صلیبیان را دچار زحمت ساختند
و بهمان مناسبت در زبانهای اروپائی کلمه آساسین (Assassin) برای آدمکش
از کلمه حشاشین اسمعیلیه متداول شده است و بالاخره امروز فرقه بسیار
محترمی از اسمعیلیه بنام بهره در هندوستان وجود دارد که پیشوای آن
آفاخان میباشد .

پدران آفاخان در سال ۱۸۴۰ میلادی از ایران به بمبه مهاجرت
کرده اند .

نهضت های دیگری هم در آن اداره مشاهده میشود که به صورتهای

مختلفی پدید آمدند و منظور آنان اتحاد و جمع آوری فرقه‌ها و دسته‌های متشتت مخصوصاً طبقات غیر ممتاز در تحت حمایت یک فلسفه و آئین زندگانی روشنی بوده است و با آنکه این نهضت‌ها دائماً هم جنبه خراب‌کننده و انهدامی نداشته‌اند ولی چون با وضع حاضر خود مخالف بوده اند و با آن حمله می‌کردند ناچار آن نهضت‌ها با دشمنی فرمانروایان و دولت‌های وقت مواجه می‌گردیده‌اند.

کلیه این عملیات ترقیخواهانه که از طرف فرقه‌های تازه اسلامی انجام می‌گرفت ناگزیر بر ضد محافل قضائی و روحانی سنی‌های متعصب ارتجاعی عکس العمل ایجاد می‌کرد.

این عکس العمل بصورت نهضت صوفی کری آغاز گردید.

در قرون وسطی و حتی قرون اخیر حدسیات و تصویرات بسیاری درباره صوفی کری بوده و هست اما باید توجه کرد که نکته مهمی در این مورد وجود دارد که خیلی صریح و روشن است و آن نکته این است که صوفی بفرقه بخصوصی اطلاق نمی‌شود بلکه طریقه و وضع مرموز فلسفی در باره حیات می‌باشد.

درواقع صوفی‌ها عضو جماعت و دسته‌ای نبودند و زویه بخصوصی را پیروی نمی‌کردند بلکه با کلیه نهضت‌های ارتجاعی و تعصب آمیز مخالفت داشتند و ترجیح میدادند که هر دسته‌ای فکر مخصوص بخودشان را پیروی کنند و بطور آزاد از افکار و طریقه‌های مسیحیت و فلسفه یونان و کیش مانی اقتباس می‌کردند و در مراحل اولیه خلوص نیت واخود گذشتگی و بی‌اعتنایی بدنیا طریق لازمه صوفیان بود و پس از آن روش اسرار آمیز ایرانی متدرجاً به صوفی کری علاقه پیدا کرد و همانطوری که در موارد مشابه هم دیدیم

بزودی موفق شد که رویه اصلی صوفی گری را هم بصورت دیگری درآورد.
تاکیدات مربوط به بی اعتمانی بدنیا جنبه منطقی افراطی پیدا کرد
بسمی که جهان مادی را بلکه منکر شدند و هستی را فقط مخصوص
خدا دانستند.

مرا م صوفی آن شد که از قیود ارضی رها گردد و در زیبائی جاویدان
مستغرق شود و پس از آنکه از هستی خود گذشت و نیست محض گشت در
حقیقت الهی مستهلک گردد.

این طریقه افراطی وحدت وجود را پدیدآورد و بلکه بدعتی الوهیت
منتھی گردید چنانکدالحلاج^(۱) در قرن دهم میلادی دعوی مافوق تصوری
گرد و بمقدم گفت حقیقت محض منم.

البته عقاید درست و صحیح مذهبی نمیتوانست این لقمه ثقل را هضم
کند و پس از آنکه در قرن یازدهم میلادی الفرزالی توانست توافق مؤثری
میان مذهب سنت و صوفی گری برقرار سازد صوفیان افراطی یک طریقه
مخصوص ایرانی شدند و صوفی گری نفوذ و تأثیر بسیاری در اشعار ایران
پیدا کرد و از همان تاریخ پیدایش صنایع بدیعی تصوری در اشعار ایران آغاز
گردید که غالباً موضوع بدیعی تصوری معنوی را زاشیاء عادی مثلasherابخواری
اقتباس میکنند و در نتیجه معانی این اشعار که در عین حال بیطف نیست
پیوسته مرموز و نامفهوم میماند.

۱- منظور از کلمة **الحلاج** منصور حللاح است. (متترجم)

فصل هیجدهم

حملهٔ ترکها و مغولان به کشور ایران

ما تا کنون در بارهٔ وقایع تاریخی ادواری که راجع بآنها صحبت داشتیم کمتر بحث کرده‌ایم.

از آنچه بنظر خوانند کان کرامی رسیده است معلوم میگردد که تقسیمات و اشکالات سیاسی نسبتاً با ترقی فرهنگ ملل مختلف خاور نزدیک کمتر ارتباط دارد ولی از قرن یازدهم میلادی بعد در این قسمت از جهان وقایع و حوادثی روی داد که صرف نظر از تأثیرات سیاسی اثرات دیگری هم در برداشت.

مهترین حوادث تاریخی این بود که عده‌ای فاتح غیر عرب و غیر ایرانی از آسیای مرکزی آمدند و از اعراب خلع ید نمودند.

این فاتحان تازه وارد بطور موقت کشورهای اسلامی را بصورت امپراطوری‌هایی در آوردند که بزودی همان امپراطوری‌ها هم تجزیه شدند و بصورت ممالک کوچکی درآمدند.

نخستین دستهٔ این فاتحان ترکان سلجوقی هستند که تقریباً در سال ۱۰۵۰ میلادی پدید آمدند و مهمترین رقیب امپراطوری روم شرقی کشتندو

تقریباً پس از یکصد سال فرمانروائی امپراتوری آنان به کشورهای سلطنتی کوچکی تجزیه گشت که بایکدیگر بجنگ و دعوا پرداختند.

از نظر تمدن جهانی بزرگترین فاجعه، حملات مغول در قرن سیزدهم میلادی بود. این قبایل وحشی که تنها هنر آنها مهارت در جنگ بود در سرتاسر خاور نزدیک به قتل و غارت پرداختند و بطرف روسیه و حتی قسمتی از اروپا حمله بر دند و تاسیلیسیا (Silesia) و موراویا (Moravia) و هانگاری (Hungary) (یعنی مجارستان پیش رفتند).

بغداد که یگانه مرکز تمدن عالم اسلام بود بدست آنان ویران گردید و در سال ۱۲۵۸ میلادی آخرین خلیفه بی بناء عباسی بدست مغولان به قتل رسید. فقط مصر و ترکها توانستند از پیشرفت مغولان جلوگیری کنند. کتابخانه‌های بی نظیر آثار و نتیجه قرنها آموختن و معرفت طعمه حريق گردید و کم کم خطر سقوط قطعی تمدن اسلامی پدیدار می‌گشت زیرا خرابی مغول از سطح ظاهری تمدن اسلامی هم تجاوز کرد.

صدعات مغول در باره امور گشت و زرع و آبیاری طوری بود که نه تنها تجدید و اعادة تمدن اسلام را بتأخیر انداخت بلکه در واقع آنرا از تجدید و اعاده بکلی محروم ساخت. تنها نتیجه خوبی که از این مصیبت عظمی بدست آمد آن بود که فشار مغولان به ترکها و فشار متواتر ترک‌ها به روم شرقی باعث شد که شالوده اولیه نهضت رنسانس (Renaissance) در اروپا ریخته شود و از همان تاریخ آسیای صغیر مرکز دائم سکونت ترک‌ها می‌گردد.

طریقه مخصوص و راثت مغول که هر پسری بطور تساوی از املاک و ماترک پدرسهم میرد سبب گشت که امپراتوری بزودی تجزیه گردد.

فرمانروایان مختلف پس از آنکه دوره خرابکاری خود را بپایان رسانیدند بصورت دیکتاتور های صالح درآمدند و آنچه را که از تمدن و فرهنگ رعایای خود باقی دیدند آنرا توسعه دادند و بخود جذب کردند. غازان خان فرمانروای ایران در سال ۱۲۹۵ میلادی شیوه شد و علم و هنر و ادب را ترویج کرد و برای جبران خرابیهای اسلاف خود کوشش زیادی بخرج داد ولی بدینختانه این وضع هم دوام چندانی نیافت زیرا در سال ۱۳۵۰ میلادی فاتح خونخوار دیگری پدیدآمد. این فاتح خونآشام تیمورلنگ بود که با پیروان ترک خویش از آسیای مرکزی قیام کرد و تقریباً فتوحات خود را باندازه فتوحات مغول توسعه داد و پس از آن خود تیمور و جانشین های او مانند مغولان صنایع و هنر را ترویج و حمایت کردند و در حقیقت شعر و ادب و نقاشی ایران در دوره پادشاهان تیموری با علی درجه ترقی خود رسید.

باید باین نکته توجه داشت که در همان موقع ترکها از طرف مغرب پیش رفتند و استانبول را گرفتند و همین موضوع سبب شد که نهضت رنسانس راه مستقیم خود را پیماید و در کنار داردانل شرق و غرب از هم جدا شوند. نکته دیگر قابل توجه آن زمان که باید از نظر دور نگردد آنست که ادبیات در آن عصر در کشور ایران پیشرفت زیادی کرد. در ابتدا چنانکه دیدیم فاتحین عرب فرهنگ ایرانی و زبان فارسی را تقریباً منسون داشتند.

زبان عربی زبان مذهبی و رسمی و اداری بود و رعایای غیر عرب در آن اوقات نمیتوانستند از آن رویه تخطی کنند. اینکه گفته شد تقریباً برای آنست که بمختص تجدید ادبیات ایرانی

معلوم بود که قسمت عمده ادبیات مذکور مرهون روایات ما قبل اسلام ایران میباشد.

آنگاه زبان عربی موضوعهای تاریخی، فاسفی و علمی اختصاص یافت زیرا این موضوعها گذشته از آنکه از نظر ماهیت عربی بودند از نظر اصطلاحات فنی هم بتسهیلات موجوده در آن زبان نیازمند میشدند اما موضوعهای شعری بر عکس میتوانست در محیط محدود زبانهای محلی جریان پیدا کند.

ادبیات ایرانی دارای خواصی است که قطعات منظوم و یا مقاله فصیح نشر کارلا بهم ارتباط دارد.

اشعار فارسی نیز جزو بجزء آن دارای همین استقلال و ارتباط میباشد. هر بیت فارسی نه فقط از نظر کرامی بلکه از طریق مفهوم و مفاد نیز مستقل و کامل است.

شنوندگان زبان فارسی از یک شعر کامل با اندازه چندین مقاله و چندین اظهار عواطف و احساسات مطلب درک میکنند و برای آن ارزش قائلند. یک شعر ایرانی مانند یک رشته مرواریدی است که بمراتب از الماس کوه نوز درخشانتر و تابنا کتر است.

همین خاصیت عالی در مینیاتور و نقاشی ایران هست که عشق و علاقه به ریزه کاری در آن یعنی نمائی کلی فزونی دارد.

اولین شاعرنامی مسلمان ایران رود کی است که در قرن دهم میلادی میزیست اما فردوسی هزار گک بعد از او جانشینش شد و رود کی را تحت الشعاع فرار داد.

فردوسی شاعر عالیقدر ایران بطوری در بین ممالک جهان مشهور

و معروف است که در سال ۱۹۳۴ میلادی موقعی که جشن هزاره وی برگزار شد نمایندگان ادبی سراسر جهان برای شرکت در این جشن به کشور ایران آمدند.

این شهرت عالمگیر فردوسی مربوط به کتاب شاهنامه یعنی «کتاب شاه» اوست که در سن پیری تألیف کرد.

فردوسی در سن شصت سالگی مشغول تألیف شاهنامه شد و مدت یازده سال تمام طول کشید تا این کتاب که نمونه کاملی از اشعار رزمی ایران است بیان رسید.

فردوسی در کتاب شاهنامه افسانه‌های ملی ایران را که تا آن روز تدوین نشده بود وسینه به سینه نقل می‌شد با بهترین نظم فارسی مسجل کرد و از روی همین نظر وعالی بودن نظم حماسی شاهنامه است که هم‌اکنون در کشور ایران فردوسی یگانه قهرمان ملی بشمار می‌آید.

یکی از نکات جالب توجه اشعار فردوسی که تا امروز مورد تحسین و تقدیر قرار گرفته آنست که کلمات شاهنامه‌فارسی خالص می‌باشد اما گویندگان اشعار و نویسنده‌گان ایرانی بعد از فردوسی رویه او را تعقیب نکردند.

فردوسی سردسته عده‌ای از شعرای برجسته و نامی ایران بود که ما میتوانیم نام چندتای آنان را در اینجا ذکر کنیم.

نظمی شاعر رمان نویس قرن یازدهم میلادی است که امسال یعنی سال ۱۹۴۱ بیاد هشت‌صدمین سال تولدش مراسمی برپا می‌کنند.

رومی شاعر عرفانی از خراسان و سعدی شاعر مشهور بزمی هر دو در قرن سیزدهم میلادی میزیستند.

حافظ شیرازی که در قرن چهاردهم میلادی میزیست و بسیاری از

ایرانیان اورا با سعدی برابر میدانند .

فردوسی ، سعدی و حافظ شیرازی بزرگترین شعرای نامی ایران
محسوب میشوند .

جامی از خراسان که در قرن پانزدهم میلادی میزیست و شاعر بزرگ
عرفانی بوده است .

از شعرای نامی ایران که بگذریدم نویسنده‌گان ، فیلسوفان ، تاریخ
نویسان و علمای دیگرهم از میان ایرانیان برخاسته‌اند که نوشه‌های آنان
بیشتر به زبان عربی بوده است ولی در هر حال باید اسمای بعضی از آنها در
اینجا ذکر شود .

دانشمندان بزرگ ایرانی که مانام آنان را در این کتاب ذکرمی‌کنیم
عبارتند از طبری تاریخ نویس ، رازی و ابن سینا از علماء و دانشمندان .
بیرونی عالم جغرافی و عمر خیام ستاره شناس و فلسفه‌گذشتگی که
در میان ما انگلیسیها بیشتر برای ریاضیات شیرینش که ظاهرآ در ایام فراق
وجدادی از معشوق نوشته است شهرت دارد .

در این عصر بود که آموزش و پرورش در کشور ایران شکل مخصوصی
بخود گرفت که تا قرن دوازدهم میلادی بین کلیه ملل و ممالک اسلامی
متداول بوده است .

عقیده اساسی در آموزش و پرورش کودک و یا شخص بالغ (آموزش و
پرورش کودک و شخص بالغ ممیزات مخصوصی نداشت) این بود که باو
ترس از خداوند متعال و فراگرفتن قوانین اسلامی را بآموزند سپس روشهای
نیک اخلاقی را در طرز رفتار او بادیگران و طرز زندگانی در اجتماع و طریقه
سخن‌گفتن ، خودن ، آشامیدن ، راه رفتن و آداب لازمه دیگر را بوى یاد

دهند و بالاخره اور استاد یاک فن و یادانشمند دریک رشته از علوم باربیاورند.
در ابتدای امر تعلیمات مذهبی و احکام اسلامی را خلفاً در مساجد بمقدم
می‌آموختند و بعداً این وظیفه بو عاظ و مبلغین مخصوص محول کشت که بزهد
ودانش شهرت داشتند اما وضع و جنبهٔ خاصی با آنان داده نمی‌شد سپس
کلاس‌های جداگانه‌ای برای کودکان در مساجد و پس از آن در خانه‌های
معلمین دایر گردید و باین طریق در کشورهای اسلامی مدارس پدید آمد.
کودکان از پنج و یاشش سالگی بمدرسهٔ میرفتند و تا سن چهارده
سالگی بفراغتن علوم مشغول بودند و در آن موقع می‌بایستی کاری بیابند
ومشغول کار شوند.

آموختن و تعلیمات آن زمان رسمی نبود.

شاگردها روی زمین دور معلم خودشان مینشستند و معلم از مسن ترین
شاگردان می‌خواست که شاگردان کوچک را درس بدهد.

پایه و اساس دروس عبارت از آموختن الفبا بود بطوریکه شاگرد
بتواند بخواند و بنویسد و نیز هر شاگردی می‌بایستی قرآن را از بخواند.
در تدریس قرآن مجید کمتر معانی آنرا توضیح میدادند و هیچ‌گاه از
نحوه تدریس انتقاد بعمل نمی‌آمد.

شاگردان با استعداد قسمتی از احادیث محمد بن عبدالله^{علیهم السلام}
و اشعار ساده و حکایات کوچک و شیرین و مواد مختصری از صرف و نحو عربی
می‌آموختند.

پس از آن نوبت فراغتن زبان فارسی میرسید اما در هیچ‌یک از
مراحل آموزش و پژوهش روح تحقیق و تتبیع وجود نداشت بلکه بر عکس
مواردی را با چوب و کنک بشاگردان تحمیل می‌کردند و آنان نیز طوطی وار

آن امیام و ختند.

عدای از شاگردان با استطاعت ماهیانه مختصری به معلمین میدادند ولی بقیه هزینه معلم از محل عطیه و خیرات و کاغذ نویسی و سایر مهرهایی که برای یک شخص با سواد درین توده بیسودان مقرر است تأمین میگردید. تا قرن یازدهم میلادی برای تعليمات عالیه سازمانهای جداگانه‌ای در میان مسلمانان وجود نداشت و فقط کلاس‌های غیررسمی برای تعليم مسائل مذهبی، رسوم و عادات و قوانین اسلامی در مساجد و مکانهای دیگر دایر میشد. اولین آموزشگاه‌های عالی اسلامی در مردم و نیشاپور تأسیس یافت و در قرن دوازدهم میلادی نظام‌الملک وزیر معروف سلجوقیان چندین آموزشگاه عالی تأسیس کرد که از آن جمله مدرسه عالی نظامیه بغداد بود.

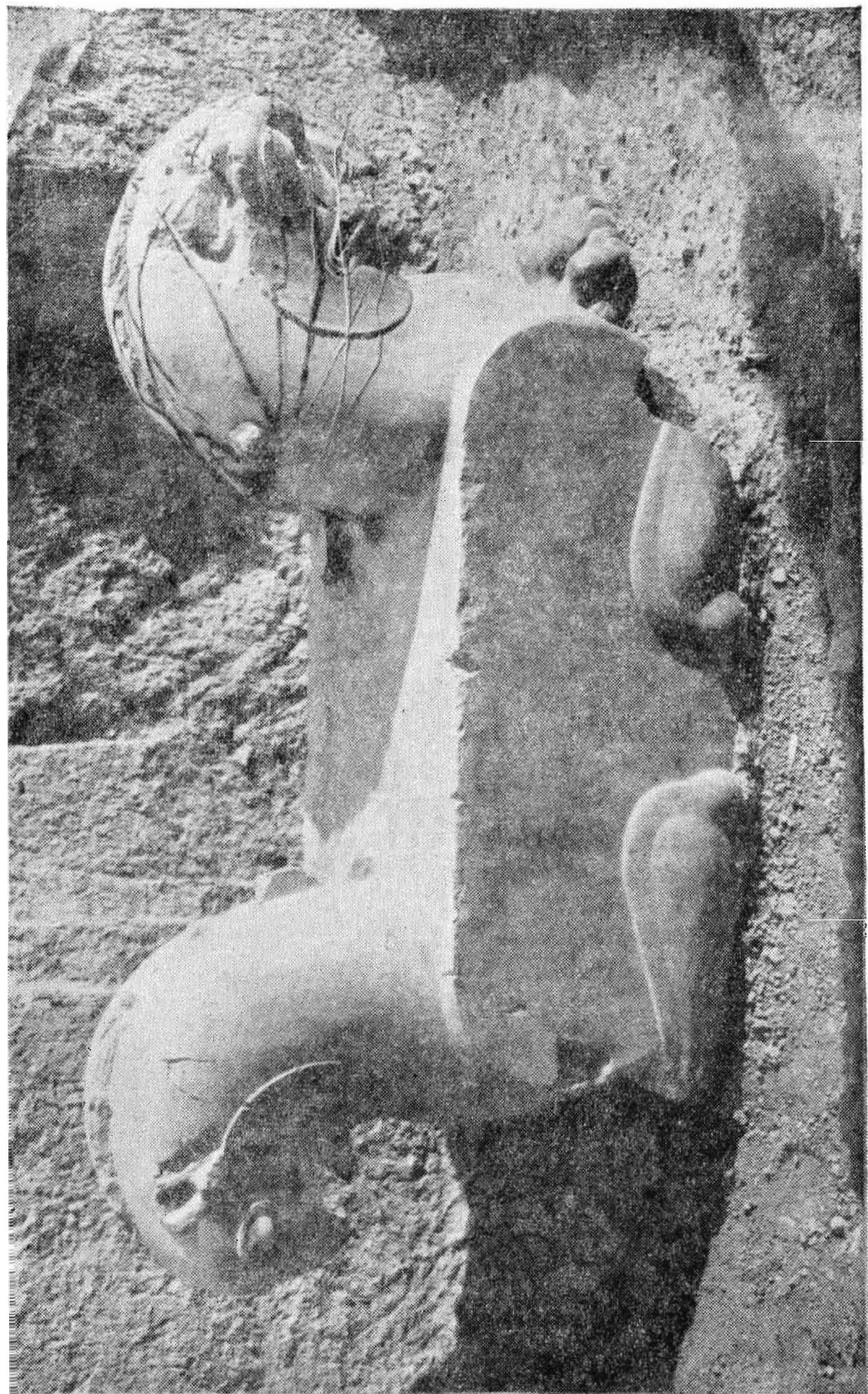
این مؤسسات نخستین آموزشگاه‌های عالی اسلامی هستند که برنامه و دوره آنها طبق قواعد و اصول صحیحی بود.

متدرج آین آموزشگاه‌های عالی فزونی می‌یافتد بطوریکه در اوآخر قرن سیزدهم میلادی تنها در شهر بغداد سی آموزشگاه عالی تأسیس گردید. برای ورود باین آموزشگاه‌های عالی خواندن و نوشتن عربی، دانستن قرآن مجید و مختصری صرف و نحو عربی لازم بود.

برنامه این آموزشگاه‌های عالی بطور کلی عبارت بود از زبان و ادبیات عرب و تفسیر کلام الله مجید احکام اسلامی، فلسفه، منطق و علوم نقلی که نمونه کامل آن آموزشگاه‌ها در حال حاضر مدرسه چهار باغ اصفهان است.

مدرسه چهار باغ اصفهان مانند همان آموزشگاه‌های عالی عبارت از حیاط بزرگی است که دور تا دور آن حجره‌های متعددی ساخته‌اند و

سرستون عقاب که اخیراً در نخت جشید کشف شده است مربوط به کاخ آبادان



۱۹۸

محصلین در این حجره‌ها زندگی می‌کنند.

کارمی‌کنند و پولی نمیرد ازند و همچنین در این مدرسه عالی یک کتابخانه بزرگ که تمام کتابهای آن خطی است وجود دارد.

ضریبی که در اثر حمله مغولان و ترک‌ها برپیکر ادبیات ایران وارد شد آنقدر مهلك نبود که بتواند باعث سقوط قطعی وحتمی آن گردد بلکه بعداز سقوط بغداد که مرکز فرهنگ اسلامی بود زبان فارسی بعنوان زبان علمی وادبی اهمیت جدیدی پیدا کرد بطوریکه نه تنها در کشور ایران بلکه در میان ملت‌های مسلمان غیر عرب و مخصوصاً ترک‌ها رواج بسیاری پیدا کرد.

نشر فارسی در ابتدای امر بسیار ساده نوشته می‌شدوی پس از آنکه مغولان و ترک‌ها بر کشور ایران دست یافتد طرز انشائی که درین شرقی‌ها معمول بود در زبان فارسی هم راه یافت.

تفییری که در اثر حمله مغولان و ترک‌ها در زبان فارسی پیش آمد بزودی بر اثر پیروی از اصول محافظه کاری و انشاء مصنوعی که از خواص ملت‌های عقب افتاده است آنرا جامد ساخت واژ روح و حیات بازداشت و گرچه بعداً اقداماتی برای اصلاح آن بعمل آمد ولی بهر حال باید آن زمان را آغاز سقوط و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی دانست.

فصل چهاردهم

پادشاهان سلسله صفوی و نادرشاه

امپراطوری تیمور لنگ مانند امپراطوری های که قبلاً به اجمن دیگری در ایران تشکیل داده بودند بزودی درهم شکست و متلاشی گردید و بعد از آن این امپراطوری بصورت سلطنت های کوچک ترک و ترکمن درآمد که سلسله فرمانروایان مغول در شمال هندوستان و حکمرانان عثمانی در آسیا صغیر از نژاد آنان میباشند.

از این دوسته فرمانروایان آسیا هندوستان کمتر به ایران ارتباط دارد گوینکه فرمانروایان مغول زبان فارسی و صنایع ظریفه را با خود به هندوستان بردندا آنرا تاجرانی کنمکن بودرواج و توسعه دادند اما متأسفانه نفوذ متقابلی ایجاد نکردند و هندوستان مانند همیشه بصورت دنیای جدا گانه و مستقلی باقیماند. ترکان عثمانی پس از آنکه قسمت مهمی از جهان عرب را مسخر کردند و کشور مصر را هم متصرف شده و جزو مستملکات خود ساختند مانند رقیب سرسختی در برابر ایران استاد گی کردند.

در آغاز قرن شانزدهم میلادی وطن دوستی و ملت پرستی ایرانیان آنچنان نیروئی یافت که توانستند در برابر نفوذ ترکها مخالف نیرومندی

بنام سلسله صفویه بوجود آورند که پادشاهان این سلسله تو انشتند بیش از دویست سال با قدرت کاملی در ایران سلطنت کنند.

این واقعه نه تنها برای ایران بلکه برای تاریخ تمام کشورهای خاور نزدیک امری قاطع بود.

ایران ادعا داشت که باید یک ملت مستقل شناخته گردد اما این امر با سیاست کلی اتحاد اسلامی مخالف و مغایر بود زیرا ترکهای عثمانی میخواستند مجدداً مملک اسلامی را متعدد سازند (البته با عوامل غیر مؤثر) ایران دارالاسلام را بدو قسمت تجزیه میکرد و آنگاه خودش مانند مانع و رادعی در آن میان باقی میماند. کشور ایران پس از آنکه مذهب شیعه را بعنوان مذهب رسمی اعلام داشت خودرا از نظر سیاست و دیانت با امپراتوری عثمانی که سنی بود مخالف معرفی کرد. (صفویه مدعی بودند که از نسل امام‌ها هستند) و این اختلافات و کشمکش‌ها بنا چار بصورت جنگ‌های خونینی درآمد و سرزمین بین النهرین همانطوری که در زمان هخامنشیان بر ضد یونان و در زمان ساسانیان بر ضد رومیان میدان جنگ بود مجدداً میدان جنگ ایران و عثمانی شد.

در اینجا لازم است نسبت به پاره‌ای از اقدامات اولیه اروپائیان در امور ممالک شرقی اشاره‌ای بشود.

کشورهای غربی که از پیشرفت روز افزون ترک‌ها سخت نگران بودند کشور ایران را وسیله‌ای برای انحراف توجه ترک‌ها بطرف مغرب دیدند و با پیشنهاد اتحاد و تحریکات گوناگون کوشیدند تا پادشاهان صفوی را را بمحیط سیاست اروپا بکشند.

پادشاهان صفوی بزودی بطرف این سیاست جلب شدند اما سیاست

خارجی آنها تهاجمی نبود و در امور فرهنگی ارتباط نزدیکی بین ایران و ترکیه برقرار کشت.

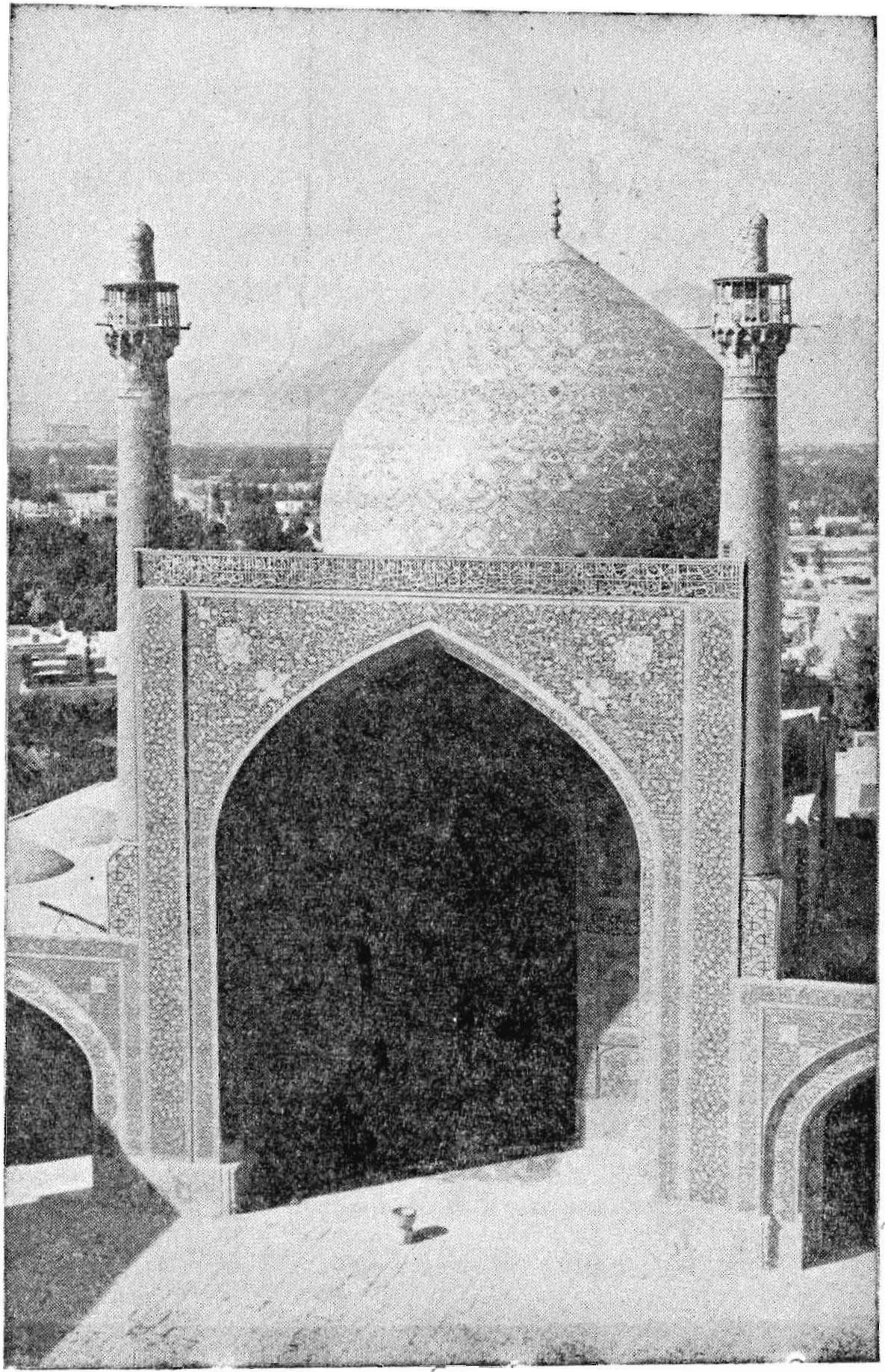
در آن موقع ایران مانند همیشه برای اصلاحات داخلی علاوه‌شده بود نشان میداد و بهیچوجه خیال نداشت که سر زمین و قلمرو حکومت خود را توسعه دهد.

در زمان سلطنت شاه عباس (۱۶۲۹ - ۱۵۸۷ میلادی) که افسانه‌های راجع باو گفتند و در عصر سلطنت ایزابت و شارل پنجم اسپانی و اکبر امپراتور مغول میزیست علم و هنر با انواع وسائل ترویج میشد.. اصفهان پایتخت جدید شاه عباس نمونه کامل زیبائی معماری اسلامی کشت. راهها و پل‌های جدیدی در سراسر کشور احداث گردید. صنایع و هنرها زیبا توسعه و ترقی یافت.

مینیاتور، نقاشی، قالی بافی، نساجی، خط نویسی و فلزکاری معمول و متداول شد.

اینگونه آثار و صنایع دستی پتدری پیشرفت و توسعه یافت که حتی در همین زمان ایرانی‌ها اشیاء خوب قدیمی را که تاریخ ساختن آنها بیش از یکصد سال باشد منتبه بدورة سلطنت شاه عباس میدانند.

پادشاهان صفوی در امور مذهبی نسبت به اقلیت‌ها گذشت فراوان داشتند. دو موضوع مهم و قابل توجه مربوط بدورة سلطنت صفویه است که باید در اینجا ذکر شود اول آنکه شاه عباس به جامعه ارامنه اجازه داد که در جلفای اصفهان متمن کز گردند و با ساختن کلیسا مراسم مذهبی خود را آزادانه انجام دهند موضوع دوم آنست که بمناسبت شهادت حضرت حسین بن علی ظلیله در ماههای محرم و صفر تعزیه خوانی در کشور ایران معمول



ایوان و گنبد مسجد شاه اصفهان از آثار صفویه

شد و همه ساله این مراسم در ماههای مزبور اجرا میگردید که اکنون هم تاحدی معمول است.

پادشاهان صفوی سعی داشتند که اعتقادات مذهبی را در افراد کشور بسیار قوی و مستحکم سازند و روی این نظر شهرهای مشهد و قم و کربلا و نجف مدفن مطهر حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام را زیارتگاه شیعیان قرار دادند که وسائل وسایل و شرایط زیارت آنها بمراتب از مکه فراهم تر و سهلتر است. مقصود این بود که با این ترتیب بجای آنکه نظر ایرانیان بواقع وحوادث جهان معطوف گردد فقط متوجه خودشان باشند اما این نظر بعداً نتیجه مطلوب نداد زیرا محدودیت های داخلی مخصوصاً در امور مذهبی منجر به رکود و مختل ماندن کارها شدو بر طبق عقاید و اصول مذهب شیعه موضوع اجتهاد پیش آمد که به مجتهدین اجازه میداد آیات کلام الله مجید را آزادانه و بیمیل خودشان تفسیر کنند و همین امر بطوری در امور ایجاد اختلال کرد که کاملاً نتیجه معکوس داد و حکومت مجتهدین از حکومت قرآن شدیدتر شد و نفوذ آنان بقدرتی قوت یافت که حتی در واقعی و امور سیاسی هم تأثیر داشت و باید اعتراف کرد که این اختلال در امور داخلی باعث وسیب شد که کشور ایران اولین قربانی فاتحین مقتدر جهان آنروزی بشود و دردام سیاست استعماری روز افزون اروپائیان بیفتند.

در سال ۱۷۲۲ میلادی پس از آنکه سلسله صفوی سقوط کرد و کشور نامنظم و پر هرج و مرنج از دوران سلطنت خودبافی کذارد نادرشاه از خراسان قیام کرد.

این پادشاه مانند تیمور لنگ کیکی از جهانگیران بزرگ جهان است با این تفاوت که میدان تاخت و تاز و وسعت خاک امپراتوری او بحد

تیمورلنگ نرسید.

نادرشاه قبل از مدتی در ارتش پادشاهان مختلف ایرانی خدمت کرده بود و پس از آنکه برای نجات کشورش قدردانگی علم کرد سپاهی دلیر و جنگجو گرد آورد و در اولین لشگر کشی که بفرماندهی شخص خودش اداره میشد رومی‌ها و ترک‌ها را با موقیت پیروزمندانه‌ای شکست داد.

در سال ۱۷۳۶ میلادی آخرین پادشاه سلسله صفوی که کودک‌شیر-خواری بود بدروع حیات گفت و نادرشاه خودش تاجدار ایران گشت و بفتحات درخشانی نائل گردید.

یکی از مشهورترین لشگر کشی‌ها وفتحات نادرشاه فتح هندوستان است که تخت طاووس معروف را در دهلی بغنمیت گرفت و آنرا با خود به ایران آورد (تختی شبیه همین تخت طاووس هم اکنون در تهران میباشد) نادرشاه در اداره کردن امور کشور هنر چندانی نداشت و همینکه در سال ۱۷۴۷ میلادی بقتل رسید در حدود پنجاه سال کشور ایران دچار هرج و مرج گردید.

این هرج و مرج و ناامنی سرانجام با پیروزی قاجار یکی از طوابیف ترک‌ساکن شمال ایران خاتمه یافت و در سال ۱۷۹۴ میلادی تهران پایتخت ایران و پادشاهان قاجار گشت.

با آغاز سلطنت سلسله قاجار دوره جدیدی در تاریخ ایران پدید آمد که بحث در این موضوع محتاج بفصل جدا گانه است.

فصل پانزدهم

توسعه و پیشرفت نفوذ غرب در ایران

قرن نوزدهم میلادی برای ایران زمانی است که با کشورهای اروپائی مربوط شده و این تماس از همان موقع تاکنون ادامه داشته ودارد. البته در گذشته هم ایران بالاروپا مربوط بوده ولی رشتہ ارتباطی آنان مانند قرن نوزدهم میلادی محکم و ناگستنی نبوده است . ما نام یکنفر کشیش ایرانی را بنام «ایوب مقدس» ذکر کردیم و همچنین گفته شده است که در سال ۷۲۲ میلادی یکنفر انگلیسی بنام ویلی بالدمقدس (ST-Willibald) اولین کسی بود که بکشور ایران آمده است .

در قرن دهم میلادی بین شارلمان (Charlemagne) و هارون الرشید روابط سیاسی برقرار بوده است و در پایان قرن یازدهم میلادی نخستین حمله صلیبیان شروع گردید و آنطوریکه تاریخ آنان حکایت میکند بیشتر منظورشان غارت و چپاول بوده و بهمین جهت برای پیشوایان مسیحی خود نام نیکی باقی نگذاردند .

چون کشور ایران از میدان جنگ صلیبیان دور بود طبعاً نقش مهمی در آن کارزار بازی نکرد اما در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی از

طرف کشورهای صلیبی مذاکراتی بـا فرمانروایان مغول آغاز گردید که از عقب سر به ترک‌ها حمله کنند ولی این مذاکرات که برای آغاز آن کوشش زیادی معمول گردیده بود بـی نتیجه ماند.

از همان تاریخ داستانهای افسانه‌مانندی ذـی بـاره شخصی بنام بـحیی کـشیش پـرستـرـجان (Priester John) بـوجود آمد کـه مذهب نـسـطـورـی رـا پـذـیرـفت و احتمـال دـارـد کـه یـکـی اـزـفـرـمـانـرـوـایـانـ مـغـولـ بـودـ است.

ارتباط دائمی اـیـرانـ بالـزوـپـادـزـقـرنـ پـاـنـزـدـهـمـ وـشـانـزـدـهـمـ مـیـلـادـیـ شـروعـ گـرـدـیدـ وـآنـ هـنـگـامـ مـوـقـعـیـ بـوـدـ کـه باـزـرـ گـانـانـ وـنـیـزـیـ (Venice) درـصـحـنـهـ تـجـارـتـیـ اـیـرانـ ظـاهـرـ شـدـندـ.

برـایـ مـدـتـیـ باـزارـ تـجـارـتـ اـیـرانـ منـحـصـرـاـ درـدـسـتـ وـنـیـزـیـ هـاـبـودـتـاـیـنـکـهـ درـدـورـهـ سـلـطـنـتـ پـادـشـاهـانـ صـفـوـیـ باـزـرـ گـانـانـ انـگـلـیـسـیـ اـزـرـاهـ روـسـیـهـ بـکـشـورـ اـیـرانـ واـزـدـ شـدـندـ.

حوادثی کـه درـاـثـرـ رـفـتـارـوـ کـرـدـارـ بـرـاـدرـانـ مشـهـورـ شـرـلـیـ (Sherley) درـایـرانـ روـیدـادـ اـرـتـبـاطـیـ باـکـتابـ مـانـدارـدـ اـمـاـ هـمـانـ حـوـادـثـ مـعـرـوفـ نـمـونـهـ بـارـزـیـ اـزـوـضـعـ نـفـوذـ اـرـوـپـائـیـانـ وـمـخـصـوصـاـ انـگـلـیـسـیـهـ اـسـتـ کـه بنـامـ تـجـارـتـ نـفـوذـ سـیـاسـیـ خـودـرـاـ توـسـعـهـ دـادـندـ.

ایـنـ اـدـعـاـ اـزـ آـنـجـمـتـ اـسـتـ کـه بـرـاـدرـانـ شـرـلـیـ مـأـمـورـیـتـ دـاشـتـندـ کـهـصـفـوـیـهـ رـاـبـرـایـ حـمـلـهـ بـهـ تـحـرـیـکـ وـآـمـادـهـ سـازـندـ.

قرـنـ شـانـزـدـهـمـ مـیـلـادـیـ هـمـانـطـوـرـیـ کـهـ آـغـازـ نـفـوذـ اـرـوـپـائـیـانـ درـ اـیـرانـ بشـمـارـ مـیـرـودـ دـورـهـ اـیـسـتـ کـه اـمـوـرـ باـزـرـ گـانـیـ اـیـرانـ اـزـ نـظـرـ بـینـالـمـلـلـیـ بـیـاـهـمـیـتـ بـودـ.

کـشـفـ دـمـاغـهـ اـمـیدـ نـیـکـ (Cape) باـعـثـ وـسـبـبـ شـدـ کـه پـیـشـرـفتـ تـرـکـهـاـ

در اروپا متوقف بماند و باین جهت فعالیت هر دو عامل اقتصادی و سیاسی از راه خشکی هندوستان منحرف گردید و علاوه بر آن استحکام امپراطوری عثمانی هانع مؤثری برای بازار کنان آینده ایجاد می‌کرد.

این وقایع و پیش آمد ها که بطور مؤثری وضع اقتصادی عالم اسلام را تحت الشعاع در آورد در کشور ایران نسبت به جاهای دیگر کمتر بحرانی بود.

خليج فارس برای رفتن به هندوستان باز ماند و تجارت ابریشم در آن نواحی رونقی بسزا یافت.

کمپانی هند شرقی خیلی زود و سریع در مقابل پرتغالی ها که اولین واردین بسرزمین ایران بودند پدیدار گشت و در بندر عباس کارخانه‌ای بنا کرد و انگلیسی‌ها که در تمام مراحل بارگابت شدید پرتغالی‌ها و هلندی‌ها و فرانسوی‌ها روبرو بودند در قرن هیجدهم میلادی در نواحی خلیج قدرت و نفوذ فوق العاده‌ای پیدا کردند.

انگلیسی‌ها بیشتر توجه‌شان به ایران از آن جهت بود که این کشور با هندوستان هم مرز بود و در آن موقع اقداماتی صورت می‌گرفت که کشور زرخیز هندوستان جزو مستملکات امپراطوری بریتانیا در آید.

در آن موقع انگلیسی‌ها از نفوذ زیاد فرانسویان در داخله ایران نگران بودند و بیشتر نفوذ فرانسویان در ایران از نظر فرهنگی بود ولی سیاستمداران آن روز بریتانیا این موضوع را نمیدانستند.

نگرانی انگلیسی‌ها از فرانسوی‌ها در آن ایام بسیار بجا بود زیرا ناپلئون (Napoleon) تصمیم داشت که از راه ایران خود را به هندوستان برساند اما بعد از شکست ناپلئون بناچار بین ایران و انگلستان دوستی

بسیار تردیدکی برقرار کشت ولی دیری نپائید که انگلیسی‌ها بخطر عظیمی که از طرف شمال به آنان تردیدک میشدند بی بردنند.

اولین هیئت سیاسی سفارت روسیه در سال ۱۶۶۴ میلادی به ایران وارد شد در آن تاریخ سرحدات ایران و روسیه از یکدیگر فاصله زیادی داشتند ولی از یکصد و پنجاه سال پیش روسها بطرف جنوب شرقی پیش می‌آمدند و هیئت اعزامی با ایران هم نمونه‌ای از آن جنبش محسوب می‌گردید.

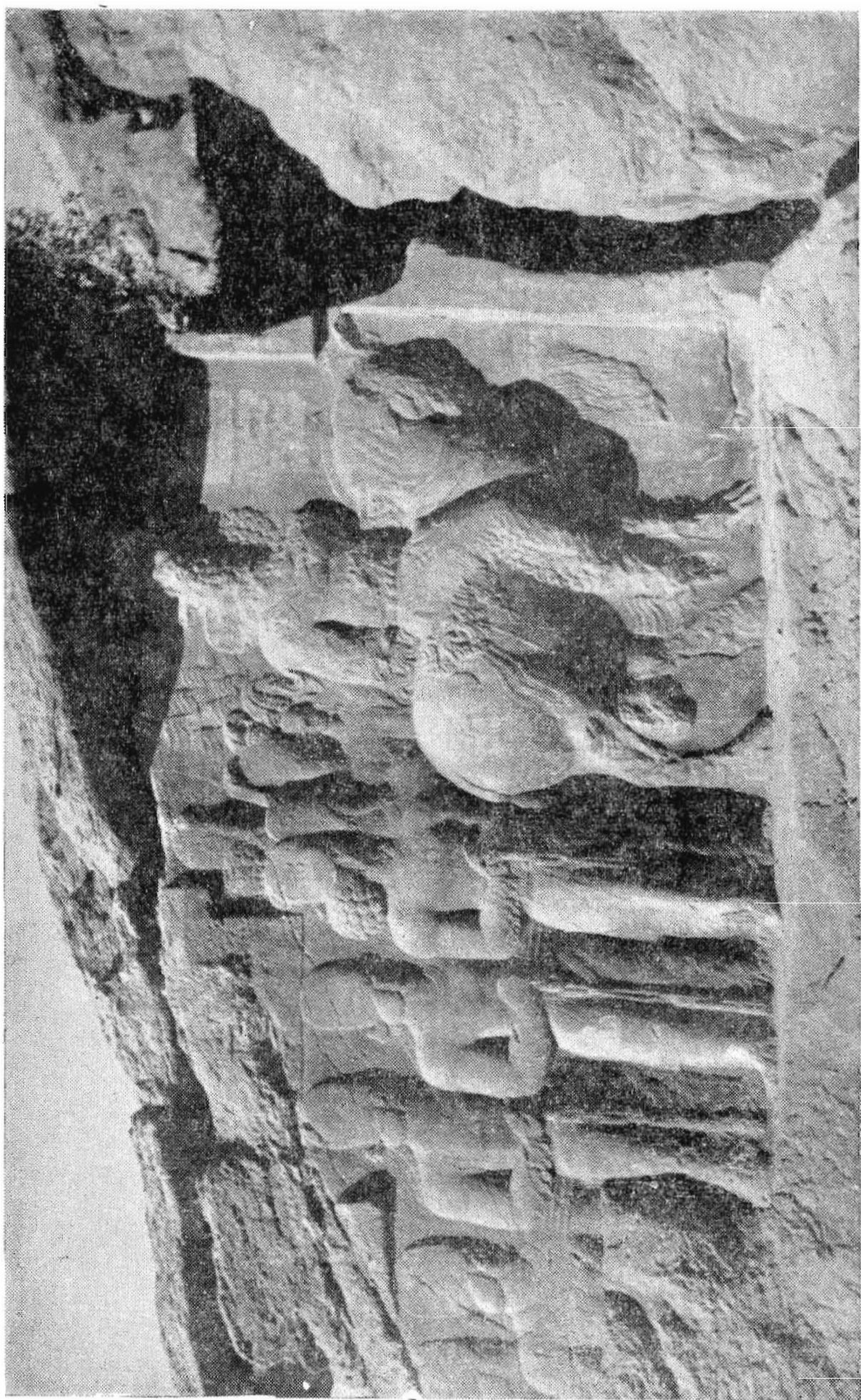
در موقع جنگهای ناپلئون هردو کشور فرانسه و روسیه گاهی باهم و گاهی بضدیت و مخالفت یکدیگر برای حمله به هندوستان مانور میدادند و هر یک از آنها پی فرست می‌گشت که زودتر از دیگری نظر خود را عملی سازد و همینکه فرانسه از میدان در رفت روسیه باقی ماند و به کوشش‌های قبلی خود افزود.

چند سالی از این موضوع نگذشته بود که جنگهای روسیه در قفقاز پیشرفت زیادی کرد قلمرو سرزمین‌های شوروی به مرزهای ایران رسید و در سال ۱۸۲۸ میلادی پیمان ترکمن چای بین ایران و روسیه انعقاد یافت و فتوحات روس‌ها بمنتهی درجه رسید.

در اثر انعقاد پیمان ترکمن چای با استلال و حاکمت ایران اطممه بزرگی وارد آمد و تجارت خارجی این کشور بدست روس‌ها افتاد و از همان تاریخ کاپیتولاسیون (Capitulation) (معنی حقوق ویژه بیگانگان در ایران معمول گردید ولی تا سال ۱۹۲۸ میلادی بیشتر دوام نداشت.

بالاتراز همه بازدیگ شدن بریتانیا از طرف مرزهای خاوری محصور بودن ایران تکمیل شد و در واقع از همان تاریخ کشور ایران آلتی بود که برای پیشرفت مقصود نقشه‌های بریتانیا و یاروسیه بنوبت بکاره میرفت.

نقش بر جسته شاپور و درباریان در نقش رجب نزدیک تخت جمشید



سالهای بعد بین ایران و افغانستان جنگی در گرفت که باید آنرا جنگ مالیخولیائی نام گذارد و همین جنگ با دست دولت قوی بریتانیا و روسیه بوجود آمد.

روسیه قبایل ترکمن را در کرانه خاوری دریای خزر مطیع خود کرد و با ساختن راه آهن موقعیت نظامی خوبیش را در آن حدود مستحکم ساخت.

بریتانیا کوشش میکرد که سرحدی بین ایران و بلوچستان بوجود آورد و نفوذ خود را در جنوب توسعه دهد.

در سال ۱۸۸۰ میلادی این نظر تأمین و تکمیل گردید فقط در سرحد غربی بین ایران و ترکیه اختلافی باقی ماند.

در همین حیص و بیص یک نوع راه نفوذ جدیدی پدید آمد که برای تصرف اراضی بکار نمیرفت بلکه با اعمال رویه تازه‌ای این نفوذ توسعه مییافت.



فصل شانزدهم

احداث خطوط تلگراف و راه آهن در ایران

نزدیک شدن راه آهن روسیه از طرف شمال واقعه مهم افتتاح کanal سوئز در سال ۱۸۶۹ میلادی ایران و سایر کشورهای خاور نزدیک را بعرضه سیاست بین المللی کشانید اما از آن موقع دولتهای مقتدر غربی دیگر از رویه سابق امپریالیستی که زنگ و نقشه ممالک را تغییر میداد پیروی نمیکردند و بجای تسلط و فرمانروائی نظامی میخواستند نفوذ آنان در امور اقتصادی و مالی کشورها پیشرفت کند و بازی تازه‌ای را آغاز کردند که عبارت از گرفتن امتیازات از کشورهای خاور نزدیک بود.

ایران در میان راه مستقیمی واقع شده بود که مانند زنجیری از پارا با هندوستان مربوط می‌ساخت و برای ارتباطات بین المللی بسیار مهم قابل توجه بود از این رو در بدو امر نظر استفاده جویان بطرف تلگراف و راه آهن معطوف گردید و در عرض چند سال خط تلگرافی مهمی احداث شد که از اروپا تا بغداد و تفلیس از طریق تهران امتداد داشت و تهران راهم بخلیج فارس و هندوستان وصل می‌کرد.

گرچه این خط مهم و طویل تلگرافی را کشورهای مختلفی دایر

کردند اما عملاً تا سال ۱۹۲۰ میلادی بسته عمال انگلیسی اداره میشد و اسماً هم تحت کنترل دولت ایران بود.

راه آهن ایران برخلاف تلگراف مورد قبول واقع نگردید و دور رقیب یعنی بریتانیای کبیر و روسیه که هر دویک سعی داشتند مقام و موقعیت خود را در کشور ایران محکمتر سازند ساختن راه آهن را مفید نمیدانستند و هر یک سر رقیب خود را با حرف گرم میکرد و باین علت تا سال ۱۹۲۷ بطور کلی چهار رشته راه آهن در کشور ایران بوجود آمد که طول تمام آن چهار رشته جمعاً از ۲۰۰ میل هم کمتر بود و از آن جمله یکی راه آهن سبک پنج میلی تهران به شاه عبدالعظیم و دیگری راه آهن هفت میلی رشت به پیر بازار بود که میتوان گفت این دو خط از هر دو جهت متعلق به ایران بودند و دو خط دیگر دنباله خطوط راه آهن هندوستان و روسیه بودند که بخاک ایران میآمدند. (۱)

بقیه تاریخ قرن نوزدهم میلادی کشور ایران عبارتست از یک سلسله وقایعی که میان دور قیب سر ساخت و دو ملت بزرگ روی داد و با افکار سرمایه داری و امپریالیستی توأم بود بدین معنی که فرمانروایان ظاهری ایران بر ضد یکدیگر عمل میکردند با مید آنکه نفعی عایدشان شود اما در پایان کار وقتی که درست توجه کردند دریافتند که همه چیز خود را از دست داده اند. در همان تاریخ بود که میتوان گفت تقریباً تمام منابع کشور ایران در دست خارجیان قرار داشت.

کشور روسیه که در آن تاریخ از نظر مادی از کشورهای دیگر

۱ - این خطوط راه آهن با چهل و سه میل راه آهن سبکی که بوسیله شرکت نفت انگلیس و ایران احداث وازان بهره برداری میکردند ربطی ندارد. (مؤلف)

بر تری داشت بواسطه موقعیت مهم جغرافیائی بر حکومت تهران یعنی دولت ایران تسلط داشت و این مقام بر تری را برای خود حفظ کرده بود، در مقابل دولت انگلیس در سال ۱۸۸۹ با ناک شاهنشاهی را در ایران تأسیس کردو گاهی هم ملت‌های دیگر اروپائی بصور مختلف نصب کمی از این کشور می‌برند. ایتالیا گروهی مستشار نظامی به کشور ایران فرستاد و در سال ۱۸۹۸ تمام مدیران و رؤسای گمرکات این کشور بلژیکی بودند و گمرک ایران را اداره می‌کردند.

سلط و حکم‌فرمانی خارجیان به ایران با تنظیم قرارداد انگلستان و روسیه که در سال ۱۹۰۷ میلادی تدوین شد بمنتهی درجه رسید زیرا بموجب این قرارداد کشور ایران بدرو منطقه نفوذ انگلیس و روس و یک منطقه بی طرف تقسیم گردید.

این موضوع برای بریتانیایی‌کبیر پیروزی سیاسی بزرگی بشمار میرفت در صورتی‌که روسها هم بصورت ظاهر سهم بیشتر و بهتری را دارا بودند و بعلاوه همین واقعه موقعیت بریتانیا را در جنوب محکم‌تر ساخت و از پیشرفت سریع روسیه که قبلاً بعلت شکست از ژاپن ضعیف شده بود جلو گیری کرد اما اثرات آن به حیثیت انگلستان لطمه بزرگی وارد ساخت بطوری‌که حتی روزنامه پونچ (Punch) که در آن موقع آزادی بیان بیشتری داشت از پایمال شدن منافع ایران در آن عهد اظهار وحشت نمود و در طی مقالات متعدد خود این عمل دولتی انگلیس و روس را پیر حمانه نلقی کرد و ایرانیان که آن قرارداد را مقدمه تفکیک و تقسیم کشور خودشان میدانستند از همان موقع مایلند که نام بریتانیا را مانند نام روسیه بر دشمنان تاریخی و قدیمی خود بیفزایند.

در همین اوقات نهضت‌های فرهنگی و ادبی در زندگانی ایرانیان بوجود آمد و این امر بطور روشن و آشکار حاکی از آن بود که کارد باستخوان رسیده است، اولین علامت این نهضت ظهور فرقهٔ بابی‌ها است.

این نهضت هم یکی از همان نهضت‌های افراطی مذهبی بود که در تاریخ ایران نظایر آن زیاد دیده شده است.

مؤسس و بنیان‌گذار این فرقه سید علی محمد در هزار میلاد غیبت امام دوازدهم علیه السلام^(۱) ادعا کرد که باب یا دروازه علم و داشت الهی است اما پیروان او خیلی تندرستند بطور یکه برای خودشان هم ادعای الوهیت کردند و ادعا نمودند که باب خالق و آفریننده خدایان می‌باشد.

حکومت تهران اینطور تشخیص داد که این نهضت برای تضعیف و تهدید او بوجود آمده و با وسائل ممکنه بقلع و قمع پیروان آن پرداخت و بابی‌ها را بهر وسیله‌ای که ممکن می‌گردید آزار میداد و همین موضوع موجب شد فرصتی بدست آمد که آن جرأت و شهامت تعجب آور ایرانیان نشان داده شود.

همان جرأت و شجاعتی که در موقع حمله بعقاید مذهبی ایرانیان غالباً از آنان بروز می‌کند.

باب در سال ۱۸۵۰ میلادی در شهر تبریز اعدام شد و پیشوایان این فرقه بخارج از ایران رفتند.

از تعلیمات پیشوایان فرقهٔ بابی بهائی پدید آمد که عبارت است از یک رشته عقاید روش اخلاقی و مردم را بصلاح عمومی و روش نیکو دعوت

۱ - منظور نویسنده کتاب غیبت حجه بن الحسن مهدی قائم امام دوازدهم علیه السلام است. (متترجم)

میکند و پیروان افراطی آن مدعی هستند که ناسخ تمام ادیان میباشد.
آئین بهائی در امریکا و اروپا پیروان زیادی پیدا کرده ولی تصور میروند
که اهمیت امروزه آن در کشور ایران از رو زیاد است این آئین بیشتر باشد.^(۱)
باید در نظر داشت که پیروی از آئین بهائی در کشور ایران
ممنوع است^(۲).

گرچه بهائی‌ها ابتکاری از خودشان نشان ندادند اما چند سالی
بعد از آن تاریخ از آنها که اصلاحاتی شروع کردند طرفداری میکردند.
در آن ایام شاه مانند زمان سلطنت پادشاهان هخامنشی فرمانروای
مطلق کشور ایران بود با این تفاوت که حکومت مذهبی از اوسلب شده و در
دست مجتهدین قرار داشت.

حکومت مذهبی و نفوذ روحانی مجتهدین بسیار زیاد بود و در صورت
لزوم میتوانستند در امور مهم سیاسی نظری قاطع داشته باشند.
در امور مملکتی و اداره کشور هم قدرت دیکتاتوری پادشاه بصورت
ظاهر خیلی زیاد بود اما حقیقت نداشت و صدر اعظم‌ها تمامی کارهای مملکت
را اداره میکردند.

-
- ۱ - این عقیده مؤلف محترم کتاب است و حال آنکه فرقه بهائی در امریکا و اروپا طرفداری ندارد و اصولاً چون مردمی ساختگی است از همان روز اول با مخالفت شدید تمام ادیان روبرو شد و در حال حاضر در کشور ایران هم عده بهائی‌ها بسیار کم و محدود است. (متترجم)
 - ۲ - در زمان سلطنت رضا شاه کبیر فرقه بهائی از ترس مقامات مستول مملکتی تظاهر به مسلمان بودن میکردند و حسب الامر اعلیحضرت فقید بهائی‌ها از دستگاه دولت بکلی رانده شدند و استخدام آنان هم ممنوع گردید. (متترجم)

فصل هفدهم

تأسیس مدارس خارجی در ایران

رویه و اکذاری ایالات و ولایات به فرمانروایان و حکام استانها و شهرستانها و دریافت مالیات و اجاره از آنان باعث شده بود که حکومت مرکزی در خارج پایتحت ضعیف گردد و همین موضوع موجب شد که حکام محلی مانند شیخ محمد ره و خانهای بختیاری در تمام امور مربوط بحوزه حکومتی خود اختیار تام داشتند و با مقامات انگلیسی وروسی وارد مذاکره میشدند بدون اینکه دولت ایران از اقدامات آنها اطلاعی داشته باشد.

با این ترتیب خوانندگان گرامی تعجب نخواهند کرد که بگوئیم ناظرین امور خارجی در آن یام معتقد بودند که کشور ایران روابانقراض و نابودی میرفت و فقط کنترل شدید و کامل دولتهای اروپائی میتوانست از آن هرج و مرج و سقوط حتمی جلوگیری کند.

نظر حقیقی و عقاید و افکار ملت ایران دروضع سیاسی آنروز کشورشان مؤثر نبود زیرا در همان موقعی که پادشاهان قاجار از رویه و طرز حکومت دیرین پیروی میکردند فرنگ و عقاید غرب بوسیله دیپلمات‌ها و مأمورین تلگراف و مؤسسات بانکی و مبالغین اروپائی در نسل جوان تأثیر میبخشد.

در قرن نوزدهم میلادی که برای اولین بار مأمورین نظامی فرانسه و بریتانیا به ایران آمدند نخستین تماس و اصطکاک فرهنگ غرب در روش تعلیم و تربیت ایران پدید آمد.

در سال ۱۸۲۹ بنابدعت پرنس متternich (Prince Metternich) یک هیئت ایرانی برای کسب آخرین اطلاعات جنگی اعزام کشت و قبل از آنهم یعنی در سال ۱۸۱۰ و ۱۸۱۵ دانشجویان ایرانی برای تحصیل علوم پزشکی و سایر رشته‌ها بکشور انگلستان اعزام شده بودند.

در سال ۱۸۴۰ لازاریت‌ها (Lazarites) در شهرهای ارومیه، تبریز، جلفا و سلماس و در سال ۱۸۶۰ در تهران مدارسی افتتاح کردند.

در سال‌های ۱۸۹۱ و ۱۹۱۶ فرانسویها مدارس پسرانه دیگری در شهرهای تهران و اصفهان دایر کردند و همچنین در سال‌های ۱۸۷۵ و ۱۹۲۱ مدارس دخترانه در شهرهای ارومیه، سلماس، تبریز، اصفهان و تهران افتتاح کردند.

هیئت مبلغین امریکائی در سال ۱۸۷۲ مدارس پسرانه و در سال ۱۸۹۶ مدارس دخترانه در تهران افتتاح کردند و همچنین در سال ۱۹۰۴ انجمن مبلغین کلیسای استوارت مموریال (Stewart - Memorial) کالج انگلیسی را در شهر اصفهان گشودند.

در سال ۱۶۴۰ برای اولین بار کتابی در ایران بوسیله خلیفه ارامنه جلفا چاپ و منتشر گردید و با اینکه نوعی چاپ سنگی در زمان سلطنت صفویه معمول بود تا سال ۱۸۱۲ میلادی چاپ کتب و اوراق در ایران روی اسلوب و اصول صحیحی نبود و در آن تاریخ اولین چاپخانه در تبریز دایر کشت و در سال ۱۸۲۳ هم اولین مطبوعه در شهر تهران افتتاح گردید و از آن

موقع چاپ کتاب و روزنامه توسعه یافت و اولین روزنامه ایرانی که (اخبار فعالیتهای درباری) نام داشت در سال ۱۸۵۱ منتشر یافت.

در سال بعد روش فرهنگی و افکار غرب در بین ایرانیان بطور محسوسی توسعه یافت و مدرسه دارالفنون در تهران دایر گشت.

این کالج که در آغاز کار یکصد دانشآموز داشت معلمین اروپائی و ایرانی در آن تدریس میکردند و بر نامه های درسی دانشآموزان عبارت بود از رشته های : پیاده نظام و سواره نظام ، توپخانه ، مهندسی ، پزشکی ، جغرافی و زبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی که بعداً نقاشی و موسیقی هم با ان اضافه گردید .

در کالج دارالفنون چاپخانه ای وجود داشت که کتابها و جزوات درسی را چاپ میکرد و در عرض چهل سال یک هزار و یکصد دانشجو از این کالج فارغ التحصیل شدند .

ساختمان دارالفنون هم اکنون برای تشکیل کنفرانسها و میتینگها مورد استفاده قرار میگیرد .^(۱)

در سال ۱۸۵۵ میلادی وزارت فرهنگ ایران تأسیس گردید و سه سال بعد برای اولین بار چهل و دو نفر دانشجوی ایرانی برای تحصیل به اروپا اعزام گشتند اما ناصرالدین شاه باطنان با این امر مخالف بود .

قا آنی شاعر معروف (۱۸۰۷-۵۳) یکی از پیش‌آهنگان و طرفداران جدی علوم جدید بود . با پیدایش و معرفی چاپ سنگی و چاپ سربی علوم جدید و افکار تازه بوسیله نشر کتابها و روزنامه ها در بین مردم توسعه یافت .

۱- وزارت فرهنگ در همین ساختمان دییرستانی بنام دییرستان دارالفنون تأسیس کرده است . (متترجم)

فصل هیجدهم

نهضت مشروطه خواهان و پیدایش نفت ایران

در سال ۱۸۹۰ میلادی نهضت مشروطه خواهان متدرجاً بوجود آمد و از چند ناحیه مختلف تقویت و حمایت میگردید. در میان طبقه روشنفکر عده‌ای بودند که تاحدی از پایه و اساس و مزایای دموکراسی اطلاع داشتند و با نهضت علاقمندی در باب تجدد اتحاد اسلام و نظایر آن کوشش میکردند اما طبقات دیگری هم بودند که هم از نظر عده وهم از نظر نفوذ اهمیت بیشتری را دارا بودند و با کمال میل از نهضت مشروطه حمایت میکردند با این امید که از ضعف دولت استفاده کنند. این طبقات از مجتهدین، ملاها، رؤسای قبایل، ایلات و توده‌های ستم دیده و رنج کشیده تشکیل مییافت.

بناقصار بریتانیا و روسیه هم در این کشمکش وارد بودند و بریتانیا ناگزیر شد از مشروطه خواهان طرفداری کند و این طرفداری از آنجهت نبود که انگلیسی‌ها بدموکراسی شدن کشور ایران علاقمند باشند بلکه این موضوع فقط از آن نظر بود که روسها از شاه طرفداری میکردند. این کوششها و تحریکات به اوج اعلی رسید و انقلاب سال ۱۹۰۶ میلادی بوقوع پیوست که در نتیجه مجلس شورای ملی ایران بوجود آمد و

در ماه دسامبر سال ۱۹۰۶ فرمان مشروطیت صادر گشت که تاکنون هم همان مجلس با تغییرات مختصری که در بعضی از مواد قانون اساسی بعمل آمده بکار خود ادامه میدهد.

اما ناگفته نماند که با وجود تمام این فعالیتها مشروطه ایران دچار کشمکش‌های شد بدین معنی که در سال ۱۹۰۸ شاه با همراهی و حمایت روسها گوتا کرد و در سال بعد بختیاریها قیام کردند و پادشاه ایران ناچار شد بنفع پسر صغیرش از سلطنت کناره گیری کند و با این ترتیب بکمک بریتانیا دولت دموکراسی در کشور ایران بوجود آمد.

دوره‌های هرج و مر ج بعد از آن تاریخ عبارتست از آمدن هیئت مستشاران مالی مورکان شوستر (W. Morgan-Shuster) به ایران در سال ۱۹۱۱ و اعزام این هیئت از طرف مقامات امریکائی به ایران از آن نظر بود که با موقعیت و اوضاع آن روز برای تثبیت و تحکیم نفوذ خود اقدام کنند اما این کارهم نتیجه‌ای نداد و تنها نفع آنان از این عمل تهاجم و حمله روسیه به ایران بهانه اغتشاشات داخلی بود.

در همین اوقات بریتانیا در جنوب برای استقرار نظام قوای زاندارمی را تشکیل داد که زیر نظر و تحت تعییمات افسران سوئدی اداره می‌گردید اما این اقدام هم چند سال بعد نتیجه تلخی ببار آورد و در هر صورت ملیون ایران با اقدامات اساسی و فعالیتهایی که برای بهبود اوضاع بعمل می‌آوردند نشان دادند که تجدید حیات کشورشان حتمی و قطعی است^(۱) و این

۱- در سال ۱۸۹۱ میلادی امتیاز انحصار تباکو از طرف دولت ایران بیک شرکت انگلیسی اعطای گردید اما مردم بدستور مجتهدین از کشیدن قلیان امتناع کردند و بنای این امتیاز لغو شد و در ماه دسامبر سال ۱۹۱۱ عده‌ای از زنان ایران مجلس شورای ملی رفتند و از نمایندگان خواستند که اولتیماتوم روسها را رد کنند. (ترجم)

موضوع بطورغیر مستقیم با دو عامل مهم تقویت میگردید که عامل اول کشف نفت بمقدار بسیار زیادی در ایران بود که برای تجارت خارجی مملکت و صدور آن به کشورهای بیگانه و در دست گرفتن بازارهای نفتی دنیا عامل مؤثری بشمار میآمد.

وجود نفت در ایران از قرنها پیش معلوم بود و عادت ایرانیان به آتش-پرستی بطور قطع از دیدن شعله‌های آتش در کوههای بختیاری و لرستان سرچشم میگرفت.

در اواسط قرن نوزدهم میلادی دنیا متوجه این ماده حیاتی گردید و برای استخراج نفت علاقه نشان داد و در همین اوقات بود که با اعطای چند امتیاز از طرف پادشاهان قاجار استخراج آن شروع گردید.

در ماه مه سال ۱۹۰۱ امتیازشصت سالهای برای استخراج و بهره برداری از منابع نفتی ایران به ویلیام نوکس دارسی (William Knox D'Arcy) داده شد و از همان تاریخ عملیات اکتشاف و حفاری برای یافتن نفت زیر نظر کمپانی نفت برمه (Buīma) آغاز گردید.

برای مدت چند سال از این حفاری و جستجو نتیجه‌ای بدست نیامد و همان موقع از طرف هیئت مدیره کمپانی تلکر افأ دستور داده شده بود که عملیات اکتشافی را متوقف سازند اما روزی بیست و ششم ماه مه سال ۱۹۰۸ در نزدیکی مسجد سلیمان معبد قدیمی پارت‌ها در عمق یکهزار و یکصد پا ناکهان نفت فوران کرد.

در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس تشکیل یافت و ساختمان راه‌ها و خانه‌های محل سکونت ولوله‌های نفت و پالایشگاه آبادان در کرانه شط العرب جاییکه دجله و فرات به خلیج فارس می‌زند شروع گردید.

نقش بر جسته شاپور و والرین در « نقش رسم » نزدیک تخت جمشید



درماه اوت سال ۱۹۱۲ ساختمان یکصد و چهل و پنج میل لوله نفت تکمیل گردید و تادو ماه بعد از آن تاریخ ششمیلیون گالن نفت تصفیه شد و با این ترتیب برای مطلعین در امور یقین حاصل شد که کشور ایران مهمترین و عظیم‌ترین منابع نفت جهان را مالک است و این سؤال پیش می‌آمد که آیا این منابع زرخیز بی‌انتهای باعث تقویت کشور ایران خواهد شد و یا موجب ضعف آن؟

در این وقت دولت بریتانیا از اهمیت نفت آگاه گشت و در سال ۱۹۱۴ باقتضای سیاست دیرین خود قسمت اعظم سهام زاخریداری کرد و احتیاجات نیروی دریائی را (آخرأ تصمیم داشتند در کلیه تجهیزات بحری خود نفت بسوزانند) بجای آنکه از منابع بی‌مایه امپراتوری هرتفع سازند از نفت ایران تأمین کردند و سیل نفت ایران این شکاف عظیم را که قسمت اعظم بودجه صرف آن می‌شد و مخارج کمرشکنی برای دولت انگلیس داشت پر کرد.

همین چشم داشت و نیازمندی بریتانیا به نفت ازیک طرف سبب شد که ایران برای دریافت سود بیشتری چانه بزنند (مانند چانه زدن سال ۱۹۳۲) و از طرف دیگر این کشور هدف تیرهای حسودانه وجاه طلبانه‌سایر دولتهای مقتدر جهان گردید که یکی از همین دولتهای مقتدر حسود تازه‌قدم در صحنه رقابت می‌گذاشت.

دولت آلمان که آخرین رقیب امپراتوری بریتانیا بودزودتر از رقبای دیگر مشغول انجام نقشه‌های خود گشت، در همان موقعی که بریتانیا بر حسب پیش‌آمد ها در سراسر جهان مستعمراتی برای خود بوجود می‌آورد آلمانی‌ها هم برای خودشان خوابی دیدند و نقشه‌ای کشیدند که مناطق نفوذی

از اروپا تا خاور نزدیک بطرف خلیج فارس برای خودشان ایجاد کنند) اما این خواب هیچ وقت صورت حقیقت پیدا نکرد) و اساس و شالوده این نقشه را روی راه آهن، برلن - بغداد ریخته بودند در حالی که سیاستمداران آن روز بریتانیا و روسیه به نقشه آنان پی بردند و این موضوع برایشان محقق نشده بود .



فصل نو زدهم

توسعه و پیشرفت نفوذ آلمان در ایران

در سال ۱۹۱۱ میلادی روسیه و آلمان قرارداد محترمانه‌ای منعقد کردند که با رعایت کامل احترام متقابل از منافع یکدیگر در ایران و ترکیه حمایت و پشتیبانی کنند ولی این پیمان مانع آن نشد که مأمورین تبلیغاتی آلمان در تهران و خلیج فارس از فعالیتهای خودشان دست بکشند (کالج آلمانی تأسیس کردند) و در اثر همین تبلیغات دامنه‌دار بود که آلمانیها توانستند در میان عناصر تجدد خواه ایرانی طرفدارانی پیدا کنند و ایرانیان متوجه هم باشند فکر بودند که از وجود آلمانیها رقیب سرخست و تازه‌وارد روس و انگلیس استفاده کنند و بر دشمنان دیرین خود بتازند ولی این عناصر تجدد خواه عانند بعضی از سیاستمداران امروزی خاور نزدیک که بدون شک مردمان میهن پرست واقعی هستند نمیدیدند که با آتش بازی میکنند.

در این موقع دولت بریتانیا که خطر را نزدیک میدید و از پیشرفت آلمان در اروپا دچارتیس و وحشت شده بود در صدد برآمد که مسائل بفرنج و روز افزون خاورمیانه را بدست روسیه بسپارد.

در ابتدای جنگ سال ۱۹۱۴ دولت ایران درحال ضعف بیطرفي خود را اعلام داشت ولی طرفين متخاصم تصميم گرفتند که اين اعلام بيطري را ناديه بگيرند و همين کار راهم کردند که درنتيجه نواحی شمال غربی ايران ميدان جنگ روسها و ترکها شد.

در جنوب ايران واحدهای نظامی بریتانیا دست باقداماتی زدند تا از حسن تفاهم و ارتباط نزدیک تر کها با افغانستان جلوگیری کنند اما عمال آلماني که از طرف افسران سوئدي زاندارمی تقویت ميشدند در بين ایلات وعشایر اغتشاشی براه انداختند و مشکل تازه‌ای ببار آوردند.

تعليمات مأمورین آلمان روی نقشه معینی بود بدین معنی که با هالی و عده میدادند که عنقریب بشما استقلال میدهیم که با حکومت مرکزی کاری نداشته باشد.

بمسیحیان حمله میکردند و پول نقد باندازه‌ای که رضایت سران قوم را جلب کند خرج میکردند و با این ترتیب در فارس و کرانه های تندگستان پیشرفت قابل توجهی نصیب شان شد اما پس از عقب‌نشینی در جبهه‌های جنگ و نرسیدن هیئت نیدرمایر (Niedermayer) به افغانستان که برای اقدامات لازم با آن کشور اعزام شده بود آلمانیها نفوذ خود را متدرج ازدست دادند و چندی بعد از آن تاریخ نفوذ آaman بکلی نابود شده از بین رفت.

برای تأمین امنیت بریتانیا در جنوب ایران قشونی تشکیل داد که زاندارمی بالافسران سوئدی آن جزء این نیرو درآمدند.

بین انگلیسي‌ها و روسها بطوری روابط روشن و حسن تفاهم ايجاد شد که روسها حاضر شدند نفرذ انگلیسي‌ها را در جنوب ومنطقه بيطري ايران قبول کنند و در مقابل دولت انگلیس اجازه داد روسها در شمال ايران و

تر کیه هر چه بخواهد بگندام اما انقلاب بزرگی که بعداز آن تاریخ در کشور روسیه بوجود آمد تمام این حسابها را ببرهم زد.

اثر سوق‌الجیشی کنار رفتن روسیه از جنگ در شمال ایران آن بود که ترکها و آلمانیها راه رفتن به هندوستان و افغانستان را بازیافتند و میتوانستند بدون هیچ مانع و رادعی بمنظور خویش نائل آیند.

خوبی بختی بریتانیا این بود که ترکها و آلمانیها در سایر مناطق بقدرتی کرفتاری داشتند که نتوانستند از این موقعیت آنطوریکه باید و شاید استفاده کنند و با وجودیکه آلمان و روسیه سعی و کوشش فراوانی برای ایجاد بلوا و اغتشاش بکار میبردند قوای بریتانیا تو ایست شمال و جنوب ایران را کنترل کند و پس از سقوط ناگهانی آلمان که بصورت انهدام روسیه بود بریتانیا بدون رقیب ماند و دیگر مانعی برای پیشرفت نفوذش وجود نداشت و فقط مخالفتی که برای نیل بمقصود نهائی خود نمائی میکرد مخالفت دولت و ملت ایران بود که در آن موقع بهیچوجه انتظار آن نمیرفت و جزء حساب نمیآمد.

وقتی که نمایندگان ایران در کنفرانس صلح دعاوی موهم و بی اساسی را بنام (ادعای ملتی درباره موقعیت و اتباع خود) مطرح کردند بحر فشان توجهی نشد و در مقابل دولت ایران مجبور گردید پیمان انگلیس و ایران را که در سال ۱۹۱۹ منعقد گردید قبول کند و در صورتیکه آن پیمان مورد تصویب مجلس واقع میکشت وضع و موقعیت ایران تا اندازه‌ای از تحت الحمایه بودن بهتر میشد ولی با این ترتیب کشور ایران از نظارت جامعه ملل بهره‌ای نداشت.

مستشاران سیاسی و نظامی بریتانیا برای ایران تعیین شدند و

بمنظور آنکه بریتانیا حسن تفاهم خود را نشان دهد و بدولت ایران اطمینان بیشتری بددهد دو میلیون لیره هم بعنوان وام به ایران انتطا میگردید.

همینکه خطر و تهدید روسیه با انهدام آن کشور از بین رفت بریتانیا بهتر آن دید نقشه راه آهن هندوستان و بغداد را که اجرای آن مدتی بتأخیر افتاده بود پیش بیندازد و یک راه هوائی هم بر آن اضافه کند.

موضوعی که باید مورد توجه کامل قرار گیرد اینستکه در موقع طرح این نقشه های حرصانه سیاستمداران بریتانیا از توجه یک نکته بسیار مهم و یک علامت محقق غفلت کردند و برای احساسات درونی ملی ایرانیان که در عرض چند سال اخیر رو به هیجان میرفت ارزشی قائل نشدند که در نتیجه در مدت چند ماه اوضاع دکر گون کشت و ایران بار دیگر ملتی شد که توانست روی پای خود بایستد.



فصل بیستم

رژیم رضا شاه پهلوی

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت ایران بحرانی ترین اوقات تاریخ خود را می‌پیمود. یک قدرت خارجی امور این کشور را تحت کنترل شدید قرارداده بود که نه مورد اعتماد ملت بود و نه اینکه دولت رسمی ایران با آن قدرت اطمینان می‌کرد و صرف نظر از این دو مورد مهم همین قدرت هم نمیتوانست برای ابراز موجودیت و حکومت خود عرض اندام کند و در این باره عاجز و ناتوان مانده بود.

عمال کمونیست روسیه در همه‌جا مشغول فعالیت بودند. ایلات و عشایر یاغی شده و در حال شورش بودند و در سرتاسر کشور هرج و هرج و طغیان حکمرانی می‌کرد.

دولت شوروی که منظورش در باره هندوستان (مرکز شورش جهانی) همان نظر و نقشه دولت‌های قبلی روسیه بود در ماه مه قشونی بدریایی خزر اعزام داشت بندر انزلی^(۱) و شهر رشت را تصرف کرد.

بریتانیا به پیروی از افکار و تمایلات عمومی ملت خود نمیتوانست

۱ - بندر پهلوی فعلی در سابق انزلی نام داشت. (متترجم)

از ایران حمایت و طرفداری کند.

یگانه قشون متشکل وارتش منظم یعنی (بریگاد فراز) در شمال ایران بعثت رانده شد و چنین بنظر میآمد که سراسر مملکت را مهاجمین تصرف خواهند کرد.

در همین اوقات بحرانی و موقعیت خطرناک بود که ملت ایران بار دیگر توانائی ولیاقت خارق العادة خود را برای رفع مشکلات و ابراز وجود نشان داد و یکی از همان پیشوایان لایق و فداکار را که برای همین موقع حساس دزدaman خود میپروراند و دموقع احتیاج از وجود آنان برای دفع شر دشمنان استفاده میکند برای بیرون راندن مهاجمین و استقرار نظام بصحنه نبرد هدایت و راهنمایی کرد.

فرازهای شکست خورده جمع آوری شدند و تحت فرماندهی یکی از برجسته ترین ولایق ترین افسران ایرانی خود رضاخان^(۱) قرار گرفتند. این افسر مدبر بدستور دولت ایران قشونی که بالغ بر سه هزار نفر بود تشکیل داد^(۲) و روز بیست و یکم ماه فوریه بطرف تهران روان شد و

۱ - قبل از سلطنت رضاشاه کبیر به نجباو فرماندهان و افسران عالی مقام ارتضی بمنظور احترام و برتری آنان (خان) میگفتند که این لقب با سایر القاب مشابه آن حسب الامر شاهنشاه قید برای ابد ملغی گردید. (متوجه)

۲ - در اسفند ماه سال ۱۲۹۹ اوضاع کشور ما در هم و بر هرج و مر ج بود، در گیلان و مازندران طغیان و یا گیگری بعداً کمل ادامه داشت و عده‌ای بنام انقلاب با پشتیبانی یگانگان سرنوشت مردم را بdest گرفته و بر جان و مال آنان حکومت میکردند و عده‌ای هم در شهر رشت حکومت کمونیستی تشکیل داده و بتاخت و تاز مشغول بودند.

سر بازان و کشتی‌های یک دولت خارجی به اراضی و آبهای ایران وارد شدند.



رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نو در اوایل سلطنت

پس از ورود به پایتخت امور کشوری را تحت کنترل خود در آورد.
در این موقع دولت ایران در سر دو راهی ماندو بتفکر و تعمق
پرداخت تا ببیند بالانگلیسی‌ها باید سازش کند یا باروس‌ها و چون سازش
بادومی یعنی روس‌ها را اصلاح‌تر دانست برای بستن فرارداد صلح با آنان
وارد مذاکره شد.

روس‌ها پیشنهاد دولت ایران را با کمال میل قبول کردند زیرا بخوبی
میدانستند که کشور ایران هنوز کشوری صنعتی نیست تا بتوان مرآماشتراکی
را در آنجا برقرار ساخت.

به‌صورت روز شانزدهم ماه ژانویه سال ۱۹۲۱ میلادی نیروی شوروی

شده و علناً در امور داخلی ما دخالت میکردند و دستور میدادند، دامنه
تحریکات خارجیان به ایالات دیگر نیز کشیده شد و چیزی نمانده بود که نظیر
همین جریان در آذربایجان و حتی خراسان رخ دهد.

قشون انگلیس که در زمان جنگ بین‌المللی اول در ایران باقیمانده
بود آزادانه و بدون اعتناء حق حاکمیت ما از جنوب تا شمال را میدان عملیات
خود ساخته بود. یک قسمت از قوای سابق روسیه تزاری تحت فرماندهی
پیچراخف در اثر سازش با انگلیسی‌ها در حوالی قزوین موضع گرفته و
مستقر گردیده بود.

در جنوب ایران یک نیروی انگلیسی بنام تفنگداران پلیس جنوب تشکیل
شده بود که در تمام امور آن نواحی دخالت میکرد.

ایلات و عشایر محلی با این نیرو در حال جنگ بودند و در نواحی دیگر
هم هرجا که ایل و عشیره‌ای بود بر اوضاع تسلط داشت. بعلت آشتفتگی
اوپرای و پیچیدگی امور شیرازه حکومت مرکزی بکلی از هم گسیخته و از
دولت ایران جز اسمی باقی نمانده بود.

از تعطیل مجلس شورای ایلی سال‌ها میگذشت و با اینکه انتخابات دوره
چهارم تحت شرایط خاصی انجام گرفته بود معهداً افتتاح مجلس صورت نمیگرفت.
دولت وقت قرارداد سال ۱۹۱۹ را با دولت انگلستان منعقد ساخته و اجازه ←

بکلی ایران را تخلیه کرد و بکشور روسیه رسپار کشت و طرح قراردادی مورد موافقت طرفین واقع گردید که روز بیست و ششم ماه فوریه با مضا رسید. بموجب این قرارداد روسیه کلیه امتیازاتی را که دولت تزاری در ایران بدست آورده بود ملغی ساخت.

کلیه وامهای ایران به روسیه بخشیده شد و در عوض تمام خطوط راه آهن و بانکها و راه‌آهن و بنادری که روسیه در ایران داشت به کشور ایران واگذار گردید.

همچنین از حقوقی که بموجب امتیازات به روسیه تعلق می‌گرفت صرف نظر شد.

مليون ايران با پشت گرمي روسie دلir تر شدند و روز بيست و ششم

داده بود که مستشاران انگلیسی امور وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی را تحت نظر بگیرند، مردم بشدت با این قرارداد مخالفت می‌کردند، باز اریها و دانشجویان دست به تظاهرات دامنه داری زدند. دولتها می‌آمدند و میرفتند و کاری انجام نمیدادند و یا بهتر بگوئیم کاری از دستشان ساخته نبود. هیچ مشکلی حل نمی‌شد و برآشتفتگی اوضاع روز بروز افزوده می‌گشت. بکار کنان دولت بجای حقوق ماهیانه حواله آجر و کج میدادند که آنرا در بازار بفروشند و پولش را بمصرف اعماشه خودشان برسانند.

دولت اصولاً بودجه‌ای نداشت زیرا مالیات وصول نمی‌شد و خزانه بکلی تهی بود، امور تجارت و صنعت بسرعت بطرف انحطاط میرفت، یاس و نامیدی همه را فراگرفته بود.

رضاشاه کبیر که در آن موقع فرماندهی سه هزار نفر قزاق را بر عهده داشتند و در قزوین مستقر شده بودند از اوضاع بسیار ناراضی و نگران بوده و تصمیم گرفتند که برای نجات کشور قیام کنند و ایران عزیز را از شر دشمنان داخلی و خارجی رهائی بخشنند و برای همین منظور سربازان تحت فرماندهی خود را جمع آوری و بطرف تهران حرکت کردند و کودتا روز سوم اسفند ماه سال ۱۲۹۹ را که باید آنرا روز سعادت و سیاست ملت ایران دانست بوجود آوردند. (مترجم)

ماه فوریه پیمان ۱۹۱۹ انگلیس و ایران را فسخ کردند که از آن موقع
نفوذ بریتانیا در ایران روز بروز تحلیل رفت تا جائی که کمکهای او را
هم نپذیرفتند.

افسان و مستشاران انگلیسی از کار بر کنار شدند و چند ماه بعدهم
پلیس جنوب که تفنگداران فارس هم نامیده میشد منحل گردید و نیروی
آن جزو سازمان ارتش ملی ایران درآمد.

سیاست رضاخان که از وطنپرستی شدید او سرچشمه میگرفت و جز
مصالح و منافع ملی خویش اندیشادی نداشت اجازه نمیداد که وچکترین
مداخلات خارجیان در امور داخلی ایران راه یابد.

چون بریتانیا جزو دشمنان قدیمی و تاریخی ایران بشمار میآمد
احتمال قوی داشت که روسیه برای این کشور دوست تازه و سودمندی بشود
روسیه هم که در جستجوی دوستان تازه‌ای بود اشتیاق وافری داشت که
ممالک ضعیف و ناتوان را بطرف خود جلب کند و دوستی آنها را به نحوی
که میسر باشد تحصیل نماید.

رضاخان در ماه آوریل سال ۱۹۲۱ وزیر جنگ شد و گرچه تا ماه
اکتبر سال ۱۹۲۳ رئیس وزراء نبود اما عملاً زمام امور را در دست داشت
و فرمانروای واقعی ایران بود.

در آن موقع هیچکس نمیتوانست پیش بینی کند و بگوید که رژیم
رضاشاه بچه صورتی درخواهد آمد و این افسر رشید با آنهمه فدایکاری و
از خود گذشتگی چگونه خواهد توانست کشتی متلاطم کشورش را که
از هر سو در معرض امواج خطرناک هرج و مرج و شورش و بلوارهای داشت
نجات دهد.

کارهای عجیب و فوق العاده‌ای که بدست این فرزند لایق و رشید ایران انجام شده بخوبی میرساند که مطالعه اصل و نسب و سوابق او برای خوانندگان گرامی ارزش‌بسرایی دارد زیرا رضاشاه در تاریخ ایران اثری جاویدان و فنا ناپذیر از خود باقی گذاشت و اقدامات اساسی‌وی که به‌منظور بهبودی اوضاع اجتماعی و بالا بردن سطح زندگی ملت صورت گرفته در خور تقدیر و تمجید است.

رضا شاه در تاریخ پانزدهم ماه مارس سال ۱۸۷۸ میلادی درالشت سواد کوه پابعرضه وجود گذاشت.

سواد کوه یکی از نواحی مازندران و یکی از استانهای ساحلی دریای خزر است که پاک‌ترین نژاد ایرانی در آن استان هستند.

بطور قطع ویقین رضاشاه نمونه بارز و برجسته‌ای از یک ایرانی پاک-نژاد است زیرا طول قامت رضاشاه بیش از شش پا و ساخته‌مان هیکلش بسیار متناسب و برازنده است.

رضاشاه سرباز بدنیا آمده است زیرا پدرش سرگرد عباسعلی خان که چند ماهی پس از تولد رضا بدرود حیات گفت فرمانده. فوج سواد کوه بود و پدر بزرگش سروان مراد علی خان در جنگ هرات که در سال ۱۸۵۶ میلادی صورت گرفت کشته شد.

رضاشاه در سال ۱۹۰۰ میلادی در برجگاد قزاق وارد خدمت شد و در واحدی که تحت فرماندهی عمویش سرتیپ نصرالله‌خان قرارداشت خدمات مفید و برجسته‌ای انجام داد بطور یکه استعداد نظامی و سرعت انتقال وی مورد تفسیر و تمجید چندتن از افسران انگلیسی واقع گشت.

رضاخان در سال ۱۹۲۱ میلادی دارای قدرت شد و بزودی شخصیت

بارز واردۀ آهنین او ظاهر کشت و کلیه آن اقتدارات و تسلط بر امور را که
احمد شاه آخرین پادشاه سلسلهٔ قاجار از کف داده بود وزیر جنگ لایق و
کاردانش رضاخان بچنگ آورد.

در سال ۱۹۲۳ رضاخان رئیس‌الوزراء شد. احمد شاه از ایران رفت
و در اروپا اقام‌گزید تابقیه عمر خویش را با آسودگی بگذراند.

نخست وزیر جدید که در آن موقع مانند پادشاهان وقت دیکتاتور بود
در سال ۱۹۲۴ ناگهان تغییر عقیده و روش داد و فعالیت‌های مصطفی کمال
پاشا را در ترکیه پسندید و در صدد برآمد که همان رویه را در ایران معمول
داردو خودش رئیس جمهوری بشود ولی کناره‌گیری از اسلام بطوریکه با روی
کار آمدن جمهوری در ترکیه معمول و متداول می‌شد برای ملتی که مانند ایرانیان
روحانی بمذهب خود عقیده‌ای کامل و راسخ دارند خیلی زود بود و بنابراین بعلت
مخالفت افکار عمومی که بوسیله مجتهدین پی‌ریزی شد از آن روش و سیاست
صرف نظر گردید.

این موضوع هم چیزی از شهرت و نفوذ رضاخان نکاست و در ماه فوریه
سال بعد اختیارات دیکتاتوری پادشاه قبلی بوی تفویض شد در ۳۱ ماه
اکتبر احمد شاه که اوقات خود را در اروپا می‌گذرانید از پادشاهی خلع
گردید و در تاریخ دوازدهم ماه دسامبر رضاخان با صد و پانزده رأی موافق در
مقابل پنج رأی مخالف و سی رأی ممتنع از طرف مجلس مؤسسان پادشاه
ایران شدور روز بیست و پنجم آوریل ۱۹۲۶ میلادی طبق سنن و رسوم باستانی
ایران با انجام تشریفات لازم تاج‌گذاری کرد و اولین پادشاه سلسلهٔ پهلوی
گردید.

روش رضاشاه در اداره امور کشور فقط از آن نظر دموکراسی است

که میل دارد آنچه را که بخیر وصلاح ملت خود میداند مجری دارد و حوائج مردمان کشورش را از هر حیث برآورد (تمام زمامداران دموکرات عالم این اصل مسلم را سر لوحه برنامه کار خود قرار داده اند و با آن عقیده کامل دارند) وهمینکه او تصمیمی گرفت و تشخیص داد که آن تصمیم بنفع ملت و صلاح در انجام آنست با کمال جدیت و بدون در نگذشت تصمیم خود را عملی میسازد .

وقت شناسی ، لیاقت و کاردانی او ضرب المثل است و موفق گشته است که رعب و هراسی در زیر دستان خود از هر طبقه ای که هستندایجاد کند .

مسافرت های بجاو ب موقع او برای بازرسی اوضاع و احوال نواحی مختلف کشور باعث ترس و وحشت مأمورین سهل انگار ایرانی شده است زیرا هیچ چیز از پیش چشممان تیز بین رضا شاه پنهان نمیماند .

خرده گیری و انتقادات بامورد او مشهور خاص و عام است .

رضا شاه در حالیکه در بسیاری از موارد اعمال (کمال آتاتورک) را مورد تمجید و تقدیر قرار داده و ازاوپریوی میکند (همان آتاتورکی که در سال ۱۹۳۸ بدیدنش رفت ^(۱) عقیده دارد که اصلاحات اساسی کشور را با رعایت کامل آداب و رسوم ملی روی اصول صحیح و درستی پی ریزی کند و برای اصلاحاتی که بادر نظر گرفتن این موارد اصولی صورت گیرد ارزش و اهمیت خاصی قائل است و هر قدر که آتاتورک میکوشد ترکیه را از گذشته اش جدا ساخته و فاصله ای بین زمامداران قبلی و خودش ایجاد کند بهمان اندازه

۱ - مسافت رضا شاه کبیر بکشور دوست و همچوار ماتر کیه و ملاقات با مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) رئیس جمهوری آن کشور در سال ۱۹۳۶ میلادی صورت گرفته است . (متترجم)

رضاشاه سعی دارد غرور ملی و حس وطن دوستی را که درنهاد هموطنانش نهفته است برانگیزد و آنرا تشویق و ترغیب میکند که از تاریخ باستانی و پر افتخار خود الهام بگیرند

مفاخر گذشته ماقبل اسلام ایرانیان مانند آثار پادشاهان دوره باستانی ایران کوشش و داریوش درنظر رضاشاه اهمیت خاصی را داراست و همچنین به آثار دوره باعظام شاه عباس و اشعار حافظ و سعدی نیز بیعلاقه نیست. چنین بنظر میرسد که رضاشاه تاریخ دوره باستانی ایران را بخوبی مطالعه کرده و با افتخارات ملی خود علاقه خاصی دارد و این موضوع از تشویق-های او درباره کاوش‌های نواحی شهرهای قدیمی برای پیدا کردن آثار زیرزمینی و پیروی از طرز معماهی قبیم در تهران و سایر شهرستانهای ایران بخوبی هویداست.

تمام اینها قسمتی از روح وطن دوستی و ملت خواهی پرشور اوست و تصمیم جدی دارد که مجدداً کشور خود را از هر حیث مستقل سازد و بهمین جهت است که اجازه نمیدهد هیچ‌گونه نفوذی که روح ایرانی را تحت الشعاع قرار دهد در این سرزمین جلوه کند. اتحاد ایران تحریکیم و تثبیت شده است.

از نشر مرام کمونیستی بلکی جلوگیری شده و منازعات طبقاتی از بین رفته است و اسلام که برای اتحاد و اتفاق نیروی مافوق تصوری را داراست تا جایی که باعث رکود کارها نگردد پیروی می‌شود در عین حال مواردی که گفته شد مانع آن نیست که ترقیات مادی غربی در ایران راه یابد بلکه بر عکس این موضوع کاملاً رعایت مبکردد.

منظور شاه اینست که تمدن اروپا بنحو مقتضی در زندگانی ملی ایرانیان

راه یابد و جزء آداب و رسوم اجتماعی آنان گردد بدون آنکه از خارج بر مردم تحمیلی شده باشد و روی همین نظر است که بعضی اوقات تصور رفته است شاه ایران علم و مهارت فنی کارشناسان خارجی را پست میشمارد و نسبت با آنان متنفر است در صورتی که اینطور نیست و فکر شاه آنست که افزار و اسباب اقتصاد و کشاورزی را در دست خود ایرانیان بگذارد و آنرا بطوری قابل و توانا سازد که در تمام مراحل اداره امور کشور را در دست گیرند و از نظر علمی و عملی با ملت های غربی یکسان و برابر باشند.

در تمام تغییرات اجتماعی و اصلاحات امور فرهنگی و کشاورزی و ترقی و توسعه صنایع که آثار برجسته دوره پادشاهی (رضا شاه) است و ما در فصول آینده از آن صحبت خواهیم داشت هدف و منظور مورد بحث ما کاملاً دیده میشود.



فصل بیست و یکم

ولیعهد و خاندان رضاشاه

رضاشاه خانواده خود را طوری بارآورده و تربیت کرده است که نمونه کاملی از یک خانواده بتمام معنی (ایرانی) هستند.

ولیعهد ایران شاهپور محمد رضا که روز بیست و هشتم ماه اکتبر سال ۱۹۱۹ میلادی متولد گشته طوری تربیت کرده است که میتواند در آینده وظایف خود را بخوبی انجام دهد.^(۱)

۱ - اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در تاریخ چهارم آبانماه سال ۱۲۹۸ شمسی مطابق با بیست و ششم ماه اکتبر سال ۱۹۱۹ میلادی در تهران متولد شده‌اند.

در سال ۱۳۰۴ ذرسن شش سالگی وارد دبستان نظام تهران شده و در تاریخ پانزدهم خرداد سال ۱۳۱۰ در امتحانات نهائی شرکت و قبول شده‌اند.

روز سیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ برای تحصیل عازم کشور سویس شدند و در (کولژ دو روزی) در شهر رول که در نزدیکی ژنو واقع شده است مشغول تحصیل گردیدند و پس از خاتمه تحصیلات روز چهار

شاهپور محمد رضا پهلوی تحصیلات خود را در کشور سویس

شنبه نهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ از اروپا خارج و روز پنجم شنبه هفدهم اردیبهشت ماه به تهران باز گشتند و صبح روز یازدهم مهرماه سال ۱۳۱۵ بدانشکده افسری وارد شده و پس از دوسال تحصیل با موفقیت روزسی و یکم شهریورماه سال ۱۳۱۷ دوره دانشکده راپیایان رسانده بدرجۀ افسری نائل گردیدند.

پس از احراز درجه افسری از طرف پدر تاجدار خود به بازرسی ارتضی شاهنشاهی مشغول گشتند.

شاهنشاه ایران همواره در دوران تحصیل در علوم طبیعی و ادبیات و مخصوصاً ادبیات ایران ذوق سرشاری نشان داده وزبانهای فرانسه و انگلیسی را با کمال خوبی فرا گرفته و بین دوزبان بطور روشن و روان صحبت می‌کنند و نظر بعالقه‌ای که بتاریخ و ادبیات ایران و خارجی داشته‌اند کتابخانه جامعی در کاخ خود ایجاد کرده‌اند که کتابهای مختلف ادبی و تاریخی بحد وفور در این کتابخانه موجود است.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از آغاز کودکی به ورزش علاقه بسیاری ابراز داشته و ریاست عالیه پیشاپنگی ایران را از زمان تحصیل دارا بوده و در کلیه جشنها و روزیهای ورزشی شرکت و بوسایل گوناگون موجبات تشویق ورزشکاران و تعمیم ورزش را در کشور فراهم می‌کنند. پیشرفت‌های قابل توجه و پیروزیهای درخشانی که در مسابقات ورزشی بین‌المللی از قبیل المپیاد لندن و هلسینکی نصیب ورزشکاران ایران گردیده و باعث سر بلندی ایران و ایرانی در دنیا شده است بدون تردید مرهون توجهات مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه می‌باشد.



شاهنشاه فرهنگ دوست و دانش پرورد ایران

پیایان رسانید . به ورزش و پیشاهنگی علاقه زیادی دارد (پیشاهنگی

اعلیحضرت همایونی در زمان ولایت‌عهدی خود در سال ۱۳۱۷ با شاهزاده خانم فوزیه خواهر فاروق پادشاه سابق مصر ازدواج کردند و ثمره این ازدواج الاحضرت شهناز پهلوی میباشد .

پس از چند سال بنابر میل شاهزاده خانم فوزیه در تاریخ شنبه بیست و چهارم مهرماه سال ۱۳۲۷ جدائی حاصل و منجر بطلاق گردید .

روز بیست و سوم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ اعلیحضرت همایونی با دوشیزه ثریا اسفندیاری فرزند جناب آقای خلیل اسفندیاری بختیاری که از خانواده‌های اصیل ایران هستند ازدواج فرمودند و پس از چند سال زندگی با وجود علاقه زیادی که بمشارالیها داشتند نظر بمصالح عالیه کشور از ایشان جدا شدند .

اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی پس از استعفای پدر تاجدار خود اعلیحضرت رضا شاه کبیر که بتفصیل در فصل پنجاه و یکم این کتاب درباره علل و جهات استعفای معظم له توضیح داده شده روز بیست و پنجم شهریورماه سال ۱۳۲۰ بترتیبی که در فصل مذبور گفته شد بتخت سلطنت جلوس فرموده و مسئولیت دشوار و تاریخی خود را بر عهده گرفتند .

اکنون متوجه از هفده سال است که اعلیحضرت شاهنشاه بار سنگین سلطنت را بر دوش داشته و همانطوریکه در ضمن نطق تاریخی روز بیست و پنجم شهریورماه سال ۱۳۲۰ خود در مجلس شورای اسلامی با اطلاع ملت ایران رسانیده‌اند همواره بارعایت اصول قانون اساسی تمام نیروی خود را برای عظمت و سر بلندی ایران و بهبود وضع مردم و بالا بردن سطح زندگی توده فقیر کشور بکار میبرند و هیچ مانع و مشکلی نتوانسته است معظم له را

در ایران تأسیس شده و پیشرفت زیادی کرده است) .

از تعقیب این هدف مقدس بازدارد .

خدمات بزرگی که شاهنشاه در طول مدت سلطنت خود به میهن و هم‌میهنان خویش فرموده‌اند بیش از آنست که بتوان در این بیوگرافی مختصر از تمامی آنها نام برد و ناگزیر فقط برای نمونه بدکر چند مورد مهم اکتفا می‌شود .

سخاوت یکی از صفات فطری اعلیحضرت همایونی است . کمکهای بیشماری که در مدت سلطنت خود برای تأسیس و توسعه بنگاههای خیریه و عمران و آبادی شهرها از ثروت شخصی خود فرموده‌اند بهترین گواه این حقیقت می‌باشد .

اعلیحضرت همایونی علاوه بر تقسیم املاک خود بین زارعین که بعداً ذکر خواهد شد کمکهای مالی مهمی برای مقاصد مزبور تا این تاریخ در تمام کشور فرموده‌اند که بشرح ذیل است :

۱ - بهداشت عمومی	۱۵۲,۸۰۰,۰۰۰ ریال
۲ - فرهنگی	۴۹,۶۰۰,۰۰۰
۳ - امور روزشی	۱۵,۰۰۰,۰۰۰
۴ - آبیاری	۷۳,۰۳۵,۰۰۰
۵ - امور مذهبی	۳,۸۹۵,۰۰۰
۶ - امور خیریه	۶۷,۸۵۵,۰۰۰

جمع کل ۳۶۲,۱۸۵,۰۰۰ ریال

اعلیحضرت همایونی از نظر علاقه مندی و اشتیاقی که به رفاه حال توده ایران بخصوص طبقه مستمند دارند اداره بسیاری از مؤسسات خیریه

شاه در اغلب مسافرتها شاهپور محمد رضا را همراه میبرد تا آنچه را

را تقبل فرموده و اعضای محترم خاندان سلطنتی نیز به پیروی از نیات
شاهانه هر یک در اداره کردن مستقیم این مؤسسات شرکت دارند.

از مؤسسات خیریه مزبور میتوان بشرح ذیل نام برد :

بنگاه حمایت مادران و کودکان وزنان باردار و بینوایان که تحت
ریاست عالیه والاحضرت ثریا ملکه سابق ایران قرار داشت.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که تحت ریاست عالیه شخص
اعلیحضرت همایونی و نیابت ریاست والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی
اداره میشود.

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که یکی از مؤسسات خیریه بسیار
مهم میباشد و تحت ریاست عالیه والاحضرت شمس پهلوی اداره میگردد.
بنابر اراده والاحضرت ثریا ملکه سابق ایران جمعیتی بنام جمعیت
خیریه ثریا تشکیل شده است که بانوان کشور با کمال جدیت در انجام
مقصود که دستگیری از مستمندان است تحت اوامر والاحضرت انجام وظیفه
میگردد و در حال حاضر این جمعیت بخدمات اجتماعی خود ادامه میدهد.

از جمله کارهای بر جسته‌ای که تحت توجهات خاص اعلیحضرت
همایونی انجام شده ایجاد سازمان برنامه برای توسعه صنعت و کشاورزی
و ایجاد راههای آهن و توسعه امور فرهنگی و بهداشتی و عمران و آبادی
کشور است له اعلیحضرت همایونی از ابتدا توجه خاصی نسبت به اجرای
برنامه‌های اصلاحی این سازمان معطوف فرموده و همواره تأکیدات و دستورات
لازم برای پیشرفت امور مربوطه بدولت‌ها صادر فرموده‌اند.

این سازمان هم با هدایت و نظارت مستقیم شاهنشاه تحت ریاست عالیه

که لازم است بیاموزد و بنابراین ولیعهد ایران از کشوری که میخواهد بر

والا حضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی اداره میشود.

یکی دیگر از خدمات بر جسته و بزرگ شاهنشاه ایران که اثرات عمیق سیاسی و اجتماعی در این کشور خواهد گذاشت موضوع تقسیم املاک موقوفه پهلوی درین زارعین است.

اعلیحضرت همایونی همواره به رفاه حال طبقه کشاورز که اکثریت مردم ایران را تشکیل میدهد توجه خاصی مبذول فرموده و برای بالابردن سطح زندگی آنها پیوسته اقدامات مهمی بعمل میآورند.

برای اجرای این منظور و ایجاد یک تحول اساسی و اجتماعی در وضع کشاورزی در تاریخ هفتم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ فرمان تقسیم املاک سلطنتی را صادر فرمودند.

از تاریخ صدور فرمان بیست هزار هکتار از اراضی مزروعی و باغات بین زارعین تقسیم گردیده است.

در این باره اقدامات لازم جریان دارد و تا اوخر سال جاری نیز عمل نقشه برداری شش فریئه بزرگ بمساحت تقریبی بیست هزار هکتار با تمام میرسد و این قسمت هم بین رعایا تقسیم خواهد شد و اگر توجه داشته باشیم که مجموع زمین های آبادی که باید بین زارعین و کشاورزان تقسیم گردد نهصد هزار هکتار میباشد و هفت میلیارد ریال ارزش آنست. عظمت و تأثیر این تصمیم اعلیحضرت همایونی بیشتر مشهود خواهد بود.

بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اداره املاک و مستغلات موقوفه پهلوی بانکی بنام بانک عمران برای کمک به کشاورزان وزرائیر که بتوانند از زمین هایی که بدست آورده اند کاملا بهره برداری کنند ایجاد نموده که

آن فرمانروایی کردد معلومات درست و صحیحی بدست می‌آورد.

بادادن مساعده به کشاورزان کمکهای بموّع و مؤثّری با آنها مینماید.

مجاهدات اعلیحضرت همایونی برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران خودصفحهٔ جداگانه و درخشانی از سلطنت معظم‌له را تشکیل‌میدهد و بدون تردید هنوز مردم ایران و جهانیان وقایع دلخراش و خونین آذربایجان که استقلال و تمامیت این کشور کهنسال را در مخاطره انداخته بود فراموش نکرده‌اند و بخوبی میدانند که روشن بینی و حسن تدبیر و مراقبت‌های دائمی شاهنشاه باعث نجات آذربایجان گردید.

آذربایجان کهیکی از بهترین و زرخیزترین قطعات کشور و مهندسی ایران قدیم می‌باشد بر اثر خیانت محدودی که بظاهر خود را ایرانی معرفی و در حقیقت مأمور اجنبي و بیک دولت خارجي متکی بودند نزدیک بود از ایران جدا شود.

جدائی آذربایجان تمامیت و استقلال ایران را بمخاطره انداخته بود و بیم اضمحلال این کشور کهنسال میرفت و تنها کسی که در مقابل تمام مخاطرات و حوادث ایستاد کی مقاومت می‌کرد شاهنشاه ایران بودند که بالاخره بر اثر شهامت و شجاعت غیر قابل انکار ایشان و بدستور معظم‌له ارش شاهنشاهی بطرف آذربایجان حرکت و آن صفات را از مزاحمت وجود خائنین خلاصی بخشید.

اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی در سیاست کلی و عمومی کشور همواره حامی قانون اساسی و پشتیبان مجالس مقننه بوده‌اند و بهمین لحاظ مقرر فرمودند مجلس سنا که در قانون اساسی کشور پیش بینی شده و متجاوز از نیم قرن که از عمر مشروطیت می‌گذرد بمرحله عمل در نیامده

بود تشکیل گردد و در دوره پانزدهم مجلس شورای اسلامی نظامنامه تشکیل مجلس سنا تصویب گردید.

برای اولین بار در تاریخ بیستم بهمن ماه سال ۱۳۲۸ مجلس سنای از طرف اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی پادشاه دموکرات ایران افتتاح شد. یکی دیگر از کارهای بر جسته دعوت مجلس مؤسسان برای اصلاح موادی از قانون اساسی است، در تمام کشورهای دموکرات عالم حق انحلال مجلسین بارئیس مملکت است و در قانون اساسی ایران مقرر اتی بود که انحلال مجلس را تقریباً غیر ممکن کرده و این نقص در اصول مشروطیت ایران بود زیرا ممکن است روزی انحلال مجلس یا مجلسین بنابر مصالح عالیه مملکت ضرورت داشته باشد بهمین جهت مجلس مؤسسان ماده مخصوص باین امر را اصلاح و حق انحلال مجلسین را بشخص شاهنشاه، محمد رضا شاه پهلوی اعطا نمود.

یکی دیگر از کارهای بزرگی که در زمان سلطنت شاهنشاه دموکرات ایران پیشتبانی کامل معظمه انجام شد مسئله ملی شدن صنایع نفت در سراسر کشور ایران است که در تحت هدایت و توجهات عالیه شاهنشاه در تاریخ بیست و نهم آبان سال ۱۳۲۹ قانون آن از مجلسین کذشته و بفاصله کمی اجرا و از شرکت سابق نفت ایران و انگلیس خلع ید گردید و همچنین تحت رهبری مستقیم اعلیحضرت همایونی قرارداد نفت که منافع ومصالح عالیه کشور ایران را متضمن است با کنسرسیوم نفت جهانی منعقد و از این منابع طبیعی خدادادی بهره برداری میشود و قراردادهای دیگری هم با شرکتهای بزرگ نفتی جهان منعقد شده است که در بعضی از آنها سهم ایران به هفتاد و پنج درصد میرسد.

(ترجم)



عليا حضرت ملكه بهلوی

ازدواج شاهپور محمد رضا با فوزیه^(۱) خواهر ملک فاروق پادشاه مصر که در سال ۱۹۳۹ صورت گرفت (ولیعهد ایران و فوزیه در ماه اکتبر سال ۱۹۴۰ دارای دختری شدند)^(۲) باعث وسیب شد که روابط ایران با

۱- اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در تاریخ چهارشنبه بیست و چهارم اسفند ماه سال ۱۳۱۷ با شاهزاده خانم فوزیه خواهر فاروق پادشاه سابق مصر ازدواج کردند و چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۸ در کشورهای ایران و مصر بمناسبت این ازدواج جشن‌های مفصلی برپا گردید و عروسی اعلیحضرت همایونی با شاهزاده خانم فوزیه باشکوه و جلال بینظیری برگزار شد.

بعثت سازگار نبودن آب و هوابنا بر میل شاهزاده خانم فوزیه مشارالیها بکشور مصر موطن خودشان مسافرت و در تاریخ شنبه بیست و چهارم مهر ماه سال ۱۳۲۷ اعلامیه‌ای ازو زارت در بار شاهنشاهی صادر و طلاق شاهزاده خانم فوزیه با اطلاع ملت ایران رسید و از آن تاریخ شاهنشاه از همسر سابقشان بطور رسمی جدا شدند.

روز بیست و سوم بهمن ماه سال ۱۳۲۹ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی با دوشیزه ثریا اسفندیاری بختیاری ازدواج کردند و مراسم عروسی در کاخ گلستان انجام گرفت.

والاحضرت ثریا روز اول تیر ماه سال ۱۳۱۱ متولد شده‌اند و برای کارهای خیر و کمک بمستمندان و فقرا همیشه پیشقدم بودند و تشکیل جمعیت خیریه ثریا از ابتكارات شخصی او است که شخصاً کلیه امور این جمعیت را زیر نظر داشتند و همواره کوشان بودند که بتوانند کمک بیشتری بردم فقیر و بی‌بضاعت مملکت بکنند.

برای حفظ مصالح عالیه مملکت اعلیحضرت همایونی با وجود اینکه علاقه زیادی بوالاحضرت ثریا داشتند ایشان را طلاق گفتند. (متوجه)

۲- والاحضرت شهناز پهلوی.

والاحضرت شهناز پهلوی روز یکشنبه پنجم آبان ماه سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شدند و تا سن هفت سالگی بین خانواده خود بسر می‌بردند و پس از آن برای تحصیل بکشور سویس اعزام گشته‌اند و در مدرسه ماری ژوزه مشغول تحصیل بودند. والاحضرت در سال ۱۳۳۵ بکشور ایران ←

این کشور بر جستهٔ عربی مستحکم گردد.

هنوز فرصتی برای ولیعهد پیدا نشده است که لیاقت و استعداد ذاتی خود را نشان بدهد و شاید تمام صفات قوی و محکم پدرش در او جمع نباشد اما بهر صورت با دلایل زیادی ثابت شده است که این فرزند از هر حیث لیاقت و استعداد اداره کردن سازمانهای را که پدرش ایجاد کرده است دارد.

ملکه ایران^(۱) در امور اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان سهم مهمی را داراست و او خود اولین بانوی بر جسته ایرانی است که در سال ۱۹۳۵ در یک مجلس رسمی عمومی بدون چادر شرکت کرد و پس از آن حجاب و چادر و بیرون آمدن باروی بسته برای بانوان بکلی منوع گردید.

باز گشتند و اندکی بعد بنا بر اراده اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی مراسم نامزدی و عروسی والاحضرت شهناز پهلوی با آقای مهندس اردشیر زاهدی فرزند تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر قیام ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجام گرفت و مراتب طی اعلامیه‌ای از طرف دربار شاهنشاهی باطلاع مردم ایران رسید. خداوند متعال به والاحضرت شهناز پهلوی و آقای مهندس اردشیر زاهدی دختری عطا فرمود که بنا بر اراده اعلیحضرت همایونی زهراء (مهناز) نامیده شد. (ترجم)
۱ - روز ششم اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۸ در خانواده مرحوم تیمور خان میر پنج دختری متولد شد که او را تاج الملوك نامیدند.

تاج الملوك همانطور که در آن زمان مرسوم بود کلام اللہ مجيد و شرعیات و ادبیات فارسی را نزد معلمین خصوصی آموخت و در تاریخ پانزدهم رجب ۱۲۹۴ شمسی با اعلیحضرت رضا شاه کبیر که در آن موقع صاحب منصب جوان ورشیدی بود ازدواج کرد.

فرزندان اعلیحضرت رضا شاه کبیر و اعلیحضرت ملکه پهلوی بترتیب عبارتند از والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی - اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی - والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی - والاحضرت فقید شاهپور علیرضا پهلوی.

ملکه پهلوی بانوی بسیار مهربان، دلسوز و باشقت هستند. بیانی دینی و اصول منهجي عقیده خاصی دارند و در امور خیریه و کمک بفقراء و مستمندان همیشه پیشقدم میباشند. (ترجم)



والاحضرت شاهدخت شمس بهلوی

رضاشاه بغیر از شاه پور محمد رضا و لیعمد پنج پسر و سه دختر دارد^(۱).

۱ - اعلیحضرت رضا شاه کبیر علاوه بر اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران دارای چهار دختر و شش پسر هستند . دختران فقید سعید عبارتنداز والاحضرت شاهدخت (فاطمه همدام السلطنه) و والاحضرتین شاهدخت شمس پهلوی و اشرف پهلوی و فاطمه پهلوی و پسران ایشان عبارتند از اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی والاحضرتین علیرضا پهلوی - غلامرضا پهلوی - عبدالرضا پهلوی - احمد رضا پهلوی^۹ - محمود رضا پهلوی و حمید رضا پهلوی .

والاحضرت همدام السلطنه بزرگترین دختر اعلیحضرت رضاشاه کبیر است که بادکنک هادی آتابای در سال ۱۳۰۳ ازدواج کرد و دارای یک پسر و یک دختر هستند و بعداً زناشوئی آنان متار که گردید و کوچکترین دختر اعلیحضرت فقید والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی است که در سال ۱۳۲۷ در امریکا با یک جوان امریکایی بنام مستر هیلر ازدواج کرد و بعداً این شخص مسلمان شد و نام خود را اعلیٰ گذاشت و اکنون شاهدخت فاطمه و او دارای دو فرزند میباشند . (متترجم)

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی روز ششم آبانماه سال ۱۲۹۶ پا بعرصه وجود گذارندند . دروس ابتدائی را نزد معلمین خصوصی آموختند و پس از آنکه زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی یاد گرفتند مشغول مطالعه کتب تاریخی و ادبی ایران شدند .

والاحضرت مورد توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر و علیاحضرت ملکه بودند و پس از آنکه حادثه شوم شهر بورماه سال ۱۳۲۰ روی داد با پدر تاجدار خود سوار کشته شده و در این سفر دور و دراز مونس و همدم اعلیحضرت رضاشاه کبیر بودند .

یاد داشتهای والاحضرت درباره اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام اقامت در جزیره موریس و جنوب افریقا و تشریح آلام شاهنشاه بزرگ ایران که در موقع خود در روزنامه ها و مجلات بطبع رسیده نماینده روح حساس و باعطفه این شاهزاده خانم عالیقدر است .

والاحضرت پس از درگذشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مسافرتی به اروپا و امریکا کردند و مطالعات عمیقی در اوضاع کشورهای مترقبی جهان بعمل آوردند و در همانجا بود که زبان ایتالیائی را هم فراگرفتند و

درباره روابط شاه ایران با ملت نظر قطعی نمیتوان ابراز کرد و آنطوریکه مشهود است وظواهر امر نشان میدهد شاه ایران محبوب عموم

مطالعات بیشتری در موسیقی علمی بین المللی که مورد علاقه خاص معظم اهاست بعمل آوردند.

والاحضرت شاهدخت شمش پهلوی در سال ۱۳۲۴ با جناب آقای مهرداد پهلبند ازدواج کردند و اکنون دارای سه فرزند میباشند.

آقای پهلبند جوان تحصیل کرده و از خانواده های نجیب و قدیمی ایران میباشند که در سال ۱۲۹۶ در تهران متولد گردیده و تحصیلات دوره ابتدائی و متوسطه را در تهران پایان رسانیده آنگاه وارد دانشکده فنی شدند و پس از خاتمه دوره دانشکده برای تکمیل تحصیلات به اروپا و امریکا مسافت نمودند و مهندس در رشته ساختمان هستند.

آقای پهلبند رئیس اداره کل هنرهای زیبای کشور میباشد و بازحمات شبانه روزی باین اداره که زنده کننده هنرهای باستانی و آثار ملی ماست سرو صورتی داده اند.

والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را برعهده دارند و بازحمات طاقت فرسا امور این جمعیت را با صمیمیت وجدیت هرچه تمام را نجام میدهند و چون همواره پشتیاز و حامی طبقه مستمند و فقیر کشور هستند کمتر کسی است که این شاهزاده خانم نیکوکار را نشناسد و با شنیدن نام وی در قلب خود نسبت با علاوه و محبت احساس نکند و بهمین جهت است که والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی مورد احترام قاطبه ملت ایران میباشد. (متجم)

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی.

سپیده دم روز چهارم آبان سال ۱۲۹۸ والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در تهران متولد شدند. تحصیلات مقدماتی خود را فرا گرفتند و به زبانهای خارجی و ادبیات و تاریخ ایران و جهان آشنا شدند.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در مهرماه سال ۱۳۱۵ با آقای علی قوام ازدواج کردند و زندگی زناشویی آنان دیری نباید و در سال ۱۳۲۲ موقعیکه اعلیحضرت رضا شاه کبیر دور از خاک وطن در زوہان سبورگ بسر میبردند والاحضرت اشرف مسافرتی به مصر واذ آنجا به ژوہان سبورگ کردند و پس از جلب موافقت اعلیحضرت درباره جدائی از آقای علی →



والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

ملت خود میباشد زیرا هر جا میرود با هلهله و شادی پذیرائی میشود و عکسش را در تمام ادارات دولتی و مؤسسات ملی و جاهای عمومی گذارده اند ولی باید

قوام به تهران مراجعت و سپس با یکدیگر مtar که نمودند و در همان سال ۱۳۲۲ با آقای احمد شفیق ازدواج کردند.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی از بانوان خیر و نیکو کار کشور هستند و بنابه اراده اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی نیابت ریاست عالیه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را بر عهده دارند و باسیعی و کوشش فراوانی امور سازمان را اداره میکنند.

خدمات والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی برای تمام مردم ایران واضح و روشن است و همه میدانند که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حامی مستمندان و فقرا و بینوایان است و بعنوانی مختلف به توده رنج دیده و بی استطاعت مملکت کمک میکند. (متترجم)

والاحضرت قریب شاهپور علیرضا پهلوی - در تاریخ دوازدهم فروردین ماه سال ۱۳۰۱ با بعرصه وجود گذاشت و در دبستان نظام تا کلاس چهارم ابتدامی را خواند و آنگاه برای ادامه تحصیلات خود روز سیزدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ عازم اروپا گردید و مدت پنج سال در لوزان مشغول تحصیل بود و در تاریخ نوزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۵ با ایران باز گشت و تا سال ۱۳۱۸ در دبیرستان نظام به تحصیل اشتغال داشت و پس از پایان دوره دبیرستان بدانشکده افسری وارد شد و در سال ۱۳۲۰ دوره دانشکده راهنم باموفقیت با تمام رسانید.

والاحضرت شاهپور علیرضا پهلوی برای بازدید از املاک خود که در گرگان داشتند و سرکشی با مور زارعین با آنجا مسافرت کرده بودند هنگام مراجعت به تهران شب ششم آبان ماه سال ۱۳۳۳ هواپیمای حامل والاحضرت در کوههای نزدیک تهران سقوط کرد و مشارالیه بشهادت رسید. (متترجم)

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی - والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی فرزند برومند اعلیحضرت رضا شاه کبیر روز دوشنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۲ شمسی از والاحضرت توران در شهر تهران با بعرصه وجود گذاردنند.

دوره طفویل را بسربرستی آموزگاران عالیقدر تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته سپس در دبستان و دبیرستان نظام بتحصیل اشتغال و رزیدند و در

دانست که در تمام دستگاههای مملکتی برای حفظ نظم کنترل شدیدی صورت میگیرد.

ما نباید تصور کنیم که یک فرد متوسط ایرانی محدودیت آزادی

خلال این مدت به کشور سویس مسافت کرده و در شهر رول در دیزستانی که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تحصیل کرده بودند دو سال متواتری مشغول تحصیل بوده‌اند و پس از آن به تهران مراجعت و دیزستان نظام را با موقیت کامل پیان رسانیده و چندی نیز در امریکا دردانشکده پرنستن (Princeton) تحصیل کرده مجدداً به تهران مراجعت و دانشکده افسری را با علاقمندی کامل درسته سوار باتمام رسانیده و پس از نیل بدرجۀ افسری بفرمان مطاع مبارک ملوکانه بسمت بازرس ویژه در ارتض شاهنشاهی منصوب و با ابراز لیاقت و کاردارانی بدريافت نشانهای افتخار و لیاقت و نشان پهلوی و نشانهای مختلف دیگر نائل گردیده‌اند.

والاحضرت کلاس‌های تكمیلی ذرهی و تانک را دردانشکده فورت-ناکس در امریکا طی نموده‌اند. معظم له علاوه بر سمت نظامی که در ارتش دارند بنا با مر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیابت ریاست عالیه باشگاه هواپیمائی کشوری و همچنین نیابت ریاست عالیه باشگاه سوارکاران و ریاست عالیه کمیته ملی البيك ایران را عهده دار میباشند. والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی در کشورهای خارجی (اروپا، امریکا و افریقای جنوبی) مقیم و او قاتشان فقط صرف تحصیل و مطالعه در تاریخ و جغرافیای نظامی آن کشورها بوده و اطلاعاتی عمیق در این دورشته دارند و از بانهای فرانسه و انگلیسی را خوب میدانند و از دیگر این دورشته نیز بهره‌ای کامل دارند. معظم له علاوه بر فنون نظامی در فن خلبانی، تنبیس، شنا، فوتbal و شکار بهره کامل دارند و او قاتشان علاوه بر خدمت ارش صرف ورزش‌های مزبور شده و در تمام مراحل زندگانی مشوق ورزشکاران بوده‌اند.

خداآندمتعال دو فرزند بایشان عنایت فرموده که اولی والاحضرت مهرناز پهلوی در تاریخ ۲۹/۱۰/۱۳۳۰ بدرود حیات گفته و دومی والاحضرت بهمن پهلوی که در تاریخ ۱۳۲۹/۱۱/۱۰ در تهران با عرصه وجود گذارده است.

والاحضرت بتاریخ وادیات ایران علاقه خاصی دارند و همواره مشوق نویسنده‌گان و مؤلفین کشور هستند. معظم له جوانی متواضع، مؤدب و بسیار ادب دوست هستند. (مترجم)



والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی

خود را بدون جهت قبول دارد و با آن تن در میدهد وزیر اچنان که دیده شده این نوع حکومت از هر جهت بحال او مناسب و برای کشورش شایسته و برآزنده است.

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی فرزند کامکار اعلیحضرت رضا شاه کبیر در تاریخ نهم مهر ماه سال ۱۳۰۳ شمسی از والاحضرت عصمت پهلوی در شهر تهران با عرصه وجود گذاردند.

دوره ابتدائی خود را در دبستان نظام گذراند و از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۵ در مدرسه لرزوی (Le Rosey) (در شهر روی Roll) سویس مشغول تحصیل بودند و از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۰ دوره دبیرستان نظام را گذراند و چون شاگرد اول شدند با خذ نشان عالی فرهنگی نائل گردیدند و پس از اخذ دیپلم در جریانات شهریور ماه ۱۳۲۰ در رکاب اعلیحضرت رضا شاه کبیر به جزیره موریس (Mauritius) و بعد به افریقای جنوبي مسافرت کردند.

معظم له در این مدت بفراء گرفتن زبان انگلیسی و مطالعه پرداخته و پس از وفات اعلیحضرت رضا شاه کبیر بمصر رفته و در انتظار جنازه پدر تاجدار خود بودند و بعد از انجام مراسم تشییع جنازه و سپردن بارامگاه وقت در قاهره عازم امریکای شمالی شدند و برای تحصیل وارد دانشگاه هاروارد (Harvard) در شهر کامبریج گردیدند و پس از گذراندن دوره این دانشگاه در سال ۱۹۴۷ در رشته اقتصاد و علوم سیاسی (Political Economy) بارتبه عالی با خذ درجه بی. اس B.S نائل گردیدند.

والاحضرت پس از خاتمه تحصیلات، اول در امریکا و بعد در اروپا از مراکز صنعتی، معدنی و کشاورزی دیدن کرده و پس از هفت سال به ایران مراجعت نمودند.

معظم له از بد و ورود با مورد عمرانی و تولیدی توجه خاصی داشته و بر حسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قبل از نظارت عالیه سازمان برنامه هفت ساله و امور عمرانی و اقتصادی کشور به عهده ایشان و اگذار شد.

والاحضرت بدریافت نشان پهلوی و نشانهای دیگر نائل شده اند.

والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی در سال ۱۳۲۹ برای خدمت زیر

برچم داوطلبانه خود را معرفی و پس از طی دوره مربوطه بدرجه ستوان دومی

بهر حال ایلات و عشایر که امور مربوطه را خودشان اداره میکردند طبعاً از استیلای مأمورین کوچک واستقرار آنها در بالای سرخودشان سخت

نائل و چون شاگرد اول شدند به گرفتن جایزه مفتخر گردیدند.

معظم له در مهر ماه سال ۱۳۲۹ با والاحضرت پری سیما دختر جناب آقای ابراهیم زند ازدواج کردند و نمره این ازدواج یک پرسش ساله بنام والاحضرت کامیسار ویک دختر سه ساله بنام والاحضرت سروناز میباشد.

معظم له از کودکی به اغلب ورزشها علاقه داشته و با آنها آشنایی داردند در سالهای اخیر ورزشی که بیش از سایر ورزشها مورد علاقه ایشان بوده چو گان، اسب سواری و شکار است که قبلاً بریاست عالیه باشگاه چو گان و پس از تصویب قانون شکار در اسفند ۱۳۳۵ بفرمان همایونی بریاست عالیه کانون شکار ایران منصوب شده‌اند.

کتابهای مورد علاقه والاحضرت عبارتند از کتب سیاسی، اقتصادی، تاریخی و جهانگردی و در موقع فراغت علاوه بر مطالعه و ورزش بامور کشاورزی میپردازند.

معظم له زبانهای فرانسه و انگلیسی را بخوبی میدانند. والاحضرت جوانی متواضع، مطلع، با هوش و مورد احترام طبقه تحصیل کرده و روشنفکر ایران هستند. (متترجم)

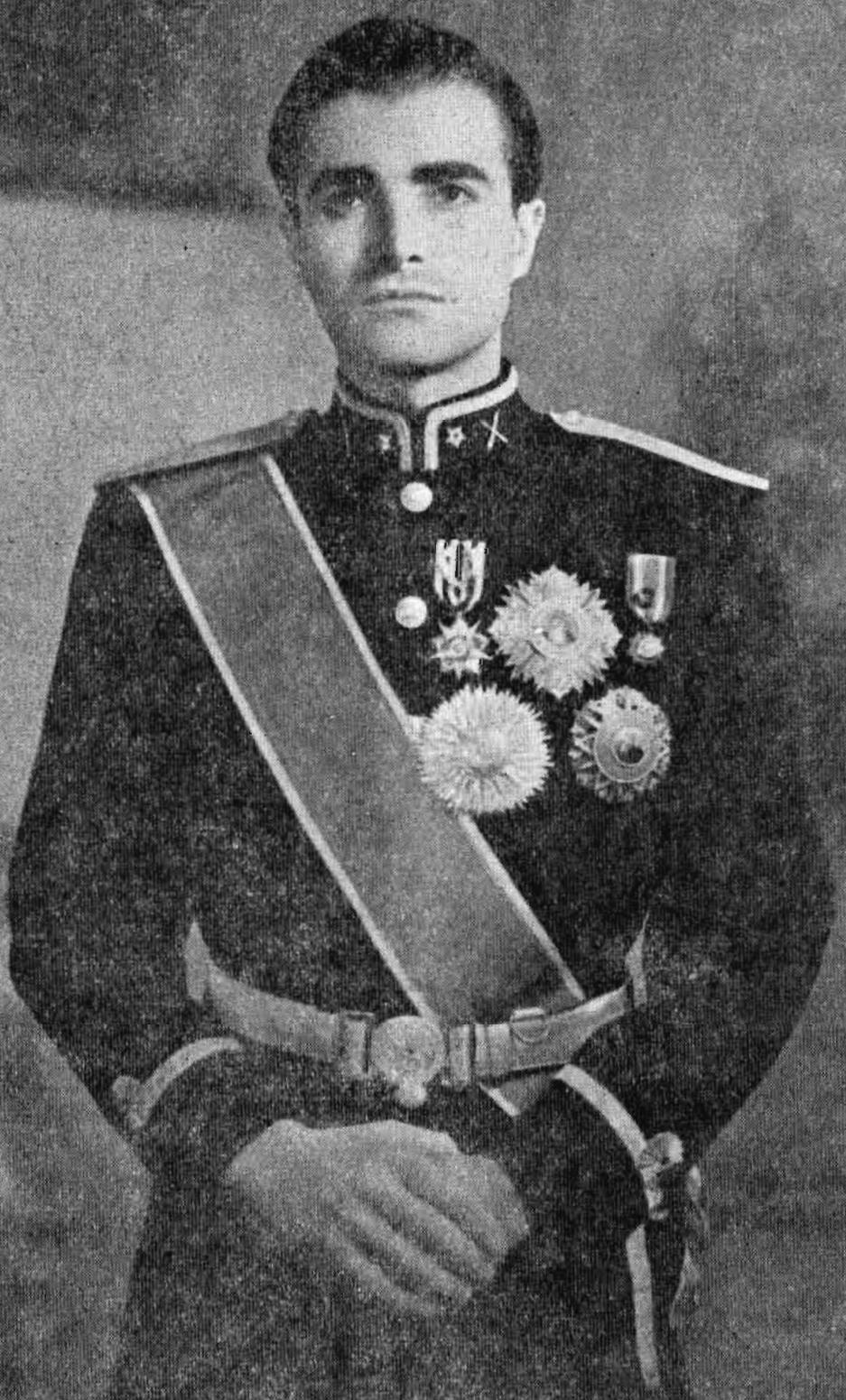
والاحضرت شاهپور احمد رضا پهلوی - روز پنجم مهر ماه سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شدند. دوره دبستان و دبیرستان نظام را با موفقیت گذرانده و پس از حادثه شوم شهر یور ۱۳۲۰ در التزام رکاب اعلیحضرت رضا شاه کبیر به جزیره موریس رفته‌اند. مشارالیه اکنون دارای دوفرزند میباشند. (متترجم)

والاحضرت شاهپور محمود رضا پهلوی.

روز دوازدهم آبان ماه سال ۱۳۰۵ پا بعرصه وجود گذارند و پس از طی دبستان و دوره دبیرستان نظام مانند سایر برادران خود بجزیره موریس رفته‌اند و پس از آن بکشورهای متحده امریکا مسافرتی کرده و در دانشگاه کالیفورنیا مشغول تحصیل شدند. (متترجم)

والاحضرت شاهپور حیدر رضا پهلوی.

آخرین فرزند اعلیحضرت رضا شاه کبیر والاحضرت شاهپور



والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی
در سال ۱۳۳۰ پس از اتمام دوره خدمت افسری

ناراضی هستند بخصوص که این مأمورین کوچک مانند مأمورین کوچک همه‌جا میخواهند تحریم بخرج دهن و اختیارات خود را برخ مردم بگشند. وصول مالیات، قانون، مقررات چیزهایی هستند که بزعم عشاير ایران با آزادی واقعی سازگار و موافق نمیباشند گرچه فقط وحشی‌ترین قبایل وايل ها آن نوع آزادی را داشته‌اند و معنی آن را میدانند.

طبقه روشنفکر ایرانی هم میتواند در رژیم استبدادی موارد انتقادی زیادی پیدا کند گرچه خودش هم از همین رژیم منتفع و بهره‌مند گشته است اما بهر صورت با وجود بالارفتن نرخ خوارهار و لوازم زندگی و مالیات‌های تازه اکثریت مردم مخصوصاً طبقه سوم بطور کلی راضی شدند و در رفاه و آسایش کاملی بسر میبرند و هر چند نمیتوانند کاملاً درک گشته که این چیزها برای خود آنها لازم است و عواقب خوبی دارد اما در هر حال آنان خشنودند که از نفوذ بیگانگان در کشورشان بطور کلی جلوگیری شده و از اینکه دیگر سیاست حمایت خارجی در ایران وجود ندارد بسی مشعوف و مسروند.

ما وضع کشور را در سال ۱۹۲۱ دیدیم و حالا برایمان بخوبی واضح و آشکار است که لازم ترین و مهمترین اقدامات وضع قوانین مفید و ایجاد امنیت و متصرف کردن قدرت در دست حکومت مرکزی است و بنابراین اولین وظیفه رضا شاه این بود که ارشاد فوی و نیرومندی بوجود آورد که او خودش

حمیدرضا پهلوی میباشد که در تاریخ دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۱ با عرصه وجود گذارد. مشارالیه دوره دبستان نظام را گذراند و هنوز تحصیلات مقدماتی ایشان پایان نرسیده بود که در الترام رکاب اعلیحضرت رضا شاه کبیر به جزیره موریس رفتند.

مشارالیه اکنون دارای یک فرزند هستند و در قیام ملی ۲۸ مرداد در جنبشی که در شهر تهران بوجود آمده بود شرکت داشتند. (متوجه)

بخوبی این موضوع را میدانست و تصمیم لازم را گرفت.

هستهٔ مرکزی سازمان جدید ارتش، تشکیلات بریگاد فراق بود. که نیروی انگلیسی پلیس جنوب یا تفنگداران پارس هم جزء آن شده بود. رضاشاه با تشکیل ارتش جدید میتوانست قوای منظم و نیرومندی در برابر قوای نامنظم ایلات و عشایر که در اثر تبلیغات کمونیستی تهییج شده بودند بوجود آورد.

در سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ رضاشاه سرگرم پایان دادن به شورش‌های مازندران بود و پس از آنکه نواحی شمالی را بکلی از وجود یاغیان و طوایف متمرد خالی ساخت و در آن حدود امنیت کاملی حکم‌فرما کرد متوجه مسائل و موضوع بفرنج و پیچیده (بختیاری‌ها) و (لرها) در جنوب و جنوب غربی گردید.

در سال ۱۹۲۴ (شیخ خزر عل) که در محمره^(۱) خود را فرمانروا و فعال مایشاء میدانست و بیش از حد به ارتباط و دوستی خود با بریتانیا تظاهر میکرد موقع را متناسب دید از سیاست مرکزیت یافتن قدرت دولت مشوش و نگران شد و از اوامر دولت مرکزی سرپیچید و شورش و بلوائی پیساخت و اختلافات بسیار مهم و شدیدی بوجود آورد اما بزودی شیخ شکست خورد و قوای دولتی او را دستگیر کرده به تهران بردنده و چند سال بعد از آن در همانجا مرد.

اطاعت ایلات و عشایر یاغی ایران در سال ۱۹۲۵ بازور و بر کنار ساختن مأمورین فاسد و انجام پاره‌ای اصلاحات لازم صورت گرفت و سیاست

محمره همان شهری است که امروزه خرمشهر نام دارد. (ترجم)



والا حضرت شاهدخت شهناز پهلوی

اسکان و مستقر ساختن ایالات و طواویف سرگردان عملی کردید^(۱). اقداماتیکه برای اسکان ایالات بعمل آمده بود با ساختن راهها و دهات در نواحی بختیاری و خرمآباد و کردستان تکمیل کردید و ایالات چادرنشین را برای اقامت دائمی در محلهای معین مجبور ساختند و این سیاست برای امنیت کشور و جلوگیری از بی‌نظمی بسیار مفید و مؤثر بود. هم‌اکنون گاهگاهی نافرمانی‌هائی چند در آن نقاط سرمیزند چنانکه در سال ۱۹۳۷ اتفاق افتاد.

: بعضی از اوقات هم در نقاط دوردست دستبردهای انفرادی رخ میدهد اما مرتكبین بزودی شناخته شده و بسزای اعمال خوبش میرسند.



۱- در مورد اسکان عشاير و ایالات ایران در فصل دوم توضیحات کافي داده شده است. (متترجم)

فصل بیست و دوم

تشکیل ارتش نوین ایران

نفرات ارتش ایران در ایام صلح واوفاقانی که کشور وضع عادی دارد به چهل هزار نفر بالغ میشود که از نه هنگ و پنج لشگر تشکیل یافته است و در زمان جنگ ممکن است به سه و یا چهار برابر افزایش یابد.

پادگان مهم نظامی یکی در تهران و دیگری در اهواز قرار دارد و اهمیت سوق الجیشی سلسله کوههای ایران از نظر اینکه برای دفاع از کشور عامل بسیار مؤثری بشمار میآید باعث شده است که نفرات ارتش در این مورد تخصص بیشتری داشته باشند و بهمین جهت است که توپخانه کوہستانی قسمت عمده‌ای از مهمات و تسليحات ایران را تشکیل میدهد.

گذشته از سایر سلاحهای جدید ارتش ایران در حدود یکصد تانک اشکودا در اختیار دارد.

نیروی کوچک هوائی (که جزء ارتش است) در حدود چهار اسکادران میشود و جمعاً ازدواج است هوایپما تشکیل یافته است.

این هوایپماها بطورکلی یا ساخت کارخانه‌های انگلستان هستند و یا اینکه از روی نقشه انگلیسی ساخته شده‌اند و اخیراً هم به امریکاسفارش

داده‌اند که چند فروند هوایپیما برای نیروی هوایی بسازد. ^(۱)
سه آموزشگاه هوایی در اهواز و مشهد احداث شده و مشغول تعلیم
دادن فن خلبانی به نوآموزان هستند.

با اینکه عده‌ای از آموزگاران نظامی ایران در کشور فرانسه و یا
کشورهای دیگر تحصیل کرده و قانون نظامی را آموخته‌اند عده زیادی هم
از معلمین خارجی در مدارس نظام تدریس می‌کنند. نفوذ آلمان قابل ملاحظه
است اما باید دانست که هیچ یک از ملت‌های خارجی در کشور ایران تسلط
نداشته و با تمام خارجیان از هر ملتی که باشند یکسان رفتار می‌شود و تا
وقتیکه به آلمانی‌ها قدرت دیگری داده نشود بودنشان در ایران اثر سیاسی
نخواهد داشت.

در عین حال که ارتش کوچکی مانند ارتش مورد بحث ما بسته
می‌تواند در برابر یک مهاجم مجهز ایستاد کی و مقاومت کند هر کاه همین
ارتش کوچک تصمیم بدفاع از کشورش بگیرد و با خصم وارد جنگ کردد
با استفاده از وضع خاص طبیعی ایران کار مهاجم خود را بسیار مشکل
خواهد ساخت.

ارتش منظم و فوینی که بوجود آمده با وضع قوانین و مقررات

۱ - نظر مؤلف محترم کتاب درباره ارتش ایران یعنی نیروهای
سه گانه زمینی، هوایی و دریانی مربوط به سال ۱۹۴۱ است و این آمار فقط
در آن موقع صحیح بوده است والا پس از تصویب قانون کمک‌های نظامی
بمالک خاورمیانه و خاور دور در کنگره امریکا ارتش ایران از هر حیث مجهز
گشته و با کمکهایی که همه ساله رو بفزوونی می‌رود روز بروز بر تجهیزات
جنگی کشود ایران افزوده می‌شود و در حال حاضر بگواهی تمام کشورهای
عالی کشور ایران دارای نیروی منظم، مجهز و از هر حیث
است. (متترجم)

سر باز گیری عادلانه‌ای تقویت می‌شود .

از سال ۱۹۲۰ ببعد هر جوان بیست و یک ساله ایرانی باید بسر باز خانه برود و مدت دو سال خدمت نظام وظیفه را انجام بدهد .

دانش آموزان و دانشجویان که حق دارند در پایان تحصیلات خودشان بخدمت نظام وظیفه بروند بعد از ۱۲ ماه خدمت اولیه باید در دانشکده افسری فنون نظامی و تعلیمات لازم را فرا گیرند . البته مشمولینی که مسئولیت اداره کردن خانواده بر عهده آنهاست از این قاعده مستثنی هستند و بموجب قانون با آنان طور دیگری رفتار می‌شود .

هر ساله در فصل معینی سر باز گیری در تمام نقاط کشور و در مراکز مختلف انجام می‌گیرد .

افرادی که خدمت سر بازی خود را انجام داده‌اند هر ساله برای تجدید تعلیمات نظامی دو باره احضار می‌شوند و باید یکماه در همان قسمتی که قبلا خدمت کرده‌اند مشغول خدمت باشند و تعلیمات جدیدی را که لازم باشد بیاموزند .

گرچه در آغاز کار عده‌ای از مشمولین از دام سر باز گیری جستند اما برای جلو گیری از پیش آمد های بعدی در سال ۱۹۳۸ مواد لازم بقانون نظام وظیفه اضافه گردید بطوری که اکنون کمتر کسی می‌تواند از زیر بار این خدمت ملی شانه خالی کند .

هر یک از افراد مملکت که بخواهد در استگاههای دولتی یا مملی استخدام شوند بدون استثناء باید گواهینامه انجام خدمت زیر پرچم و یا معافیت از نظام وظیفه را ارائه دهد در غیر این صورت از پذیرفتن بکار و اشتغال آنان خودداری می‌شود .

مدت طولانی دو سال خدمت سربازی غالباً با کار آموزی در امور صنعتی سپری می شود و جشن سالم و نیر و مند سربازان وظیفه نشان میدهد که نحوه کار بسیار خوب است و بار وحیه آنان سازش دارد.

اقدامات مفید عمومی برای تشویق جوانان ایرانی با نجاح خدمت نظام وظیفه بعمل آمد و مشمولین آنطوری که باید و شاید بفایده این خدمت ملی پی برد و در موقع مقرر خود را برای خدمت بوطن آماده می سازند.

عده ای از مشمولین (بیشتر عرب ها) رادر نیروی دریائی بخدمت می گمارند.

این نیروی دریائی کوچک شامل دو ناوچه است که هر یک از آنها نه صد و پنجاه تن ظرفیت دارد^(۱) و با سه توپ چهار اینچی مجهز است و دارای چهار ناوچه کوچکتری هم هست که ظرفیت هر یک از آنها سیصد و پنجاه تن بوده و هر یک بادو توپ دوا اینچی و دو توپ آ-آ مجهز هستند.

تمامی این ناوچه ها در سال ۱۹۳۲ در کشور ایتالیا ساخته شده اند و سرعت سیر هر یک ۱۵ کرمه دریائی است.

این ناوچه ها با ناوچه های دیگر نیروی دریائی ایران برای جلو گیری از دزدی و قاچاق در کرانه خلیج فارس کافی می باشند (این وظایف قبل از بعده نیروی دریائی بریتانیا بود) این ناوچه ها در حال حاضر در خرمشهر که قبل از محمدره نامیده می شد استقرار دارند و برای رسیدن به خلیج باید از آبهای عراق عبور کنند ولی این نقیصه با ساختن لنگرگاه بندر جدید شاهپور مرتفع می گردد.^(۲)

۱ - روز ۲۷ اوت سال ۱۹۴۱ غرق گردید. (مؤلف)

۲ - نیروی دریائی ایران ناوگان دیگری هم در دریای خزر دارد. (مؤلف)

کشته تفریحی همای که چند سال قبل از طرف دولت بریتانیا به شیخ محمد راهنمای اهدای شده بود اکنون ناو آموزش شده است و دریانوردان ایرانی در این ناو تعلیمات لازم را فرا می‌گیرند.

عده‌ای از افسران نیروی دریائی و همچنین دریانوردان ایران در دانشگاه لیورنو (Livorno) کشور ایتالیا که دانشگاه مخصوص نیروی دریائی است تحصیل کرده‌اند اما این موضوع دلیل آن نیست که افسران و دریانوردان ایرانی نسبت به ایتالیا محبت و علاقه‌ای پیدا کنند.

قسمت چهارم نیروی مسلح ایران سازمان و تشکیلات امنیه است که باید در نواحی دور دست امنیت و نظم عمومی را بر طبق قوانین جاری کشور برقرار سازد.

افسران و درجه داران و افراد امنیه لباس آبی رنگ روشن می‌پوشند که تا اندازه‌ای شبیه اوئیفورم فرانسوی‌ها است و درست بر خلاف رنگ خاکی اوئیفورم ارتش آلمان می‌باشد و چون هر شش نفر آنها تشکیل یک جوخه را میدهند و در نقاط دور دست و تقریباً در نواحی خالی از سکنه خدمت می‌کنند لذا مقررات و انضباط آنها مانند ارتش قابل توجه نیست و بهمین جهت در بین مردم احترام چندانی ندارند و در سابق آنها را محرک اصلی شورش و بلوای ایلات و عشایر میدانستند.

افسران و درجه داران و افراد مشغول بخدمت امنیه در هر استان بستگی با همیت و موقعیت آن استان دارد و با در نظر گرفتن این موضوع نیروی امنیه بین استانها و شهرستانها تقسیم شده است که تماماً تحت فرماندهی یک افسر انجام وظیفه می‌کنند که معمولاً این افسر سرتیپ است.

فصل پیشنهاد و معمول

مجلس شورای ملی و سازمانهای اداری

قانون اساسی ایران که در سال ۱۹۰۶ میلادی تصویب شده است (با اصلاحاتی که در بعضی از مواد آن بعمل آمده) تاکنون بتوت خود باقی است و بموجب این قانون مجلس شورای ملی که یکصد و سی و شش نفر نماینده دارد تشکیل میشود و قوانین لازم و مفید را برای رفاه و آسایش ملت ایران تصویب میکند . از یکصد و سی و شش نفر نماینده مجلس شورای ملی دو تن از نماینده گان را ارمنی ها و یکنفر رای یهودی ها انتخاب میکنند . یکنفر نماینده هم از طرف زرتشتی ها انتخاب میشود و بقیه نماینده گان مجلس شورای ملی که یکصد و سی و دو نفرند همگی مسلمان هستند که از استانها و شهرستانهای مختلف مملکت بموجب قانون انتخاب میگردند .

این نماینده گان برای دو سال انتخاب میشوند و تغییر دولت در وضع آنان تأثیری ندارد . دوره دوازدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی در تاریخ سی و یکم اکتبر سال ۱۹۴۱ بیان میرسد و در همین سال انتخابات دوره سیزدهم انجام میگردد .

هر مرد بیست و یکساله ایرانی (باستانی افسران و درجه داران و افراد ارتضی و محاکومین به جنحه و جنایت) حق دارد در انتخابات شرکت

کند و بارای مخفی نماینده مورد نظر خود را انتخاب نماید . باید باین نکته توجه داشت که چون در کشور ایران هیچ حزب و دسته سیاسی وجود ندارد در موقع انتخابات سر و صدای چندانی زاه نمی‌افتد و بیشتر لیاقت شخصی کاندیداها را در نظر می‌گیرند . نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ایرانیانی انتخاب می‌شوند که سن آنها بین سی تا هفتاد سال باشد و در دستگاه‌های دولتی هم خدمت نکنند .^(۱)

هر نماینده‌ای در ابتدا برای مدت دو سال انتخاب می‌شود اما در موقع تجدید انتخابات مانعی ندارد که بنام نماینده دوباره به مجلس برود . این نمایندگان می‌توانند بعد از شش ماه تراک خدمت نمایندگی مجلس شورای اسلامی بخدمت دولتی مشغول گردند .

این قانون می‌ساند که نمایندگان ملت جنبه هشورتی دارند و آراء و کلام مجلس با اکثریت قاطع است .

اصولا هر طرحی که بوسیله وزراء و مسئولین امور دولتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد ابتدا به کمیسیونهای فرعی می‌رود و پس از آنکه در کمیسیون مربوطه مورد تصویب واقع گردید در جلسه علنی مجلس طرح و تصویب می‌شود .

پس از آن برای اجرا به صحة شاه می‌رسد اما عملا قوانینی که شاه برای رفاه و آسایش ملت لازم تشخیص داده است بوسیله وزیران دیگر که می‌شود و نمایندگان آنرا تصویب می‌کنند .

به رسمیت قوه مقننه و قوه مجریه از هم جدا هستند و هیچ یك حق دخالت در امور دیگری را ندارد .

۱ - فقط کارمندان عالیرتبه دولت نمی‌توانند درین خدمت از حوزه مأموریت خودشان انتخاب شوند . (متترجم)

ارزش مجلس شورای ملی اینستکه قوانین مفید را برای ملت وضع کند و در صورت ابهام توضیحات لازم را بدهد.

تمام جریانات و مذاکرات مجلس شورای مملوی در روزنامه‌ها چاپ میشود و باطلاع عامه میرسد.

دولت که مسئول اداره کردن امور مملکت است تحت زهبری شاه وظایف خود را انجام میدهد.

وزراء تحت نظر نخست وزیری هستند که از طرف شاه تعیین و باین سمت منصوب میگردند.

هر یک ازو زارتخانه‌ها معاون و ادارات متعددی دارند که زیر نظر وزیر مربوطه انجام وظیفه میکنند.

وزارت‌تخانه‌های ایران عبارتند از: وزارت جنگ - وزارت امور خارجہ - وزارت داخلہ یا کشور - وزارت راه - وزارت پیشہ و هنر - وزارت پست و تلگراف - وزارت دارائی - وزارت فرهنگ - وزارت دادگستری - اداره کل بازارگانی - اداره کل کشاورزی^(۱) (بازارگانی و کشاورزی ادارات کل هستند و با آنها وزارت‌تخانه اطلاق نمیشود).

نخست وزیر و وزراء همگی مسئول مجلس هستند ولی چنان‌که دیدیم تمام آنها از طرف شاه تعیین میشوند و بفرمان او کار میکنند.

علاوه بر وزارت‌تخانه‌هایی که اسمی آنان ذکر شد وزارت درباری هم وجود دارد که امور شخصی اعلیحضرت شاه و ولی‌عهد را انجام میدهد ولی این وزارت‌تخانه جزء کابینه و هیئت دولت نیست.

قانون اساسی ایران مجلس دیگری هم بنام مجلس سنا پیش بینی

۱- بازارگانی و کشاورزی هر دو وزارت‌تخانه شده‌اند و بعلاوه وزارت بهداری هم چندسالی است تأسیس شده و با جدیت مشغول فعالیت است و بعلاوه وزارت‌تخانه دیگری هم بنام وزارت گمرکات و انحصارات اخیراً تأسیس یافته است. (متترجم)

کرده است که سی نفر از اعضای آن از طرف اعلیحضرت پادشاه تعین و منصوب میشوند و سی نفر دیگر را مردم انتخاب میکنند.

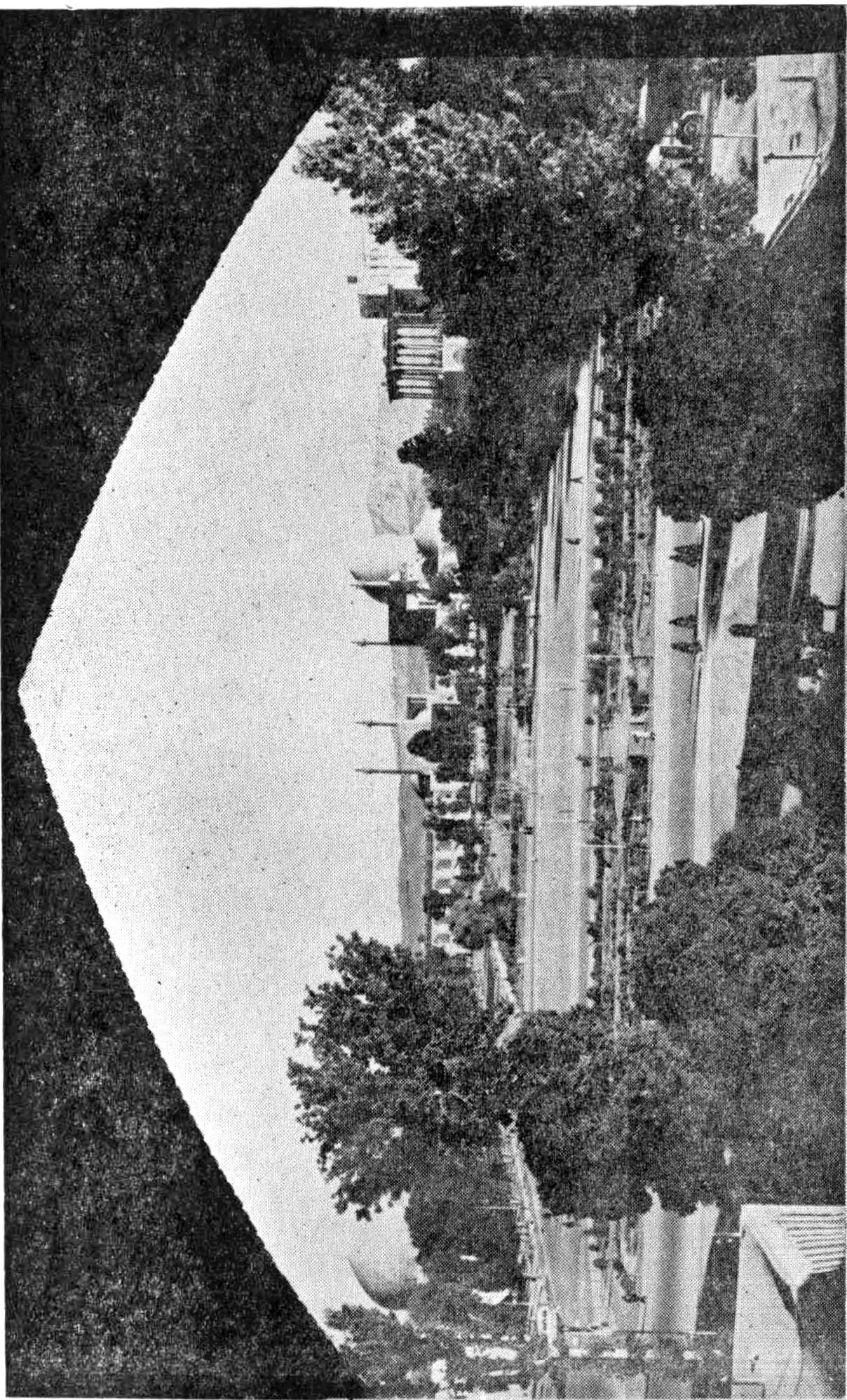
مجلس سنا فقط یکبار در موقعی تشکیل شد که بنا بعمل و دلائل موجہی مجلس شوایملی نمیتوانست تشکیل جلسه دهد^(۱). در اثر نفوذ رضاشاه در تمام امور کشور فقط عدد محدودی از ایرانیها هستند که در امور سیاسی صاحب نظرند.

در کشور ایران احزاب سیاسی وجود ندارد و هر موقع حزبی سربلند کند (مثل حزب کمونیست) بسختی سر کوب شده و منحل میگردد. وزود بهادرات دولتی باش کت در مسابقه و گذراندن امتحان میسر است و دارندگان کواهی نامه‌های ابتدائی، متوسطه و عالی برای گرفتن رتبه‌های یک، دو و سه اداری در مسابقه شرکت میکنند و امتحان میدهند. در سازمانهای دولتی بطور کلی نه^(۹) رتبه با حقوق ثابت و شرایط معین و مشخص وجود دارد که کارمندان باید بتدریج این مراتب را اطی کنند و هیچ یک از کارمندان دولت از خدمت بر کنار و منفصل نمیشوند مگر آنکه در دادگاه محکوم گردند.

اشخاصی که دارای معلومات تخصصی هستند بدون گذراندن امتحان بخدمت پذیرفته میشوند ولی این عده امتیازات کارمندان رسمی را ندارند و همچنین افراد دیگری از قبیل ماشین‌نویس و ثبات بعنوان دون رتبه بدون شرکت در مسابقه میتوانند بخدمت مشغول گردند اما اینها نیز بر رتبه‌های عالی اداری نمیرسند.

۱ - مجلس سنای ایران تا بعد از وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ و بسلطنت رسیدن اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی تشکیل نمیشد ولی بموجب قانون اساسی وطبق فرمان همایونی مجلس سنا تشکیل گردید و چند سال است که خدمات خود ادامه میلهد. (ترجم)

اصفهان نه میدان شاه نامیداد، نشست خواه عالی قاره ... سعادت ... نهاد ... ایشان



فصل نیست و چهارم

سازمانهای کشوری و قضائی

وزارت کشور مسئول اداره کردن امور داخلی است بدین معنی که بکارهای استانداران و فرمانداران ، شهربانیها ، بهداری ، خدمات اجتماعی ، آمار و ثبت احوال رسیدگی میکند .

در سال ۱۹۳۸ تقسیمات قبلی مملکت تغییر یافت و حدود و شفور هر یک از ایالات و ولایات معین و مشخص گردید و سراسر کشور ایران به ده استان تقسیم شد و هر استانی را یک استاندار اداره میکند .

تمامی ده استان ایران به چهل و نه شهرستان تقسیم میگردند که در هر یک از شهرستانها یک فرماندار مستقر است و امور منوط به حوزه مأموریت خود را اداره میکند و هر یک از شهرستانها هم به بخش ها و دهستان ها تقسیم شده اند . در کشور ایران یازده شهرستان وجود دارد که جمعیت آنها از پنجاه هزار نفر بیشتر است و بیست شهرستان دیگر نسبتاً آبادهم هستند که ساکنین هر یک از آنها از ده هزار نفر تجاوز میکند و بطور کلی شهر های کوچک و قصبات و دهات ایران بالغ بر چهل و پنج هزار میگردد .

در هر یک از شهرها و بخشها یکنفر شهردار انجام وظیفه میکند که

با همراهی انجمن شهر منتخب از طرف اهالی و ساکنین شهرستان و یا بخش امور مربوطه را انجام میدهد و موازی با شهرداری شهر بانی تشکیل شده است که امور مربوط بانتظامات را زیر نظر دارد.

اسماً شهر بانی ها تابع استانداران و فرمانداران میباشند اما در عمل اینطور نیست و آنان از رؤسای مافوق خودشان دستور میگیرند زیرا شهرداری و شهر بانی هر دو دارای سازمانهای عالی مرکزی هستند که باید از اواامر و دستورات مرآکر متبع خود تبعیت کنند.

تمام مأمورین عالیرتبه از تهران تعیین میشوند و چون تهرانی هستند طبعاً اهالی محل را بانظر حقارت مینگرن و علاقه ای بحفظ منافع آنها از خود نشان نمیدهند.

مخصوصاً در نواحی زراعتی و دهستان نشین این موضوع کاملاً مشهود است ولی از طرف دیگر بدون شک اعزام مأمورین عالیرتبه و مسئولین ادارات دولتی از تهران برای مبارزه با مفاسد محلی لازم بنظر میآید زیرا ذریک شهرستانی که شهرداری، شهر بانی، آمار و ثبت احوال، ثبت اسناد و سایر ادارات وجود دارند و رئیسی هر یک از طرف وزارت توانه ها و ادارات مختلف کشور تعیین میگردند باید مأمورین محلی نباشند و از مرکز اعزام گردند تمام نظور دولت که همانا پیشرفت امور واستقرار نظم است بهتر عملی گردد.

در نقاط کم جمعیت همانطوری که کتفیم بجای شهر بانی ادارات امنیه وجود دارد که مسئولیت حفظ نظم و امنیت عمومی با آنهاست و تابع انضباط و مقررات نظامی هستند.

افسران و درجه داران و افراد شهر بانی لباس خاکستری رنگ

میپوشند که بی شبهه است به لباس پلیس از گلستان نیست و نیز آنان اسلحه دارند و همیشه مسلحند ولی سلاح آنها کمتر مورد استفاده قرار میگیرد.

یکی از وظایف مهم مأمورین شهر بازی ثبت اسمی سکنه اعم از بیگانه و خودی است که این مأموریت را با کمال جدیت انجام میدهند.

بموجب قانون تابعیت ایران هر کسی که لااقل یکی از والدین او (پدر یا مادر) ایرانی باشند و یا در ایران متولد گردد و همچنین کسانی که در این سرزمین پا بعرصه وجود گذارند و تاریخی داشته باشند بحد بلوغ یعنی سن هیجده سالگی در این کشور اقامت داشته باشند تبعه ایران محسوب میگردند. پنج سال اقامت در ایران برای قبول تابعیت خارجیان کافی است.

هر یک از افراد کشور باید شناسنامه ای که حاکی از تاریخ و محل تولد و سایر احوال شخصیه اوست داشته باشد و آنرا در موقع ورود و خروج به شهرها واقامت در همان خانه ها و گرفتن کار بمحض اینکه احتیاج پیدا شد به طالبه کننده ارائه دهد.

این موضوع یعنی ارائه شناسنامه و ثبت اسمی صرفوظر از اینکه برای کشف جرائم و شناسائی اشخاص عامل مؤثری بشمار میآید باعث و سبب میشود که قانون سربازگیری در سراسر مملکت کاملا اجرا گردد و با این ترتیب بطوری که مشهود است راه گزین برای اشخاصی که بخواهند از زیر بار خدمت نظام وظیفه شانه خالی کنند از هر طرف مسدود میگردد.

خارجیان مقیم کشور ایران دارای پروانه اقامت هستند که بمثزله شناسنامه آنان محسوب میشود و نیز انتقال آنها از جایی بجای دیگر چندان هم آسان نیست و اشکال فراوان دارد و نیز تنها داشتن شناسنامه یا پروانه اقامت برای خود ایرانیان و یا خارجیان کافی نیست و برای لوازم

و اشیاء از قبیل تفنگ، رادیو و دوربین عکسی پروانه‌های جداگانه‌ای لازم است که مقامات مسئول از ساکنین این کشور مطالبد می‌کنند. فن رانندگی که از سالها قبل در ایران معمول گشته آموزشگاه‌های مخصوصی دارد که هر یک از رانندگان باید در این آموزشگاه‌ها مشغول آموختن این فن باشند و پس از آنکه از همه جهت آماده شدند با گذراندن امتحان لازم گواهینامه رانندگی دریافت دارند ولی عجب در اینست که نگاهداری سگ و اتو موبیل پروانه نمیخواهد.

هر تا کسی ویسا سایر وسائل نقلیه عمومی باید قبل از شروع بکار پروانه بگیرد.

بموجب قوانین اصلاحات عمومی و اجتماعی ۱۹۳۱-۲ هرده سال یکبار باید از نفوس کشور سرشماری بعمل آید.

اولین سرشماری کشور ایران در سال آینده صورت خواهد گرفت. سرشماری مقدماتی سال ۱۹۴۰ نشان داد که جمعیت تهران ۵۴۰،۰۸۷ نفر است در صورتیکه بموجب اولین سرشماری که در سال ۱۸۸۳ میلادی صورت گرفت جمعیت تهران ۱۰۶،۴۸۲ نفر و بعد از آن ۱۳۹،۳۱۰ نفر بوده است. طبق سرشماری دقیق که در سال ۱۹۳۲ بعمل آمد نفوس کشور ایران جمماً ۱۵،۰۵۵،۰۰۰ نفر بوده در صورتیکه در اوائل قرن نوزدهم میلادی کشور ایران پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته است.

اما این موضوع راهم نباید از نظر دور داشت که در آن زمان قسمت اعظم (فقاڑیه) و (ترکستان) و (بلوچستان) جزو ایران بوده است.

بارعایت کامل بهداشت عمومی و اجرای خدمات اجتماعی و پیروی از سیاست از دیاد نفوس که با افکار ملی تقویت گردان تظار می‌رود که در ظرف چند سال آینده جمعیت ایران رو با فرایش خواهد گذارد.

چنانکه گنتیم اجرای قوانین بادولت است، تا قبل از روی کارآمدن رضاشاه امور قضائی در محاکم شرع حل و فصل میشد که در نتیجه پیچیدگی مسائل بغير نفع شرعی اختیارات مهمند بدنست مفسرین آن یعنی ملاها داده بود گرچه در همان اوقات قوانین دیگری هم وجود داشت اما از زوی کاغذ تجاوز نمیکرد. در سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ دو اقدام مهم و قابل توجه بعمل آمد که نفوذ شاه در داخل و خارج مملکت علت اصلی این اقدامات بوده است.

اولین اقدام اساسی این بود که بجای قوانین (شرع) از زوی قوانین کشور فرانسه قوانین مدنی و جنائي بوجود آمد و در تعقیب آن بنام اینکه خارجیان تابع احکام محاکم قضائی ایران نیستند سعی و کوشش فراوانی برای ازبین بردن حقوق ویژه بیگانگان بعمل آمد.

اصول امتیازات اجنبي یا حقوق ویژه بیگانگان (Capitulations) از نیمه قرن نوزدهم میلادي در بیشتر کشورها وجود داشته است و در سال ۱۹۲۱ دولت اتحاد جماهیر شوروی از آن حق خود در ایران صرف نظر کرد.

در سال ۱۹۲۸ کشور ایران الغای (امتیازات اجنبي) را رسماً اعلام داشت ابتدا دولت فرانسه و پس از آن دولت بریتانیا (البته برخلاف تمایل خود) بالغای آن موافقت کردند.

در ماه سپتامبر ۱۹۳۹ از روی قوانین کشور ایتالیا مجموعه قوانین جزائی تدوین گردید.

قوانين دادگستری بوسیله دادگاههای بخش، شهرستان و استان اجرا میگردد والبته تمامی این محاکم از دیوانعالی کشور که عالی ترین مرحل قضائی کشور است تبعیت میکنند.

نواقصی که امروزه در دادگستری ایران مشاهده می‌گردد کمتر با روشن و اسلوب قضائی مربوط می‌باشد بلکه بیشتر ناشی از عدم تجربه و عدم صلاحیت قضات ایران است زیرا هنوز هم در آنها تمايلی هست که تحت نفوذ متمولین و صاحبان مقامات عالیه قرار گیرند و نیز موارد دیگری هم از قبیل مقررات مربوط به خریداری مدت حبس در قوانین ایران موجود است که این عمل خود بخود قضات را تشویق می‌کند که از وظایف اصلی خود منحرف گردند.

در مقابل عکس العملی که برای استقرار (امتیازات اجنبي) صورت گرفت تمايل تازه‌ای پدیدآمد که برای بیگانگان حقوقی کمتر از آنچه استحقاق دارند مقرر گردد.

اما اين تمايل را باید نتیجهٔ توقع بيش از حد خارجیان در گذشته دانست و آنکه اثر اين موضوع همین باشد که بیگانگان بر عایت و احترام قوانین کشور و اداره گرددند عمل بسیار بجائی بوده است.

فصل بیست و پنجم

پایه و اساس اقتصادی ایران

(دنیا به مواد خام و محصولات فلاحتی ما احتیاج دارد)

این جمله کفار اعلمی حضرت همایون پادشاه ایران است که در روز سی ام ماه مارس سال ۱۹۴۰ میلادی در موقع افتتاح نمایشگاه کشاورزی شیراز بحاضرین گفته‌است.

کرچه ظاهراً این جمله تا اندازه‌ای اغراق آمیز بنظر میرسد اما پادشاه با کفتن آن میخواست به حاضرین بفهماند که با کشف معادن زیرزمینی و کشت وزرع زمینهای حاصلخیز ایران میتوان کشوری آباد و معمور بوجود آورد و خوانندگان گرامی نباید این موضوع را از نظر دوردارند که این سرزمین در گذشته بیش از هر کشور دیگری در این هورده بخصوص صدمه دیده است زیرا با اینکه یک سوم مساحت خاک پهناور ایران مستعد کشاورزی است مقدار بسیار کمی از این مساحت زراعت میشود و تسا این اوخر شاید بیشتر از یک پنجم زمین‌های قابل زراعت برای انواع محصولات کشاورزی زیر کشت نباشد.

این کار علل و موجبات مختلفی دارد که مهمترین آنها آفت عمومی کشاورزان خاور زمین یعنی بی آبی است.

توجه باین موضوع حیاتی در گذشته باعث موفقیت و سعادت ایران شده ولی غفلت کنونی سبب تیره روزی ایرانیان گشته است.

ما میدانیم که هخامنشیان و ساسانیان در عهد سلطنت خودشان برای آبیاری و پیشرفت امور کشاورزی قدمهای مهمی برداشته بودند که آثار آن تاکنون هم باقیمانده است و در حال حاضر نیز روئیدن علفهای سبز در چشمه‌سارها و دور و بیر جویها و رودخانه‌ها حاصلخیزی و قابلیت خاک را بخوبی نشان میدهد.

طريقه آبیاری زمینهای زراعتی در ایران از قرون وسطی تاکنون این بوده است که جویهای زیر زمینی که قنات نام دارد حفر کنند و از کوهپایه‌ها آب را به زمین های مسطح بیاورند و محصولات خود را با این ترتیب آبیاری کنند.

البته این طریقه برای زارعینی عملی است که تمکن دارند و وضع مالی آنها خوبست.

در صحاری و دشت‌های خوزستان زارعین عرب بامید سیلا بهای بهاری زمین‌های خود را کشت می‌کنند ولی آفتاب سوزان و نیامدن باران در فصل تابستان فقط برای قسمت مختصری از محصولات سفت و سخت قابل تحمل می‌باشد.

خرابی قنوات و آب انبار های ایران قسمتی در اثر وضع و وصول مالیاتها و عوارض بیمورد و غلط و قسمتی هم بواسطه هجوم (مغولان) و (هانزا Huns) و قبایل دیگر وحشی بوده است و در صورتی که تهاجم دیگری در این کشور روی ندهد دلیلی ندارد که ایران نتواند مجدد شهرت حاصلخیزی

خود را بdest آورد.

وجود درخت و جنگلها در تمام نقاط عالم بستگی به آب دارد و بهمین لحاظ جز در کرانه‌های دریای خزر درجهای دیگر ایران درخت بسیار کم است بقسمی که در غالب نقاط این سرزمین یک درخت را برای نشانه گذاردن زمین بکار می‌برند.

تصویر می‌رود که همیشه اوضاع چنین نبوده بلکه زیاده روی در بریدن درختها و قطع اشجار و غفلت در کاشتن آن چنین روزبهی را برای ایرانیان پیش آورده است.

بهر حال یکی از علل بی‌آنیامدن باران در ایران همین کم درختی و نبودن جنگل می‌باشد و اگر جنگل کاری آغاز گردد و اشجار زیاد شود تأثیر فراوانی خواهد داشت.

وسایل کشت و زرع ایران خیلی ساده و مقدماتی است و بهمین جهت محصول کم و در عین حال نامرغوب است زیرا بسیاری از کشاورزان این کشور بادست و یا با گاو آهن که بوسیله الاغ روی زمین کشیده می‌شود زمین راشخم می‌زنند و در هر دو صورت خراش مختصری بر روی زمین وارد می‌سازند. در زمین و دشت‌های همواره ریک از زارعین زمین خود را نشان می‌گذارد و بیشتر این تکه زمین‌ها از چند صد متر مربع تجاوز نمی‌کند.

در کوهستانها در آن قسمتی که خاکش شسته شده و بصورت دره‌ای در آمده است زمین راشخم می‌زنند ولی قسمت دیگری از کوهستان را که دست بالا واقع شده و سنگی است بلا استفاده رها می‌کنند و در نتیجه محصول کم و بد می‌شود.

زمین مرغوب و حاصلخیز غالباً در تصرف ایلات و عشایر می‌باشد اما

آنها که بنا باقتضای فصول چهار گانه سال از جائی بجای دیگر کوچ میکنند فرصت کافی ندارند و در یکجا اقامت نمیکنند که به کشاورزی صحیح دست بزنند.

مالکیت و ترتیب اجاره داری در کشور ایران طوری نیست که به فراوانی محصول کمک کند.

مخارج آبیاری و نگاهداری زمینهای مزرعی بقدرتی سنگین است که بروزگران نمیتوانند از خود زمین داشته باشند و کشت و زرع کنند. مالکین باملاک خود کمتر توجه دارند و ملک داران غالباً از طبقه درباریان و یارؤسای ایلات و عشایر میباشند و یا آنکه زمین مال دولت است و در هر صورت علاقه‌ای با آبادی اهل‌لأ ندارند.

دهاتی مستأجر باید قسمت اعظم محصول خود را بابت سهم مالکانه بمالک بدهد و در بعضی دهات فقط یک پنجم بدحقان میرسد.

طریقه و رویه مالک و مستأجر ایلات و عشایر طور دیگر است و کمتر موجب تشویق مالکیت فردی میباشد بدین معنی که تمام سرزمین ایلات متعلق برئیس ایل یا بهتر بکوئیم ملک (خان) است و فقط او هر سال مقداری از آن زمین‌ها را برای زراعت بین خانواده‌ای مختلف تقسیم میکند و هیچگونه دلیل و مجوزی موجود نیست که خانواده‌ای حتی مدت دوسال متوالی یک زمین را برای زراعت در اختیار داشته باشد.

این وضع تاکنون در میان ایلات و عشایر معمول و متداول است ولی خوشبختانه بزودی منسون شده و برای ابد از بین میرود.

دولت جدید ایران این موضوع و نظایر آنرا جداً تحت مطالعه قرار داده و برای اصلاح اینگونه امور مشغول فعالیت است.

در ابتدا سعی میشد شهرها را آباد و معمور ساخته و کشاورزی را از میان بردارند (باید دانست که این عمل در غالب کشورهای فوق العاده صنعتی هم مقدور نیست) و با این سبب اصلاحات مهمی در امور فلاحتی صورت نگرفت ولی کم کم متوجه اصلاح کشاورزی شدند و در این راه کوشش فراوانی بعمل میآورند.

توجه مخصوص دولت بامور کشت وزرع از آنجام شهد است که ایلات و عشایر را وادار ساخته‌اند در نقاط معینی اقامت کنند کرچه دهاتی که به آنان واگذار شده چندان هم حاصلخیز نیست اما بهر صورت از آنچه قبل داشته‌اند بمراتب بهتر است.

با رویه‌ای که دولت در پیش گرفته است مسوء استفاده از اراضی و بدون استفاده گذاردن آن تعديل شده و قسمت عمده‌ای از املاک دولتی یعنی املاک خالصه را تقسیم کرده‌اند و بطور کلی میتوان گفت با اقدامات مؤثری که بعمل آمده زمین‌های حاصلخیز کشور از وضع تباہ سابق رهائی یافته است.

در سال ۱۹۳۱ املاک متعلق باتباع خارجی با وسائل مقتضی از دستشان درآمد و اکنون هیچیک از افراد بیگانه نمیتوانند زمین و یا اموال غیر منقول دیگری در ایران داشته باشد مگر آنکه محلی برای سکونت و یا اشتغال بکار خویش مالک شود.

مقررات عاقلانه و عادلانه‌ای برای ثبت اراضی و املاک وضع گردیده است.

عقیده عمومی برآنست که مالکیت انفرادی و شخصی سبب آبادی اراضی و فراوانی محصول میباشد (این عقیده در بعضی از نقاط با عمل ایرانیان

منافات دارد) و بهمین جهت قسمت عمده‌ای از املاک خالصه را فروخته‌اندو اخیراً بمحض قانونی که گذرانده‌اند دولت مجاز است اراضی و قنوات موقوفه را بفروشد و یا خود بقیمت عادله قبول کند و درآمد حاصله‌را برای مصارف مدارس و بیمارستانها و نگاهداری اماکن باستانی و تاریخی اختصاص دهد. محصول گندم ایران سالیانه دو میلیون تن است که از کشت وزرع بیش از دو میلیون و پانصد هزار جریب^(۱) اراضی مزروعی آذربایجان، خراسان، اصفهان، خوزستان و کرمانشاه بدست می‌آید.

از یک میلیون و پانصد هزار جریب در حدود هفت‌صد و پنجاه هزار تن جو عاید می‌گردد که قسمت عمده آنرا به حیوانات اهلی میدهند. محصول برنج بطورکلی در دامنه البرز و نواحی کیلان و مازندران بعمل می‌آید و در چهارصد هزار جریب اراضی ایران برنج کشت می‌شود که پانصد هزار تن محصول میدهد.

محصولات دیگر ایران عبارتست از ذرت، ارزن، نخود، لوبیا و عدس. در اطراف اصفهان و سایر نقاط ایران مقدار زیادی میوه مانند: هندوانه، خربزه، پرقال، انار و درجنوب غربی خرما بدست می‌آید. تریاک محصول عمده ایران است ولی از سال ۱۹۳۱ بعده کشت و صدور آن طبق دستور جامعه ملل تحت نظارت دقیق درآمده است.^(۲) آمار صحیحی که محصول تریاک ایران را نشان دهد در دست نیست ولی چنین استنباط می‌شود که محصول سالیانه تریاک این کشور پنج هزار تن باشد که دو هزار تن آن هرساله به کشورهای مالایا، چین، آلمان و ژاپن صادر می‌گردد.

۱ - هر جریب فرنگی برابر است با ۴۳۵۶۰ پای مربع. (ترجم)
۲ - بمحض قوانین مصوبه کشت و استعمال تریاک در کشور ایران منوع گردیده و مجازات اعدام برای قاچاقچیان و کشت کاران خشخاش معین گشته است. (ترجم)

میوه‌های خشک و مغزهای گوناگون از قبیل (مغز پسته، بادام، گردو و فندق) صمغ‌ها، رنگها، الوار، ماهی خاویار دریایی خزر و خلیج فارس جزو سایر محصولات ایران است.

دوم محصول تازه دیگر در این سرزمین رواج یافته اند که عبارتنداز توتون و چای.

توتون و تنباکو در انحصار دولت است و محصول آن روز بروز افزایش میابد.

برای ترقی و پیشرفت امور کشت وزرع توتون و تنباکو دولت ایران عده‌ای کارشناس یونانی استخدام کرد.

ایران امیدوار است که محصول چای آن باندازه‌ای زیاد شود که مصرف داخلی کشور تأمین گردد و دیگر به وارد کردن چای از کشورهای هندوستان و هند هنلند شرقی و زاپون و سیلان نیازی نباشد. هم اکنون ششصد هزار کیلو گرام چای محصول ایران است که در لاهیجان کشت و زرع میشود.

در ابتدای امر برای ساختن چای کارشناسان چینی در لاهیجان مشغول کار شدند ولی در سال ۱۹۳۶ یکنفر تاجر آلمانی در آنجا کارخانه چای خشک کنی دایر کرد. کشت پنبه هم روز افزایش میابد زیرا این محصول هم در داخله کشور معرف دارد و هم بکشورهای خارجی صادر میگردد و در حال حاضر نظر آنست که از زرود پنبه جلو کیری شود.

سعی و کوشش فراوانی برای کشت چغندر قند و تجدید ابریشم کاری در ایران بکار می‌رود.

شراب‌های ایران همیشه معروف بوده و اخیراً با نوع مختلف شراب

میسازند و بیشتر از نوع شرایب‌های اروپائی مانند (ورموت) و (کلارت) وغیره تقلید میکنند.

گیاه‌های مخصوصی برای تهیه آججوي کوارا در ایران وجود دارد. چون در ایران گوشت مصرف زیادی ندارد از این‌رو به کلمه‌داری و پرورش اغنام و احشام اهمیت چندانی نمیدهدند در صورتیکه پشم یکی از صادرات عمدۀ این این کشور در گذشته بوده است.

هر چند هنوز در اثر بدی توزیع خوار بار گرفتاریهای وجود دارد ولی اخیراً نظارت دقیقی در این باره بعمل می‌آید.

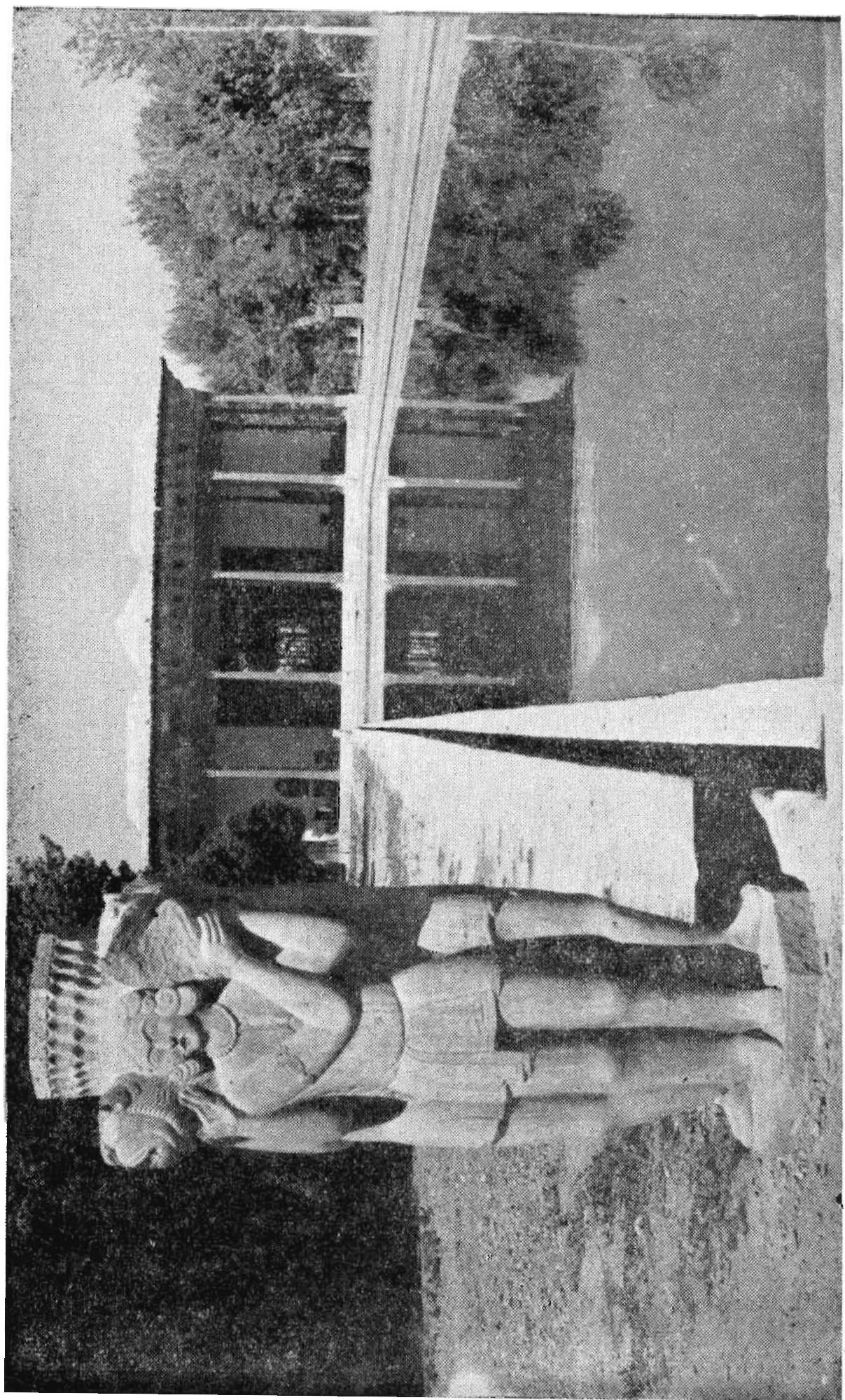
نقشه‌های وسیع و پردازنهای برای آبیاری در دست عمل است که از آنجمله خشکانیدن با طلاق (خار گرد) نزدیک اصفهان میباشد و یک ساختمان سدی در نزدیکی اهواز است که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره هزینه دارد و در صورتی که این سد عظیم ساخته شود چهار صدمیل مربع از اراضی با ایر را آب میدهد و باشد بیست (ده) آباد و معمور برای کشت و زرع زمین‌های مزروعی در آن نقاط احداث گردد.

برای انبار کردن و نگاهداری گندم در سال ۱۹۳۶ تصمیم گرفته شد که هفت سیلو در شهرهای بزرگ: تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، کرمانشاه، اهواز و شیراز ساخته شود.

اولین سیلوئی که در تهران بنا گردید در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ پایان یافت و هفتصد هزار لیره برای بنا و خرید ماشین آلات آن بمصرف رسید.

سال گذشته (۱۹۴۰ میلادی) بموجب مقررات خاصی نرخ غله در سراسر کشور تثبیت شد و با اجرای این مقررات اطمینان حاصل گردید

اصفهان - قصر چهل ستون از آثار صفویه



٢٥٤

که محصول غله در هر یک از نواحی مملکت که بدست آمده در همانجا فروخته میشود و محصول غله جمع آوری شده هر استانی برای آذوقه مردم آن استان در نزد دیکترین سیلوونگاها داری میگردد.

نرخ غلات را از نظر خوبی یا بدی جنس تعیین نمیکنند و همچنین هزینه مصرف شده از طرفه زارع راهم مورد توجه قرار نمیدهند بلکه در تعیین نرخ غله سطح زندگانی اهالی ناحیه‌ای را که غله در آن ناحیه کشت شده است رعایت میکنند.^(۱)

در سال ۱۹۳۰ بانک کشاورزی تحت نظارت کامل دولت تأسیس گردید تاباسود ارزان و مدت طولانی به کشاورزان وام بدهد.

۱ - بعد از وقایع شهر یورمه ۱۳۲۰ اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی پادشاه دموکرات ایران که از اوضاع کشورهای جهان اطلاع کاملی دارند دستورات مؤکدی صادر کردند و بدولت تأکید فرمودند که در نقاط مختلف به احداث سدها برای آبیاری زمین‌های مستعد کشور اقدام کند و تا کنون در چند نقطه از مملکت سدهای بسیار مهمن و معظمی احداث شده است که از آنجمله سد کرج و کوهرنگ و سفید رود و گلپایگان را میتوان نام برد. (مترجم)

فصل بیست و ششم

کشاورزی و راهسازی

در چند سال اخیر چندین آموزشگاه کشاورزی و مزارع نمونه در نقاط مختلف کشور دایر شده است که مهمترین آنها مزارع نمونه لاهیجان و شادگان خوزستان و همچنین آموزشگاه جنگلبانی «خارکون مازندران» میباشد.

مأمورین مخصوصی با اکیپ های مجهز برای مبارزه با ملنخ در نواحی مختلف کشور مشغول انجام وظیفه‌اند و درباره مبارزه با آفات نباتی با نمایندگان شوروی مذاکره میکنند و با راهنمائی آنان وظایف خود را انجام میدهند.

تمامی این فعالیت‌ها زیر نظر و تحت کنترل دقیق اداره کل کشاورزی انجام میابد که در سال جاری یک میلیون و پانصد هزار لیره بودجه آنست. برنامه وسیع کشاورزی پنج ساله ای از سال ۱۹۴۰ در ایران به مرحله اجرا گذارده شد که طبق آن باید محصولات حبوبات به پانصد هزار تن افزایش یابد و از پنجاه تادویست درصد به محصول : چای، شکر، چغندر، کنفوکتان اضافه گردد و همچنین ترویج کشت کیاههای مفید و از دیادوسائل

سهول و آسان آبیاری و آوردن گوسفند مرینو (Merino) و پیوندنزدن آن باز از گوسفندان بومی و توسعه درختکاری جزء این برنامه است.

از نظر واقع شدن مردم به ارزش و اهمیت این کار و تشویق آنان بعمران و آبادی کشور چند سال است که در روز پانزدهم ماه مارس^(۱) جشن درختکاری برپا میشود.

پیش از آنکه صنعت و کشاورزی کشور ترقی و توسعه یابد لازم است که باربری و حمل و نقل مناسبی در سرتاسر مملکت بوجود آید.

متأسفانه تا سال ۱۹۲۱ کشور ایران در این قسمت خیلی عقب افتاده بود.

در فصول قبلی باطلاع خواستند گان گرامی رساندیم که چگونه و با چه ترتیب مفسد جوئی و دخالت های ناروایی دول بزرگ مانع احداث جاده ها و ساختمان راه آهن در ایران گردید و چون جاده های شوشه در این سرزمین وجود نداشت حمل و نقل مسافرین و کالاهای بازرگانان بوسیله حیوانات کند رویعنی کاروان شتروفااطر صورت میگرفت که در روی جاده های ناهموار حداکثر روزی ده تا پانزده میل راه می پیمودند.

راههای ارابه رو خیلی کم و محدود بودحتی زاهی که از آن ماشین - های سنگین هم عبور کنند بندرت یافت میشد و همان راههای محدود و غیر شوشه هم در فصل زمستان در اثر برف و در فصل بهار در اثر باران و سیلاب بسته میشد و بعلت وجود همین هوانع و مشکلات بود که مسافت ۷۴۰ میل از تهران تا بوشهر دو تا سه ماه طول میکشید که همین راه امروز در

۱ - روز پانزدهم ماه مارس مساوی است با روز پانزدهم اسفند ماه . (ترجم)

عرض سه تا چهار روز طی میشود البته هزینه مسافرت‌های قبلی که دو تا سه ماه طول داشت بمراتب زیادتر از مخارج مسافرت فعلی است. در سال ۱۹۲۰ راههای شوسه‌ایران عبارت بود از راه همدان به انزلی^(۱) که از شهر قزوین میگذشت و رو سه آفریساخته بودند و دیگری راهی بود که از همدان به کرمانشاه و کشور عراق میرفت که بدست ارشن بریتانیا ساخته شده بود.

قزوین و تبریز را راه غیر شوشهای بهم متصل نمیکرد و همچنین راههای غیر شوسه دیگری هم وجود داشت که تهران پایتخت کشور ایران را بشهرهای اصفهان، شیراز، بوشهر، مشهد، کرمان، قزوین و سلطان‌آباد یعنی ارakk فعلی متصل نمینمود.

رویه معرفته در سراسر مملکت در حدود دوهزار میل راه قابل استفاده وجود داشت ولی باید دانست که این راهها هم بیشتر بمنظور استفاده‌های اقتصادی احداث شده بود و ساختن آنها از این نظر نبود که خطوط ارتباطی کشور را بوجود آورده باشند.

چنان‌که بعضی از آن جاده‌ها در جنگ ۱۸ - ۱۹۱۴ ساختند. میخواستند جاده دیگری هم از اصفهان به اهواز بسازند اما اینکار عملی نشد و چند سال قبل یک هیئت روسی برای بازدید آن راه رفت. رژیم جدید با فعالیت زیادی ساختن و اصلاح راهها و جاده‌ها را شروع کرد و بدین‌هی است هدف اصلی در انجام منظور مذکور منافع بین - المللی نبود بلکه یک نظر خاص ملی داشتند و میخواستند که از رابط بودن شوروی بین ایران و اروپا آسوده و راحت گردد.

اکنون چندین جاده شوشه از تهران به نقاط مختلف کرانه دریای

۱ - بندر پهلوی فعلی در سابق انزلی خوانده میشود. (متترجم)

خزر احداث شده است که از آنجمله راعی است که از کوههای شمالی میگذرد و به چالوس میرود.

مناظر مسیر این جاده بسیار زیبا و دلنشیست و ۹۳۸۴ پا از سطح دریا ارتفاع دارد.

در این جاده تونلهای متعددی ساخته‌اند تا در فصل زمستان راه با واسطه باریدن برف و نزول بهمن مسدود نگردد.

راههای تهران به اصفهان و بوشهر در تمام فصول سال قابل استفاده است و همچنین در راههای از اصفهان به یزد و کرمان و بندر عباس که یکی از بنادر خلیج فارس میباشد در تمام مدت سال ایاب و ذهاب میشود. جاده‌های شوسمه خوب دیگری هم ارakk را به اعوام و مشهد را بهزاده‌ان متصل میسازد. یک رشته راه آهن هندوستان از کوتتا (Quetta) بخواهی ایران می‌آید.

جاده شوسمه دیگری هم بین شیراز و کرمان احداث شده است.

شهر تبریز بموصل که یکی از شهرهای کشور عراق است متصل میگردد و همچنین به طرابوزان در کشور ترکیه میپیوندد.

از اینها گذشته راههای فرعی دیگری هم در کشور ایران وجود دارند که باراههای شوسمه سرتاسری مدنگور مسافت آنها جمعاً بیانزده هزار میل میرسد. تعداد زیادی از این راهها از میان کوهستان میگذرند که بیش از پنج هزار پل برای عبور آنها ساخته شده است و همچنین تعدادی از همین جاده‌ها از وسط صحاری میگذرند که بعضی از آنها خیلی باریک هستند بطوریکه در فصل زمستان و بهار قابل عبور نمیباشند اما در فصل تابستان صاف و محکمند.

هم اکنون در ایران راهسازی با جدیت هرچه تمامتر ادامه دارد.

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۹ پایان ساخته مان راهی را اسلام داشتند که از شاهرو آغاز میگردد و از کوهستان البرز گذشته و گرگان را که یکی از شهرهای استان دریای خزر است به خراسان وصل میکند طول این راه ۱۲۵ میل و عرض آن ۲۶ پا است. نظر آنست که هرسالی هزار میل راه بسازند، راه سازی با وزارت راه است مسئولیت احداث بنادر و راه آهن هم با همین وزارت ت鹺ه میباشد. راههای عمومی کشور تماماً با تعیین مسافت بکیلومتر علامت گذاری شده است بطور یکه مسافت مبدأ و مقصد را میتوان باسانی دریافت. معمولاً در این راهها کامیونهای کار میکنند که متعلق با شخصی و شرکت‌های کوچک هستند. بار آنها انواع و اقسام اجنباس و کالاهای تجارتی است و اغلب اوقات بیش از مقدار ظرفیت بارحمل میکنند.

در حدود بیست و پنج هزار کامیون و اتوموبیل از انواع مختلف در ایران یافته میشود.

سالی دوازده میلیون نفر از اهالی ایران بنقطه مختلف کشور مسافرت میکنند.

این مسافرین غالباً با کامیون و اتوبوس و آنها یکه قدری متمول هستند با ماشینهای سواری بمسافرت میروند.

آماری که اکنون بنظر خوانندگان گرامی میرسد وضع کرایه ماشین را بخوبی روشن میسازد.

در سال ۱۹۳۹ کرایه یک ماشین سواری در بست از قرار هر میلی دو ریال و نیم (هفت پنس و نیم) بود و هر مسافری میتوانست برای مسافرت با ماشین سواری کرایه‌ای بقرار هر میل یک ریال تا نیم ریال (سه پنس تا یک پنس و نیم) پردازد.

کرایه مسافرت بـ کامیون هر میلیک سوم ریال (یک پنس) و اتو بوس هر میلیک ششم ریال (نیم پنس) بوده است.

مسافرت در ایران با وسائل درجه اول آسان و باقیه وسائل ناراحت است اما در حال حاضر بیشتر جاده های شوشه خوب شده و در میان راهها قهقهه خانه هائی وجود دارند که برای رفاه و آسایش مسافرین کمک بزرگی بشماره می آیند.

تمام وسائل نقلیه موتو ری کرایه ای قبل از حرکت در شهر بانی مورد معاینه واقع میگردند و با آنها اجازه عبور که بمنزله کواهینامه است داده می شود.

کفرهای بسیار سختی برای مسیبین تصادف بین راه تعیین شده است و در صورتی که در اثر تصادف کسی هم بقتل بر سد مر تکب به اشد مجازات محکوم میگردد.

اغلب رانندگان کامیونها و اتو بوسها و سایر ماشینهای مسافر بری ایران در کار خود مهارت دارند بطوريکه میتوانند ماشینهای پر بار و پر مسافر خودشان را از راههای تنگ و پرتگاههای کوهستانی و صحراء های آب افتاده عبور دهند.

رانندگان ایرانی باید علاوه بر راندن ماشینهای خود در امور تعمیر موتو رهم تخصص داشته باشند و همه نوع لوازم ید کی همراه ببرند زیرا کارازهای بین راه برای تعمیر ماشینها مجهز نیستند.

مهمانخانه های ایران در اغلب نقاط کشور بحال ابتدائی باقیمانده اند و بهترین آنها در تهران و اصفهان و سایر شهرهای بزرگ نظیر آنها میباشند. مهمانخانه های ایران عبارتست از حیاطی که دور تا دور آنرا چند

اطاق (غالباً بی پنجره) ساخته‌اند و فاقد عادی ترین وسایل بهداشتی می‌باشد و این مهمناخانه‌ها عموماً نظیر خانه‌های مردم ایران هستند.

مهمان نوازی از خصائص خاص وقابل ستایش ایرانیان است بطوریکه حتی در کوچکترین و پست‌ترین دهات ایران میتوان باسانی جا و نان بدست آورد.

در واقع شرایط و مقررات خاصی برای سیاحان و جهانگردان وجود ندارد.

مؤسسه ایران تور که بمنظور کمک و تهیه وسایل آسایش سیاحان تأسیس شده است چند مهمناخانه و گاراژ دارد اما هیچ‌گاه مجبور نیست که بدلخواه مسافرین عمل کند.

آن دسته‌های سیار راهنمایان - گدایان - فروشنده‌گان یادگاریها که در سایر کشورهای شرقی هستند و بمحض دیدن سیاحان خارجی یکباره با آنان هجوم می‌کنند در کشور ایران وجود ندارند ولی بطورکلی ایرانیان تا کنون در فن جلب سیاحان و مسافرین خارجی تخصصی پیدا نکرده‌اند.



فصل پیشتر و هفتم

راه آهن ایران

تا دو سه سال پیش حرکت بازار آهن در نقشه مسافرین ایران وجود نداشت ولی در حال حاضر راه آهن جای بسیاری از راههای شوسه را که در ابتدای استقرار رژیم کتونی ساخته شده اند گرفته است.

در حقیقت قبل از سال ۱۹۱۴ نقشه ساختمان راه آهن که مدت زیادی در افرادی به عای بین المللی بتعویق افتاده بود مورد توجه قرار گرفت اما حدوث جنگ اول جهانی اجرای آنرا بتأخیر انداخت بطوریکه در سال ۱۹۲۱ تنها راه آهن های ایران عبارت بود از یک رشته راه آهن بمسافت هفتاد و پنج میل که از جلفا سرحد روی شوروی تا تبریز می‌آمد و دیگری خط فرعی همان راه که از شرفخانه تا دریاچه ارومیه^(۱) میرفت و بیست و پنج میل طول آن بود و نیز خط پنجاه و دومیلی دنباله راه آهن جنوب غربی هندوستان که از نوک کوندی (Nok Kundi) شروع شده و به زاهدان میرسید (از سال ۱۹۳۱ تا کنون ترن روی این خط حرکت نکرده است) و سه راه آهن کوچک محلی که اولی بطول پنج میل و نیم از تهران به شاه

۱ - منظور نویسنده کتاب دریاچه رضائیه بوده است. (متترجم)

عبدالعظیم دومی بطول هفت میل ازدشت به پیر و زار و سومی راه آهن کم عرض شرکت نفت ایران و انگلیس که از در خزینه شروع شده و به مسجد سلیمان میرفت و طول آن چهل و سه میل بود.

برای احداث راه آهن دونقشه اساسی کشیده شد که اولی عبارت بود از ساختمان يك راه آهن سرتاسری و باشرکت کشورهای روسیه و هندوستان طرح شده بود و در صورتی که این نقشه اجرا میشد يك رشته راه آهن از باکو به تهران و از تهران به کراچی میرفت و نیز رشته دیگری از تفلیس به تبریز و از تبریز به تهران و مشهد کشیده میشد البته این نقشه را دولت روسیه طرح کرده بود و اصرار داشت که به مرحله اجرا درآید و دومی نقشه‌ای بود که بموجب آن راه آهن ماوراء اروپا به عراق و ایران متصل میگشت بدین معنی که این راه آهن از اروپا به بغداد از بغداد به تهران میآمد.

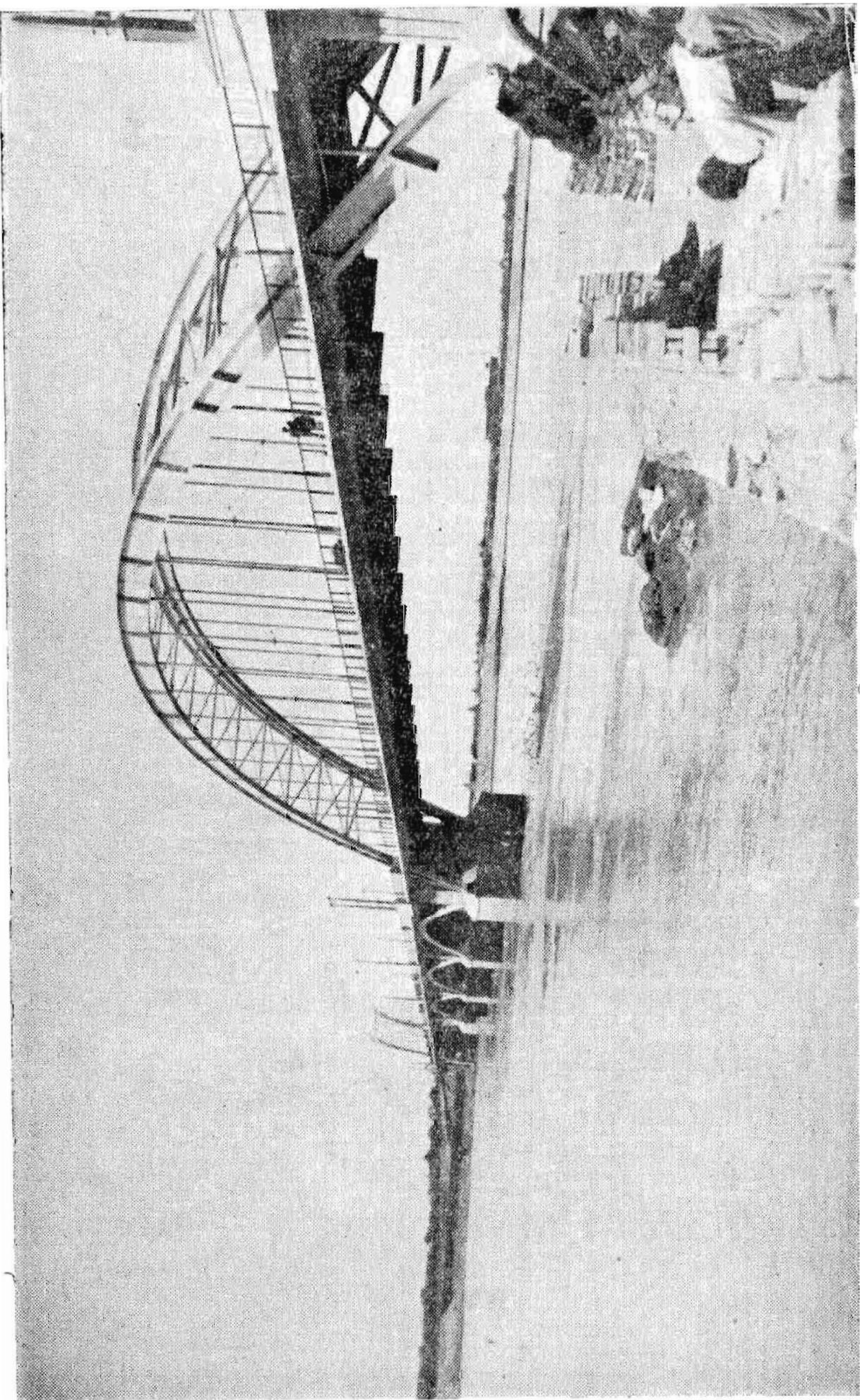
البته در ابتدای امر این نقشه را آلمانیها طرح کردند و بعد از آن مورد علاقه بریتانیا هم واقع گردید.

وقتی که شاه تصمیم گرفت نقشه ساختمان راه آهن سرتاسری را خود بدون کمک کشورهای دیگر طرح نموده به مرحله اجرا در آورد دولتهای بزرگ اروپا بلکه مأیوس گشتند و در حقیقت تا پانزده سال بعد که ساختمان راه آهن سرتاسری ایران تکمیل گردید سیل انتقاد از خارج بطرف ایران سرآزین بود.

در واقع راه آهن فعلی ایران روی همان نقشه است که بیست سال قبل از آن مهندسین انگلیسی پیشنهاد کرده بودند و عملا هم در ساختمان قسمتی از آن نظارت داشتند.

فرق کلی آنست که راه آهن ایران از جنوب شروع میگردد ولی نه

اهواز : بیل کارون



از خرمشهر و همان بهتر که از خرمشهر شروع نشد زیرا این بندر چهل میل با خلیج فاصله دارد و در مقابل بندر جدید شاهپور که بتازگی احداث شده است در کنار خلیج جائی واقع گردیده است که بزرگترین کشتی‌ها هم میتوانند در آنجا پهلو بگیرند.

راه آهن سرتاسری ایران از بندرشاهپور شروع میگردد و به راه آهن ترکیه شباهت زیادی دارد بدین معنی که نه بباریکی راه آهن عراق و نه به پهنه راه آهن‌های سوری و هندوستان است.

این راه آهن از دشت خوزستان و کنار رودکارون از ارتفاع پانزده پائی میگذرد (این ارتفاع برای آنست که خطوط آهن از سیلاپ و طغیان رودخانه محفوظ باشد) و به اهواز میرسد در آنجا بوسیله یک پل فولادی که سه هزار و چهار صد پا طول دارد از روی رودکارون عبور میکند و از وسط تپه‌های کوتاهی به اندیمشک که قبلاصالح آباد نامیده میشد متصل میگردد و در بین راه درایستگاه کوچک‌شوش که بقایای تأثیر آوجلال و عظمت ایران در گذشته است توقف میکند و از این نقطه که در حدود پانصد پا از سطح دریا ارتفاع دارد با سرعت بالامیرود و پس از آنکه کمتر از یک‌صد میل در میان مناظر زیبا و دیدنی پیچ میخورد در مرتفعترین نقطه که هفت‌هزار و دویست پا ارتفاع آنست میایستد. تنها در همین ناحیه بیش از ۱۲۷ تونل وجود دارد که طول یکی از آنها یک میل و نیم است.

راه آهن از شهرهای خرمآباد و بروجرد و همدان که خارج از حدود خط سیر واقع شده‌اند نمیگذرد بلکه مستقیماً به اراک که قبلاصلطان آباد نام داشت میرود و پس از طی دشت‌های مرتفع هموار کم کم بطرف قمرسرازیر میشود و از آنجا به تهران میرسد.

شهر تهران ۴۱۶۷ پا از سطح دریا ارتفاع دارد و مسافت آن با راه آهن
تابندر شاهپور ۶۰۷ میل است.

ناحیه راه آهن شمال ابتدا مسیر جنوب خاوری را طی میکند و پس
از آن پیچ میخورد و بطرف شمال شرقی منحرف میگردد و از کنار شمالی
صحرای نمک میگذرد و از کوهها بالامیرود و بقلهٔ فیروز کوه میرسد که هفت
هزار پا ارتفاع آنست و با تهران ۱۲۲ میل فاصله دارد آنگاه از میان مناظر
زیبائی که در تمام جهان نظر ندارد رو بسرازیری میرود بطوریکه در بعضی
از جاهای ممکن است سه سطح راه آهن را مشاهده کرد که رویهم واقع شده‌اند.
باید دانست که این راه آهن را برای آن پیچ در پیچ درست کرده‌اند
که سرآشیبی تند ۲۸،۱۰۰ درجه چندان اثری نداشته باشد بعلاوه در
انتهای هر یک از پیچ‌ها توپل دوری از میان سنگ‌های بسیار سخت (صخره)
کنده‌اند که شعاع آن کمتر از ۷۲۰ پانیست.

توضیحاتی که داده شد بخوبی می‌ساند که در ساختن راه آهن شمالی
ایران فکر و نقشهٔ جدید بکاررفته است.

در این ناحیه هشتاد و هشت توپل بزرگ و کوچک (یکی از توپل
ها ۹۴۵۰ پا) و یکصد و هشت پل ساخته‌اند. در مسافتی که کلاع میتواند
بیست میل بپرداز ۴۵۰۰ پا سرآزیری تندرا می‌پیماید.

از این راه سرآشیبی که چهل میل طول دارد ترن در هر ساعت بیست
میل راه را طی میکند.

قطار پس از عبور از پل سفید که با تهران ۱۷۶ میل مسافت دارد
متدرجاً وارد همواری‌های دره‌تلار میگردد و بطرف دشت‌های مسطح سواحل
دریای خزر می‌رود.

از شاهی تا بندرشاه جلکه مسطح است و ترن ۲۸۵ میل راه بین تهران و بندرشاه را در مدت سیزده ساعت می پیماید و بمقصد میرسد.

در بین راه و در فاصله ده میلی برای توقف ترن ایستگاه ساخته اندو بهترین ایستگاه های راه آهن ایران در تهران ساخته شده که گنجایش زیادی برای توقف و عبور و مرور قطارها دارد.

اولین قدم عملی برای ساختمان راه آهن در ماه مه سال ۱۹۲۵ میلادی برداشته شد و مقرر گردید که هزینه ساختمان آن از مالیات قند و شکر و چای تأمین گردد و با این ترتیب کمکی از خارجیان نخواستند و از قرض کردن بی نیاز شدند (البته این رویه دولت ایران منابع مالی بین المللی را ناراضی ساخت).

در ماه مارس سال ۱۹۲۶ مجلس شورای ملی مالیات قند و شکر و چای را تصویب کرد و روز هفدهم ماه اکتبر سال ۱۹۲۷ عملیات ساختمان راه آهن سرتاسری ایران از دو طرف آغاز گردید.

عملیات ساختمانی راه آهن رامهندسین امریکائی و یکنفر کارشناس آلمانی که دولت آنان را استخدام کرده بود شروع نمودند ولنی در ماه آوریل سال ۱۹۲۸ آنرا به سندیکائی واکذار کردند که از شرکت امریکائی اولن و شرکاء (Ulen And Co) و شرکت های آلمانی فیلیپ هولتزمان -

(Philip Holtzmann) و جولبوس برگر (Julius Berger) و زیمنس بوو (Siemens Bou) تشکیل می یافتد.

آلمانی ها در ماه نوامبر سال ۱۹۲۹ در شمال ساختمان هشتاد میل راه آهن بین ساری و بندرشاه را با تمام رسانیدن و همان موقع امریکائی ها هم در جنوب ۱۵۶ میل راه بین بندر شاهپور و دزفول را ساختند.

کرچه بعد از آن کار ساختمان راه آهن، قدری متوقف ماند اما در سال ۱۹۳۱ دولت ایران با جدیت تمامی مجدداً دنباله عملیات قبلی را تعقیب کرد و خود مشغول ساختن راه آهن شد. در سال ۱۹۳۳ قراردادی با یک سندیکای اسکاندیناوی (Scandinavian) بنام کنسرسیوم کامپساکس - (Consortium Kampsax) منعقد گردید و ساختمان راه آهن ایران با آن کنسرسیوم واگذار شد (این سندیکا سابقاً پل سازی و راه سازی در ایران داشت). کامپساکس هم ساختمان راه را بقطعات مختلفی تقسیم کرد و آن قطعات را بشرکتهای اروپائی واگذار نمود که یکی از سخت ترین و مشکل ترین قطعات را هم شرکت انگلیسی ریچارد کاستین (Richard - Costain) برداشت. در ضمن شرکتهای ایتالیائی آنجیولینی (Mottura-Zaccheo) و موتورا زاکچو (Angiolini-Balocca) و شرکتهای بلژیکی و سوئیسی و چک اسلواکی و چند شرکت دیگر هم قطعاتی برداشتند.

مصالح ساختمان راه آهن ایران از کشورهای مختلف خریداری و با آن کشور آورده شد که این موضوع هم بجای خود جالب توجه است که اکنون بشرح آن میپردازیم.

فولادهای مخصوص ریل و مقداری سیمان از روسیه سوروی آورده شد.

ریلهای تمام خطوط را از استرالیا وارد کردند.

لکوموتیوهای نفت سوزاز کشور سوئیس خریداری شد.

سایر ماشین آلات و لوازم مورد احتیاج را از کشورهای بلژیک و آلمان و ایالات متحده امریکا خریداری کردند.

مقدار زیادی سیمان هم از کشورهای ژاپن و یوگسلاوی آمدوبا این ترتیب
مصالحی که مورد نیاز بود هر یک را از گوشهای از جهان به ایران آوردند .
ایستگاه راه آهن تهران را یک شرکت سوئیسی بنام سافیتک
(Sofitec) ساخته است .

کار با سرعت هرچه تمامتر پیش میرفت روز نوزدهم ماه فوریه سال
۱۹۳۷ اولین قطار راه آهن از بندرشاه به تهران رسید و در ماه نوامبر همان
سال قم به تهران پایتخت ایران وصل شد و روز بیست و سوم ماه ژوئن سال
۱۹۳۸ ترن بهاراک رسید و بالاخره روز بیست و چهارم ماه اوت سال
اعلیحضرت رضا شاه آخرین ریلی را که شمال و جنوب کشور را باهم متصل
می کرد با دست خود در کوههای بین اراک و خرم آباد کار کذاres .

اولین قطار سر تاسری تهران - اهواز روز بیست و سوم ماه دسامبر از
ایستگاه مرکزی بطرف مقصد روان شدو با این ترتیب پس از میازده سال
کار و رحمت و پرداخت سی میلیون لیره مخارج ساختمانی و لوازمات دیگر
نقشه عظیم ساختمان راه آهن سر تاسری ایران انجام پذیرفت و شاید این اولین
بار است که از قرون وسطی تا کنون یک کشور شرقی توانست بدون اسقطر ارض
از منابع مالی غرب چنین نقشه بزرگ و پر خرجی را عملی سازد .

در اروپا از راه آهن ایران بعنوان گوناگون انتقاد کردند اما کمتر
کسی است که این گونه تنقیدات را بی نظر تلقی کند ولذا در این مورد هم
نظر منتقدین غرض آسود بوده است .

باید دانست که راه آهن کنونی ایران برای رشتہ ارتباط بین المللی
فایده ای ندارد اما نمیتوان ایرانیان را ملامت کرد که چرا باداشتن چنین
راه آهنی که تا این حد توسعه و ترقی یافته است نمیخواهند پل توسعه و

اتصال راه آهن اروپائیان گردند.

منظور اصلی از ساختن این راه آهن رعایت جنبه سوق الجیشی و نظامی است که قادر باشد با آن در موقع مقتضی از مازندران و تهران فشون و مهمات به جنوب برساند.

دو طرف انتهای شمالی و جنوبی راه آهن ایران یعنی بندر شاه و بندر شاهپور کمتر از بندر پهلوی و خرمشهر تحت نفوذ انگلیسی‌ها و روسها می‌باشد. از نظر اقتصادی هم ارتباط استان‌های شمالی و جنوبی ایران قابل توجه بوده و اهمیت دارد زیرا محصولات عمده مازندران با راه آهن بتمام شهرهای جنوبی حمل می‌گردد و در دسترس اهالی کشور قرار می‌گیرد و در مقابل استان‌های کرانه خزر آنقدرها احتیاج به بازارهای روسیه شوزوی ندارند.

بعضی‌ها می‌گویند اصولاً راه آهن با وجود وسائل نقلیه عمومی از قبیل کامیون و اتوبوس فایده‌ای ندارد و مخصوصاً این راه آهن قادر نیست مخارج سازمان‌های خودش را تأمین کند ولی باید دانست کروه اول که تصور می‌کنند راه آهن بیفایده است آن‌هایی هستند که درباره راه و باربری اطلاع چندانی ندارند زیرا هر قدر راه هموار و کامیون قوی و پر زور باشد نمیتواند محمولات سنگین را از گردنگ کوههای البرز وزاگراس عبور دهد و فقط راه آهن قادر بانجام این وظیفه مهم است.

اما راجع بدخل و خرج و امور مالی آن اطلاع از وضع راه آهن انگلستان و اینکه چگونه آن کشور در اثر تماسک بفرضیه راهسازی و کامیون-رانی و محتاج نبودن برآه آهن در آغاز جنگ دچار خسارت گشت بهترین جواب باین‌گونه تنقیدهای بیجاست.

گرچه تا کنون دولت ایران بیلان و اطلاعاتی درباره امور مالی راه

آهن انتشار نداده است اما باید این موضوع را در نظر داشته باشد که طرح و نقشه در آمد راه آهن بجای آنکه بر روی از قام غلط و حقه بازی سوار گردد باید روی پایه و اساس صحیح و حقایق طبیعی استوار باشد.

راه آهن ایران از نظر آنکه ارتباط کاملی در نواحی مختلف کشور شده و درهای شهرها را بر روی مردم کشوده است عامل بسیار مؤثر و مهمی بشمار می آید زیرا با همین وسیله عشایر و ایلات در یکجا مستقر میگردند، دهنشین‌ها و زارعین هم از زندگانی عالی شهری برخوردار می‌شوند.

راه آهن اصلی ایران مقدمه‌ای برای ایجاد وسایل ارتباطی تمام کشور بود زیرا هم اکنون نقشه ساختمان راه آهن که مشهد و تبریز و بروز را بخطوط مرکزی متصل می‌سازند در مرحله عمل است و از اول ماه مارس سال ۱۹۳۸ شروع بکار گرده‌اند.

ساختمان اولین راه فرعی بین گرم‌سار و سمنان که هفتاد میل‌مسافت آنست (راه آهن تاشه‌رود دایر شده و مشغول کار است) ^(۱) در ماه ژوئن سال ۱۹۳۹ پایان یافت و هزینه آن بالغ بر ۹۲۵،۰۰۰ لیره است که تمام این مبلغ بانظارت کامل وزارت راه بمصرف رسید. در ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ ساختمان راه آهن تبریز آغاز گردید و در ماه اکتبر سال ۱۹۴۰ از کرج و

۱ - این راه در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر تا شاه‌رود رسید ولی بعداً بعلت وقایع وحوادثی که در شهر بور ماه ۱۳۲۰ در کشور مابوقوع پیوست مانند سایر کارهای عمرانی متوقف ماند و بعداً حسب الامر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی دولت مأمور شد که راه آهن را تا شهر مشهد ادامه دهد و در حال حاضر راه آهن سرتاسری ایران به مشهد مقدس رسیده است. (مترجم)

قریبین عبور کرده و با مسافت ۱۶۰ میل به زنجان رسید^(۱).

اتفاقاً از ماه فوریه سال ۱۹۳۷ تا کنون سرویسی بین تبریز و ایروان اتحاد جماهیر شوروی مشغول کار است و ترکیه هم در صدد برآمده است از العزیز که در نزدیکی دیار بیکر (Diyarbekir) واقع است تا سرحد ایران یک خط فرعی دایر کند.

راه آهن یزد از قم شروع میشود و راه کاشان هم اکنون در دست ساختمان است^(۲). بودجه راه سازی ایران اعم از جاده شوسه راه آهن در سالهای ۲ - ۱۹۴۱ جمیعاً بالغ بر ۱۲'۵۰۰'۰۰۰ لیره میگردد.

حرکت ترن هنوز محدود است و در سال ۱۹۴۰ ترن هفته‌ای دو بار از تهران به بندرشاه و از تهران به کرج و زنجان و همچنین هفته‌ای سه بار از تهران به سمنان و شاهرود ایاب و ذهاب میکرد. در قسمت مرکزی ترن هفته‌ای سه بار از تهران به اهواز و بالعکس حرکت میکند البته عبارت آن از شهرهای قم و اراک است.^(۱)

ترن ایران بطور کلی چهار درجه دارد ولی تمام چهار درجه در یک موقع و در یک قطار موجود نیست.

درجة اول و دوم هر دو خوب است صندلی‌های راحتی و لوازم آسایش در این دو درجه مانند ترن اروپائی موجود میباشد.

-
- ۱ - ساختمان راه آهن از تهران به تبریز خاتمه یافته و در حال حاضر از این خط بهره برداری میکنند. (متترجم)
 - ۲ - راه آهن قم به کاشان وصل شد و هم اکنون مسافرین تهران-کاشان با این خط ایاب و ذهاب میکنند. (متترجم)
 - ۳ - قطارهای مسافری راه آهن همه روزه به شهرهای تبریز، مشهد و همچنین بندرشاهپور و بندرشاه و بالعکس حرکت میکنند. (متترجم)

صندلی‌های درجه سوم چوبی است (مانند ترن‌های آلمان و سایر کشورها) ولی درجه چهارم عبارت از واگن‌های سرپوشیده‌ای است کوتاه بانیمکتهاي چوبی که اغلب کارگران در آن سوار ميشوند.

مؤسسه ايران توربرودي يك واگن پذيرائي (رستوران) درقطارهای مسافربری ايران دايرخواهد کرد اما درحال حاضرهم خوراکهای پخته درقطارهای مسافربری بدست میآيد.^(۱)

كرایه یک‌نفر مسافر با درجه اول راه‌آهن هر میل يك پنس و نیم درجه دوم يك پنس و درجه سوم سه‌چهارم پنس است.

برای افسران و افراد ارتقش و شهربانی و دانشجویان و کودکانی که سنهان ازدوازده سال کمتر است تخفیف کلی قائل میشوند.

۱ - قطارهای مسافری دارای رستورانهای لوکس درجه اول میباشند.
(متترجم)

فصل بیست و هشتم

بنادر - کشتی رانی - هوایپلائی - تلگراف و رادیو - کارخانجات

کشور ایران دو خط کرانه‌ای دارد، دریای خزر و خلیج فارس و سواحل اقیانوس هند و اراضی مجاور این نواحی همانطوریکه قبل از آنکه شده خشک و با براست و طبعاً کم جمعیت می‌باشد و شاید بهمین جهت و یا آنکه بعلت بی‌میلی فطری ایرانیان بدربار است که بنقطه مذکور کمتر توجه می‌شود. در جنوب امور کشتیرانی راعرب‌ها اداره می‌کنند ولی ملوانان نیروی دریائی خزر را ایرانیان ارمنی تشکیل داده‌اند.

قبل از تأسیس راه آهن و ایجاد خطوط هوایی کشور ایران فقط ازراه خلیج فارس با دنیا ارتباط داشت و سه بندر خرمشهر (محمره قلعی) و بندر بوشهر و بندر عباس تاحدی اهمیت داشتند.

اکنون دولت حاضر تمام مساعی خود را برای توسعه و ترقی بندر شاهپور بکار می‌برد و سه بندر مذکور چندان مورد توجه نیستند زیرا موقعیت بندر خرمشهر آنقدرها مناسب نیست.

راه خشکی از بوشهر بداخله کشور بد و صعب العبور است و کشتی‌های بزرگ نمی‌توانند در بندر عباس پهلو بگیرند. بندر شاهپور که

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ کشوده شد روی زمین مسطح کلی بنا گردیده و از این رواحتمال می‌رود که توسعه و ترقی چندانی نداشته باشد.

در حال حاضر بندر شاہپور عبارتست از چند ساختمان ادارات دولتی و یا ساختمان طویل بندری مخصوص راه آهن ولی چون کشتی‌های بزرگ باسانی می‌توانند در ساحل آن پهلو بگیرند و بر احتیت بارهای سنگین را خالی کرده و از همین نقطه که انتهای خط راه آهن جنوبی محسوب می‌گردد بارگیری کنند بدین جهت تصور می‌رود که در آتیه اهمیت زیادی پیدا خواهد کرد. بندر نفتی آبادان هم کanal گودی دارد که ناوهای ده هزار تنی مرتبأ و باسانی از آن عبور می‌کنند ولی کار این بندر منحصر به نفت و محصولات نفتی است. یکانه سرویس منظم کشتیرانی خلیج کشتی‌های تندرو و کندروی پستی شرکتهای بریتانیا و هندوستان می‌باشد.

قبل از جنگ کشتی‌های تجاری اسکاندیناوی و ژاپنی و آلمانی و ایتالیائی و امریکائی غالباً به بنادر خلیج فارس می‌آمدند.

در حال حاضر یکانه بندر دریای خزر بندرشاه است که انتهای خط راه آهن شمالی ایران محسوب می‌گردد.

یک ساختمان بندری طویل و چند کارخانه تعمیر در این بندر ساخته‌اند.

بندر پهلوی که قبلاً از لی نامیده می‌شد از نظر دادوستد با روسیه شوروی نسبتاً بندر بالاهمیتی است و بنادر کوچک دیگری مانند بندر گز مشهد سر^(۱) و نوشیر آستارا که در سرحد ایران و شوروی واقع شده‌اند هم‌گی از بنادر بحر خزر محسوب می‌گردند. کشور ایران چند فرونده کشتی

۱ - منظور بابلسر فعلی است. (متترجم)

کوچک تجارتی در بحر خزر دارد اما امور کشتیرانی دریای خزر در دست کشور اتحاد جماهیر شوروی است.

علاوه بر امور بازار گانی مذکور شیلات دریای خزر هم بسیار مهم و از هر حیث قابل توجه است.

وسائل حمل و نقل عادی کشور ایران علاوه بر دریای خزر دریاچه رضائیه است و سازمان راه آهن در آنجا چند قایق موتوری و شراعی کوچک و بزرگ دارد که بارهای خود راه آهن و یا کالا های تجاری بومی را در همان سواحل دریاچه از محلی به محل دیگر حمل میکنند.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم چند ناو در رود کارون که قابل کشتیرانی است دارد که در تمام فصول سال مشغول حمل و نقل کالا های شرکت هستند. حمل و نقل هوایی ایران خیلی مختصر است اولین خط هوایی بین المللی که با این کشور مربوط شد خط هوایی امپراطوری بریتانیا بود. دولت ایران در سال ۱۹۲۷ به هوا پیماهای بریتانیا اجازه داد که هنگام عبور بطرف هندوستان وبالعکس در بنادر مختلف خلیج فارس فرود آیند اما بعلت اختلافی که بین ایران و انگلستان روی داد در سال ۱۹۳۲ مسیر هوای پیماهای بریتانیا تغییر داده شد و کلیه هوای پیماها از آن طرف خلیج پرواز میکردند.

تا قبل از جنگ هوای پیماهای هندی (کی ال. ام. M.K.) و هوای پیماهای فرانسوی (ایر فرانس Air France) از بنادر و نقاط ساحلی ایران میگذشتند و سال ۱۹۲۷ بود که امتیاز خط هوایی پستی و مسافر بری به شرکت یونکرس (Junkers) داده شد و سال بعد خط هوایی از تهران به مشهد و رشت و همچنین به بغداد و بوشهر دایر گردید.

این خطوط هوائی تا سال ۱۹۳۶ بکار خود ادامه میدادند اما در آن سال امتیاز شرکت یونکرس لغو گردید و سه سال بعد از آن دولت ایران تصمیم گرفت خود وارد میدان کارزار گردد روی این نظر چند فروند هوایپما از اروپا وارد کرد و خط هوائی مسافر بری و بار بری تهران از راه کرمانشاه به بغداد و بوشهر را دایر ساخت که تحت نظارت وزارت پست و تلگراف اداره میشود. چندین فرودگاه در نقاط مختلف کشور ساخته اند که بعضی از آنها احتیاج بتعوییر اساسی دارند. تقریباً هر یک از شهرهای مهم ایران دارای فرودگاه است که از آنجمله میتوان فرودگاه عظیم تهران و نیز فرودگاه شهرهای غازیان مقابله بندر پهلوی و تبریز و مشهد و همدان و کرمانشاه و اصفهان و بوشهر و اهواز و جاسک را نام برد.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم چندین فرودگاه هوایپما دارد که برای فرود آمدن و پرواز آنها فرودگاههای خوب و قابل استفاده ای در آبادان و سایر نقاط نزدیک بمعدن نفت ساخته است.

برای ایجاد و توسعه هوایپمائی کشوری توجه بیشتری مبذول گردیده و در ماه اوت سال ۱۹۳۹ تحت حمایت و سرپرستی اعلیحضرت رضا شاه باشگاه هوایپمائی تأسیس شد و در اولین جلسه رسمی آن که در ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ تشکیل گردید ۲۵۰,۰۰۰ نفر عضو این باشگاه شدند و سپس به پادشاه گزارش داده شد که در همان جلسه بیش از سه هزار نفر برای آموختن فن خلبانی نام نوشته اند که از این عده چهل و پنج نفر قبل این فن را آموخته بودند و در فرودگاه باشگاه هوایپمائی که در هفت میلی تهران واقع است و همچنین در فرودگاه شهرهای اهواز و مشهد شروع به پرواز کردند.

مخصوصاً ثبت نام چند بانوی ایرانی برای آموختن فن خلبانی که بعداً این فن را بخوبی یاد گرفتند باعث افتخار و مباراکه شدند.

سرвис‌های پستی که زیر نظر وبامسؤولیت وزارت پست و تلگراف اداره میشود نسبتاً سریع و سالم است ولی باید باین نکته توجه داشت که چون حمل و نقل بیشتر سرویس‌های پستی از جاده‌های شوشه صورت میگیرد خوبی و بدی هوا در حرکت پست‌ها تأثیر دارد. حمل و نقل سرویس‌های پستی غالباً با دست کنترانچی‌ها صورت میگیرد که علاوه بر پست مسافر هم با همان ماشین‌ها ایاب و ذهاب میکند.

همانطوری که علاقمندان به تمبر اطلاع دارند از سال ۱۸۷۰ میلادی تمبر پستی درین کشور های جهان معمول و متدالول گردید و ایران در سال ۱۸۷۷ عضویت اتحادیه پستی بین‌المللی را پذیرفت اما بهای تمبری که فعلاً برای مرسولات خارجی در کشور ایران دریافت میگردد با آن مقررات پستی بین‌المللی وفق نمیدهد.

سرвис‌های تلفن و تلگراف ایران متناسب است اما بقدر لازم توسعه ندارد (در حدود هفده هزار میل) و تلگراف را روی خطوطی که قبلاً شرکت تلگرافی بریتانیا و هندواروپا برای ارتباط هندوستان با ممالک غربی بنادر بود ساخته‌اند.

خطوط تلگراف و تلفن در اغلب جاهای یک‌سیم دارد که روی تیرچوبی نازکی استوار است و بایک باد و باران تنگ پاره میشود در صورتی که نگاهداری و حفاظت خطوط تلگراف و تلفن برای ارتباط نقاط مختلف کشور لازم و در خور تقدیر و تمجید است.

از چند سال قبل در شهرهای بزرگ ایران دستگاه بی‌سیم وجود

دارد که باز رگانان برای اطلاع از قیمت کالاهای و مبادلهٔ اخبار تجاری از آن استفاده می‌کنند و باید دانست که شرکت نفت انگلیس و ایران هم دستگاههای مخصوص بی‌سیم دایر کرده است که با کلیه نقاط نفت خیز و مخصوصاً مناطق دور افتاده نقیب ارتباط دارد.

روزیست سوم ماه آوریل سال ۱۹۴۰ ولیعهد ایران دستگاه فرستنده رادیو تهران را افتتاح کردند.

وطیفه اصلی این دستگاه آنست که اخبار و مطالب مربوط به کشور و امور داخلی را برای اطلاع مردم پخش کند.^(۱) در ایران رادیوهای آلمانی و امریکائی و انگلیسی خریدار دارد و در غالب جاهای مورد استفاده مردم است.

چون رادیوهای خصوصی در ایران کم است برای استفاده مردم در خیابانها و جاهای عمومی بلند کو گذارده‌اند. برای پخش اخبار و گویند کی رادیو آموزشگاهی بازشده است که برای اصلاح و پیشرفت این امر بی‌تأثیر نیست.

تمام روزنامه‌های ایران از اخبار مربوط به آلمان و امریکا و انگلیس پر می‌شود و ملت ایران باشندگان اخبار رادیوئی جهان و مطالعه روزنامه‌ها از جریان وحوادث عالم باخبر می‌گردد. اخیراً عملیات مربوط به پخش اخبار و مطالب مفید تحت نظارت وزارت فرهنگ قرار گرفته و احتمال دارد که با این ترتیب اصلاحات قابل ملاحظه‌ای در امور رادیو و سخنپراکنی بعمل آید.

۱ - برای بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی بر حسب امر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی دولت مأمور گردید که در تمام استانها و شهرستانهای ایران رادیو تأسیس نند و خوشبختانه تاکنون این امر پیشرفت زیادی کرده و در اغلب استانها و شهرستانهای درجه اول ایستگاههای فرستنده تأسیس و دایر گردیده است و از نیمة دوم سال ۱۳۳۷ تلویزیون ایران هم شروع بکار کرده است. (مترجم)

در قسمت کشاورزی و صنایع هم دومنظور در آن واحد تعقیب میگردد اول آنکه کشور را از محصولات خارجی بی نیاز سازند و دیگر اینکه ایران را از نظر صنعت بطوری غنی سازند که مرکز صنایع خاور نزدیک بشود و از آن رو نه فقط صنایع موجود فعلی با حفظ رویه انحصار و ازدیار حقوق و عوارض کم کی حمایت میگردد بلکه سیستم های جدید صنعتی که غالباً تحت نظر دولت اداره میشود روز بروز پیشرفت و توسعه میابد.

صنایع محلی ایران تماماً از نوع کارهای دستی است. قالی های ایران در سراسر جهان شهرت دارد و تا کنون هم طریقه نساجی قدیم حفظ شده است. استخدام بچه ها برای کار کردن در کارخانه ها کمتر شده است و اصلاحاتی هم در امور صنایع بعمل آمده ولی باز هم در این کشور صنایع جدید پیاپی کشورهای متmodern جهان نمیرسد.

از چندی قبل متدرجاً جنس قالی و اسلوب قالی بافی رو با تحاط میرفت اما دولت متوجه اهمیت و موقعیت این صنعت عالی در خارج گشت و از سال ۱۹۳۷ امور قالی بافی را در تحت نظارت دقیق قرار داد.

برای صدور قالی های جوهری مالیات و جریمه سنگینی وضع گردید و برای تعلیم قالی باف های ماهر و نقشه کش های زبردست آموزشگاه مخصوصی تأسیس گشت.

بازار عمده قالی ایران کشورهای متحده امریکاست و هر چند کار قالی بافی و نقشه کشی بدست ایرانی ها صورت میگیرد اما امریکائی ها هم در نقاط مختلف ایران که مرکز قالی بافی است نمایندگی های دایر کرده اند.

اتخاذ طریقه مخصوص تهیه قالی برای بازارهای (ماوراء بخار) اثراتی در نقشه های قالی ایران داشته است که غالباً سودمند نبوده ولی هنوز هم نقشه های

خوبی از تبریز و کرمان و کاشان بیرون می‌آید (در کشور ایران دیگر قالیچه بخارائی نمی‌باشد) .

مینیاتور سازی که از صنایع قدیمی کشور ایران است هنوز رواج دارد اما آن اصالت سابق را لز کف داده است .

کیفیت و ارزش مینیاتور روی موضوع و نقشه نیست زیرا موضوع و نقشه را همواره از کارهای قدیم تقلید می‌کنند بلکه ارزش و کیفیت مینیاتور مربوط به ریزه کاری و نظرافت آنست که اگر دست استاد اصفهانی برای ساختن آن بکار رفته باشد واقعاً شکفت آور است .

اصفهان مرکز بسیاری از هنرها و صنایع دستی از قبیل : فلز کاری ، قلاب دوزی ، رنگ و روغن زنی و منبت کاری است .
قلمکاری از مختصات هنرمندان اصفهان می‌باشد .

شیراز برای شراب‌های عالی و همدان برای ظروف آبی لعابی شهرت دارند . کارخانه‌های بافتند کی دستی از همه نوع در تمام شهرهای ایران هست اما بافتند کی جدید بسرعت طریقه نساجی دستی را از میان می‌برد .

دسته دوم صنایع ایران که مورد تشویق می‌باشد عبارتست از مواد خام و محصولات فلاحتی از قبیل : پنبه ، پشم ، ابریشم ، چغندر قند وغیره . موضوعی که بی‌اندازه مورد توجه قرار دارد اینست که کشور ایران بطور کلی بخود تکیه کند و محتاج دیگران نباشد و بجای آنکه مواد اولیه را بخارج بفرستند و بصورت کالاهای کونا کونی دوباره با ایران بیاورند تمام عملیات را در خود ایران انجام دهند .

کشور ایران ظاهراً آنچنان در مضیقه نیست که مجبور باشد برای اداره امور خود تمام محصولات فلاحتی خویش را بکشورهای خارجی بفروشد

اولین کارخانه قند در کهریزک ده میلی جنوب تهران بنا گردید که در سال ۱۹۳۵-۶ مخصوص سالیانه آن ۲۲۱۱ تن قند بوده است.

کارخانه‌های دیگر قند سازی هم پس از آن بنا گردید که ماشینهای آن ساخت کارخانه اشکوادای کشور چک اسلواک است.

بزرگترین کارخانه‌های قند ایران در کرج و ورامین و مرودشت نزدیک شاهی است.^(۱)

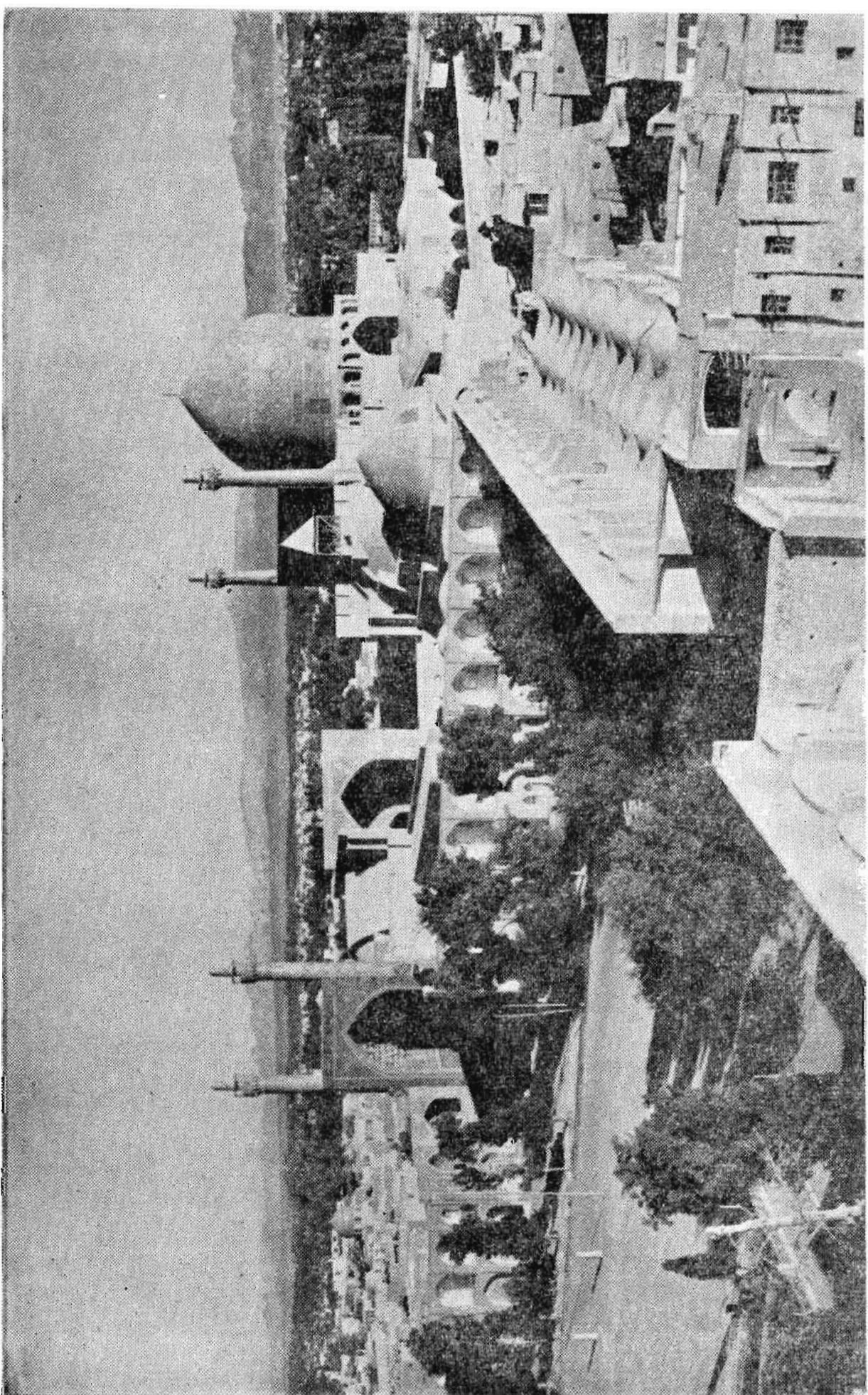
(۱) اکنون این کارخانه‌های قند در کنار راه آهن فرادران (در کارخانه‌های قند سازی کوچک دیگری هم در نزدیکی شیراز و شاه‌آباد نزدیکی کرمانشاه و میاندوآب نزدیکی دریاچه رضائیه و نزدیکی اراک و نزدیکی مشهد ساخته‌اند. در این کارخانه‌ها هم قند و هم شکر درست می‌شود و در نزدیکی کارخانه قند کرج اراضی زیر کشت چغندر فوق العاده زیاد است.

در سال ۱۹۴۰ - ۲۴۰،۰۰۰ تن چغندر قند در کارخانه‌های ایران مصرف شد و در سال ۱۹۳۹ هم مصرف آنها ۱۷۰،۰۰۰ تن چغندر بوده است. محصول قند تمام کارخانه‌های ایران سی تا چهل هزار تن می‌باشد که یک سوم احتیاجات کشور را تأمین می‌کند. محصول صنعتی دیگر ایران که اهمیت زیادی دارد چیت سازی است که خیلی پیشرفت کرده و ایران از این حیث دیگر بروزیه و سایر کشورهای فروشنده چیت محتاج نیست.

بزرگترین کارخانه باقندگی ایران در شهر شاهی ساخته شده است که دوازده هزار دوك دارد و محصولات آن فقط برای تأمین احتیاجات ارتش است. کارخانه‌های دیگر باقندگی در شهرهای یزد، اصفهان، بندر عباس، سمنان، کرمان، تبریز و تهران ساخته شده است.

۱- مرودشت در نزدیکی شیراز واقع است. (متترجم)

- اصفهان : مسجد شاه و فستی از میدان شاه از آثار صفویه



بطور کلی در سراسر کشور ایران چهل هزار دوک ریسند کی در کارخانه‌های مذکور کار می‌کنند. پارچه‌های پشمی در کارخانه‌های تبریز و قزوین و نیزد و اصفهان و پارچه‌های ابریشمی در رشت و چالوس باقته می‌شود. برای ساختمانهای جدید و بنای‌های چند طبقه که در ایران ساخته می‌شود سیمان لازم بود و روی همین نظر در سال ۱۹۳۲ یک کارخانه سیمان در کهریزک^(۱) تأسیس گردید که روزی یکصد تن سیمان محصول میدهد و در سال ۱۹۳۵ کارخانه‌های دیگری ساختند که روزی سیصد تن محصول میدهد ولی باز هم برای ساختمانهای ایران کافی نیست.

در مشهد کارخانه کنسرو میوه و در رشت و شاهی کارخانه گونی بافی تأسیس یافته است. در تبریز کارخانه‌های زیادی ساخته‌اند که از آنجمله کارخانه چرم‌سازی است.

دور امین، بابل، تبریز، اصفهان و جاهای دیگر کارخانه‌های روغن-کشی نباتی دایر شده است.

کارخانه‌های دخانیات تهران احتیاجات تمام مردم مملکت را از حیث سیگار، توتون و تنبایکو هر رفع می‌سازد و گفته می‌شود در کارخانه‌های دخانیات روزی دوازده میلیون عدد سیگار درست می‌کنند.

اخیراً در ایران کارخانه‌های کتیرا سازی - رشته فرنگی و میوه خشک کنی دایر کرده‌اند.

سومین دستهٔ صنایع سنگین و عمومی ایران عبارتست از کارخانه کشتی سازی که در بندر پهلوی تأسیس گردیده و در ماه نوامبر سال ۱۹۴۰ اولین ناو حفار را ساخته و با باب انداخت و همچنین کارخانه‌های آهن سازی

۱- کارخانه سیمان در شهر ری واقع است. (متترجم)

و ذوب فلزات مازندران (یک دستگاه ماشین ذوب آهن در ایران بکار خواهد افتاد که روزی سیصد تن آهن محصول میدهد).

کارخانه های هوایی سازی، اسلحه سازی، تعمیر لکوموتیو و واگن وغیره نیز جزو این دسته یعنی صنایع سنگین می باشد.

معدن ذغال سنگ زیراب نزدیک البرز و کانهای آهن سمنان و مس عباس آباد مرتبأ استخراج می شود.

در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یک کارخانه بلور سازی نزدیک تهران تأسیس گردید و در نزدیکی آن، کارخانه کاغذ سازی و کفش دوزی هم دایر شد. در همدان و تبریز کارخانه های کبریت سازی تأسیس شده است.

طبق نقشه اخیری که به مرحله اجرا درآمده است در نظر دارند کشور ایران را از حیث تمام مواد شیمیائی که اکنون از کشورهای خارجی وارد می گردد مستغنى سازند و احتیاجات داخلی را در خود مملکت فراهم آورند. در خارکون مازندران، کارخانه قیر سازی ساخته اند و در نزدیکی کهربایز کارخانه صابون و گلسیرین سازی تأسیس یافته است که قادر است روزانه یک تن و نیم گلسیرین و بیست تابیست و دو تن انواع صابون و پنج تن شمع و پنجاه کیلو گرم مواد چربی دیگر بدهد (این کارخانه آخرین کارخانه ایست که در ایران تأسیس گردیده است).

بموجب نقشه و برنامه ای که در دست است باید کارخانه هایی برای تهیه چربی نباتی، لاستیک، کاربن، سودا و اسید هیدرو کلریک تأسیس یابد.

در حال حاضر در سراسر کشور ایران یکصد و پنجاه کارخانه بزرگ وجود دارد که تمام یا قسمی از سرمایه آنها متعلق بدولت است.

فصل پیش و نهم

نفت ایران

اینک ما بشرح مهمترین قسمت صنعتی و اقتصادی ایران که مفصل راجع با آن در فصول گذشته صحبت نشده است میپردازیم. باید دانست که بدولت ایران برای توسعه و اصلاح این منبع اقتصادی مهم اختیارات چندانی داده نشده است زیرا میل نداشتند اهمیت این گنج سرشار بطوری که باید و شاید تشخیص داده شود.

بطور قطع از چند هزار سال پیش بوجود منابع و معادن نفت در ایران بی بردندولی تا سال ۱۹۰۱ که دارسی امتیاز استخراج آن را بدست آورد عمل در صدد استخراج این ماده حیاتی بر نیامده بودند وسعي و کوششی در این راه مبذول نگردیده بود.

بحث در اطراف امتیاز استخراج نفت و تاریخ مریبوط به شرکت نفت انگلیس و ایران را برای فصل بعدی میگذاریم و در اینجا فقط از سازمان و تشکیلات موجود نفت و محصول آن و همچنین مراکز معادن نفتی و ترتیب استخراج آن صحبت میداریم.

معادن مهم و پر حاصل این شرکت در تزدیکی معبد باستانی اشکانیان

یعنی مسجد سلیمان قرار دارد و ممکن است چاههای دیگری در سایر نقاط حفر شود که مخصوصاً بیش از چاههای فعلی باشد اما در حال حاضر معادن این نواحی نهایت اهمیت را داراست.

چاههای که برای استخراج نفت پیش از چاههای مذکور حفر گردیده‌اند در هفتگل شصت میلی جنوب غربی و همچنین در آغا جاری نزدیک بهبهان و کیچساران هفتاد میلی جنوب غربی و در شمال شرقی مسجد سلیمان میباشند.

نفت اغلب این چاهها از عمق سه هزار تا چهار هزار پا بیرون میآمد ولی اخیراً چاههای حفر کرده‌اند که عمق آنها بیش ازده هزار پاست.^(۱) تمام این معادن بالوله به پالایشگاه آبادان در جنوب خرمشهر متصل شده‌اند و یا بعداً اتصال می‌گردند و از آنجانهفت خام و تصفیه شده و سایر مواد نفتی با کشتی بخارج حمل می‌گردد.

لوله‌های فعلی غالباً ده اینچی هستند و آنها را بیکدیگر جوش داده‌اند ولی درسابق لوله‌های شش اینچی و هشت اینچی بکار میرفت که با پیچ و مهره بهم وصل می‌شدند. در نقاطی موسوم به تمبی (Tembi) و

۱ - منابع و چشميه های نفت معمولاً در طبقات زیرزمینی و در صخره‌ها ایست که منافذ زیادی دارند و شبیه سنگهای آهکی هستند اما یک سنگ بسیار بزرگ از جنس صخره‌های غیرقابل نفوذ روی آنرا پوشانیده است. در ایران نفت چاهها تحت فشار مختلف قرار دارد و بمحض اینکه صخره سرپوش رامته حفاری سوراخ کرد نفت با فشاری که دارد خود بخود بالا می‌آید و فوراً می‌کند در صورتیکه در سایر کشورهای نفت‌خیز نفت را بوسیله تلمبه بالا می‌اورند.

اولین چاه نفت در ایران چند صد پا بیشتر عمق نداشت اما همینکه نفت آن چاه با تمام رسید تجربه‌ای شد که چاههای دیگر را بیشتر حفر کنند و عمق آنان خیلی زیاد باشد که بزودی نفت آنها تمام نشود. (مؤلف)

کوت عبدالله (Kut. Abdollah) و دارکوین (Dorquaine) مراکز مخصوصی برای ازدیاد فشار لوله‌ها ساخته‌اند تا در موقع لازم تلمبه بزنند و نفت را از یکصد و بیست میلی به پالایشگاه بیاورند.

چاههای نفت را عموماً در نقاط کوهستانی حفر کرده‌اند ولی پالایشگاه در زمین هموار بناسده است و بهمین نظر بعضی مسائل فنی مربوط به لوله کشی و فشار داشتن لوله‌ها برای رساندن نفت به مرکز کاملاً حل گردیده است.

پالایشگاه آبادان که یکی از بزرگترین پالایشگاههای نفت دنیاست در اراضی بسیار وسیعی بنا گردیده و دارای همه نوع دستگاههای تصفیه است و همچنین برای نگاهداری مواد نفتی مخازن بسیار بزرگی ساخته‌اند.

قبل از جنگ سالیانه ده میلیون تن نفت در پالایشگاه آبادان تصفیه می‌شد که مقدار بسیار کمی از آن در ایران بمصرف میرسید و قسمت عده‌میانه محصول نفت بوسیله کشتی‌های نفتکش به بریتانیا و سایر کشورها حمل می‌گردید (بیست درصد نفت انگلستان را از ایران میبردند).

شرکت نفت انگلیس و ایران یکصد فرونگ کشتی نفتکش بزرگ دارد که میتوانند ده هزار تن نفت حمل کنند.

ناوهای نفتکش شرکت نفت انگلیس و ایران شعبه‌ای از شرکت حمل و نقل مواد نفتی بریتانیا محسوب میشوند.

نفت مورد احتیاج کشور ایران در پالایشگاه کرمانشاه که طبق قرارداد سال ۱۹۳۳ تأسیس یافت تصفیه می‌گردد.

نفت شاه که در سرحد کشور عراق استخراج شده (این چاه از نظر جغرافیائی جزء ناحیه نفتی خانقین است) و با یک لوله سه‌اینچی به پالایشگاه کرمانشاه می‌آید در همانجا تصفیه شده و با کامیون‌های نفتکش و یا پیتهای

حلبی چهار کالانی که در تمام شرق مورد استعمال است به اینبارها و نواحی مختلف ایران حمل می‌شود.

اغلب مرآکز و نواحی نفتی ایران در نقاطی است که قبلاً هیچ نوع آبادی در آن جاهای وجود نداشته است و شرکت نفت بننا چار باید نه تنها برای سه هزار و پانصد نفر کارمندان خارجی خود که ملیت‌های مختلف دارند (بیشترشان انگلیسی و هندی هستند) خانه و همه نوع مایحتاج زندگی فراهم سازد بلکه ناگزیر است برای بیست هزار نفر کارمند ایرانی هم همه قسم وسائل آسایش تهیه کند.

کارگران و کارمندان ایرانی که در دستگاههای مختلف شرکت نفت مشغول کارند کم کم در کارهای فنی جای متخصصین خارجی را می‌گیرند. بیمارستانها، باشگاهها، میدان‌های بازی، سینماها، مغازه‌ها و خانه‌های جدید و زیبا برای کارکنان شرکت نفت در صحراء‌های سوزان و روی کوه‌های خشک و بی‌آب و علف ساخته شده است.

از نظر ملی ایرانی یکی از مهمترین و مفید ترین کارهای شرکت نفت آنست که به ایرانیان کارهای فنی را می‌آموزد و آنها برای اداره کردن صنعت نفت آماده می‌سازد.

در ابتدای کار بسیاری از کارمندان شرکت را از بین افراد ایلات و عشایر نواحی نفتخیز انتخاب کردند و سپس از کلیه شهرها و نقاط مختلف ایران کارمندان مورد احتیاج را استخدام نمودند در صورتیکه هیچیک از آنان تخصص و تجربه قبلى در کارهای مربوط به نفت نداشتند اما بزودی معلومات لازم را فراگرفتند و در این قسمت استعداد خوبی نشان دادند بقسمیکه نه تنها شرکت از وجود تمامی آنها در دستگاههای نفت استفاده

کرده بلکه تو انستند کارخانه های جدیدی را که در نقاط مختلف کشور تأسیس شده بود اداره کنند.

برای مدتی عده زیادی کارگران هندی و عراقی هم در شهر کت مشغول کار بودند ولی طبق موافقتنامه اخیر شرکت بادولت ایران کارمندان عراقی بکلی از کار بر کنار شدند و کارگران هندی نیز روز بروز کم می شوند.

در آبادان آموزشگاه مخصوصی تأسیس شده است که بچه های چهارده ساله را پس از پایان دوره دبستان برای تعلیم کارگری فنی مختلف قبول می کند و هر نوع کاری را که بیشتر علاقه داشته باشند با آنان می آموزد.

عده ای از این بچه های آموزشگاه دیده پس از پایان دوره آموزشی در شرکت نفت میمانند و بخدمت خود امامه میدهند و عده ای هم بشمال ایران میروند و بنام کاردان و متخصص در نواحی صنعتی کشور شغل و مقام خوبی بدهست می آورند. بسیاری از کارگران فنی شرکت نفت از قبیل: رانندگی، میکانیکی، حروفچینی و غیره بدهست ایرانیان اداره میگردند و در عین حال آنان روز بروز در کار خود استاد تر شده و امور فنی دیگر راهم می آموزند.

در سازمان و تشکیلات شرکت نفت بیکاری وجود ندازد بقسمی که حتی برای آنهایی هم که مختصر اطلاع و معلوماتی دارند کاری بفرآخور حالشان در نظر میگیرند.

شرکت کارگران عادی و معمولی دیگری هم دارد که بمناسبت فصل و احتیاجات دستگاههای مختلف تغییر میابد و برای این نوع کارها از وجود دهقانان و عشایر که اول پائیز بنواحی صنعتی نفت میآیند و اول تابستان به مزارع و دهات خود بر میگردند استفاده میشود.

وضع کارگران طبق قانون کار که در ماه اوت سال ۱۹۳۶ تصویب

مجلس شورای ملی ایران رسید بهودی یافت این قانون اولین قانونی بود که دولت ایران برای بهود اوضاع کارگران از مجلس شورای ملی گذراند. آنطوریکه از متن این قانون استنباط میگردد مفادش خیلی سخت است و هر گونه آزادی عملی را محدود میسازد.

بموجب همین قانون اتحادیه اصناف به صورت و بهر قصد منوع است جنبش و اعتصاب کارگران هم غیر قانونی شناخته شده بستن در کارخانه بروی کارگران را هم بلکه قیدن کرده است و در حقیقت نسبت به کارگروکار فرما هر دو توجه نموده ومنافعشان را ملحوظ داشته است.

این مقررات از آن جهت است که ایرانیان با این گونه مسائل نزدیک و آشنا شوند و تصور نمیروند در کشوری که تا این حد از امور صنعتی دور و در عمل بی تجربه است مقرراتی بهتر از این قابل اجرا باشد.



فصل سی آم

شهرسازی - بازرگانی داخلی و خارجی - انحصارها - اموار ارزی

صرف نظر از ایجاد کارخانه‌ها شاه برای تجدید ساختمان شهرهای بزرگ و کوچک سیاست‌بخصوصی را تعقیب می‌کند و بیشتر توجهات و مساعی او برای آباد کردن تهران صرف می‌شود. در این شهر با نهایت بی‌رحمی نقشه‌های ایجاد شهری جدید اجرا می‌گردد و با اجرای همین تصمیم است که از کوچه‌های تنگ و باریک و خانه‌های بهم چسبیده تهران سابق که نمونه کاملی از شهرهای شرقی است خیابانهای وسیع و مستقیم احداث کردند و در دو طرف این خیابانها درخت کاشته‌اند.

خانه‌های بسیار زیبا و مجلل سراسر خیابانهای جدید تهران را زینت داده و با آن شکوه و جلوه خاصی بخشیده است. قسمت اعظم این ساختمانها و بناهای باشکوه متعلق به دولت و مرکز ادارات و سازمانهای دولتی است. اداره کل شهربانی، بانک ملی ایران، شهرداری تهران، وزارت جنگ و ادارات وابسته با آن همچنین سایر سازمانهای دولتی هر یک بناهای جدیدی درست کرده‌اند و در این بناهای باشکوه مستقر گشته‌اند.

کاخ جدید و باشکوهی برای شاه ساخته‌اند و جدیدترین بنای عالی

دولتی کاخ وزارت امور خارجه است که ساختمان آن در ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ پایان یافت.

این طرز فکر و زیبایی مختص مردمان ایران زمین است که ساختمان عمارت و خانه‌ها را تا این حد با اهمیت دانسته و بر سایر کارهای عمومی مقدم میدارند. تهران در حال حاضر کارخانه برق دارد اما برای روشنایی شهر کافی نیست و بنا چار در هر شب برق قسمتی از شهر قطع میگردد ولی در ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ کارخانه برق جدیدی احداث شده است که تصور می‌رود برای روشنایی شهر کفایت کند.

نقص دیگر تهران اینست که منبع آب ندارد و آب آشامیدنی اهالی از جویهای رو بازی است که در کنار خیابانها و کوچه‌ها کنده‌اند.

بطور حتم تمامی این نواقص رفع خواهد شد و برای اصلاح امور و احتیاجات عمومی اقدامات جدی و فوری معمول خواهد گشت چنان‌که در بودجه سال ۱۹۴۱-۲ هزینه لوله کشی واحدات مخازن و تصفیه خانه‌های آب شهر تهران پیش بینی شده است.^(۱)

با وجود این جای تأسف است که تمام فعالیت‌ها صرف اصلاح وضع ظاهری شهر میگردد و این‌گونه امور را از فراهم ساختن نیازمندی‌های عمومی بهتر میدانند و بصورت سازی بیشتر توجه دارند.

در مرکز استانها و شهرهای بزرگ ایران نیز همین نوع اصلاحات البته قدری محدود‌تر از تهران بعمل آورده‌اند.

اصلاحات بعضی از شهرها تا اندازه‌ای عملی‌تر از تهران صورت گرفته است مثلاً بجای اینکه با زحمت زیادی خانه‌های قدیمی سازرا از میان

۱- شهر تهران چند سالی است که لوله کشی شده و مردم از آب تصفیه شده استفاده می‌کنند. (متترجم)

بردارند و جای آن بناهای تازه‌ای بسازند در اطراف شهر ها محله‌های جدیدی احداث کرده‌اند که بزودی همان محله‌های جدید احداث مرکز شهر می‌شود. شهرهای اهواز و اراک نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای از پیشرفت این نقشه‌های باشند. ساختمن شهرهای بادارزروی نقشه‌های معین صورت گیرد و برای این کار مقرر اتی وضع کرده‌اند که بدون تحصیل پروانه مخصوص نمی‌توان بنای جدید ساخت. بطوزی که باطلان خوانند کان گرامی رسید دولت ایران سعی دارد صنایع خود را بقسمی توسعه دهد که از کالاهای خارجی بی‌نیاز باشد اما با وجود این ایران در حال حاضر و همچنین در آینده برای مدتی محتاج کالاهایی است که باید از کشورهای خارجی وارد کند.

دزپایان جنگ اول جهانی روسیه شوروی که مهمترین فروشنده کالا به ایران بود مقام خود را زدست داد و در این‌مورد بریتانیا جای او را گرفت اما اکنون دوباره روسیه شوروی متدرجًا جای سابق خود را گرفته است و تقریباً اولین فروشنده کالا بکشور ایران محسوب می‌گردد.

بعد از روسیه شوروی کشورهای بریتانیای کبیر و ایالات متحده امریکا و آلمان وزاین مهمترین فروشنده کان کالا به ایران هستند.

نیازمندیهای عمده ایران به کالاهای کشورهای خارجی عبارتست از: پارچه، اسباب ولوازم موتویری، ماشینهای مختلف و محصولات شیمیائی. کشور ایران در سال ۱۹۳۵ چهار میلیون دolar ماشینهای مختلف از ایالات متحده امریکا خریداری کرد ولی بعد از آن کشورهای اتحاد جماهیر شوروی و آلمان فروشنده کان ماشین آلات باین کشور هستند. (۱)

۱ - البته این موضوع مربوط به قبل از فعالیت‌های مشترک کشورهای انگلستان و روسیه بوده است. (مؤلف)

در مقابل این واردات کشور ایران مواد نفتی بخارج صادر میکند که به تنهایی بهای آن دو سوم جمع کل صادرات این کشور است و همچنین کالاهای دیگری از قبیل قالی، قالیچه و انواع محصولات کشاورزی که عبارتست از: برنج، صمغ، کتیرا، مغز پسته، پوست، تریاک و خاویار بمماليک خارجی میفروشد.^(۱) مهمترین خریدار نفت ایران قبل از جنگ کشورهای متحده بریتانیا و مصر و فرانسه و ایتالیا بودند.

قالی و قالیچه ایران بکشورهای متحده امریکا و ترکیه و بریتانیا که بسیار و هندوستان و عراق صادر میشند.

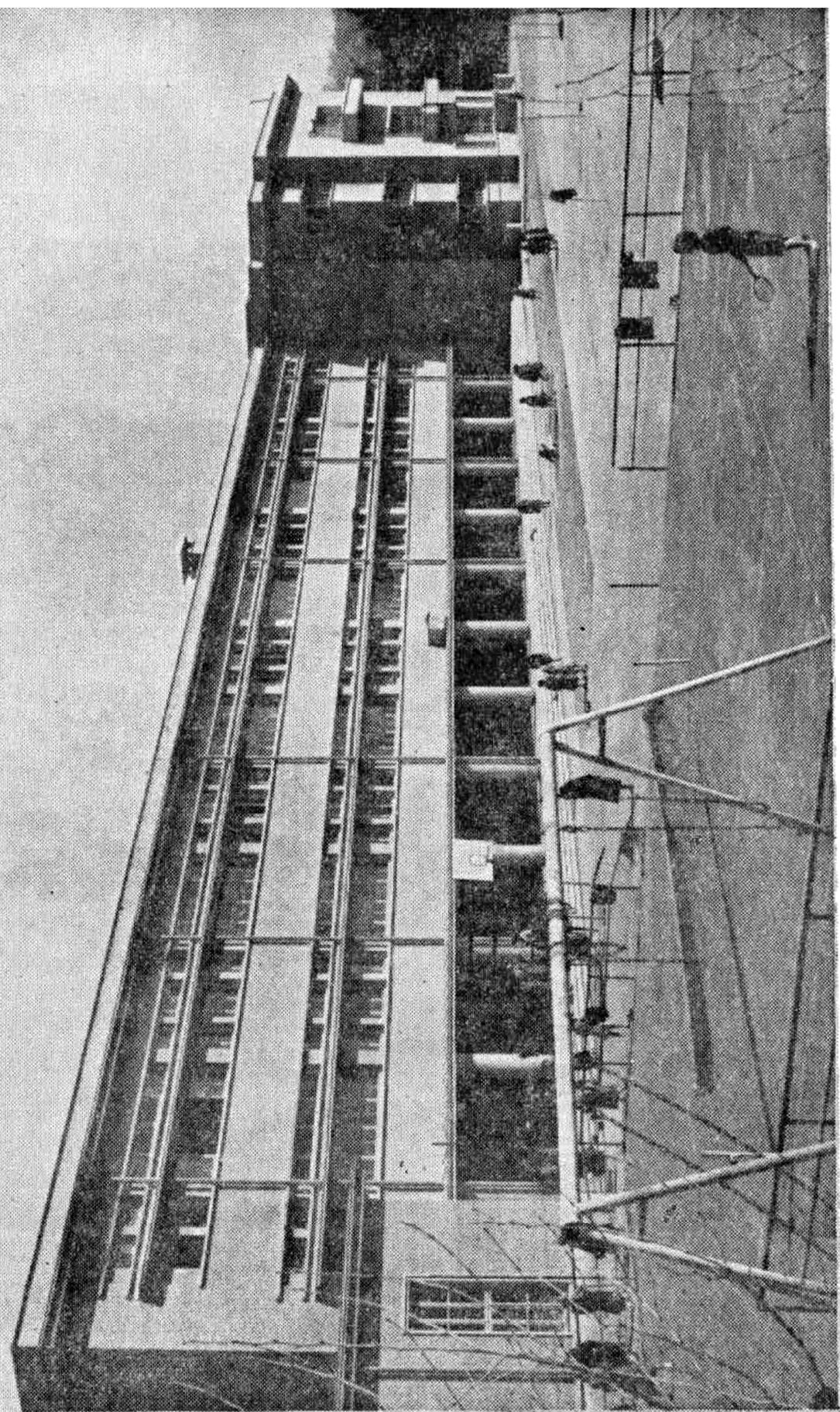
کشور ایران فقط در دو کشور خارجی نمایندگی رسمی بازرگانی دارد که آن دو کشور عبارتند از ایالات متحده امریکا و آلمان. سیاست بازرگانی ایران آنست که در درجه اول محصولات کشور را افزایش دهد و مصرف داخلی آنرا زیاد کند. یک نمایشگاه دائمی کالاهای ایرانی در تهران تأسیس گردیده است و جدیداً برای تشویق سازندگان کالاهام مرکراتی هم وضع کرده‌اند و روی هم رفته برای خوبی جنس و مرغوبیت کالاهای ایرانی کوشش‌های زیادی میشود.

تا چندی پیش قسمت اعظم احتیاجات ارتش از محصولات خود ایران تأمین میگردید ولی از ماه مارس سال ۱۹۳۹ مقرر گردید که کلیه افسران و مأمورین کشوری احتیاجات خود را با کالاهای ایرانی مرتفع سازند. سیستم انحصاری در کشور ایران برقرار است.

بعضی از کالاهای مورد نیاز عمومی از قبیل: توتوون، تنباقو، سیگار، تریاک، پارچه‌های نخی، قند و شکر، کبریت و انواع اتوموبیل و

۱- کشت خشکاش در کشور ایران بکلی منوع شده و با استعمال تریاک شدیداً مبارزه میشود، تریاک‌ها را هم دولت با وسائل گوناگون معالجه کرده است. (متترجم)

نمای ساختمان در معرض مشاهده کرد. که



لوازم ید کی آن و ماشینهای دیگر در انحصار دولت میباشد و داد و ستد این کالاها برای تجارت بکلی ممنوع است.

در سال ۴۰ - ۱۹۳۹ درآمد دولت از این کالاهای انحصاری بقرار

ذیل بوده است:

۱ - دخانیات، توتوون، تنباکو، سیگار	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲ - تریاک	۸۵,۰۰۰,۰۰۰
۳ - قندوشکر	۱۶۰,۰۰۰,۰۰۰
۴ - قماش	۸۲,۰۰۰,۰۰۰
۵ - کبریت	۵,۰۰۰,۰۰۰
۶ - اتومبیل و کامیون	۱۸,۰۰۰,۰۰۰

جمع کل ۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

در سالهای مذکور که در آمدهای انحصاری دولت بالغ بر پانصد و سی میلیون ریال میگردد^(۱) قیمت هر لیره انگلیسی هشتاد ریال بوده است.

بطورکلی بهای کالاهای دیگر که جزو مایحتاج زندگی مردم میباشد از قبیل نفت و منسوجات پشمی خارجی و داخلی تحت کنترل دولت است.

تمام کالاهای انحصاری و بطورکلی امور انحصار دولت در داخل کشور

زیر نظر وزارت دارائی است و بموجب قانون سال ۱۹۳۱ امور انحصار بازار گانی خارجی راوزارت بازار گانی اداره میکند.^(۲) دولت از دوراه در امور بازار گانی خارجی نظارت داشته و کنترل دقیقی بعمل میآورد بدین طریق که از

-
- ۱ - باید خوانند گان گرامی در نظر داشته باشند که این ارقام مر بوط بسال ۱۹۴۰ و ۱۹۳۹ میباشد که مطابق است با سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ شمسی. (مترجم)
 - ۲ - وزارت تغذیه جدیدی بنام وزارت گمرکات و انحصارات در سال ۱۳۳۶ تاسیس یافته که امور کالاهای انحصاری دولت و گمرکات با این وزارت تغذیه است. (مترجم)

یکطرف ورود اشیاء تجملی رامشکل و بلکه ممنوع ساخته است و از طرف دیگر هیچ نوع کالائی را نمیتوان به ایران آورد مگر آنکه برابر بهای آن کالائی از ایران صادر و بیازار کشورهای خارجی فرستاده شود.

وارد کردن شراب و سایر نوشابه‌های الکلی، اسلحه، اسباب و آلات موسیقی، پارچه، ظروف چینی، اثاثیه خانه، دارو و لوازم طبی و بسیاری از کالاهای ولوازمات دیگر با تحصیل پروانه امکان دارد که باید وزارت بازرگانی این پروانه را صادر و بواسطه کننده کالا و یا لوازم مذکور بدهد و بطور کلی ورود کالا از کشورهای خارجی به ایران در صورتی میسر است که وارد کننده کالا پروانه بگیرد و ارز خارجی را که از فروش مال التجاره خود بدست آورده است ببانک ملی بسپارد که برابر آن بیول ایرانی باو بر ک اعتبار داده خواهد شد و پشت پروانه صادره از وزارت بازرگانی را بانک ملی امضاء میکند و در صورتیکه تمامی این مقررات اجرا شد آنوقت وارد کننده کالا میتواند برابر نصف ارزی را که ببانک ملی سپرده است از خارج جنس وارد کند و نصف دیگر ارز وارد کننده که در بانک ملی ایران با مامانت کذاarde است پس از آنکه قیمت آن بیول ایران بصاحبش پرداخت گردید متعلق بدولت خواهد بود که برای هزینه تحصیل دانشجویان اعزامی بخارج و خرید اسلحه و لوازم ساختمان راه آهن مصرف میگردد.

یکی از مهمترین منابع ارز خارجی کشور ایران حق السهم دولت از شرکت نفت انگلیس و ایران است که سالیانه به سه میلیون تا سه میلیون و نیم لیره بالغ میگردد.

فصل سی و پنجم

گمرک - مالیاتها - بودجه

گمرک ایران قبلاً بموجب امتیازی زیر نظر بلژیکی‌ها اداره می‌شد ولی در حال حاضر خود ایرانیان آن را اداره می‌کنند و چنین بنظر میرسد که این تغییر باعث ازدیاد درآمد گمرک شده است.

از کالاهایی که از کشورهای خارجی وارد می‌گرد و همچنین از کالاهای ایرانی که بخارج صادر می‌شود حقوق و عوارض گمرکی نسبتاً سنگینی می‌کنند و در اینمورد چندان فرقی بین کالاهای ضروری و تجملی قائل نیستند اما باید دانست اغلب از کالاهایی که از کشورهای خارجی وارد می‌شود در انحصار دولت است و بهای آن را خود دولت با درنظر گرفتن قیمت جنس مشابه در بازار تعیین می‌کند که در این باره موقع خود درباره ثبت نرخ غله توضیحات کافی باطلاع خواهد کان گرامی رسیده است.

پس از سال ۱۹۱۸ تغییرات زیادی در ارزش پول رایج ایران روی داده است بدین معنی که قران ایرانی از سی و چهار تا یکصد و سه به نسبت لیره تغییر یافته است. از سال ۱۹۲۲ تا سال ۱۹۲۵ دکتر میلیسپو (Dr. Millspaugh) مستشار امریکائی در حدود قوانین و مقررات سعی و

کوشش زیادی برای اصلاح امور مالی کشور ایران نموداما با تمام فعالیت- هائی که کرد موافقیتی نصیبیش نگردید و سرانجام استعفا داد . در ماه مارس سال ۱۹۳۲ واحد پول رایج ایران از قران بهریال تبدیل یافت بدین ترتیب که یکریال صد دینار و صدر ریال یک پهلوی نامیده میشد .

در ابتدای امر نظر این بود که واحد پول طلا باشد اما بعد منصرف شدند و همان واحد نقره باقیماند (هر ریالی ۱۴۰۰-۴ گرم نقره دارد) . در ماه مارس سال ۱۹۳۶ در برابر لیره یک فرخ رسمی برای ریال تعیین شد و مقرر گردید که هر لیره را هشتاد ریال معامله کنند و حال آنکه این ارزش باقیه خرید ایران تناسب ندارد اما بمحض مقررات خاصی خرید و فروش لیره آزاد ممنوع گردید .^(۱)

۱ - در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۴ شمسی که مردم ایران مانند امروز از اهمیتی که مؤسسات اقتصادی و عوامل بازار گانی در شئون اداری و زندگانی اجتماعی دارند آگاه نبودند بر حسب دستور اعلیحضرت رضا شاه کبیر او لین بانک ایرانی با سرمایه ایران بنام «بانک پهلوی قشون» در تهران تأسیس گردید . این بانک روز اول تأسیس در چند باب مغازه که در خیابان سپه واقع بود شروع بکار کرد و سرمایه اولیه آن مبلغ ۹۵۰، ۸۸۳، ۳ ریال موجودی صندوق بازنشستگی درجه داران قشون بود و بهمین لحاظ دوره اول عملیات یکساله بانک بافسران ارتش اختصاص داشت که با پرداخت وامهای تقسیم‌طی برع نیازمندی‌های آنان کمک میکرد و چون روز بروز بوسعت کار و عملیات خود میافزود دوایر بانک با اول خیابان باب‌همایون یکی از ابینه‌های قورخانه انتقال یافت و روز ۲۴ اسفند ماه ۱۳۰۴ اولین شعبه این بانک در شهر رشت افتتاح گردید و از همان تاریخ علاوه بر وظایف قبلی خرید و فروش بروات و گشایش احتیار برای بازار گنان و انجام معاملات بازار گانی آغاز شد و این بانک بعدها بانک تعاونی سپه نامیده شد و اکنون شرکت سهامی بانک سپه و ریاست عالیه آن با شاهنشاه است .

از سال ۱۳۲۶ تیمسار سپهبد فرج‌الله آق اولی که در تمام مراحل و مدارج دوران خدمت سربازی خود امور محوله را بدرستی انجام داده‌اند →

این ارزش ۱۱ماه دسامبر سال ۱۹۳۹ باقیماند و در خلال آن مدت یک ایله استرلینگ در بازار سیاه ایران یکصد و بیست ریال و در کشور عراق یکصد و شصت ریال خرید و فروش میشد.

در ماه مذکور مجدداً بهای ریال بجای لیر استرلینگ روی طلا تعیین و تثبیت شد و حالاً ارزش آن ۵۰۰ میباشد و برای تشویق و حمایت از امور بازار کانی فرخ آن با شصت درصد ارزش قانونی تثبیت گردید و معلوم میشود که ایران در فروش کالا و مسائل مالی از محافظه کاری دروغی شرم دارد.

پولهای رایج کشور ایران علاوه بر اسکناس سکه‌ها است که کمتر از پنج ریال ارزش دارد (تقریباً یک شلنگ و سه پنس).

اسکناس در سرتاسر کشور و حتی تمام دهات و نواحی دورافتاده ایران هم قبول و با آن دادوستد میشود.

سابقاً چاپ و نشر اسکناس بموجب امتیازی به بانک شاهنشاهی ایران که یک مؤسسه انگلیسی است و اکنون شده بود اما از سال ۱۹۲۷ این وظیفه بعهده بانک ملی ایران که جدیدآغازیس گردیده است محول شد. این عمل یعنی تأسیس بانکملی و چاپ و نشر اسکناس بوسیله آن بافق نمونه بارزی از استقلال مالی ایران است. اعتبار انتشار اسکناس ایران دو بیلیون ریال است ولی در حال حاضر اسکناسی که بجریان گذارده شده

بسم مدیر کل بانک سپه منصوب شدند و از همان تاریخ فعالیت و کوشش دائمه داری آغاز گردید و نتیجه این شد که در حال حاضر بانک سپه در تمام شهرستانهای کشور شعبه دارد و در همین شهر تهران بواسطه از دیاد معاملات چند شعبه افتتاح شده و سرمایه بانک سپه به چهارصد میلیون ریال ترقی یافته و در سال ۱۳۳۶ پس از کسر ۱۵ درصد اندوخته احتیاط سود ویژه بانک به ۱۵/۴۳۸،۵۵۷،۱۲ ریال بالغ گردیده است. (ترجم)

کمتر از میزان کل اعتبار میباشد .^(۱)

یکی از سیاستهای مثبت مالی کشور ایران آنست که خود را از وامهای

۱ - پس از آنکه از تلاشها و کوشش‌های ملیون که برای تأسیس یک بانک مقدر ملی بعمل میآمد نتیجه گرفته نشد سالها بانکداری و اقتصاد کشور تحت سلطه بانکهای خارجی باقی ماند تا آنکه آرامش سیاسی پدیدار گردید و با رادهٔ اعلیحضرت رضا شاه کبیر و فعالیتهای خستگی ناپذیر ایشان مقدمات تشکیل بانک ملی ایران فراهم گردید . در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران تصویب مجلس رسید و با اینکه بموجب قانون مزبور سرمایه اولی بانک ۲۰ میلیون تومان تعیین شده بود چون وضع مالی دولت اجازهٔ فراهم آوردن این مبلغ را نمیداد وزارت دارائی بزحمت توانست هشتصد هزار تومان با این امر اختصاص دهد بدين ترتیب بانک ملی ایران با سرمایهٔ ناقیز مزبور از تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۷ شروع بکار کرد .

تا سال ۱۳۱۱ بانک ملی ایران صرفاً یک بانک بازرگانی بود و با اینکه بتدریج کارهای صرافی دولت و نقل و انتقال وجوده عمومی با آن محول گردید تأثیر چندانی در وضع پولی و صرافی کشور نداشت ولی چون بموجب موافقی که بین دولت و بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۰۹ بعمل آمد امتیاز نشر اسکناس از بانک مزبور باز خرید شد و بموجب ماده (۵) قانون مصوب اسفند ماه ۱۳۱۰ این امتیاز بیانک ملی ایران واگذار گردید . از ابتدای سال ۱۳۱۱ اسکناس بانک ملی ایران بجريان افتاد و امور پولی کشور بتدریج تحت رهبری این مؤسسهٔ ملی قرار گرفت و در سال ۱۳۱۷ مجلس شورای ملی ضمن تصویب اساسنامه بانک یکی از وظایف اصلی آنرا حفظ ارزش پول و تنظیم سیاست اعتباری کشور اعلام کرد .

از نظر سرمایه بانک ملی ایران متدرج راه ترقی و تکامل را پیمود تا اینکه در سال ۱۳۱۴ سرمایه آن به ۳۰۰ میلیون ریال که ۲۲۶ میلیون ریال آن پرداخت گردید ترقی کرد و بالاخره در سال ۱۳۳۱ مجموع سرمایه بانک که تماماً پرداخت شد به دوهزار میلیون ریال رسید .

یکی از مشکلات مهم تشکیل و گردش این بانک فقدان متخصص بانکی بود و بهمین علت ابتدا عده‌ای کارشناس خارجی استخدام گردید و ریاست بانک نیز بد کتر لیندن بلات آلمانی واگذار شد . بانک موفق گردید که در مدت ←

خارجیان که گرفتن آن مستلزم تابعت از نظر آنان و در واقع یک نوع بندگی است و این کشور از یک قرن پیش گرفتار آن بوده‌های بخشید بهمین جهت است که از آغاز رژیم کمونی تمام ساختمان‌های عمومی مملکت با سرمایه‌های

کوتاهی عده‌ای متخصص تریست کندوچون در سال ۱۳۱۰ بعضی از مستخدمین خارجی از حدود وظایف خود تجاوز کرده و مرتكب اعمالی شدند که متضمن زیان فاحش بانک بود بدین جهت از سال ۱۳۱۱ افراد ایرانی بدریج جانشین مدیران خارجی شدند بطوریکه در حدود سال ۱۳۱۶ بیش از یکی دو تن از آنان در خدمت بانک باقی نماند. کارتریست متخصص بانکی همچنان در بانک ملی ایران تعقیب شد و این مؤسسه توانست از این لحاظ نیز بتوسعه بانکداری ایران وبالنتیجه پیشرفت اقتصادی کشور خدمت شایانی بکند.

بدون تردید باید تأسیس بانک ملی ایران را در دیف بزرگترین خدمات اعلیحضرت رضاشاه کبیر بکشور و ملت ایران دانست زیرا وجود این مؤسسه علاوه بر اینکه در ترقی ایران و تسهیل رشد اقتصادی کشور تأثیر فراوان داشته است از لحاظ سیاسی نیز شایان کمال توجه میباشد . قبل از تأسیس بانک ملی ایران خزانه کشور در موقع بحران مالی ناچار دست نیاز بسوی مؤسسات اعتباری خارجی دراز میکرد و با قبول شرایط سنگینی که حیات سیاسی کشور را در مخاطره قرار میداد وام میگرفت در حالیکه بانک ملی ایران در طول مدت فعالیت خود در موارد عدیده خزانه کشور را از نیاز به یگانه نجات بخشیده و با کمکهای خود توانسته است کشور ایران را از چنین خطری مصون و محفوظ دارد .

تسهیل امور خزانه مملکت ، اعطای وامهای بازرگانی و صنعتی و تشویق تولید ، تهیه مقدمات تشکیل بانک کشاورزی و شرکت در ایجاد بانک رهنی ایران ، اعطای اعتبارات هنگفت برای تأسیس راه آهن سراسری که از آرزوهای دیرین مردم این سرزمین بود ، حفظ موازنۀ ارزی و حمایت بازرگانی خارجی کشود بر اساس منافع ملی و اعطای اعتبارات لازم بمنظور توسعه امور اجتماعی (شهرسازی ، تأسیس کارخانه برق ، لوله کشی ، ساختن خانه‌های ارزان وغیره) از جمله اقدامات و خدماتی است که بانک ملی از بدو تأسیس تا کنون در کشور عزیز ما ایران بعمل آورده است . (مترجم)

داخلی صورت گرفته و کشور ایران دیناری از کشورهای خارجی و منابع مالی بین‌المللی فرض نکرده است.

امور مالی راه آهن و صنایع تحت نظر مستقیم وزارت دارائی و بوسیله
بانکهای مختلف از قبیل بانکملی ایران ، بانک کشاورزی و پیشه و هنر و
بانک رهنی (درماه ژانویه سال ۱۹۳۹ تأسیس گردیده است) اداره میگردد.
در کار بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران در سال گذشته پیشرفت
محسوسي حاصل شد بدین معنی که از مجموع ۹۲,۶۱۱,۱۴۴ ریال وامی
که این بانک داده بود (عملیات مالی این بانک یکصد و پنجاه درصد نسبت
بسال قبل فزونی داشت) مبلغ ۹۸۰,۱۵۳,۹۵۷ ریال برای پیشرفت امور کشاورزی
ومبلغ ۱۵,۷۲۲,۷۳۸ ریال برای پیشرفت امور صنعتی بمصرف رسیده است.

این بانک بیش از چهل شعبه و نمایندگی در سرتاسر کشور دارد و اخیراً هم برای اصلاح امور آبیاری و پیشرفت امر کشاورزی در سمنان، کرمانشاه، بهبهان، فارس و خراسان باقدامات مؤثری دستزده است. بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران از ابتدای تأسیس خود که سال ۱۹۳۳ میباشد تا کنون یکصد و ینچاه میلیون ریال بکشاورزان وام داده است. بانک

رهنی برای بنا کردن ساختمان ها و خانه ها در تهران و شهر های دیگر بمردم
وام میدهد.

بانک سابق روس در حال حاضر تحت نظر دولت ایران بوده و بدعاوی
بانک در گذشته رسیدگی میکند.
یک شرکت بیمه ملی هم چند سال پیش در ایران تأسیس گردیده و
مشغول کار است.

در عرض پانزده سال گذشته مخارج دولت بطور قابل ملاحظه ای
افزایش یافته است که برای جبران آن بمالیات هم اضافه شده و هزینه
زندگی بالا رفته است.

در سال ۴ - ۱۹۲۳ بودجه کل کشور از حیث درآمد ۵،۲۵۰،۰۰۰ لیره و از حیث هزینه ۵،۵۰۰،۰۰۰ لیره بوده است و حال آنکه در سال ۲ - ۱۹۴۱ درآمد کشور به چهل و پنج میلیون لیره و هزینه آن به پنجاه و چهار میلیون لیره رسیده است.

این موضوع را باید در نظر داشت که ایران از کسر بودجه خود و عدم تعادل آن بخوبی آگاه است و این امر را دلیل ترقی و پیشرفت امور کشور میداند و بدین لحاظ ارزیبادی هزینه باک ندارد.

منابع درآمد ایران عبارتست از : حقوق دعوا و اعراض کمر کی صادرات و واردات ، کالاهای انحصاری ، کارخانجات دولتی ، حق السهم شرکت نفت انگلیس و ایران ، سهام دولت در بانک ملی ایران و سایر بانکها ، مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم .

مالیاتهای غیرمستقیم را تمام طبقات میپردازند و چون مردمان کلیه تقاطع و نواحی ایران مشمول پرداخت آن میگردند بدین لحاظ رقم بزرگی را در بودجه کل کشور تشکیل میدهد.

بموجب قانون مالیاتهای مستقیم کسانی که درآمد سالیانه آنها از مبلغ ۲۴۰۰ ریال (سی لیره) کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف میباشند و آنهایی که درآمدشان از مبلغ مذکور بیشتر است به تناسب درآمد سالیانه مالیات تصاعدی میپردازند که تامیزان بیست درصد را درآمد میرسد.

مثالاً کسی که سالی دوازده هزار ریال (یکصد و پنجاه لیره) درآمد دارد باید مبلغ ۲۴۶ ریال (سه لیره و یک شلینگ و شش پنس) مالیات پردازد. از بیشتر کالاهای رسیده به ایران از روی وزن مالیات راه میگیرند. ظاهراً این مالیات برای تعمیر و مرمت خطوط ارتباطی کشور است که از عبور و مرور کامیونها و وسائل نقلیه خراب میشوند اما عملاً قسمت عمده آن صرف هزینه‌های دیگر میشود.

مالیاتهای غیر مستقیم دیگری از نفت و بنزین، شراب، عرق و امثال آن دریافت میدارند.

پرداخت بهای تمبر هم برای کلیه اوراق مورد احتیاج مردم از قبیل شکایات دادگستری و نامه‌هایی که بادارات دولتی نوشته میشود لازم است. وصول مالیات از مردم مملکت بمناسبت تغییر رژیم و تجدید اوضاع دولت فرق کرده است بدین معنی که در زمان پادشاهان سابق و قبل از استقرار رژیم فعلی شاه برای مصرف شخصی و هزینه‌های دربار خود مالیات میگرفت و چون مردم میدانستند که تمامی این وجوه به جیب پادشاه میروند یعنوانین مختلف شانه از زیر بارخالی میگردند و تا جائی که امکان داشت از پرداخت مالیات خودداری می‌نمودند ولی حالا تبلیغات زیادی بین ایرانیان بعمل می‌آید تا اهالی مملکت بدانند و جویی را که یعنوان مالیات بدولت میپردازند برای اصلاح امور خود مردم و عمران و آبادی کشورشان مصرف میگردد.

وصلایح ملت در آنستکه مالیات را تمام و کمال بپردازد.

گرچه این تبلیغات تا کنون آنطوریکه باید و شاید اثرات فابل ملاحظه‌ای نداشته است اما این فایده را دارد که مردم مثل سابق از دست مأمورین وصول مالیات فرازنمی‌کنند.

بزرگترین رقم مخازج کشور ایران را در سالهای اخیر هزینه راه و راه آهن تشکیل داده است که بیش از یک سوم هزینه بودجه کل کشور است و بعد از آن خرج صنایع مملکت را باید نام برد که پس از هزینه راه و راه آهن در خوراکیت است.

در ظرف سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۱ اضافه بر مبالغ منظوره در بودجه کل کشور دو میلیون لیره از اعتبار ذخیره استرالینگ برای مصارف امور مر بوط بارتش اختصاص داده شده است.

اعتبار منظور در بودجه کل کشور برای مصارف وزارتین کشور و فرهنگ هم قابل توجه بوده وارقام بزرگی است.

در حال حاضر در کشور ایران بوم و قرضه‌های ملی داخلی چندان اهمیت نمیدهدند. وام خارجی عمومی هم بطور کلی وجود ندارد.

بمنظور خرید لوازم صنعتی در ماه ژوئن سال ۱۹۳۹ دولت بریتانیا پنج میلیون لیره اعتبار بدولت ایران داد اما بعلت بروز جنگ نتوانست تعهد خود را نجات دهد و روی این اصل دولت ایران هم ناچار شد ادعای خود را مسکوت کندارد.

جدولی که در صفحه ۳۱۲ از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذارد میزان افزایش بودجه کشور ایران را در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۱ بهریال نشان میدهد:

نام وزارت/خانه یا اداره کل	۱۹۴۰-۱۹۴۱	۱۹۴۱-۱۹۴۲
ریال	ریال	ریال
وزارت دربار	۵۲۲۲۶۸۰	۵۲۲۲۶۸۰
مجلس شورای مملی	۹۹۸۵۰۰۰	۱۱۰۸۰۴۷۰
نخست وزیری	۱۰۰۸۰۰۰۰	۱۱۰۰۷۰۰۰
وزارت جنگ	۴۸۴۷۲۹۹۸۰	۵۹۳۱۲۱۵۲۴
ژاندارمری کل	۳۵۶۷۸۴۰۰	۳۵۶۷۸۴۰۰
وزارت کشور	۱۳۱۶۰۷۰۰۰	۱۷۰۴۳۷۸۸۴
وزارت دادگستری	۶۴۰۴۶۰۰۰	۷۸۶۱۰۰۰۰
وزارت امور خارجه	۳۳۴۰۰۰۰	۳۰۷۰۰۰۰
وزارت پست و تلگراف	۷۱۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
وزارت فرهنگ	۱۳۸۸۰۰۰۰	۱۹۴۹۲۰۰۸۰
وزارت بازرگانی	۵۲۰۰۰۰۰	۵۷۰۰۰۰
اداره کل کشاورزی	۷۱۶۱۵۴۷۷	۱۲۱۶۱۵۴۷۷
وزارت دارائی	۱۴۵۶۹۸۳۷۸	۲۶۵۷۸۵۷۰۰
وزارت صنایع	۷۴۴۶۲۰۰۰	۹۹۰۷۸۸۰۰۰
وزارت راه	۹۹۹۱۳۶۸۰۰	۱۰۹۲۱۳۸۰۰۲
هزینه‌های متفرقه	۲۶۷۱۵۳۵۱۲	۶۲۷۱۰۶۶۰۹

۴,۳۲۳,۹۱۱,۶۷۶ ریال ۳,۲۱۰,۹۷۳,۰۲۷ ریال

جمع کل

قیمت‌ها از تورمی که نشانه توسعه و پیشرفت اوضاع اقتصادی است حکایت دارد اما رویه مرفت نرخ ثابت ریال را طوری تنظیم کرده‌اند که قوّه خرید رضایت بخش است.

بموجب گزارش‌های رسمی که در ماه نوامبر سال ۱۹۴۰ انتشار یافت بطور کلی قیمت‌های نسبت به سال ۷ - ۱۹۳۶ چهل و هفت درصد افزایش یافته است و هزینه زندگی هم پنجاه و چهار درصد بالا رفته است.

مزدکار کردن خیلی ناچیز است مثلاً یک کارگر معمولی در جنوب روزی چهار تا پنج ریال (یک شلینگ تا یک شلینگ و سه پنس) اجرت می‌گیرد گوایند که مزدش از کارگران شمال بیشتر است اما بهر صورت تکافوی هزینه‌های زندگیش را نمیدهد.

کارگران صنعتگر در جنوب روزی بیش از سی و پنج تا چهل ریال مزد ندارند ولی در تهران این اجرت تا دو برابر هم میرسد.

در قسمت کارهای دفتری یک‌نفر ماشین نویس و یا کارمند عادی در ابتدای ورود به خدمت دولت ماهیانه سیصد ریال حقوق دریافت میدارد و حد وسط حقوقش بین نهصد تا یک‌هزار ریال می‌باشد.

میزان مزدکارگران و حقوق کارمندان بطور مرتب واجباری بالا می‌رود و مسابقه بین درآمد و هزینه زندگی بهمان طرز اقتصادی حزن انگیزی که در غرب جریان دارد در ایران نیز شروع شده است.

حال این موضوع باقی می‌ماند که بهینیم آیا کارشناسان مالی ایران قادر خواهند بود آنچه را که از اروپا و اروپائیان گرفته‌اند الک کنند و خوب را از بد جدا کرده این مسائل بفرنج اقتصادی را با مفهوم مشترکی حل و فصل نمایند؟

فصل سی و دوم

ترقیات اجتماعی

اثرات عمیقی که اصلاحات امور اجتماعی و ترقیات فرهنگی در کشور ایران ایجاد کرده است در همان برخورداول نظر بیننده را جلب میکند. (۱)

۱- پس از وقایع شوم شهر یور ماه ۱۳۲۰ که اعلیحضرت رضا شاه کبیر استعفا دادند و امور سلطنت را بولیعهد و جانشین قانونی خود اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تفویض کردند مردم ایران بواسطه اثرات ناشی از جنک که دامنگیر عالمیان شده بود سخت دچار فقر و فاقه شدند امراض گوناگون و فقدان مؤسسات مجهز بهداشتی هم از هرسو مخصوصاً طبقه رنجبر و مزد بگیر کشود ما را تهدید برگ میکرد.

در چنین موقعیتی اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تصمیم گرفتند که برای کمل بستمندان و طبقه زحمتکش و در نجديده ایران سازمان مجهزی بوجود آورند و در سال ۱۳۲۶ پس از مطالعاتی که بعمل آمد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تشکیل گردید و برای آنکه علاوه بر توجه مخصوصی که باین مؤسسه عظیم داشتند مسئولیت مستقیم اداره آن هم زیر نظر شخص علاقمند و دلسوزی قرار گیرد. اعلیحضرت همایونی والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی را بسم نیابت ریاست عالیه سازمان منصوب فرمودند که والاحضرت از همان تاریخ با جدیت و فعالیت خستگی ناپذیری مشغول انجام وظایف خطیر خود شدند و تمام مردم ایران از نتیجه این کوشش‌های شبانه روزی بخوبی آگاهند.

بطورقطع هرمسافری که به کشور ایران وارد شود تغییرات زیادی در زندگانی ایرانیان میباید که بکلی با آنچه در فصل گذشته بیان شد مقایرت دارد.

در سال ۱۳۲۷ اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در نوزده ماده تنظیم گردید و برای اجرای آن فرمان همایونی بشرح ذیل صادرشد:

اساسنامه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را که ضمیمه این دستخط و مشتمل بر نوزده ماده و شش صفحه است ملاحظه نمودیم از همین قرار ب موقع کاخ سفید ۲۶ تیرماه ۱۳۲۷ اجرا گذاشته شود.

فعالیت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی روز بروز بیشتر شد و تحت توجهات اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی ریاست عالیه سازمان و والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالیه مؤسسات بهداشتی و فرهنگی و تربیتی در سراسر کشود حتی در اقصی ترین نقاط مملکت افتتاح گردید و بخدمت مردم کمرهمت بست.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از سال ۱۳۲۶ تا کنون تاسیساتی در کشور بوجود آورده و اقداماتی معمول داشته است که مهمترین آنها برای اطلاع خواهند گان گرامی ذکرمیشود:

- ۱- آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی
- ۲- کانون کار و آموزش
- ۳- آموزشگاه بزرگ حرفه‌ای برای هزار نفر شاگرد که نیمی از آنها شبانه‌روزی خواهند بود و شامل کارخانجات: برق، نجاری، آهنگری، اتومکانیک و لوله‌کشی باتمام وسایل جدید میباشد و هفت تن استاد اطربی شی برای تعلیم شاگردان آموزشگاه استخدام شده‌اند.
- ۴- یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی در تجریش
- ۵- درمانگاه و ناهارخوری در سر آسیاب دولاب
- ۶- آموزشگاه تعلیم و تربیت نابینایان
- ۷- بخش درمان کچلی
- ۸- بخش جراحی سوانح و حوادث بیمارستان سینا
- ۹- چهارشنبه‌کمک بمادران و کودکان



این تغییرات عمیق ازدھات و قصاب مملکت شروع شده و بسیارهای کوچک و بزرگ میرسد.

- ۱۰- ناهارخوری با غ فردوس
 - ۱۱- ساختمان دو خوابگاه برای دانشجویان در کوی دانشگاه
 - ۱۲- هشت بیمارستان در نقاط مختلف کشور
 - ۱۳- شصت و دو درمانگاه در نقاط مختلف کشور
 - ۱۴- دو درمانگاه درمان تراخم در «دزفول»
 - ۱۵- پرداخت کمک هزینه تحصیلی بعدهای از داش آموزان و دانشجویان سراسر کشور
 - ۱۶- طبع چهار میلیون و پانصد هزار جلد کتب چهارساله ابتدائی و توزیع رایگان آن بین دانش آموزان تاسال چهارم دبستان در سراسر کشور. و نیز سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی از محل اعتبارات خود و درآمد های مختلفی که دارد در هنگام بروز حوادث و سوانح ناگوار مانند سیل، زلزله و حریق هر بار بهم خود ب مؤساتی که بکمک و مساعدت آسیب دیدگان برخاسته اند و همچنین برای منظورهای مختلف کمک های نقدی مؤنثی کرده است که در اینجا مبلغ کمک و نام مؤسسات و جمعیت ها برای اطلاع خواهند گان گرامی درج میگردد:
- | | |
|--|---------|
| ۱ - جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران | ۴۶۰۰۰۰ |
| ۲ - جمعیت خیریه تریا | ۲۶۳۶۱۰۰ |
| ۳ - بنگاه حمایت مادران و نوزادان | ۲۵۰۰۰۰ |
| ۴ - بنگاه نیکوکاری | ۳۱۸۰۰۰ |
| ۵ - انجمن ملی ایرانی حمایت کودکان | ۴۳۷۵۰۰۰ |
| ۶ - انجمن مبارزه با بیماریهای آمیزشی | ۱۰۲۷۴۰۰ |
| ۷ - جمعیت مبارزه با سل و حمایت مسلولین | ۴۷۴۷۰۰ |
| ۸ - انجمن حمایت حیوانات | ۹۲۰۰۰ |
| ۹ - انجمن حمایت دیوانگان | ۵۰۰۰۰ |
| ۱۰ - انجمن خیریه مرکزی شهر تهران | ۷۷۱۸۵۶ |
| ۱۱ - انجمن پارک شهر | ۱۵۳۵۰ |
| ۱۲ - انجمن حمایت کودکان کرولال | ۱۵۰۰۰۰ |
| ۱۳ - انجمن محلی چاله میدان | ۴۰۰۰۰ |

در شهرهای بزرگ و آباد مانند تهران خانه‌ها و لوازم زندگی مردمان متمول از قبیل مبل و اثاثیه و سایر مایحتاج شبیه اروپائی‌ها است در صورتیکه در استانها طبقات عالی هنوز هم بسبک مردمان قدیم زندگی می‌کنند اما از اخترات جدید مانند: برق، تلفن و رادیو بدشان نمی‌آید.

وضع ساختمان خانه‌های ایران بیشتر تحت تأثیر آب و هواست و در نقاطی که گرما در سایه به ۱۲۰ درجه میرسد طبعاً باید خانه‌ها را مانند نواحی سرد سیر آفتاب کیر درست کرد با درنظر گرفتن این موضوع بیشتر خانه‌های جدید راهم با همان اسلوب قدیم ساخته‌اند بدین ترتیب که چند اطاق مجاور هم‌بنا شده که دیوارهای بیرونی پنجره ندارد و پنجره‌های

۱۴ - پروشگاه جعفری	۱۹۰۰۰	ریال
۱۵ - پروشگاه تقوی	۴۲۹۰۰	«
۱۶ - کمک بآسیب دیدگان اصفهان، سیل زدگان سیستان، حریق زدگان میانه و سیل زدگان رو در سالهای ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ جمعاً ۵۰۰۰۰ ریال	۲۵۰۰۰	«
۱۷ - داروی جذامیان	۱۰۸۰۰۰	«
۱۸ - داروبرای سربندان جابان	۲۶۳۰۰۰	«
۱۹ - داروبرای قریه سیلاخور	۸۲۵۰۰	«
۲۰ - داروبرای حجاج	۶۹۳۰۹۰	«
۲۱ - تهیه لباس برای دانش آموزان بی‌بصاع	۱۳۳۰۵۴۸۰/۵۰	«
۲۲ - کمک به بنگاه اشرف	۱۳۵۸۰۰۰	«
۲۳ - کمک بشعبات سازمان شاهنشاهی در فارس، آذربایجان، اصفهان، بلوچستان جمعاً	۱۷۷۷۰۰	«
۲۴ - تهیه دست و پای مصنوعی	۹۸۲۰۰۰	«
۲۵ - کمک‌های متفرقه	۳۶۷۳۰۰۰	ریال
۲۶ - برای تکمیل وسائل و تجهیزات بخش جراحی سوانح وحوادث بیمارستان سینا	۳۶۷۳۰۰۰	ریال
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی روز بروز بر فعالیت خود در خدمت مردم می‌افزاید و حامی مردمان رنجبر و زحمت‌کش کشور عزیز ما ایران است.		
(متترجم)		

داخل هم با یوان طویلی باز می شود .

این خانه ها حیاط نسبتاً وسیعی هم دارند که حوض بزرگی در وسط آن ساخته اند .

بسیاری از خانه ها سر داب دارد که بوسیله بادگیر هوا بداخل آن می آید .

این اطاق های زیرزمینی در گرمه رین روزهای تابستان خنک میماند و آنهایی که نسبتاً متمول هستند تابستان در این اطاقها یا بهتر بگوئیم در این سر دابها بسرمیبرند . زندگانی مردم فقیر مانند متمولین وسعت ندارد اغلب ازدهاتی ها و کارگران شهری با خانواده خود در یک اطاق زندگی میکنند .

بهداشت تقریباً در میان آنها نیست و تنها چیزی که باعث نجات آنان شده اینست که مجبورند در عرض شبانه روز مدت زیادی از وقت خود را برای انجام کار در خارج از اطاق بسر برند با این وصف جای تأسف است که دولت میخواهد ایلات و عشایر چادر نشین را که لااقل در هوای آزاد زندگی میکنند در خانه های دهاتی که وضعیت آن ذکر شد جای دهد و آنان را از هوای آزاد فعلی هم محروم سازد .

بهر حال دولت تصمیم جدی دارد که ایلات و جادر نشینها را شهری کنند (تا کنون یکصد و پنجاه هزار نفر از ایلات و عشایر را شهر نشین کرده اند) و از نظر این که کارگرهای متوسطهم مایلند خانه داشته باشند معلوم میگردد که عمل دولت در این راه پیشرفت قابل توجهی کرده و با موفقیت رو بروشده است . دولت ایران از این طرز زندگانی کارگران که به چوجه رعایت بهداشت نمی شود راضی نیست و روی همین نظر است که در مجاورت کارخانه های دولتی ساختمان هایی برای سکونت کارگران ساخته اند که از نظر ما

وکارشناسان فنی بازهم معايبی داردولی بادرنظر گرفتن اوضاع کنوئی میتوان گفت که خانه های فعلی از هر حیث بر ساختمان هائی که قبلا در آنها کار گرها سکونت داشتند برتری دارد.

بازارها و دکانهای آن طوری که باید نیست زیرا جلوی دکانها حتی دکانهای خواربار فروشی که کالای آنها مورد حواجع عامه است باز میماند و در خارج تهران شیشه شیئی کمیاب و پرارزش محسوب میگردد.

این حقیقت کاملاً روشن و مسلم است که هر اندازه نسبت به شهر تهران توجه میشود و در تجدد و نهضت آن کوشش های قابل توجهی بعمل میآید همان اندازه هم نسبت به اصلاح استان ها و شهرستان های دیگر ایران غفلت کرده اند زیرا زیباترین خانه ها و ساختمان های بزرگ وجود دید، بهترین مغازه ها و قشنگترین خیابانها و پارکها در تهران دیده میشود.

در شهر تهران مجتمع و محافف مهم ایران تمرکز یافته و در این شهر است که سیاستمداران خارجی، بازیگران معتبر، مهندسین، هنری شیوه های خارجی، طبقات عالی ایرانی، افسران، درباریان وغیره سکونت کرده اند و در آنجا که شهر جدید وزیبا است زندگی میکنند.

در واقع میتوان گفت که محیط شهر تهران یک محیط تقریباً افسانه ای است فقط راه آهن و کارخانجات است که صورتی عملی وجدی باین شهر میدهد.

یک نوع تغییر اساسی در همه شهر های ایران رویداده و این تغییر که با سرعت پیش میرود تغییر لباس است.

در تعقیب علاقمندی جنون آمیز جدید شرقی درباره متعدد الشکل شدن لباسها شاه ایران در سال ۱۹۲۸ دستور اجباری شدن لباس متعدد الشکل

را برای مردان صادر کرد که تا کنون هم بقوت خود باقی است و فقط ملاها از این دستور مستثنی هستند که همان عباو عمame ساق خود را دارند.
در میان ایلات وعشایر ایران که در نقاط دور دست زندگی میکنند هنوز هم آن شلوارهای سیاه کشاد و کتهای نمدی چسبان که یاد کار چندین قرن پیش است دیده میشود.

در هر صورت این جریان که باید آنرا (انقلاب لباس) نامید در سال ۱۹۲۹ موجب شورش گردید و در حال حاضر تقریباً همه جای ایران را فرا گرفته است و در کمتر نقاطی است که خلاف دستور عمل کنند.

کلاه ایرانیان در موقعیکه لباس اروپائی معمول کشت کلاه پهلوی بود که شباهت زیادی به کپیهای فرانسوی داشت ولی این کلاه را میتوان رابط بین کلاه های قدیم و جدید ایران دانست زیرا در سال ۱۹۳۵ کلاه اروپائیها که عبارت از کلاه شاپواست عمومیت یافت بطوریکه اگر هم اکنون یکنفردهاتی ایرانی با کلاه نمدی گرد و قدیمی پازخانه و ده خود بیرون بگذارد فوراً کلاه را زسر او برمیدارند و در جلوی چشممش آنرا پاره میکنند.

کلاه پهلوی هم اکنون همین حال را پیدا کرده است و بسر گذاردن آن برای افراد ملت ممنوع گردیده و فقط خاندان سلطنتی میتوانند در موضع رسمی کلاه پهلوی داشته باشند.

لباس معمولی در بازارا گر او نیفورم نباشد لباس شب با کلاه ابریشمی است با این حال جای مسرت است که عادات و رسوم قدیم ایران کاملاً محو نشده و برای آشنا شدن جوانان و دانشجویان در دانشگاه تهران این موضوع تحت عنوان آثار باستانی تدریس میشود موزه و شعبه مخصوصی هم بنام شعبه (علم و هنر باستانی) در دانشگاه تأسیس گردیده است.

اصلاح‌مهم و بسیار اساسی دیگری که صورت گرفته عبارت از آزادی زنان است که در صورت ظاهر مانند تغییر لباس مردان میباشد.

زنان ایران از چند قرن پیش باینطرف تمام اندام خود را از فرق سرتا نوک پابا چادر سیاهی می‌پوشانیدند و بردۀ تجیب دیگری هم روی صورت میانداختند و بدتر از زن‌های سایر کشورهای اسلامی سرتا پای خود را در لفافی می‌پیچیدند.

زن‌های ایرانی بحدی مقید بودند که فقط ساعت‌های معینی را میتوانستند با این چادر و چاقچور از خانه بیرون بیایند و اصولاً آنها جزء اعضای جامعه محسوب نبودند که این وضع با نهضت جدید بهیچوجه سازگار نبود و طبعاً در همان وهله اول مورد حمله واقع میگشت.

در سال ۱۹۲۶ برای پایان دادن با این وضع نهضت‌هایی بوجود آمد اما همین‌که امان‌الله پادشاه کشور همسایه و هم‌جوار ایران یعنی افغانستان در اثر تجدد خواهی تاج و تخت خود را از دست داد و از سلطنت خلع گردید نهضت تجدد ایران هم متوقف ماند و شاه بنناچار در آن باره رویه حزم و احتیاط را پیش‌کشید.

در سال ۱۹۳۰ زن‌های طبقه عالی ایرانی در منازل خود لباس اروپائی می‌پوشیدند (زنان زرتشتی و ارمنی همیشه بی حجاب بودند و اجازه داشتند که آزادانه لباس پوشند) کارمندان دولت و همه چنین کارکنان سازمانهای دولتی را بطور نیم رسمی تشویق می‌کردند که زنان و دختران خود را لباس مجدید پوشانند.

در سال ۱۹۳۵ این نهضت خیلی تقویت شد بطوریکه آموزگاران دختران دانش آموز دبستانها و دبیرستانها اجازه نداشتند با چادر و روپسته

بمدارس بروند و همچنین افسران ارتش هم نمیتوانستند همراه زن را بسته بیرون بیایند. این رویه ادامه داشت تا اینکه بالاخره روزهشتم ماهزادویه سال ۱۹۳۶ قدم بزرگی برداشته شد.

در این روز که در زندگانی زنان ایران اهمیت بسزائی دارد شاه بدانشسرای عالی رفت تا گواهینامه فارغ التحصیل‌ها را بدهست خود بدانشجویان بدهد ملکه ایران و دو دختر بزرگش که با لباس اروپائی و بدون حجاب بودند همراه شاه بدانشسرای عالی آمدند.

در اینجا نطق پادشاه ایران عیناً درج می‌شود زیرا این نطق تاریخی نمونه‌ای از فکر و صحبتهای ساده و بدون تعارف است. شاه چنین گفت:

من بی‌اندازه خوشحالم زنانی را در اینجا می‌بینم که در نتیجه تحصیل و آموختن دانش آمده‌اند وضع و موقعیت حقیقی خود را به بینند حقوق و منافع خودشان را بهمند.

همان‌طوری‌که خانم آربیت خاطرنشان ساخت زنان کشور ما بعلت کنارماندن از جامعه قادر نبودند استعداد و لیاقت ذاتی خود را نشان دهند. در حقیقت من باید بگویم آنها قادر نبودند وظیفه ای را که نسبت بکشور محبوبشان بر عهده داشتند انجام دهند و با خدمت و صمیمت خود را آن‌طوری‌که باید و شاید بشناسانند اما در حال حاضر علاوه بر حق شخصی مادری میتوانند از حقوق و مزایای دیگر اجتماعی بهره‌مند گردند.

ما نباید تصور کنیم که ممکن است نیمی از افراد ملت را بحساب نیاوریم و یا بعبارت دیگر نباید این نیت را داشته باشیم که نیمی از قوّه‌عاملهٔ مملکت بیکار و عاطل و باطل بماند.

تا کنون آماری از زنها بر نداشته اند مثل اینست که زنان جامعه

جدا گانه‌ای هستند و نباید آنرا جزء جامعه ایران محسوب داشت. خیلی
جای تأسف است که فقط در یک موقع زنان را سرشماری کردند آنهم وقتی بود که
خواربار کم آمد وزنهای را سرشماری کردند تاخورا کشان را تهیه و تأمین کنند
من نمیخواهم در این بازه تأثرات خود را ظهار کنم، من نمیخواهم
اقداماتی را که بعمل آمده و ترقیاتی را که انجام یافته ذکر کنم، من
نمیخواهم در مقام مقایسه برآمده و فرقی میان امر و زمان گذشته فائق شوم،
اما شما زنها باید این روز را که روز سعادت و موفقیت شماست روز بزرگی بدانید
واز فرصتی که بدست آورده‌اید برای خدمت بکشور خود از آن استفاده کنید.

بعقیده من ما باید آنچه میتوانیم برای سعادت و ترقی کشورمان
کار کنیم و استعداد خودمان را برای موفقیت در انجام خدمت باشیم ملت
بکار بریم، ما باید در تعلیم و تربیت افراد ملت کوشانیم. گرچه تعلیم
و تربیت در اثر مساعی کارمندان دولت رو به ترقی است ولی هیچکس نباید از این
حقیقت غافل بماند که ملت کار و قدرت میخواهد و هر کسی باید نهایت سعی و
کوشش خود را بکار برد و برای سعادت و آسایش مردم بهتر و سخت تر کار کند.
شما خواهان و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای
پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه شما
اینستکه برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست
زیرا شما مربیان فرزندان این مملکت هستید و شما باید که باید نسل آینده
را تربیت کنید.

شما قادر خواهید بود که آموزگاران خوبی باشید و برای ماه موطنان
خوب تربیت کنید.

من از شما زنان تحصیل کرده و تربیت شده که از حقوق و منافع خودتان

آگاهید و در راه انجام وظایف خود نسبت بکشورتان قدم برداشته اید انتظار دارم بزندگی کنونی راضی باشید ، در حدود توانائی خودتان کار کنید ، در زندگی روزانه خویش صرفه جو و مقتضد باشید و از اسراف و خرجهای تعجیلی خودداری نمایید .

از همان روز زنان ایران از نظر قانون با مردان مساوی شدند ، حجاب اکیداً ممنوع گردید. هیچ زن چادر بسری نمیتوانست برای خرید مایحتاج زندگی خود بمعازه های شهر برود و همچنین زنان و بسته نمیتوانستند بخیابان بیایند و بابه تا کسی و اتوبوس و در شکه سوار شوند .

بیست و پنج هزار لیره برای مخارج تهیه لباس زنان بی بضاعت اختصاص دادنداما نتیجه های که از این اقدام بدست آمد چندان رضایت بخش نبود برای آنکه زنان طبقات عالی توانستند مطابق آخرین مد (پاریس) لباس بپوشند و بقیه زنها ناچار شدند با آنچه در بازار بدستشان آمد بسازند و احتیاجات خود را مرتفع کنند و با این ترتیب مخلوطی از قدیم و جدید بوجود آمد که از آن حجاب کدر کننده و ملالت بارهم بدتر شد اما در مقابل این اقدام مورد پسند عمومی واقع گردید وزنان جوان آزادی جدید خود را حسن استقبال کردند و فقط عده ای از بیرون زنها محافظه کار از خانه هایشان بیرون نیامدند و بدین وسیله مخالفت و اعتراض خود را اظهار داشتند . در هیچیک از شهرها و نواحی مختلف ایران گزارشی در باب شورش ضد حجاب بمقامات دولتی نرسید و تصور می ورد عدم مخالفت مردم از آن جهت بود که قبل از مینه را با تبلیغات لازم و کافی آماده کرده بودند .

ماهها قبل از رفع حجاب و بعد از آن مطبوعات ایران مقالات متعددی درباره آزادی زنان مینوشتند و دستورالعمل های هم که حاکی از طرز معاشرت

مدلباش ، آرایش موی سرو امثال آن بود درج میکردند و همه روزه عکس‌های متعددی از زنان ورزشکار ، زنان دانشجو ، زنان هنرپیشه و ستاره‌های فیلم وزنان خلبان در روزنامه‌ها بچاپ میرسید .

این قدم مهمی که برای پیشرفت زنان ایرانی برداشته شد در قسمت ازدواج هم بسیار مؤثر بود چون مطابق قوانین اسلامی کلیه حقوق و اختیارات باشوه راست و مردی که بیش از یک زن دارد مجبور است با تمامی آنها یکسان و بدون تفاوت رفتار کند و بین آنان فرقی نگذارد اما طلاق برای مرد آسان و برای زن غیرممکن است .^(۱)

نظر ایرانیان در موضوع ازدواج هیچ‌گاه طبق دستورات اسلامی انجام نمی‌گرفت و ایرانیها در این باب سهل‌انگار بودند و راه خط‌امیر فتند . رسم معمول تعدد زوجات بندرت عملی می‌شد مگر در مورد بخصوصی که ازدواج موقتی بود و در بین شیعیان بنام (متعه) رواج است و ممکن است از یک شب تا مادام عمر ادامه یابد .^(۲)

نویسنده مردی را می‌شناسم که نوزده زن گرفته بود ولی هیچ‌وقت بیش از یک زن نداشت

۱ - شارع مقدس اسلام برای زنهای مسلمان حقوق زیادی قائل شده و تمام افراد مسلمان عالم میدانند که زن مسلمه میتواند در چندین موارد تقاضای طلاق بکند و محاکم هم بنفع اورأی میدهند و همچنین زن مسلمان در هر قسم تصرف دردارائی و مایملک خود آزادمی‌باشد در صورتی که زن ازو پائی بدون رضایت شوهر خود نمیتواند هیچ‌گونه معامله‌ای انجام دهد و شخصیت حقوقی او بکلی از بین میرود . (متترجم)

۲ - در منذهب مقدس شیعه متعه از آن جهت مقرر شده است که مردان از راه راست منحرف نشوند و حقوق زنان مسلمان هم محفوظ باشد زیرا فرزندان زنانی که متعه می‌شوند با فرزندان زنان عقدی فرقی ندارند و از هر حیث باهم مساوی هستند . (متترجم)

تعدد زوجات و ازدواج موقت هر دو علاوه بر دیگر طبقات عالی ایران
واقع نگردید و قوانین سال ۱۹۳۱ و بعد از آن بیشتر موافق ذوق اقلیت است.

برای ثبت صیغه یا ازدواج موقت مراسم خاصی تعیین شد گرچه
صیغه و تعدد زوجات هنوز هم در ایران برسمیت شناخته می‌شود اما اگر مرد
قبل از ازدواج به زن نگوید که زن دیگری دارد و یا بدون رضایت زن بعد از
ازدواج زن دیگری بگیرد زن حق دارد طلاق خود را از مرد بخواهد.

این اقدام اساسی یعنی حق طلاق به زن دادن در همان قدم اول با
مخالفتهای زو بروشد و بمنظور جلوگیری از آن بحیله های قانونی متousel
شدند که از اتهام نفس قوانین اسلامی مبرا باشند بدین ترتیب که مثلاً زن
راد طلاق دادن از طرف مرد و کیل کردن (که در صورت لزوم بدون رضایت
شوهر طلاق بدهد).

معاینه پزشکی وارائه گواهی صحت مزاج در موقع ازدواج برای
زن و مرد هر دو ضروری است.

حداقل سن قانونی ازدواج برای پسران هیجده و برای دختران
شانزده سال است (در بعضی مواقع ممکن است بارضایت والدین ازدواج
پسران در پانزده سالگی و ازدواج دختران در سیزده سالگی صورت کیرد)^(۱)
ولی پیشرفت تعلیم و تربیت و تغییر عقاید عمومی با تبلیغات دامنه دار و مؤثر
دولت بمرأتب بیش از هر قانونی کار خود را انجام میدهد و این تبلیغات وسیع
بطوری در روحیه مردم اثر کرده است که در حال حاضر احساسات عمومی
طبقات عالی (مردمان تحصیل کرده و روشن فکر) با تعدد زوجات و ازدواج پیش
از موقع قانونی به چوجه موافقت ندارد.

۱ - این موضوع منع قانونی دارد و مرتكبین مجازات می‌شوند (ترجم)

یکی از حقوق دانهای ایرانی اخیراً اظهار نظر کرده است که زنان ایران فقط درینچ مورد قانونی با مردان مساوی نیستند.

۱ - هر مردی میتواند بیش از یک زن داشته باشد در صورتی که زن نمیتواند بیش از یک شوهر داشته باشد (در بعضی موارد برای مردان هم محدودیتهای قائل شده‌اند).

۲ - مرد میتواند در هر موقعی که بخواهد زن را طلاق دهد اما زن فقط در بعضی از موارد میتواند از حق طلاق استفاده کند.

۳ - زن کمتر از مرد ارث میبرد^(۱) اما در مقابل زن در موقع عروسی جهاز میگیرد و میتواند هر گونه تصرفی در اموال خود داشته باشد.

۴ - مرد رئیس وادازه کننده خانواده است و طبق قانون زن و بچه - هایش ملکهند از دستورات او اطاعت کنند.

۵ - زن حق رأی دادن ندارد و نمیتواند بسم نماینده مجلس شورای اسلامی انتخاب کردد.

با وجود این زنان ایران که تازه آزاد گشته‌اند با سرعت زیادی در امور اجتماعی کشور خوبش شرکت میکنند.

موقعی بود که زنان فقط میتوانستند با اسم معلمی وارد خدمت شوند و معادل نصف حقوق مردان را بعنوان حقوق دریافت دارند امامت در جا این وضع تغییر کرد وزنهای توانستند طبیب و پرستار بشونند و پس از آنهم برای تحصیل بدانشگاه رفته‌اند، روزنامه نگار و قانون‌دان شدند و عده‌ای هم برای

۱ - طبق قوانین شرع مطهر اسلام که در کشور ما ایران اجراء میگردد و قوانین ارث هم با استناد آن تنظیم و تصویب شده است سهم الارث هر بسری از مادرک پدر دو مقابله سهم الارث دختر است. (متترجم)

تکمیل تحصیلات خود بخارج از ایران عزیمت کردند.

اولین مؤسسه‌ای که زنان ایرانی را بسمت ماشین نویس و ثبات استخدام کردش کت نفت انگلیس وایران بود و پس از آن بنگاههای ملی و سازمان‌های دولتی این رویه را تعقیب کردند بطوریکه در ایران هم مانند اروپا در ادارات زنها از مردها جلوافتادند.

عده‌ای از زنان ایرانی صنعت آموختند و در حال حاضر در بین آنها زنان خلبان هم یافت می‌شوند.

در قسمتهای هنرپیشگی پیشرفت چندانی حاصل نشده است وزنان خواننده و هنرپیشه در ایران بندرت یافت می‌شوند زیرا نهی شدید اسلام در قسمت نمایشات و هنرپیشگی در این کشور بیش از سایر ممالک اسلامی محکم و استوار مانده است ولی بدون تردید این وضع هم چندان دوامی ندارد و مانند سایر موارد مشابه بمروار ایام تغییر می‌آید.

از سال ۱۹۲۸ به زنان اجازه داده شد به کافه‌ها و سینماها بروند و از آن‌موقع تا کنون در کلیه امور اجتماعی شرکت دارند و بطور عادی دراما کن و رستورانهای عمومی غذا می‌خورند و در مجالس رقص شرکت می‌کنند (مقررات مربوط باین امور گاهگاهی تغییر می‌کنند).

فصل سی و سوم

بهداشت و فرهنگ

در سال ۱۹۳۲ کنگره بانوان شرق در تهران تشکیل گردید، ریاست این کنگره را دختر بزرگ شاه عهده داربود. دو سال بعد همین شاهدخت بسمت اولین رئیس باشگاه بانوان ایران انتخاب گردید. باشگاه بانوان ایران در تهران بنای بسیار زیبا و مجللی دارد.

بمحض تشکیل اولین باشگاه بانوان اتحادیه های دیگری هم تأسیس گردید که تماماً بوسیله بانوان اداره میگردید واز آن جمله میتوان بخش (شیر و خورشید سرخ ایران) را نام برد که بمنزله صلیب سرخ اروپائی هاست و در حال حاضر تمام جشن های رسمی باشرکت دختران پیش آهنگ و دختران دانش آموز تشکیل میگردد.

جای تعجب است که آزادی زنان ایران بهیچوجه چیزی از انجام وظایف شوهر داری و مادری آنان نکاسته است.

بموجب قوانین کرخ (Kinder Kirche) و کوخ (Kuchen) و کایندر (Kinder) که در کشور آلمان برای طبقه نسوان کندراندند هیچ زنی حق نداشت وارد خدمات دولتی بشود زیرا در این صورت از وظایف مادری و شوهر داری باز

میماند در کشور ایران این قانون معنادرباره بانوان نافذ است اما طرفداران زن این موضوع را انکار میکنند.

قانون کار که در سال ۱۹۳۸ تصویب رسیده است در عین حال که در امور کارگری اصلاحات قابل توجهی بعمل آورد از کار کردن زنان و کودکان در کارخانه ها ممانعت نکرده است.

در قسمت کار کردن زنها در کارخانه ها چندان اعتراضی نیست زیرا از طرفی کارهای سبک مانند قالی بافی، نساجی و سیگار پیچی و امثال آن بزنان واگذار نمی شود و از طرف دیگر استخدام زنها در کارخانه ها میرساند که با مردان مساوی هستند اما در موضوع استخدام بچه ها این امر قابل توجه است که هنوز هم دختران و پسرانی که کمتر از ده سال دارند در کارخانه های قالی بافی و نساجی استخدام میگردند.

سیاست دولت ایران در این مورد آنست که این گونه امور را متدرج آصلاح کند و باید دانست که اجرای قانون تعليمات اجباری بیش از قانون مخصوص ممانعت استخدام کودکان برای جلوگیری از اینکار مؤثر است و روی همین نظر اکنون دولت از کارخانه ها و مؤسسات خواهش کرده است (اجباری نیست) که کودکان را در سنی که باید به مدرسه بروند بکار نپذیرند. قانون و مقررات مربوط بکارخانه ها از نظر بهداشت عمومی هم بسیار مؤثر است زیرا این قانون مقرر میدارد که هر کارگری قبل از استخدام معاينة پزشکی بشود و گواهینامه صحت مزاج دریافت دارد.

روی هم رفتۀ اوضاع آن قدرها هم که بعضی ها انتظار داشتند بد نیست اما برای بهبود وضع فعلی هم باید اصلاحات زیادی صورت گیرد. در کشور ایران هم اکنون آبله، سل و بیماری های آمیزشی زیاد

است و علت فراوانی آنها درسابق یکی فقر و تنگdestی مردم و دیگری خرافات بود که در حال حاضر دولت با هر دوی آنها جداً مشغول مبارزه است.

باید با این موضوع توجه داشت که مبارزه کنونی دولت با فقر و بیماری و خرافات از آثار رژیم پهلوی است و اینگونه فعالیتها بدستور مستقیم پادشاه و تحت رهبری وی صورت میگیرد.

قبل از وقوع جنگ گذشته^(۱) این وظیفه را سازمانهای مذهبی اروپائی و امریکائی بر عهده داشتند. تقریباً در سال ۱۸۳۰ هیئت مبلغین مذهبی بریتانیا در شهرهای اصفهان و شیراز و یزد و کرمان بیمارستانهای جدیدی ساختند. این بیمارستانهای نوز دایر هستند و بوسیله هیئت مبلغین مذهبی وابسته به کلیسای انگلستان اداره میشوند و رئیس این هیئت مذهبی هم در شهر اصفهان اقامت دارد.

هیئت مبلغین مذهبی خارجی امریکائی هم بزودی چهار بیمارستان در شمال ایران تأسیس کرد و در سال ۱۸۳۵ یکی دیگر از جمیعتهای مذهبی امریکا بیمارستان دیگری در شهر ارومیه یعنی رضائیه فعلی دایر ساخت.

با این ترتیب در حال حاضر امریکائی‌ها در شهرهای تهران، رشت، کرمانشاه، همدان، تبریز، اراک و مشهد بیمارستان دارند^(۲).

اولین بیمارستان ایرانی در سال ۱۸۷۷ دایر گشت و در همان سال یک هیئت پزشکی برای مبارزه با آبله تشکیل گردید. در سالهای اخیر بیمارستانهای شرکت نفت انگلیس و ایران در آبادان و مسجد سلیمان خدمات قابل

۱ - منظور نویسنده جنگ بین المللی اول بوده است. (متترجم)

۲ - البته در موقع نوشتن کتاب این بیمارستانهای اروپائی و امریکائی دایر بوده‌اند ولی در حال حاضر جز بیمارستان صلیب سرخ شوروی بیمارستان خارجی دیگری در ایران نداریم. (متترجم)

تقدیری انجام داده‌اند. شرکت نفت انگلیس و ایران اولین مؤسسه‌ای است که قبل از تصویب و اجرای قانون کارمعاینه پزشکی کارمندان را اجباری و عملی ساخت. در آغاز کار ایرانیان نظر بمحافظه‌کاری و خرافاتی بودن نسبت به بیمارستانهای خارجی مشکوک بودند اما بالاخره فعالیت‌های پی در پی نتیجه‌ای نیکو بخشید و معلوم شد که طبقهٔ متوسط و فقیر بیش از متمولین برای معالجه و مداوای خودشان با آن بیمارستانها مراجعه کرده و موردمعاینه کامل پزشکی واقع شده و معالجه شده‌اند.

دولت جدید ایران از سال ۱۹۲۵ برای بهبود وضع مردم و مصون ماندن آنها از امراض اقدامات جدی خود را برای تأسیس بیمارستانها و توسعهٔ امور بهداشت شروع کرد.

در ابتدا روش فرانسویان را معمول داشتند ولی وجود مؤسسات بهداشتی انگلیسی و امریکائی هم در پیشرفت کار بسیار مؤثر بود. پس از آن اطباء و کارشناسان آلمانی به ایران آمدند و فعالیت خود را شروع کردند.

بیمارستان شاهزاده دارای یکصد و پنجاه تختخواب است که بیماران را برای مداوا در آنجابسته می‌کنند و دارای بخش‌هایی: هر ضشناستی، میکروب شناسی، بیماریهای جلدی و بیماری‌های زنانه می‌باشد.

دودکتر آلمانی باوسایل و افزار آلمانی این بیمارستان را اداره می‌کنند. در هر یک از شهرستانهای ایران در حال حاضر یک بیمارستان دایر شده است و حتی بعضی از بیمارستانها پانصد تختخواب دارد بعلاوه درمانگاه‌های متعددی در سراسر کشور تأسیس گردیده است.

در سال ۱۹۲۳ بنگاه پاستور در تهران افتتاح شد و در سال ۱۹۲۵

بیمارستان زنان دایر گشت و بالاخره در سال ۱۹۳۹ بنگاههای دامپزشکی و سرم‌سازی تأسیس یافت.

در راه‌سرا که کنار دریای خزر واقع شده است و دارای چشممه‌های آب معدنی زیادی است و همچنین در رودهن واخیراً هم نزدیک خرابه‌های شهر ری آسا یا شگاههای ساخته‌اند.

بزرگترین مشکل ایران نداشتن پزشک حاذق و کار آزموده است (تا این اواخر برای هر صد هزار نفری ۲۰۵ نفر پزشک وجود داشت) اما کوشش بسیاری بکار میرود که پزشگان و پرستاران فارغ‌التحصیل کشورهای خارجی را بکار بگمارند و همچنین دانشجویان دانشگاه تهران هم متوجه فارغ‌التحصیل می‌شوند و بخدمات اجتماعی مشغول می‌گردند.

دانشکده پزشگی مشهد هم کمک پزشگ و پرستارانی برای زخم‌بندی بمنظور اعزام به دهات و قصبات تربیت می‌کند.

تمام سازمانهای بهداشتی زیر نظر وزارت کشور است و با دستور و صلاح‌دید رئیسی شهرداری‌ها اداره می‌شوند. (۱)

در اغلب از شهرها بنگاه حمایت مادران و کودکان دایر گشته و خوشبختانه مخالفت شدید سابق در موضوع معاینه زنان از طرف پزشگان مرد مرتفع شده است و در تهران هم یک بنگاه حمایت مادران و یک آموزشگاه پرستاری تأسیس یافته است.

آبله کوبی و تزریق واکسن‌های ضد تیفوئید عمومیت یافته است و بسیاری از مردم حتی ایلات بدی از آن استقبال می‌کنند اما هنوز اکثریت

۱ - بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از نظر اینکه بهداشت عمومی نهایت اهمیت را داشت بر حسب امر اعلیٰ حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی وزارت بهداری تشکیل گردید و بامنظور نمودن رقم بزرگی در بودجه کل کشور این وزارت «خانه باقدامات دامنه‌داری» دست زده است. (متترجم)

مردم ایران از دستورهای بهداشتی مربوط بجلو کیری از بیماریها آنطوری که باید و شاید آگاه نیستند.

در اغلب از شهرها مأمورین بهداشت و اطبای مخصوص وزارت فرهنگ مشغول انجام وظیفه‌اند و کلیه آموزشگاهها بوسیله‌این مأمورین و یا مأمورین بهداریهای محل بطور دقیق بازرگانی می‌شوند.

ضمناً بنگاه راه آهن و معادن و کارخانجات هر یک سرویسهای مخصوص بهداری دارند.

هر مسافری که از خارج بکشور ایران می‌آید از نظر صحی معاینه می‌شود و نیز در بنادر مهم قرنطینه دایراست سازمانهای بهداشتی خیلی دقیق و مرتب کار می‌کنند خیابانها را پاک نگاه میدارند و کوشش زیادی بکار می‌رود که هر شهری بقدر کافی آب آشامیدنی داشته باشد و بمنظور رعایت بهداشت عمومی زباله و کثافت را بخارج از شهر برده و می‌سوزانند تا مردم از بیماریهای کوناگون در امان باشند.

از چندی پیش تا کنون از نظر بهداشت خواربار عمومی تهران مرتباً بازدید می‌شود و بازرگانی‌های دقیقی در این باره معمول می‌گردد.

مرض مalaria که متأسفانه هنوز هم در جنوب ایران شدت دارد مورد مطالعه و اقدام جدی مأمورین مربوطه است و برای جلو کیری از آن اقدامات لازم صورت گرفته که تا اندازه‌ای هم نتایج این اقدامات محسوس گشته و بشمر رسانیده است.

مؤسسات خیریه مانند جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای ساختن بیمارستانها و کمک بسیل زدگان و آسیب دیدگان زلزله و امثال

آنها اعانته جمع آوری میکنند .^(۱)

بنگاههای خیریه دیگری هم مانند بنگاه حمایت مادران و کوکان وزنان باردار و بینوایان خدمات عمومی مؤثری را انجام میدهند

۱ - جمعیت صلیب سرخ که در اثر اقدامات نوع پروردانه خانم فلارنس نای تینگل و آقای هانری دونان بینان گذاری شد در اثر مساعی آقای گوستاو موایه بوجود آمد اولین جلسه خود را در تاریخ نهم ماه فوریه سال ۱۸۶۳ میلادی بنام جمعیت فوائد عامه در شهر ژنو تشکیل داد تا درباره پیشنهاد هانری دونان رسیدگی کند و در همین جلسه که باید آنرا اساس تشکیل صلیب سرخ جهان دانست یک هیئت ۵ نفری که خود هانری دونان و گوستاو موایه هم‌جزء آن بودند انتخاب گردیدند و تمام هم‌خود را بکار برداشتند تا اینکه موفق شدند چند ماهی بعد از تشکیل اولین جلسه کمیته ۵ نفری یعنی در ماه اکتبر سال ۱۸۶۳ کنگره بزرگی با شرکت سی و شش نماینده ۱۶ کشور اروپائی تشکیل دهند و در همین کنگره اولین قرار نامه (کنوانسیون) ژنو نوشته شد ولی حاضرین در جلسه نماینده‌گان رسمی دولتهای متبع خود بودند و حق امضای یک عهدنامه بین‌المللی را نداشتند و بهمین لحاظ در حال بعد شورای دولتی کشور سویس از دولتهای اروپا دعوت کرد که با اعزام نماینده‌گان خود و امضای قرار نامه‌ای که مورد موافقت کنگره بین‌المللی قرار گرفته جمعیت صلیب سرخ را درسیت بدند و در روز هشتم اوت سال ۱۸۶۴ این کنفرانس بنام (کنفرانس دیپلماتیک) در یکی از تالارهای شهرداری ژنو افتتاح گردید و پس از پانزده روز بحث و شورا اولین قرار نامه رسمی ژنو را درباره (حمایت و اصلاح حال سربازان زخمی در میدانهای جنگ) در ده ماده تصویب و امضاء کرد و کمیته بین‌المللی مذکور را ب عنوان پایه‌تشکیلات صلیب سرخ برسیت شناخت که دولت ایران هم در تاریخ پنجم دسامبر سال ۱۸۷۴ متن این قرار نامه را در تهران امضاء کرده است .

علامت مشخصه مؤسسات و جمعیت‌هایی که بر اساس این قرار نامه تشکیل میشند صلیب سرخ بر روی متن سفید بود ولی پس از جنگی که بین صربستان و روسیه بادولت عثمانی در گرفت دولت عثمانی اعلام داشت که بجای صلیب سرخ هلال سرخ استعمال خواهد کرد و روسیه هم‌هیئت علامت را علامت شاخصه مؤسسات و جمعیت‌های خود قرارداد که در سالهای ۱۹۰۶-۷ در مجامع بین‌المللی نیز علامت مشخصه دو کشور مذکور شناخته شد .

(بنگاه حمایت مادران و کودکان بعد از تولد نوءه شاه تأسیس کردید)
 مؤسسه‌ای هم برای نگاهداری بیوه زنان و یتیمان دایر شده است.

در باره جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران باید دانست که دولت ایران تاسال ۱۹۰۶ (هزار و سیصد و بیست و چهار قمری) در هیچ‌یک از کنفرانس‌های بین المللی صلیب سرخ نماینده نداشته است و فقط در سال ۱۸۷۴ در تهران قرارنامه سال ۱۸۶۴ را مضاء کرده است ولی برای اولین بار در سال ۱۹۰۶ نماینده خود را برای شرکت در کنفرانس صلیب سرخ بین المللی به‌عنوان اعزام داشت که از نظر اهمیت متن تلگراف اداره سیاسی هیئت اتصالیه سویس وزارت امور خارجه ایران برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌گردد.

«از برن - هفتم مارس ۱۹۰۶ : بوزیر امور خارجه دولت علیه ایران .
انجمن اتصالیه با کمال افتخار دولت متبوعه آن جناب را بعضیت مجلس کنفرانسی که در خصوص معاهده ژنو در یازدهم ماه ژوئن آتیه در شهر مزبور انعقاد خواهد یافت دعوت مینماید و خواهشمند است که اسامی نماینده‌گان خود را تا آخر آوریل معین نماید . اداره پلی‌تیکی هیئت اتصالیه سویس . فورتی»
پاسخ دولت ایران چنین است : «۲۹ شهر صفر ۱۳۲۴ - جناب مستطاب اجل دوستان استظهار مشق مکرم مهر بانا دوستدار با کمال مسرت اظهار میدارد که دولت علیه ایران دعوت آن دولت جمهوریه را به کنفرانسی که در یازدهم ماه ژوئن آتیه در خصوص مراجعت بمعاهده ژنو در برن منعقد خواهد شد با فرط رغبت پذیرفته و نماینده خود را در کنفرانس مزبور جناب جلالت مآب اجل میرزا صمدخان ممتاز السلطنه وزیر مختار والیچی مخصوص دولت علیه ایران مأمور پاریس تعیین داشته است . محض استحضار خاطر آن جناب مستطاب به نگارش این رسیله دولتی وسیله پرداخته و این موقع را برای تجدید احترامات فائقه خود نسبت بآن جناب مستطاب مقتضم می‌شمارد .
نصرالله مشیر الدوله »

نماینده دولت ایران در این کنفرانس وظایف خود را با جدیت انجام داد و در اثر مساعی او جمعیت صلیب سرخ بین المللی علامت مشخصه این جمعیت را در ایران شیر و خورشید سرخ بر روی متن سفید بر سمت شناخت و در سال ۱۳۰۲ در ایران هم این جمعیت تأسیس خود را باعلام مذکور اعلام داشت



والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیه جمعیت شیر و خورشید سرخ
ایران در لباس مخصوص جمعیت با مدال و بازو بند

روزنامه های ایران مطالب سودمندی در باب بهداشت کودکان و دستورات بهداشتی عمومی برای جلوگیری از بیماریها درج میکنند.

و پس از اقداماتی که بعمل آمد اولین کنگره شیر و خورشید تشکیل و ۲۷ نفر از مؤسسين که در جلسه حضور داشتند به اکثریت آراء هفت نفر را بنام هیئت عامله جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران انتخاب کردند که آنان ازین خود سردار سپه وزیر جنگ (اعلیحضرت رضا شاه کبیر) را بنوان اولین رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران انتخاب و کمیته بین المللی صلیب سرخ هم طی بخششانه شماره ۱۴۲۶ مورخه سی ام ماه مه سال ۱۹۲۶ تأسیس جمعیت را باطلاع کلیه جمعیتهای عضور سانید. محل اولیه جمعیت در خیابان ناصر خسرو جنب دارالفنون در عمارت سابق وزارت فرهنگ دردو و یاسه اطاق محقر بوده است و در سال ۱۳۰۴ اعضای جمعیت در تهران ۴۱۰ نفر بوده اند و از مرداد ماه ۱۳۰۲ تا اسفند ماه سال ۱۳۰۳ در آمد جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران ۱۳۵۸ تومان و شش قران و دو عباسی بوده است. از نظر اهمیتی که این جمعیت داشت رضا شاه کبیر دختر خود والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی را بسم رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران منصوب نمودند و این شاهزاده خانم هم که از مستولیت این امر خطیر بخوبی آگاه بودند با توجهات مخصوص برادر تاجدار شان اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی فعالیت خستگی ناپذیری را شروع کردند و مخصوصاً پس از خاتمه جنگ دوم جهانی که اهالی کشور در نقاط مختلف بواسطه اثرات ناشی از جنگ دچار فقر و فاقه شده بودند هر گاه خشم طبیعت هم گریبان ندید آنان میشد جز جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران پناهی نداشتند از این رو والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی بفعالیت و کوشش های خود برای رفع آلام و مصائب هموطنان مادر موقع لزوم افزودند که در اثر سعی و کوشش فعالیت های پی در پی ایشان در حال حاضر جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در تمام نقاط ایران مؤسسه ای از قبیل: پروشگاه کودکان، بنگاه حمایت کودکان، مهد کودکان، اندرز گاه، بیمارستان و درمانگاه دارد که با نظم و ترتیب مشغول انجام وظایف خود در خدمت به هموطنان گرامی ماهستند و همان طور دیگر خواستند گان ارجمند اطلاع دارند در هر موقعی که خشم طبیعت یکی از نقاط کشور ایران روی آورد و یا مصیبتی دامنگیر هموطنان گرامی ما گردد بلاد رنگ جمعیت شیر و خورشید سرخ ←

بدیهی است که این اقدامات برای روشن شدن افکار عمومی صورت میگیرد تا مردم با دستورات لازم بهداشتی آشنا گردند.

برای سلامتی بدن و بهداشت ملی البته ورزش نفس مهمن را بازی میکند.

ایران باستان در امور ورزش و تربیت بدنی شهرت جهانی داشت امادر سالهای اخربنبلی و خوشگذرانی این وضع را بکلی تغییرداد بطوریکه هر بیننده خارجی از صورت ظاهر چنین میپنداشت که ملت ایران اصليت نژادی خود را ازدست داده است.

بیست سال تاریخ گذشته عکس این تصور را نشان داد با این حال هنوز هم باستثنای ایلات وعشایری که در کوهستانها و هوای آزاد زندگی

ایران به کمک آنان خواهد شتافت و کمکهای مؤثر این جمعیت در حوادث تأثیر آورد زلزله شمال و غرب برای همه روشن است توضیح بیشتری را در این باب لازم نمیدانم.

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای تربیت پرستاران و پزشکیاران آموزشگاهی بنام رضا شاه کبیر در سال ۱۳۳۴ تأسیس کرده که تا کنون ۲۶۶ نفر از این آموزشگاه فارغ التحصیل شده و در مؤسسات مختلف جمعیت مشغول خدمت هستند و همه ساله عددی باش ای ط خاصی برای تحصیل در این آموزشگاه پذیرفته میشوند.

بموجب ترازنامه های منتشره در آمد جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در سال ۱۳۳۴ مبلغ ۷۱،۷۹۴،۵۴۸/۶۰ ریال و در سال ۱۳۳۵ مبلغ ۱۲۷،۸۸۱،۶۶۲/۲۰ ریال بوده است.

باید در نظر داشت که جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران علاوه بر مؤسسات مختلفی که در اینجا ذکری از آنها بیان آمد دو مرکز بسیار مهم و مفید بنام مرکز مبارزه با سلطان در تهران تأسیس کرده است که با آخرین وسائل طبی مجهز بوده و وظایف خود را در خدمت به موطنان مأبغوبی انجام میهند. (متترجم)

میکنند وضع مزاجی ایرانیان چندان رضایت بخش نیست و برای تأمین سلامتی مردم کوشش زیاد و اقدامات جدی لازم است . کشور ایران هم مانند سایر ملت‌های جوان اروپا و شرق بوزشهای بدنی بیش از وزشهای روحی علاقه‌دارد اما اکنون موقع مناسبی است که بین این دو تمایل تعادل عادلانه‌ای برقرار شود .

در سال ۱۹۳۳ اولین قدم برای ترویج ورزش و تشویق ورزشکاران برداشته شد و انجمنی بنام انجمن تربیت بدنی تحت ریاست ولیعهد تأسیس گردید . اتفاقاً خود ولیعهد هم بانواع ورزشها علاقمند است .

انجمن تربیت بدنی ایران تحت نظارت وزارت فرهنگ انواع عملیات ورزشی و پیشاہنگی را ترویج و اداره میکند و در اثر کوشش این انجمن هم اکنون بیش از سیصد باشگاه ورزشی در ایران دایر گشته است و هر یک از مدارس تیمهای فوتبال ، بسکتبال ، والیبال و تنیس تشکیل داده‌اند، همه جامیدانهای ورزش بچشم میخورد و در تهران میدان مسابقه بسیار خوبی ساخته‌اند و روزنامه‌ها نتایج مسابقات را مرتبًا منتشر می‌سازند . البته این قبیل نشایدها در ترویج ورزش اثر مهی دارد و روزنامه‌های ایران علاوه بر انتشار مقالات ورزشی عکس فهرمانان ایرانی راهم با مطالب تشویق آمیزی چاپ می‌کنند .

رژه دانش آموزان مدارس و ورزشکاران در تمام جشن‌های رسمی قسم اصلی جشن را تشکیل میدهد و حتی در بین پیشاہنگان دسته کوه پیمائی هم تشکیل شده و بکوههای ایران رفت و آمد دارند .

نهضت پیشاہنگی از نظر تندرستی و پیشرفت امور ورزش کمک بسیار مهمی است زیرا جوانان در هوای آزاد ورزش می‌کنند و این عمل برای صحت

مزاج و تندرستی آنان کمک شایانی محسوب میگردد.

اولین مؤسسه پیشاهنگی در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد ولی تا سال ۱۹۳۳ که انجمن تربیت بدنی تشکیل گردید پیشرفت چندانی نداشت. در سال ۱۹۴۰ تعداد پیشاهنگان کشور ایران به بیست و یک هزار نفر رسید.

در سال ۱۹۳۹ بموجب مقررات مخصوصی عضویت پیشاهنگی از سال ششم دبستان و تمام کلاسهای دبیرستان برای دانش آموزان اجباری شده است. پیشاهنگان ایران مانند پیشاهنگان انگلستان (پیشاهنگی ایران شباهت تامی به پیش آهنگی انگلستان دارد) بسه طبقه تقسیم شده اند: شیر بچه (که در نظر ایرانیان تعریفی ندارد) پیشاهنگ، جهان بیما. پیشاهنگان از سندوازده سالگی تا بیست سالگی به طبقات سه کانه کفته شده تقسیم میگردند.

پیشاهنگی دختران که در سال ۱۹۳۵ تحت نظر و ریاست دختر بزرگ شاه تأسیس گردید از نظر تقسیم و دسته بندی مانند پیشاهنگی پسران میباشد اما در مواردی چند از پسران متمایز است و جوانترین اعضا این سازمان را جوچه عقاب مینامند.

در فصل تابستان در منظريه واقع در دامنه البرز و در سایر استانها بمنظور آموزش و پرورش سر دسته پیشاهنگی دختران و پسران چادر میزند واردوی پیشاهنگان در نقاط معینی متوجه میگردند.

مرام پیش آهنگی ایران میهن دوستی، رفتار نیک و گفتار نیک است و عقیده دارند که پیشاهنگ باید همیشه آماده باشد. پیشاهنگان ایران با پیشاهنگان بین المللی ارتباط دارند.

در سال ۱۹۳۵ دانشجویان ایرانی مقیم کشور فرانسه در همانجا پیشاهنگی جداگانه‌ای بشکل پیشاهنگی فرانسه تشکیل دادند.

در سال ۱۹۳۷ عده‌ای از پیشاهنگان ایران به جام بوری (Jamboree) کشور هلند اعزام گشتند.

در فصول پیش گفته شد که تا او اخر قرن گذشته تقریباً کلیه آموزشگاه‌های جدید ایرانی بدست خارجیان اداره می‌شد و بنابراین هر گونه پیشرفت و ترقیاتی که در امر آموزش و پرورش از آن تاریخ ببعد مشاهده شود هر بوط به مساعی بی‌ریا و فعالیتهای صمیمانه رضا شاه است.

قبل از برقراری رژیم فعلی قدم‌هائی در این راه برداشته شده بود که اثر مهم آنرا میتوان تأسیس دارالفنون در سال ۱۸۵۲ دانست.

در سال ۱۸۷۳ مدرسه تعلیم زبان‌های خارجه در تهران دایر گشت و در سال ۱۸۷۶ دومین مدرسه عالی دولتی در تبریز تأسیس شد که معلمین ایرانی و خارجی در آن تدریس می‌کردند و متعاقب آن در سال ۱۸۸۳ یک مدرسه عالی نظام در اصفهان و در سال ۱۸۸۶ یک مدرسه عالی نظام در تهران دایر گردید.

در سال ۱۸۹۷ اولین مدرسه دخترانه در چالیس آذربایجان افتتاح شد. در ساز بعد اولین قدم اصلاحی در راه تعلیم و تربیت ملی برداشته شد و سازمانی بنام شورای مدارس ملی تشکیل گردید که در آن رجال روشنفکر معاصر ایران شرکت داشتند و در همان سال ده باب مدرسه از طرف این شورا در سراسر کشور تأسیس یافت و در مدت بسیار کمی اقدامات اساسی در امور فرهنگ مملکت صورت گرفت.

تحصیل در اغلب این مدارس مجانی بود و در بعضی مواقع به شاگردان شام و ناهار هم میدادند.

بطور متوسط هر يك از مدارس ۲۵۰ نفر شاگرد چهارده معلم و يك طبيب داشت.

معلمین در مدت چهار سال خواندن و نوشتن فارسی ، زبان عربی و ریاضیات بشاگردان میآموختند.

لازم است متذکر شویم که در سال ۱۸۹۹ مدرسه عالی دیگری بنام مدرسه عالی سیاسی از طرف وزارت امور خارجه ایران تأسیس گردید و همچنان در سال ۱۹۰۰ مدرسه فلاحت تأسیس یافت که ریاست آن بعهدۀ یک تنفر بلژیکی بود.

نهضت مشروطه در سال ۱۹۰۶ آنچه را که در این باره انجام شده بود تکمیل کرد و سازمانهای آنرا تجدید نمود.

قانون تعلیم و تربیت سال ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ مدارس ملی و دولتی را از یکدیگر متمایز ساخت.

مدارس ملی عبارت بود از مکتب خانه‌ها که در آنجا فقط بداشت آموزان قرآن میآموختند و مدارس قدیمه دینی و مدارس خصوصی که به هزینه هیئت‌های خارجی اداره میشدند.

از آن پس دولت ایران مدارسی به هزینه خود تأسیس کرد و داشت آموزان را از رفتن با موزشگاه‌های خارجی منع نمود البته ممنوع ساختن تحصیل نوآموزان ایرانی در مدارس خارجیان از آن نظر بود که از نفوذ روپهای جلوگیری کردد اما وارد بمدارس عالی خارجیان آزادماند تا جوانان بتوانند به تحصیلات خود ادامه دهند.

برای گذراندن دوره عالی علوم جدید و تکمیل تحصیلات سی نفر از دانشجویان ایرانی به هزینه دولت بهار و پیاعزام شدند و در همان موقع رسماً

تمایلاتی برای توسعه مدارس دختران ابراز شد و بطور یکه آمار نشان میدهد در سال ۱۹۱۱ هفتاد و شش دبستان پسرانه با ۸۳۴۴ نفر شاگرد و چهل و هفت دبستان دخترانه با ۲۱۸۷ نفر شاگرد دو دبیرستان با ۱۵۴ نفر شاگرد و سه مدرسه عالی با ۱۵۷ نفر شاگرد در سراسر کشور ایران دایر بود.

در سال ۱۹۱۹ بود جه آموزش و پرورش ملی دو برابر شد ولی نهضت حقیقی فرهنگ ایران از زمان استقرار دولت رضا شاه پهلوی آغاز گردید که با فعالیتهای شبانه روزی سرانجام توانست بامور آموزش و پرورش کشور خود سرو صورتی بدهد.

در تجدید سازمانهای فرهنگی نظر این بود که امور آموزش و پرورش کاملاً تحت کنترل دولت باشد گرچه آموزشگاههای ملی و خصوصی هم باقی ماننداما از حیث برنامه های آموزشی تحت نظر وزارت فرهنگ درآمدند با این ترتیب که ساختمان آموزشگاههای ملی میباشد مطابق نقشه ای باشد که وزارت فرهنگ آنرا تصویب کند و برای تحصیل داش آموزان مناسب باشد و نکات بهداشتی در ساختن آن کاملارعایت کردو نیز صلاحیت آموز کاران و دبیران را هم وزارت فرهنگ گواهی کند.

برنامه هم البتہ همان برنامه رسمی مدارس دولتی است زیرا شاگردان باید آخر سال در موقع امتحانات نهائی کشور مواد برنامه را متحان بدهند. فارسی، عربی، تاریخ و جغرافی ایران جزو مواد اصلی برنامه دروس مدارس است.

از سال ۱۹۳۲ ببعد نوآموزان اتباع ایران نمیتوانند بمدارس مقدماتی خارجیان بروند و تمام مواد برنامه تحصیلی باید بزبان فارسی تدریس گردد.

برای منظم ساختن مکتب خانه‌ها هم کوشش زیادی شد اما نتیجه رضایت بخش نبود و فقط در مورد بهداشت و نظافت عمل آنها تا اندازه‌ای با موقیت توأم بود.

بتعدادی از این آموزشگاههای خصوصی بشرط اجرای دستورات وزارت فرهنگ کمک هزینه‌های از طرف دولت پرداخت می‌گردد. وزارت فرهنگ ایران که در سال ۱۹۱۱ تأسیس گردیده است از نهاده کل تشکیل می‌باید که مهمترین آنها عبارتند از اداره کل آموزش ابتدائی و متوسطه و اداره کل تعلیمات عالیه.

اداره کل دیگری هم در امور انجمن تربیت بدنی نظارت می‌کند و یکی دیگرهم اداره کل باستان‌شناسی است که اختصاص بامور تاریخی و باستان‌شناسی ملی دارد.

کشور ایران از نظر سازمانهای فرهنگی به‌سی و سه ناحیه تقسیم می‌شود و هر ناحیه‌ای تحت نظر یکنفر رئیس اداره می‌گردد که معمولاً از تهران اعزام می‌شود.

در سال ۱۹۲۲ هیئت بنام هیئت عالی آموزش و پژوهش مرکب از ده نفر عضو از رؤسای و دبیران دبیرستانها و مدارس عالی تشکیل گردید و فعلاً آموزشگاههای ایران عبارتست از کودکستان و دبستان (دردهات در حال حاضر فقط دبستان دایر شده است) دبیرستان و دانشکده.

قاعده‌تاً تعلیمات ابتدائی اجباری است اما عملاً در شهرها بیش از پنجاه درصد کودکان بدستان نمی‌روند بدیهی است که دردهات این عده بمراتب کمتر است.

وضع مدارس نسبتاً خوب است زیرا صندلی و نیمکت و سایر لوازمات

بقدیری که رفع احتیاج کند موجود است و حتی مدارس کتابخانه و کتاب و نقشه هم دارند.

در قوانین مربوط به آموزش و پرورش ابتدا از کودکستان ذکری نشده بود و برای اولین بار در سال ۱۹۱۸ این قسمت عملی شد.

در سال ۱۹۳۳ یک کودکستان دولتی در تهران تأسیس گردید و از آن تاریخ بعده تأسیس کودکستان بطرز کودکستانهای ممالک متصرفی در ایران رواج یافت.

کودکان از چهارتا هفت سالگی بکودکستان میروند و سرگرمیهای سه تا پنج ساعتی روزانه آنان عبارتست از حرکات بسیار ساده و رژیمی، ساختن اسباب بازی کاغذی و مقواوئی، خواندن سرودهای کودکستان و سرودهای فرهنگی، رقص و آموختن بعضی مطالب و اشعار ساده و همچنین الفبای زبان فارسی. کودکان در سن هفت سالگی مشمول قانون تعلیمات اجباری میشوند و باید به دبستان بروند.

دبستانها شش کلاسه است و داشت آموز باید مدت یک سال بر نامه هر کلاسی زا بیاموزد.

تعطیل مدارس طولانی است در نقاط سرد سیر سالی دویست روز و در نواحی گرسیر سالی یکصد و هفتاد روز شاگردان درس میخوانند.

لباس متحدد الشکل شاگردان در سال ۱۹۳۵ تعیین شد و مقرر گردید که پسرها کت و شلوار فالانل خاکستری رنگ و دخترها روپوش خاکستری رنگ بپوشند.

تعداد دبستانهای مختلط اکنون زیاد است و در سال ۱۹۳۵ اولین دبستان مختلط در ایران تأسیس گردید.

برنامه دروس پسران و دختران تا اندازه‌ای باهم تفاوت دارد بدین معنی که پسرها زبان فارسی ، ریاضیات ، تاریخ و جغرافی ایران و کمی هم زبان عربی می‌آموزند و دخترها همین مواد را البته قدری مختصر فرامیگیرند و ضمناً نقاشی و خیاطی هم جزء مواد درسی آنهاست .

کتب درسی بطور کلی از طرف وزارت فرهنگ طبع و نشر می‌شود و همین امر بخوبی می‌رساند که سیاست عمومی دولت درباره فرهنگ اینست که در سراسر کشور آموزش و پژوهش یکسان باشد .

بالارفتن از کلاسی بکلاس دیگر هر ساله الزامی نیست و این موضوع باستعداد دانش آموز بستگی دارد .

در پایان شش سال یا کشیده عادی می‌تواند در امتحانات نهائی شرکت کند و خود را برای ورود به دبیرستان آماده سازد .

هیچیک از افراد کشور نمی‌تواند بدون داشتن گواهینامه دبیرستان وارد خدمات دولتی شوند و مخصوصاً پذیرفتن افراد بخدمات رسمی دولتی حتماً باید با گواهینامه پایان دوره دبیرستان باشد .



فصل سی و چهارم

دبیرستانها - دانشگاه

تعلیمات متوسطه اجباری نیست و اغلب شاگردان پس از دریافت کواهینامه شش ساله ابتدائی مشغول کارهای مختلف می‌شوند .
دوره تعلیمات متوسطه که از سال ۱۹۲۱ عملی گردید شش سال است و پس از طی آن شش سال و قبول شدن در امتحانات دانش آموز میتواند برای ادامه تحصیلات خود بدانشگاه برود (دختران سال آخر رادر کلاس مقدماتی مخصوص ورود به دانشگاه می‌گذرانند) .
برنامه دروس سه ساله اول دبیرستان برای دانش آموزان یکسان است .

پسران و دختران زبان ، ادبیات ، ریاضیات ، علوم ، تاریخ و جغرافی می‌آموزند و به پسران علاوه بر مواد مذکور فیزیک ، شیمی و ریاضیات بیشتری تعلیم داده می‌شود و در عوض دختران خانه‌داری ، بچدداری و خیاطی بیاد می‌گیرند .

اوقات فراغت شاگردان با موسیقی ، بازی و تهیه نمایش می‌گذرد و

منظور اصلی از آموزش و پژوهش ایران بطوریکه از پر نامه تحصیلی داشت- آموزان استنباط میگردد اینست که تمام شاگردان عضو خوب و مفیدی برای همکاری با جتمع باربیا یند .

تعلیمات متوسطه در ایران مجانی نیست وا شاگردان این دوره حق التدریس مختصری دریافت میگردد .

فریزندان آموزگاران و دبیران و کارمندان جزء دولت و محصلینی که بانمرات خوب دوره ابتدائی خود را گذرانده اند در دبیرستانهای دولتی مجانی پذیرفته میشوند .

کواهینامه دوره اول متوسطه نه تنها برای ورود به دوره دوم دبیرستان لازم و حتمی است بلکه برای ورود به آموزشگاههای حرفه‌ای و فنی و همچنین اشتغال بخدمات عادی دولتی نیز ضرورت دارد .

دوره سه سال دوم متوسطه را میتوان دوره تخصصی نامید نظر اصلی از تعلیمات دوره دوم دبیرستان آنست که شاگردان برای ورود به دانشگاه و یا آموزشگاههای عالی دیگری آماده گردند و بهمین جهت دارند کان کواهینامه دوره دوم متوسطه میتوانند در ادارات دولتی متصدی کارهای رسمی بشوند و نیز دانشگاههای کشورهای فرانسه، آلمان و بعضی از دانشگاههای انگلستان و امریکا کواهینامه دوره کامل متوسطه را برای ورود به دانشگاه میپذیرند .

مواد اصلی دوره دوم متوسطه عبارتست از کارهای علمی و هنری، ادبیات (فارسی، عربی، زبان خارجه، تاریخ، جغرافی، فلسفه) و علوم (ریاضیات، فیزیک، شیمی) و یک زبان خارجه .

داش آموزان دوره ادبی دبیرستان میتوانند برای ادامه تحصیلات

خود بدانشکده های ادبیات و حقوق بروند و دانش آموزان دوره علمی در دانشکده های علوم، فنی، پزشکی و یا دانشسرای عالی که دوره مخصوص تربیت دبیران محسوب میگردد پذیرفته میشوند.

دبیرستانهای دیگری هم از قبیل دبیرستانهای تجارت، فنی، صنعتی، کشاورزی، هنرهای زیبا، مذهبی و فلسفی وجوددارند که برای دانشکده های مربوطه و مشاغل فنی جوانان را تربیت و آماده میسازند.

تعلیمات عالیه دختران بیشتر از این نظر است که دبیران دانشمندی برای دبیرستانهای دختران آماده سازند و در روانشناسی و فن تدریس متخصص شوند و یا آنکه با آموزشگاه های پرستاری بروند.

اخیراً آموزشگاهی برای دختران دایر شده است که دوره آن دو سال است و دخترانی که مایل نباشد بدانشگاه بروند در این آموزشگاه مشغول تحصیل میگردند.

برنامه این دوره شامل هنرهای دستی، خانه داری، بچه داری و بهداشت میباشد.

قانون دانشگاه تهران روز سی ام ماه مه سال ۱۹۳۴ بتصویب رسیدو روز بیست و پنجم ماه زوئن اولین نقشه ساختمان آن طرح گردید و روز پنجم ماه فوریه سال ۱۹۳۵ اعلیحضرت شاه اولین سنگ ساختمان دانشگاه را بنانهاد و از همان روز تا کنون هرساله روز اول فوریه را بعنوان جشن تأسیس دانشگاه مینامند و مراسمی با این مناسبت در تمام دبستانها و دبیرستانها و سازمانهای فرهنگی کشور برگزار میگردد.^(۱)

۱ - منظور روز پانزدهم بهمن ماه است که همه ساله در این روز مراسمی بمناسب تأسیس دانشگاه تهران برپا میشود. (ترجم)

ساختمان دانشگاه تهران در اراضی بسیار وسیعی بنا گردید و شامل پنج دانشکده ادبیات، علوم، پزشگی، حقوق و فنی میباشد.

یک دانشکده دیگر بنام دانشکده معقول و منقول ضمیمه دانشگاه تهران است که محل آنرا مسجد سپهسالار قرار داده اند.
ساختمان مسجد سپهسالار در سال ۱۸۸۲ بنداشده است.

هفتمین دانشکده وابسته به دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبای کشور است که اخیراً تأسیس گردید. قسمت اصلی ساختمان دانشکده پزشگی در ماه مارس سال ۱۹۳۷ تکمیل گردید و ساختمان دانشکده حقوق روز پانزدهم ماه مارس سال ۱۹۴۱ با تمام رسانید. سایر بناها باضافه باشگاه و رستوران و محل اقامت شبانه روزی دانشجویان در دست ساختمان است.
کلیه این دانشکده ها کتابخانه های دارند که متجاوز از پانزده هزار جلد کتاب در آنها موجود است و بعلاوه برای چاپ و انتشار کتاب و جزوه های درسی هم وسائل لازم آماده است.

دانشگاه بوسیله هیئتی که از رئیس و نایب رئیس دانشگاه - رئیس ویکی از استادان دانشکده ها تشکیل میگردد اداره میشود.
هر دانشکده ای هم بوسیله هیئتی اداره میگردد که از استادان و دانشیاران تشکیل یافته است.

سازمان دانشگاه تهران از حیث رئیسی دانشکده ها و استادان و دانشیاران و کارمندان اداری جمعاً بیست درجه است.

چند استاد خارجی در دانشگاه ایران تدریس میکنند و اغلب اساتید ایرانی هم تحصیل کرده کشور های خارجی هستند. دانشجویان دانشگاه تهران از تمام نقاط کشور ایران میآیند و بعلاوه از شهرهای نجف

کشور عراق و استانبول کشور ترکیه و عنده‌ستان و اتحاد جماهیر شوروی هم برای تحصیل دانشجویانی بدانشگاه تهران اعزام می‌شوند.
دردانشگاه تهران تحصیل برای دانشجویان بی‌بضاعت مجانية است و عده‌ای هم در قسمت شبانه روزی دانشگاه اقامت دارند.

امید می‌رود که بزودی در استانهای دیگر ایران هم مدارس عالی و دانشگاه دایر گردد. برای دانشکده‌های پزشکی و فنی اهمیت زیادی قائلند. دوره‌داشکده‌پزشکی یک‌سال مقدماتی و پنج‌سال هم دوره تحصیل و عملی است. قسمتهای داروسازی و دندان‌پزشکی هم جزء دانشکده‌پزشکی هستند. دوره دانشکده فنی چهار سال است که در آن رشته‌های شیمی، مکانیک، الکتریک، مهندسی عمومی و معدن‌شناسی تدریس می‌گردد. دوره دانشکده حقوق سه سال است و رشته‌های مختلف آن عبارتست از علوم سیاسی (۱۸۹۹) قضائی (۱۹۰۰) و اقتصاد (۱۹۲۵).

دردانشکده‌های علوم و ادبیات که دانشسرای عالی هم جزء آنهاست بترتیب ده و هفتاد موضوع تدریس می‌گردد.

برای گرفتن لیسانس علوم گذراندن سه ماده و برای اخذ لیسانس ادبیات گذراندن چهار ماده لازم و حتمی است. گرفتن لیسانس هنرهای زیبا پس از گذراندن یکی از سه رشته معماری، نقاشی و یا حجاری است.

آخرین دانشکده وابسته بدانشگاه تهران دانشکده مقول و منقول است که دوره‌آن سه‌سال است و رشته‌های تحصیلی این دانشکده عبارتند از: علوم فلسفی و علوم مذهبی و ادبیات. فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه بارتبه سه بخدمات دولتی پذیرفته می‌شوند. اغلب از دانشجویان ایرانی که قبل از برای گذراندن دوره عالی

تحصیلات خودشان بکشورهای خارجی میرفتند بدانشگاه تهران وارد میشوند اماعده‌ای هم طرفدار رویه سابق هستند.

بطوریکه قبل اشاره شد ازاواسط قرن نوزدهم میلادی کاهی ازواقات دانشجویان ایرانی برای گذراندن تحصیلات بکشورهای خارجی اعزام کشتند و حتی چند نفر دانشجوی دختر هم درین آنان یافت میشد ولی در سال ۱۹۲۹ مقرر گردید دانشجویانی از طرف دولت بکشورهای خارجی اعزام گردند و اعتباری هم که سالیانه مبلغ یک میلیون ریال بود برای اینکار اختصاص داده شد و این برنامه برای مدت هفت سال عملی گردید و هر سالی یکصد نفر دانشجو بخارجه اعزام میشدند.

علاوه بر این وزارت جنگ و سایر مؤسسات دولتی برای کارهای اختصاصی خود دانشجویانی بخارج میفرستادند و افراد ممکن هم پیروی از همین رویه فرزندانشان را برای گذراندن تحصیلات عالی بهاروپا امریکا اعزام داشتند.

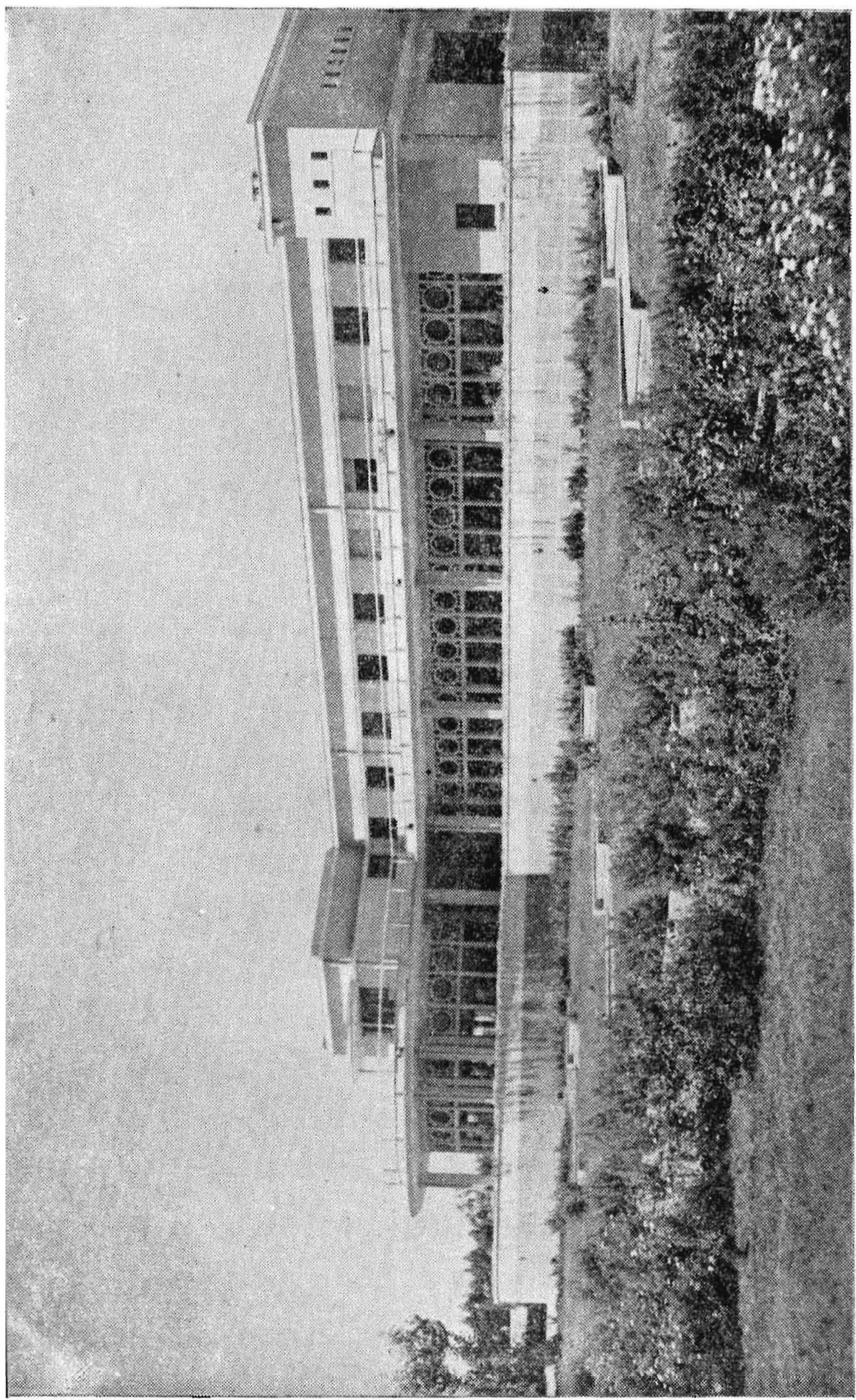
طبق آماری که در سال ۱۹۴۰ منتشر شد از سال ۱۹۲۲ تا سال

۱۹۳۸ سیصد و نود و شش نفر فارع التحصیل از کشورهای خارجی به ایران باز گشته اند و در سال آخر یعنی ۱۹۳۸ چهارصد و پنجاه و دو نفر دانشجو در خارج از کشور مشغول تحصیل بودند که مجموع فارغ التحصیلها و دانشجویان اعزامی دولت وزارت جنگ و افراد ممکن ایرانی به یکهزار و پانصد نفر میرسید.

شرکت نفت انگلیس و ایران هم برای تحصیل فنون و رشته های منوط به صنعت نفت دانشجویانی به انگلستان اعزام داشت.

عده‌ای از دانشجویان ایرانی هم در دانشگاه امریکائی بیروت تحصیل میکرده‌اند که از آنجلمله میتوان استاد فیزیک دانشگاه تهران و رئیس بیمارستان سبزوار را نام برد.

یکی از بناهای دانشگاه تهران



در حال حاضر کشور ایران احتیاج مبرمی بهعلم دارد .
در سال ۱۹۱۸ اولین آموزشگاه معلمين بنام (دارالمعلمين) در تهران تأسیس یافت و نظیر همین آموزشگاه هم بنام (دارالمعلمات) برای بانوان دایر گردید ولی تمام‌هارس سال ۱۹۳۴ که قانون تربیت معلم تصویب رسید این موضوع پیشرفت چندانی نداشت .

به موجب قانون تربیت معلم مقرر گردید که در مدت بیست و پنج دانشسرا در سراسر مملکت تأسیس گردد و در سال ۱۹۳۶ نه دانشسرای پسرانه و دو دانشسرای دخترانه که جمعاً ۶۹۷ نفر شاگرد و ۶۲ نفر معلم داشت دایر گشت و طبق قانون مذکور روز بروز بتعیاد دانشسراه‌ها اضافه گردند بطوریکه در سال ۱۹۳۹ دانشسرای کشور ایران سی و شش دانشسرا برای تربیت معلم بوجود آمد .

بر طبق قانون موزد بحث برای فارغ‌التحصیل‌های دانشسرای امتیازات و مزایائی مقرر شد .

برای وزود بدانشسرای عالی گواهینامه کامل دوره دوم متوسطه و برای وزود بدانشسرای مقدماتی گواهینامه های پائین ترحتی دوره اول متوسطه هم کافی است .

در دانشسرای عالی دبیر و در دانشسرای مقدماتی آموزگار تربیت می‌شود .
دوره دانشسرای مقدماتی دو سال شاگردان آن که به سن بیست سالگی رسیده باشند و فارغ‌التحصیل شوند می‌توانند در دبستان‌ها یعنی آموزشگاه‌های ابتدائی مشغول تدریس گردند .

گواهینامه کمتر از دوره کامل متوسطه برای ورود بدانشسرای عالی که در تهران تأسیس شده و برای دبیرستان‌ها دبیر تربیت می‌کند پذیرفته نیست .

دانشسرای عالی شامل دو دانشکده ادبیات و علوم میباشد و تحصیل برای دانشجویان مجانی است و در سال ۱۹۴۰ هشتاد نفر دانشجوی شبانه روزی در دانشسرای عالی اقامت داشتند.

دانشجویانی که در دانشکده های دانشسرای عالی تحصیل میکنند میتوانند در هشت رشته متخصص شوند و این هشت رشته عبارتند از: زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و چهره ایائی، باستان شناسی، زبانهای خارجی، فلسفه و فن تدریس، ریاضیات، فیزیک و شیمی، علوم طبیعی.

از سال ۱۹۳۶ که مقررات آزادی زنان در کشور ایران اجرا گردید دوشیز گان هم مانند پسران میتوانند در دانشکده های دانشسرای عالی با همان شرایطی که برای دانشجویان پسر موجود است مشغول تحصیل گردند فقط قبیل ازورود بدانشکده یک سال در کلاس مقدماتی تحصیل میکنند و از سال ۱۹۴۰ خانه داری و خیاطی و کارهای دستی مخصوص بانوان ایران به بر نامه تحصیلی دانشجویان زن افزوده شد.

ساختمان زیبای دانشسرای عالی شش جریب مساحت دارد و دارای لابراتوار و کتابخانه و میدانهای ورزشی است.

تاسال ۱۹۴۰ ششصد و دوازده نفر دانشجو از دانشکده های دانشسرای عالی فارغ التحصیل شده بودند و در همان سال ۵۵۰ نفر دانشجو مشغول تحصیل بودند. اشخاصی که از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شده اند تا ده رتبه ارتقاء می یابند و توقف آنان در هر رتبه ای بطور معمول بین دو تا سه سال میباشد و درسن پنجاه سالگی بازنشسته میگردند.

تعلیمات فنی و صنعتی سیر تکامل خود را طی میکند و در این امر از طرف وزارت پیشه و هنر نظارت دقیق بعمل می آید.

در مدارس ابتدائی صنعتی به برنامه های مربوطه چندان توجهی نمیشود و در عوض به شاکردن اینگونه مدارس قالی بافی، نساجی دستی، خاتم کاری، کشاورزی، مبل سازی و نجاری میآموزند.

در مدارس متوسطه صنعتی هنر آموزان وارد یکی از هنرستانهای صنعتی میشوند.

مشهور ترین هنرستانهای ایران هنرستان صنعتی است که دوره آن شش سال است بدین معنی که دانشجو در این هنرستان چهار سال علمی و عملی تحصیل میکند و دو سال دیگر را هم در رشته تخصصی خودش که قبلاً انتخاب کرده است میگذراند.

پس از پایان این دوره هنر آموزان میتوانند به هنرسرای عالی بروند. دوره هنرسرای عالی سه سال ورشته های تخصصی آن عبارتست از ماشین سازی، شیمی، معدن شناسی، فلزشناسی و هنر جو باید پس از طی سه سال دوره تحصیلی یک سال هم در کارخانه های مربوطه عملاً مشغول کار باشد. آموزشگاه های هنری و صنعتی دیگری هم وجود دارند که در آنجا شاکردن قالی بافی، نقاشی، مینیاتور، رنگرزی، صحافی، ساختن اشیاء مذهب، کاشی لعاب، منبت کاری، نساجی و هنرهای جدیدی مانند: نقشه برداری، حجاری، قالی بافی صنعتی، موzaئیک، کوزه گری و معماری میآموزند. هنر آموزان این معلومات را در آموزشگاه هنرهای زیبای تهران فرامیگیرند.

آموزشگاه های مخصوصی برای رنگرزی تأسیس شده است که نخ و پشم ابرای قالی بافی و کارخانه های نساجی و ریسمان ریسی رنگ میکنند، هنرسرای دختران هم یکی از تأسیسات مهم و سودمندی است که در

آنجا دختر ان ايراني هنر های مختلف را فراموش ند.

بنای این هنرستان نمونه بسیار زیبائی از ساختمان‌های جدید شهر تهران است.

آموزشگاههای فنی و اختراعی دیگری هم هست که تحت ناظارت وزارت توانمندی های مربوطه اداره مشوند.

وزارت فرهنگ دوآموزشگاه اقتصاد و تجارت و هنرستان موسیقی
کشوز را تحت نظر دارد.

گواهینامه های صادره از مدرسه اقتصاد و تجارت ارشد پیلم کامل دوره متوسط را دارد و دادا شجویان این دبیرستان میتوانند پس از پایان دوره تحصیلی خود وارد دانشکده حقوق بشوند.

هنرستان موسیقی شاگردان با استعداد را برای فراگرفتن موسیقی میپذیرد و در شش سال اول ابتدائی علاوه بر مواد برنامه‌های معمولی هنرستان موسیقی علمی و عملی هم به آنان میآموزد و در دبیرستان موسیقی محصلین مواد مخصوص موزیک را فرا میگیرند و از سال چهارم رشته تخصصی هنر-آموزان در : ارکستر ، آواز و استعمال آلات موسیقی آغاز میگردد و پس از آن چهارسال هم دوره عالی هنرستان موسیقی است که در پایان هنرآموزان دیپلم عالی موسیقی را دریافت میدارند .

وزارت کشاورزی در کرج دانشکده دامپزشکی و کشاورزی تأسیس کرده است دانشجویان دو یا سه سال در این دانشکده‌ها تحصیل می‌کنند و پس از آن برای فرآگرفتن تجربیات بیکی ازمزارع نمونه می‌روند و در آنجا مشغول خدمت می‌گردند و یا اینکه به تحصیلات خود ادامه میدهند و رشته‌های روانشناسی و فن تدریس را می‌آموزند و در دبستان‌های کشاورزی به نوآموzan درس میدهند.

وزارت جنگک دانشکده افسری در تهران تأسیس کرده است و دانشجویانی که از دبیرستانهای نظامی تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و کرمانشاه می‌آیند در این دانشکده مشغول تحصیل می‌گردند.

دوره دانشکده افسری دو سال و رشته‌های مختلف آن عبارتند از: صنف پیاده، سوار، مهندسی توپخانه و ستاد و افسر فارغ التحصیل بادرجه ستوانی از دانشکده خارج می‌شود.

وزارت توانهای راه، پست و تلگراف و کشور هم بهمین نحو برای خدمت در کادر اداری خود آموزشگاههای اختصاصی دارند.

تحصیل در تمام آموزشگاهها و دبیرستانها و دانشکده‌های اختصاصی مجانی است و حتی بعضی از آموزشگاهها به شاگردان غذا و پول نقدهم برای رفع احتیاجشان میدهند.

برای اطلاع خواهند کان کرامی آماری از پیشرفت‌های امور اجتماعی ایران در عرض پانزده یا بیست سال اخیر در اینجا ذکرمی‌گردد.

در سال ۱۹۴۰ در سراسر کشور ایران ۸۲۳۷ مدرسه مختلف دایر بود که در آنها ۴۹۶۹۶۰ نفر شاگرد مشغول تحصیل بودند و ۱۳۶۴۶ نفر معلم بآنان درس میدادند در صورتیکه تاسال ۱۹۲۲ کشور ایران بیش از ۶۱۲ آموزشگاه نداشت. از ۸۲۳۷ مدرسه فعلی ۱۳۱۶ دبستان و ۲۰۰ دبیرستان و دانشکده دولتی است.

بقیه مدارس را آموزشگاههای اختصاصی و ملی تشکیل داده‌اند. ۲۱۵۰ دبستان و چهار صد آموزشگاه اکابر هم برای بزرگسالان تأسیس شده است.

در سال ۱۹۴۰ تعداد ۱۲۸۴۷ نفر پسر و ۴۹۰۵ نفر دختر گواهینامه

دوره ابتدائی ۶۴۵ نفر پسر و ۴۵۱ نفر دختر کواهینامه دوره متوسطه را گرفتند و همچنین ۵۰۶ نفر دانشجو از زانشسرا و ۴۱۱ نفر دانشجو از دانشگاه ایران فارغ التحصیل شدند در صورتیکه در سال ۱۹۲۲ فقط پانزده نفر دانشجو از آموزشگاههای عالی ایران فارغ التحصیل شده بودند . آمار تفصیلی اوضاع فرهنگی ایران اکنون موجود نیست و ما جدولی را که مربوط به سال ۱۹۳۶ میباشد برای مقایسه پیشرفت و ترقیات اجتماعی و فرهنگی این کشور در صفحه ۳۶۳ ذکر میکنیم .

بدیهی است که از آن تاریخ بعد روز بروز بدستانها و دیگرانهای دولتی اضافه میگردد .^(۱)

در سال ۱۹۴۰ مخارج فرهنگی و آموزشی کشور ایران اعم از دولتی، ملی و مذهبی بر دو تاسه میلیون لیره بالغ میگردید در صورتیکه در سال ۱۹۲۵ هزینه آموزشی همین کشور از یکصد هزار لیره تع加وز نمیگرد .

آموزش و پرورش در ایران برای خرد و بزرگ عمومیت پیدا کرده و نقشه عمومی آنستکه کلیه افراد کشور را باهمیت تحصیل و با سواد شدن متوجه سازند .

۱- آمار فرهنگ کل کشور در پاورقی صفحه ۳۶۴ برای اطلاع خوانندگان
گرامی درج شده است . (متترجم)

معلم	شاگرد		تعداد	نوع
زن	مرد	دختر	پسر	
۷۹		۱۰۰۰	۲۳	کودکستان
۱۳۷۲	۱۸۵۸	۱۴۱۸۶	۴۱۴۰۹	مکتب
۳۷۷۹		۱۱۳۴۳۹	۹۸۲	دبستان دولتی
۲۳۴۷		۶۴۴۰۶	۴۰۲	دبستان ملی
۱۸۰۹	۴۳۳۷	۴۴۳۶۵	۱۳۳۴۸۰	جمع دبستانها
۵۱۶		۷۶۲۰	۶۳	دبیرستانهای دولتی
				دبیرستانهای ملی و
۷۲۱		۷۹۱۵	۱۱۲	دبیرستانهای خارجی
۲۸۰	۹۰۷	۲۹۴۰	۱۷۵	جمع دبیرستانها
۳۰۵		۲۹۳۵	۳۵۳	مدارس مذهبی
۶۲		۶۹۷	۱۱	دانشسراهای
۱۰۸		۱۲۱۶	۱۰	آموزشگاههای فنی
۵۲		۳۱۲	۰	آموزشگاههای عالی
۱۵۱		۱۳۱۱	۰	دانشکده‌ها
				جمع انواع دبستان-
۱۱۳۷۰		۲۵۷۰۵۱	۴۹۰۱	آموزشگاه-دبیرستان و دانشکده‌ها

فصل سی و پنجم

آموزشگاههای سالمندان - تغییر لباس - اقلیت‌ها - مطبوعات

تعلیمات اکابر از سال ۱۹۳۶ در کشور ایران شروع شده^(۱) و بهم ام
دستانهای دستورداده‌اند برای سالمندان کلاس‌های شبانه‌داری بر کنده باین‌منظور

۱- همانطوریکه مؤلف کتاب متذکر شده‌اند این آمار مربوط باش
۱۹۳۶ یعنی سال ۱۳۱۵ شمسی می‌باشد و برای اینکه خوانندگان گرامی
از پیشرفت امور آموزش و پرورش کشور عزیز ما ایران آگاه گردند آمار
فرهنگ کل کشور را در خرداد ماه ۱۳۳۵ که ازو زارت فرهنگ گرفته‌ام ذیلا
درج می‌کنم :

تعداد مدارس

جمع کل	پسرانه	دخترانه	مختلط	نوع
۶۳۶۹	۳۸۶۷	۸۷۶	۱۶۲۶	دستانهای دولتی
۳۶۷	۲۰۳	۱۳۰	۳۴	دستانهای ملی
۶۳۱	۴۷۷	۱۵۴	-	دیبرستانهای دولتی
۱۰۸	۷۲	۳۶	-	دیبرستانهای ملی
۲۳	۲۲	۱	-	دانشسرای مقدماتی
				دانشسرای
۶	۵	۱	-	تریبت بدنی
				دانشسرای
۸	۸	-	-	کشاورزی
← ۴۰				آموزشگاههای حرفه‌ای و درستاتی

که تمام افراد کشور خواندن ، نوشتمن و اطلاعات عمومی و لازم را بیاموزند .
دوره آموزش سالمندان دو سال است و گواهینامه اکابر ارزش

<u>نوع</u>	<u>مخالف</u>	<u>دخترانه</u>	<u>پسرانه</u>	<u>جمع کل</u>
هنرستانها	-	۶	۶	۱۲
کودکستانها				۱۰۳
آموزشگاههای سالمندان دولتی				۳۸۴
آموزشگاههای شبانه ملی				۵۶۶
مدارس قدیمه				۲۳۱
مکتب خانه‌ها	-	۱۹۳	۳۸۴	۵۷۷

تعداد محصلین

نوآموزان دبستانهای				
دولتی	دختر	۲۱۹۵۲۷	۵۲۵۶۲۹	نفر
دو	نفر	۷۴۵۱۵۶		
نوآموزان دبستانهای				
غیر دولتی	دختر	۲۴۸۹۲	۴۶۴۰۳	»
دانش آموزان دبستانهای				
دولتی	دختر	۲۵۲۱۸	۱۱۳۷۱۶	»
دانش آموزان دبستانهای				
غیر دولتی	دختر	۷۲۳۰	۱۹۶۶۵	»
دانشرا				
مقدماتی	»	۱۴۷۶	۱۶۶۳	»
تریتی بدنه	»	۹۸	۱۲۰	»
آموزشگاه حرفه‌ای				
آموزشگاه روسانی				
هنرستانها	دختر	۵۱۰	۱۰۳۵	»
کودکستانها	»	۲۷۵۸	۶۲۴۰	»
سالمندان دولتی				
آموزشگاههای شبانه ملی				
مکتب خانه دختر	۴۵۴۹	۸۸۱۳	۱۳۳۶۲	»
آموزگار زن	۱۰۳۹۳	۲۰۴۹۵	مرد	»
دبیر	۱۱۷۷	۵۲۱۲	»	←

کلاس چهارم ابتدائی را دارد.

هر یک از نوآموزان کلاس‌های اکابر باید درسال نود و شش شب در کلاس درس حاضر شوند.

درسال اول نوآموزان مدارس شبانه خواندن ونوشتن وحساب ساده میآموزند و درسال دوم اطلاعات عمومی بهداشت، حساب، تاریخ و جغرافی ایران و قطعات منتخب نشر ونظم یاد میکنند.

درسال ۱۹۴۰ - ۱۳۳۲ آموزشگاه اکابر درسراسر کشور دایر بود که هر یک از آموزشگاه‌های کلاس داشت و بطورکلی ۱۵۷۱۹۷ نفر نوآموز در این کلاس‌ها مشغول تحصیل بودند.

در این قسمت هم آمار کامل و مفصلی در دست نیست ولی آمار صفحه ۳۶۷ که مربوط به سال ۱۹۳۹ میباشد تاحدی نظر مارا تأمین میکند.

آمار دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های عالی کشور

درسال تحصیلی ۳۵ - ۳۶

دانشگاه تهران	۸۶۳۹	نفر دانشجو	۴۵۷	نفر معلم
دانشگاه تبریز	» ۱۰۱۶	»	۸۴	»
دانشگاه شیراز	» ۴۹۰	»	۵۱	»
دانشکده پزشگی اصفهان	» ۲۳۷	»	۲۶	»
هنرسرای عالی	» ۳۲۳	»	۳۵	»
دانشگاه مشهد	» ۳۶۱	»	۳۶	»
دانشکده کشاورزی اهواز	» ۴۰	»	۱۲	»
آموزشگاه عالی اشرف				
پهلوی	۷۹	»	۱۴	»

و نیز بر حسب امر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی مبارزه با بیسوادی در سرتاسر کشور شروع گردیده و برای اینکه اعلیحضرت شاه علاقه خود را نسبت باین امر مهم نشان دهنده شخصاً چندین کلاس را بازدید فرمودند و به بیسوادان درس دادند. (مترجم)

صورت نوآموزان مدارس شبانه در ایران

از نظر سن

کمتر از ۱۸ سال	۴۳۲۱۸ نفر
۲۵ تا ۱۸	۲۸۹۳۲ »
۳۰ تا ۲۵	۱۹۲۲۲ »
۳۵ تا ۳۰	۱۷۶۲۴ »
۴۵ تا ۳۵	۱۶۸۳۲ »
۵۵ تا ۴۵	۹۰۷۹ »
از ۵۵ بیلا	۲۷۹۶ »

جمع ۱۳۷۷۰۳ نفر

از نظر کار

پاسبان	۳۶۱۴ نفر
خدمتگزاران جزء دولت	۹۵۸۹ »
کاسب	۵۶۰۰ »
بناو عملده	۱۰۶۴۰ »
باربر	۳۱۳۵ »
کارگران و صاحبان مهمانخانه‌ها	۱۴۴۴ »
کشاورز زوده‌هایی	۳۳۶۱۸ »
نانوا	۳۳۱۵ »
قصاب	۲۵۷۸ »
حمامی	۲۴۹۱ »

۳۴۱۹	نفر	نجار و درودگر
۱۱۸۰	»	راننده و میکانیک
۴۸۷۳	»	آهنگر و مسکر
۵۲۳۰۰	»	متفرقه

جمع کل ۱۳۷۷۰۳ نفر

بتعلیمات مذهبی نسبتاً کمتر اهمیت میدهند و بیشتر با موراخلاقی و مخصوصاً اظایاف ملی و میهنه توجه شده است. در تمام عملیات رژیم جدید این رویه نسبت به مسائل و امور مذهبی که جنبه خرافاتی دارد مشهود است. هم اکنون اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و در این کشور تعداد شیعیان چهارده میلیون نفر است و تعداد سینیان هشتصد تا نهصد هزار نفر میشود که اغلب قبایل ایلات و عشایر کرد هستند که در شمال غربی ایران زندگی میکنند. تعداد کلیه ایرانیان غیر مسلمان از یکصد و پنجاه هزار نفر بیشتر نیست. نقشه رژیم فعلی آنستکه حتی المقدور خرافات را از دین سوآکند و مردم را بحقابق امر متوجه سازد و روی این اصل بجای اینکه مستقیماً بدین اسلام حمله‌ای بشود در ضعیف کردن روابط مردم نسبت بعقاید خرافاتی کوشش بعمل میآید.

موقعی شاه ایران تصمیم داشت بپیروی از روش ترکیه حکومت کشور خود را حکومت (عرفی) معرفی کند اما احسان کرد که با مخالفت شدید ملاها روبرو خواهد شد و بنناچار از این تصمیم منصرف گردید.

باید دانست که نفوذ ملاها مسلمان برای اصلاحات اساسی و پیشرفت امور اجتماعی و اتحاد ملت مانع بزرگی است. ملاها این نفوذ را بیشتر از آن جهت بدست آورده‌اند که اطلاع و بصیرت در امور را منحصر بخودشان کرده‌اند وala این موضوع ارتباط چندانی با قدرت روحانی آنان ندارد.

روی این اصل بود که رژیم جدید در صدد برآمد متدرجاً نفوذ بیجا و بیمورد ملاها را بکلی ازین ببرد کرچه قانون اساسی کشور ایران بارعاایت کامل قوانین اسلامی تدوین و تصویب شده است و قوانین عادی کشوری هم‌طوری تنظیم کردیده که مخالف با مقررات اسلامی نباشد و تبلیغات ضد اسلام بکلی ممنوع گردید و حتی خود شاه هم به زیارت قم، کربلا و نجف رفت اما باید دانست که در سال ۱۹۳۰ بواسطه تعمیم فرهنگ و حذف بعضی مواد مذهبی از برنامه‌ها که برای محصلین اجباری بود و محدود ساختن لباس روحانی و تغییر شکل مقدار زیبادی از نفوذ ملاها کاسته شد.

تصمیم اخیری که برای ملی ساختن موقوفات اتخاذ گردید سیاست عاقلانه شاه را نسبت با اصلاحات امور مذهبی تأیید میکند اما برانداختن نفوذ ملاها که مانع ورادع بزرگی برای اصلاحات امور اجتماعی و اتحاد ملت بودند بمراتب مهمتر از این موضوع بوده است.

در سال ۱۹۳۵ تعزیه خوانی که یکنوع بازی بود و آن جنبه مذهبی داده بودند ممنوع گردید و اندکی بعد از آن در مسجد‌های تاریخی اصفهان برای ورود مردم باز شد مسلمان و غیر مسلمان مانند هم از مساجد دیدن میکردند.

در این روزها کمتر کسی است که در کشور ایران در جاهای عمومی نماز بخواهد. اتحاد شیعه و سنتی که با ازدواج ولی‌عهد ایران بوجود آمد ثابت میکند که در مقابل منافع ملی اختلافات کوچک و بی اهمیت مذهبی به وجوده ارزش ندارد.

رویه معلوم و آشکار دولت اعلیحضرت پادشاه ایران در امور جاری مملکت تأثیر زیادی در عقاید عمومی بخشیده است. ما در ضمن مطالعه و

بحث درباره تاریخ ایران دیدیم که چگونه فرهنگ و تمدن این کشور بر افکار تحمیلی و عارضی از طرف خارجیان غالب می‌آید.

هر چند در موضوع افکار اسلامی جریان عمل تاحدی بطول انجامید اما آنطوری که بنظر میرسد در این راه هم فعالیت‌های شروع شده است. عقاید آزاد متدرجًا متوجه فلسفه مذهب باستانی زرتشت می‌شود و حتی بعضی از افرادی‌ها معتقد هستند که بواسطه ظهور و پیدایش اسلام و از میان رفتن مذهب زرتشت فرهنگ حقيقة و ملی باستانی ایران ازین رفته است.^(۱)

وضع و افکار جدید سبب شده است که بین مردم ایران مسلمان و زرتشتی همکاری و اتفاق نظری حاصل گردد بطوریکه در همین ایام یکی از شاهزاده خانم‌ها جوانز مدرسه زرتشتیان را با دست خود بدانش آموزان داد و بطور کلی می‌توان گفت که در اصلاحات امور اجتماعی مانند ممنوع ساختن حجاب بانوان و امثال آن عقاید زرتشتی بیش از افکار اسلامی رعایت می‌گردد. از طرف دیگر آئین بهائی در کشور ایران مورد تنفر و بلکه تحت تعقیب است اما احتمال می‌رود که عده زیادی از بهائی‌ها بطور مجرمانه در این کشور زندگی می‌کنند ولی باید باین موضوع توجه داشت که رویه مربوط به مذهب را نمی‌توان نشانه افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی ایران دانست زیرا آمال و عقاید جامعه ایرانی امروز از اشرافیت و وطن دوستی و ملت پرستی دوره هخامنشی سرچشم‌می‌گیرد و این نوع احساسات در کشور ایران امروزه به نیرومندی احساسات ملت‌های اروپا است.

از هر فرصتی برای برتری دادن دولت در مقابل افراد استفاده می‌شود و دیه کاری منافع ملی را بمنافع فردی ترجیح میدهد و هر چیزی را که

۱ - این عقاید بهیچوجه درست نیست . (مترجم)

باعت تفرقه و بروز اختلاف باشد از بن میبرند و روح وحدت و یگانگی را در بین ملت تقویت میکنند.

در عین حال که بدعوهای مذهبی موافق با روح ملیت را محترم شمرده و روح عقیده و ایمان را در افراد ملت تقویت میکنند از مذهب غیر اسلام وغیر ایرانی تنفردارند و ادیان دیگر را شدیداً مودتی مهری قرار داده اند. ارمنیها و آسوریها و یهودیها اگر تحت تعقیب قرار نگیرند میتوان کفت که مسلمان محبوبیت همگانی ندارند.

تشکیل باشگاه و اجتماعات اقلیت ممنوع است (کرچه هنوز به سازمانهای مذهبی آنان دست نزده اند) و هر چند افراد اقلیت‌های مذهبی از بیکاری و ناتوانی در زحمت نیستند اما چنین بنظر میرسد که به آنان مقامات و مشاغل مهمی واگذار نمیشود.

در کشور ایران ارمنی‌ها بیش از اقلیت‌های مذهبی دیگر گرفتارند زیرا در سابق آنان کارهای اداری دولتی داشتند و با مشاغل آزاد دیگری آشنا نبودند ولی اکنون که بخدمات دولتی پذیرفته نمیشوند بطور قطع در زحمت هستند.

ارمنیها از لحاظ اینکه بمراام کمونیست و ایجاد انقلاب تمایل دارند همواره مورد سوء ظن واقع گشته اند و این سوء ظن شاید تا اندازه‌ای هم بدون دلیل نباشد ولی در هر صورت نظر آن نیست که ارمنیها را بطور کلی طرد کنند بلکه میخواهند آنان هم افراد مورد اعتماد جامعه آرام ایرانی باشند. در کشور ایران این نوع احساسات نسبت بعموم خارجیان وجود دارد.

ایرانیان از هیئت‌های مذهبی خارجیان که بیشتر هم خود را در پیشرفت امور بهداشتی و فرهنگی صرف کرده اند هیچ‌گونه آزاری ندیده اند اما در امور

تجارت و اقتصادی سودی عاید ایران نشده و ملت ایران از عملیات هیئت‌های مربوط باینکار دلخوشی ندارد.

افسران ارتش و کارمندان رسمی دولتی ایران از معاشرت و آمیزش با خارجیان (مخصوصاً هیئت‌های سیاسی) محروم هستند و سایر افراد هم از آن پیروی می‌کنند.

درین ملت ایران سوء ظن شدیدی ایجاد شده است که خارجیها با نظر تمسخر به ایرانیان مینگرن و بهمین جهت مردم و مطبوعات منتظرند که انتقاد و یا اشاره ساده‌ای از خارجیان ببینند و شدیداً با آن اعتراض کنند. با تمام وسائل این وجهه ملی تقویت می‌شود.

ایجاد پرچم جدید و سرود ملی و لغو القاب و عنوانی که در قرن نوزدهم میلادی مورد علاقه اشراف ایران بود و معمول ساختن کلمه ایران درین خارجیان بجای کلمه پارس نمونه‌ها است از فعالیت و تبلیغات خستگی ناپذیری که برای شناساندن کشور ایران بمالک خارجی و خارجیان آغاز گردیده است.

برای روشن شدن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات مردم در ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ انجمن هدایت افکار در کشور ایران ایجاد گردید.

انجمن هدایت افکار از نماینده‌گان دانشگاه و سازمان تعلیمات اکابر و تشکیلات پیش‌آهنگی و سانسور مطبوعات تشکیل یافته و مأموریت دارد که با انتشار مقالات سودمند، جزووهای خواندنی و کتابهای مفید و تنظیم برنامه‌های وسیع سخنرانی در سراسر کشور و ایجاد نمایش و نشان دادن فیلمهای مفید و ایراد گفتار در رادیو و نواختن موسیقی‌های متنوع و سرود ملی و خلاصه کلیه وسائل کوناکون فرهنگی روح ملیت ایرانی را تقویت کند.

دونمونه ذیل از برنامه سخنرانیهای تهران سیاست تبلیغاتی دولت را بخوبی نشان میدهد.

دوشنبه - وظایفی را که جوانان در عصر حاضر بر عهده دارند.

سه شنبه - چگونه پزشک خود باشید . مبارزه بر علیه خرافات و موهم پرستی .

چهارشنبه - وفاداری بشاه و میهن .

پنجمین - وظیفه‌ای را که افراد ملت در راه ترقی و موفقیت کشور بر عهده دارند . اولین کمک قبل از رسیدن پزشک .

چهارشنبه - کشاورزی .

ورود به مجالس سخنرانی برای تمام افراد ملت آزاد و مجانی است در سال ۱۹۴۰-۴۱ بیش از هفت هزار بار جلسه سخنرانی تشکیل گردید که یک میلیون و پانصد هزار نفر در این جلسات حضور یافتدند .
باید توجه داشت که اصرار بتقویت روح ملی و زوشن کردن افکار مردم از اهم مطالب است وسعی و کوشش زیادی بکار میرود تا افراد ملت نادان و بی اطلاع نباشند .

روز بیست و نهم ماه ژوئن سال ۱۹۴۰ اعلیحضرت پادشاه ایران در حضور روزنامه نگاران و مدیران جراید نطقی ایراد کردند و گفتند (چون ممکن نیست ایران از حوادث جاری جهان بر کنار بماند لذا نه تنها باید ایرانیان را از حقایق مربوط باوضاع جاری جهان و ملیت خود آگاه ساخت بلکه باید بآنان کمک کرد تا از حقیقت مطالب آگاه شده و خود آنچه را که برای مردمان امر و زی لازم است بفهمند) .

مطبوعات ایران جداً سعی دارند طبق همین دستور رفتار کنند .

گرچه راجع بامورداخلي تفسيرهای زیادی نوشته میشود کاهی هم با کمال احتیاط مقالاتی درباره اوضاع وحوادث بین المللی انتشار میدهدند اما با وجود تمام اينها بيشتر نويسندگان ترجیح میدهدند که بدون ايجاد مزاحمتی برای خودشان يك سلسله تلگرافهای خشک آزانسهاي خارجي را در نهايت پيطرفي انتشار دهند و مقالات مهم و برجسته را از مطبوعات و مجلات اروپائي ترجمه کرده و منتشر سازند.

البته منابع خبروذ کر نام روزنامه ومجله‌اي که اخبار و مقالات را از آنها ترجمه کرده‌اند باید معلوم و مشخص باشد.

تمام اخبار را نمایند کان خبرگزاری پارش که يکی از سازمانهای دولتی است به ران مخابره میکنند بنابراین سانسور کالیه خبرها بدون هیچگونه اشكالی صورت میگیرد با اين وصف پیشرفت و ترقی مطبوعات ايران عجیب بمنظور میرسد.

در سراسر کشور ايران سیصد روزنامه و مجله بطور روزانه، هفتگی و ماهیانه انتشار میابد و هر چند اغلب از آنها عمرشان خیلی کوتاه است اما بزودی جای خود را بنشریه دیگری میدهدند.

در هر شهری لااقل يك نشریه یافت میشود و بهمین لحاظ چاپخانه هم در شهرها و استانها دایر کرده‌اند و بطوری در این راه پیش میروند که حتی در اروپا هم اینگونه پیشرفتها دیده نمیشود.

البته تیراژ روزنامه های ایران کم است و حتی روزنامه اطلاعات و یاروزنامه ایران که در سراسر کشور خواندن دارند روزی پانزده هزار نسخه بيشتر چاپ نمیکنند.

این روزنامه‌ها دست بدست میگردد و در کافه‌ها و بازار با صدای بلند
آنها را میخوانند. (۱)

این روزنامه‌ها صفحات زیادی ندارند مثلاً روزنامه ایران در چهارصفحه منتشر میشود در صفحه اول سرمهاله و تفسیر اخبار و خبرهای داخلی در صفحه دوم و سوم تلکر افهای خارجی و بعضی داستانهای مورد علاقه خوانندگان و چند آگهی چاپ میگردد و صفحه چهارم هم مخصوص آگهی‌های تجارتی و آگهی‌های متفرقه است.

دولت در امور مطبوعات چندان نظارتی ندارد و همین قدر که دارندۀ امتیاز صلاحیت علمی و اخلاقی داشته باشد میتواند روزنامه و یا مجله خود را انتشار دهد و در عین حال اداره سانسوره ر وقت که مقتضیات ایجاب کند میتواند در مندرجات جراید بازرگانی بعمل آورد و در صورت اقتضا فوری دستور توقيف روزنامه و یا مجله‌ای را بدهد.

بعضی از وزارتخانه‌ها مانند وزارت فرهنگ، وزارت جنگ، وزارت کشاورزی، وزارت پیشه و هنر مجله مخصوصی دارند که همه ماهه انتشار مییابد و نیز چند مجله مصور فرنگی دیگری هم منتشر میگردد که کم و بیش معروفیت دارند.

۱ - نظر مؤلف کتاب درباره روزنامه‌ها و مجلات ایران مربوط به سال ۱۹۴۱ میلادی یعنی ۱۳۱۹ شمسی است. (ترجم)

فصل سی و ششم

رادیو - سینما - آثار باستانی

رادیو در کشور ایران بتازگی بوجود آمده و در ماه آوریل سال ۱۹۴۰ ولیعهد ایران دستگاه فرستنده رادیو تهران را افتتاح کرد و انتظار می‌رود که بزودی در تمام استانهای کشور دستگاه‌های فرستنده دایر و مشغول کار گردد و البته تاکنون در بعضی از نقاط در این باره اقدامات لازم معمول شده است.

بر نامه رادیو ب شباهت ب مندرجات روزنامه‌ها نیست البته قسمت اعظم وقت رادیو بنواختن موسیقی ایرانی و قطعاتی از موسیقی غربی اختصاص دارد و منظور اصلی دولت ایران از تأسیس رادیو آنست که وسیله‌آموزش عمومی باشد و از این‌رو اغلب اوقات مقالات اقتصادی و فرهنگی و صنعتی در رادیو خوانده می‌شود.

از آغاز جنگ دوم جهانی تاکنون ایرانیان وسیله‌ای نداشتند تا بتوانند واقعی و حوالث جهان را ب زبان خودشان بشنوند و بهمین جهت طبق آمار موجود در سرتاسر کشور ایران بیش از پنج تا شش هزار دستگاه رادیو وجود نداشت اما اخیراً دولت برای ورود دستگاه‌های گیرنده تسهیلاتی

قابل شده و بلند کوهائی هم در میدانهای عمومی تهران و سایر شهرستانها نصب کرده است تا تمام مردم بتوانند از برنامه‌های رادیو تهران استفاده کنند. سینما از مدتها پیش در کشور ایران بوده است و مشتریهای سینما بمراتب از مشتریان کافه بیشتر است.

شهر تهران دوازده سینما دارد و در سایر شهرها هم برای استفاده مردم سینما دایر کرده‌اند.

اکنون که کشورهای جهان در حال جنگ هستند بیشتر فیلم‌ها را از امریکا و آلمان می‌آورند اما قبل از جنگ فیلم‌های انگلیسی و فرانسوی هم در ایران شهرت داشتند.

این‌که می‌گوئیم فیلم‌های انگلیسی و فرانسوی شهرت داشتند البته تعبیر نسبی است زیرا آنطوری‌که باید و شاید ایرانیان بسینما نمیروند شاید هم این اشکال برای ندانستن زبان باشد اما خلاصه مطالب هر فیلم را بزنان فارسی روی فیلم مینویسند.

به حال ایران تاکنون نتوانسته است استودیوهای فیلمبرداری دایر کند و فیلم‌های ایرانی ببازار بیاورد^(۱). طبق مقرراتی که در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ وضع گردید بچه‌های کمتر از هفت سال نمی‌توانند بسینما بروند و آنهایی هم که سنهان بین هفت تا شانزده سال است اجازه دارند فقط روزها

۱ - این کتاب را مؤلف در سال ۱۹۴۱ نوشته است که در آن موقع ما هنوز استودیوی فیلمبرداری نداشتیم ولی اکنون استودیوهای متعددی در کشور ما بوجود آمده و فیلم‌های ایران در مالک دیگر هم در معرض نمایش گذارده می‌شود و مخصوصاً در مالک عربی خواستاران زیادی دارد و نیز در حال حاضر همین شهرخودمان تهران چهل و پنج سینما دارد که همه روزه سه نوبت فیلم‌های مختلف را در معرض نمایش می‌گذارند. (متترجم)

بعضی از سینماها بروند که مقامات فرهنگی و پلیسی فیلمهای را که نمایش داده میشود قبلاً کنترل کرده باشند و دیدن آن فیلم‌ها را از نظر اخلاقی برای اطفال مفید تشخیص بدھند. (۱)

با این وصف سینما نمیتواند جای کافه‌ها و قهوه‌خانه‌های ایران را بگیرد در دهات و شهرهای دور دست قهوه خانه‌مرکز اجتماعات و پخش خبرهاست زیرا راه‌دادگان اتوموبیلهای سواری و اتوبوس و همچنین شورهای کامیون برای استراحت خودشان و تعمیر وسائل نقلیه در قهوه خانه‌های بین راه توقف میکنند و خبرهای تازه را که در شهر شنیده‌اند به مردم میگویند. در این قهوه خانه‌ها چای شیرین بدون شیر در استهانهای کوچک می‌نوشند و برای طالبین عرق هم موجود است و هر کس مایل باشد دستور میدهد برایش میآورند.

کافه و رستورانهای تهرانی شبیه کافه و رستورانهای اروپاست و در این شهر کافه‌های هم وجود دارد که هنرپیشگان آنها از احوالی اروپایی مرکزی هستند و این هنرپیشگان در بین افسران ارتش و کارکنان دولت شهرت زیادی دارند اما در باره عقاید خارجیان مقیم کشور ایران نسبت با آنان باید ساکت ماند. رقص عمومی در ایران هنوز هم پسندیده نیست ولی در عین حال در باشگاهها بعضی از مجامع رقص عمومی آزاد است. در تهران چند باشگاه

۱ - این مقررات برای اطفال بسیار بجا و بمورد بود زیرا حالا والدین بچه‌ها از دست آنها به تنگ آمده‌اند و چون دیدن تمام فیلم‌های برای کودکان خوب نیست در اثر مشاهده مضرات زیادی وزارت کشور مجبور گردید قبلاً فیلم‌ها را کنترل کند و دیدن بعضی از فیلم‌ها را برای اطفال ممنوع سازد حال است که مردم مملکت متوجه میشوند کارهای که در ۱۸ سال قبل بنا باراده اعلیحضرت رضا شاه کبیر صورت میگرفت برای سعادت ملت لازم و ضروری بوده است. (متترجم)



رضا شاه کییر با اوالاحضرت شاهپور محمد رضا پهلوی
ولیعهد ایران هنگام بازدید از تخت جمشید

ایرانی وجود دارد که از آن جمله میتوان باشگاه ایران را نام برد که رئیس آن نخست وزیر است.

باشگاه افسران، باشگاه ایران جوان و باشگاه ارامنه هم از باشگاههای معروف بشمار میآیند.

خارجیان مقیم کشور ایران هم هر یک برای خودشان باشگاههای جداگانه دارند که از آن جمله باشگاه اسکاندیناویها، باشگاه روسها و چند باشگاه دیگر از همین قبیل است.

چند سال قبل در ایران مقرراتی وضع شد که باشگاه باید بیک ملت اختصاص داشته باشد و یا آنکه عمومی باشد و تمام ملتها بتوانند در آن شرکت کنند شاید وضع این مقررات از آنجهت است که افسران و کارکنان دولت تحت نفوذ خارجیها نروند.

اغلب از متمولین تهران در شمیران که یکی از نواحی خوش آب و هوای پایتخت است اقامت دارند.

شمیران ییلاق تهران و محل راندوی روزهای تعطیل ماههای گرم تابستان است. آنها یکه وسیله و توانائی مالی دارند روزهای تعطیل تابستان را بهرامسر و چالوس و بابل و بابلسر که در سواحل دریای خزر واقع شده است میروند. در رامسر و بابلسر کازینو و هتلهاي عالي وجود دارد که وسائل راحتی و آسایش مسافرین از هر حیث آماده است.

شهر همدان هم خوش آب و هوای ییلاق بسیار خوبی است. در کشور ایران از نظر ادبی هم نهضت هائی بوجود آمده است.^(۱)

۱ - در عرض ده سال اخیر چهار هزار جلد کتاب چاپ و منتشر شده است. (مؤلف)

گرچه بیشتر کتابهای تاریخ و کلاسیک و اشعار انتشار داده‌اند اما عموماً از زبانهای خارجی مخصوصاً زبان فرانسه کتابهایی ترجمه کرده و منتشر ساخته‌اند.

مجموعه‌ای از تاریخ شعرای عصر جدید ایران در کلکته بچاپ رسیده و آثار هشتاد و سه سخنور مشهور را نشان میدهد اما باید دانست که بعضی از این سخنوران مورد بی‌مهری دولت واقع شده و در تبعید بسیارند. اشعار جدید ایران اغلب ساده و جنبه‌آموزشی دارد اما بعضی از فعّاطات خالی از ذوق ادبی نیست.

عده‌ای از شعرای ایران بسبک قدیم و بعضی هم بسبک جدید شعر می‌گویند اما موضوع اشعار هردو دسته مسائل روز و قضایای جدید است. یکی از شعرای ایران بنام هادی ابیاتی راجع به پائیز سروده است که میتواند نمونه‌ای از ادبیات جدید این کشور باشد.

در این چکامه یک لغت بیکانه یافت نمی‌شود و تماماً فارسی سره است. این عمل درست همانند آنست که یک شاعر انگلیسی شعری بگوید در آن لغات لاتینی و یونانی نباشد.

فرهنگستان ایران در ماه مارس سال ۱۹۳۵ تأسیس گردید و مأموریت دارد که زبان فارسی را از لغات خارجی مخصوصاً واژه‌های عربی که هفتاد درصد زبان فارسی کنونی را تشکیل میدهد بکلی پاک نموده و بجای آن لغات واژه‌های فارسی سره بوجود آورد و کتاب لغت جدیدی تألیف کند. اولین مجموعه واژه‌های فرنگستان در سال ۱۹۳۸ منتشر گردید

واز آن تاریخ بعد همه ساله مجموعه‌های دیگری انتشار می‌یابد. البته نظر این نیست که بفوریت تمام واژه‌های زبان خارجی را از

زبان فارسی حذف کنند و حتی بعضی از همان لغات را قبول دارند و اجازه داده‌اند مانند سابق بکار برده شوند.

بطورکلی سیاست دولت در این‌مورد بر آنست که لغات و جملات زیادی را حذف کنند و بجای آن اصطلاحات جدید فضائی، فنی، اقتصادی و علمی بوجود آورند که بکار بردن این اصطلاحات برای روزنامه‌ها و کلیه مطبوعات اجباری است ولی مردم تامد تی هم در صحبت کردن با یکدیگر همان کلمات سابق را بکار خواهند برد.

دروضع لغات جدید غالباً تصورات و تخیلات فرهنگستان نشان داده شده است مثلاً برای کلمهٔ تورپیدو (Torpedo) انگلیسی واژهٔ اژدر را وضع کرده‌اند در صورتی که منظور از کلمهٔ اژدر در شاهنامهٔ فردوسی اژدهائی است که اژدهانش آتش بیرون می‌آید.

سیاست تغییر الفبا بر عکس کشور ترکیه عملی گردید. چندی صحبت از تغییر الفبای عربی بحروف رومی بود ولی بزودی این موضوع هم مسکوت ماند و سیاست تغییر یافت بطوری‌که در سال ۱۹۳۸ نوشتمن تابلوهای مغازه‌ها بزبان اردو پائی برای دکانداران و تابلو نویسان خارجی بکلی ممنوع گردید و مقرر شد که حتی نوشته‌های را که بزبان خارجی بود از عکس‌های سینماها و کنار فیلم‌ها بردارند و بجای آن حروف فارسی و عربی بنویسد اما با وجود این احتمال دارد که موضوع تغییر الفبا در آینده نزدیکی دوباره مطرح گردد زیرا گرچه الفبای عربی برای خود عربها بسیار خوب است اما آشنایی‌با آن برای ایرانیان و ترک‌ها آسان نیست.

در قسمت هنری پیشرفت زیادی حاصل نشده است و فقط معماری و حجاری سنتی‌های ساختمانی تا اندازه‌ای رونق دارد.

ساختمانهای جدید ایران بمنظور تقویت روح ملی بر اساس و مازنده

ستونهای حجاری پرسپولیس (Persepolis) یعنی تخت جمشید فارس آثار دوره سلطنت هخامنشیان و بنای ایوان تیسفون (Ctesiphon) یعنی ایوان مدائین آثار دوره سلطنت پادشاهان ساسانی که در کشور عراق واقع است بنامی گردد. بنای شهر بانی کل کشور و بانکملی ایران که هر دو در شهر تهران ساخته شده است نمونه بارزی برای اثبات این مطلب است.

این آثار باستانی که از نظر شناسائی ایران قدیم برای ملت ایران ارزش زیادی دارد بطریز بسیار خوبی نگاهداری می‌شود و برای تقویت روح ملی لازم و بسیار مؤثر است.

بموجب قانون آثار عتیقه که در سال ۱۹۳۰ تصویب و رسید تمام حفاریها و کاوشها تحت نظر مستقیم دولت درآمده است و امتیازی که چند سال قبل به فرانسوی‌ها داده شده بود و بموجب آن حفاری زمینی برای آثار عتیقه در انحصار آنان قرار گرفته بود لغو گردید وهم اکنون چند هیئت حفاری در ایران مشغول کارند که از آنجمله می‌توان هیئت اعزامی دانشگاه شیکاگو (Chicago) را نام برد که در شهر ری و تخت جمشید مشغول کاوش هستند.

طبق قانون مزبور آثار باستانی نباید از کشور خارج شود بلکه باید بموزه باستان شناسی که باستاندار همین قانون در شهر تهران تأسیس یافته است تسلیم گردد.

مقررات و آئین نامه‌های مخصوصی برای نگاهداری و تعمیر آثار و ابنيه باستانی وضع و بمراحله اجرا درآمده است و تا آخر سال ۱۹۳۲ دویست و چهل و هفت ساختمان باستانی به ثبت رسیده که هشتاد و دو ساختمان آن مربوط به دوره‌های قبل از اسلام بوده است.

این نکته جالب توجه است که معابد و اماکن مقدسه ادیان دیگر

باید مانند مسجد مسلمانان جزء آثار باستانی محفوظ بماند.
موزه ملی ایران کتابخانه‌ای دارد که نسخه‌های خطی پر ازش و گرانبهای در آن یافت می‌شود.

موسیقی هم جزء آن قسمت از هنرها است که مورد توجه قرارداد و تا اندازه‌ای پیشرفت کرده است.

درباره هنرستان عالی موسیقی قبل از توضیحاتی داده شد و در اینجا لازم است اضافه کنیم که در سال ۱۹۳۹ اداره جدید و مخصوصی برای ترویج موسیقی تأسیس یافت و عده‌ای از استادان اروپائی برای تدریس استخدام شدند. این مؤسسه همه ماهمه‌مجله‌ای که شامل تصنیف‌های قدیمی ایران و آهنگ‌های محلی است منتشر می‌سازد و آهنگ‌سازان جدید را تشویق می‌کنند و موجبات ترویج آوازهای ایرانی را فراهم می‌سازند و عده‌ای مردم با استعداد هم پیدا شده‌اند که سرودها و اشعار تازه‌ای می‌گویند و مینویسد و آهنگ‌های جدیدی می‌سازند که از آنان قدردانی می‌شود.

درباره موسیقی اختلاف بزرگی مشاهده می‌شود که در خور توجه است. آئین اسلام موسیقی را منع کرده است ولی در عصر حاضر آن ممنوعیت اکید دیگر عملی نیست و در اغلب کشورهای اسلامی (جزء ممالک بدوى) بسیاری از خانواده‌های مسلمان گرامافون دارند اما با وجود این از طرف مقامات رسمی برای ترویج موسیقی بندرت اقدامات جدی صورت می‌گیرد.

نظر دولت ایران آنست که موسیقی وسیله تبلیغات و آموزش عمومی بشود.

فصل سی و هفتم

روابط خارجی

بعد از تجربه‌های تلغی که در اثر ارتباط با اغلب از کشورهای غربی برای کشور ایران حاصل گردیده است جای تعجب نیست این کشور اکنون که میتواند روش مستقلی را پیش گیرد نسبت بدولت غربی چندان خوش‌بین نباشد. کشور ایران باداشتن این تجربه‌های تلغی در روابط خارجی خود با کشورهای دیگر روی ناسازگاری نشان نداد و در هیچ موقعی سیاست تهاجم ممالک دیگر را تعقیب نکرده است و بطور قطعی و یقین میتوان ادعا کرد که عملیات بین‌المللی ایران همیشه با ملت‌های کوچک عموماً و با همسایگان خود خصوصاً جنبه همکاری دارد و نیز در استقرار صلح و امنیت جهانی جدأ با کشورهای صلح‌خواست تشریيك مساعی میکند.

روی همین نظر بود که کشور ایران در سال ۱۹۱۹ عضویت جامعه ملل درآمد و در سال ۱۹۳۷ عضو علی‌البدل شورای جامعه شد و در صدمین جلسه شورای جامعه ملل که در ماه ژانویه سال ۱۹۳۸ تشکیل یافت نهاینده ایران ریاست جلسه را بر عهده داشت.

در سال ۱۹۳۲ با امضای قرار داد مربوطه تصمیم دیوان داوری

بین‌المللی را قبول کرد و در سال ۱۹۳۳ به پیمان هشت دولت ملحق شد و در سال ۱۹۳۸ موافقتنامه دریائی لندن را امضا کرد و همچنین در سال ۱۹۳۴ با کشور سویس و در سال ۱۹۳۸ با کشورهای مکزیک (Mexico) و آرژانتین (Argentina) و در سال ۱۹۳۹ با کشور ژاپن (Japan) پیمان مودت و دوستی منعقد کرد.

بین ایران با چند کشور کوچک و دور دست مانند رومانی (Rumania) و اسپانیا (Spain) روابط سیاسی برقرار است و نمایندگان سیاسی بکشورهای یکدیگر می‌فرستند.

از کشورهای اسکاندیناوی و بلژیک (Belgium) و هلند (Holland) که هیچ‌گاه و در هیچ بابت مورد سوء‌ظن سایر کشورها واقع نمی‌شوند کار-شناسان فنی برای ساختن راه‌آهن و کارخانجات به ایران می‌آیند و در قسمتهای مختلف مشغول کار می‌شوند و مخصوصاً در سال ۱۹۳۹ یک‌شرکت هلندی بنام شرکت (اکتشاف‌الجمیں ما انجاییح) - (The Algemeene Exploratie Maatschappij)

در بارهٔ گرفتن امتیاز سه ساله معادن آذربایجان با مقامات مسئول ایران مشغول مذاکره شد.

روابط فرهنگی ایران با کشور فرانسه با وجودیکه بعلت پیش‌آمد تأسف آوری در آغاز سال ۱۹۳۹ برای مدت کوتاهی قطع گردید تا سقوط دولت فرانسه برقرار بود.

کارشناسان فنی ایتالیائی در ساختن خطوط شوسه و راه آهن ایران شرکت داشتند.

ناوه‌های نیروی دریائی ایران از کارخانجات کشتی سازی ایتالیا خریداری شده است و قانون کیفری این کشور را از روی پنال کود (Penal Code)

ایتالیا گرفته‌اند و حتی ایتالیا سعی می‌کرد که در سال ۱۹۳۶ در اختلافات مرزی ایران و عراق میانجی گردد.

در این اواخر ایتالیا برای جلب محبت ایرانیان تبلیغات دامنه داری را شروع کرده بود اما چون زویه تبلیغاتی آن کشور روی اصول و قواعد صحیحی نیست در این باره موقبته بدست نیاورد.

مثلاً ایتالیا خبری در ایران منتشر ساخته‌بُنی براینکه هوای پیماهای او که در ماه مارس سال ۱۹۴۱ بحرین را بمباران کردند ممکن است آبادان را هم بمباران کنند که البته این نوع تبلیغ برای آن کشور نتیجهٔ معکوس داد.

ایالات متحدهٔ امریکا هم از نظر اینکه برای کالاهای تجملی ایران خریدار بسیار خوبی است برای مدتی موعد مهر و تمیزید قرار داشت اما بعلت پیش‌آمد های تأسف‌آور سیاسی و اشتباهاتی چند آن صمیمیت و روابط حسنی در حال حاضر تا اندازه‌ای تیره گشته است.

در خلال سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴ مذاکرات بی نتیجه‌ای برای واگذاری امتیاز نفت بین ایران و ایالات متحدهٔ امریکا جریان داشت و پس از آن در سال ۱۹۳۷ امتیاز استخراج نفت شمال شرقی ایران بشرکت نفت امریکا واگذار گردید و سال بعد بعلت اشکالاتی که در امور حمل و نقل وجود داشت و موانعی که در اوضاع بازار نفت ایجاد شده بود آن امتیاز لغو گردید.

در عرض سال ۱۹۴۰ کالاهای متبادله بین ایران و ایالات متحدهٔ امریکا تقریباً بدو برابر سال قبل افزایش یافته باین ترتیب که کالاهای خریداری شده از امریکا از چهار میلیون و چهارصد هزار دolar به شش میلیون و پانصد هزار دolar و کالاهای صادره به امریکا از چهار میلیون و سیصد هزار دolar به هشت میلیون و ششصد هزار دolar رسید.

روابط ایران با سه دولت بزرگ غربی یعنی بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و آلمان و همچنین مناسبات این کشور با همسایگان نزدیکش بیش از شناسائی با کشورهای هور دست اوضاع و موقعیت بین‌المللی ایران را روشن می‌سازد.

در آغاز کار سیاست بریتانیای کبیر در ایران خوب نبود و رویه‌ای را که در پیش گرفته‌ند غلط از آب درآمد.

سیاستمداران و نماینده‌گان بریتانیا در خاور نزدیک که راه غلطی رفته‌ند و نتوانستند به میزان نیروی حقیقی ملی ایران پی‌برند دچار اشتباه گردیدند و در نظر ایرانیان مانند روسیه یا که دشمن دیرین جلوه گر شدند. این بدینی بعلت وقوع چند حوادث کوچک داخلی تقویت گردید.

در سال ۱۹۲۵ موقع اختلافات شیخ خزعل، خان مهرم بریتانیا آنقدر در این امر دخالت نکرد و خود را بر کنار داشت تاهم پیمان سابقش سقوط کرد و آنوقت در کمال حماقت اعاده حیثیت او را در خواست نمود و همچنین برای خدمات تفنگداران پلیس جنوب در موقع جنگ تقاضای پاداش کرد.

در سال ۱۹۲۷ دولت ایران ادعای خود را در باره بحرین واقع در ساحل غربی خلیج فارس تجدید کرد.

این جز ایر تا سال ۱۷۸۳ در دست ایرانیان و جزء خاک ایران بود و در آن سال عربها بحرین را از ایران گرفته‌ند و در سال ۱۹۰۶ شیخ بحرین قرارداد تحت الحمایگی بریتانیا را امضا کرد و تحت حمایت دولت انگلستان درآمد که از آن موقع تا کنون بریتانیا با همین سمت در بحرین باقیمانده است ولی ایران این عمل را تا بحال برسمیت نشناخته است و در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۶ در جامعه ملل بعمل بریتانیای کبیر

اعتراض کرده و همچنین امریکا هم که در بحرین امتیاز استخراج نفت دارد مورد اعتراض دولت ایران واقع گردیده است.^(۱)

این اختلافات هنوز باقی است و تا کنون حل نشده زیرا مسلم است که بریتانیا نمیتواند از چنین لنگر کاهمهم دریائی چشم پوشیده مخصوصاً لنگر کاههای سواحل خلیج فارس و حتی اموز روشنایی ساحلی که قبلاً متعلق به انگلستان بوده تماماً بدولت ایران واگذار شده است.

در سال ۱۹۲۸ بریتانیا از حق (حقوق خارج الارضی) (Capitulations) خود در ایران (البته از روی بی میلی) صرفنظر نموده در سال ۱۹۳۲ شرکت (تلگراف هند و اروپا) امتیاز خود را فسخ کرد ولی نتایج نیکوئی که انتظار میرفت این دو عمل در برداشته باشد در اثر اختلافات شرکت نفت انگلیس و ایران متأسفانه خنثی گردید.

۱ - درباره اینکه مجمعالجزایر بحرین متعلق به کشور ایران بوده و هست چندین بار از طرف دولت ایران به کشور انگلستان تذکرداده شده و بموجب اسناد و مدارکی که در دست داریم و بارها در روزنامه‌های برای اطلاع عموم ملت ایران درج گردیده است بحرین به ایران تعلق دارد و ادعای دولت انگلستان ادعائی واهی است که خود انگلیسیها هم بواهی بودن این ادعای پوج معترفند. (مترجم)

فصل سی و هشتم

امتیاز نفت و اختلاف دولت ایران با شرکت نفت

دولت ایران هیچ وقت از امتیاز دارسی راضی نبود و این امتیاز را شاه ایران امضاء کرده بود که بیش از هر چیز به آسایش و راحتی خودش اهمیت میداد و بمفاد امتیاز و نفع کشورش توجیه نداشت.

دولت ایران علاقه داشت که در مواد قرارداد تجدید نظری بشود و منافع آن کشور حفظ کرددولی بدختانه هر موقعی که راجع بابن موضوع پیشنهادی میشد و یا مذاکراتی صورت میگرفت شرکت نفت روی موافق نشان نمیداد و بنای ناسازگاری را میگذاشت اما دولت بریتانیا راهم که سهم بزرگی در آن شرکت داشت نمیتوان در اینکار بدون دخالت دانست و از ملامت مصون نخواهد بود. ^(۱)

۱ - سهام دولت بریتانیادر شرکت نفت ایران و انگلیس عبارتست از:
الف - ۱۱۲۵۰۰۰۰ لیره از ۲۰۱۳۷۵۰۰ لیره سهام عادی که هر سهمی دارای دورأی میباشد.

ب - ۱۰۰۰ لیره از قرار هشت درصد مجموع ۷۲۳۲۸۳۸ لیره سهام ممتاز و نه درصد ۵۴۷۳۴۱۴ لیره که هر پنج سهم دارای یک رأی میباشد. بطورکلی از مجموع سهام شرکت نفت ایران و انگلیس ۵۲/۵۵ درصد آن تحت نظارت دولت بریتانیاست و از شرکت نفت برمه (Burmah) هم ۵۳۴۲۹۸۵ لیره سهام عادی دارد. (مؤلف)

درماه دسامبر سال ۱۹۲۰ شرکت نفت بادولت وقت ایران قراردادی منعقد نمود که بموجب آن کلیه حساب های معوقه تسویه میگردید ولی این قرارداد بهیچوجه مورد موافقت و تصویب دولت های بعدی واقع نشد . درسال ۱۹۲۸ دولت ایران پیشنهاد تازه ای برای تجدید مواد قرارداد عنوان کردوسال بعد سر جان کدمان (Sir John Cadman) رئیس شرکت نفت برای مذاکره به تهران آمد و مذاکرات در این زمینه مدتی ادامه یافت ولی درسال ۱۹۳۱ بمحض اینکه معلوم گردید سهمیه ایران یک چهارم سهمیه ایست که درسال ۱۹۳۰ پرداخته اندشاه و دولتش خشمگین و عصبانی شدند و روز بیست و هفتم ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ امتیاز شرکت را الغو کردند و بهمین مناسبت دور روز تعطیل عمومی اعلام شد و مردم در سراسر کشور جشن گرفتند و شادی کردند .

شکایت اصلی دولت ایران (البته بعقیده خودشان) این بود که اولا سهم آن دولت کم است و در ثانی در حساب سود و زیان شرکت نفت دخل و تصرفی میکنند و نیز نظر بمصالح شرکت نفت عراق و امریکای جنوبی و با ملاحظه اوضاع سیاسی بازار نفت در دنیا بطور کلی از نفت ایران کمتر از آنچه باید و شاید استخراج میشود .

دیگر اینکه دولت ایران مدعی بود که کارمندان ایرانی شرکت نفت ایران و انگلیس خیلی کمتر از عده ایست که در امتیاز نامه سابق پیش بینی و ذکر شده است .

گرچه دریادداشت الغای امتیاز امکان انعقاد قرارداد جدید ذکر شده بود ولی شرکت نفت این نکته را ندیده گرفت و موضوع را بدولت بریتانیا مراجعه کرد . دولت بریتانیا هم بادداشت شدیدالمحن و تهدید آمیزی در پاسخ فرستاد

و آنرا با یک نمایش دریائی در خلیج فارس توانم ساخت.
بدیهی است که این طرز رفتار بسیار نامطلوب بود و احتمال میرفت
باروشی که پیش گرفته بودند وضع وخیم تری ایجاد کردد و چون دولت
ایران سخت ایستاد کی کرد و برای احراق حق خود پاکشانی نمود دولت
بریتانیا بهتر دید که بجای شدت عمل و شتابزد کی موضوع اختلاف را بشورای
جامعه ملل مراجعه کند.

ایران با این عمل بریتانیا شدیداً اعتراض کرد و متذکر شد که
رسید کی با خلاف بین دولت ایران و شرکت نفت از امور داخلی ایران بوده
و بدولت بریتانیا ویسا شورای جامعه ملل هیچ ارتباطی ندارد و همچنین
یاد آور شد که دولت ایران در عین حال برای اثبات حسن نیت خود حاضر
است قرارداد جدید و مناسبی باش کت منعقد کند و روی اصل همین حسن
نیت و پاکی نظر بوده که تا کنون از کارهای شرکت نفت جلوگیری بعمل
نیاورده است.

در ماه ژانویه سال ۱۹۳۳ وزیر دادگستری ایران در شورای جامعه
ملل در مقابل اظهارات سر جان سیمون (Sir · John Simon) نماینده
میرز دولت بریتانیا ثابت نمود که شرکت نفت حاضر نیست حتی
مواد پیمان دارسی را هم اجرا کند و همین مراجعه بشورای جامعه ملل خود
دلیل بارزی برای اثبات این ادعای ایران است زیرا هرگاه بریتانیا واقعاً
حاضر باجرای مواد قرارداد دارسی بود می بایستی بجای مراجعه بشورای
جامعه ملل بدادگاه های صالحه ایران مراجعه کرده باشد.

درجواب نماینده ایران سر جان سیمون اظهار داشت که شرکت
نفت بطريق سودمندی مبالغ گزافی برای ازدياد و توسيع ميدانهای نفت

صرف کرده است و سودی که در مقابل این مخارج گزاف عاید آن شده خیلی کمتر از ارقامی است که ایرانیان می‌گویند و از این گذشته دولت ایران موقعی لغو امتیاز را اعلام داشت که مذاکرات ما در باره ارجاع اختلاف بداد گاههای محلی جریان داشت . بهر صورت درحال حاضر بریتانیا برای حل مسالمت‌آمیز موضوع نفت آماده است .

پس از اظهارات نمایندگان طرفین درشورای جامعه ملل بالاخره دریک محیط حسن نیت و صمیمیت مقابل تصمیم گرفته شد که درخارج ازدادگاه شوری جامعه ملل قضیه حل و فصل شود و پس از مذاکراتی که که بعد از همین زمینه صورت گرفت درماه مه سال ۱۹۳۴ قرارداد جدیدی با اضطرار رسید و دولت ایران برای مدت شصت سال امتیاز نفت را بشرط نفت ایران و انگلیس اعطای کرد .^(۱)

۱ - چون دولت انگلستان برخلاف مقررات پیمان منعقده با دولت شاهنشاهی ایران درمورد استخراج واکتشاف نفت ایران رفتار مینمود و سود سهمیه ایران را آنطوری که درقرارداد قید شده بود پرداخت نیکرد از اینرو ابتدا از طرف دولت ایران دراین باره اقدام لازم بعمل آمد و متعاقب آن در مجلس شورای ملی بین نمایندگان ملت مذاکراتی آغاز شد که بالاخره منجر بتصویب قانون ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور ایران گردید که متن این دوقانون از نظر اهمیتی که دارد برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میگردد :

باتأيادات خداوند متعال
ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم:
ماده اول - تصمیم قانونی دائر بملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور و دوماه تمدید بکمیسیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصمیم متخذة کمیسیون نفت که در جلسه بیست و چهارم اسفند ۱۳۲۹ بتصویب مجلسین ←

امتیاز جدید البته بصره ایران بود زیرا قرارهای مالی بطور قابل ملاحظه‌ای تغییر یافت و بجای شانزده درصد که طبق قرارداد سابق ازسود ویژه بدولت ایران پرداخت میگردید اکنون بیست درصد ازسود سهام عادی را دریافت میکند و علاوه بر آن سالی ۱۳۱۲۵۰ لبره بدولت ایران تأثیه میگردد. حق السهم دولت ایران از قرار هر تن چهار شیلینگ از نفت صادره و

سنا وشورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذارده شود.
ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. بتاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

باتأیدات خداوند متعال
ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقر رمیداریم:

ماده اول - طرح قانونی دائم بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور که درجلسه نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ تصویب مجلسین سنا وشورای ملی رسیده و منضم باین دستخط است بموقع اجرا گذاشته شود.
ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. بتاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

پس از تصویب دوقانون مذکور اختلافی بین دولت ایران و دولت انگلستان بوجود آمد که متعاقب آن دولت شاهنشاهی ایران بدیوان دادگستری لاهه وشورای امنیت سازمان ملل متعدد شکایت برد وحقانیت دولت ایران مسلم گردید انگلیسیها ازمناطق نفت خیز ایران اخراج شدند و واژش رکت سابق نفت انگلیس وایران خلم یدشد و بالآخره با فعالیتهای زیادی که دراین باره بعمل آمد قرارداد استخراج نفت با کرسیوم نفت جهانی منعقد گردید که از هر حیث منافع و مصالح کشور شاهنشاهی ایران را متنضم است و با تنظیم این قرارداد مجدداً منابع ذرخیز ایران یعنی نفت بکار افتاد و مشغول بهره برداری از این ماده حیاتی و صدور آن بکشورهای خارج شده اند. دولت ایران طبق اوامر اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی با چند شرکت بزرگ خارجی قراردادهای جدیدی برای استخراج نفت در فلات قاره منعقد نمود که در یکی از این قراردادها سهم ایران به هفتادو پنج درصد میرسد و از موقیت‌های بزرگی است که در دوره سلطنت پادشاه دموکرات ایران نصیب ملت ایران شده است. (ترجم)

فروش شده بخارج تأمین گردید و بجای مالیات‌های فرآورداد سابق در پاترده سال اول امتیاز برای شش میلیون تن از قراره رتن نه پنس و برای مازادشش میلیون تن از قرار هر تن شش پنس مقرر شد و در پایان پانزده سال اول شش میلیون تن اول یک شیلینگ و بقیه هر تن نه پنس خواهد بود و در امتیاز نامه ذکر شده است که در هر صورت سهمیه پرداختی به ایران سالیانه باید از یک میلیون و پنجاه هزار لیره کمتر باشد.

شرکت یک میلیون لیره بابت اختلاف حساب سابق پرداخت و متعهد شد که در تمام مدت امتیاز تنظیم حساب‌های شرکت با نظر نماینده دائمی ایران صورت گیرد.

حقوق و مخارج نماینده ناظر ایران راهم که وظیفه اش رسید کی بحساب شرکت است پردازد.

شرکت تعهد کرد که تا پایان سال ۱۹۳۸ نفت یکصد هزار میل مربع از اراضی نفت خیز مندرج در امتیاز نامه را استخراج کند و عملیات خود را بیش از مقدار ذکر شده در فرآورداد توسعه ندهد.

شرکت در صورت لزوم باید وسایل باربری و مخابرات را با ختیار دولت بگذارد و از تعداد کارمندان غیر ایرانی خود بکاهد و بر کارمندان ایرانی شرکت بیفزاید و دانشجویان ایرانی را برای کارمندی در مؤسسات نفت همه ساله به افغانستان اعزام دارد و در آموزشگاه و مدارس بریتانیا فنون مختلف صنایع نفت را بیاموزند.

از آن پس سهم دولت ایران سالی به سه میلیون و پانصد هزار لیره بالغ گردید در صورتی که در سال ۱۹۳۹ به ۲۷۷۰۸۱۴ لیره تنزل یافت.

دولت ایران ادعای شد که این تنزل در آمد بواسطه از دست رفتن بازارهای

آلمان و ایتالیا بوده است (این ادعا تا اندازه‌ای درست است). دولت ایران می‌خواست با این ادعا زمینه دیگری برای لغو قرارداد جدید فراهم سازد بدین معنی که بگوید کسری اخیر در اثر جریانات سیاسی بوده و با اوضاع اقتصادی ازتباطی ندارد.

شرکت هم این‌نظر دولت ایران را در ماه اوت سال ۱۹۴۰ قبول کرد و موافقت نمود که سهمیه سال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ دولت ایران را مطابق سال ۱۹۳۷ یعنی ۳۵۴۵۳۱۳ لیره بپردازد و نیز تعهد کرد که سهم سال ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ ایران کمتر از چهار میلیون لیره نشود. بریتانیا عملاً به بازار گانی ایران کمکی نکرده است.

اعتبار پنج میلیون لیره که در سال ۱۹۳۹ تخصیص داده شده بود بمناسبت شروع جنگ پس گرفته شد.

بازار گانان ایرانی از قانون محاصره دریائی خیلی صدمه و خسارت دیدند اما توسعه سیستم (نوی سرت) (Navicert)^(۱) در ایران در ماه مه سال ۱۹۴۱ نسبتاً با آن مضيقه تخفیف داد.

روابط دوستی و اقتصادی بریتانیا با کشور ایران با اعزام ارلاف آتلون (Earl of Athlone) و پرنسس الیس (Princess Alice) به تهران و شرکت آنان در عروسی ولی‌عهد ایران که در ماه مارس سال ۱۹۳۹ صورت گرفت بیش از پیش محکمتر گردید و همچنین تأسیس نمایشگاه صنایع ایران بسال ۱۹۳۰ در برلینگتون هاوز (Burlington House) و پخش اخبار بزرگان فارسی از بی‌بی‌سی (BBC) بنگاه سخن پرداختی

۱ - نوی سرت عبارت بود از یک سیستم جنگی بازار گانی که دولتهای بیطرف از آن استفاده می‌کردند. (ترجم)

انگلستان از ماه دسامبر سال ۱۹۴۰ نمونه کاملی از دوستی ایران با بریتانیا است و مخصوصاً قسمت اخیر در سراسر ایران با مسرت تلقی شد و موجب رضایت مردم گردیده است.^(۱)

جای تأسف است که افراد بریتانیائی در ایران و انگلستان آنطوری که میتوانستند برای استحکام و دوام این دوستی اقدام مؤثری نکردند و مساعدت ننمودند و مخصوصاً افراد انگلیسی مقیم ایران از دوراه بتقویت تنفس و ارز جار مقابل ایران و بریتانیا که هنوز هم باقی است کمک کردند.

اینان اولاً نسبت به افراد واعضای یک نژاد شرقی همان رویه غرور و تکبر و مسخره آمیزرا پیش گرفتند و در ثانی نخواستند نسبت به رنجهای روزافزون یک ملت جوان مترقی ابراز همدردی و علاقه کنند.

طبعاً همین اشخاص هم نخستین کسانی بودند که از تأثیر و پیشرفت تبلیغات آلمان برضد روابط دیرین ایران و بریتانیا داد و بیداراه انداختند و سروصدائی بپا ساختند.

گرچه تبلیغات آلمان برای ابراز دوستی و حسن نیت نسبت به ایرانیان مؤثرتر و مفیدتر از تبلیغات انگلستان بوداماً پایه و اساس صحیحی نداشت.

۱ - درباره بحرانهای اخیر در فصول بعد صحبت خواهیم کرد. (مؤلف)

فصل سی و نهم

روابط سیاسی و اقتصادی ایران با روسیه شوروی

روسیه در ابتدای امر تا اندازه‌ای توفیق حاصل کرد گرچه آن کشور هم مانند بریتانیا در جنایت شرکت داشت اما انقلاب روسیه نوید میداد که آن کشور در رفتار و کردار سابق خود تغییر رویه خواهد داد.

کشور روسیه در پایان جنگ ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ میخواست در حصاری که دولتهای مخاصم اطراف آن کشیده اند رخنه‌ای ایجاد کند بنابراین ایران هم مانند ترکیه و افغانستان از کشورهای جوانی بود که مهر و محبتی بملت‌های سرمایه‌دار غربی نداشت و البته با این ترتیب و از نظر هم‌جواری متحد مناسبی برای روسیه شوروی بشمار می‌آمد اما خودش هم حاضر نبود برای جلب این دوستی علاقه‌ای نشان دهد.

در عرض چند سال اخیر پنج قرارداد بین این چهار دولت منعقد و امضاء کردید و آنان را بیکدیگر متصل ساخت.

اساس این قراردادها پیمان سال ۱۹۲۱ روسیه شوروی با ایران بود که در سال ۱۹۲۶ تجدید شد و مانیز از آن ذکری بمیان آوردیم. بموجب این قرارداد قسمتی از اراضی را مجدداً به کشور ایران پس

دادند (بندر انزلی سابق و پهلوی فعلی در سال ۱۹۲۸ اضافه گردید). تمامی وام‌ها و امتیازات دولت امپراتوری تزار را به ایران بخشیدند و برای پرداخت خساره‌تی که ارتش روسیه وارد ساخته بود قرارهای گذاشتند و از کلیه حقوق و امتیازات و اختیاراتی که روسیه در کشور ایران داشت صرف نظر کردند. اتباع روسیه شوروی مقیم ایران در برابر قانون مانند ایرانیان بحساب آمدند (بدینه است از قانون نظام وظیفه معاف هستند) سازمانهای مذهبی روسها در ایران منحل گردید و دارائی آنها را بدولت ایران دادند.

مذاکره درباره مسائل اقتصادی بعدهم کول شد و فقط مقرر داشتند که دو کشور ایران و روسیه شوروی از حقوق دولت‌های کامله الوداد بهره‌مند گردند. امور کشتیرانی و ماهیگیری دریایی خزر (فرضانه عملاً) بطور تساوی بین طرفین تقسیم گردید.

مهمازین مواد این فرادراد آن بود که دولت اتحاد جماهیر شوروی متعهد گردید ایران را از حملات از طریق ارمنستان یا آذربایجان حفظ کند و در مقابل به روسیه شوروی اجازه داده شد در صورتیکه آن دولت از طرف جنوب مورد حمله واقع گردد و ایران از عهده دفاع بر نیاید دولت شوروی حق داشته باشد که در سر زمین ایران از دشمنان خود جلوگیری گردد و بدفاع پردازد و همچنین حق داشته باشد انفال و اخراج مأمورین رسمی خارجی را که بر ضد مصالح شوروی اقدامی کرده و بعملیات خصم‌مانه پرداخته‌اند از ایران بخواهد. بزودی روابط سیاسی بین دو کشور برقرار گردید و به روسیه شوروی اجازه داده شد در تهران سفارتخانه‌ای دایر کرده و سفیر کبیر خود را بدربار ایران اعزام دارد (اخیراً به کشورهای ترکیه، افغانستان و مصر هم این اجازه را داده‌اند).

طرح قرارداد گمر کی مشکلاتی ایجاد کرد بطوریکه درسال ۱۹۲۶ کلیه کالاهای ایرانیان دربنادر متوقف ماند . درسال بعد یک قرارداد موقتی باعضاً رسید (درسال ۱۹۲۴ یک قرارداد بازرگانی امضاء شده بود) و درماه اکتبر سال ۱۹۲۷ یک قرارداد نهائی انعقاد یافت و مقررات مربوط بمقدار وارزش کالا های متبادله بین ایران و روسیه تعیین گردید و بمنظور آزمایش موضوع صید ماهی دریای خزر هم بنحوی تسویه شد .

درسال ۱۹۳۱ یک قرارداد بازرگانی تصویب رسید که درسال ۱۹۳۵ آن قرارداد تجدید شد و میزان دادوستد طرفین بسالی پنج میلیون لیره تثبیت گردید و مقرر شد که ایران پشم و پوست و پنبه ، ماهی و خاویار بددهد و آهن ، فولاد و ماشین آلات بگیرد و در ضمن پیشرفت‌های دیگری هم حاصل شد . درسال ۱۹۲۴ روسها کوشش زیادی کردند که امتیاز سال ۱۸۷۸ و سال ۱۹۱۶ را تجدید کنند .

این امتیاز حق استخراج معادن شمالی ایران را به روسها میداد . شرکت جدید درابتدا ایرانی خالص بود ولی بعد بصورت های فرانسوی و روسی اختلاط مییافت .

در سال ۱۹۳۲ ایران به روسها حق انحصار قدر و شکر داد و در سال بعد موقتاً کالای روسی در ایران تحریم گشت .

در ماه اوت سال ۱۹۳۳ قرارداد دیگری منعقد شد که بموجب آن اختلافات مربوط به صید ماهی متوجه شد و یک شرکت روس و ایران تشکیل یافت و در همان وقت ایرانیان نسبت به روسها اندکی مهریان شدند برای آنکه روسیه در بحران نفت و اختلافات ایران باشد که نفت از ایران طرفداری کرد و از همان تاریخ نفوذ روسیه شوروی افزایش یافت و بازارهای ایران

را دردست گرفت بقسمی که در سال ۱۹۳۶ بیست و هشت درصد صادرات ایران بروسیه میرفت (۱۲/۸ درصد به آلمان) و سی درصد کالاهای وارداتی ایران از روسیه میآمد (۱۴/۸ درصد از آلمان).

مهندسین و کارشناسان روسی به ایران هجوم آوردند و برای ساختن آسیاب و نانوائی و انبار و کارخانجات قراردادهای منعقد ساختند.

کارشناسان روسی برای احداث راههای شوشه و راه سازی استخدام شدند و عده‌ای هم رانندۀ تانک و خلبان با استخدام دولت درآمدند ولی هیچیک از این عملیات سبب جلب اعتماد ایران نسبت به روسیه شوروی نشد. شاید سیاستمداران ایران میدانستند که سیاست خارجی هر کشوری منوط بوضع جغرافیائی و سوق الجیشی آن کشور است و بتغییر روش سیاست داخلی آن چندان ارتباطی ندارد.

روسیه شوروی همیشه احتیاج مبرمی با آب گرم داشته است و یگانه راه آب گرمی که روسیه میتواند با آن دست یابد همانا خلیج فارس است و برای نیل با این منظور همواره قصد استیلای بر کشور ایران را دارد و یا لاقل میخواهد کنترل قابل ملاحظه‌ای در آن کشور داشته باشد و بهمین جهت است که ایران از هر حرکت و جنبش تازه روسیه شوروی سوءظن پیدامیکند. بهر صورت نفوذ اقتصادی روسیه شوروی رو بفروزنی گذارد و در سال ۱۹۳۹ باز اختلافاتی بین ایران و روسیه در امور بازرگانی پدید آمد و تقریباً داد و ستد میان دو کشور متوقف گردید و روز بیست و پنجم ماه مارس سال ۱۹۴۰ قرارداد جدیدی که مربوط بامور بازرگانی، کشاورزی، صنعتی، کشتیرانی و راه آهن بود بامضه رسید و دستور داده شد که نمایندگان ایران در مسکو درباره جزئیات این قرارداد مذاکرات لازم بعمل آورند.

درماه ژوئیه همانسال دو هیئت به روسیه شوروی اعزام گردید .
اولین هیئت نمایندگان ایران که تحت ریاست یکی از مأمورین
عالیرتبه وزارت امور خارجه به مسکور قته بود موفق شد درماه آکتبر قراردادی
منعقد سازد که بموجب آن کلیه واکنهای و کامیونهای دو کشوز میتوانستند
بدون خالی کردن بارها از مرزهای هم بگذرند (کرچه اختلاف عرض خط
آهنها این قرار از هم بصورت غیر عملی در میآورد) از همه مهمتر کلاهای
ایران بدون پرداخت وجهی یعنی مجانی از سر زمین روسیه شوروی میگذشت
و این موضوع برای ایران ارزش و اهمیت بسزائی داشت زیرا تسهیلاتی در
بازار کانی ایران و آلمان و روسیه فراهم میساخت هیئت دیگری از
نمایشگاه کشاورزی بازدید کرد و مذاکراتی درباره امور کشاورزی بعمل
آورد زیرا درماه دسامبر همانسال هیئتی از روسیه به تهران آمد که درباره
آفات نباتی بامقامات ایرانی تبادل نظر و اقدام کنند .

نوازشهای روسیه بصور مختلف جلوه گر میشد . رادیوی مسکو
برنامهای برای ایران ترتیب داد و سخن پر اکنی مخصوصی بزبان فارسی
آغاز کرد .

فیلمهای روسی را در سینماهای ایران بعرض تماشا گذارند و در
سال ۱۹۳۵ خاورشناسان روسی در جشن تولد فردوسی شرکت کردند و
بیاد هشتصدیمین سال تولد نظامی شاعر ایرانی در مسکو مجلس جشنی
برپا ساختند .

در مقابل ایران هم بمناسبت بیست و سومین سال جشن انقلاب آکتبر
نمایندگانی به کشور روسیه شوروی اعزام داشت .

عده‌ای مردمان ایرانی الاصل در سرزمین روسیه اقامت دارند و در نواحی

بخارا و سمرقند و جمهوری تاجیکستان واقع در شمال افغانستان تحت اوامر حکومت اتحاد جماهیر شوروی بسر میبرند.

در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ دولت روسیه شوروی به ایرانیان ساکن اطراف دریای خزر اخطار کرد که یا تابعیت دولت شوروی را قبول کنند و یا اینکه از سر زمین اتحاد جماهیر شوروی بروند.

این اقدام روسیه بی اندازه موجب خشم ایرانیان شد. تصور می‌رود که مراجعة مسکو در موارد مختلف با ایجاد اینگونه روابط فرهنگی نیات مرموزی با خود همراه دارد و اینها بهانه‌ایست که می‌خواهد ایران ضمیمه اتحاد جماهیر شوروی گردد شاید هم‌همین فکر است که باعث تنفس ایرانیان گردیده است



فصل چهلم

روابط سیاسی و بازرگانی ایران با آلمان

بر عکس روسیه شوروی و بریتانیا تا این اوخر آلمان با کشور ایران روابط سیاسی نداشت ولی از طرف دیگر مستشاران مالی آلمان از سال ۱۹۲۵ در ایران اقامت داشتند.

اولین قرارداد تجارتی که در تاریخ هیجدهم ماه فوریه سال ۱۹۲۹ انعقاد یافت بهردو کشور حقوق مملکت کامله الوداد و متساوی را میداد و از آنروز بعد صادرات ایران به کشور آلمان وهمچنین واردات از آن کشور روز بروز افزایش مییافت تا آنکه در سال ۱۹۳۵ یک قرارداد پایاپایی که بنفع بازرگانی آلمان بود بین دو دولت منعقد گردید و همانوقت آلمانیها در روابط تجارتی خود با کشور ایران درجه سوم شدند.

شاخت (Schacht) مدیر کل تام الاختیار رایش بانک (Reichsbank) ضمن گردش خاورمیانه در سال ۱۹۳۶ به ایران آمد گرچه از او بسردی پذیرائی شد (شاید هم برای آنکه در آن موقع ایرانیان هم از قوانین ضد یهود (Anti-Semitic) نورمبرگ (Nurenberg) مستثنی نشده بودند) ولی توانست قرارداد جدیدی با ایران منعقد سازد که بموجب آن بهای مجموع

واردات و صادرات به سه میلیون لیره تعیین گردید و قرار شد که لوازمات الکتریکی، منسوجات، ماشینهای مختلف، اتوموبیل، اتوبوس و کامیون، سیمان، اجنباس خرازی، مبل و اثاثیه منزل از آلمان بگیرند و در مقابل پنجه، نقره، طلا، برنج، خاویار و پوست با آن کشور بدهند.

در آن موقع آلمان یک راه بازار گانی جدید در نظرداشت که از رن (Rhine) و دانوب (Danube) عبور کرده و به طرابوزان و دریای سیاه می‌آمد و از آنجا بوسیله راه شوسه به راه آهن سرتاسری ایران اتصال می‌یافت. فروش فرآورده‌های آلمان در خاور روز بروز افزایش می‌یافت بطوریکه در سال ۱۹۳۸ - ۳/۸ درصد کلیه واردات آن کشور از خاور می‌آمد و ۴/۵ درصد کلیه صادراتش با آنجامیرفت و بیست درصد پنجه مورد نیاز آلمان از کشورهای مصر، ترکیه، ایران و عراق تأمین می‌گردید.

در سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ بازار گانی ایران و آلمان به ۱،۲۰۰،۰۰۰ لیره رسید و قیب تجارت شوروی گردید. ایران بیش از هر چیز به آن احتیاج داشت و آلمان معمولاً سالی ۶۵ تا ۷۰ هزار تن آهن به کشور ایران می‌فروخت ولی بمناسبت شروع جنگ و تحدید صادرات آهن آلمان نتوانست در ظرف یک سال یعنی از ماه مارس سال ۱۹۳۹ تا ماه مارس سال ۱۹۴۰ بیش از سی و نه هزار تن آهن بکشور ایران بفرستد اما در نتیجه مذاکراتی که در این باب بعمل آمد آلمانی‌ها نسبت به ایران مساعدت خاصی گردند بدین معنی که تحدید صدور آهن را ملغی ساخته و از ماه مارس سال ۱۹۴۰ تا ماه سپتامبر سال ۱۹۴۰ پنجاه و یک هزار تن آهن به ایران ارسال داشتند.

ارقام رسمی واردات ایران از آلمان در سال ۱۹۴۰ چهل و یک میلیون و میصد هزار مارک نشان میداد در صورتیکه در سال ۱۹۳۹ پانزده میلیون و

هفتصد هزار مارک و در سال ۱۹۳۸ ده میلیون و هشتصد هزار مارک بود و تصور میرفت در سال ۱۹۴۱ پنجاه درصد نسبت بسال قبل افزایش یابداما و قایع جاری این تخمین را تغییر داد زیرا بازرگانی آلمان و ایران از راه روسیه شوروی صورت میگرفت و حمله آلمان به روسیه تأثیر قابل توجهی در این موضوع داشت.

ایران در برای خرید آهن و ماشین آلات علاوه بر کالاهایی که ذکر شد پشم، ابیشم و میوه خشک و در صورت امکان نفت به کشور آلمان میفروخت. در ماه سپتامبر سال ۱۹۴۰ هیئتی از فمايندگان ایران به برلن رفت و در ماه دسامبر همان سال یک فرارداد بازرگانی دیگر منعقد ساخت و در ماه آوریل سال ۱۹۴۱ هیئت دیگری بریاست وزیر بازرگانی ایران به آلمان اعزام گردید و در همان ماه یک هیئت نازی از آنکارا به ایران آمد (بدون شک برای تأمین و همکاری با شورش عراق) ولی ظاهراً پذیرائی گرمی از این هیئت بعمل نیاوردند.

علاوه بر این تماس های دوستانه و خصوصی آلمانیها با قتصادیات و صنایع ایران کمکهای مالی عمومی گردند و این مساعدتهای بیش از آنچه ارزش داشت مورد تقدیر ایرانیان واقع گردید.

از شرکت آلمانی ها در ساختمن راه آهن و امتیاز هوایپیمائی یونکرس در سال ۱۹۲۸ قبل از ذکری شد.

در ماه مارس سال ۱۹۳۸ دولت آلمان از ایران اجازه گرفت که لوفت‌هانزا (Lufthansa) در مسافت هوایی خود از برلن به توکیو (Tokyo) در تهران فرود بیاید و دولت شوروی با این عمل ایران شدیداً اعتراض کرد و همچنین با حداث فرودگاه در مشهد که امتیاز آن به آلمان اعطاء شده بود

اعتراض شداما دولت ایران قسمت اخیر را انکار کرد.

در عین حال که در نیروی هوایی ایران ماشین های بریتانیائی بکار میرفت کامیون ها و توب و سایر مهمات از تشن از آلمان خریداری شده بود و ماشین های کارخانه باروت سازی را که در نزدیکی تهران تأسیس شده است از آلمان آورده اند.

دستگاه فرستنده رادیو تهران را از کارخانه تلفونکن (Telefunkon) آلمان خریده اند و کارخانه های آلمانی دیگری بنام تیف باوبر کر (Ferrostahl) و کروب (Krupp) و (Tiefbau Berger) دوئیزبرگ (Duisburg) و اشکودا (Skoda) اجازه داده شد که کارخانه های بافندگی، بلورسازی، آهن آلات، شیمیائی، ماشینهای کشاورزی در سراسر ایران تأسیس کنند (خصوصاً کارخانه آهن غنی آباد، کشتی سازی و تعمیر گاه کشتی بندر پهلوی و امین آباد دریای خزر و بندر لنگه در خلیج فارس). شرکت کشتیرانی هانزا (Hansa) ادارات و شعباتی در خرمشهر و اهواز و بندر شاهپور تأسیس کرد و چند کارخانه شیمیائی مانند بایر (Bayer) و مرک (Merck) وغیره نمایندگی های در ایران دایر نمودند.

در ماه زوئن سال ۱۹۳۸ یک شرکت آلمانی امتیاز استخراج معادن نزدیک تهران را بدست آورد اما در امتیاز نامه آن شرکت قید شده بود که باید تحت نظر دولت ایران کار کند و تمام کار کنائش ایرانی باشد.

در ماه اکتبر همان سال یک هیئت مأمور تحقیق و تجسس نفت به ایران وارد شد ولی شاید مهمتر از همه این باشد که مشاغل مهندسی در دست کارشناسان آلمانی بود و هر دستگاه ماشین آلمانی که به ایران وارد میشد یک دسته مهندس و متخصص آلمانی هم دنبال آن می آمدند و با جرت کمی برای سوار

کردن و بکار انداختن ماشینهای جدید استخدام میشدند.

مثلاً اغلب کارخانه‌های تبریز بدست آلمانی‌ها اداره میشد.

بسیاری از دستگاههای هیدروالکتریک بنادر و مرآکز تلفن و تلگراف وایستگاههای راه آهن را آلمانی‌ها اداره میکردند و از طرف دیگر عده زیادی از دکانداران و مغازه دارهای تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران بهودی آلمانی بودند.

در سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ چهار نفر دانشیار آلمانی برای تدریس در دانشگاه تهران استخدام شدند و رئیس چاپخانه مجلس شورای ملی یکنفر آلمانی بود و همچنین رئیس دانشکده‌های کشاورزی و دامپزشکی آلمانی بودند. نفوذ آلمانی‌هادر کشور ایران بقدرتی زیاد شد که حتی دولت روسیه شوروی که شاهد این فعالیت بود در ماه اوت سال ۱۹۳۸ تحریک شده و اعتراض کرد ولی در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن سؤال عبارت از اینست که بهینیم چطور دولت روسیه شوروی چند سالی بدون سروصدای تنها دور از چشم رفیب خودش همین رویه را در ایران تعقیب میکرد و باید دید که با وجود همه اینها آیا نفوذ آلمانی‌ها در ایران بیشتر بود یا نفوذ روسها؟ بهر حال در عرض چند ماه اخیر عده زیادی از آلمانی‌ها بنام دروغی سیاح و بازرگان و مسافر و کارشناس و میکانیک و دیپلمات از طریق ترکیه و روسیه به ایران آمدند.

یکی از مأمورین رسمی نازی که مسئولیت امور آلمانی‌های خارج از کشور را بر عهده داشت در ماه ژوئن اظهار داشته بود که در شهر تهران نه صد نفر آلمانی اقامت دارند و همچنین در شهرهای اصفهان و شیراز و مشهد و تبریز و کارخانه‌کشتی سازی بندر شاهپور عده دیگری هستند که تعداد آنها بدو برای آلمانی‌های ساکن تهران میرسد.

دولت آلمان از تبلیغات مستقیم در ایران خودداری نمیکرد و باید دانست که پس از پایان جنگ بین‌المللی اول مرتباً این تبلیغات ادامه داشته است.

یک مجله ایرانی در سال ۱۹۱۶ در برلن انتشار یافت و تا سال ۱۹۲۲ انتشار آن ادامه داشت ولی کاهی از اوقات مقاله و مندرجاتش تغییر نمیکرد چاپخانه این مجله کاهی هم کتب علمی و ادبی انتشار میداد. از سال ۱۹۲۲ اعزام دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل به کشور آلمان شروع کردید و از آن تاریخ بعد هرساله تعداد دانشجویان اعزامی روبرو بازیش کذارد.

شدت تبلیغات آلمان در ایران با ظهور هیتلر (Hitler) شروع کردید.

این تبلیغات بطوری ادامه مییافتد که ایرانیان آنرا قبول نمیکردند زیرا مردم ایران نه تنها طرفدار یک دولت مقتصدی هستند بلکه دوست دارند که آنها را آریائی حقیقی تصور کنند بهمین علت یک مجله فارسی به کمک آلمانیها از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۳ بنام ایران باستان در ایران منتشر میشد که صفحه اول آن دارای علامت صلیب شکسته بود.

(Baldur Von Schirach) در سال ۱۹۳۷ بالدور دون شیراخ پیشوای جوانان هیتلری ضمن مسافت خود در خاورمیانه به تهران آمد و بطوری که شایع بود از پادشاه ایران دعوت کرد که از کشور آلمان دیدن کند ولی این شایعه جداً تکذیب شد.

صرفنظر از مقالات منتشره بزبان فارسی بسیاری از مجلات و جزوای آلمانی در ایران مجاناً و بدون دریافت وجهی توزیع نمیکردید و فیلمهای

تبليغاتي راهم بطور رايگان نمايش ميدادند و بطور يكه ميگفتند چهل درصد فilmهاي را كه در سراسر كشور ايراني در سينماها نمايش ميدادند از آلمان آورده بودند.

آلمانيها اعانت قابل توجهی برای امور خيريه ايران می پرداختند و میخواستند با این وسائل اثرات نیکوئی از خودشان بیاد گار بماند.

سخن پراكنی راديو برلن که از تاریخ شروع جنگ آغاز شد چندان پیشرفته نداشت و در ابتدای امر ایرانیان توجهی به مطالب و سخنان آن داشتند ولی همینکه فحش دادن و ناسزاً گفتن آغاز گردید و پای اغراق و مبالغه بمعیان آمد سوء ظن و حس بدینی در ایران تولید کرد.

آژانس خبر گزاری رسمي آلمان مرتباً راديو و مطبوعات ایران را از اخبار و مطالب محور پرمیکرد و تا چندی مندرجات جراید ایران منحصر از همینگونه خبرها بود اما بعداً سیاست بیطرفی را پیش گرفتند و اعلام داشتند که ایران در این جنگ کشور بیطرفی است و بتمام دولتها با یک نظر مینگرد و با این ترتیب در حال حاضر عین اخبار متفقین و محور بدون تفسیر درستون اخبار خارجی جراید کشور درج میگردد.

بطور وضوح معلوم بود که این عملیات در اثر فعالیت يك سازمان بسياز و سيعي بوجود آمده بود که مرکز آن در تهران قرار داشت ولی مقامات مسئول ایران در عدم وجود اين دستگاه اصرار میورزندند.

قبل از جنگ تبلیغات آلمان در خاور نزدیک بيشتر متوجه کشورهای عربی بود و مرکز این کار را بغداد قرار داده بودند.

افراد بر جسته و امراء این سازمان عبارت بودند از دکتر جردن (Dr. Jordan) (دراداره کل باستانشناسی و دکتر کروبا Dr. Grobba) يكی

از رجال مطلع وبصیر که از سال ۱۹۳۲ وزیر مختار آلمان در عراق شد و در نتیجه ارتباط آلمان با کشور عراق تا اندازه‌ای شهرت پیدا کرده و ذی‌نفوذ شده بود.

بمحض اینکه کشور عراق در آغاز جنگ با آلمان قطع روابط سیاسی نمود دکتر گروبا و همکارانش همگی به تهران آمدند و تامدی با سفارت ایتالیا و اخیراً با سفارت ژاپن در عراق با اعراب ارتباط داشتند و پس از قیام رشید عالی بکشور عراق باز گشتند و بعد از پیمان شورش بطوریکه میگفتند به سوریه پرواز کردند.

در هر حال مرکز تهران بهمان حال باقیماند و تحت ریاست اتل (Elite) وزیر مختار آلمان در ایران و همچنین شخص دیگری بنام دکتر مایر (Dr. Meyer) اداره میگردید و هر قدر میدان جنگ نزدیکتر میشد فعالیت آلمانی‌ها برای بدست آوردن نفوذ بیشتری در ایران شدیدتر میگردید. سفارت آلمان در ایران بکار خود ادامه میداد و عده زیادی آلمانی بنام کارکنان سفارت در تهران اقامت داشتند و عده دیگری هم در سراسر کشور میزیستند و برای مقاصد خودشان مشغول فعالیت بودند و بدون تردید آنها با رشید عالی و مقتی اورشلیم (Mufti of Jerusalem) دائمآ در تماس بوده و ارتباط داشتند.

ایران نسبت باین دولتهای غربی سیاستی پیش گرفته بود که بخانه خرابی هرسه منتج میگردید زیرا نتایج و عواقب کار تا حد امکان بذا آب در می‌آمد.

فصل چهل و یکم

روابط ایران با همسایگان خود

کشور ایران نسبت به همسایه‌های خود سیاست مثبت و روشنی اتخاذ کرد و اختلافاتی که بین دولتين ایران و افغانستان در مرز شمال شرقی ایران وجود داشت بزودی فراموش شد در سال ۱۹۲۳ میلادی قراردادی با کشور افغانستان منعقد گردید (البته با کمک مؤثر روسیه) و دو سال بعد خطوط مرزی بین دو کشور تعیین شد.

امان‌الله پادشاه افغانستان با ملکه در سال ۱۹۲۹ از ایران دیدن کردند و بی حجاب بودن ملکه افغانستان در افکار عمومی اثر بدی بخشید. امان‌الله پادشاه افغانستان و کمال آتاورک رئیس جمهوری ترکیه بی‌اندازه باعث تقویت افکار غربی در روحیه پادشاه ایران شدند و از آغاز کار رئیس جمهوری ترکیه مورد تقدیر شاه ایران بود.

قسمتی از اختلافات که از قدیم بین دولتين ایران و ترکیه وجود داشت با مذاکراتی که بین طرفین بعمل آمد حل و تسویه گردید و قرارداد سال ۱۹۲۶ انعقاد یافت ولی اختلافاتی که در باره مرزها و کردهای مرز-نشین ایران و ترکیه و سوریه و عراق از سال ۱۹۱۴ موجود بود حل نشد تا

اینکه در ماه زانویه سال ۱۹۳۲ و ماه مه سال ۱۹۳۷ و ماه زوئن سال ۱۹۳۹ موافق تتمامه مرزی با مضاء رسید و مقرر شد که آرارات کوچک و رشتہ (آغری داغ) متعلق به کشور ترکیه باشد و در مقابل کوتور و گردنه باسیرج (Bacirge) و دریاچه رضائیه به ایران تعلق گرفت.

در ماه نوامبر سال ۱۹۳۲ پیمان دوستی ایران و ترکیه با مضاء رسید و در سال ۱۹۳۴ شاه ایران از کشور ترکیه و کمال آتابورک رئیس جمهوری آن کشور دیدن کرد. در سال ۱۹۳۷ در باره امور قضائی و تحويل دادن مقصرين و فراريان و همچنین راجع بمسائل مربوط بامور بازرگانی بين دو کشور، گمرک، پزشگی، تلگراف و خطوط هوائي و راه طرابوزان به تهران مذاكرات نهايی بعمل آمد.

روابط ایران با کشور عراق قدری پيچيده و غامض بنظر مي آمد زيرا از يكطرف اماكن مقدسه شيعيان در کشور عراق يعني نجف، کربلا، سامر و کاظمين رابطه محکم و استوار مذهبی بين دو کشور بوجود مي آورد و از طرف دیگر مجتهدین و ملاهای متجمع آن اماكن مقدسه را مرکز امنی برای تبلیغات برضد اصلاحات ورزیم جديد ایران فرامیدادند^(۱) و علاوه بر اين مسئله کردهاهم باعث ناراحتی و اسباب نگرانی داخلی شده بود.

پس از پایان جنگ اول جهانی که عراق از امپراطوری عثمانی مجزا گردید ایران تا مدتی حاضر نبود وضع جديد و استقلال کشور عراق را برسمیت بشناسد و برای اتباع خود مانند اتباع بریتانیا و سایر کشورهای اروپائی حقوق اختیارات ویژه (Capitulatory) میخواست اما همینکه در سال ۱۹۲۸ حقوق و اختیارات ویژه در کشور ایران ملغی

۱- بعقیده اينجا نبود راين مورد نظر مؤلف محترم درست نیست. (متوجه)

گردید و سال بعد هم در کشور عراق لغو شد این اختلاف بخودی خود از بین رفت و دولت ایران بنای تقاضای بریتانیا کشور عراق را بر سمت شناخت و پس از استقلال یافتن عراق ملک فیصل پادشاه آن کشور در سال ۱۹۳۲ ملاقات دوستانه‌ای از شاه ایران بعمل آورد و کم کم روابط این دو کشور رو به بهبودی رفت.

در سال ۱۹۳۵ درباره مسائل موجود و روابط بین دو کشور مذاکرات مفصلی بعمل آمد و قسمتی از مشکلات موجود حل و فصل گردید ولی اختلاف مرزی مخصوصاً موضوع شط العرب (مجرای عمومی فرات و دجله بطرف خلیج فارس) همچنان باقی ماند.

بموجب پیمان ارض روم که در سال ۱۸۴۷ منعقد گردید این مجرابه امپراطوری سابق عثمانی و اکذار شده بود و حالا که کشور عراق مستقل گشته بود خود را وارث کلیه حقوق امپراطوری سابق عثمانی میدانست ولی ایران حاضر نبود این ادعا را قبول کند و کشتی‌های خود را در خرمشهر نگاهداشته و برای ورود به دریا منتظر اجازه عراق بماند.

در ماه ژانویه سال ۱۹۳۵ این موضوع در جامعه ملل مطرح شد و ایران از روی منطق و دلائل متقن تقاضانمود که مرز طرفین و سلطنت العرب باشد اما با تقاضای ایران موافقت نشد و دولت عراق جدا آبهای حدود شرقی را (طبق تصمیم کمیسیون مرزی سال ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴) مطالبه داشت و بعداً ایجاد بندر شاهپور در آبهای واقعی ایران باعث شد که دولت ایران برای سازش با عراق آماده شود و بهمین دلیل روز چهارم ماه زوئیه سال ۱۹۳۷ توافق نظری بین طرفین حاصل شد و با استثنای اینکه خطی از مقابل بندر آبادان تا وسط شط العرب با حق لنگر اندازی برای ایران برقرار باشد دولت ایران قرارداد سال ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ را بر سمت شناخت.

شط‌العرب برای عبور کشتی‌های تجاری تمام مملک (با پرداخت حق لارویی شط) آزاد ماندو فقط کشورهای ایران و عراق میتوانند کشتی‌های جنگی در شط‌العرب داشته باشند و نیز هر یک ازدو دولت عراق و ایران میتوانند بالاطلاع قبلی طرف دیگر بناؤ کان جنگی کشور ثالثی اجازه عبور از شط‌العرب را بدهد .

این قرارداد مقدمهٔ دو قرارداد دیگر بود که در سیاست خاور نزدیک اهمیت زیادی داشتند .

قرارداد تاریخ دوازدهم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ ایران با کشور عراق وسیله‌ای شد که اختلاف طرفین بدست جامعهٔ مملک حل گردید .

قرارداد دیگری بنام پیمان سعدآباد کمروز هشتم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۷ در کاخ ییلاقی شاه واقع در ده میلی شهر تهران با مصائب رسید چهار دولت همسایه (ایران - عراق - ترکیه - افغانستان) را با انعقاد قرارداد دوستی و عدم تهاجم بیکدیگر مربوط ساخت .^(۱)

۱ - در موقع جنگ دوم بین‌المللی و حمله ناگهانی قوای انگلیس و روسیه شوروی از جنوب و شمال به کشور ایران کشورهای عراق، ترکیه و افغانستان که طبق پیمان سعدآباد میباشد در موقع حمله قوای مهاجم بکمک ایران بیایند بقول خود و فانکردنده و این قرارداد کان لم یکن تلقی شد ولی در سال ۱۳۳۴ دولت ایران با استناد منشور مملک متوجه در صدد برآمد که پیمان تدافعی با کشورهای ترکیه، عراق و پاکستان منعقد سازد و روی همین اصل با استناد قانونی که از مجلس شورای ملی گذشت دولت ایران به پیمان عراق، ترکیه، پاکستان و انگلستان ملحق شد که اکنون عین قانون مذکور را برای اطلاع خوانندگان گرامی درج میکنیم : قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتین عراق و ترکیه .

مادة واحده - الحق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ منعقد بین دولت بادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه مشتمل →

پیمان سعدآباد بعنوان موقّیت و پیروزی سیاست بریتانیاوشکست سیاست روسیه شوروی موزد تمجید و حمله واقع گردید ولی باید دانست

برهشت ماده که دولت انگلستان در تاریخ چهارم آوریل ۱۹۵۵ و دولت پاکستان در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ با آن ملحق شده‌اند تصویب می‌شود. قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتين عراق و ترکیه مشتمل بر ماده واحده و یک مقدمه و هشت ماده در جلسه یکشنبه سی ام مهرماه یکهزار و سیصد و سی و چهار بتصویب مجلس شورای اسلامی رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - رضا حکمت.

پیمان همکاری متقابل بین ترکیه و عراق

نظر باین‌که روابط دوستانه و برادرانه موجود بین عراق و ترکیه پیوسته در حال توسعه است و بمنظور تکمیل عهدنامه دوستی و حسن جوار منعقد بین اعلیحضرت پادشاه عراق و حضرت رئیس جمهور ترکیه که در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا بامضاء رسیده است (۱) و بموجب آن طرفین تصدیق نموده‌اند که صلح و امنیت بین دو کشور تفکیک ناپذیر از صلح و امنیت جهانی و بخصوص ملل خاورمیانه بوده و این اساس سیاست خارجی آنها را تشکیل میدهد.

۱ - معاہدة دوستی و حسن جوار منعقده بین اعلیحضرت ملک فیصل دوم پادشاه عراق و حضرت عصمت اینونو و رئیس جمهور ترکیه .

چون بسط و توسعه روابط دوستی و حسن جوار که خوشبختانه بین عراق و ترکیه برقرار است و تحکیم مودت و علائق برادری که قرنهاست بین دو کشور وجود دارد هدف عالی طرفین است. و از آنجاییکه طرفین صلح و امنیت کشورهای خود را جزء لاینفک صلح و امنیت جهانی مخصوصاً کشورهای خاورمیانه و اساس ثابت سیاست خارجی خود میدانند. و نظر بخشندوی طرفین از مواد منشور ملل متعدد که اخیراً در سانفرانسیسکو بامضاء رسیده و هدف آن تقویت همکاری بین‌المللی است و همان منظور غائی طرفین را تأیید می‌کند و آنها را به برداشتن گامهای بسوی هدف مذکور قادر می‌سازد. و چون طرفین نزدیکی واقعی خود راهنمگامی عملی میدانند که متکی بر حسن تفاهم و همکاری متقابل در امور اقتصادی باشد. و چون طرفین مایه مسرت حقیقی خود میدانند که نخستین اجراء کنند گان اصول منشور ملل متعدد باشند ←

که در حقیقت پیمان سعدآباد بیان صريح و مستقیمي از تصمیم چهار کشور

و مصمم هستند نسبت بانجام وظایف ناشیه از منشور مذکور وفادار بمانند.
لذا طرفین لازم دیدند قرار دادی بین خود منعقد سازند که کلیه منظورهای
ذکر شده در بالا را تأمین نماید و برای این مقصود نمایند گان تام الاختیار
خود را بشرح زیر تعیین نمودند. از طرف ۰۰۰ از طرف ۰۰۰

ماده اول - هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تعهد میکند که
تمامیت ارضی طرف دیگر و مرزهای بین دو کشور را که طبق مواد معاهده
منعقده در سال ۱۹۳۶ تعیین و ترسیم شده محترم بشمارد.

ماده دوم - هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تعهد میکند که از
سیاست عدم مداخله قطعی در امور داخلی طرف دیگر پیروی نماید.

ماده سوم - طرفین معظمین متعاهدین تعهد مینمایند که در امور
بین المللی دارای جنبه عمومی و بویژه در اموری که دارای جنبه منطقه ایست
و برای طرفین اهمیت دارد با هم مشورت کنند و راجع به سیاستی که ضمن
دایره منشور ملل متحد اتخاذ خواهند کرد با یکدیگر همکاری و از هم دیگر
پشتیبانی کنند.

ماده چهارم - هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تعهد میکند که
از هر گونه تهدید بتجاوز یا هر گونه تجاوزی که علیه تمام یا قسمی از خاک
طرف دیگر یا علیه حرمت مرزهای اوروی دهد مقامات مربوطه سازمان
ملل متحد را مطلع سازد.

ماده پنجم - طرفین معظمین متعاهدین بموجب مفاد ماده ۳۳ منشور
ملل متحد تعهد میکنند که بوسایل مسالمت آمیز هر گونه کششکشی را که
میان آنها روی دهد فیصله بخشنده و اگر اختلافی را نتوانند از طریق
مذکور حل کنند بموجب مفاد ماده ۳۷ منشور مذکور موضوع را باطلاع
شورای امنیت برسانند و نیز تعهد میکنند هر گاه اختلافاتی بین یکی از
طرفین و دولت همسایه ثالثی یا میان دو دولتی که همسایه طرفین هستند را
دهد کوشش خود را بکاربرند که اختلافات مذکور بموجب مواد فوق الذکر
حل شود.

ماده ششم - طرفین معظمین متعاهدین بمنظور عملی کردن همکاری
خود طبق روح این پیمان و در کلیه روابط موجودین طرفین پروتکلهای
مشروطه زیر را که متمم این پیمان شمرده میشود منعقد ساختند. ←

شرقی است که مایلند سر نوشت خودشان را بدون دخالت کشورهای غربی دردست داشته باشند.

-
- ۱ - پروتکل ضمیمه شماره ۱ راجع به تنظیم آبهای دجله و فرات و رودخانه‌های امدادی آنها.
 - ۲ - پروتکل ضمیمه شماره ۲ راجع به همکاری متقابل در امور امنیت.
 - ۳ - پروتکل ضمیمه شماره ۳ راجع به همکاری در امور تعلیم و تربیت و فرهنگ.
 - ۴ - پروتکل ضمیمه شماره ۴ راجع به ارتباطات پستی و تلگرافی و تلفنی.
 - ۵ - پروتکل ضمیمه شماره ۵ راجع بامور اقتصادی بطور کلی.
 - ۶ - پروتکل ضمیمه شماره ۶ راجع به مرزها و نیز طرفین معظمن متعاهدین دو قرارداد زیر را منعقد نمودند:
 - ۱ - قرار داد استرداد مجرمین.
 - ۲ - قرار داد تعاون قضائی کشوری و کیفری و تجاری.

ماده هفتم - این معاہده برای مدت غیر محدودی اجراء میگردد و ممکن است هر پنج سال بنا بمقاضای یکی از دو طرف متعاهدمور دتجدید نظر قرار گیرد.

ماده هشتم - این معاہده از طرف هر یک از طرفین معظمن متعاهدین بتصویب خواهد رسید و مدارک تصویب هرچه زودتر در بغداد مبادله خواهد شد. در تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۴۶ در آنکارا و درسه نسخه بزبان‌های عربی و ترکی و فرانسه تحریر شد و در صورت اختلاف نسخه فرانسوی معتبر است. نظر باینکه ماده ۱۱ عهدنامه دفاع مشترک و همکاری اقتصادی بین دولتهای جامعه عرب^۱ حاکی است که هیچ ماده از آن معاہده بهیج نحو طوری طرح ریزی یا انتخاب نشده که تأثیری در حقوق و تعهدات طرفین بمناسبت امضای منشور ملل متحد داشته باشد. ۳- متن ماده یازدهم معاہدة دفاع مشترک و همکاری اقتصادی بین دولتهای جامعه عرب.

ماده یازدهم - هیچ ماده‌ای در ضمن مواد این عهد نامه وجود ندارد که در حالی از احوال با حقوق و تعهداتی که بموجب منشور ملل متحد دول امضاء کننده این عهد نامه در حال حاضر بعده دارند یا ممکن است در آتیه بعده داشته باشند یا با مسئولیت‌هایی که شورای امنیت راجع بحفظ ←

موقعیکه در کشور عراق بحرانی بوجود آمد هر چهار دولت در

صلح و امنیت جهانی عهده داراست برخوردادشته باشد یا از آن برخوردی خواسته شود. و باعتراف بمسئولیت‌های بزرگی که از لحاظ عضویت در سازمان ملل متعدد بمنظور استقرار صلح و امنیت در ناحیه خاورمیانه برای آنها ایجاد شده و انجام اقدامات مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متعدد^۳ را بر عهده آنها گذاشته است لزوم انعقاد یک پیمانی که هدفهای بالا را تأمین کند تشخیص داده و برای این منظور نمایندگان مختار خود را به ترتیب ذیل معین کرده‌اند.

۳ - متن ماده ۵۱ منشور ملل متعدد .

ماده ۵۱ - در صورتی که یک عضو ملل متعدد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچیک از مقررات این منشور بحق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بعمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد. اقداماتی را که اعضاء برای اجرای حق دفاع مشروع بعمل می‌آورند باید فوراً بشورای امنیت اطلاع دهند، ولی این اقدامات بهیچوجه در اختیارات و وظایفی که شورا برطبق این منشور دارد و بموجب آنها دره ر موقع روشنی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت صلح بین المللی لازم میداند میتوانند اتخاذ کند تأثیری نخواهد داشت.

اعلیحضرت فیصل دوم پادشاه عراق جناب آقای الفرق نوری السعید نخست وزیر. جناب آقای برهان الدین باش اعیان کفیل وزارت امور خارجه. حضرت جلال بایار ریاست جمهوری ترکیه. جناب آقای عدنان مندرس نخست وزیر. جناب آقای پرسور فؤاد کوپرلو وزیر امور خارجه. نمایندگان مزبور پس از مبادله اعتبار نامه‌های خود که آنها را صحیح و معتبر یافتند در مراتب ذیل موافقت حاصل کردند.

ماده ۵۱ - طرفین معظمین متعاهدتین برای امنیت و دفاع خود مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متعدد تشریک مساعی خواهند نمود. اقداماتی که برای عملی ساختن این تشریک مساعی درباره آنها موافقت می‌کنند ممکن است موضوع موافقتنامه‌های خاصی قرار گیرد. ←

آنکارا اجتماع کرده و کنفرانسی تشکیل دادند اما اعلامیه‌ای که حاکی از

ماده ۳ – برای تحقیق و اجرای تشریک مساعی پیش بینی شده در

ماده ۱ مقامات صلاحیتدار طرفین متعاهدتین معظمین اقداماتی را که میبایست بمحض اینکه پیمان فعلی بر مرحله اجرا درآید تعیین خواهند نمود. همینکه این اقدامات بتصویب دولتهای طرفین متعاهدتین معظمین رسید قبل اجرا خواهد بود.

ماده ۴ – طرفین متعاهدتین معظمین معهود میشوند که از هر گونه

دخالت در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند و هر گونه اختلاف فیما بین را با روشن مسالت آمیز بر طبق منشور ملل متحد حل نمایند.

ماده ۵ – طرفین متعاهدتین معظمین اعلام میدارند که مقررات این

پیمان با هیچیک از تعهدات بین المللی ناشی از قرارداد هر یک از طرفین با دولت یا دول ثالثی مغایرت نداشته و نمیتواند از تعهدات بین المللی مذکور بکاهد و یا ناقض آنها محسوب شود. طرفین متعاهدتین معظمین معهود میشوند که هیچگونه تعهد بین المللی که منافی با پیمان فعلی باشد قبول نکنند.

ماده ۶ – این پیمان برای العاق هریک از دول اتحادیه عرب یا

هریک از کشورهای دیگری که به امنیت و صلح این ناحیه علاقمند هستند و طرفین متعاهدتین معظمین آن کشور را بر سمت کامل شناخته باشند باز خواهد بود. العاق از تاریخی رسمیت دارد که سند العاق به وزارت امور خارجه عراق تسلیم شده باشد. هر دولت عضو که به پیمان فعلی ملحق شود میتواند بر طبق ماده ۱ بایک یا چند دولت عضو پیمان قراردادهای خاص منعقد سازد. مقامات صلاحیتدار دول مزبور بر طبق ماده ۲ اقدامات لازمه را تعیین خواهند کرد و بمحض آنکه اقدامات مزبور بتصویب دول مربوطه رسید قبل اجرا خواهد بود.

ماده ۷ – همینکه حداقل چهار دول بعضویت این پیمان درآمدند

شورایی مرکب از وزرای دول مزبور تشکیل خواهد شد که در حدود مقاصد این پیمان کار کند. شورا آئین نامه کار خود را تنظیم خواهد کرد.

ماده ۸ – این پیمان برای مدت پنج سال قبل اجراست و برای پنج سال

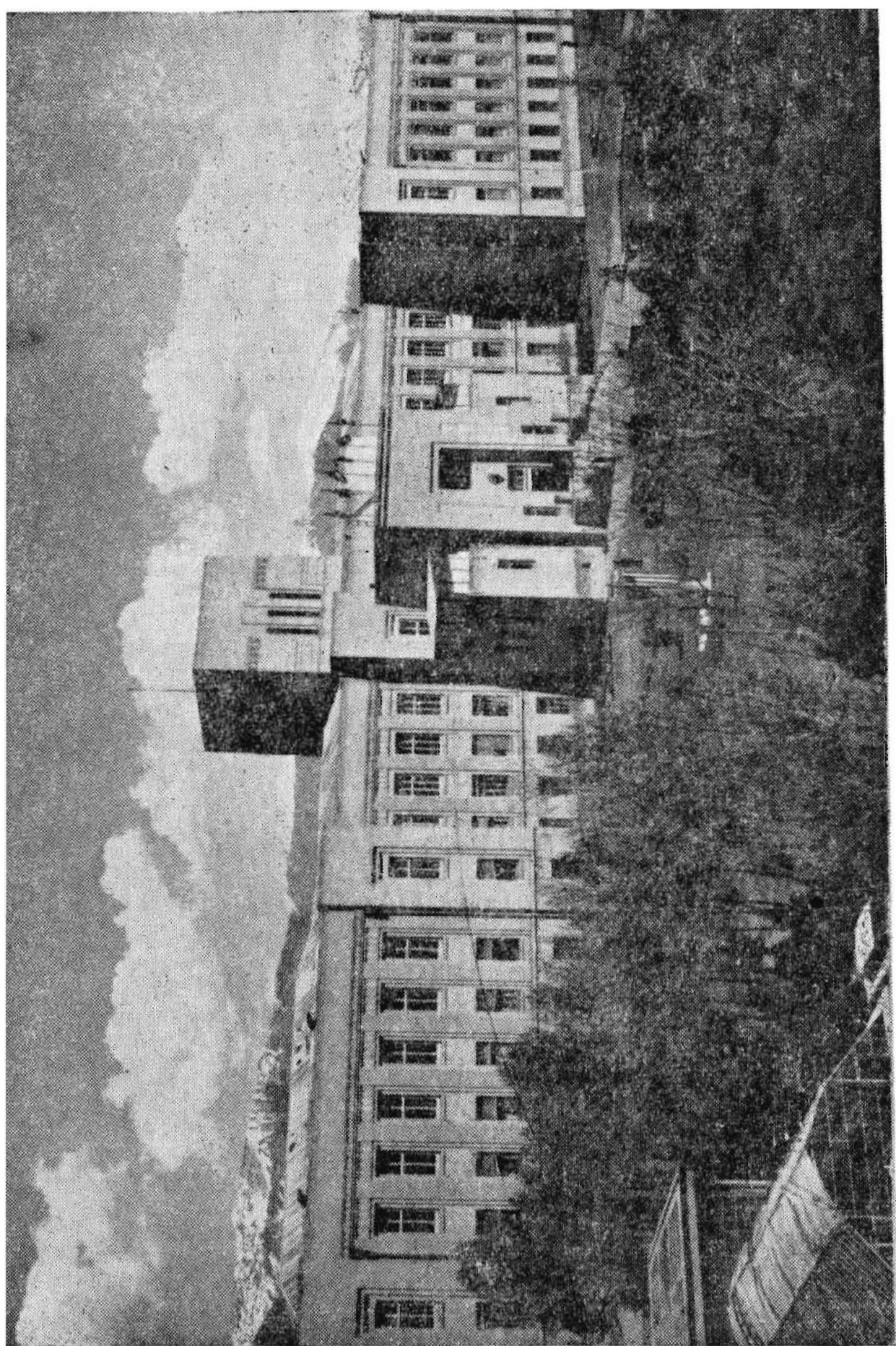
دیگر قبل تجدید است. هر یک از اعضاء پیمان ششماهه قبل از انقضاء ادوار مذکور در بالا ممکن است کتابتاً تمایل خود را به خارج شدن از پیمان با اعضای دیگر ←

تصمیمات دولتین هم پیمان و مذاکرات کنفرانس باشد در این باره از طرف آنان انتشار نیافت و حتی نگفته شد که اگر یکی از چهار دولت متعاهده مورد حمله واقع گردد دیگران چه تکلیفی خواهند داشت و فقط نتیجه‌های که از این کنفرانس گرفته شد این بود که ایران از کمک به رشید عالی امتناع کرد ترکیه و افغانستان عملیات انگلستان و روسیه شوروی را در ایران بشدت انتقاد کردند اما غیر از حرف و انتقاد خشک و خالی قدمی برنداشتند. به صورت محرك انعقاد پیمان سعدآباد هرچه بود اعلیحضرت پادشاه ایران و کمال آتاتورک رئیس جمهوری ترکیه در نتیجهٔ امضای آن حیثیت و احترام قابل توجهی پیدا کردند.

اطلاع دهد در چنین صورت پیمان برای اعضاء دیگر معتبر می‌ماند.
ماده ۸ - این پیمان بوسیله طرفین متعاهده‌ین تصویب خواهد رسید. اسناد تصویب هرچه زودتر در آنکارا مبادله خواهد شد و از تاریخ مبادله اسناد تصویب بمرحله اجرا درمی‌آید. برای گواهی مراتب بالانهایندگان مختار مذکور این پیمان را به عربی، ترکی و انگلیسی امضاء نموده‌اند هر سه متن متساویًا معتبر هستند و در صورت پیداش اختلاف متن انگلیسی مرجع خواهد بود. تهیه شده در دونسخه در بغداد دومین روز رجب ۱۳۷۴ هجری مطابق بیست و چهارم روز فوریه ۱۹۵۵ (امضاء شده) نوری السعید از طرف اعلیحضرت پادشاه عراق (امضاء شده) بر هان الدین باش اعیان از طرف اعلیحضرت پادشاه عراق. (امضاء شده) عدنان مندرس از طرف ریاست جمهوری ترکیه. (امضاء شده) فؤاد کوپرلو از طرف ریاست جمهوری ترکیه. بغداد ۲۴ فوریه ۱۹۵۵. اجازه العاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل منعقد بین دولتین عراق و ترکیه مشتمل بر یک مقدمه و هشت ماده بشرح فوق در جلسه یکشنبه سی ام مهرماه یکهزار و سیصد و سی و چهار داده شده است.

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت.
این بود متن کامل پیمان بغداد که برای اطلاع خوانندگان گرامی درج گردید. (متر م)

نمای جنوبی کاخ وزارت امور خارجه



¶¶¶

پس از انعقاد پیمان سعدآباد قراردادهای داخلی دیگری درباره پست، بی‌سیم، تلگراف در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۸ و ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ با افغانستان و قرارداد ترانزیت بازارگانی در ماه اوت سال ۱۹۳۸ با کشور ترکیه منعقد گردید.

در ماه مه سال ۱۹۴۱ کشورهای ترکیه و ایران تصمیم گرفتند با استناد حسن تفاهمی که در ماه دسامبر گذشته بین آنان ایجاد شده بود مرزهای یکدیگر را مستحکم سازند و بطوریکه خودشان توضیح دادند این اقدام را برای جلوگیری از شورش قبایل یاغی کرد بعمل آورده بودند (احتمال قوی دارد که حرکت روس‌ها و آلمانی‌ها آنها را باینکار و ادار کرده بود).

در سال ۱۹۴۰ روابط اقتصادی فیما بین سه کشور ایران، ترکیه و عراق بمیزان قابل ملاحظه‌ای توسعه یافت زیرا پس از بسته شدن مدیترانه خلیج فارس تنها راه دریائی ترکیه بود. در ماه اکتبر نمایندگان راه آهن سه کشور در آنکارا گردآمدند و پس از مذاکرات لازم کشور ترکیه در ماه مه سال ۱۹۴۱ شصت میلیون لیره برای اتصال راه آهن خود با ایران و عراق اختصاص داد. در بین سایر کشورهای عربی کشور مصر بیش از سایر ممالک مورد توجه است زیرا بدون تردید متمدن ترین کشورهای عربی بوده و از هر حیث موفق و متوفی محسوب میگردد.

ازدواج ولیعهد ایران با فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه مصر در ماه مارس سال ۱۹۳۹ حاکی از آن بود که ایران میل دارد دوستی و روابط صمیمانه و همکاری نزدیکتری بین ملت‌های خاورمیانه برقرار گردد. بطوریکه استنباط میشود ایران مایل است دوکشور مصر و عربستان سعودی (که در سال ۱۹۲۹ قرارداد مودت با ایران منعقد ساخت) هم به پیمان سعدآباد

ملحق کردند اما هنوز اختلافات و مشکلاتی از نظر معنوی و اجتماعی بین ملت ایران و اعراب وجود دارد که فعلاً برای اینکار زمینه فراهم نیست.

اتحاد اسلام در ایران طرفدار ندارد (در سایر نقاط جهان هم اتحاد اسلام قدرت چندانی ندارد) و علاوه بر آن ایرانیان و اعراب از دیر زمانی نسبت بیکدیگر تنفر دارند.

باید دانست که تنفر فعلی معلول علی است که متدرجاً مرتفع شده و ازین میرود و با ازین رفتن این مانع بزرگ نقشه‌های تهاجمی کشور-های غربی عقیم خواهد ماندوپس از حل مسائل اقتصادی و حاضر بودن طرفین برای اغماض و چشم پوشی از اختلافات گذشته دلیل وجود ندارد که منافع عمومی و سیاست عمومی کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه در بین خود آن کشورها رعایت نگردد.

فصل چهل و دوم

موقعیت ایران در جهان کنونی

موقعیکه من مشغول نوشتن این سطور هستم نیروهای بریتانیا و روسیه شوروی نقاط متصرفی خود را در ایران مستحکم میسازند . در تمام مدت جنگ سیاست خارجی ایران (و بطور قطع تاحدی هم امور داخلی آن) تحت نظارت متفقین خواهد بود .

این مصیبت جنگ است که هیچیک از ملتها را از بد بختی و مصائب معاف نمیدارد ولاقل ایران از این حیث میتواند سپاسگزار باشد که آینده آن باس نوشت بریتانیا و روسیه شوروی مربوط است و با آلمان ارتباطی ندارد . اوضاع کنونی حاکی از آنست که دوره‌ای از تاریخ ایران سپری شده و نقطه فعلی بهترین نقطه‌ایست که میتوان در آنجا توقف نمود و نه تنها اجمع به گذشته بلکه در باره آینده هم بررسیهای لازم بعمل آورد .

برای اینکه بتوان موقعیت و اوضاع فعلی ایران را بطور وضوح درک کرد باید بعملیات و نقشه‌های استیلای آلمان بتمام کشورهای جهان توجه کامل نمود . نقشه روزنبرگ (Rosenberg) که در ابتدای امر فقط برای تسلط واستیلا به کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شرقی آغاز شده بود بزودی

شامل سرتاسر کشورهای اروپائی گردید و طبعاً امنه آن تا بالکان (Balkans) و از آنجا بخاور نزدیک و کشورهای عربی امتداد میافت و سرانجام به او کراین (Ukraine) منتهی میگردید.

این موضوع باید برای خوانندگان گرامی روشن باشد که این نقشه مولود جنگ کنونی نیست بلکه قبل از روی کار آمدن هیتلر طرح و پیش‌بینی شده بود.

روزنامهٔ تایمز (Times) درماه مه گذشته اسناد و مدارکی را که در سال ۱۹۳۴ کارشناسان آلمانی تنظیم و تهیه کرده بودند انتشار داد. ریاست این عده از کارشناسان آلمانی را دکتر ایلرس (Dr. Eilers) بعهده داشت و چند سال بادارا بودن مقام ریاست آموزشگاه باستان‌شناسی آلمان در تهران ساکن بود.

این مدارک بطور واضح نشان میداد که آلمان حتی در همان موقع هم نقشه‌ای طرح کرده بود که کشورهای شرقی را تاخیل‌ج فارس بتصرف خود درآورد بدین ترتیب که ابتدا از راه تبلیغات فرهنگی و پس از آن با بدست آوردن نفوذ اقتصادی و سیاسی منظور اصلی را که همان تسخیر ممالک شرقی بود عملی سازد.

بطوریکه در آن اسناد ذکر شده بود کشورهای ترکیه و مصر و ایران بیش از سایر کشورها مورد توجه بوده و اهمیت داشتند.

این موضوع جالب توجه است که در این نقشه از بکار بردن قوای نظامی ذکری نشده و آنطوریکه تا کنون جنگ فعلی هم نشان میدهد حمله برق آسا موقعی صورت میگیرد که قبل از مینه برای پیشرفت و پیروزی حتمی آماده شده باشد. اولین قدم آلمان برای تسخیر جهان بموجب نقشهٔ نازی این بود

که جهان را به سه ناحیه تقسیم کند آلمان ممالک اروپائی و افریقا را مسخر سازد و ژاپن هم آسیا را بگیرد در حالی که ظاهراً به امریکا اجازه داده شود مالک نیمکرهٔ غربی باشد^(۱).

در تمام این جریانات موقعیت بریتانیا ایجاب می‌کند که تبعیت یکی از دونیروی بزرگ را قبول کند بدین معنی که آلمان از طرفی و امریکا از طرف دیگر بریتانیا را محصور بدارند تا سرانجام بیکی از این دو کشور ملحق گردد. محتاج به گفتن نیست که این نقشه و تقسیم هم تقسیم و نقشهٔ نهائی نخواهد بود زیرا همانطوری که روسیهٔ شوروی روزی شریک در اجرای نقشهٔ آلمان بود و در حال حاضر مورد حملهٔ واقع شده است بدون تردید ژاپن و امریکا هم بهمان سر نوشت دچار می‌گردند^(۲).

این پیش‌بینی از اظهارات بعضی از مبلغین نازی که در امور مربوطه بی‌احتیاطی می‌کنند بخوبی استنباط می‌گردد.

به ر صورت ما بمنطقهٔ خاور نزدیک مربوط بوده و بقسمتی از نقشه که شامل آلمان و روسیه می‌باشد علاوه‌مندیم.

۱ - اخیراً یکی از روزنامه‌های ژاپنی مقاله‌ای درج و طی آن اظهار عقیده کرده بود که باید در هندوستان، اقیانوسیه، ایران، عربستان سعودی، سیبریه و اورال به ژاپن آزادی کامل داده شود. (مؤلف)

۲ - موقعی مؤلف محترم کتاب این سطور را نوشته بود که هنوز کشور آلمان و ژاپن به ایالات متحدهٔ امریکا حمله نکرده بودند ولی شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ دولت ژاپن بدون اعلان جنگ با هواپیما - های بمبارگ غلتان پایگاه‌های بزرگ دریائی امریکا را در پرل‌هاربور و جزایر هاوایی بمباران کرد و تمام ناوهای امریکائی را که در پایگاه‌های مذبور لنگر انداخته بودند و انتظار چنین پیش‌آمدی را نداشتند از بین برده و خسارات قابل توجهی وارد ساخت و جنگ بین ژاپن و امریکا رسمی شروع گردید. (متترجم)

قبل از جنگ روسیه شوروی و آلمان دلایل و شواهد کافی در دست بود که هر دو دولت نقشه مناطق نفوذ در خاور نزدیک را بتراضی طرفین طرح کرده بودند بدین ترتیب که آلمان پس از گرفتن داردانل (Dardanelles) و ترکیه بایک حرکت گازانبری از راه فرقاژ و مصر سرزمین های نفت خیز عراق و ایران را تصرف کند و در همان موقع روسیه شوروی شرق ایران و افغانستان را اشغال کرده و آماده حمله به هندوستان باشد. (عیناً شبیه قرارداد سال ۱۹۱۱ پوتسدام (Potsdam). مطمئناً جنگ آلمان باروسیه شوروی این نقشه را برهم زد ولی احتمال می‌رود که آلمانی‌ها همچنان در فکر اجرای آن نقشه هستند و امیدوارند که روسیه شوروی بیشتر پافشاری و لجاج بخارج دهد زیرا در صورتی که قوای آلمان در داخل سرزمین روسیه پیش برود بناقچار روسیه مجبور است عقب‌نشینی کرده و جبهه جنگ رادر خاک خود جلوتر ببرد.

بدیهی است در صورتی که آلمان بتواند او کراین را تصرف کند بدون اینکه بسایر نقاط و نواحی خاک روسیه شوروی توجهی داشته باشد باسانی خود را بمعادن نفت فرقاژ میرساند و البته چنین پیشرفتی بسیار سودمند و پرارزش خواهد بود زیرا آلمان بر میدانهای نفت باکو (Baku) و گروزنی (Grozny) دست می‌یابد (معادن نفت باکو و گروزنی هردو با لوله و راه آهن بدریای سیاه متصل است) و هفتاد و پنج درصد نفت روسیه هم از این دو معدن تأمین می‌شود و در این صورت علاوه بر میل و آرزوی طبیعی آلمانی‌ها که قصد دارند مناطق جنوبی را هرچه زودتر مسخر سازند از نظر سوق الجیشی هم ناقارند ایران و عراق را اشغال کنند و یک حصار امنیت حلقه مانندی برای حفظ اراضی و مناطق متصرفی خود بوجود آورند.

آلمان باجرای این نقشه خلیج فارس را اشغال میکند و ممکن است که از ارتباط نیروهای متقدین مقیم خاورمیانه با هندوستان و روسیه شوروی جلوگیری کند (آلمانیها که در سال ۱۹۱۸ اوکراین را اشغال کردند همین نقشه را داشتند).

آلمان از مرز قفقاز بدو طرف نیرو اعزام خواهد داشت یکی از ایران و ترکیه بطرف موصل و دیگری از شرق بسمت فزوین و تهران و قطع آموانع طبیعی برای اعزام قوا در این مناطق بمراتب کمتر از حمله مستقیم از راه مغرب به رشتہ جبال مرکزی میباشد.

این موضوع بسته بوضع جبهه است و ممکن است که آلمانی‌ها اعزام نیرو به کشورهای ترکیه و سوریه و مصر را لازم تشخیص دهند و یا امکان دارد که بطریق دیگر اقدام کنند بدین معنی که با یک حرکت فهرائی از طرف شمال مرکز مقاومت متقدین را در خاورمیانه درهم شکسته و متلاشی سازند. در همان موقع ممکن است به روسیه مغلوب هم دستور داده شود که زیر نظر آلمانیها و تحت تعییمات فرماندهان آلمانی از راه مناطق و نواحی شرقی ایران و کوههای افغانستان به هندوستان حمله کند.

احتمال دارد که بیرون آمدن امان الله پادشاه سابق افغانستان از محل انزوای سابقش رم در این ایام واقامت مختصر و کوتاه اور تهران با این نقشه بی ارتباط نباشد.

اینها نقشه‌های مهمی هستند که کمتر قسمتی از آنها قابل اجراءست زیرا درست است که حمله و هجوم به بریتانیا نظر اصلی آلمانیهاست و سایر نقشه‌های جنگی نسبت بآن در درجه دوم قرار دارد.

ممکن است پس از شکست روسیه شوروی یا سازش با آن کشور حمله

به مجمع الجزایر بریتانیا شروع شود .

ممکن است این حمله از راه هوائی و هجوم بوسایل نظامی و یا با سیستم جدید (صلح) صورت گیرد ولی در هر حال این امر با وضع امریکا بستگی و ارتباط کامل دارد با این حال ما نمیتوانیم موقعیت مهم خاور نزدیک را نادیده بگیریم زیرا از نظر نظامی خاور نزدیک حلقه ارتباط حیاتی نقاط پراکنده امپراتوری بریتانیا است .



فصل چهل و سیزدهم

نفت خاورمیانه و خطوط ارتباطی

اهمیت خاورمیانه از نظر وجود نفت میحتاج بقید کر نیست و هر چند محصول سالیانه نفت ایران و قفقاز و ممالک عربی در سالهای قبل از جنگ کمتر از چهل میلیون تن بوده است و محصول نفت آنروز جهان بهدویست و هشتاد میلیون تن میرسید اما آنچه مسلم است اینستکه معادن نفت بسیار مهمی در کشورهای خاورمیانه وجود دارد و در صورتیکه بدانیم سالیانه دویست و بیست میلیون تن نفت باید از امریکا باین قطعه از جهان بر سر بطور حتم باهمیت معادن نفت خاورمیانه بیشتر پی میریم .

قبل از جنگ کنونی بریتانیا بیست درصد نفت خود را از ایران سه درصد از روسیه سوری و چهار درصد از عراق می‌آورد و معادن نفت کشور عراق را بطور کلی چند شرکت استخراج می‌کنند (باستانی زمین‌های کم وسعت نفت خیز خانقین که در مرز ایران واقع است و جزو امتیاز نفت و دردست شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد) بدین ترتیب :

۱ - شرکت نفت عراق که ۲۳/۷۵ درصد سهام آن متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس میباشد .

- ۲ - شرکت استاندارد اویل (Standard oil) که ۲۳/۷۵ درصد سهم آن به امریکائی‌ها تعلق دارد .
- ۳ - شرکت سلطنتی هلند (Royal Dutch Shell) که ۲۳/۷۵ درصد آن انگلیسی و هلندی است .
- ۴ - شرکت سی فرانسايز (Cie. Francaise) که ۲۳/۷۵ درصد آن فرانسوی است .
- ۵ - ام گلبنکیان (M. Gulbenkian) که پنج درصد سهام را دارد .
محصول سالیانه معدن نفت کشور عراق در حال حاضر چهار میلیون تن است ولی شرکت مجاز است در آینده در سایر نواحی نفت خیز با کتشاف و استخراج نفت دست بزند .
- شرکت استاندارد اویل تا قبل از جنگ سالیانه یک میلیون تن نفت از جزایر بحرین استخراج میکرد و اخیراً هم معدن نفت عربستان سعودی را استخراج میکند .
- از کویت هم مقدار قابل اهمیت نفت بدست میآید . در کشور مصر هم در نقاطی بنام هارقادا (Hurgada) و رأس القریب (Ras Ghariib) شروع با استخراج نفت کرده اند .
- کشور ترکیه هم در جنوب شرقی آناتولی (Anatolia) با استخراج نفت دست زده است و امید میرود که احتیاجات داخلی آن کشور با همین معدن جدید تأمین گردد .
- در تمام سواحل شبه جزیره عربستان فلسطین (Palestine) و مادراء اردن (Trans Jordan) کاوش و بررسی‌های لازم برای پیدا کردن نفت ادامه دارد . از جهات اصلی دیگر اهمیت خاور نزدیک برای انگلستان حفاظت خطوط

هوائی و زمینی و در بائی به هندوستان و خاور دور و استرالیا میباشد.

تنها راه در بائی این نواحی مهم و قابل توجه کانال سوئز (Suez Canal) و در بائی قرمز است ولی راه دیگری هم از در بائی سیاه و از طرق بنادر اریگلی (Eregli) و سامسون (Samsun) واز همه کوتاهتر طرا بوزان که متعلق بکشور ترکیه هستند وجود دارد که باراه آهن بغداد و تمام خطوط انشعابی آن متصل میگردد و نیز مبتوان از آنجا به باطوم (Batum) رفت و از راه روسیه شوروی به تبریز وارد شد و نیز باید دانست که خلیج فارس هم برآه آهن بصره و بغداد میپیوندد.

مهمترین راه ارتباطی این حدود راه آهن است و دو قسمت راه آهن بغداد پس از تقریباً چهل سال در تابستان سال ۱۹۴۰ بهم وصل شد.

این راه آهن از استانبول به آنکارا وادانه (Adana) میآید و پس از عبور از خاک سوریه به حلب متصل میگردد و دوباره به ترکیه میرود مجدداً وارد سوریه شده و از نصیبین (Nisibin) و تل کوچک (Tel Kotchek) عبور کرده به بغداد میرسد و ۱۶۳۶ میل راه را در عرض سه روز طی میکند. راه آهن بغداد که عرض آن یک متر است تا بصره میرود و بکنار خلیج فارس میرسد. یک رشته راه آهن جدید از آنکارا به سیواس (Sivas) و دیاربکر (Diyarbekir) میآید و شاید هم بدون عبور از سرزمین سوریه به نصیبین برسد.

راه آهن اصلی از حلب به رایاک (Rayak) میرود و از آنجا با خطا آهن یک متر عرض به بیروت (Beirut) و دمشق (Damascus) و حیفا (Haifa) اتصال میابد. راه آهن از کار افتاده حجاز یکی از شعب همین رشته است. از حیفا یک رشته راه آهن عربی اصلی تا کانال سوئز میرود.

در خاک ترکیه رشته های راه آهن از آنکارا تا اریگلی و از سیواس تا

سامسون واز راه عرض روم (Erzerum) ناکارس (Kars) واز آنجا بخاک روسیه شوروی و تبریز مر بوط میگردد و شاید هم برآه آهن ایران اتصال یابد . راه آهن ارض روم بزودی بادریای طرابوزان وصل میشود و یک رشته دیگر از العزیز (Elaziz) در شمال دیاربکر و دریاچه وان (Van) بگذردو بمرز ایران برسد .

نکته قابل توجه اینستکه از داردانل و دریای سیاه به سوریه و کشورهای عراق، هندوستان و ایران و روسیه شوروی زاههای موجود است. علاوه بر اینها هر گاه راه آهن قم - یزد برآه آهن اصلی ایران متصل گردد و خطی هم تازاهدان ادامه یابد به هندوستان و خاور دورهم متصل خواهد شد . در عین حال باید مشکلات ناشی از اختلاف عرض راه آهنهای و کمی لوازم حمل و نقل این خطوط را هم در نظر گرفت .

خطوط هوایی بادر نظر گرفتن وضع طبیعی آنها دائمی نیستند ولی قبل از جنگ مصر و عراق خطوط ارتباطی هوایی انگلستان و فرانسه و هلند و ایتالیا و آلمان به هندوستان و استرالیا و هندوچین فرائسه و هند شرقی هلنند و کشورهای پوند بودند .

هواییماهای بریتانیا و ایتالیا همچنین از راه مصر و دریای سیاه پرواز میگردند .

از نظر سوق الجیشی قاهره (Cairo) و بغداد مرکز مهمی هستند که اولی بر کanal سوئز و دریای قزمسلط است و دومی برآه آهن و خلیج فارس استیلا دارد و دفاع از این مرکز بموجب پیمانی که ما « انگلیسیها » با کشورهای مصر و عراق منعقد ساخته ایم جزو اصول اساسی و اصلی سیاست بریتانیا است .

فصل چهل و چهارم

بیطرفی ایران در جنگ دوم جهانی

تشکیل دسته‌ای از کشورهای دوست در سراسر آسیای جنوبی (Southern Asia) که برای جلوگیری از پیشرفت‌های هیتلر بطرف اقیانوس هند مانندسی محکم هستند بسیار ضروری بود و ما «انگلیسیها» این منظور را با سیله کشورهای مصر و سوریه و عراق انجام دادیم.

اساس و بنیان این اتحاد از آنجا سرچشمه می‌گیرد که از طرف شرق هم کشورهای هندوستان و عراق بایکدیگر مربوط هستند و تحت فرمان واحدی زیر نظر ژنرال ویول (General Wavell) (اداره می‌گردند). تنها نقطه ضعیف این حلقه ارتباطات کشور ایران بود و اگر در قفقاز پیشرفتی نصیب آلمانیها می‌گردید بقیه کار برای آنان بسیار سهل و آسان بود. آلمان از این موضوع بخوبی اطلاع داشت و بهمین علت بود که کار کنان خود را دسته دسته به ایران کسیل میداشت.

دولت بریتانیا از تابستان سال ۱۹۴۰ متوجه اوضاع واحوال ایران و همچنین این خطر مهلك بود و چندین بار بطور دوستانه دولت ایران را از این جریان نامطلوب مطلع ساخت و حتی از مقامات مسئول درخواست کرد

که این مهرماان ناخوانده و هولناک را از کشور خود براند و لی پیشنهادات انگلستان در محافل رسمی ایران با بی اعتمای تلقی شد.

در درجه اول ایران نمیتوانست برای آلمانی های مقیم آن کشور جانشین تعیین کند زیرا اغلب از آنها کارشناسان فنی بودند و مشاغل مهم و حساسی را بر عهده داشتند و علاوه بر این ایران تصور میکرد (تا حدی هم حق داشت) که مبادرت بچنین عملی باعث خواهد شد که دولت آلمان آن کشور را ناقض اصول بیطرفي بداند.

دولت ایران روز چهارم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ موقع شروع جنگ بیطرفي خود را در جنگ اروپا اعلام داشت و همچنین روز بیست و ششم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ هنگام آغاز جنگ آلمان با روسیه شوروی اعلام بیطرفي نمود. از روز اعلام جنگ تا دو سال قبل کشور ایران کراراً اظهار و اعلام داشته است که میل دارد با سرتاسر جهان وکلیه کشورهای عالم در حال صلح باشد و هر کاه درباره انحراف ایران از رویه و طریقه بیطرفي و یا بدخواهی و بیمه ری آن کشور نسبت به همسایه هایش یعنی کشورهای روسیه شوروی و ترکیه اظهاری میشد فوراً مقامات رسمی ایران تأکید و تصریح میکردند که دربرابر هر تعریضی بخاک کشورشان مقاومت خواهند کرد و از میهن خویش دفاع خواهند نمود و به چوجه امکان ندارد و اجازه نخواهند داد که سر زمین ایران بمیدان جنگ و صحنه نبرد مبدل گردد.

روز پانزدهم ماه زوئیه سال ۱۹۴۱ آقای مقدم وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران در لندن نامه ای بعنوان روزنامه تایمز نگاشته و طی آن نظر رسمی دولت متبوع خود را اعلام داشت. خلاصه این نامه رسمی چنین است:

۱- دولت ایران بیطرفي کامل خود را اعلام داشته و از روز آغاز جنگ

عما لاهم این بیطرفی را ثابت و مدلل ساخته است و اکنون نیز تصمیم دارد که در برابر هر پیش آمد و وضع و یا اوضاعی موقعیت بیطرفی خود را محفوظ بدارد.

۲- هیچگونه فشار و یا تحریکی از طرف هیچیک از دولتهای خارجی بکشور ایران وارد نیامده است و دولت ایران که بقدر کفايت قوی و نیرومند است در بر این تحمل هر گونه فشار و یا مبادرت به نوع تحریکی در خاک کشورش مقاومت خواهد کرد و هر گونه کزار شهائی که برخلاف این حقیقت مسلم انتشار یافته و یا بعداً انتشار یابد دلیل بر بی اطلاعی و کوتاه نظری نسبت بموقعیت و اوضاع حقیقی ایران میباشد .

۳- موضوع اقامت اتباع دولتهای خارجی در ایران باید باین حقیقت توجه داشت که بموجب قوانین و مقررات جازی کشور خارجیان میتوانند در ایران اقامت کنند و هیچ بیگانهای از هر ملیت که باشد اجازه وقدرت ندارد که بر ضد امنیت و یا بیطرفی کامل ایران کاری بکند و عملی انجام دهد .
البته نمیتوان تصور کرد که این اظهارات ایران از روی حقیقت و صمیمیت نبوده است و بطور قطع و یقین ایران ترجیح میداد که بیطرف بماند و آن کشور را بحال خود و اگذارند تا اصلاحات اجتماعی خود را که در آن موقع پیشرفت قابل توجهی کرده بود تکمیل سازد اما همینکه احساس کردد امنه جنگ اروپائی تانزدیکی های مرزش پیش آمده است با نو میدی شدیدی مواجه گشت .

شاه ایران بخوبی اطلاع داشت که وضع ضعیف کشور او از مقاومت در بر ابر طمع و تعرض کشور های جهانگیر عاجز و ناتوان است و فقط امیدوار بود که دولتهای متهاجم قبل از رسیدن به مرزهای ایران درجا های دیگر از کار بیفتد و به کشور او نرسند .

شاه ایران بخوبی واقف بود که اگر دولت نیرومندی به کشورش حمله کند و کمکی هم به ایران نرسد یارای مقاومت نخواهد داشت و در عین حال که با هر دو دسته متهاجم موافق بود میکوشید مورد خشم دولتی که بیشتر امیدوار به پیروزی اوست واقع نگردد.

شاه بخوبی میفهمید که نزدیکی ایران بادسته شکست خورده مصیبت و بدیختی بزرگی برای کشورش ببار میآورد.

مردم ایران از مطالعه اوضاع جنگ و موقعیت آن روز چنین حس میزنند که آلمان در این جنگ فاتح خواهد بود اما فکر این موضوع را نمیکردند و توجه نداشتند که مرامنازی چیست و آلمانی‌ها نقشه جهانگیری و تسلط بر دنیا را در سر میپرورانند.

ایرانیان با این تصور بزودی تحت تأثیر تبلیغات آلمان نازی واقع میشوند و می‌پنداشتند که آلمان برای نابود ساختن کمونیزم جهاد میکند و ایران را زشدشمنان دیرین یعنی بریتانیا و روسیه شوروی نجات خواهد داد. برای دولتین بریتانیا و روسیه شوروی مبارزه با این افکار بسیار سخت و دشوار بود و مخصوصاً پس از اتحاد و همکاری اخیر بین این دو کشور مبلغین نازی موفق شدند رنگی با آن افکار و خیالات بدھند و ایرانیان پیش خود میگفتند که دودشمن دیرین ایران بریتانیا و روسیه شوروی اکنون برای بر باد دادن استقلال و حاکمیت ماهمدهست شده‌اند و میخواهند جبهه جنگ جدیدی در ایران بوجود آورند در صورتی که حقیقت درست برعکس تصور آنان بود. این آلمان بود که میخواست جبهه جنگ در ایران پدید آورد ولی ایرانیان از این مطلب غافل ماندند.

در نتیجه این پیش آمد ها نفوذ آلمان بسرعت پیشرفت و دولت ایران

هم ظاهرآ حضور عده زیادی مأمورین رسمی آلمان و واگذاری مشاغل مهم فنی بکارشناسان آلمانی را نادیده انگاشت اما نباید این مطلب را از نظر دور داشت که با وجود تمام اینها احتمال میرود که تمایل و تکیه ایرانیان به آلمان بهمان اندازه‌ای که از ترس بود همانقدر هم در اثر تبلیغات فرضیه نژادی و مردم سیاسی نازی بوجود آمده بود.

ایرانیان بر عکس نظری که درباره آلمانی‌ها داشتند نسبت به بریتانیا سوء‌ظن شدیدی پیدا کردند ممکن بود در صورتی که ما مساعدت و اتحاد نظامی قطعی بدولت ایران پیشنهاد میکردیم آن کشور بامیل ورضا ورغبت به متفقین ملحق میشد و در آن صورت امکان داشت که تا اندازه‌ای برای تبلیغات خودمان درخاور میانه اهمیت بیشتری فائل میشدیم ولی حقیقت اینستکه نباید از یک دولت کوچک انتظار داشت دربرابر جنگی که هیتلر در دنیا برپا کرده است بیطرف بماند.

تامدنی وضع چنین بود و همینکه روسیه شوروی و آلمان بایکدیگر مشغول نبرد شدند فوریت و اهمیت وضع ایران آشکار گردید و لی تمامی این وقایع و پیش آمدّها چیزی از سختی اوضاع ما نکاست و سوء‌ظن ایران نسبت به بریتانیا در نتیجه اتحاد و همکاری با روسیه شوروی بمراتب بیشتر شد. عملیات یکی دو ساله روسیه شوروی هم طوری نبود که از ایران نسبت بخود شوروی‌ها رفع سوء‌ظن و بد‌گمانی بشود.

فصل چهل و پنجم

اهمیت ایران در پیروزی متفقین

ارتش روسیه شوروی در او اخر سال ۱۹۳۹ در مرزهای قفقاز و خراسان و افغانستان مستقر شده بود . رزمگاه های دریایی خزر پیاده کردن نیرو را تمرین میکردند و چنین شایع شده بود که روسیه شوروی امتیاز راه آهن و فرودگاه هوایی در نواحی شمال ایران میخواهد .

در تابستان سال ۱۹۴۰ آلمانیها کتاب سفیدی انتشار دادند و در آن کتاب متفقین را به توطئه برای بمباران مناطق نفت خیز با کو متهم ساختند . روز اول ماه اوت مولوتوف (M. Molotov) نطق مفصلی ایراد کرد و طی آن توطئه مندرج در کتاب سفید آلمانیها را به ایران و ترکیه چسبانید و چنین استدلال کرد که در ماه مارس گذشته هوایپما های خارجی از طرف جنوب بسمت با کو و باطوم آمده اند .

دولت ایران جداً این موضوع را انکار کرد ولی تیر کی روابط ایران با همسایه شمالی همچنان ورزبان مردم بود و ظاهرآ تاریخ بیست و دوم ماه زوئن چنین بنظر می آمد که روسیه شوروی اتحاد و همکاری با دولت آلمان را ازسر خواهد گرفت .

دراثر حمله آلمان به روسیه شوروی و اتحاد انگلستان و روسیه علاقه شوروی به ایران بیشتر شد .

مسئله سوق الجیشی ایران در نظر روسیه شوروی عیناً مانند آلمان بود بدین معنی که میخواستند از مناطق نفت خیز با کو نگاهداری و حفاظت کنند و در عین حال به خلیج فارس هم راه یابند زیرا روسها بیشتر از آلمانیها بر اههای ایران محتاج بودند برای اینکه گرفتن کمک از بریتانیا و ممالک امپراتوری آن فقط ازراه ایران امکان پذیر بود و بالاتر از همه آینها بمحض فرارداد سال ۱۹۲۱ که بین کشورهای ایران و روسیه شوروی منعقد شده بود روسها حق داشتند در بعضی موارد بعلت پیش آمد حوادث نامطلوب کشور ایران را میدان عملیات نظامی خود فرار دهند (کرچه این فکر ابتدا از رادیو های محور منتشر گردید) بنابراین تعجبی نداشت که روسیه شوروی برای اشغال نظامی ایران پیش از کذشتن وقت وازدست رفت و فرصت به بریتانیای کبیر اصرار میورزید .

اولین یادداشت دولت روسیه شوروی روز بیست و ششم ماه ژوئن بدولت ایران واصل شد و پس از آن روز نوزدهم ماه ژوئیه دولتین انگلستان و روسیه شوروی مشترکاً یادداشت دیگری فرستادند که مضمون هردو یادداشت اطلاع دوستانه در باره آلمانی های مقیم ایران و کماشتن آنان بکارهای حساس و مشاغل مهم بود . در آن موقع بمحض مدار کی که در دست بود نازی ها باعده ای عناصر مظنون کشور که از طبقات مختلف مردم بودند ارتباط داشتند و نقشه کوتایی درسر می پروردند اما با وجود قدرت رژیم پهلوی آن نقشه بهیچوجه عملی نشده و خنثی ماند . جواب ایران بدلا ئی که ذکر شد بنظر دوپهلو آمد لذا در تاریخ شانزدهم ماه اوت یادداشت شدید اللحن و

تهدیدآمیزی ارسال گردید و این بار پاسخ ایران با مهارت خاصی تهیه شده بود اما رضایت بخش نبود و در این یادداشت دولت ایران وعده میداد که متدرجاً خارجیها را از کشور اخراج خواهد کرد (ایران بی اندازه اشتباق داشت که این نقشه‌را در مورد کارکنان خارجی شرکت نفت ایران و انگلیس مجری دارد) .

برای مقامات مسئول ایران بخوبی واضح و آشکار بود و کاملاً مطلع بودند که آنچه رادو کشور متفق یعنی بریتانیا و روسیه شوروی خواسته‌اند و می‌خواهند این نیست و در عین حال از قدرت آن دو دولت غافل بودند و آلمان هم هر روز بوسایلی ایران را برای اداء روابطی که در پیش گرفته بود تشویق می‌کرد و مقامات مسئول هم باید کمک آلمان وقت می‌گذراندند ولی همین‌که روز بیست و پنجم ماه اوتوت قوای بریتانیا و روسیه شوروی وارد ایران شدند آلمان هیچ‌گونه کمکی باین کشور نداد و دولت ایران فقط سه‌روز شبه مقاومتی نشان داد و بعد از این سه‌روز دولت استعفا داد و دولت جدید دستور ترک مقاومت صادر کرد .

روسیه شوروی آذربایجان و استانهای ساحل دریای خزر و شهرهای شمالی خراسان را اشغال کرد و بریتانیا هم محافظت معادن نفت جنوب و جنوب غربی را بر عهده گرفت و هر دو دولت متفق چه قبلاً و چه بعد از اشغال ایران اعلام داشتند که این تصرف فقط جنبه نظامی دارد و پس از جنگ قوای این دو کشور بدون معطلی و فوری از ایران خواهند رفت .

در ظاهر چنین بنظر میرسید که اشغال ایران فقط برای جلوگیری از رخنه در خط دفاعی آسیای جنوبی است ولی باید دانست که تأثیر این عمل منوط بدو عامل مؤثر و بسیار مهم است .

اولین عامل قوا و نیروی دفاعی روسیه شوروی است برای آنکه اگر آلمانی‌ها به قفقاز وارد شوند و روسیه شوروی را زمانابع حیاتی نفت محروم ساخته و قدرت مقاومت آن کشور را در هم بشکنند آنوقت است که آنچه را محاصر و پناهگاه میدانستیم تله ودام بزرگی خواهد شد. هرگاه که آن پیش آمد ناگواردی ندهد و کار با آنجاها نکشد باز همما باید موقعیت کشور ترکیه را از نظر دور نداریم زیرا پس از شکست در جنگهای یونان ترکیه کم کم بطرف آلمان متمايل گشت و البته این تمایل بیشتر از نظر ترس از قوای آلمان بود نه همروهمجbut با نازی‌ها و هم‌آهنگی با اداره کنندگان آن کشور و در هر صورت ترکیه نمیتواند تصور کند که ورود روسیه شوروی به ایران قدم دیگری برای محاصره آن کشور نباشد.

تبییغات آلمان در خاور نزدیک بتمام ممل اسلامی و کشورهای مسلمان خبرداد که بیکی از همسایگان آنان حمله ناگهانی شد و در این صورت هرگاه کشور ترکیه تقاضای محور را قبول کرده و تسلیم گردد و اجازه دهد که ارتش آلمان بیکی از مراکز مقاومت ما در خاور میانه حمله کند بطور حتم وضع ما بسیار دشوار خواهد بود.

بهترین امید ما اینست که دست به تبلیغات سیاسی دامنه‌داری بزنیم و بدانوسیله افکار و مقاصد خود را بطور کاملی معلوم و روشن سازیم.

تبییغات سیاسی با برنامه صحیح و درست در کشور ایران اهمیت بسیاری دارد. اشغال نظامی ایران بخودی خود ممکن است مؤثر واقع گردد اما اگر ما بتوانیم مردم ایران را حاضر کنیم که وضع فعلی را بارضا و رغبت و در عین حال با اعتماد و صمیمیت قبول کنند بدیهی است کارما بمراتب آسانتر خواهد شد.

در حال حاضر هر قدرهم ایرانیان نسبت بماموستانه رفتار کنند حس کنجهکاوی آنانرا وادار میسازد که عوامل محرك هارا در اشغال ایران بدافتد و پس از آن ما را برای سختی هائی که تتحمل کرده‌اند سرزنش و ملامت خواهند کرد (همانطوریکه دولت خودشان را ملامت کردند).

تأثیر اشغال ایران در روحیه شاه هم نهایت اهمیت را داراست زیرا سیاست بیطری شدید وی در هم‌شکست و در نتیجه تا اندازه‌ای از شهرت شاه کاسته شد.

بدیهی است که از این ب بعد متفقین اصرار میورزند که دولت سیاست آزادتری را برقرار سازد.

فصل چهل و ششم

بریتانیا و ایران

در حال حاضر که کارهای اصلاحی رضاشاه روی پایه محکمی استوار گشته است نصایح و کمک بریتانیا برای کشور ایران ذیقیمت خواهد بود. بعد از جنگ اول و پس از شکست دیپلماسی بریتانیا در ایران سیاست عمومی انگلستان نسبت بترقی و پیشرفت ایران (bastanai يکی دومورد) دوستانه بوده است و هرگاه ماموفق شویم اثر نا مطلوب اشغال نظامی را که بطور قطع در میان ایرانیان تولید کدورت کرده است بر طرف سازیم بخوبی میتوانیم ایرانیان را نسبت بخودمان صمیمی ساخته و قلوب بی آلایش آنرا بخویش معطوف سازیم.

شرط اصلی عملی شدن این نظر آنست که در روش ما تغییر کلی و اساسی داده شود یعنی ما باید در درجه اول به ایرانیان بفهمانیم که برای رسیدن به پیروزی و شکست دشمنان خود بقدر کافی نیرومند هستیم و باید طوری رفتار کنیم که آنان بدانند منافع ما در ایران هردو یکی است و مصالح عالیه ما و کشور آنها جنبه مشترک دارد ولی آلمان خیال تسخیر و تصرف تمام کشوزهای خاور نزدیک را دارد و ما بر عکس در عین حال که

کوشش داریم ایران را از میدان جنگ دور بداریم قطعاً پیروزی ما پیروزی ایران خواهد بود.

قسمتی از این موضوع را توضیحات لازم در اطراف رویه و مقاصد جدید نازی تشکیل میدهد که منتهی به سلب استقلال و جلوگیری از هر کونه پیشرفت و ترقی است و شامل برداشتن ملتها و مردمان مغلوب در مقابل آلمانیها و نسبت بمنافع آنهاست چنانکه در حال حاضر عین این حقایق در کشورهای مغلوب اروپادیه میشود ولی ما میتوانیم بیش از اینها کار کنیم.

ما باید سیاست دوستانه کاملی نسبت بسر تاسرجهان اعلام داریم و بعالیان بگوئیم که برای ابد سیاست امپریالیزم دیرین را ترک کرده ایم و از این پس دیگر کشورهای جهان را برای موقعیت نظامی و مواد خام آنها تحت تسلط و فرمانروائی خویش قرار نمیدهیم.

ما تصمیم داریم و کوشش خواهیم کرد که تمام منابع و راههای اقتصادی جهان را بازنگاه داریم.

این راههای بازرگانی منحصرآ برای مانیست بلکه تمام ملت‌های جهان تعلق دارد. بازرگانی خارجی ماروی اصل مبادله کالاها و توسعه داد و ستد متقابل استوار است و در معاملات خود با کشورهای دیگر روئنه همسایه خوب را پیش میگیریم.

این چنین وضعی نه تنها امنیت و استقلال ملت‌های کوچک جهان را محفوظ نگاه میدارد بلکه آنها را در انجام مقاصد ملی خودشان کمک و مساعدت خواهد کرد.

فایده این نوع سیاست آن است که مارا از مذاکره ویا منازعه در نوع حکومت مستغنى میسازد و یک نوع اصولی را که در تمام نقاط جهان

طرفدار داشته وقابل قبول است پیش پایی هامیگذارد .
هدف ومقاصد ملی ایران چیست وما چگونه میتوانیم ایران را برای
رسیدن باآن مقاصد کمک کنیم ؟

ابتدا باید باین موضوع توجه داشت که ایرانیان مانند هر ملت
مغفور و بالافخار دیگری خواهان استقلال ووحدت ملی خود میباشند .
ایرانیان معتقدند که در محیط سیاسی امنی باین هدفها رسیده اند .

ایران تصمیم گرفته است که با متعدد شدن وتوسعه وترقی کامل
منابع خود جای خودرا در میان ملل جهان بگیرد وسرزمین ایران را از
حیث آبادی وپیشرفت وترقی گلستان سازد وحال موقعی است که کارشناسان
فنی وفرهنگی ما میتوانند همه گونه مساعدت در راه پیشرفت مقاصد ایران
بعمل آورند .

مایکی از مهندرین مواد خام اولیه خودمان را از ایران میگیریم و
هر گاه بخواهیم باین کارآدمه دهیم باید بجای حرفهای پوچ وبی ربط مالی که
قبل اتحویل میدادیم کالا ویا مواد پر ارزش وفاسد نشدنی به ایران بدهیم .
اساس جهان آینده باید بیش از امehای دروغین بروی تبادل حقایق
استوار باشد وایرانیان که خاطرات تلغی و ملال انگیزی ازربودن امتیازات
قرن نوزدهم دارند بیش از سایر ملتها تبادل حقایق را خوش آمد میگویند .
پس از خاتمه جنگ بدیهی است ما عده ای مهندس وکارشناس فنی
اضافه بر عده مورد احتیاج خودمان داریم و بخوبی میتوانیم آنانرا در
اختیار دولت ایران بگذاریم تا طرحهای آبیاری ، سد سازی ، تولید برق ،
صنایع و مکانیک را در آن کشور بمرحله اجرا درآورند .

افرادی را که ما بخارج از کشور میفرستیم باید خودشان را مهندس

امپراطوری بدانند بلکه باید سفرای کشورشان برای ایجاد حسن تفاهم باشند. این اشخاص نمیتوانند امتیازات و مزایائی را که حالا بریتون‌ها از شرق انتظار دارند در آنوقت هم از ایران بخواهند بلکه بر عکس آنان باید باشند. ایطمساوازی با ایرانیان همکاری و معاوضت کنند و از عادات حقارت آمیز اسلام خودشان چشم بپوشند.

باید تعلیم و تربیت و همچنین شخصیت کسانی که بکشور ایران اعظام میگردند از هر حیث موردنظر و دقت کامل قرار گیرد. این افراد علاوه بر دارابودن معلومات فنی باید طبعاً با نظر احترام و محبت به ایرانیان پنگرنده و از زبان و فرهنگ کشور ایران هم اطلاع کاملی داشته باشند. ما در کذشته از این نوع اشخاص نام بر دیم و شرایطی را که باید دارا باشند بطور اجمال صحبت داشتیم اینکه چند نفری را در اینجا ذکرمیکنیم.

ریچارد برتون (Richard Burton) کاشف و معدن شناس معروف ای. جی. براون (E. G. Browne) که در انقلاب مشروطیت سال (۱۹۰۶-۷) طرفدار مردم ایران بود - تی. ای. لورنس (T. E. Lawrence) که در جنگ گذشته عامل اصلی شورش اعراب بدیوی بر علیه امپراطوری عثمانی بود و عده‌ای دیگر که هریک کارهای مؤثر و بسیار مفیدی انجام دادند و همچنین زنانی مانند جرتود بل (Gertude Bell) و فریبا استارک (Freya Stark) که کوشش‌های فراوانی بکار برند تاطبیع خوب انگلیسیها را بشرقیها نشان دهند. اشخاصی که دارای این شرایط باشند بدون شک و تردید بخوبی میفهمند و درک میکنند که وظایف آنها خدمت بدولت ایران و در نظر گرفتن منافع آن دولت است نه یک دولت خارجی.

طرحها و نقشه‌هایی را که اجرا میکنند ساختمانهای را که میسازند

کارخانه‌های را که بکار می‌اندازند همه وهمه متعلق بدولت ایران خواهد بود و امر دیگری که در سر لوحه وظایف آنها قرار دارد این است که جوانان ایرانی را برای بعدها تربیت نموده و آنان را بکارهای فنی بخوبی آشنا سازند تا بتوانند کارهای کشورشان را خودشان انجام دهند و احتیاجی بوجود کارشناسان خارجی نباشد.

در آینده باید روابط سیاسی مانه تنها با ایران بلکه با سایر کشورهای خاور نزدیک و خاور دور هم بروی همین اصل برقرار واستوار باشد. امید است باجرای نقشه‌ای منظم ترتیبی اتخاذ کردد که تمام کشورهای خاور نزدیک و خاور میانه در حلقه کشورهای مشترک‌المنافع درآیند.

اجرای این طرح باید ابتدا از تشکیل اتحادیه کشورهای عربی آغاز کردد زیرا اغلب از ساکنین این کشورها با وجودیکه از مشکلات موجود اطلاع دارند باز هم طرفدار چنین اتحادیه‌ای هستند که بین ممالک عربی بوجود آید.

این اشکالات در وهله اول در تقسیمات سیاسی که منافع خارجیان بوجود آورده است ناشی می‌شود و در وهله دوم باید آنرا علت عقب ماندگی امور اقتصادی دانست و بالآخره قسمتی هم معلول اختلافات مذهبی و مشاجرات اقلیت‌هاست.

موضوع اول یعنی امور سیاسی و اقتصادی ممکن است با کمک دولتهای غربی مرتفع شده و بالاً قل تقلیل یابد و در عین حال باید سازمانهای اجتماعی و اقتصادی بوجود آورد که دسته‌های مختلف را مانند کردهای سوریه و عراق و یهودیهای فلسطین و مسیحیان لبنان تشویق کرد تا با همسایگان عرب خود از در صلح و صفا برآمده و بایکدیگر زندگی آرام و بی‌سر و صدائی را

آغاز نمایند . احتمال کلی دارد که بعضی از این نواحی هم اکنون برای تشکیل اتحادیه آماده باشند .

کشورهای عراق ، سوریه ، لبنان ، فلسطین و معاوراء اردن (با نه میلیون جمعیت) تشکیل یک واحد جغرافیائی و اقتصادی را خواهند داد که روز بروز قویتر و متحده‌تر آن بیشتر خواهد شد و باید گفت که این اتحادیه حکم (هلال بار آوری) را دارد .

در فواحی جنوبی هم عربستان سعودی ، یمن و عدن و امارات ساحلی خلیج (که در حال حاضر نه میلیون نفر جمعیت دارند و تحت حمایه دولت بریتانیا هستند) اتحادیه دیگری تشکیل میدهند که این دو اتحادیه میتوانند با یک اتحادیه دیگر که از مصر ، سودان و سیرنائیک (با بیست میلیون نفر جمعیت) تشکیل خواهند شد همکاری و تشریک مساعی کنند .

اتحادیه دیگری مرکب از طرابلس ، تونس ، الجزیره و مراکش (با شانزده میلیون نفر جمعیت) تشکیل میگردد و از طرف دیگر کشورهای ترکیه و ایران هم میتوانند باهم متحد و متفق گردند .

این افکار ممکن است در حال حاضر فرضیه‌ای بیش نباشد و مسائل دیگری هم هست که ذکر آن مسائل در اینجا لازم بنظر نمیرسد ولی اینطور استنباط میشود که تمایلاتی برای عملی شدن این نظر وجود دارد .

بموجب قرارداد سعدآباد که در سال ۱۹۳۷ منعقد شده است چهار دولتی را که قبل از کشیده با یکدیگر مربوط و متحد میسازد .

کشورهای عراق ، عربستان سعودی و یمن هم در سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ قرارداد دوستانه‌ای امضا کرده‌اند . کشور مصر بموجب قراردادی که دارد با عربستان سعودی و با وصلت شاهانه با کشور ایران مربوط است .

مقاله ذیل که سال گذشته در یکی از روزنامه های تهران منتشر یافته است طرز فکر و عقیده طبقات متفکر و متوفی ایران را بخوبی نشان میدهد و ما ینک عین آن مقاله را در اینجا ذکر میکنیم :

ما احساس میکنیم منافع مشترک عمومی که دائماً از نظر هم کیشی و عقاید دینی و تعلیم و تربیت و ادبیات و طریقه تفکر و اخلاق در امور معنوی بین ملت های خاور نزدیک وجود داشته است در حال حاضر موجب میشود که زمینه مناسبی برای همکاری صمیمانه بین آنها بوجود آید و این همکاری و معاضدت دوستانه باعث آن خواهد شد که با ایجاد تضمینات متقابل توده محکم و شکست ناپذیری در این نواحی از جهان ایجاد گردد .

درست است که کشور های خاوری از نظر قدرت اقتصادی و نیروی اخلاقی و فرهنگی و سایر جهاب بایکدیگر مساوی نیستند ولی بطور حتم این موضوع مانع همکاری نزدیک آنها نخواهد بود و این کشورها میتوانند با اتحاد و اتفاق اشتراك مساعی فیما بین را محکم و ثابت سازند .

در صورتیکه هر یک از کشور های مورد بحث مادر استحکام وضع و موقعیت خودشان کوشش کنند و احساس نمایند که اتحاد و همآهنگی برای آنان لازم و حتمی است و در عین حال تاحد امکان رعایت وضع دیگران را بکنند و از کمکهای لازم در امور فرهنگی و اخلاقی و دینی بین خودشان دریغ ننمایند و مساعدت بیکدیگر را تجاییکه ممکن باشد جزو اصول عقاید خویش قرار دهند بطور حتم و یقین خطاهای گذشته تکرار نخواهد شد و کشورهای خاور نزدیک با آرامی و آسایش کامل زندگی خود را ادامه خواهند داد و روز بروز بر قدرت آنان افزوده شده موقیت روز افزونی را در پیش رفت امور اجتماعی و سیاسی خود خواهند داشت .

ملتهای خاور نزدیک آمده اند در دنیائی که تأمین اقتصادی و آزادی عامل و راهنمای اصلی آن باشد نقش خود را بازی کنند در صورتی که ملتهای صنعتی بزرگ غربی راهنمای آنان را بر عهده بگیرند. در عرض یک دو سال آینده معلوم خواهد شد که آیا ماروبه توحش و برد کی توده‌ها بعقب میرویم و یا آنکه بالهایم کردن از قدرت وزیری آزادی که جهان امروز بما داده است برای بدست آوردن پیروزی نهائی و ابراز وجود و شخصیت فردی بجلو میرانیم.



فصل چهل و هشتم

مقدمات جنگ دوم جهانی

در تاریخ بیست و یکم ماه مارس سال ۱۹۳۹ میلادی چمبرلن نخست وزیر انگلستان به سر هوارد کنارد (Sir Howard Kennard) سفیر کبیر انگلیس درورشو پایتخت لهستان دستورداد که با کنل بلک (Colonel Beck) وزیر امور خارجه کشور مذکور وارد مذاکره شده و زمینه تنظیم قراردادی را بین دولتين: انگلستان، فرانسه، لهستان و روسیه شوروی فراهم سازد. چون کنل بلک بعلت همسایگی آلمان از مذاکره در هر نوع قراردادی که روسیه شوروی در آن دخالت داشت احتراز و دوری می‌جست به سفیر کبیر انگلستان جواب داد که بهتر است دولت متبع وی در اطراف قرارداد دو جانبی ای که بین لهستان و انگلستان منعقد گردد مطالعه کند.

سفیر کبیر انگلیس نتیجه مذاکرات خود را با وزیر امور خارجه لهستان بدلت انگلستان گزارش داد که در جواب آن چمبرلن نخست وزیر آن کشور تضمین سرحدات لهستان را پیشنهاد و پس از کسب موافقت دولت لهستان در جلسه روزی ویکم ماه مارس سال ۱۹۳۹ مجلس شورای ملی نخست وزیر انگلستان اقدامات دولت خود را طی نطق مفصلی با اطلاع نمایند گان مجلس رسانده و گفت:

« با یاد به اطلاع نمایند کان محترم مجلس بر سانم در صورت وقوع خطری که استقلال لهستان را مورد تهدید قرار دهد دولت لهستان هم بعمل حیاتی با تمام قوا تصمیم بمقاومت بگیرد دولت انگلستان خود را موظف میداند با نهایت قدرت خود کشور مذکور را کمک ویاری کند و در این موضوع به دولت لهستان اطمینان کافی داده شده است و مجاز هستم اعلام دارم که رویه دولت فرانسه هم با آنچه بیان کردم مطابق و موافق است ...»

نمایند کان مجلس و رهبران تمام احزاب ملی در انگلستان سیاست چمبرلن نخست وزیر آن کشور را تأیید کردند و برای سیاستمداران آن روز جهان یقین حاصل شد که آلمان به کشور لهستان حمله و تجاوز کند بدون تردید جنگ دوم جهانی بوقوع خواهد پیوست.

در این حیص و بیص موسولینی دیکتاتور کشور ایتالیا موقع را برای پیشرفت مقاصد خود آماده دید و روز هفتم ماه آوریل سال ۱۹۳۹ اتمام حجتی برای زغای اول پادشاه آلبانی (Albanie) ارسال والحاق آلبانی را به کشور ایتالیا خواستار شد و چون زغای از قبول تقاضای او امتناع ورزید بالا فاصله سربازان ایتالیائی به کشور آلبانی حمله کردند.

زغای از قبول کشور بی دفاع آلبانی بدون مقاومت و خونریزی تسليم گردید.

روز دوازدهم ماه آوریل سال ۱۹۳۹ مجلس مؤسسانی تشکیل یافت تاج و تخت آلبانی را به ویکتور امانوئل (Victor . Emmanuel) پادشاه ایتالیا تفویض کرد و بدین نحو استقلال کشور مذبور از بین رفت. روز اول ماه آوریل سال ۱۹۳۹ سفرای کبار انگلستان و فرانسه مقیم کشور لهستان به دولت های متبع خود اطلاع دادند که ریبن تروب

(Ribbentrop) وزیر امور خارجه آلمان از دولت لهستان خواسته است که تصمیم لازم را درباره موضوعات ذیل :

اول - تغییر اساسنامه دانتریک (Dantzig) والحق آن به آلمان .

دوم - ایجاد راه آهن و جاده اتوموبیل رو در دالان دانتریک .

سوم - تعیین و تصریح خط مشی لهستان نسبت بدولتین متحدا یا تالیا و آلمان .

اتخاذ و نظر نهائی خود را باطلاع آلمان برساند .

روزولت (Roosevelt) رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا که از

این اقدام وزیر امور خارجه آلمان محروم آن اطلاع یافته بود روز پانزدهم

ماه آوریل سال ۱۹۳۹ پیامی به هیتلر و موسولینی فرستاد و متذکر شد که

در عرض مدت قلیلی سه ملت اروپائی و یک ملت افریقائی از آزادی واستقلال

محروم شده اند هر کاه دولتین آلمان و ایتالیا از این پس مایل به برقراری

صلح و آرامش جهان باشند هیچ دولتی حاضر بجنگ نیست و تمام دول آزاد

بایت آنان در تأمین صلح موافقند اختلافات فعلی را هم میتوان در کنفرانسی

دوستانه حل و فصل کرد بشرط آنکه هیچیک از دول قصد تهدید و ارعاب

دیگری را نداشته باشند .

روز بیست و هشتم ماه آوریل سال ۱۹۳۹ هیتلر پیشوای ملت آلمان

نطق مفصلی در رایشتاک ایراد ولغو پیمان عدم تجاوز بالهستان را که در سال

۱۹۳۴ منعقد شده بود و همچنین لغو قرارداد بحری با انگلستان را که در

سال ۱۹۳۵ با مضاء رسیده بود بعلت رویهای که دو کشور مذکور اتخاذ کرده

بودند اعلام کرد و در پایان نطق خود به یادداشت روزولت رئیس جمهوری

ایالات متحده امریکا اشاره نموده گفت :

دولت امریکا حق ندارد در امور داخلی اروپا که هیچیک از کشورها

خطری از طرف دول محو احساس نمیکنند دخالت کند .
کلدل باک وزیر امور خارجه لهستان چند روز بعد جواب نطق هیتلر
را داد و گفت :

دولت لهستان عملی که موجب لغو قرارداد عدم تجاوز باشد مرتكب
نشده و در هر حال در زندگانی هر فرد و هر ملتی یک چیز پر بهای وجود دارد
که آن شرافت و افتخار است ملت لهستان هم طالب همین یک موضوع میباشد.
پس از این تاریخ حوادث مرزی بین دو کشور روبرو با توسعه و فروپاش میرفت
و هر روز اختلافات جدیدی که موجب اعتراض یکی از طرفین میشدرخ میداد .
دولت لهستان مدعی بود که در عرض دوهفته شصت و چهار دفعه هواپیما -
های آلمانی از مرز گذشته وارد خاک لهستان شده و از موضع نظامی آن دولت
عکسبرداری کرده اند .

آلمانی ها ادعا مینمودند که افراد آلمانی مقیم لهستان در همان ایام
موردا ذیت و آزار مقامات دولتی قرار گرفته به بهانه های مختلف آنان را شکنجه
نموده و اموالشان را تصاحب کرده اند و روزی نمیگذشت که در روزنامه های
طرفین از این قبیل موضوعات دیده نشود .

آلمانی ها از آشفتگی اوضاع استفاده کردند و عده زیادی از افسران
خود را با دستورات و تعلیمات مناسب به دانتزیگ فرستادند که به تشکیل
نیروی دفاعی شهر و نصب توپهای ضد هوائی و تربیت جوانان اقدام نمایند .
در اینجا لازم است با استحضار خواهند کان گرامی برسد که بموجب
پیمان ورسای (Versailles) دانتزیگ بندر آزاد و بلا معارض اعلام شده بود
که دولتین آلمان و لهستان هیچیک نتوانند از آن بنفع خود استفاده کنند
و عمل دولت آلمان با قرار داد ورسای مغایرت داشت.

شهر آزاد دانتریک دارای کمیسر مخصوصی بود که از طرف مجمع عمومی انتخاب میگردید و وظیفه اش اجرای مقررات پیمان و رسای و تنظیم امور شهر و کزارش و قایع و کارها بجماعه ممل بود اما عملاً کمیسر مذکور در حوادث و سرنوشت اهالی دانتریک اثر چندانی نداشت و بیشتر امور شهر بدست مجلس سنای آنجا و کمیسر لهستانی اداره میشد.

برای اینکه لهستان بتواند مصنوعاتش را خارج و مایحتاج خود را بدون مضيقه وارد نماید بندر دانتریک شهر آزاد اعلام شده بود و امور گمر کی را دولت لهستان انجام میداد تا بتواند طبق احتیاجات کشورش گمر ک ک آن شهر را بدون دخالت ممالک دیگر اداره کند.

دولت لهستان از طرف خود کمیسر مخصوصی برای نظارت در گمر کات به دانتریک فرستاد که بمناسبت شغل خویش نفوذ زیادی داشت و با تمام تجارت و سرمایه داران شهر رفت و آمد میگرد.

دانتریک از سمت مغرب و جنوب با لهستان همسایه و دارای روابط تجاری زیادی بود استحکامات و سترپلات (Westerplatte) که مخزن مهمات و سلاح لهستان بود در مرز جنوبی دانتریک ساخته شده و مورد تهدید واقع گردیده بود.

مجلس سنای دانتریک تمام امور اداری شهر و سرنوشت اهالی را بدست داشت و چون دانتریک اساساً شهر آلمانی و ساکنین آن اکثراً از نژاد ژرمن بودند طبعاً منتخبین سنای آن شهر هم از طرفداران آلمان و الحاق آن کشور بشمار میرفتند. از وقتیکه حزب نازی قدرت و نفوذی بدست آورد مجلس سنای دانتریک علناً مایل الحاق به آلمان شد.

از آغاز سال ۱۹۳۹ حزب نازی دانتریک بر فعالیت خود افزود و

لیدر آن حزب بنام آلبرت فورستر (Albert Forester) از جانب هیتلر تعین شد و مستقیماً دستور از پیشوای آلمان می‌گرفت.

در تابستان همان سال اعضای حزب به پانزده هزار نفر رسید و افسران آلمانی که به دانتریک می‌آمدند فقط قصد تعلیم و تربیت همین عده را برای وقت مناسب داشتند و آنها را بفنون جنگی آشنا می‌ساختند.

در سال ۱۹۳۹ کلیه امور شهر دانتریک بدست کمیسر جامعه ملل بنام بورکهارت (Burck. H. rd t) و رئیس سنای دانتریک بنام آرتور کریزر (Marian Chodaski) و ماریان شوداسکی (Arthur. Greiser) کمیسر لهستان و آلبرت فورستر لیدر حزب نازی اداره می‌شد.

بین رئیس سنا و لیدر حزب نازی که مایل الحاق به آلمان و از دیاد نفوذ آن کشور در دانتریک بودند توافق کامل وجود داشت ولی دونفر دیگر که اسمی و شغل آنهاز کر شده‌یک وظیفه خاصی داشتند و کمتر می‌توانستند در کازهای شهر توافق حاصل کنند.

روز سوم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ مجلس سنا تصمیم با یجاد مرزداران مخصوصی گرفت تا سرحدات شرق را در مقابل هجوم احتمالی که قهر آدر آن موقع منظور لهستان بود حفظ نمایند.

جو ازان دانتریک که عموماً از حزب نازی بودند این تصمیم را استقبال کردند و برای انجام این شغل داوطلب شدند و اسم نویسی کردند. صاحبان کارخانجات و تجارهم از حیث لباس و لوازم افراد کمک قابل توجهی نمودند بطور یکه در عرض مدت کوتاهی سپاه منظمی در سرحدات و فرودگاه‌ها آماده و مشغول کارشدو تا اندازه‌ای در مشاغل مأمورین لهستانی عمداً اخلاق و مانع انجام امور کمر کی گردیدند.

روز نهم ماه ژوئیه سال ۱۹۳۹ فورستر لیدر حزب نازی نطقی ایرادو به عملیات مأمورین لهستانی اعتراض کرد و اظهار داشت که دانتریک شهر آلمانی است و اختیارات آن بدست سناد حزب ناسیونال سوسیالیست میباشد با این حال دخالت لهستانی‌ها خلاف حق و عدالت بوده و کارهای گمرک باید بدست مردمان دانتریک اداره شود.

سخنرانی فورستر که با آن اشاره شد طبیعه مخالفت با لهستانی‌ها و تمایل به دخالت هیتلر در امور شهر دانتریک بود که مطمئناً باین آسانی قطع نمیشد و خواسته‌های دیگر را بدنبال داشت بدین لحاظ دولت لهستان باوزیر امور خارجه و نخست وزیر انگلستان تماس گرفت و اظهارات فورستر را باطل‌اع آنان رسانید.

چمبرلن فردای آنروز ادموند ایرنساید (Edmund Ironside) رئیس ستاد ارتش انگلستان را به ورشو فرستاد و خودش در مجلس شورای مملی گفت: اختلاف دانتریک مورد توجه دولت انگلیس میباشد هر کاه بندر مذکور بتصرف دولت آلمان در آید امور اقتصادی لهستان فلنج شده از بین خواهد رفت دخالت حزب نازی در امور داخلی شهر برخلاف پیمان و رسای وظیفه ایست که جامعه مملکت برای کمیسر خود تعیین کرده است.

ژنرال ایرن ساید رئیس ستاد ارتش انگلستان با اسمیگلی ریدز (Smygły Rydz) فرمانده قوای لهستان در اطراف دفاع کشور نامبرده و قدرت نظامی وسایر امور مشاوره پرداخت و روز بیست و یکم ماه ژوئیه به لندن مراجعت نمود.

هر چند نتیجه‌مذاکرات رئیس ستاد ارتش انگلیس با فرمانده قوای لهستان فاش نگردید ولی دولت امپراتوری با اتحاد روسیه شوروی و اجازه عبور به سر بازان

روسی که یکی از نکات مورد مذاکره این ساید بود جداً مخالفت نمود و مانند سیاست‌ومشی همیشگی خود ازور و دبه جر که دولی که روسیه شوروی عضو آن باشد سر بازد.

آلبرت فورستر بعد از نطقی که فوقاً اشاره شد هفته‌ای یکبار به برلن میرفت و با پیشوای آلمان ملاقات و دستور اخذ میکرد و حتی در دیدار روز سیزدهم ماه ژوئیه رئیس سنای دانتزیگ را هم با خود برده بود.

منظور اصلی از این ملاقات‌ها پیشتر ایجاد وسیله و مقدمه‌اتی بود که آلمانیها مأمورین کمر کی لهستان را از دانتزیگ خارج واداره امور کمرک شهر را نازیها بعده بگیرند تابعداً موجبات الحق قطعی به آلمان را فراهم سازند و با این منظور کشتی‌های آلمانی از راه دریای بالتیک مرتباً اسلحه و مهمات برای داوطلبانی که اسماء مأمور محافظت مرزها و معناً ارتض واقعی دانتزیگ را در صورت وقوع خطری تشکیل میدادند میرسانیدند و نیز عده زیادی کارگران آلمانی برای کمک بد او طلبان و چند هزار سرباز و افسر ظاهرآ با اسم جهانگرد و تاجر برای موقع مناسب وارد دانتزیگ شدند تادر صورت لزوم دست بعملیات نظامی بزنند.

در اوایل ماه اوت سال ۱۹۳۹ دو قایق موتوری لهستانی که مأمور نظارت ساحل و بازرگانی آن حدود بودند در تاریکی شب مشاهده کردند که یک کشتی آلمانی با چراغ خاموش وارد بندر متوجه ساحل و بارانداز شد مأمورین لهستانی چون میدانستند آلمانی‌ها اسلحه وارد به داوطلبان دانتزیگی تسليم میکنند بتصور اینکه کشتی مذکور حامل سلاح و مهمات جنگی است در صدد توقيف و بازرگانی محمولات آن برآمدند ولی کار کنان کشتی اعتنای به علامات قایق و مأمورین کمرک نکردند بساحل پیاده و تحت حمایت پلیس

دانتریک مانع دخالت مأمورین گمرک شدند و لهستانی‌ها بعلت معافیت پلیس موفق به بازداشت کشته‌ی وی بازارسی محمولات آن نشدند و این امر ثابت کرد که قدرت و نفوذ نازی‌ها و طرفداران آلمان بقدرت توسعه یافته است که مأمورین انتظامی بجای تبعیت از دستور اداره گمرک و اقدام به نگاهداری محمولات کشته‌ی آلمانی‌ها را بر علیه لهستانی‌های مقیم دانتریک تشویق و ترغیب می‌کنند.

این موضوع مورد اعتراض شدید کمیسر لهستانی دانتریک واقع و اختلافات بقدرت بالا گرفت که همه در آشفتگی محیط منظر بودند داوطلبان دست بتظاهر واستعمال اسلحه بزنند و کلیه مأمورین لهستانی را اخراج و بندر دانتریک را جزء پروس شرقی بشناسند و دنیا را در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار دهند اما فکر هیتلر پیشوای آلمان در آن ایام بموضع مهمتری که مذاکره با استالین وزمامداران مسکو بود متوجه و مجال مدافعت و فصله دادن بکار دانتریک را نداشت.

در همین اوان باز حادثه دیگری اتفاق افتاد که موجب تیر گی روابط آلمان و لهستان و خاتمه اوضاع شهر آزاد دانتریک گردید و آن موضوع این بود که اعضای حزب نازی دانتریک برای مخفی داشتن سلاح و مهماتی که از آلمان دریافت میداشتند در مرز پروس شرقی دفعتاً مأمورین گمرک را اخراج و مانع بازارسی آنان گردیدند و سلاح را بطور قاچاق و پنهانی عبور دادند.

حوادث مذکور دولت لهستان را بر آن داشت که بر عده مأمورین خود بیفراید و اعلام دارد که اگر اهالی شهر و مأمورین انتظامی رویه گذشته را تعقیب و مانع انجام وظایف کارمندان گمرک شوند سر بازان لهستانی را بحفظ

کمرک و کارمندان آن خواهد گمارد تا بتوانند کارهای خود را انجام دهند . در مقابل این اقدامات که دخالت در امور شهر بود رئیس مجلس سنا که باطنًا از نظریات نازی‌ها پیروی می‌کرد بهمأمورین کمرک در مرز پروس شرقی اخطار کرد که از صبح روز ششم ماه اوت سرکار حاضر نشوند . کار مجادله بالا کشید و ماریان شوداسکی کمیسر لهستانی دانتزیگ باعترافات خود افزود و خواستار شد در ظرف بیست و چهار ساعت رئیس سنا دستور خود را الغو و اجازه دهد کارمندان کمرک سرکار خود حاضر و کماکان به بازرسی واردات مشغول شوند و ضمناً بمنظور اجبار رئیس سنا به لغو دستور مذکور با اجازه دولت متبوع خود صدور کرده و ماهی دانتزیگ را که تنها بازار آن لهستان بود بکشور خود منوع داشت تا در اثر خسارات رئیس سنا مجبور شود کارمندان لهستانی را در ادارات کمرک بپذیرد و دستور خود را الغو سازد . آلبرت فورستر لیدر حزب نازی که پس از این جریان قدرت زیادی یافته بود از فرصت استفاده کرد و بر تعداد داوطلبان و اتمام ساختمانهای نظامی دانتزیگ که مخصوص اقامته‌گاه سربازان بود افزود و تا اوایل ماه اوت سرباز خانه‌ها را از هر حیث آماده ساخت و تمام جوانانی که استعداد حمل اسلحه و خدمات نظامی را داشتند بخدمت دعوت نمود حتی از کلیه اتوبوسها و اتوموبیل‌های سواری و کامیون‌ها صورت برداری کرد تا در صورت لزوم از هر یک استفاده کرده سرباز و مهمات بهر مکانی که لازم شود حمل نماید در حقیقت می‌توان گفت باضمانتی که دولت انگلیس از سرحدات لهستان نمود و واقعیت که پشت سر هم در شهر آزاد دانتزیگ رخ میداد هر گاه تعjaوزی به خاک لهستان صورت می‌گرفت و قوع جنگ قطعی واجتناب ناپذیر بود و حتی محافل سیاسی اروپا از او اسط ماه اوت سال ۱۹۳۹ بعد پیش‌بینی می‌کردند

که دیر یا زود شعله جنگ زبانه خواهد کشید و دنیا را با خود بوادی فنا و خونریزی خواهد برد.

هیتلر پیشوای آلمان بوسیله‌فن پاپن سفیر کبیر آلمان در کشورتر کیه مشغول مذاکرات محرمانه با مقامات مربوطه بود و مجال توجه بوقایع دانتزیگ را نداشت لذا برای احتراز از اختلافات هفتم ماه اوت گرینز رئیس سنا به یادداشت اعتراضی لهستان پاسخ داد که دستوری برای جلوگیری از مأمورین لهستانی داده نشده و میتوانند سرکار خود حاضر شوند بدین نحو بار دیگر موقتاً به بحران موجود بین لهستان و دانتزیگ خاتمه داده شدو کارمندان گمرک در مرز پروس شرقی بکار خود مشغول شدند اما قرائناً بسیاری از جمله رفت و آمد مأمورین سیاسی ایتالیا به آلمان و مسافرت فن‌ریبن تروپ به ایتالیا دلالت داشت که آمش مزبور موقتی بوده و در پس پرده اقدامات سیاسی مهمی در جریان است که دیر یا زود علنی و در انتظار عمومی قرار خواهد گرفت.

در اوایل ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ که در ساختمان مجلل و باشکوه نخست وزیری آلمان جشن بزرگی برپا بود هیتلر برخلاف عادت و روش همیشگی خود مدت مديدة با سفیر کبیر شوروی مذاکره و با مهر بانی فوق العاده ای باوی رفتار نمود تظاهر هیتلر بموضع مذکور توجه عموم نمایندگان سیاسی را جلب و بادر نظر گرفتن و قایع روز یقین حاصل کردند که در آتیه بسیار نزدیک دولت آلمان به روسیه شوروی نزدیک شده و پیمانی منعقد خواهد ساخت و اتفاقاً چند روز بعد حملات سخت و زنده‌ای که چند سال بود روزنامه‌های شوروی بدست گاههای دولتی آلمان میکردند موقوف شد. هر چند تا آخر ماه ژانویه خبر قطعی از نزدیکی دولت نیامد ولی سیاستمداران در حبس خود ثابت بوده و عقیده داشتند

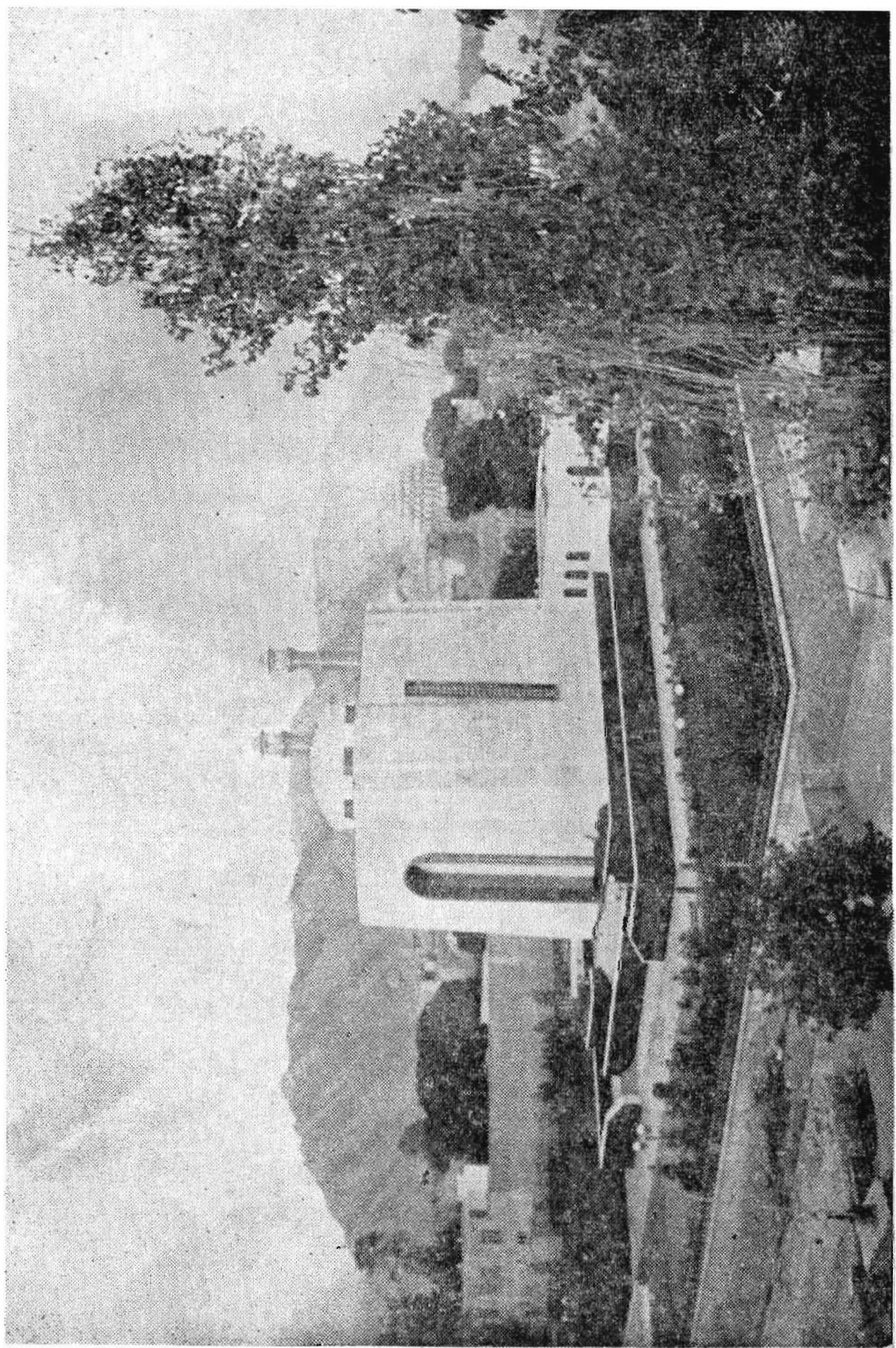
که دولت آلمان پنهانی مشغول گفتگو بازمامداران روسیه و تهیه مقدمات انعقاد پیمان مهمی میباشد . ژنرال سیروی (Syrovy) نخست وزیر چک- اسلواکی که بعد ازورود آلمانیها بهپراگ تاچندی مفقودالاثر بود در این موقع در بر جلسه کادن مقر هیتلر پیشوای آلمان زیاد دیده میشد که محرمانه باوی ملاقات و باز تامد تی از نظرها غایب میگردید .

شهرت داشت که شخص نامبرده پیامهای محرمانه هیتلر را به استالین میرساند و از پیشوای روسیه برای هیتلر جواب میآورد و بدین نحو محرمانه بین دو دیکتاتور مذاکرات خصوصی و سری ردو بدل میشود این روش سیاسی یعنی ردو بدل کردن پیامهای شفاهی نزد هیتلر سابقه داشت و منحصر بین مورد بخصوص نبود .

در اوائل سال ۱۹۳۸ که اختلاف بین آلمان و چک اسلواکی در خصوص سودت (Sudete) بهمنته درجه شدت خود رسیده بود و دولت آلمان تصمیم گرفته بود بخاک چک اسلواکی حمله کند برای یافتن راه حل مناسبی و گفتگوی سیاسی بازمامداران انگلستان پیشوای آلمان آجودان مخصوص خود را که ویدمان (Wiedemann) نام داشت بدون اطلاع وزیر امور خارجه و دا سفارت آلمان در لندن که در این قبیل امور اصولاً باید دخالت داشته باشند به شهر لندن فرستاد و ویدمان مستقیماً بالرد هالیفاکس وزیر امور خارجه انگلستان تماس گرفت پیام مخصوص هیتلر را اعلام و با جواب لازم به برلن مراجعت کرد .

بادر نظر گرفتن این موضوع بعید بنظر نمیرسید که به پیروی از سیره مذکور ژنرال سیروی رابط بین استالین و هیتلر بوده و پیامهای شفاهی را برای سهولت در فصله دادن کار و انجام امور مشکل بین طرفین ردو بدل کرده باشد .

شهری: آرامگاه رضا شاه کبیر



۴۸۷

هر کاه روسیه شوروی با آلمان همکاری میکرد لهستان بین دو قوهٔ بزرگ و موقعیتی خطرناک قرار میگرفت و دولت انگلیس هم از نظر ضمانتی که از سرحدات و خاک آن کشور کرده بود دچار زحمت میشد و کمک مفید و مؤثری نمیتوانست بکندو گذشته از آنکه لهستان ناچار از قبول نظر آلمان و تسليم در برابر آن دولت میشد انگلستان هم به چوجه قادر بانجام تعهدات خود نمیگردید بهمین جهت دولت انگلیس در اثر پافشاری و اصرار لوید - جورج فائد حزب آزادیخواه و نخست وزیر جنگ جهانی اول که حسن رابطه و اتحاد باروسیه را برای توفیق انگلستان لازم و حتمی میدانست و پیوسته در این موضوع بدولت فشار میآورد و مقالات مهیج در روزنامه های مینوشت مجبور شد که باب مذاکرات را در لندن با سفير کبیر شوروی افتتاح کند و بعداً هم یک هیئت نظامی برای تعقیب کار و اخذ نتیجه به مسکو اعزام دارد و دولت فرانسه هم که باروسیه شوروی قبل از قرارداد نظامی داشت از انگلستان تبعیت نمود و چند نفر از افسران معروف خود را برای مذاکرات نظامی به مسکو فرستاد و هر دو دسته یعنی هیئت انگلیسی و هیئت فرانسوی در اوایل ماه اوت همان موقعی که اختلاف میان آلمان و لهستان بر سر دانتریک به منتهی درجه شدت رسیده بود به مسکو وارد شدند و مذاکرات باز مامداران روسیه آغاز گردید . مقصود دولتین فرانسه و انگلستان از اعزام هیئت های نظامی یکی این بود که میخواستند دولت آلمان را از فعالیت در دانتریک و طرح دعاوی جدید در باره لهستان بازدارند و تاوقتی که هیئت های مذکور در مسکو بسر میبرند از ترددی کی احتمالی روسیه و آلمان جلو کیری نمایند و دیگر اینکه برفرض تعرض آلمان به لهستان وبالکان میزان کمک و مساعدت روسیه شوروی را دریابند و بقیه مدن دولت نامبرده در صورت اتحاد با ممالک مغرب اروپا تاچه

حد قادر بدخلالت در جنگ و اعزام قوا خواهد بود .

روسیه قبل از بحث در مسائل فوق الذ کر موضوع سرحدات غربی خود و تضمین کشور های استونی ولیتوانی و فنلاند را که در سال ۱۹۱۷ بموجب پیمان برست لیتوسک (Brest - Litovsk) از دست داده بود بمیان کشید و تقاضای تضمین سرحدات و سرزمین کشور های نامبرده را که بمنزله دروازه روسیه بودند نمود .

دول مزبور مانند لهستان و کشور های بالکان از روسیه شوروی و مسلک و مرام کمو نیست رعب و هراس مخصوصی داشتند و به چوجه حاضر نمی شدند در اتحادیه ای که روسیه شر کت داشته باشد دخالت کنند و یا تضمین آن دولت را قبول نمایند بدین طریق بین روسیه شوروی و فرانسه و انگلستان دو اختلاف نظر مهم بوجود آمد که حل هر دو ممتنع و بلکه محال بود یکی اینکه روسیه می خواست استقلال ممالک استونی ولیتوانی و فنلاند را کشور های معظم (فرانسه و انگلستان) تضمین نمایند که دول مذکور حاضر به قبول چنین تضمینی نبودند دیگر آنکه لهستان و رومانی که تضمین انگلستان را قبول کرده بودند به چوجه حاضر بقبول تضمین متشابهی از طرف روسیه نمی شدند و جداً از این امر امتناع داشتند .

قبول تقاضای روسیه و انعقاد پیمانی بدون رضایت دول نامبرده گذشته از آنکه مخالف اصول بین المللی و جامعه ملل بود از حیثیت سیاسی فرانسه و انگلستان درجهان میکاست و ثابت میکرد که دول بزرگ برای حفظ منافع اجتماعی خود حاضر ند بحقوق دول کوچک تجاوز نمایند و حتی استقلال و تمامیت ارضی آنان را وجه المصالحه فرار دهند بدین جهت مذاکرات هیئت های نظامی با کنندی پیش میرفت و نتیجه مثبت و قابل توجیه هم بdst نمی آمد . هیتلر پیشوای آلمان که یکی از خصایص روحيش موقع شناسی بود

واز اوایل ماه ژانویه سال ۱۹۳۹ بازمامداران روسیه شوروی برای بستن قراردادی مذاکره میکرد از تعلل و تسامح دولتین انگلیس و فرانسه استفاده کرد و در تمام مواردی که دولتین نامبرده بامقاصد روسیه مخالفت مینمودند حاضر به گذشت و انعقاد پیمان نمی شدند با دولت نامبرده کنار آمد و قول داد که کلیه نکات مورد نظر شوروی را قبول و بموضع اجرا بگذارد باین نحو بعد از چندین ماه مذاکرات محترمانه سرانجام توافق نظر حاصل و قرارشده که فن ریبن تروپ وزیر امور خارجه آلمان به مسکو مسافرت و پیمان لازم را امضاء کند.

روز بیست و سوم ماه اوت فن ریبن تروپ به مسکو رسید و بعد از ملاقات با استالین قرارداد عدم تجاوز ویک پروتکل محترمانه منعقد بین دولتین را امضاء کرد و طرفین از عمل خود مسورو و خوشحال گردیدند و در جشنی که بمناسبت امضای پیمان و توافق نظر بین روسیه و آلمان در شهر مسکو منعقد شد استالین شخصاً حضور یافت و ضمن ایراد نطقی اظهار داشت: من میدانم چقدر ملت آلمان پیشوای خود را دوست دارد از این تاریخ روسیه و آلمان در جوار هم بازیافت دوستی زندگانی خواهند کرد. با این طریق دو دولت مختلف العقیده که سالیان دراز در روزنامه های خود از هر نوع ناسزا بدگوئی نسبت بیکدیگر خودداری نمیکردند بلحاظ وضع تاریک سیاست دنیا موقتاً بهم نزدیک و حاضر با انعقاد پیمان عدم تجاوز شدند اما این دوستی و اتفاق دیری نپائید و با حمله آلمان به ایک روسیه پایان یافت.

پیمان عدم تجاوز مذکور مبنی بر این بود که دو دولت متعاهد بهیچ عنوان و تحت هیچ شرطی بدولت ثالثی که بایکی از متعاهدین در جنگ

باشد کمک و مساعدت نخواهند کرد بنا براین اگر بین آلمان و لهستان نزاعی در میگرفت و کاربجنگ و جدال میکشید دولت روسیه حق کمک به لهستان و یا دفاع از آن کشور را از خود سلب کرده بود و بهیج عنوانی نمیتوانست به همسایه خود معاونت نماید و یکی از مقاصد هیتلر هم در انعقاد پیمان همین نکته بود که دولت معظم اروپا و لهستان را از چشم داشت و انتظار کمک از خاور یعنی روسیه مایوس و نامید سازد و ثابت کند که اگر لهستان مورد تجاوز قرار گرفت از همسایگانش کمکی دریافت نخواهد کرد و همچنین برفرض دخالت دولتین انگلستان و فرانسه در جنگ بطریقی از لهستان روسیه شوروی مساعدتی از لشکری و مالی و اقتصادی بکشورهای نامبرده نخواهد نمود.

پر توکل محترمانه پیوست پیمان عدم تجاوز شامل تعیین منطقه نفوذ در کشورهای مورد علاقه طرفین خصوصاً ممالک کنار دریای بالتیک بود لیتوانی و استونی در منطقه روسیه لیتوانی تحت نظر آلمان میماند و بسرا ای (Bessarabie) ایالت بزرگ رومانی ضمیمه خواه روسیه میشود و کشور لهستان بین آلمان و روسیه طبق نقشه معینی تقسیم میگردید با این طریق تقاضاهایی که شوروی از دولت مغرب اروپا داشت و مورد مخالفت و رضایت واقع نمیشد دولت آلمان عملی نمود و اجرای آنرا بعهده گرفت و مطامع روسیه شوروی را اجابت کرد.

هیئت‌های نظامی انگلیس و فرانسه هنوز بدون اخذ نتیجه در مسکو بودند و بمذاکرات بیهوده ادامه میدادند و چون پس از امضای قرارداد بین آلمان و روسیه دیگر اقامت آنان در پایتخت شوروی بیحاصل بوده جبور شدند بکشورهای خود بر گردند. روز بیست و هفتم ماه اوت سال ۱۹۳۹ دولت

فرانسه تصمیم کرفت که در مسئله لهستان از نظر انگلستان پیروی کند و اکرخاک آن کشور مورد تجاوز و حمله قرار کرفت از آن دفاع نماید با این جهت دلاله ضمن سخنرانی در رادیو پاریس کفت (سرنوشت فرانسه با آزادی لهستان بستگی دارد و هیچ فرد فرانسوی نیست که متوجه این موضوع نباشد هر کاه در اثر ترس اجازه دهیم ملل اروپا یکی بعد از دیگری از پایی در آیند آن عواملی که موجب نابودی آنان شده‌اند بزودی بس راغ کشور و ملت ماخواهند آمد).

دولت انگلستان برای اینکه به هیتلر ثابت کند در صورت حمله به لهستان از آن کشور دفاع وضمانی را که کرده است اجراء خواهد نمود روز بیست و هشتم ماه اوت پیمان اتحاد و تعاون متقابل با آن کشور منعقد و ضمانت سابق خود را تأیید و تأکید نمود و جای شکی باقی نگذاشت که در انجام تعهد خود به چوچه مسامحه نخواهد کرد و بر پیشوای آلمان هم مسلم گردید که برخلاف تصور وی دولتین انگلستان و فرانسه در صورت تعرض به لهستان بمنظور اعمال تعهدات خود بحمایت و پشتیبانی برخواهند خاست و با استقلال و حاکمیت آن کشور دفاع خواهند نمود.

با وجود مراتب مذکور در برلن بقصد جلوگیری از وقوع جنگ بین نویل هندرسون (Neville-Henderson) سفیر کبیر انگلیس و فن ریبن ترورپ وزیر امور خارجه آلمان مذاکراتی جریان داشت و با این نتیجه رسید که وزارت امور خارجه آلمان دعای خود را بر لهستان منحصر بدوم موضوع نمود اول اینکه دانتزیگ به آلمان واگذار شود دوم آنکه تکلیف سرزمین دالان لهستان از طریق مراجعته بآراء عمومی معین و معلوم گردد و چنانچه اهالی مایل الحاق به آلمان بودند مانند شهر دانتزیگ بدولت مذکور (یعنی آلمان)

و اکنون کردد و اگر بحفظ وضع فعلی یعنی تابع حکومت لهستان بودن را مایل شدند که حاکمیت دولت مذکور مسجل میگردد و دولت آلمان اعتراضی نخواهد داشت.

مذاکراتی که در برلن بین انگلستان و آلمان جریان داشت در اثر نامه چمبرلن نخست وزیر انگلیس بود که بعلت امضای پیمان عدم تجاوز روسیه و آلمان پیشوای آلمان نوشته بود.

این نامه که بوسیله هندرسن سفیر کبیر انگلیس به هیتلر تسلیم شد چنین بود:

مسلمان از اقداماتی که دولت انگلستان نموده و بوسیله رادیو و روزنامه‌ها منتشر گردیده است مستحضر شده اید اقدامات مزبور در نتیجه حرکت قوای نظامی و نیروی ارتش آلمان بوده است.

بعد از انعقاد پیمان آلمان و شوروی برای بعضی‌ها این عقیده پیدا شده است که ضمانت انگلستان از لهستان دیگر امری جدی نیست ولی اشتباہی از این بزرگتر نمی‌شود زیرا پیمان مذکور هر چه در برداشته باشد تغییری در تعهدات انگلستان نسبت به لهستان پدید نخواهد آورد و دولتی که نظریه خود را با وضوح کامل اعلام داشته تصمیم قطعی باجرای آن دارد و حتی برخی از مردم معتقدند اگر انگلستان در آغاز جنگ جهانی اول نظر خود را صریحاً اعلام داشته بود از وقوع آن مصیبت عظیم جلوگیری می‌شد.

این عقیده چه صحیح و چه ناصحیح باشد امروز انگلستان مصمم است که هر گاه احتیاج ایجاد کند بدون ائتلاف وقت تمام نیروئی را که در اختیار دارد بکار اندازد و مسلمان وقی جنگ در گرفت تعیین پایان آن غیرممکن خواهد بود.

اکنون که روش انگلستان واضح و روشن گردید ما می‌یلم نظر خود را هم بشما گوشزد کنم که جنگ بین آلمان و انگلستان بزرگترین فاجعه‌ای است که رخ خواهد داد و بیط و رقطع نهملت من و نه ملت شما می‌ل بچین حادثه ناگواری ندارند و باضافه هیچ موضوعی بین آلمان و لهستان مشاهده نمی‌شود که نتوان حل کرد و البته اینکار در صورتی است که اطمینان و اعتماد لازم موجود باشد هر چه کشورت آلمان و لهستان بطول انجامد امید حل اختلاف کمتر می‌شود و بیم آن می‌رود که این راه به بن بست برخورد و هیچ کس نتواند راه حلی بیابد.

پاسخ هیتلر بنامه فوق الذکر که تسلیم سفیر کبیر انگلستان در برلن شد شامل نظریات دولت آلمان نسبت به لهستان بود و خلاصه آن از اینقرار است که آلمان می‌ل فراوان به حل مسالمت آمیز اختلاف با لهستان دارد منتهی‌ضمامه‌ای از این کشور شده که لهستان را تحریک بمقامت نموده است و تضمین سرحدات لهستان در تصمیم آلمان راجع به دانزیگ و دلان لهستان تغییری وارد نخواهد ساخت و این دو ناحیه باید بکشور آلمان ملحق گردند چمبرلن نخست وزیر انگلستان پس از دریافت نامه هیتلر پیشوای آلمان در مجلس شورای ملی نطقی ایراد کرده کفت:

پیشوای آلمان تصویر نموده است که خاور اروپا منطقه نفوذ آلمان است و دست وی باید در آن ناحیه باز باشد ما برای انگلستان در خاور اروپا موقعیت خاصی طالب نیستیم و از آلمان هم تقاضا نداشته‌ایم که منافع خود را فدای ما کند ولی با این مسئله که منافع دولتی باریختن خون و انهدام استقلال ملت‌های دیگر عملی بشود موافق نیستیم.

ما مایلیم که نظم بین المللی برایه توافق و اطمینان کامل استوار باشد

برقراری چنین نظمی میسر نخواهد بود مگر اینکه احترام تعهدات بین-
المللی و ترک زور کوئی رعایت گردد.

هیتلر پیشوای آلمان پس از اطلاع از مفاد نقطه چمبرلن سفیر کبیر
انگلیس را در برلن بمقر خود دعوت و مذاکراتی که خواسته های دولت
آلمان را در برداشت بعمل آورد.

هندرسون برای تسریع در یافتن راه حل و تجدید آرامش اروپا با
هوایپما به لندن رفت تا با وزیر امور خارجه انگلستان در خصوص اظهارات
شفاهی هیتلر مذاکره و مشورت نماید دو روز در لندن اقامت گزید و بمشاوره
پرداخت.

آلمانی ها مدعی هستند که طول اقامت هندرسون تابیست و هشتم ماه
اوی در لندن و صرف ایام گرانبهائی که در سر نوشت صلح جهان مؤثر بود
برای ائتلاف وقت و عصبانی ساختن پیشوای آلمان که میل حل مسالمت آمیز
اختلاف را داشت بوده است بعلاوه دولت انگلستان در آن موقع در درورش پایتخت
لهستان نفوذ فراوان داشت هر کاه مایل بود مسئله لهستان و دانزیگ با
مسالمت خاتمه مییافت طول گفتگوی هندرسون در لندن وسکوت در ورشو
ثابت میکند که نخست وزیر انگلستان مایل بود هرچه زودتر جنگی و زدو
خورد شروع گردد.

روز بیست و هشتم ماه اوی هندرسون با جواب دولت انگلستان به برلن
مراجعت کرد و ساعت ده و نیم بعد از ظهر همان روز به ملاقات هیتلر رفت و
جواب کتبی دولت متبع خود را بنظر اورسانید.

دولت انگلستان در جواب خود حل موضوع فیما بین واقیلت آلمانی
حقیم لهستان را موکول به مذاکرات مستقیم دولتين آلمان و لهستان کرده

و تصریح نموده بود که روابط آینده آلمان و انگلستان بستگی کامل بروشی دارد که آلمان راجع به لهستان اتخاذ خواهد کرد هر کاه دولت آلمان اختلافهای موجود را باحسن نیت و رضایت طرفین فیصله داد اروپا را از تشنج سیاسی خلاص نموده و دولت انگلستان پیشنهاد آلمان را راجع بروابط آتیه دو کشور مورد دقت و مطالعه قرار خواهد داد و اگر اختلاف لهستان بنحو رضایت بخشی خاتمه نیافت و کار به جنگ کشید چون انگلستان استقلال و تمامیت ارضی آن کشور را تضمین کرده است ناچار وفای بعهد خواهد کرد که در این صورت موردي برای مطالعه روابط آلمان و انگلستان باقی نمی‌ماند.

همانروزی که هندرسون به برلن بر کشت دولت انگلستان سفير کبیر خودرا در دروازه جوابی که به هیتلر داده بود مطلع ساخت و دستور داد که ماحصل جواب مذکور را با اطلاع دولت لهستان برساند و تأکید کند که بهتر است با شرایط مساوی با دولت آلمان وارد مذاکره شده موضوع اقلیت‌های آلمانی و اعزام بازرسهای بیطرف را که آلمان اصرار داشت برای رسیدگی بوضعیت آلمانیهای مقیم لهستان بآن کشور اعزام دارد پذیرد.

در اینجا لازم است با اطلاع خوانند کان ارجمند برسانم که دولت لهستان از پذیرفتن بازرسان بیطرف بعلل نا معلومی خودداری می‌کرد و با اینکه دولت انگلستان نهایت سعی و کوشش خود را برای اعزام هیئت بیطرفی به لهستان بکاربرد و نظر هیتلر پیشوای آلمان را هم جلب کرد معهدها دولت لهستان هر روز بعنایین مختلف اشکالتراشی کرده و از زیر بار پذیرفتن بازرسهای بیطرف در کشور خود شانه خالی می‌کرد.

باک وزیر امور خارجه لهستان بنا بمواردی که ذکر شد حاضر عزیمت

به برلن و یا اعزام نماینده بازجا نبود و میگفت برای احراز شرایط مساوی در مذاکره بهتر این است که مذاکرات در کشور بیطرفی که موجت سهولت حصول نتیجه باشد انجام پذیرد و پایه صحبت هم بر پیشنهاد ماه مارس سال ۱۹۳۹ آلمان و نظریه لهستان راجع به ثبیت وضع فعلی گذاشته شود و ضمناً بدون انتظار وصول پاسخ دولت آلمان روز سی ام ماه اوت که هنوز مذاکرات جریان داشت و بمحله قطعی نرسیده بود حکم بسیح عمومی صادر کرد و بموضع اجرا گذاشت و سربازان و مشمولین را بزیر پرچم دعوت نمود. این پیش آمد هنگامیکه هنوز پیشوای آلمان انتظار حضور نماینده تمام الاختیار لهستان را در برلن داشت و موجب خشم و غصب وی گردید و تصور نمود که دولت انگلستان که سرحدات لهستان و تمامیت ارضی آن کشور را تضمین نموده در اینکار مشوق و محرك دولت لهستان بوده است. این فکر و تصور بقدرتی قوت گرفت که هیتلر پیشوای آلمان بیست و چهار ساعت بعد فرمان حمله بخاک لهستان را صادر کرد.



فصل چهل و هشتم

آغاز جنگ دوم جهانی

ساعت پنج بعد از نصف شب روز اول ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی قوای مسلح آلمان که در مرزهای لهستان تمرکز یافته بود بموجب فرمان حمله هیتلر پیشوای آلمان وارد خاک این کشور گردید و نبرد خونینی را که شروع جنگ جهانی دوم بود آغاز نمود.

ستاد کل ارتش آلمان طبق نقشه تنظیم شده پنجاه و هشت لشکر از جمله ده لشکر هو تو زینه برای این کار یعنی حمله به لهستان واژپایی در آوردن آن کشور اختصاص داد و نظر این بود که سپاه سوم مرکب از هشت لشکر از پروس شرقی بقصد تسخیر برست لیتوساک حرکت کند و سپاه چهارم متشکل ازدوازده لشکر پس از تصرف منطقه معروف بدالان دانزیگ و انهدام سربازان مقیم آن ناحیه به امتداد رود ویستول (Vistule) از پرانی (Pomeranie) عازم مرکز لهستان شود و شهر ورشو پایتخت آن کشور را اشغال کند.

وظیفه عمده بعده سپاه دهم که مرکب از هفده لشکر بود و جناح راستش را سپاه هشتم با هفت لشکر تقویت مینمود محول کشت.

این سپاه مکلف بود برای تصرف ورشو مستقیماً بطرف آن شهر برود و کلیه استحکامات و موانعی را که درسر راه بیابد در مدت قلیلی از بین بردارد. کمی دورتر در جنوب سپاه چهاردهم مرکب از چهارده لشگر تمرکز یافته بود که دو تکلیف بر عهده داشت یکی اینکه بدولاً ناحیه صنعتی کراکوی (Cracovie) را تسخیر کند و دیگر آنکه بعد از تصرف کراکوی شهر بزرگ لوو (Lvow) را که در جنوب شرقی لهستان بود بدست آورد. طبق نقشه فوق قوای نظامی آلمان میباشد مقدمتاً سربازان لهستانی را که در مرزهای بین دو کشور موضع گرفته بودند شکست داده منهدم سازد سپس با حرکت گازانبری آنها را محاصره و نابود کند.

حرکت گازانبری اول که از شمال و جنوب غربی بوسیله سپاههای چهارم و دهم انجام میگرفت مقصد آن شهر ورشو پایتخت لهستان بود که بایستی دو سپاه مذکور یکی از شمال و دیگری از جنوب غربی بطرف ورشو حرکت کرده قوا استحکامات لهستانی را مغلوب و منهدم ساخته در شهر ورشو بیکدیگر ملحق شوند و در حقیقت دوشاخه گازانبر بیکدیگر اتصال بیابند و از فرار و عقب نشینی سربازان لهستانی که بین دوشاخه گازانبر موصوف اسیر شده‌اند جلوگیری نمایند و چنانچه احیاناً عده‌ای موفق به نجات خود و عقب نشینی منظم میشوند بطور قطع از حرکت گازانبری دومی که بوسیله سپاه سوم از شمال و سپاه چهاردهم از جنوب صورت میگرفت و مقصد آن شهر برست لیتوساک مشرق ورشو بود نجات نمی‌یافتد اسیر و یا نابود میگردیدند.

در صورت موقت و اجرای نقشه مزبور و اتصال دو حرکت گازانبری در شهرهای ورشو و برست لیتوساک ارتش لهستان بکلی از پایی در میآمد و

دیگر سربازی باقی نمی‌ماند که خلاصی باید و در مشرق لهستان اقدام باشد گی کند.

یک هزار پانصد فروند هواییمای جدید قوای زمینی آلمان را تقویت میکردد و مأموریت داشتند که به هواییماهای لهستانی فرصت پرواز ندهند و روی زمین آنها را نابود کنند و پس از آن به کمک قوای زمینی شتافته تأسیسات نظامی پشت جبهه را بسختی بمباران و خطوط ارتباط و راه آهن را خراب و از کار بیندازند بنحوی که انتظام ارتش لهستان کسیخته شده موفق با بیجادجهه مکمل و منظمی نگردد و باضافه بین افراد کشوری و ساکنین شهرها رعب و هراس ایجاد گردد و امنیت داخلی کشور لهستان مختل شود.

در مقابل این ماسین عظیم جنگی که بدست فرماندهان لایق و آزموده‌ای اداره می‌شد لهستان بطورکلی سی‌لشکر سرباز و نهضد فروند هواییما بیشتر نداشت و از نظر تجهیزات و نوع اسلحه بهیچوجه قابل مقایسه با تسليحات ارتش آلمان نبود و فرماندهان آن فقط چشم امید به کمک انگلیس و فرانسه ضامن استقلال و تمامیت ارضی لهستان دوخته بودند.

سربان آلمانی که مقدم بر آنها هواییماها حرکت میکردد از روز آغاز حمله به هجوم ناکهانی پرداختند و در عرض یک هفته چنان در خاک لهستان کسترده شدند که دشمن با وجود مقاومت مردانهولی بیهوده در تمام جبهه‌ها عقب‌نشینی اختیار کرد.

دولتین انگلستان و فرانسه که از حمله قوای آلمان به لهستان با خبر شده و میدانستند که دیر یا زود قوای منظم و مجهز آلمان کشور لهستان را نابود خواهد کرد روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی سه روز بعد از صدور فرمان حمله به لهستان بدولت آلمان اعلام جنگ دادند.

در تمام جبهه های جنگ زد و خورد خونینی بین قوای لهستان و آلمان در کرفت و سرانجام نیروی مجهز آلمان سپاه و نیروی لهستان را روز بیست و هشتم ماه سپتامبر یعنی در عرض بیست و هشت روز شکست داده و آن کشور را تصرف نمود.

دولت آلمان بعد از شکست لهستان دارای یکصد و شانزده لشکر مجهز و کامل بود که چهل و دو لشکر آن در مغرب و شانزده لشکر در آلمان مرکزی و پنجاه و هشت لشکر در جبهه مشرق اقامت داشتند.

بعد از شکست لهستان و امضای قرارداد عدم تجاوز باروسیه و فراتر از جبهه مشرق دولت آلمان میتوانست چهل لشکر از قوای مقیم لهستان را کسر و به جبهه غرب اضافه کند و با هیجده لشکر بقیه در حال صلح لهستان را حفظ و حر است نماید با این ترتیب مجموع قوای آلمان در مغرب به هشتاد و دو لشکر مجهز میرسید.

در مقابل این عده کشور فرانسه هفتاد و دو لشکر و کشور انگلستان در خط مقدم جبهه چهار لشکر داشتند ولی ممکن بود هر چه جنگ طول بکشد از سر بازان افریقائی و آسیائی به خاک اروپا پیاده کنند و بر تعداد سپاه خود بیفزایند. آلمان در جبهه مغرب دارای دوهزار فروند بمب افکن جدید بود در صورتیکه فرانسه و انگلستان مجموعاً نهصد و پنجاه فروند بمب افکن داشتند با توجه با این موضوع و در نظر گرفتن قوای طرفین دولتین فرانسه و انگلیس حاضر تجاوز بخاک آلمان و حمله آن کشور نبودند خود را به مخاطره نمی‌انداختند و ناچار بودند تا تهیه سر بازو و مهمات و هواییمای کافی حال دفاعی بخود بگیرند. استحکامات و مواضع نظامی و پایگاه های خود را تکمیل نمایند. آلمان که از حیث نفرات و تجهیزات و هواییمادر سال ۱۹۳۹ بر متفقین

برتری داشت از سه راه میتوانست بخاک فرانسه حمله کند.

اول - تعرض بخط مستحکم مازینو و عبور از سرحد مشترک با فرانسه که این اقدام برفرض موفقیت و شکافته شدن خط مازینو با تلفات و خسارات زیاد توأم بود و چه بسا امکان داشت با عدم موفقیت مواجه گردد.

دوم - برای احتراز از مقابله با خط مازینو دور زدن آن و جلوگیری از تلفات زیاد از سویس به فرانسه وارد شود و بیطریقی کشور نامبرده را نقض کند که این اقدام هم با وجود کوهستانهای صعب العبور سویس و موقعیت بین المللی آن کشور خالی از مخاطرات نظامی و سیاسی نبود و سران نظامی آلمان تا آن تاریخ هیچ وقت بچنین فکری نیفتاده و آماده چنین امری نشده بودند.

سوم - نقض بیطریقی بلژیک و هلند و ورود از شمال شرقی به خاک فرانسه که البته اجرای این فکر از نظر عدم وجود استحکامات نظامی سهل الحصول بنظر میرسید و مسلمان تلفات و خسارات هم کمتر بود.

بدلایل مذکور متفقین منتشر بودند که آلمان مانند سال ۱۹۱۴ یعنی جنگ اول جهانی از فرضیه سوم استفاده کرده از راه بلژیک به کشور فرانسه حمله کند.

روی این نظر ازاوایل ماه اکتبر سال ۱۹۳۹ ژنرال کاملن رئیس کل ستاد ارتش فرانسه با دولت بلژیک وارد مذاکرات محرومراهی شد تا موافقت آن دولت را برای ورود ارتش متفقین به بلژیک جلب کند و بعد از یک سلسله مذاکرات بالاخره دولت بلژیک راضی شد که در صورت تجاوز ارتش آلمان متفقین حق داشته باشند سرباز به بلژیک وارد و خط دفاعی (موزو انورس) را تصرف و به ارتش بلژیک کمک کنند و متعاقب این موافقت شورای عالی جنگ متفقین هم در روز هفدهم ماه نوامبر در پاریس تشکیل و تصمیم ذیل را اتخاذ نمود:

چون لازم است هرچه امکان داشته باشد ارتش آلمان را از سرحد فرانسه دور نگاهداشت از این نظر اشغال خط (موزو انورس) در صورت نقض بی طرفی بلژیک و حمله آلمان با آن کشور ضرورت پیدا کرده است اجازه داده می شود ارتش متفقین در صورت لزوم باینکار مبادرت نماید.

با این نحو نقشه جنگ آتید تنظیم شد و متفقین آنچه در قوه داشتند برای استحکام خطوط دفاعی خود در این منطقه و جلوگیری از پیشرفت ارتش آلمان در فرانسه و بلژیک همت کما شتند وقت خود را در زمستان سال ۱۹۳۹ صرف این موضوع واژدیاد سر باز و مهمات کردند و منتظر فرا رسیدن بهار سال ۱۹۴۰ و آغاز حمله آلمان و مقابله با آن شدند.

از روز سوم ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ یعنی همان روزی که دولتین انگلستان و فرانسه به آلمان اعلام جنگ دادند زیر دریائی های آلمانی بفعالیت پرداختند و هر جا با کشتی های انگلیسی و فرانسوی روبرو می شدند آنان را غرق و از این راه خسارات و تلفات سنگینی بدول متخصص خود وارد می ساختند. اولین کشتی انگلیسی که بعد از اعلام جنگ منهدم گردید کشتی آتنیا (Athenia) بود که همان روز سوم ماه سپتامبر ساعت ۹ بعد از ظهر بوقت کرینویچ در مغرب جزایر انگلستان بوسیله یک زیر دریائی آلمانی غرق شد.

پیشوای آلمان که از رد پیشنهاد صلح و تصمیم متفقین با ادامه جنگ متغیر بود منظور اینکه عظمت نیروی نظامی و دریائی خود را بمتقین مخصوصاً انگلستان ثابت کند تصمیم گرفت غیر از جنگ دریائی که با شدت ادامه داشت و خسارات کمر شکنی بدولتین انگلستان و فرانسه وارد می ساخت ضربت محکم دیگری بقوای دریائی انگلستان که پایه و مبنای قدرت آن دولت

در دنیا بود واردسازد که موجب تعجب کلیه کارشناسان امور دریا داری و محافل سیاسی دنیا بشود باین منظور با دریاسالار دونیتز (Doenitz) فرمانده قوای دریائی آلمان وارد مذاکره شد و او را مأمور تهیه و تدارک نقشه مورد نظر ساخت.

دونیتز قصد و نیت پیشوای خود را بمرحلة اجرادرآورد و یکی از زیر دریائی های آلمانی بنام (او ۴۷) رابفرماندهی ستوان پرین (Prien) مأمور ساخت که یکی از کشتیهای جنگی بزرگ انگلستان را در پایگاه دریائی اسکاپافلو (Scapaflow) هنگامیکه تحت حفاظت مأمورین دریاداری است غرق کند تا باین طریق ثابت نماید که اولاً زیردریائیهای آلمانی قادرند از تمام موانع و سدهای دریائی که در پایگاهها و لنگرگاه های ساحلی انگلستان تعبیه شده عبور نمایند و ثانیاً انگلستان که بزرگترین قوای دریائی را در اختیار دارد قادر به جلوگیری از فعالیت زیردریائی های آلمانی نیست.

ستوان پرین بازیز دریائی (او ۴۷) هشتم ماه اکتبر سال ۱۹۳۹ یعنی تقریباً چهل روز بعد از اعلان جنگ انگلستان از بندر کیل (Kiel) پایگاه خود عازم انجام مأموریت گردید. روز روشن و آفتابی از کanal کیل گذشت و بسمت شمال غربی بطرف پایگاه اسکاپافلو ساحل انگلستان متوجه گردید و ساعت چهار بعد از نصف شب سیزدهم ماه اکتبر بمجمع الجزایر ارکادز (Orcades) رسید و در ساعت نوزده همان روز بسطح دریا بالا آمد از این نقطه ساحل انگلستان یعنی همان پایگاه اسکاپافلو بخوبی نمایان و آشکار بود آهسته بطرف ساحل نزدیک شد و از میان دو کشتی غرق شده با مهارت بدون آنکه جلب توجه نماید گذشت و بحدی بخشکی نزدیک شد که رفت و آمد عابرین را بخوبی تشخیص میداد و ملاحظه کرد که

کشتی جنگی رویال اوک (Royal oak) کنار ساحل لنگر انداخته ملوانان و کارکنان آن هر یک مشغول انجام وظایف خود هستند.

ستوان پرین هر چه مقدور بود زیر دریائی خود را به رویال اوک نزدیکتر ساخت و در مکان مناسبی ایستاده فرمان آتش داد بعد از بیست ثانیه صدای انفجاری را شنید و بدنبال آن ستون عظیمی از آب بهوا برخاست ستوان پرین چند لحظه تأمل کرد و فرمان شلیک دوم را داد این دفعه چندین انفجار متوالی که علامت اصابت از درهای متعدد به کشتی جنگی انگلیس بود رخ داد و کشتی جنگی رویال اوک با هفتصد و هشتاد و شش ملوان وافسر که در آن بودند بقعر دریا فرستاده شد.

زیر دریائی آلمانی پایگاه خود مراجعت کرد و هیتلر پیشوای آلمان شخصاً ستوان پرین فرمانده زیر دریائی را پذیرفت و با اعطای نشان صلیب آهن که بزر کترین نشان نظامی آلمان بود از او قدردانی کرد و خبر غرق کشتی جنگی رویال اوک موجب حیرت و تعجب مردمان جهان گردید.

فصل چهل و نهم

حمله آلمان به روسیه‌شوروی

هر چند در سال ۱۹۳۹ قبل از شروع جنگ دوم جهانی بعلل وجهات سیاسی دولت آلمان مجبور شد که فرادراد عدم تعرض با دولت روسیه‌شوروی منعقد کند ولی معناً از نیت باطنی و مطالبی که در سخنرانی‌های خود گفته بود عدول نکرده و متصرف بود که در صورت لزوم پیمان منعقده را کان لم بکن پنداشته نظر خود را در خصوص مبارزه با کمونیست‌ها بموضع اجر ادر آورد. بعد از ختم جنگ جهانی دوم موقعی که سربازان متفقین وارد برلن پایتخت آلمان شدند و بایگانی وزارت امور خارجه آن کشور را بازدید کردند اسناد و مدارک زیادی که مبنی بر صحبت نظر فوق‌الذکر و چگونگی نیات زمامداران آلمان در خدمت باروییه بود یافتد که تمام‌آها کی از تعرض آن کشور بخاک شوروی و بر چیدن اساس کمونیست بود.

در اسناد و مدارک مزبور نامه‌ای وجود داشت که هیتلر قبل از حمله بخاک روسیه به مسؤولینی همکار و متفق خود نوشته بود که خلاصه آن از اینقرار است:

من در این اوخر بشما گفتم که تجربه حاصل از جنگ کرت و نتايجی

که از آن بدست آمده ثابت کرده است که حمله به انگلستان مستلزم بکار افتادن کلیه قدرت ما میباشد اگر پیروزی نهائی فقط مستلزم تفوق قدرت هوائی بود در اتخاذ چنین مسئولیتی یک دقیقه تأخیر نمیکردم بشرطی که از طرف مشرق غفلتاً مورد تهاجم واقع نشوم . حرکت سربازان روسیه در مرزهای ماروبشدت گذارده وزنرا یدل در این خصوص بوابسته نظامی شما اطلاعات کافی داده است و میتوان یقین حاصل کرد فسمت اعظم سربازان روسی در سرحدات ماتمر کزیافت و بفعالیت پرداخته اند . از وقتی که هواروبه گرمی میزد باعجله و شتاب مشغول ساختن استحکامات شده اند .

بعد از تفکر زیاد من باین نتیجه رسیده ام که باید گره طنابی را که بدور گردن ما بسته میشود قبل از اینکه فشار وارد آورد قطع کنیم و بدین طریق بمرام مشترک خودمان در جنگ خدمت بزرگی بنمائیم .

نامه مذکور صراحتاً دلالت دارد که دولت آلمان از طرف مشرق یعنی روسیه بینناک بود و عملیات سربازان روسی را در مرکز خود بدیده دشمنی مینگریست و میدانست با آن دولت نمیتواند همیشه روابط دوستانه موضوع پیمانهای منعقده را محفوظ دارد و به عرض اینکه مقتضیات و اوضاع واحوال ایجاب کرد دولت روسیه پشت پابتعه دات خود زده بمغرب اروپا و خاک آلمان تجاوز خواهد کرد در اثر همین خیال بود که هیتلر از بدشروع بجنگ چندین مرتبه سعی نمود با دولت انگلستان کنار آمده پیمان صلح جدا گانه ای منعقد سازد .

مسافرت روپل هس به انگلستان به نتیجه نرسید و صلح با کشور نامبرده همچنان در بوته اجمال باقیماند بالاخره پیشوای آلمان با تمام مشکلاتی که در کار خود میدید تصمیم گرفت که نیت خود را بموضع اجراء گذارده کار روسیه را یک طرفه کند و سپس متوجه انگلستان شود .

نامهای که بموسولینی نوشته بود و ترجمه آن باطلاع خوانندگان
کرامی رسید حاکمی از نیت باطنی هیتلر پیشوای آلمان میباشد .
روز سوم ماه فوریه سال ۱۹۴۱ هیتلر شورای عالی جنگ را که مرکب
از افسران عالیرتبه و قدیمی ارتش بود در برلن تشکیل داد و نطق جامعی
راجح بارتش روسیه و وضعیت آن کشور ایراد نمود که تمام حاضرین یقین کردند
جنگ بین دو کشور آلمان و روسیه نزدیک بوقوع است قسمتی از اظهارات
پیشوای آلمان از اینقرار بود :

روسها یکصد لشکر پیاده و بیست و پنج لشکر سوار وسی لشکر زرهی
دارند و سپاهیان ما از حیث عده تقریباً همین مقدارند اما از جهت ارزش
نظامی بمراتب بسیار بازن روسی ترجیح دارند .

هنگام جنگ با شورویها مانباید سعی در عقب نشینی و فرار آنان
از میدان نبرد بگنمیم بزرگترین خطر برای ماعقب نشینی سربازان روسی
میباشد باید سعی کنیم آنها را محاصره و نابود سازیم در این صورت در همان
پیش فتھای اولی ما ملت روس برضد استالین قیام نموده و دست بشورش
خواهد زد و نتیجتاً رژیم استالین از بین خواهد رفت .

جنگ روسیه بیش از شش تا هشت هفته طول نخواهد کشید بعد از این
مدت مابخطی که از ولگا تا آرخانگل (Arkhangel) کشیده میشود خواهیم
رسید و این همان خط دفاعی اروپاست .

روز چهارم ماه ژوئن همان سال مجدد آهیتلر در جلسه دیگر شورای عالی
جنگ اظهار داشت : جنگ باروسیه غیر قابل اجتناب و حتمی است بعد از
چهار هفته نبرد سخت ارتش روسیه مضمحل شده وجاده مسکو بر روی ماباز
خواهد شد و باحر کت سریع میتوانیم بپایتخت روسیه برسیم .

این بیانات وسایق جای تردیدی درباره خیال باطنی هیتلر باقی نمیگذاشت و مسلم بود که دیریازود جنگ خونینی درهشرق اروپا آغاز و ارتش آلمان با نیروی عظیم خود بخاک روسیه حمله خواهد کرد.

روزبیست و دوم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ سه ساعت و نیم بعداز نصف شب درجههای که ازاقیانوس منجمد شمالی تا دریای سیاه ادامه داشت حمله شدیدنازیها بکشور روسیه شروع کردید و همانطوریکه پیشوای آلمان پیش بینی کرده بود در اوایل کار پیروزی و فتوحات قابل توجهی نصیب آنان شد.

در همان موقع که اولین حمله سپاهیان آلمان آغاز شد اعلامیه هیتلر بوسیله وزیر امور خارجه آلمان قرائت و از رادیو برلن پخش کردید.

هیتلر در این اعلامیه علل و موجبات حمله بخاک روسیه شوروی را باطلاع جهانیان رسانید و در آن متذکر شد که هر گاه حمله بخاک روسیه از طرف آلمان صورت نمیگرفت روسیه شوروی باقوای کاملی که برای حمله به آلمان تهیه دیده بود دیریازود بخاک آلمان حمله میکرد.

جنگ ساعت سه و نیم بعد از نصف شب بیست و دوم ماه زوئن باشدت هر چه تمامتر شروع شد ابتکار عملیات در دست سپاهیان آلمانی بود و غافلگیری دشمن و سرعت عمل بحدی بود که دو ساعت بعد از شروع جنگ سه هزار فروند هوایپماهای روسی که مجال پرواز نیافتند در فرودگاههای خود نابود شده از بین رفتند.

غروب روزبیست و دوم ماه زوئن نصف هوایپماهای شوروی از حیز انتفاع افتاده بود. با اینکه چرچیل نخست وزیر انگلستان به پیروی از افکار ملت خود یکی از دشمنان سرسخت کمونیست بود و پیوسته از بد و پیدایش و تشکیل

دولت جدید شوروی بر پایه و مبنای آن مخالفت خود را آشکار کرده در مجلات و روزنامه‌ها مقالات متعددی بر علیه افکار کمونیست نوشته بود به‌حضور این‌که حمله آلمان به روسیه آغاز شد بمنظور پیروزی بر دشمن موقتاً ضدیت خود را کنار گذاشت و به دولت روسیه وعده همه کونه مساعدت و همراهی را داد و روز بیست و دوم ماه ژوئن سال ۱۹۴۱ اعلامیه ذیل را منتشر ساخت :

دولت انگلستان بار دیگر بایکی از لحظات بحرانی جنگ مواجه گردیده است نخستین بار موقعی بود که فرانسه سقوط نمود و انگلستان در میدان جنگ تنها مانند دوم هنگامی که نیروی هوایی انگلستان موفق گردید که خطر تهاجم بخاک انگلستان را مرتفع سازد. سوم موقعی که رئیس جمهوری و کنگره امریکا قانون وام و اجاره را تصویب نمودند.

اکنون چهارمین لحظه بحرانی فرار رسیده است زیرا ارتش آلمان امروز صبح خاک روسیه شوروی را مورد تهاجم قرار داد و حمله آلمان موقعی بمورد عمل گذارده شد که پیمان عدم تهاجم فیما بین دو کشور موجود بود و دولت آلمان تا آنوقت هیچ‌گونه شکایتی راجع بعدم اجرای آن نکرده بود. من از این واقعه بهیچ‌وجه در شکفت نیفتاده‌ام و در حقیقت چندین باز استالین را از آنچه که امروز بوقوع پیوست مطلع ساخته بودم همین‌طور کشورهای دیگر را از این خطر آگاه نمودم فقط امید داشتم آنچه که گفتم مورد توجه آنان قرار گرفته باشد.

آنچه که اکنون میدانیم این است که ملت روس بدفاع از خاک خود بر خاسته و پیشوای شوروی آنها را به هنگامی درجه مقاومت دعوت کرده است. ماشین نظامی موحشی که ما و سایر کشورهای متمدن دنیا فقط و فقط از روی نادانی و جهالت به دزدان نازی اجازه دادیم اندک اندک بر پاسازند

اکنون دوباره بکار افتد است این ماشین نمیتواند متوقف بماند چرخهای آن باید دائمًا در حرکت باشند و تنها از نفت بلکه از خون نیز باید تغذیه نمایند. برای این منظور هیتلر از شرکت میکانیزه خود را به میدان جنگ مهیبی برای غارت و تخریب روانه نموده است او انتظار دارد که پیروزی را در نتیجه قتل و غارت بدست آورد و بدانوسیله چین و هندوستان را در گرداب فنا غرق نماید. اگر بگوییم که حیات شانزده بیلیون نفر در معرض خطر نازی قرار گرفته است اغراق نکفتهام.

اگرچه همین کافی است که مارا در وحشت و شکفت بیندازد لیکن باید منظور اصلی را که در پس این خطر قرار گرفته و در حیات انگلستان و امریکا تأثیر دارد بیان کنم.

بین مردم نازیسم و بدترین شکل مردم کمونیسم نمیتوان کوچکترین تفاوتی قائل شد این مردم جز حرص و سلطنت را دارد فاقد هر گونه اصولی است هیچکس چون من مخالف مردم کمونیسم نبوده است و اکنون چیزی که با عقیده و اظهارات قبلی خودم تناقض داشته باشد بیان نمیکنم امامیگوییم که تمام مخالفتهاي من در مقابل منظرهای که خود را در برابر جهانیان آشکار ساخته بکلی نابود میشود.

کذشته با تمام آن جنایات جنون آمیز و مناظر رقت انگیزش از نظر میحو میگردد من سربازان روسیه شوروی را می بینم که در خاک موطن خود ایستاده بحر است اراضی و مزارعی که پدران آنها از قدیم در آن زراعت نموده اند می بردند آفرازی بینم بحمایت خانه هائی که مادران و زنان آنها در آن دعا میکنند مشغولند ماققط یک هدف داریم ما مصمم هستیم آنچه وابسته به نازی است معدوم سازیم از این تصمیم هیچ چیز نمیتواند مارا منصرف سازد.



بانک سپه که از ساختمانهای دوره سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی است.

四九四

ما هیچوقت به مشورت و مذاکره با هیتلر و یا یکی از همکاران و طرفداران او نخواهیم پرداخت.

ما در زمین و دریا و هوا خواهیم جنگید تا آنکه بیاری خداوند متعال زمین را از وجود افرادی که موجب ظلمت آن شده‌اند پاک نموده ملل مختلفه را از زیر بار رقیت آنان رهایی بخشیم.

هر شخص و یا کشوری که علیه نازیسم بجنگیدما با او کمک خواهیم کرد و هر شخص و یا کشوری که بر لهه هیتلر قدم بردارد از دشمنان مامحسوب خواهد شد این اصل نه تنها در باره حکومتهای متعدد آلمان اجرا خواهد شد بلکه مشمول حکومتهای هم خواهد بود که برخلاف مصالح کشور و هم‌میهنان خود آلت دست نازی‌ها قرار گرفته‌اند و این دست نشانده‌ها چنانچه مانند سران نازی بدست هم میهنان خود معذوم نگردند در روز پیروزی به دادگاه عدل متفقین کشیده خواهند شد.

این است مشی سیاسی ما و آنچه که باید بجهانیان اعلام نمائیم از این نظر هر گونه کمک و مساعدتی که در حدود قدرت و توانائی ما باشد در باره ملت و کشور شوروی مبذول خواهیم داشت و از تمام دوستان و متفقین خود در کلیه نقاط دنیا تقاضا میکنیم که این سیاست را تا پایان جنگ تعقیب نمایند.

ما به دولت روسیه هر گونه کمک فنی و اقتصادی که در حدود توانائی ما باشد و ممکن است مورد استفاده آن کشور قرار گیرد پیشنهاد نموده‌ایم آلمان را شب و روز بمباران خواهیم کرد و هر روز برشدت حملات هوایی خود خواهیم افزود و بمب‌های بیشتری بر فراز آلمان فرو خواهیم ریخت و بر آلمانی‌ها طعم بلائی را که بر سر بشر آورده‌اند خواهیم چشانید.

این جنگ طبقاتی نیست این جنگ جنگی است که در آن کلیه کشورهای امپراتوری انگلستان بدون هیچگونه تبعیض نژادی و مذهبی و حزبی به پیکار مشغولند.

وظیفه من این نیست که از مشی سیاسی دولت امریکا سخن بگویم ولی میتوانم اعلام کنم که اگر هیتلر خیال میکند حمله او بخاک سوروی ممکن است در کشورهای دموکراتی موجب اختلاف آراء یا تقلیل کوشش شود اشتباه بزرگی کرده است بر عکس ما سعی و کوشش خود را بادلگرمی و اطمینان خاطر بیشتری بکار خواهیم بردتا بتوانیم بشر را از بیدادگریهای آلمان رهائی بخشیم.

تهاجم هیتلر به روسیه مقدمه حمله او به کشورهای بریتانیای کبیر است هیتلر امیدوار است قبل از آنکه امریکا در جنگ مداخله کند انگلستان را از پای درآورد بنابراین خطر روسیه خطر ما و ایالات متحده امریکا است و هدف اهالی روسیه سوروی که برای دفاع از میهن خود میجنگند هدف مردان آزادیخواه در هر یک از نقاط جهان است. ماباید هر آن به کوشش خود بیفزاییم و با نهایت قدرت واژ خود گذشتگی دشمن را معدوم سازیم. از نطق فوق الذکر که حاکمی از سیاست آینده انگلستان نسبت به روسیه سوروی و آلمان بود بر همه دنیا مخصوصاً زمامداران نازی مسلم گردید که متفقین چه رویه‌ای را دربرابر هجوم آلمان به روسیه اتخاذ و از چه سیاستی پیروی خواهند کرد.

ملت و نمایندگان مجلس شورای ملی انگلستان سخنرانی نخست وزیر را پسندیدند و دولت را در کمک به روسیه و بمباران شبانه روزی آلمان تشویق و ترغیب کردند و کلیه ممالک متحده بریتانیا نیز سیاست چرچیل و

نظریه ملت و دولت انگلستان را تصویب و در پیروی از آن همقدم شدند.

(Sumner Welles) روز بیست و سوم ماه زوئن سال ۱۹۴۱ سمنرولز

وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا حمله آلمان رابه خاک سوروی مورد انتقاد قرارداد و وعده همه کونه مساعدت و کمک رابه دولت روسیه سوروی داد و روزولت رئیس جمهوری امریکا صراحتاً در مصاحبه مطبوعاتی خود گفت که در آتیه هر کونه کمکی که در حدود قدرت و توانایی امریکا باشد از روسیه سوروی درینخ نخواهد داشت و صدور تجهیزات نظامی را به مقصد روسیه در کشتی های امریکا آزاد خواهد گذارد و به وزارت دارائی دستور خواهد داد که وجود نقد موجودی سوروی را در امریکا از قیود و موانع مستخلص سازد تا آن دولت بتواند به خرید های آلات و ادوات جنگی و حمل آنها بخاک خود اقدام کند.

رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا با موافقت دولت انگلستان به روسیه سوروی رسماً پیشنهاد کمک نظامی کرد و دولت روسیه این پیشنهاد را پذیرفت وطبق قانون وام و اجاره قرار شد دولت مزبور سلاح مورد لزوم خود را دریافت دارد.

قانون وام و اجاره عبارت از این بود که در تاریخ یازدهم ماه مارس سال ۱۹۴۱ دولت ایالات متحده امریکا تصمیم گرفت بکلیه کشورهایی که مخالف دول محور هستند و بعلت نداشتن موجودی طلا و دلار قادر بخرید در امریکا نیستند وسائل دفاعی امامتناً بعارت بسپارد و در خاتمه جنگ وسائل تحويل شده به دول را پس بگیرد و چنانچه اصل آنها از بین رفته باشد قیمتیش را دریافت دارد.

بعقول روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا قانون مزبور

بمنزله لوله آب پاشی بود که به همسایه حريق زده امانتاً و عاریتاً واگذار میشد همانطوریکه همسایه پس از رفع احتیاج و فرونشاندن آتش لوله آب پاش را پس میداد همانطور هم دولی که آلات و ادوات نظامی را برای مدافعته در مقابل دول مهاجم طبق قانون مذکور بعارت میگرفتند ملزم بودند بعد از خاتمه جنگ و فرونشاندن آتش نبرد بدولت امریکا مسترد دارند.

مجموع کمک امریکا طبق قانون موصوف بدول روی زمین به چهل و یک میلیارد دلار بالغ میشد که ندوهشت درصد مبلغ مزبور به دول چهار گانه انگلستان و فرانسه و روسیه شوروی و چین داده شد.

انگلستان ثلث اعتبار ادریافت داشت و بیشتر در راه خرید هوایپما که قریب ده هزار فروند میشد خرج کرد شوروی یک پنجم اعتبار را بدست آورد و صرف خرید چهارده هزار فروند هوایپما و هفت هزار ارابه جنگی و چهل و یک هزار اتوموبیل از امریکا نمود که قسمت اعظم این تجهیزات از راه ایران به روسیه شوروی ارسال گردید اما روسیه شوروی بعد از ختم جنگ و امضای معاهدات صلح از استرداد تسليحاتی که امانت گرفته بود و یا پرداخت بهای آن خودداری کرد و با اینکه در اوآخر ماه مارچ سال ۱۹۵۱ دولت ایالات متحده امریکا چندین بار استرداد ادواتی را که طبق قانون و ام واجاره در ایام جنگ به روسیه داده بود خواستار شد دولت نامبره از استرداد و یا تأديه بهای تجهیزات و ادوات جنگی دریافتی خود که بالغ بر پانصد میلیون دلار شده بود امتناع ورزید.

فصل پنجم

منشور اطلانتیک

در اوایل ماه اوت سال ۱۹۴۱ میلادی فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا و وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس و در عرشہ زمانه امریکائی که او گوستر (Auguster) نام داشت ملاقات و راجع به سیاست مشترکی که باید در جنگ بر علیه دول محور تعقیب کنند تبادل نظر نمودند و در نتیجه روز چهاردهم ماه اوت سال ۱۹۴۱ اعلامیه ای که بنام منشور اطلانتیک معروف است منتشر ساختند که متن آن اعلامیه مشترک بدینقرار است: ^(۱)

۱- در پیمان اتحاد که متن آن نقل میشود دولت شاهنشاهی ایران رسمآموافقت خود را با اصول هشت گانه منشور اطلانتیک اعلام کرد نظر باهیت منشور اطلانتیک که اساس سیاست جهانی متفقین را در موقع جنگ و بعداز آن اعلام میدارد شرح مختصری از جریان صدور آن داده میشود.

روز ۱۴ اوت ۱۹۴۱ (۲۲ مرداد ۱۳۲۰) آقای کلمان اتلی (Clement Atlee) معاون نخست وزیر انگلستان اعلامیه ای منتشر نمود و توضیح داد که رئیس جمهور کشورهای متحد آمریکا و نخست وزیر انگلستان در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کرده و راجع به موضوع ارسال مهمات بموجب قانون وام و اجاره بکشورهایی که در مقابل مهاجمین در جنگند (بویژه کشور اتحاد →

رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا ووینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکدیگر را ملاقات کرده و چنین صلاح دانستند که پاره‌ای از اصول مربوط به سیاست کشور های خود را که بین دولت مشترک میباشد و برای تمام عالم آینده بهتری را تأمین می‌نماید انتشار دهنده اصول مورد توافق از اینقرار است :

- ۱ - هیچیک از دو کشور طالب هیچگونه تملک ارضی دیگری نمیباشند.
- ۲ - هر دو کشور مخالف هر گونه تغییرات مرزی که با موافقت آزاد ملل مربوطه انجام نشود میباشند .

۳ - هر دو کشور حق هر ملتی را در انتخاب حکومتی که مایل است محترم میشمارند و امیدوارند که حقوق حاکمیت واستقلال بهر ملتی که

جمهیر شوروی) مذاکره کردند . در این مذاکرات جزئیات خطمشی دو کشور برای دفاع خود و همچنین رویه‌ای که باید نسبت بملل دیگر در موقع جنگ و بعد از آن اتخاذ نمایند تعیین گردید .

ملاقات روزولت و چرچیل در کشتی پرسفولز (Prince of Wales) متعلق بانگلستان و در نبردناؤ اگوستر (Auguster) متعلق بکشورهای متحده آمریکا واقع شد .

صاحبمنصبان عالیرتبه و افسران ارشد دو کشور نیز در مذاکرات شرکت داشتند . از جمله :

از طرف انگلستان: دریاسalar سر دلی بوند (Admiral Sir Dudley Pound) لرد اول دریاداری و رئیس ستاد نیروی دریائی .

ژنرال سر جون دیل (G. Sir John Dill) (رئیس ستاد امپراطوری .

لرد بیوربروک (Lord Beaverbrook) (Lord) وزیر مهامات .

از طرف کشورهای

متحده آمریکا :

دریاسalar کینگ (Admiral King) فرمانده ناوگان اقیانوس اطلس .

ژنرال ژرژ مارشال (Gen. George Marshall) (رئیس ستاد نیروی امریکا .

هاری هاپکینز (Harry Hopkins) (رئیس وام و اجاره . (متوجه)

حقوق مزبور از آنها کرفته شده است داده شود .

۴ - با توجه به تعهداتی که هردو کشوردارند سعی خواهند کرد که برای هر ملتی بطور تساوی کوچک یا بزرگ فاتح یا مغلوب دخول در تجارت دنیا را تسهیل و هر کونه مواد اولیه که برای پیشرفت اقتصادی آنها لازم باشد بست آورند .

۵ - هردو کشور مایلند نهایت کوشش را بعمل آورند تا کلیه ملل در قسمت اقتصادی بمنظور تحصیل شرایط بهتری برای کار و پیشرفت اقتصادی وامنیت در شئون اجتماعی بایکدیگر همکاری کاملی نمایند .

۶ - پس از برآنداختن کامل ظلم و جور نازی هردو کشور امیدوارند صلحی که بتوانند وسائل زندگی وامنیت داخلی تمام ملل را تأمین نمایند برقرار شود و آنها را اطمینان دهد که هر کس در هر کشوری میتواند فارغ از ترس و احتیاج زندگانی کند .

۷ - چنین صلحی باید بهر کس اجازه دهد که آزادانه در اقیانوسها و دریاهای سیر نماید .

۸ - دو کشور تصور میکنند که تمام ملل دنیا خواه به علل مادی و خواه معنوی باید از اعمال زور دست بردارند و در آینده هر گاه ملتی تسلیحات زمینی و هوایی و دریائی خود را برای هجوم به مرزهای دیگر بکار برد هیچگونه صلحی نمیتواند برقرار بماند .

بنابراین دو کشور تصور میکنند که تا ترتیب دائمی و وسیع برای امنیت عمومی داده نشده خلع سلاح ملی که ممکن است نیروی مسلح خود را برای تهاجم بکار بردند ضروری است .

دو کشور مساعی خود را بکار خواهند برداشتا ملل صلح جو را از زیر بار تسلیحات آزاد سازند .

فصل پنجم و یکم

اثرات جنگ روسیه و آلمان واستعفای اعلیحضرت رضا شاه کبیر

هر چند در فصول چهل و چهارم و چهل و پنجم و چهل و ششم درباره یادداشت‌های اعتراضی دولتین انگلستان و روسیه شوروی توضیحات کافی داده شده وبهانه‌هایی که در مورد وجود یک‌عدد آلمانی در ایران دستاویز آنان شده بود مفصل‌اصحبت داشتیم ولی برای اطلاع بیشتری در این فصل بنکات تاریخی دیگری که باورود متفقین به ایران و اشغال کشور عزیز ما از طرف آنان بستگی کامل دارد توضیحاتی با اطلاع خوائند کان ارجمند میرسانیم.

در اوایل ماه اوت سال ۱۹۴۱ (مرداد ۱۳۶۰) انتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس مبعوثان آن کشور ضمن سخنرانی مفصل خود راجع باوضاع بین‌المللی اشاره‌ای هم به ایران نمود و گفت:

وجود عده زیادی متخصص آلمانی در ایران خطر بزرگی برای استقلال آن کشور ایجاد نموده است و دولت انگلستان از روی کمال پاکی و صداقت نسبت باین خطر بدولت ایران تذکر داده و امیدوار است این اظهارات مورد توجه قرار گیرد.

چندی بعد هم تذکاریمهائی بین دولتین شوروی و انگلستان و وزارت امور خارجه ایران رد و بدل شد که مؤید اظهارات انتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان بود و دولتین نامبرده وجود متخصصین آلمانی را در ایران ستون پنجم یعنی جاسوسان آلمانی دانسته و اخراج آنها را خواستار شدند. دولت ایران در جواب تذکاریمهای واصله از طرف دولت مزبور دولتین روسیه و انگلستان را مطمئن ساخت که نسبت بر فتار اتباع بیگانه مراقبت کامل داشته اعمال و کردار آنها را تحقیق دقت مخصوص قرارداده است.

اطمینان خاطر دولت ایران و وعده مراقبت و دقت در رفتار اتباع بیگانه برای دولتین روسیه و انگلستان که تصمیم خود را نسبت بسرنوشت ایران گرفته بودند تأثیر نباشید و ساعت چهار بعد از نصف شب دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ سفرای کبار دولتین مزبور به منزل نخست وزیر ایران رفته یاد داشت مشترکی از طرف دولتهای متبع خود به مشارالیه تسلیم و شفاهای اظهار داشتند که در همین ساعت یعنی چهار بعداز نصف شب سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ در مرزهای شمالی و جنوبی و غربی ایران قوای مسلح روسیه و انگلستان دست بقوه قهریه زده اند.

نخست وزیر همان موقع ملاقات سفرای کبار روسیه و انگلستان و تسلیم یادداشت و اظهارات شفاهی آنان را باطل اعلام رضا شاه پهلوی پادشاه ایران که مردی مقتدر و در تمام شئون کشور ذی نفوذ بود رسانید.

شاه از این واقعه غیرمنتظره و تجاوز علني و مسلحane و بدون علت و سبب باستقلال و تمامیت ایران در حیرت و تعجب ماند و نتوانست عملیات جابرانه دو دولت بزرگ را که در زمان صلح همیشه دم از عدالت بین المللی و طرفداری از ممل ضعیف میزدند و ظاهراً بهمین جهت هم با دولت آلمان

وارد جنگ شده بودند با اصول و قواعد بین‌المللی تطبیق دهد.

اخبار تلگرافی واصله از شهرستانهای کشور حاکی بود در همان

ساعتی که سفرای کبار روس و انگلیس یاد داشتهای خودرا به نخست وزیر ایران داده بودند ناوهای جنگی انگلیس بساحل خرمشهر در جنوب نزدیک شده و با حمله مسلحانه ناوهای ایران را غرق و چندین ملوان و افسر از جمله فرمانده نیروی دریائی جنوب را بنام دریادار بایندر کشته و سربازان هندی و انگلیسی در ساحل پیاده و شهر اهواز را نیز بمباران کردند.

اخبار و اطلاعات واصله از شمال هم حاکی از تجاوز سربازان روسی به استانهای آذربایجان و خراسان و بمباران شهرستانها و سربازخانه های واقع در شمال ایران بود. این پیش آمد ناگوارشاه را که از عملیات جابرانه همسایه های ایران در شکفت بود برآن داشت که سفرای دولتین نامبرده را بحضور طلبیده علت و سبب تجاوز غیر عادلانه و نابهنجام را استعلام کند.

در ملاقات مذبور که بیش از یک ساعت بطول انجماد جواب مستدل و قانع کننده ای به اعلیحضرت پادشاه ایران داده نشد و نتیجه مثبتی بدلست نیامد ناچار نخست وزیر جریان وقایع را برای اطلاع مردم بعد از ظهر روز سوم شهریور ماه در مجلس شورای ملی طرح و نطقی در این باره ایراد کرد که برای اطلاع خوانندگان ارجمند عیناً درج میگردد:

مطلوبی که حالا با اطلاع آقایان نمایندگان میرسد فقط برای گزارش جریانات اخیر و وقایعی است که روی داده. آقایان نمایندگان در این موضوع هر گونه اظهاراتی داشته باشند تمنا میشود به جلسات بعد موکول دارند.

بطوریکه از ابتدای وقوع جنگ کنونی بنا بفرمان ملوکانه مقرر

کردید دولت شاهنشاهی بیطرفی ایران را اعلام نمود و با تمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموضع اجرا کذاشته و با یک رویهٔ صریح و روشنی در حفظ کشور از خطر سرایت و قایع جنگ و درصیانت حقوق مشروع تمام دول که با ایران روابط دارند بویژه دول همسایهٔ کوشیده چنانکه تا حال بهیچوجه خطری در ایران از هیچ طرف بهیچیک از آنها متوجه نگردید با این حال دولت انگلیس و بعد از اتفاق آن دولت با دولت شوروی هردو متفقاً اظهاراتی مبنی بر نگرانی از وجود یک عدهٔ آلمانی در ایران نمودند و دونوبت در تاریخ بیست و هشتم تیرماه و تاریخ بیست و پنجم مردادماه بر طبق اظهارات مزبور بوسیلهٔ نمایندگان خود تذکاریه‌هایی تسلیم داشتند که اخراج قسمت عده‌ای از آلمانی‌های مقیم ایران را درخواست میکردند در پاسخ این اظهارات چه ضمن مذاکرات عدیدهٔ شفاهی و چه طبق تذرکایه‌های تاریخ هفتم مرداد و تاریخ سی ام مرداد کتبآ اطمینانهای کافی در مرافقتهای دولت ایران نسبت بر فتار کلیهٔ اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطراتی از عدهٔ محدودی آلمانی که در ایران مشغول کارهای معینی هستند داده شد و برای مزید اطمینان دو دولت اقدامات مقتضی برای کاستن عدهٔ معنابهی از شمارهٔ آلمانی‌ها بعمل آمد و بجزیان افتاد و مرائب مکرر چه در تهران و چه در مسکو و لندن به مقامات مربوطهٔ دولت انگلستان و شوروی خاطر نشان و آنچه ممکن بود برای حصول اطمینان و روشن ساختن نظریهٔ آنها کوشش بعمل آمد.

متأسفانه با تمام این مساعی که دولت ایران بمنظور حفظ امنیت و آسایش کشور و وضع نگرانی دو دولت همسایهٔ خود نمود در عوض حسن تفاهم و تسویهٔ مسالمت آمیز قضیه نتیجه این شد که نمایندگان شوروی و انگلیس ساعت چهار صبح امروز منزل نخست وزیر رفته‌های داده شدند

مبنی بر تکرار مطالب گذشته که جواب آنها با اقدامات اطمینان بخشیداده شده بود تسليم نموده و در این یادداشتها توسل خود را به نیروی نظامی اخطار کرده‌اند و مطابق گزارش‌های که رسیده معلوم شد نیروهای نظامی آنها در تاریخ همان ساعت که نمایندگان مزبور در منزل نخست وزیر مشغول مذاکره بودند از مرزهای ایران تجاوز نموده‌اند نیروی هوایی سوری در آذربایجان به بمباران شهرهای بازو بی‌دفاع پرداخته قوای زیاد از جلفا به سمت تبریز اعزام شده است. در خوزستان قوای انگلیس به بندر شاهپور و خرمشهر حمله برده کشته‌های ما را غافلگیر نمودند و نیروی هوایی آن دولت به اهواز بمبایحه و همچنین قوای انگلیسی با وسائل موتوریزه فوق العاده زیاد از طرف قصر شیرین بسمت کرمانشاه در حرکت می‌باشد.

قوای متتجاوز در هر نقطه که بانیروی ارتضی شاهنشاهی مواجه شده‌اند طبعاً تصادم و زدو خوردی هم رخ داده است و دولت برای روشن ساختن علت و منظور این تجاوزات بفوریت مذاکره و اقدامات بعمل آورده و منتظر نتیجه می‌باشد که البته با استحضار مجلس شورای ملی خواهد رسانید.

چون فعلاً منتظر نتیجه مذاکرات هستیم تقاضاً شد در این جلسه‌غیر از استماع گزارش صحبتی نشود بعد بموضع مجلس را برای استحضار از نتیجه مذاکرات و اتخاذ تصمیم خبر خواهیم داد.

دولت لازم میداند بعموم افراد کشور توصیه و تأکید نماید که در این موقع باید کمال خونسردی و متناسب را بخرج داده و با رعایت آرامش رفتار نمایند.

روزهای بعد یعنی سوم و چهارم شهریور سر بازان روسی و انگلیسی در شمال و جنوب و مغرب ایران به تجاوز مسلحانه خود بدون توجه به

بیطرفی کشور ما ادامه داده و روپر کزپیش تاختند و بعضی از شهرهارا از هوا بمباران نمودند و تارو ز هشتم شهریور ماه که برایر با سی ام ماه اوت سال ۱۹۴۱ میلادی است دست از عملیات جنگی نکشیده تعاظر خود را تعقیب میکردند و با اینکه روز پنجم شهریور ماه رئیس دولت استعفا داد و دولت جدیدی بمنظور اینکه دولتین روس و انگلیس حاضر بمندا کره و سازش شوند روی کار آمد معهدها نتیجه‌ای حاصل نگردید و تاخت و تاز دشمنان کماکان ادامه داشت.

چون کم و بیش از طرف قوای نظامی ایران هر جا بادشمن تماسی حاصل میشد اقدام به زدو خورد و دفاع میگردید و به طرفین تلفات وارد می‌آمد^(۱).

۱ - اطراقیان اعلیحضرت رضاشاه کبیر از قبیل وزراء و کارمندان مؤثر و عالیرتبه دولت علاقه چندانی بوظایف و تکالیف خود نداشتند و حتی عده‌ای از آنها در بعضی از مواردهم اگر توفیق می‌یافتد و جرأت میکردند از اخلال در امور خود داری نمودند حادثه ذیل را که در همان روزهای تیر ۶۷ و در دسیاهیان متفقین به ایران اتفاق افتاد برای نمونه ذکر میکنیم. این حادثه حاکی از علاقه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بعظمت و سر بلندی ایران است و از حس وطن پرستی شدید وی سرچشم میگیرد و همچنین بیعلاقه کی اطراقیان او را بامور کشور بخوبی نشان میدهد این جریان عیناً از یکی از جراید یومیه عصر نقل میگردد:

افسان عالیرتبه ارتش که عضویت شورایعالی جنگ را داشتند صبح آنروز (سوم شهریور ۱۳۲۰) جلسه‌ای تشکیل داده و لایحه‌ای را امضاء کرده بودند که طبق آن خدمت نظام وظیفه در کشور موقوف گردد و بتدریج افراد مرخص شوند و برای آینده قشون داوطلب گرفته شود.

این پیشنهاد در حقیقت انحلال ارتش ایران بود و زحمات چند ساله رضاشاه کبیر را در برقراری نظام وظیفه در ایران بهدر میداد. شاه دستورداد امضاء کنندگان پیشنهاد بسعد آباد احضار شوند و همینکه همه جمع شدند شاه در حالی که ولیعهد نیز همراه او بود بافسان نزدیک شد و پرسید چلت این پیشنهاد چه بود و برای چه آنرا امضاء کرده اید. افسان از چگونگی ←

دولت جدید بمنظور اثبات نیات خیر خواهانه خود صلاح کشور را در ترک مخاصمه و متار که خونریزی دانست و رئیس دولت در مجلس اعلام نمود که چون دولت و ملت ایران صمیمانه طرفدار صلح و مسالمت بوده و میباشد برای اینکه نیت تزلزل ناپذیر خود را کاملاً بر جهانیان مکشوف

برخورد شاه و شدت خشم او بر خود لرزیدند و نتوانستند جواب قانع کننده‌ای بدeneند.

این پیش آمد درست بدنیال مرخص کردن سر بازان لشگرهای پایتخت بود که باوضع تأسف آوری چند هزار سر باز را از سر بازانهای بی‌بول و گرسنه خارج و آواره شهر و بیانها کرده بودند همان شب که سر بازان مرخص شده و باوضع حزن انگیزی در خیابانها و کوچه‌های تهران سر گردان بودند ولوله عجیبی در شهر افتاد، نگرانی و اضطراب شدیدی در مردم تولید گردید و همان شب بود که عده بیشماری از تهران فرار کردند و سر بازان گرسنه و بدینهای خود پیاده و گرسنه روان گردیدند.

فردای آنروز بود که شاه قیقد از قضیه مستحضر گردید و متأثر شد و بلافاصله دستور جمع آوری افراد را صادر کرد و اتوموبیل‌ها و موتورسیکلت‌ها در شهرها و جاده‌های خارج برای افتادند و عده زیادی از سر بازان آواره شده را جمع آوری و بسر بازانهای برگردانند.

این واقعه دلخراش بتمام معنی حکایت از کمک و تسريع در بهمن ریختن اوضاع میکرد و لاچگونه ممکن بود چند هزار سر باز وظیفه رالخت و گرسنه از سر بازانهای خارج کنند و جیره و مواجب آنها راحیف و میل نمایند بعلاوه صدور چنین امریه‌ای که کسی ذیر بار آن نمیرفت از مسائلی بود که شاه قیقد را ساخت ظنین ساخته بود از اینها گذشته گزارشاتی همان دوروز اول حادثه از طرف افسران ستاد و شورای جنگ تقدیم شاه قیقد شده و اظهار عقیده کرده بودند که نمیتوان هیچگونه مقاومتی باقوای مهاجم کرد و ترک مقاومت و تسليم را پیشنهاد نموده بودند و اسقرار قوا را در چند کیلومتری پایتخت برای حفاظت شهر از هجوم قشون اجانب که بشکل نگین شهر را نگاهداری کنند امری بیهوده دانسته و با کمال تأسف نتوانستند یا نخواستند بچند هزار سر باز در چند کیلومتری تهران خوراک برسانند. ←

سازد در این موقع که از جانب دو دولت شوروی و انگلستان اقدام بعملیاتی شده که ممکن است موجب اختلال صلح و سلامت گردد دولت پیروی از منویات صلح خواهانه اعلیحضرت همایونی بقوای نظامی کشورهم اکنون دستور میدهد که از هر گونه عملیات مقاومتی خودداری نمایند تا موجبات خونریزی و اختلال امنیت هر تفع شود و آسایش عمومی حاصل گردد.

در حقیقت از صبح روز هفتم شهریورماه قوای نظامی ایران از هر نوع مقاومت و زد و خوردی دست برداشت و بهیچ گونه عملیات جنگی اقدام نکرد ولی سربازان روسی و انگلیسی کماکان بطرف مرکز پیش میرفتند و حدی برای توقف خود قادر نبودند و تصور نمیشد که میخواهند بر تمام خاک کشور مسلط شوند. روز هیجدهم شهریورماه ۱۳۲۰ بر ابریانهم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ وزیر امور خارجه ایران در مجلس جریان مذاکرات دولت را با سفرای کبار دولتین انگلیس و روس بیان داشت و نامه های متبادلہ را فرائت نمود اولین نامه صادره بعنوان سفرای کبار دولتین انگلستان و روسیه شوروی بدین قرار است:

این جریانات در فکر شاه دفیله میداد و هر نانیه بر خشم او میافزود اما پیش آمدی رشته فکر شاه را مشوش تر و بدتر کرد و آن گزارشی بود که تلگرافچی قصر سعدآباد حضور شاه تقدیم نمود و آن گزارش حاکی از عبور قشون شوروی ازینگی امام (هشتگرد) راه قزوین بسم تهران بود. در این موقع حالت شاه تغییر کرد و گویا انحرافی در فکر ش پیدا شد جلوی دونفر از افسران رفت و با فشار دست در جات آنها را از روی شانه و لباسشان پاره کرد و دستور داد که این دونفر را توقيف کنند و بدون اینکه دیگر حرفی بزنند راه خود را پیش گرفت و از یکی از خیابانهای سعدآباد عبور کرد و رفت، افسران دیگر نفسی براحتی کشیدند و با عجله شهر باز گشتند.

این بود متن مقاله‌ای که درباره وقایع شوم شهریورماه ۱۳۲۰ در یکی از جراید یو میه عصر تهران درج شده بود و عیناً برای اطلاع خوانندگان گرامی نقل شد. (متترجم)

دولت ایران با رعایت سیاست بیطرفی پیوسته کوشش داشته است مناسبات دوستانه خود را با تمام دولت‌ها بادول همسایه محفوظ بدارد در این موقع هم که نیروی جنگی دولت‌های وارد خاک ایران گردیده‌اند دولت ایران برای ابراز کمال حسن نیت و حفظ مناسبات اقدام به جنگ ننمود با اینحال قوای آن دولت اقدام بعملیات جنگی و بمباران شهرها نموده و نیروی پاد کان ایران در شهرستان‌ها هم در مقابل حمله‌ای که با آنها شده است ناگزیر از خود دفاع و مقاومت نموده‌اند ولی دستور داده شد که نیروی دولتی بکلی ترک مقاومت نموده از هر گونه اقدامی خودداری کنند انتظار دارد قوای آن دولت هم حرکت خود را متوقف ساخته عملیات جنگی را متوقف دارد. جواب دولت‌های انگلستان و روسیه شوروی بنامه فوق الذکر بشرح

ذیل است :

۱- دولت ایران باید امر صادر نماید که ارتش ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و شرق خطی که از خانقین و کرمانشاه و خرم آباد و مسجد سلیمان و هفت کل و کچساران و از آنجا بهینه دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب نشینی نماید .

در شمال هم ارتش ایران باید از اشنو و حیدرآباد و میاندوآب و زنجان و قزوین و خرم آباد و بابل وزیرآب و سمنان و شاهرود و علی آباد عقب نشینی کنند و موقتاً این نقاط در جنوب بوسیله ارتش انگلیس و در شمال بوسیله ارتش شوروی اشغال گردند .

۲- دولت ایران باید ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمان را با استثنای اعضای حقیقی سفارت آلمان و چند نفر اشخاص فنی که در بنگاه‌های مخابراتی و نظامی نباشند از ایران خارج نموده و صورت اسمی آلمانی‌های مزبور را

برای موافقت نمایند کان انگلیس وشوروی در تهران تسلیم نماید و دولت باید تعهد کند که اتباع آلمانی دیگر بخاک ایران وارد نشوند.

۳ - دولت ایران باید تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد بود واز وسط خاک ایران بین نیروهای شوروی و انگلیس بعمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نمایدوسایل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که بوسیله راه آهن و یا از طریق هوا حمل میشود فراهم سازد.

در مقابل دولتين انگلیس وشوروی موافقت مینمایند که :

الف - حقوق مربوط بمنفی وغیره ایران را کما فی السابق پردازند.
ب - وسائل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم سازند.
ج - پیش روی زیادتر نیروهای خود را متوقف ساخته و بمغان اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد ارتش خود را از خاک ایران خارج نمایند.
د - علاوه بر این دولت ایران تعهد نماید که بیطری خود را ادامه داده و هیچگونه عملی که برخلاف منافع دولتين انگلیس وشوروی باشد در این مبارزه که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است ننماید.

دولت ایران تقریباً تمام تقاضاهای دولتين انگلستان وروسیه شوروی را قبول و اصلاحات جزئی پیشنهاد نمود که مورد موافقت دو دولت نامبرده واقع نشد و تمام درخواستهای آنان بموضع اجرا درآمد معهذا به بهانه های مختلف سر بازان دول مذکور حرکت خود را متوقف نساختند و مخصوصاً قوای روسیه از قزوین عازم تهران شد که آنجا را تصرف کند.

رضا شاه که برخلاف میل باطنی با جبار تن به تقاضا های اجانب داده بود چون عهده شکنی و تخلف از پیشنهادات آنان را دید یقین حاصل کرد که

آنچه تا کنون مورد مذاکره و بحث قرار گرفته واوقات دولت ایران را بخود مشغول داشته بهانه‌ای بیش نیست و دولتین انگلستان و روسیه شور وی معناً با سلطنت و برقراری پادشاهی وی مخالف هستند بدین جهت برای جلوگیری از خرابی کشور و قتل و غارت که ممکن بود بدهست قوای بیگانه صورت گیرد به صلاح مردم ایران تصمیم گرفت که از سلطنت استعفا داده و کناره گیری کند و قبل از ظهر روز بیست و پنجم شهریور ماه سال ۱۳۲۰ برابر باشانزدهم ماه سپتامبر سال ۱۹۴۱ نخست وزیر کناره گیری رضاشاه پهلوی را از سلطنت بشرح ذیل در مجلس رسمآ اعلام داشت :

یکی از مهمترین قضایا و امور را که واقع شده است باید بعرض مجلس شورای اسلامی و باطلاع عموم ملت برسانم و آن این است که اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بمحاجباتی که حالا خواهم گفت اراده کرده اند که از سلطنت کناره گذند وامر سلطنت را بمحاجشین قانونی خودشان تفویض فرمایند ایشان استعفا نامه‌ای نوشته‌اند و والاحضرت همایون ولایت عهد زمام امور را بدهست گرفتند . متن استعفا نامه ایشان این است .

نظر باین‌که همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که فوه و بنیه جوانتری بکار کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد که اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد بنابراین امور سلطنت را بولیعهد و جانشین خود تفویض و از کار کناره نمودم از امروز که روز بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری ولشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌گردد نسبت بایشان منظور دارند . کاخ مرمر تهران بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۰ . رضاشاه

ضمناً اعیینحضرت جدید مرا مأمور فرمودند باطلاع مجلس شورای ملی بر سانم که در امر ملک و مملکت داری کاملاً یک پادشاه قانونی هستند و تصمیم قطعی ایشان براین است که قانون اساسی و مصالح عالیه دولت و مملکت و ملت ایران را کامل رعایت کرده و محفوظ بدارند امیدوارم این سلطنت نو بر ملت ایران مبارک باشد و تقاضا میکنم فردا باز مجلس شورای ملی تشکیل شود که اعیینحضرت همایونی تشریف آورده بوظایف قانونی خودشان عمل کنند.

روز بیست و هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ محمدرضا شاه پهلوی پادشاه جدید در جلسه علنی مجلس شورای ملی حاضر و قسم نامه را که متن آن بقرار ذیل است :

بسمه تعالی

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و بآنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروم بدارم قانون اساسی مشروطیت را نگهبان و بر طبق آن وقوایین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می طلبم و از ازواج طيبة اولیاء اسلام استمداد میکنم.

خواندند و امضاء کردند و سپس خطابه ای مبنی بر رعایت اصول مشروطیت مخصوصاً تفکیک قوا و احترام به قانون اساسی ولزوم همکاری

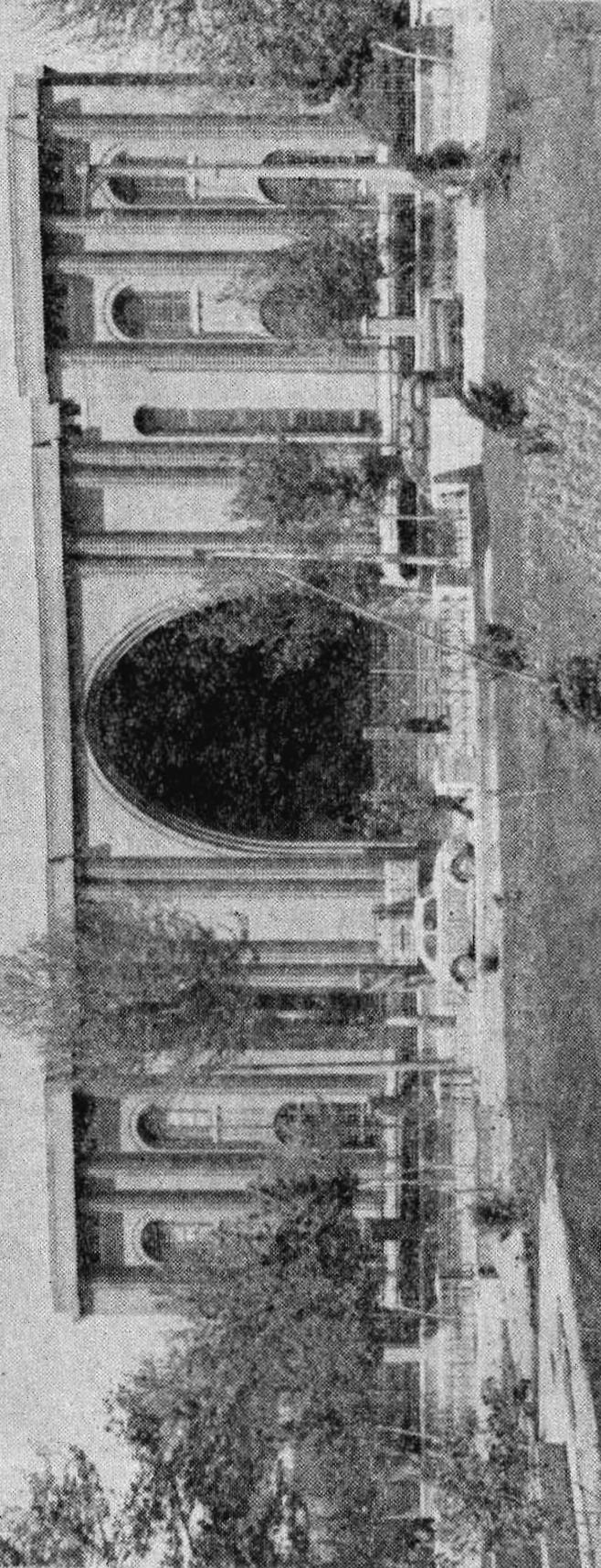
دولت و مجلس قرائت کردند و باین طریق رسماً بر تخت سلطنت نشستند و پادشاه قانونی کشور شدند.

رضا شاه بعد از اعلام کناره گیری خود از سلطنت با اتومو بیل بطرف اصفهان و کرمان حرکت کردند و فرارشد با کشتی پستی موسوم به (بندر) به هندوستان و از آنجا به شیلی واقع در امریکای جنوبی بروند. رضا شاه پس از عزیمت از تهران بمنظور رسیدن کشتی بندرها به بندر عباس چند روزی در اصفهان توقف کردند و همین ایام کلیه اموال منقول وغیر منقول خود را به فرزندش اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی بخشیدند تا به مقتضای مصلحت کشور به مصرف امور خیریه و فرهنگی برسانند. متن صلح‌نامه صادره از طرف اعلیحضرت رضا شاه کبیر بدین فراراست :

بنام خداوند متعال

چون از ابتدای تأسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران و آبادی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده بودم و همواره در نظر داشتم آن رویه عمران سرمشقلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا در موقع خود بتوانم از ثمره این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره مندسازم این فرصت در این موقع که فرزندار جمند عزیزم اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی زمام امور کشور را بدست گرفته اند حاصل شده است بنابراین مصالحه نمودم کلیه اموال و دارائی خود را اعم از منقول وغیر منقول و کارخانجات وغیره از هر قبیل که باشد بایشان بهمال الصلح ده گرم نبات موهوب تا به مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه و فرهنگی و غیره به طریقی که صلاح بدانند برسانند.

موزه ایران باستان از آثار دوره سلطنت رضا شاه کبیر



رضا شاه کبیر روز پنجم مهرماه از بندر عباس به کشتی پستی بندها
نشستند و بسمت هندوستان حر کت کردند و امیدوار بودند همانطوری که وعده داده
بودند وسائل غریمت ایشان را به کشور شیلی در امریکای جنوبی فراهم
سازند اما چون کشتی بندها انگلیسی بود برخلاف وعده و تعهد فوق الذکر
انگلیسیها معظم له را بجز برهه موریس واقع در افریقای جنوبی که از جزایر
بدآب و هوا میباشد برند و رضا شاه از این عهد شکنی انگلیسیها خصوصاً
اینکه اورا در جزیره بدآب و هوائی پیاده میکنند بسیار ملول و مکدرشد و
پس از آن این پادشاه وطن پرست و عالیقدیر را بجزیره زوهانسبور گک انتقال
دادند که قدری قبل از طلوع آفتاب روز چهارشنبه چهارم مرداد ماه سال ۱۳۲۳
در جزیره اخیر الذکر دارفانی را وداع گفت و با مر گک این پادشاه وطن-
پرست و فداکار کشور ایران یکی از لایق ترین و گرامی ترین فرزندان خود را
ازدست داد ولی باید باطلاع خوانند گان ارجمند برسانم که کشور و ملت
ایران فداکاریها و اصلاحات اساسی این مرد بزر گک را که در تمام شئون
اداری و اجتماعی در زمان سلطنت خود بعمل آورده است و در فصول گذشته
بنتفصیل در این باره بحث شده است فراموش نخواهد کرد و همانطوری که
نویسنده این کتاب دریادداشت دوم خود نوشته است باید نام رضا شاه کبیر
جزء فرمانروایان بزر گک در تاریخ جاویدان ثبت گردد.

فصل پنجاه و دوم

پیمان اتحاد سه‌گانه

در موقعیکه جنگ دوم جهانی در سراسر کره ارض جریان داشت و کشور ایران از طرف قوای متفقین اشغال شده بود اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی پادشاه جوان ایران و شادروان محمد علی فروغی نخست وزیر و سیاستمدار باتدبیر آن زمان با فعالیت‌های شبانه روزی بانمایند کان تام الاختیار کشورهای انگلستان و روسیه شوروی مشغول مذاکره شدند و پس از مدت‌ها گفتگو و تبادل نظر پیمان اتحاد سه‌گانه‌ای بادوکشور مذکور منعقد ساختند که چون این پیمان در تاریخ کشور ایران بسیار مؤثر است برای اطلاع خواند کان گرامی درج میگردد.

این پیمان روز پنجشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ (۲۹ ژانویه ۱۹۴۲) ساعت هیجده و پانزده دقیقه در کاخ وزارت امور خارجه با مضاء رسید.

پیمان اتحاد

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس‌ماوراء بخار و امپراطور هندوستان

و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر، نظر با صل منشور اتلانتیک که رئیس جمهور دولت متحده امریکا و نخست وزیر دولت انگلستان درجهارد هم ماه اوت ۱۹۴۱ بر آن توافق کرده و بجهان اعلام نموده اند و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز دربیست و چهارم سپتامبر ۱۹۴۱ اصل مزبور را تأیید نموده و دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران هم توافق کامل خود را با آن اصل ابراز نمایند و ما یلند که با ملل دیگر جهان بطور یکسان از آن بهره مند شوند و چون آرزومند میباشند که هر شتنه دوستی و حسن تفاهم فیما بین استوار شود و نظر باینکه این مقاصد بوسیله عقد پیمان اتحاد بهتر حاصل میشود؛ توافق نمودند که برای این منظور پیمانی منعقدسازند و نمایند کان مختار خود را از این قرار تعیین نمودند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران :

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجه شاهنشاهی

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس
ماوراء بحار و امپراطور هندوستان بنام مملکت متحده بریتانیای
کبیر و ایرلند شمالی :

جناب آقای سر ریدر ویلیام بولارد

وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران

هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی :

جناب آقای اندری یویچ اسمیر نوف

سفیر کبیر فوق العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران .

و نمایندگان مزبور اختیارات تامة خود را ارائه نمودند که صحیح و معتبر بوده و بر مقررات ذیل موافقت کردند :

فصل اول

اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستعمرات انگلیس ماوراء بخار و امپراتور هندوستان و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (که از این پس آنها دولت متحده خواهیم نامید) مشترکاً و هر یک منفرداً تعهد میکنند که تمامیت^۱ خاک ایران و حاکمیت واستقلال سیاسی ایران را محترم بدارند.

فصل دوم

ما بین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یکطرف و دولت متحده از طرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود.

فصل سوم

۱ - دولت متحده مشترکاً و هر یک منفرد امتعهد میشوند که بجمعیع وسائلی که در اختیار دارند ایران را در مقابل هر تجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند.

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران متعهد میشوند که :

الف - بجمعیع وسائلی که در دست دارند و به وجه ممکن شود با دولت متحده همکاری کنند تعهد فوق انجام یابد ولیکن معاوضت قوای ایرانی محدود بحفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.

ب - برای عبور لشکر یان یا مهمات از خاک دولت متحده بدولت متحده دیگر یا

برای مقاصد مشابه دیگر بدول متحده حق غیر محدود بدهند که آنها جمیع وسایل ارتباطی را در خاک ایران بکار ببرند و نگاهداری کنند و حفظ بنمایند و در صورتی که ضرورت نظامی ایجاب نماید به نحوی که مقتضی بدانند درست بگیرند. راههای آهن و زاهها و رو دخانهها و میدانهای هوای پر از مائی و بنادر و لوله های نفت و تأسیسات تلفنی و تلگرافی و بی سیم مشمول این فقره میباشند.

ج- هر نوع مساعدت و تسهیلات ممکنه بنمایند که برای منظور نگاهداری و بهبود وسائل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) مصالح و کار گرفراهم شود.

د- با تفاق دول متحده هر گونه عملیات سانسوری که نسبت بوسائل ارتباطیه مذکور در فقره (ب) لازم بدانند برقرار کنند و نگاه بدارند.

۳- واضح و مسلم است که در اجرای فرات (ب- ج- د) از بنده دوم این فصل دول متحده حواچ ضروری ایران را کاملاً منظور نظر خواهند داشت.

فصل چهارم

۱- دول متحده میتوانند در خاک ایران قوای زمینی و دریائی و هوائی بعدهای که لازم بدانند نگاه دارند و تاجایی که مقتضیات استراتژیک اجازه بددهد نقاطی که این قوای آنجا نگاهداشته خواهند شد با موافقت دولت ایران تعیین خواهد شد. جمیع مسائل مربوط بروابط بین قوای دول متحده و ادارات دولت ایران حتی الامکان با همکاری ادارات ایران تسویه خواهد شد بنحوی که مأموریت قوای مزبور محفوظ باشد. مسلم است که حضور این قوا در خاک ایران اشغال نظامی نخواهد بود و نسبت بادارات و قوای تأمینیه ایران وزندگانی اقتصادی کشور ورفت و آمد عادی سکنه و اجرای قوانین و مقررات ایران هر قدر ممکن باشد کمتر مزاحمت خواهند نمود.

۲ - هرچه زودتر ممکن شود بعد از اعتبار یافتن این پیمان یاک یا
چند قرارداد راجع بتعهدات مالی که دول متعدده بسبب مقررات این فصل
وفتره (ب - ج - د) ازبند دوم فصل سوم بر عهده خواهند داشت در اموری
از قبیل خرید های محلی و اجازه ابنيه و تأسیسات صنعتی و بکار گرفتن کارگران
و مخارج حمل و نقل و امثال آن فيما بین منعقد خواهد شد . قرارداد مخصوصی
منعقد خواهد شد ما بین دول متعدده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد
کرد که بعد از جنگ ابنيه و اصلاحات دیگری که دول متعدده در خاک
ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذار می شود در
قراردادهای مزبور مصونیتهای هم که قوای دول متعدده در ایران از آن برخوردار
خواهند بود مقرر خواهد گردید .

فصل پنجم

پس از آنکه کلیه مخاصمه مابین دول متعدده با دولت آلمان و شرکای
آن بموجب یاک یا چند قرارداد متار که جنگ متوقف شد دول متعدده در
مدتی که زیاده از ششماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند
برد و اگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولو اینکه قبل از ششماه بعد از
متار که باشد . بلا فاصله قوای خود را بیرون خواهند برد . مقصود از شرکای
دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده بایکی از دول متعدده
بنای مخاصمه کذاشته یا بگذارد .

فصل ششم

۱ - دول متعدده متعهد می شوند که در روابط خود با کشور های دیگر

روشی اختیار نکنند که بتمامیت خاک و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد و پیمانهای نبندند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد و متعهد می‌شوند که در هر امری که مستقیماً بامنافع ایران مرتبط باشد با دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مشاوره نمایند.

۲ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه متعهد می‌شوند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشنی اختیار نکنند که با اتحاد منافی باشد یا پیمانهای منعقد نکنند که بامقررات این پیمان منافات داشته باشد.

فصل هفتم

دول متحده مشترکاً متعهد می‌شوند که بهترین مساعی خود را بکار ببرند که حیات اقتصادی ملت ایران را در مقابل تضییقات و اشکالاتی که در نتیجه جنگ حاضر پیش بیاید محفوظ بدارند.

پس از آنکه این پیمان اعتبار یافت برای بهترین وجه عمل کردن باین تعهد مابین دولت ایران و دول متحده مذاکرات شروع خواهد شد.

فصل هشتم

مقررات این پیمان مابین اعلیحضرت همایون شاهنشاه و هر یک از دو طرف معظم متعاهد دیگر مانند تعهدات دو طرفی یکسان الزام آور است.

فصل نهم

این پیمان پس از امضاء معتبر است و تا تاریخی که برای بیرون

بردن فوای دول متحده از خاک ایران بر طبق فصل پنجم مقرر شده باعتبار
باقی خواهد بود .

بنابراین نمایندگان مختار مذکور در فوق این پیمان را المضاء و مهر
کرده اند .

در تهران بسه نسخه فارسی و انگلیسی وروسی تحریر شد و هر سه
نسخه یکسان معتبر خواهد بود .

علی سهیلی
ر . دبلیو . بولارد
ا . اسمیر نوف

ضمیمه اول

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران
تهران ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ *

آقای وزیر

باعطاف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد
مفتخر آمیخته دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بجنابعالی اطمینان
میدهم که مقررات این بندرا دولت متبع من چنین معنی میکنند که آن مقررات
به رکنفرانس صلحی خواهی را کنفرانس خواه کنفرانسها متعدد که در پایان
جنگ حاضر منعقد شود و همچنین بکنفرانسها بین المللی دیگر تعلق
خواهد گرفت و بنابراین متعهد میشوند که در کنفرانسها مزبور هیچ امری را
که بتمامیت خاک ایران و حاکمیت یا استقلال سیاسی ایران مضر باشد
تصویب ننمایند و نیز در کنفرانسها مزبور وارد هیچ مذاکره نشوند که

بمنافع مستقیم ایران مرتبه باشد مگراینکه بادولت ایران مشاوره کنند.
علاوه بر این دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش
رابکار خواهند برد که ایران درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع او مرتب
باشد بادول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد .
موقع را مقتضم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

۱. اسمیر نوف

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران - تهران

* ۲۶ ژانویه ۱۹۴۲ مطابق است با ۹ بهمن ۱۳۲۰ *

ضمیمه اول

سفارت انگلیس - تهران

۱۳۲۰ ۹ بهمن

آقای وزیر

باعطاف به بند اول از فصل ششم از پیمان اتحادی که امر و زامضا شد مفتخر
از جانب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بجنابعالی اطمینان میدهم که
مقررات این بندر ادولت متبوع من چنین معنی میکنند که آن مقررات بهر کنفرانس
صلحی خواهیک کنفرانس خواه کنفرانس های متعدد که در پایان جنگ حاضر
منعقد شود وهمچنین بکنفرانس های بین المللی دیگر تعلق خواهد گرفت و
بنابر این متعهد میشوند که در کنفرانس های مزبور هیچ امری را که بتمامیت خاک
ایران و حاکمیت بالاستقلال سیاسی ایران مضر باشد تصویب ننمایند و نیز

در کنفرانس‌های مزبور وارد هیچ مذاکره نشوند که بمنافع مستقیم ایران
هر تبطیف باشد مگر اینکه بادولت ایران مشاوره کنند.

علاوه بر این دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت کوشش را بکار
خواهند برد که ایران درمذاکرات صلحی که مستقیماً بمنافع امر تبطیف باشد
بادول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد.

موقع را مفتتم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ر. دبليو. بولارد

جناب آقای علی سهيلى

وزير امور خارجه شاهنشاهي ايران - تهران

ضميمه دوم

وزارت امور خارجه

شماره (۴۹۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای سفير كبير

باعطاف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد
مفتخر آذجائب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران بنا بر بند
مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دو دولت هر دو با دولت

دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط سیاسی
نگاه بدارد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.
علی سهیلی

جناب آقای آندره آندریویچ اسمیرنوف
سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - تهران

ضمیمه دوم

وزارت امور خارجه

شماره (۴۹۵۲)

تاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰

آقای وزیر مختار

با عطف به بند دوم از فصل ششم از پیمان اتحادی که امروز امضا شد
مفتخر از جانب دولت ایران بجنابعالی اطمینان میدهم که دولت ایران
بنابر بند مزبور خلاف تعهدات خود میداند که چنانچه این دو دولت هر دو
بادولت دیگری روابط سیاسی نداشته باشند دولت ایران با آن دولت روابط
سیاسی نگاه بدارد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

علی سهیلی

جناب سر برید رویلیام بولارد

وزیر مختار و نماینده فوق العاده اعلیحضرت پادشاه انگلستان - تهران

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در ایران

تهران ۲۹ زانویه ۱۹۴۲

آقای وزیر

افتخار دارم از طرف دولت (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)

بجنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم :

۱- راجع بفقره (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضا شده

است دول متحده از دولت ایران معاضدت قوای نظامی اور اداره هیچ جنگ و یا عملیات نظامی بر ضد یک یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود .

۲- راجع بفقره (۲) فصل ۴ مسلم است که این پیمان متن ضمن شرایطی

نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد خارجی خود انجام داده باشند و برای حواجز ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند .

۳- مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل

از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه یک بازبیوت خود باقی خواهد ماند .

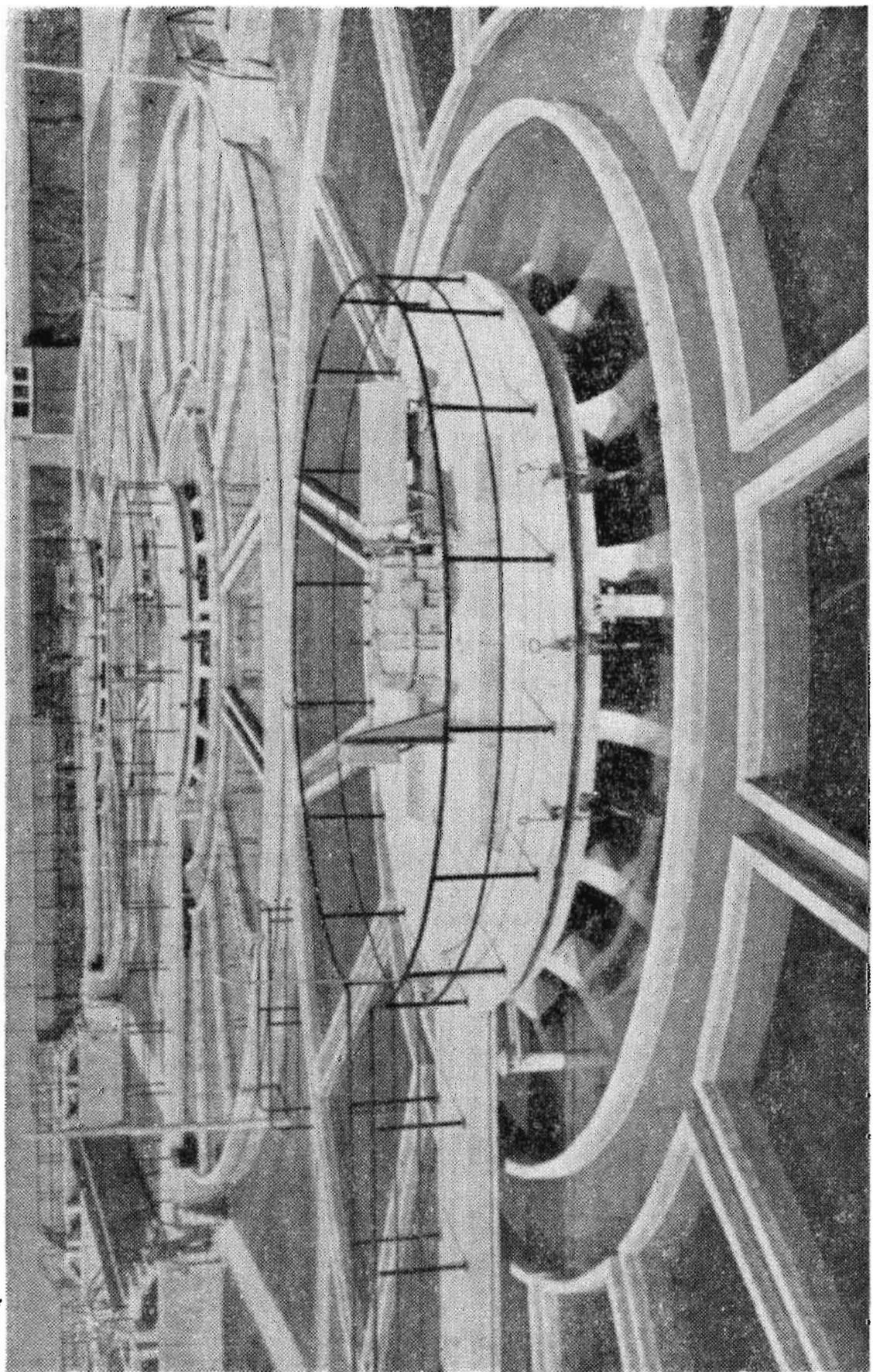
موقع رامغتمم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

۱. اسمیر نوف

جناب آقای علی سهیلی

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران - تهران

تصویه خانه آب تهران که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بنا گردیده است.



ضمیمه سوم

سفارت انگلیس - تهران

۱۳۲۰ بهمن ۹

آقای وزیر

افتخار دارم از طرف دولت (اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ممالک متحده) بجنابعالی اطمینانهای زیر را ابلاغ نمایم:

۱ - راجع بفقره (۲) فصل سوم از پیمان اتحادی که امروز امضا شده

است دول متحده از دولت ایران معاوضت قوای نظامی او را در هیچ جنگ و یا عملیات نظامی بر ضدیک یا چند دولت خارجه تقاضا نخواهند نمود.

۲ - راجع بفقره (۲) فصل ۴ مسلم است که این پیمان متنضم شرایطی

نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حواجز ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شوند.

۳ - مسلم است در صورتی هم که پیمان مطابق مقررات فصل نهم قبل از انعقاد صلح از درجه اعتبار ساقط شود ضمیمه یا ت باز بقوت خود باقی خواهد ماند. موقع را مفتتم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

ر. دبليو. بولارد

جناب آقای علی سهيلی

وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران - تهران

بمناسب امضای پیمان اتحاد سه کانه تلکرافاتی بین مرحوم فروغی

نخست وزیر ایران و نخست وزیر انگلستان و رئیس شورای کمیسرهای ملی
شوروی رد و بدل شده است که متن آن در اینجا درج میگردد :

جناب آقای استالین رئیس شورای کمیسرهای
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسکو

اجازه میخواهم مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را بمناسبت
امضای پیمان اتحاد بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان بجناب عالی
اظهار دارم یقین دارم که این پیمان موجب تثیید مناسبات دوستی و حسن تفاهم
بین دو کشور ماخواهد شد و ایران و اتحاد جماهیر شوروی از مزایای همکاری
که بر اساس احترام منافع متقابل استوار است بهره مند خواهد گردید.

م . ع . فروغی

نخست وزیر ایران

۱۳۲۰/۱۱/۱۱

جناب آقای فروغی نخست وزیر ایران تهران

جناب آقای نخست وزیر بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین اتحاد
جماهیر شوروی سوسیالیستی و بریتانیای کبیر و ایران بجناب عالی و بوسیله
آن جناب بدولت ایران صمیمانه شادباش میگوییم قویاً اطمینان دارم که مناسبات
اتحاد نوین بین کشورهای ما دوستی بین مردم ایران و مردم اتحاد جماهیر
شوری را تحکیم مینماید و بنفع کشورهای ما با موقوفیت توسعه خواهد یافت.

ی - استالین

رئیس شورای کمیسرهای ملی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

۱۳۲۰/۱۱/۱۲

جناب آقای وینستون چرچیل

لندن
بمناسبت امضای پیمان اتحاد بین بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایران بدین وسیله استظهار خود را ابراز و امیدوارم که این پیمان منافع متقابله را در برداشته و موجب تثیید مناسبات دوستانه و حسن تفاهم بین دو کشور خواهد بود ضمناً اجازه میخواهم که مراتب تقدیر کامل و احساسات قلبی خود را بمناسبت تشریک مساعی آن جناب در حفظ منافع ایران تقدیم دارم.

نخست وزیر ایران

۱۳۲۰/۱۱/۱۱

جناب آقای محمد علی فروغی نخست وزیر ایران تهران
از تلگراف شادباش جنابعالی بمناسبت امضای پیمان اتحاد نهایت متشکرم این نخستین مرتبه است که ایران و بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی گرد هم آمده و برای منظور مشترک و منافع متقابله هم عهد گشته اند مساعی جمله‌ای که جنابعالی در ایجاد این حسن تفاهم بکار برده اید فال نیکی است برای آینده.

وینستون چرچیل

۱۳۲۰/۱۱/۱۲

فصل پنجم و سوم

اعلامیه ملل متحده - اعلام جنگ ایران به آلمان - اعلامیه سرانه دولت در تاریخ اول ژانویه سال ۱۹۴۲ مطابق با یازدهم دیماه ۱۳۲۰ در شهر واشنگتن پیمان اتحادی بین بیست و شش کشور بر علیه می‌جور امضا شد که این پیمان بعد از نام اعلامیه ملل متحده (Declaration by United Nations) معروف گردید - و اینک متن آن برای اطلاع خوانندگان ارجمند درج می‌گردد.

نظر باینکه دول امضاء کننده به برنامه مشترک اصول و مقاصد مندرجه در اعلامیه رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا و نخست وزیر بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ معروف به منشور اطلانتیک ملحق شده اند و نظر باینکه یقین دارند دفاع از جان و آزادی و استقلال و حریت مذهبی و همچنین صیانت حقوق بشر و اجرای عدالت در کشورهای خود و کشورهای دیگر مستلزم اینست که بر دشمنان خود کاملاً مظفر و پیروز گرددند و نظر باینکه هم‌اکنون مشترکاً بمبارزه بر علیه قوای خشن و وحشی که در صدد است دنیارا تحت سلطه و انتقاد خود در آورد مشغول هستند علیهذا اعلام میدارند :

۱ - هریک از دول امضاء کننده متعهد می‌شود کلیه منابع اقتصادی و نظامی خود را بر علیه آن عضو یا اعضای دول پیمان سه‌گانه و متحدنشان

که با آنها در حال جنگ است بکار برد.

۲ - هریک از دولامضائکننده متعهد نمیشود باسایر دولامضائکننده همکاری کرده بهتر که مخاصمه و صلح جدا کانه با دشمنان مشترک مبادرت ننماید. ممل دیگری که هم اکنون در این مبارزه بر علیه هیتلریسم کمک مادی یا مساعدت‌های دیگری مینمایند یا ممکن است بعداً با این اقدام مبادرت نمایند میتوانند با این اعلامیه ملحق شوند.

در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۲ در واشنگتن تحریر یافت.

این اعلامیه مشترک از طرف دول زیرامضائشده است:

کشورهای متعدد امریکا
بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی
اتحاد جماهیر شوروی.

هائیتی	چین
هندوراس	استرالیا
هندوستان	بلژیک
لوکزامبورگ	کانادا
هلند	کستاریکا
زلاند جدید	کوبا
نیکاراگوا	چک اسلواکی
نروژ	جمهوری دومی نیک
پاناما	سالوادر
لهستان	یونان
افریقای جنوبی	کواتالملا
یوگوسلاوی	

در ساعت نه وسی دقیقهٔ صبح روز پنجشنبه هفدهم شهریور ماه ۱۳۲۲
(نهم سپتامبر ۱۹۴۳) فرمان اعلام حالت مخاصمه بین دولت ایران و دولت
آلمان بشرح ذیل صادر گردید:

باتأییدات خداوند متعال ما

محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

بنابه پیشنهاد دولت و بر طبق اصل پنجماهویکم قانون اساسی از تاریخ
۱۷ شهریور ۱۳۲۲ حالت جنگ را بین کشور خودمان و آلمان مقرز و
اعلام میداریم.

هفدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و بیست و دو
 محل صحنه همایونی

و در ساعت ده صبح همان روز مرحوم سهیلی نخست وزیر ایران با هیئت
دولت در مجلس شورای اسلامی حاضر شدند و مقارن ساعت یازده و نیم قبل از ظهر
نخست وزیر بیاناتی بشرح ذیل:

بطوریکه خاطر نمایند کان محترم مستحضر است دولت شاهنشاهی
در آغاز جنگ کنونی بیطرفی خود را بدول متخاصم اعلام و در حفظ شرایط
آن نهایت مراقبت را معمول داشت ولی در نتیجهٔ پیش آمد هائی که منتهی
بوقایع شهریور ۱۳۲۰ گردید پیمانی بین دولت ایران از یک طرف و دولتین
انگلیس و شوروی از طرف دیگر منعقد شد و از آن پس این قرار داد مبنای
سیاست خارجی نسبت بمتخاصمین قرار گرفت و رویهٔ دولت شاهنشاهی در
مقابل دولمحور روش و اعلام شد و انتظار میرفت دول محور بادر نظر گرفتن

وضع خاص ایران و تعهداتیکه این کشور در مقابل متفقین دارد مبادرت باقدامات و عملیاتی ننمایند تا بالنتیجه موجب انحراف دولت ایران از تعقیب رویهای که در پیمان سه کانه اتخاذ نموده گردد لیکن وقایعی که اخیراً بروز کرده و شواهد و مدارکی که دردست است منجمله تحریک جمعی از عشایر بر علیه دولت که منجر بوقایع اسف آوری گردید و همچنین اعزام افراد مخصوص بوسیله هواپیماها بمنظور تخریب راه آهن و قطع وسائل ارتباطیه و تشکیل سازمانهای جاسوسی و سایر اقداماتی که خاطر نمایند کان محترم از چگونگی آنها آگاه میباشد آشکار ساخت که عمال آلمانی برخلاف انتظار دست بفعالیتهای وخیمی در ایران زده وسعي گرده اند با ایجاد اختلاف و تفرقه بین مردم این کشور آتش فتنه و انقلاب داخلی را برپا ساخته و موجبات سلب آسایش عامه و اختلال امنیت مملکت را فراهم کنند.

دولت ایران این قبیل عملیات نامشروع دولت آلمان را در داخله ایران خصمانه تلقی گرده و تحریکات و دسائیسی را هم که بمنظور ایجاد فتنه و آشوب در سراسر کشور بعمل آمده است مخاطره آمیز تشخیص و برای حفظ مصالح عالیه کشور خود حقاً موظف میباشد اقداماتی در خاتمه دادن با این وضعیت و اوضاع ناگوار که مورد انتزجار قاطبه ملت ایران است بعمل آورد بنابراین دولت بامداده در جمیع جهات امر و تشخیص منافع مملکت در حال واستقبال خود را ناگزیر دید بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی حالت مخاصمه را بین ایران و آلمان اعلام دارد و در همین حال الباق خود را باعلامیه مشترک ملل متفقهه مورخ اول زانویه ۱۹۴۲ اعلام میدارد.

ایراد نموده و فرمان همایونی را بشرح مذکور فرائت کرد والحق کشور ایران را باعلامیه مشترک ملل متحده اعلام داشت.

پس از صدور فرمان مزبور و نطق تاریخی نخست وزیر از طرف
اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تلگرافهای برای پادشاه انگلستان
و رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و رئیس جمهوری ایالات متحده
امريکا و فرمانده کل قواي چين مخابره شده است که اينك ازنظر اهميت
عين تلگراف اعلیحضرت همایونی و جوابهای که رسیده است ذکر ميگردد.

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۳۱ اوت ۱۹۴۳)

اعلیحضرت جرج ششم پادشاه انگلستان واه پراطور
هندوستان لندن

بمناسبت الحق ايران باعلاميه ملل متفق موقع را غنيمت شمرده
درود صميمانه خويش را با آن اعلیحضرت ابراز داشته وايشان را مطمئن
ميگردانم که همه مسامعی من در راه ادامه و توسعه همكاری مؤثری که تا کنون
برای پیروزی منظور مشترك ما وشكست نهائی آلمان از طرف ايران بعمل
آمدۀ مصروف خواهد گردید .

محمد رضا پهلوی

* * *

۲۳ شهریور ۱۳۲۲ (۱۵ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ايران

درود مودت آمیز اعلیحضرت همایون شاهنشاه بمناسبت الحق ايران
باعلاميه ملل متحده موجب نهایت مسرت اين جانب گردید - اظهارات
اعلیحضرت مبني بر ادامه و تشيد معاضدت و همكاری در نبرد بر عليه دشمن
مشترك مامايه خشنودی و اطمینان خاطر است . منهم مانند آن اعلیحضرت

با اشتیاق زیاد منتظر آن روزی هستم که مساعی مشترک ملل آزادی طلب منتعج به پیروزی نهائی گردد.

جرج پادشاه انگلستان و امپراتور هندوستان

(۱۳۲۲/۶/۲۰) سپتامبر ۱۹۴۳

جناب آقای میخائل ایوانویچ کالینین

رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسکو

اکنون که کشور ایران با عالمیه ملل متحد ملحق گردیده موقع را بیاندازه مناسب و مطبوع میدانم که درود صمیمانه خویش را با آن جناب ابراز داشته و ایشان را مطمئن گردانم که عزم راسخ دارم به همکاری صمیمانه و مؤثری که تا اکنون از طرف ایران نسبت بمنظور مشترک متفقین بعمل آمده و همچنین به پیروزی اتحاد جماهیر شوروی و شکست نهائی آلمان ادامه داده و بر آن بیفزایم.

محمد رضا پهلوی

(۱۳۲۲/۷/۲۶) سپتامبر ۱۹۴۳

اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران تهران

از درود محبت آمیز آن اعلیحضرت تشکر نموده خوشوقتم از اینکه به نوبه خود میتوانم الحاق ایران را با عالمیه ملل متحد تهنیت بکویم. موقع را مغتنم میشمارم که بهترین آرزوهای خود را بشخص اعلیحضرت و ملت دوست ایران ابراز دارم.

م. کالینین

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای فرانکلین روزولت رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا
واشینگتن

کمال مسرت را دارم که با آن جناب تهنیت گفته و اطمینان دهم که با
الحاق به اعلامیه ملل متحده کشور من قصد دارد باشتر اک مساعی مؤثر و
صمیمانه خود که تا بحال جهت رسیدن بهدف مشترک امتفقین و شکست نهائی
آلمان مبدول داشته ادامه داده و بر آن بیفزاید .

محمد رضا پهلوی

* * *

۲۵ شهریور ۱۳۲۲ (۱۷ سپتامبر ۱۹۴۳)

اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

از تلگرافی که آن اعلیحضرت شاهنشاه مخابره فرموده اند
صمیمانه تشکر میکنم . اطمینانی که در تلگراف ابراز شده است دائر
براينکه بالحاق به اعلامیه ملل متحده کشور شاهنشاهی بقوت همکاری خود
در راه نیل بمقصود مشترک خواهد افزود موجب مسرت فوق العاده مردم مملکت
متحده که بمنظور شکست قطعی هیتلر یسم کلیه منابع خود را بمیان
گذارد اند گردید .

فرانکلین د. روزولت

۱۸ شهریور ۱۳۲۲ (۱۰ سپتامبر ۱۹۴۳)

جناب آقای چانک کای شک فرمانده کل قوای چین . چونک کینک
دراينموقع که کشور ایران با اعلامیه ملل متحده پیوسته لازم میدانم

با آنچنانب درود فرستاده وایشانرا مطمئن کردام که ایران در راه منظور
مشترک متفقین و شکست نهائی آلمان بیش از پیش کمک نموده و با جدیت تمام
همکاری مؤثر خواهد نمود .

محمد رضا پهلوی

* * *

(۱۷ سپتامبر ۱۳۲۲ (۱۹۴۳)

اعلیحضرت محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران تهران
من با شفعت زیادی تلگراف مورخ دهم سپتامبر آن اعلیحضرت را که
در آنالحق دولت شاهنشاهی را باعلامیه مل متحده مورخ اول زانویه ۱۹۴۲
اشعار فرموده بودند دریافت داشتم . موقع را مغتنم شمرده عقیده باطنی خود
را با استحضار آن اعلیحضرت میرسانم که همکاری مابین دو کشور ما چه هنگام
جنگ بر علیه متجاوز و چه در موقع برقراری یک صلح عادلانه و طولانی بزودی
موفقیت های بزرگی را نصیب ماخواهد نمود .

چانک کای شک

در اثر سعی و کوششی که ایران در راه پیروزی متفقین معمول داشت
سران سه کشور معظم در بحبوحه جنگ در تهران گردآمدند و اعلامیه بسیار
مهمی راجع به ایران منتشر ساختند که ابتدا تذکاریه دولت ایران و پس از
آن متن اعلامیه کنفرانس تهران در اینجا ذکر میشود .

تذکاریه

در این موقع که بیاری خداوند متعال این سعادت و افتخار نصیب

سرزمین ایران باستان میهن عزیز ما شده است که محل ملاقات پیشوایان
معظم سه دولت بزرگ متفق ایران واقع کردد و یکی از وفا قایع مهم تاریخی
این عصر برای حل مشکلات دین‌المللی واستقرار صلح و صفاتی دائم و تأمین
زندگانی آتیه کلیه ملل جهان برپایه عدالت و مساوات که کمال مطلوب
ملل متحده است و منشور اتلافیک بر آن استوار گردیده در ایران روی میدهد
بهترین فرصت مناسبی است که آرزوهای ملت ایران را با گاهی برساند.
وضعیت کنونی ایران که بر اثر مجاهدت و زحمات و از
خود کذشتگیهای چندین ساله تمام طبقات این کشور ایجاد گردیده و مورد
استفاده کامل متفقین برای پیشرفت مقصود و تسريع پیروزی واقع شده ایجاب
مینماید که دولت و ملت ایران یقین داشته باشند که متفقین در کمک به ایران
در حال آتیه از بذل هر گونه مساعدتی مضایقه نخواهند نمود.

ایران از نظر تمایلات قلبی و قدمهای برجسته و مؤثری که در کمک
بمتفقین برداشته عملاً آرزوی خود را نشان داده است که جنگ کنونی با
پیروزی متفقین هر چه زودتر انجام یابد.

ایران که با ابراز همکاری صمیمانه و خالصانه طبق پیمان سه‌گانه
و تشریک مساعی کامل بامتفقین در این ظفر و فیروزی سهیم میباشد قطع دارد
که متفقین تمام زحمات و خساراتی را که از اوضاع جنگ به ایران وارد آمده
کاملاً در نظر خواهند گرفت.

با امتحاناتیکه دولت و ملت ایران در اینمدت از همکاری صمیمانه
و تشریک مساعی خالصانه خود در تمام شئون و مراحل نشان داده و برای
تأمین پیروزی متفقین و برافکنندن ریشه ظلم و ستم از جهان مافق قدرت و
توانائی خود و با تحمل مشکلات اقتصادی بیشمار بذل مساعی نموده و

بالنتیجه با اعلان جنگ به آلمان اعتماد و اطمینان کامل متفقین را جلب نموده انتظار دارد که متفقین در تحویل رشته‌های حیاتی امور مملکتی که فعلاً در دست آنها است و واکذاری امنیت کشور بقوای نظامی و انتظامی خود ایران و تأمین جمیع وسائل اینکار اهتمام خاص معمول دارند تا بدین نحو اعتماد و اطمینان موجوده صورت عمل بخود گیرد.

دولت و ملت ایران رجاء وائق دارند که تعهدات کتبی و اطمینان‌های شفاهی که از طرف متفقین نسبت بتمامیت واستقلال کامل ایران داده شده است با کمک و مساعدت‌های مادی و معنوی در تمام رشته‌های سیاسی و اقتصادی تقویت یافته و ایران بتواند بدینوسیله نقش بالافتخاری را که در گذشته بین کشورهای متعدد جهان بعده داشته در آئیه نیز ادامه دهد.

دولت و ملت ایران در قبال این ابراز صمیمیت و یگانگی اطمینان میدهد همانطور که در سخت‌ترین موقع جنگ در همکاری صمیمانه و دوستی صادقاًه برای پیروزی عاجل متفقین خودداری ننموده از این پس نیز این رویه دیرینه را در مسائل مربوطه بین‌المللی ادامه داده و با متفقین خود تشریک مساعی کامل بنمایند.

دولت و ملت ایران انتظار دارند در این موقع که پیشوایان معظم سه دولت بزرگ در ایران اقامت دارند برای تأیید مراتب بالا اعلامیه صادر و بدینوسیله حسن‌نیتی را که کراراً کتبیاً و شفاهانه‌نسبت به ایران ابرازداشته‌اند بار دیگر تصریح نمایند.

تهران بتاریخ ۱۳۲۶ آذرماه ۹

اعلامیه سران سه دولت معظم در کنفرانس تهران باین قرار است :

اعلامیه سه دولت راجع بایران

مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ - نهم آذرماه ۱۳۲۲

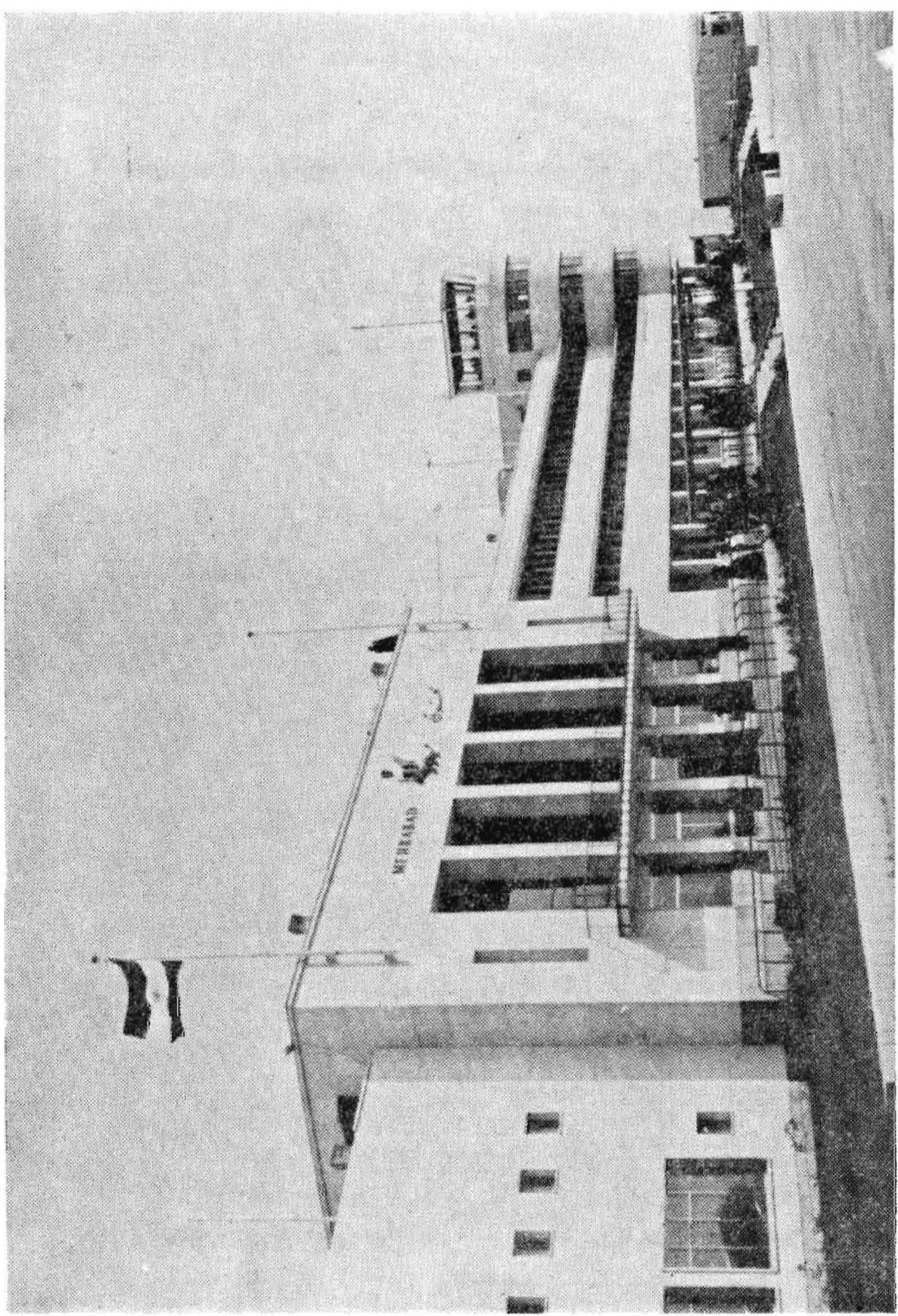
رئیس جمهوری کشورهای متحده امریکا، نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و نخست وزیر ممالک متحده انگلستان پس از مشورت بین خود و با نخست وزیر ایران مایلند موافقت سه دولت را راجع بمناسبات خود با ایران اعلام دارند.

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان کمکهایی را که ایران در تعقیب جنگ بر علیه دشمن مشترک و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسائل حمل و نقل مهمات از ممالک ماوراء بحار به اتحاد جماهیر شوروی بعمل آورده تصدیق دارند.

سه دولت نامبرده تصدیق دارند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم آورده و موافقت دارند که با در نظر گرفتن احتیاجات سنگینی که عملیات جنگی جهانی بر آنها تحمیل میکند و کمی وسائل حمل و نقل در دنیا و همچنین کمی مواد خام و سایر مواد کشوری کمکهای اقتصادی خود را تاحد امکان بدولت ایران ادامه بدهند.

راجع بدوزه بعد از جنگ دول کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان با دولت ایران موافقت دارند که هر نوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران با آن مواجه باشد از طرف کنفرانسها یا مجامع بین المللی که برای مطالعه مسائل اقتصادی

فروگاه عظیم و مجهز مهرآباد که در زمان سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی بنادرگردیده است .



بین‌المللی تشکیل یا ایجاد شود با مسائل اقتصادی سایر ملل متحده مورد توجه کامل قرار گیرد.

دولتهای کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران بادولت ایران اتفاق نظردارند و بمشارکت ایران با سایر ملل صلح دوست دربر فراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعداز جنگ بر طبق اصول منشور اتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.

وینستون چرچیل

ژ. و. استالین

امضاء

فرانکلین. د. روزولت

کشور ایران با استناد منشور ملل متحده در سال ۱۳۳۴ به پیمان بغداد ملحق گردیده است که در فصل چهل و یکم چگونگی آن و متن پیمان درج شده است و نیز در تاریخ چهاردهم اسفند ماه سال ۱۳۳۷ موافقت نامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران و کشورهای متحده امریکا منعقد گردیده است.^(۱)

۱ - موافق نامه همکاری بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده امریکا

دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده امریکا :

نظر باینکه مایلند اعلامیه‌ای را که در تاریخ ۲۸ ذوئیه ۱۹۵۸ در لندن به آن ملحق شده‌اند بورد اجرا گذارند.

نظر باینکه بموجب ماده اول پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ بامضاء رسیده امضاء کنندگان موافق کرده‌اند که برای امنیت و دفاع خود اشتراك مساعی نمایند و همچنین چون بشرح مندرج در اعلامیه‌مند کوزد ر فوق دولت کشورهای متحده امریکا بمنظور صلح جهانی ←

قبول کرده است که با دولتهایی که اعلامیه مذکور را برای امنیت و دفاع کشور خود امضا کرده اند اشتراک مساعی نماید.

باملاحظه اینکه در اعلامیه فوق اعضاء پیمان همکاری متقابل که اعلامیه را امضاء کرده اند تصمیم خود را در حفظ امنیت دست جمعی و مقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیرمستقیم تأیید نموده اند.

علاوه نظر باینکه دولت کشورهای متعدد امریکا را کارهای کمیته های عمدۀ پیمان همکاری متقابل که در بغداد در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ بامضاء رسیده پیوستگی دارد.

نظر بعلقه بتحکیم صلح بطبق اصول منشور ملل متعدد.

نظر باینکه دولت حق خود را در اشتراک مساعی برای امنیت و دفاع خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متعدد تأیید نمایند.

نظر باینکه دولت کشورهای متعدد امریکا حفظ استقلال و تمامیت کشور شاهنشاهی ایران را برای منافع ملی خود و صلح جهانی امر حیاتی تشخیص مینمهد.

نظر باینکه اختیاراتی را که کنگره کشورهای متعدد امریکا برای دادن مساعدت های مقتضی بموجب قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن و همچنین بموجب قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاور میانه بر تیس جمهوری امریکا داده است برسیت میشناشد.

نظر باینکه موافقنامه های مشابهی بین دولت امریکا و دولت ترکیه و دولت پاکستان جداگانه منعقد شده است.

شرح ذیر موافقت میکنند:

۱ - دولت شاهنشاهی ایران مصمم است که در مقابل تجاوز مقاومت کند. در صورت تجاوز بکشور ایران دولت کشورهای متعدد امریکا طبق قانون اساسی امریکا اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود بطوریکه مورد توافق طرفین باشد و بشرح مندرج در قطعنامه مشترک برای ایجاد صلح و ثبات در خاور میانه بینظور مساعدت با دولت شاهنشاهی ایران بر حسب درخواست آن دولت بعمل خواهد آورد.

۲ - دولت کشورهای متعدد امریکا طبق قانون امنیت مشترک مصوب سال ۱۹۵۴ و اصلاحات آن وقوانین مربوطه کشورهای متعدد امریکا و طبق قراردادهای مربوطه که بین دولت ایران و دولت کشورهای متعدد امریکا تا →

کنون بسته شده یا بعد از این بسته خواهد شد بار دیگر تأیید می‌کند که مساعدت‌های نظامی و اقتصادی بنحوی که دولت ایران و دولت کشورهای متعدد امریکا توافق کنند برای کمک بدولت ایران در حفظ استقلال ملی و تمامیت خود و پیشرفت مؤثر اقتصاد آن کشور ادامه خواهد داد.

۳ - دولت شاهنشاهی ایران تعهد می‌کند که این‌گونه مساعدت‌های نظامی و اقتصادی را که دولت کشورهای متعدد امریکا بعمل می‌آورد بنحوی که با منظورها و مقاصدی که دول امضاء کننده اعلامیه لندن مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ مقرر داشته‌اند موافق باشدو بمنظور ایجاد وسیله مؤثر برای توسعه اقتصاد کشور ایران و حفظ استقلال و تمامیت آن کشور مورد استفاده قرار دهد.

۴ - دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متعدد امریکا با سایر دولت‌های به اعلامیه لندن مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۸ پیوستگی دارند بمنظور تهیه و شرکت در اقدامات دفاعی که طرفین آنرا مطلوب تشخیص دهند بشرط موافقت با سایر شرایط مندرج در این موافقت‌نامه اشتراك مساعی خواهند نمود.

۵ - مواد این موافقت‌نامه فعلی در اشتراك مساعی که دو دولت بشرح پیش‌بینی شده در قراردادهای بین‌المللی یا ترتیبات دیگر بعمل خواهند آورده مؤثر نخواهد بود.

۶ - این موافقت از تاریخ امضای آن مجری است و تا مدت یک‌سال پس از وصول یادداشت کتبی از هر یک از دولت‌های مبنی بر این‌که قصد دارند به آن خاتمه دهند بقوت خود باقی خواهد بود.

این قرارداد در دو نسخه در تاریخ ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۷ تحریر یافت.
از طرف دولت شاهنشاهی ایران سرلشگر ارفع
از طرف دولت کشورهای متعدد امریکا فلیجر وارن
و این است پیمان تدافعی دولت شاهنشاهی ایران با دولت ایالات متحدة
امریکا که برای خوانندگان گرامی درج گردید. (متترجم)

فصل پنجم و چهارم

حمله ژاپن به ایالات متحده امریکا

روز بیستم ماه نوامبر سال ۱۹۴۱ دولت ژاپن درخصوص اختلافی که در مورد هندوچین فرانسه با ایالات متحده امریکا داشت یادداشتی برای آن دولت فرستاد مبنی بر اینکه ژاپن نیروی خود را از هندوچین بعد از ختم زد و خورد در چین فراخواهد خواند بشرط آنکه دولت ایالات متحده امریکا اولاً مقدار کافی نفت به ژاپن بفروشد و کلیه احتیاجات را از این حیث مرتفع سازد تا کارخانجات و مؤسسات نظامی ژاپن قادر برفع نیازمندی خود باشند و ثانیاً از کمک به کشور چین طبق قانون وام و اجاره که من غیر مستقیم خصومت با ژاپن محسوب می شود خودداری کند.

روز بیست و ششم ماه نوامبر سال ۱۹۴۱ دولت ایالات متحده امریکا پیشنهادات متقابلی بدولت ژاپن داد مبنی بر اینکه برای فرستادن نفت کافی به ژاپن حاضر است بشرط آنکه اول ادولت مذکور از تسلط خود بر هند و چین فرانسه دست بردارد و کما کان حاکمیت فرانسه را بر کشور نامبرده برسمیت بشناسد و ثانیاً دولت ایالات متحده امریکا مجاز باشد کمک خود را به کشور چین ادامه دهد و مانند گذشته بدولت مزبور مساعدت نماید.

دولت ژاپن شرایط پیشنهادی ایالات متحده امریکا را که مخالف

و مغایر مقاصد و نیات باطنی خود میدید نپذیرفت و حاضر به قبول پیشنهاد آن دولت نشد اما مذاکرات خود را هم قطع نکرد و برای بدست آوردن زمینه مساعد و تحمیل نظریات خود مذاکرات را ادامه داد.

روز اول ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ در کنفرانسی که امپر طور ژاپن ریاست آن را داشت تصمیم قطعی به جنگ و حمله به قوای نظامی و بنادر سوق الجیشی امریکا گرفته شد و فردای همان روز عده‌ای از جهازات جنگی و چند ناو هوایی مابزرگ را از پایگاههای خود بمقصد غیر معلوم روانه ساختند و روز دوم ماه دسامبر بقیه جهازات جنگی را بطرف خلیج سیام فرستادند و روز هفتم ماه دسامبر دولت ژاپن بدولت ایالات متحده امریکا اطلاع داد که پیشنهاد آن دولت را از نظر اینکه مخالف منافع ژاپن است نمیتواند قبول کند و چند ساعت بعد یعنی شب هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ بدون اعلان جنگ غلتان هواپیماهای بمب افکن ژاپنی به پایگاههای بزرگ دریائی امریکا در پرل هاربور (Pearl Harbour) و جزایر هاوائی (Hawaii) حمله کردند و تمام ناوهای امریکائی را که در پایگاههای مزبور لنگرانداخته بودند و انتظار چنین پیش‌آمدی را نداشتند از بین برند و خسارات قابل توجهی وارد ساختند. چهار هزار نفر افسر و ملوان امریکائی در این حمله ناگهانی تلف شدند و دوهزار نفر هم مجروح گشتند و ناوهای جنگی آریزونا (Arizona) و آکلاهما (Oklahoma) و وست ویرجینیا (West Virginia) و کالیفرنیا (California) و چندین رزم‌ناو کوچک دیگر را غرق کردند که مجموعاً شش رزم‌ناو بزرگ و سه رزم‌ناو زرهی و سه مین انداز و دویست و چهل و هفت فروند هواپیمای امریکائی از بین رفته و ناپود شدند و با این خسارات و تلفات بی‌حد تعادل قوای ایالات متحده امریکا در اقیانوس کبیر بهم خورد.

روز هشتم ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ کنگره امریکا بدولت ژاپن اعلان جنگ داد و روز بیازدهم ماه دسامبر پس از آنکه دولتین آلمان و ایتالیا به ایالات متحده امریکا اعلان جنگ دادند کنگره امریکا بدو کشور اخیر- الذکر هم که در هوای خواهی از ژاپن وارد صحنه کارزار شده بودند در مقام مقابله بمثل اعلان جنگ داد با این ترتیب ایالات متحده امریکا با منابع سرشار و جمعیت کثیر و قوای نظامی عظیم خود در اثر اقدامات خصم‌مانه کشور ژاپن پا به میدان نبرد کذاres و از آن تاریخ جنگ جهان‌گیر دوم در تمام کره ارض باشد ادامه یافت.

بعد از ورود ایالات متحده امریکا و ژاپن به جنگ انگلستان نیز به طرفداری کشور امریکا به ژاپن اعلان جنگ داد و روزولت رئیس جمهوری امریکا با چرچیل نخست وزیر انگلستان در ماه دسامبر سال ۱۹۴۱ برای تنظیم برنامه‌ای واحد بین متفقین با حضور لیتوینف (Litvinov) سفیر کبیر روسیه شوروی در امریکا و نماینده مخصوص آن دولت در آرکادی (Arcadie) ملاقات کردند و راجع به امور جنگ بدول محور مذاکرات مفصلی بعمل آوردند و نتیجه ملاقات مذبور این شد که خطر ژاپن هر چه مهم و زیاد باشد متفقین بمسائل اروپائی حق تقدم میدهند بدین معنی که به موضوعات ناشی از جنگ در اروپا و میدانهای جنگ این قاره توجه بیشتری مبذول کرده قوای خود را در اروپا برای مغلوب ساختن محور بکار خواهند برد و پس از فراغت از خطر دشمن در قاره اروپا بمسئله ژاپن فیصله خواهند داد و ضمناً فرماندهی واحد متفقین نیز مورد مذاکره قرار گرفت ولی به نتیجه قطعی نرسید اما بعد از آن تاریخ در این مورد هم موافقت طرفین جلب شد و فرماندهی کل ارتش متفقین تشکیل یافت و تا پایان جنگ دوم جهانی وظایف خود را انجام میداد.

فصل پنجم و پنجم

تسلیم آلمان و زاپن و پایان جنگ دوم جهانی

در کنفرانسی که در کازابلانکا تشکیل یافت متفقین اعلام داشتند که غیر از تسلیم بلاشرط دولت محور به هیچ صورت دیگر حاضر بمذاکره صلح با آنان نیستند و فقط تسلیم بدون قید و شرط دولت آلمان و ایتالیا و زاپن ممکن است از ادامه زدوخورد و خونریزی جلوگیری کند.

ایتالیا با همین کیفیت حاضر بمذاکره با متفقین گردید و آلمان هم هر کاه ختم جنگ را میخواست بایستی بهمین نحو بلاشرط تسلیم گردد تا متفقین نبرد و بمباران آن کشور را پایان بخشنند و بمذاکره پردازند.

با این علت بود که به اظهارات هیتلر برای ترک مخاصمه ترتیب اثر ندادند منتظر شدند حکومتی که جانشین هیتلر میشود در حدود مذاکرات کنفرانس کازابلانکا با آنان تماس بگیرد تا بتوانند به خونریزی درقاره اروپا خاتمه دهند.

ژنرال کرب رئیس ستاد ارتش آلمان بعد از مرگ هیتلر بامارشال ژوکف وارد مذاکره و شرایط اورابرای متار که جنگ خواستار شدولی مارشال ژوکف حاضر به گفتگو و بیان شرایط متار که نشد و تسلیم بدون قید و شرط آلمان را خواستار گردید.

دریا سالار دونیتزر جانشین هیتلر که وضع را بدین منوال دید ناچار تن درداد و اسلحه را زمین گذاشت و فرمان تسلیم ارتش آلمان را صادر کرد و قرار شد نمایندگان آلمان از یک طرف در آموزشگاه ریمس (Reims) که محل ستاد آیزنهاور فرمانده کل قوای امریکا و متفقین و فرانسویان آزاد بود حاضر شده پیمان را امضاء کنند و از طرف دیگر در برلن با مارشال ژوکف فرمانده قوای روسیه نظیر همین عمل را تکرار و پیمان ترک مخاصمه را امضاء نمایند.

در ساعت دو و چهل و یک دقیقه صبح روز هفتم ماه مه سال ۱۹۴۵ جنرال جادی (Jodi) و دریا سالار فریدبورگ (Freid·Burg) به نمایندگی دولت آلمان در ریمس حضور یافته و قرارداد مربوطه را امضاء کردند و جنگ بعد از نصف شب هشتم ماه مه در تمام جبهه‌ها خاتمه یافت و بعداً مارشال کیتل به نمایندگی آلمان با مارشال ژوکف کمی بعد از نصف شب نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ نظیر همان پیمان را امضاء کرد.

در این جلسه مارشال تدرانگلیسی و دریاسالار بوروگ (Bourough) نمایندگان جنرال آیزنهاور هم حضور داشتند و چون شخص جنرال آیزنهاور نماینده حکومت موقتی فرانسه را به آموزشگاه ریمس هنگام امضای ترک مخاصمه دعوت نکرده بود روس‌ها هم از حکومت نامبرده دعوت بعمل نیاورده‌ند اما بنا بر دستور ژنرال دوکل رئیس حکومت موقتی فرانسه ژنرال دولاتر دو تاسینی (De·Lettre. Detassigny) به برلن حرکت کرد تا علیرغم نیت متفقین در جلسه منعقده حضور یابد روس‌ها هم که وضع را بدين منوال دیدند بمنظور جلوگیری از حدوث اختلاف رضایت به حضور دولاتر دو تاسینی دادند بشرط آنکه بعنوان گواه صورت مجلس قرارداد امضاء کند

شرح جلسه مذکور از این قرار است که مارشال کیتل بالباس نظامی وعصاری مارشالی با ظاهری که حکایت از جلال و شکوه آلمان میکرد با کمال وقار در اطاق حاضر شد و مارشال ژوکف پس از رسمیت جلسه از مشارالیه پرسید که آیا از مواد پیمان تسلیم آلمان اطلاع حاصل کرده اید یا نه ؟ کیتل بزبان آلمانی جواب داد بلی ژوکف آیا صلاحیت امضاء پیمان را دارید ؟

کیتل جواب داد بلی .

ژوکف دوباره گفت اوراقی که دال بر صلاحیت شماست ارائه کنید .
کیتل اوراق مورد درخواست را نشان داد .
ژوکف گفت اگر ایرادی به طرز اجرای پیمان دارید بیان کنید ؟
کیتل جواب داد برای دادن فرمان آتش بس بیست و چهار ساعت مهلت لازم است .

ژوکف گفت این تقاضا قبل از شدیده اگر ایراد دیگری دارید بگوئید .
کیتل سکوت کرد .

ژوکف اشاره به پیمان منعقده نموده گفت :
پس امضاء کنید .

کیتل بلند شد و به انتهای میزی که پیمان روی آن گسترده شده بود رفت و بیست و هشت دقیقه بعد از نصف شب نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ پیمان را امضاء نمود و سپس سایر نماینده‌گان پیمان متار که جنگ را امضاء کردند و جلسه پایان یافت کیتل هم از اطاق خارج گردید .

بدین نحو جنگ عظیم و بی سابقه ای که روز اول ماه سپتامبر سال ۱۹۳۹ میلادی شروع شده بود روز نهم ماه مه سال ۱۹۴۵ رسماً و عملیاً اروپا خاتمه یافت فقط دولت ژاپن یکی از متحده‌ین دولت محور و همکار ایتالیا

و آلمان باقی ماند که جنگ را در شرق اقصی واقیانوس کبیر کماکان ادامه میداد و طبق تعهد متفقین در کنفرانس یالتا فرار بود بعد از تسلیم آلمان همگی متوجه شرق اقصی و کشور ژاپن شده کار آن دولت رایکسره سازند و کرۀ زمین را از خونریزی نجات بخشند.

دولتین انگلستان و امریکا بعد از فراغت از کار آلمان فعالیت جنگی خود را در شرق اقصی تشدید و قوای عظیمی روانه آن سامان نمودند. انگلیسی ها در بیرمانی (Birmanee) و امریکائی ها در فیلی پین (Philippines) و جزایر اطراف آن دست به حملات دامنه داری زدن مقصود امریکائی ها از تمثیر کثر فعالیت خود در فیلی پین این بود که اگر ژاپنی ها را از آنجا خارج می نمودند سر بازو ها پیمای کافی در آن جزیره جمع می کردند قوای ژاپن بدلونیمه تقسیم می شد نیمی در جزایر هند شرقی و استرالیا و نیم دیگر در ژاپن و جزایر اطراف آن می ماند که استیلای بر آنان و شکست نهائی سه هتلتر می کردند و از طرف دیگر از فیلی پین که نزدیکتر به ژاپن بود حملات هوائی و بمباران توکیو و سایر شهر های صنعتی اشکالی نداشت.

انگلیسی ها در سال ۱۹۴۵ تحت فرماندهی لرد مونت باتن (Mount · Batten) بمقصود خود توفيق یافتند و ژاپنی ها را از بیرمانی خارج و رانگون (Rangoun) را تصرف کردند.

امریکائی ها تا پنجم ماه ژوئیه سال ۱۹۴۵ بتمام فیلی پین که در اوایل جنگ از دست داده بودند مسلط شدند و مانیل (Manille) را بعد از نبرد سختی آزاد کردند و هوایپیما های دژپر نده از آنجا پرواز کرده مراکز مهم صنعتی ژاپن را بزیر بمبهای سنگین و آتش زای خود گرفتند.

چیانگ کای چک (Chiang - Kai - Tchek) رئیس دولت چین که مهمات و اسلحه زیادی از امریکائی ها دریافت داشته بود از فرصت استفاده کرد و بحملات بزرگی دست زد.

روز هیجدهم ماه مه بندر فوچؤ (Fou - tcheou) را گرفت و خود را به ساحل اقیانوس کبیر و دریای زرد رسانید .
ژنرال مک آرتور (Mac - Arthur) فرمانده قوای امریکا بعد از تصرف فیلی بین جزیره اکیناوا (Okinawa) را که تازا پن ششصد کیلومتر بیشتر فاصله نداشت متصرف شد و روز شانزدهم ماه ژوئیه سال ۱۹۴۵ بدون آنکه قوای بحری ژاپن عکس العملی نشان دهد کشته های جنگی مقیین ساحل هاندو (Hondo) را به باد کلوله کر فتند و خسارات بسیاری وارد ساختند .
بعد از فوت فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا هاری ترمون (Harry - Truman) معاونش جانشین او شد و برای اینکه زودتر ژاپن را مجبور به تسلیم و ترک خونریزی کند تصمیم گرفت برای اولین دفعه بمب اتمی را که علمای امریکائی ساخته بودند مورد عمل قرار داده یکی از شهرهای ژاپن را با آن بمب جدید الاختراع بمباران کند .

روز شانزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۵ یک فرونده واپیمای دژپرندۀ ب ۲۹ موسوم به گریت آرتیست (Great Artist) یک بمب اتمی روی شهر هیروشیما افکند که تمام شهر را خراب و تبدیل به تل خاکستری ساخت و دویست هزار نفر ساکنین آن شهر تلف و مجروح گردیدند .

تصادفاً شهردار هیروشیما که خارج از شهر منزل داشت ازین واقعه جان سالم بدربرد و مشاهدات خود را چنین نقل کرد :
از شهر هیروشیما اثری جز تل خاک باقی نماند و بکلی ازین رفت و تاشیاع یک کیلومتر از محل سقوط بمب جنبندهای جان سالم بدربرد و هر چه بود تلف شد و تашیاع دو کیلومتر چند نفری که پناهگاه محکم و عمیق داشتند نیمه جانی بدر برند و بعداً در اثر معالجه بهبودی یافتنند و بقیه به هلاکت رسیدند تاشیاع سه کیلومتر که خانه های منهم در آن نقطه بود کلیه منازل

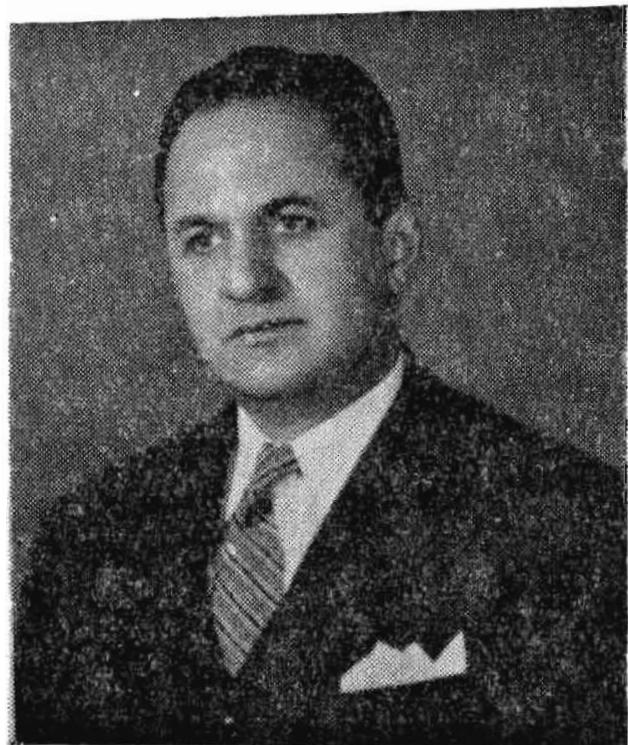
به روی ساکنین از جمله من و خانواده‌ام خراب شد و قبل از خرابی روشنایی خیره کننده‌ای همه جا را فراگرفت و در اطراف خانه من چند کلبه از نی و پوشال ساخته شده بود که حرب آنها را سوزانده واژبین برد.

فردای واقعه تأسف آور شهر هیروشیما بمم اتمی دیگری به روی ناگازاکی (Nagasaki) افکنده شد که دولت ژاپن دیگر تاب مقاومت نیاورد و یک روز بعد با شرط اینکه حقوق امپراتور محتشم شمرده شود تسلیم شدو اسلحه را زمین گذاشت. یک روز قبل از تسلیم ژاپن روسیه شوروی به آن کشور اعلان جنگ داد و سر بازان روس وارد خاک منصوری شدند و با سرعت بتصرف آن پرداختند. فعالیت روسیه در جنگ علیه ژاپن بسیار ناچیز وغیر قابل توجه بود و بطوریکه فوقاً ذکر شد یک روز قبل از تسلیم آن کشور تعهداتی را که در کنفرانس یالتا دائر بمخاصمه با ژاپن به گردن گرفته بود بعد از مغلوبیت مسلم آن کشور اجرا نمود.

بدیهی است اینگونه مخاصمات جز بقصد شرکت در تابع حاصله از پیروزی و سهیم بودن در اراضی منترع از ژاپن نبود.

موقعیکه کشور ژاپن مانند سایر متحده‌ین بلاشرط تسلیم گردید و اسلحه را زمین گذاشت متفقین برای امضای پیمان لازم نمایند گان خود را به شهر مانیل پایتخت جزیره فیلی‌پین اعزام داشتند و از دولت مزبور خواستند که نمایند گان مختار خود را با آن شهر بفرستند.

روز نوزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۵ فرستاد گان ژاپن به شهر مانیل پایتخت فیلی‌پین وارد شدند و در عرشہ کشتی جنگی میسوری (Missouri) با حضور ژنرال مک‌آرتور و دریا سالار نی‌میتز (Nimitz) نمایند گان دول متفق پیمان تسلیم کشور خود را امضا کردند و جنگ دوم جهانی خاتمه پذیرفت و دنیا از قتل و خونریزی بامید برقراری صلح و آرامش نجات یافت.



• مترجم کتاب «رضا شاه کبیر یا ایران نو» •



پایان

